

بسم الله الرّحمان الرّحيم وبه نستعين إنّه خير ناصر ومعين الحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على محمّد وعلي وآلهما الطّيّبين الطّاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

قال الله تعالى في القرآن الكريم: إِنَّنِي أَنَا اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

آئین نماز

أحكام و آداب و أذكار نماز

برگرفته از آثار: منهج العبودية، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المكية، المسائل المدنية، المسائل الغروية، المسائل الحائرية، المسائل الخراسانية، المسائل اليمانية، المسائل القمّيّة، المسائل الإصفهانية، المسائل الشيرازية، المسائل الهمدانية، المسائل الرازية، المسائل الشامية، المسائل المصرية، المسائل المشرقية، المسائل المغربية، المسائل الأندلسية، المسائل الرومية، المسائل الهندية، المسائل القفقازية، المسائل البحرينيّة.

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: دار المعارف الإلهيّة

ارائه و نشر: پژوهشکده علوم فقه آئین الهی بنیاد حیات اعلی



پاسخ برگزیده

جزء سوّم: آئین نماز (احکام و آداب و أذکار نماز)

برگرفته از آثار: منهج العبودية، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المكية، المسائل المدنية، المسائل الغروية، المسائل الحائرية، المسائل الخراسانية، المسائل اليمانية، المسائل القمّيّة، المسائل الإصفهانية، المسائل الشيرازية، المسائل الهمدانية، المسائل الرازية، المسائل الشامية، المسائل المصرية، المسائل المشرقية، المسائل المغربية، المسائل الأندلسية، المسائل الرومية، المسائل الهندية، المسائل القفقازية، المسائل البحرينيّة.

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: دار المعارف الإلهيّة

ارائه و نشر: پژوهشکده علوم فقه آئین الهی بنیاد حیات اعلی

تحقیق ۱۴۰۵ نشر اول ۱۴۱۵ نشر دوم ۱۴۲۵ نشر سوم ۱۴۳۵

مجموعه فقه آئين الهی در سه نوع نسخه تألیف و تدوین شده است:

۱- نسخه مختصر؛ بنام (پاسخ برگزیده) که صرفا حاوی جوابیه هاست، ۲- نسخه مفصل؛ بنام (جامع المسائل) که بجز جوابیه ها؛ حاوی ابواب مفصله مسائل فقهیه است، ۳- نسخه مشروح؛ بنام (منهج العبودية) که بجز جوابیه ها و مسائل مفصله؛ همچنین حاوی مستندات احکام شرعیه؛ از کلام وحی و کلام خازنان وحی علیهم السلام؛ و شرح استدلالات فقهیه و اصولیه آنهاست. و هر يك از این نسخه ها و کتابها حاوی اجزاء دهگانه ای به شرح زیر است:

جزء اوّل: کتاب آئین معرفت

جزء دوّم: کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)

جزء سوّم: کتاب آئین نماز و نیایش (عبادت)

جزء چهارم: کتاب آئین التزام به طاعت (حق)

جزء پنجم: کتاب آئین خانواده و أُسْرَت

جزء ششم: کتاب آئین کار و معیشت

جزء هفتم: کتاب آئین حجّ و عمره و زیارت

جزء هشتم: کتاب آئین خدمت (لوجه الله) و مواسات (با اهل حق)

جزء نهم: کتاب آئین احسان به امت و هدایت بشریت

جزء دهم: کتاب آئین بازگشت (به حق)

نمایه مطالب کتاب آئین نماز جزء سوم از کتاب پاسخ برگزیده

معرفی مجموعه فقه آئین الهی و انواع نُسَخ و اجزای آن	۳
نمایه مطالب کتاب آئین نماز	٤
سرآغاز	۸
مرجع آگاهی و معرفت دینی	۹
معرفت نماز	۱۱
طهارت (پاکی و پاکیزگی) برای نماز	۱۳
طهارت (پاکی و پاکیزگی) در نماز	۱٤
لباس و زیّ در نماز	۱۷
هنگام نماز	۲۲
محاسبه و روش تشخیص اوقات شرعی در همه نقاط کره زمین	۲٦
ارتباط استجابت دعا با نماز	۹٤
مکان نماز	۱۰۲
اذان و اقامه برای نماز	۱۰٦
بین اذان و اقامه	۱۱۰
قیام برای نماز	۱۱۱
قبله نماز	۱۱۳
حضور در نماز	۱۱۷
توجه در نماز	۱۲۱

نیت نماز	۱۲۸
افتتاح نماز	۱۳۱
قرائت (تلاوت در) نماز	۱۳٤
اذکار نماز	۱٤٥
رکوع و سجود نماز	۱٤٦
تفاوت مردان و زنان در روش رکوع و سجود نماز	۱٤٦
ذکر رکوع و سجود نماز	۱٤۸
أدعیه رکوع نماز	۱٥۱
بعد از رکوع نماز	۱٥۲
أدعیه سجود نماز	۱٥٤
بین دو سجده در نماز	۱٥۷
احکام سجود نماز	۱٥۸
احکام سجدات تلاوت در نماز	۱٦٥
قنوت نماز	۱۷۸
ادعیه قنوت نماز	۱۷۹
رکعت سوم و چهارم نماز	۱۸۳
تشهد و اختتام نماز	۱۸٥
تفاوت زنان و مردان در کیفیت نشستن برای تشهد و اختتام نماز	۱۸٥
اذکار تشهد و اختتام نماز	۱۸۷
اذکار اختتام مفصل	۱۸۸
اذکار اختتام مختصر	۱۹۲

اذکار اختتام اضطراری	۱۹۳
تعقیبات نماز	۱۹۶
خلل در نماز	۲۱۶
قضای نماز	۲۲۵
نماز کفاره قضا (نمازهای از دست رفته)	۲۲۸
آئین نماز مسافر	۲۳۲
نماز جماعت	۲۴۸
آئین نماز جمعه	۲۷۰
آئین مسجد (نمازگاه)	۲۷۲
نماز آیات (الهی)	۲۷۳
نماز طواف عمره و حج	۲۸۵
نماز نافله یومیه	۲۸۹
نمازِ عیدُ الله اکبر (بزرگترین عید الهی)	۲۹۴
نماز عیدین (فطر - قربان)	۳۴۸
نماز میّت	۳۴۴
نماز هدیه شب اول قبر	۳۶۳
نماز حضرت صاحب الأمر (منه السلام وإليه التسليم)	۳۶۵
نماز جناب جعفر طیار علیه‌السلام	۳۷۹
نماز استخاره	۴۰۲
نماز شُکر	۴۰۷
نماز حفظ قرآن	۴۰۷

نماز سفارشی: (وصیت) حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله قبل از رحلت	٤١١
نماز غُفَيْلَة	٤١٢
نماز نوروز	٤١٤
نمازهای ایام سال قمری	٤١٨
نمازهای آغاز سال قمری (اوّل ماه مبارك رمضان)	٤١٨
نمازهای اول هر ماه قمری	٤٢١
نمازهای ماه مبارك رمضان	٤٢٣
نمازهای ماه شوال	٤٤٨
نمازهای ماه ذی قعده	٤٥٢
نمازهای ماه ذی حجه	٤٥٤
نمازهای ماه محرم الحرام	٤٦٣
نمازهای ماه صفر	٤٦٨
نمازهای ماه ربیع الأوّل	٤٧٠
نمازهای ماه ربیع الآخر	٤٧٩
نمازهای ماه جمادی الأولی	٤٨٠
نمازهای ماه جمادی الأخری	٤٨٠
نمازهای ماه رجب	٤٨١
نمازهای ماه شعبان	٥١٦
نمازهای پایان سال قمری (آخر ماه شعبان)	٥٤٣
نمازهای مستحبی	٥٤٥
معرفی برخی آثار دار المعارف الإلهیّة	٥٤٨

سرآغاز

سؤال: آیا ابتداء و شروع به بسم الله در هر کاری، واجب است شرعاً؟

جواب: از جانب مولی (منه السلام) در انجام آن تأکید بسیار گردیده است، و همین کافي است در لزوم تأدّب و التزام به آن، و نباید اختیارا ترك شده؛ و اجتناب از آن هم جایز نیست، ولی در صورت نسیان یا غفلت؛ ترك آن موجب معصیت نیست. [شمارة ثبت: (۱۳۹) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: مرجع آگاهی و معرفت دینی؛ و کسی که انسان احکام مولی (منه السلام) را از او می گیرد؛ باید دارای چه شرایطی باشد؟ از چه راههائی می توان واجد شرائط را شناخت؟

جواب:

(۱)- ما همه بندگان حضرت پروردگاریم (جلّت عظمته)، و لازمه عبودیت الله؛ تسلیم ارادة الله بودن؛ واطاعت از حکم الله است، و تطبیق این بندگی؛ به ساحت قدسیه وجه الله (منه السلام) و درگاه مقدسه ولایت کبری (إلیه التسلیم) با تبعیت از حضرت قائم بأمر الله عليه السلام می باشد، فلذا همگی ما؛ بندگان مولا صاحب الأمریم، و جز دل سپردن و پیروي و بذل هستی خویش در جهت خواسته حضرتش وظیفه ای نداریم، و با انجام این امور (که بر همه عباد الله فریضه و لازم است)؛ بندگي خداوند (عزّ وجلّ) و صدق عبودیت حق؛ تحقق می یابد.

(۲)- تحقق بندگي مولا (منه السلام)؛ مرهون: معرفت به مولا عليه السلام و شناخت آئین بندگي نسبت به اوست.

(٣)- نتيجه معرفت و عبوديت؛ روشني و پاكي و سلامتي و كمال جميع جهات وجودي انسان از تن و روان و جان؛ و رسيدن به زندگي برتر و حيات اعلى است، از اين رو؛ دايره وسعت معرفت به شعاع حقيقت اعلى؛ و گستره محيط عبوديت؛ به اندازه ظرفيت وجودي عالم صغير (انسان)؛ و ابعاد عالم كبير (هستي) مي باشد.

(٤)- بنده راستين مولا؛ بايستى كه تمامي معارف الهيه (و از جمله روش بندگي را) از مولا عليه السلام اخذ نمايد. كه در كلام وحى نازل شده؛ و در كلام خازنان وحى عليهم السلام تبيين گرديده است.

(٥)- أما واسطه دريافت و معرفت به آن معارف الهى؛ بايد كه:

١- مؤمن قطعي؛ و مبراي از تقصير در معرفت باشد.

٢- و تسليم مطلق حضرت ايشان بوده، و از انفعال از غير مولا عليه السلام بريئ باشد.

٣- و اعتقاد و التزام او به مولا عليه السلام؛ مشروط به همراهي خلايق؛ يا توافق با سليقه شخصى خودش نباشد.

٤- و بخاطر تعبّد به أمر يا روش مولا عليه السلام؛ از اعراض و انكار و ملامت خلايق (ولو عموم مؤمنين) نهراسيده، و در التزام به عبوديت حق؛ سستى يا تغييرى عارضش نشود.

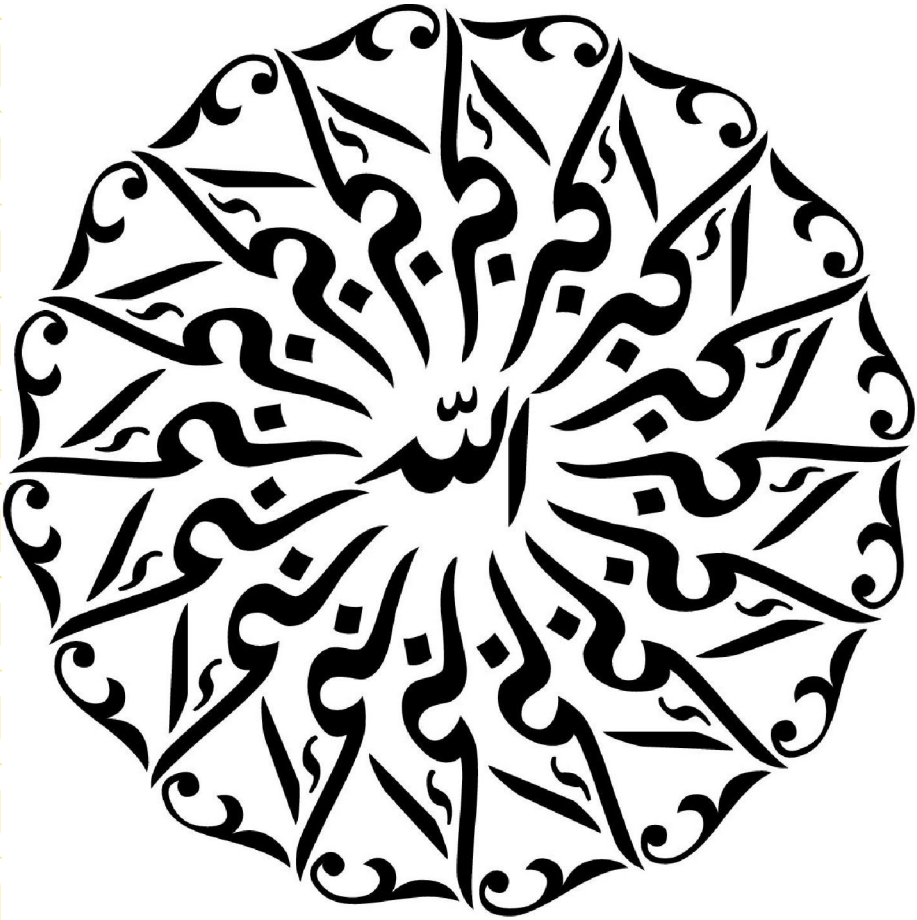
٥- داناى به كلام وحى و بيان آن از كلام خازنان وحى عليهم السلام بوده؛ و روش علمى او مبتنى بر درايت و فقاهت و تتبع مجموعه كلام مقدس بوده، و ضمن إعمال شروط سابقه در منهج فقهى؛ از شوب مسالك علميّه غير ملتزمه به شروط مذكوره، پيراسته باشد.

٦- و در رساندن و بيان منهج مولا عليه السلام امين باشد.

٧- و نيز تمام همّ و همتش مولا عليه السلام باشد، و نه تنها دنبال هوا و خواسته و منفعت خود و خلق نبوده؛ بلكه متفرّد در امر مولا عليه السلام و مسير او باشد.

(٦)- اين شناخت به صلاحيت (واسطه دريافت و معرفت آن معارف الـهى)؛ يـا مستقيما بدست مي آيد؛ يا به واسطه شخص معتقـد بـه مـنهج صـحيح؛ و آگاه و امين ميسر مي گردد.

(٧)- و در احـراز شرايـط (واسـطه دريافـت و معرفـت آن معـارف الـهى) و صلاحيت او؛ بايد كه در مجموع اطمينان پيدا كند. [شمارة ثبت: (٥٢٦) و (١٠٣٦) منبع: المسائل الخراسانية]



معرفت نماز

سؤال: مكررا از علما و خطبا شنيده و در كتابهايشان ديده ايم؛ كه بنابر كلمات معصومين عليهم‌السلام ؛ حضرت مولا علي عليه‌السلام باطن نماز هستند، ولى در معناى اين مطلب؛ توضيح گويا و رسايي نديده ايم، آيا ممكن است جناب عالى درباره اينكه حضرت مولا علي عليه‌السلام باطن نماز هستند؛ توضيحي بفرماييد؟ از اين حقيقت بزرگ و ارزشمند؛ چه بهره عملي در نماز يا ديگر اعمالمان مي توانيم داشته باشيم؟ و به بيان ديگر: چطور مي توانيم آنرا پياده كنيم و به آن برسيم (ان شاء الله)؟

جواب: اين حقيقت امر عظيمي است؛ كه فراتر از مقوله پرسش و پاسخ بوده؛ بلكه زبان گفتار در آن اَلْكن است، و مهمتر از آن؛ تفصيل در بيان بعض حقايق؛ منافي با فريضه كتمان اسرار؛ براى منع مقصرين و اشرار؛ از سوء فهم و تحريف در تعبير و گفتار است، ولى به نحو اجمال؛ و با رعايت شرايط مقال؛ اشاره اي مي شود:

معناى عمومي آن اين است:

١- نماز مهمترين فريضه عبادي ظاهري است؛ و چون حضرت مولا عليه‌السلام باطن نماز هستند؛ ولايت حضرتش هم بالاترين فريضه باطني است.

٢- نماز نشانه ظاهري عبوديت است، و ولايت نشانه باطني آن مي باشد.

٣- با التزام به نماز؛ شخص ظاهرش بندگي دارد، و با التزام به ولايت؛ باطنش هم بندگي دارد، و بندگيش ظاهري نبوده؛ و باطنا هم واقعيت دارد.

٤- بدون قبولي نماز؛ ساير عبادات قبول نمي شود، و بدون ولايت؛ نماز قبول نمي شود.

۵- اگر نماز شخص پذيرفته شد؛ كاستي هاي او در فرايض ديگر به لطف حق و شفاعت مولا عليه السلام جبران مي شود، و اگر شخص ولايت داشت و پذيرفته شد؛ به بركت ولايت؛ كاستيهاي ديگرش در پندار و گفتار و كردار جبران مي گردد.

معناي خاص آن اين است:

۱- نماز گزارشي از معراج افضل خلايق خاتم الأنبياء صلى الله عليه وآله است، كه در آن حظيره قدسي با حق تعالى هم سخن گشت؛ و خداوند با گويش و لحن و آهنگ صداى مولا علي عليه السلام با پيامبر صلى الله عليه وآله سخن گفت.

۲- از بركت ظاهر نماز؛ بايد به حقيقت و باطن نماز رسيد.

۳- نماز وسيله معراج مؤمن است، و بوسيله آن؛ مي شود به حضرت ربوبي شرفياب گرديد.

ان شاء الله با توفيق حق؛ و به بركت دستگيري و عنايت مولا عليه السلام؛ و با تأمل در اين گونه حقايق و رقايق؛ و التزام به آداب ظاهري و باطني نماز؛ مي توان ضمن اداى فريضه و تحقق معراج؛ به باطن نماز نيز رسيد. [شماره ثبت: (۱۲۱۰) منبع: المسائل الأندلسية]



طهارت برای نماز

توضیح و ارجاع

❖ پس از معرفت لازم به حقیقت و آداب و احکام نماز، اولین امری که قبل از نماز باید تحصیل گردد؛ پاکیزگی و پاکی لازم برای نماز است.

❖ این مبحث ابواب مفصله و متعددی دارد، که از جمله رؤوس ابواب آنهاست:

شناخت آلودگیها،

شناخت شرایط پاکیزگی و پاکی،

شناخت پاکیزه و پاك کننده ها،

شناخت پاکی ویژه نماز (وضو، غسل و تیمم)،

❖ هر یك از این عناوین؛ دارای مباحث گوناگون و فروع و مسائل مستقله و مفصله ای است، که بدلیل تفصیل آنها؛ در جزء مستقلی مطرح می شود.

❖ ما این مباحث و مسائل را در جزء دوم کتابهای: پاسخ برگزیده؛ و جامع المسائل؛ و منهج العبودیة؛ به نام: کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت) آورده ایم. کلیات این موضوع و آنچه تحصیلش قبل از شروع در نماز لازم بوده؛ در کتاب زیر آمده است:

کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)

و آنچه از این مبحث به حین انجام نماز مربوط می شود؛ در فصل بعدی می آید.

طهارت در نماز

سؤال: اگر انسان مصلّی در حین صلاة؛ بینی او خون بیفتد و قابل کنترل نباشد؛ الف: مگر با بردن آن به حلق (بالا کشیدن خون از طریق بینی) ب: در صورت الف اگر روزه باشد وظیفه چیست؟ ج: اگر به حلق نتواند ببرد وظیفه چه می باشد؟

جواب: در صورت عروض رعاف (خون ریزی بینی) در هنگام نماز؛ پس اگر به آب دسترسی داشته باشد در نزدیکی خود چه در سمت راست یا در سمت چپ یا روبروی خود به طوری که با حفظ حالت نماز و عدم رو گرداندن از قبله و صحبت نکردن، شستن و تطهیر آن ممکن است پس انجام می دهد و ادامه نماز را بجای می آورد، و امّا اگر بر جلوگیری از ریزش آن و یا تطهیر از آن؛ قادر نیست الاّ اینکه از قبله روی بگرداند یا صحبت کند، پس نماز او قطع خواهد شد. و پس از تطهیر نماز را از سر گیرد. [شمارة ثبت: (٢٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: حکم شخص مسلوس و دائم الحدث از نظر کیفیت انجام نمازها چگونه است؟

جواب: کسی که اختیار و امساك حدث را ندارد و از جمله شخص مسلوس، اگر بتواند یك نماز را بدون وقوع حدث بجای آورد، برای هر نماز تطهیر و تحفّظ و وضو بر او لازم است، - و تطهیر و تحفّظ در صورت وقوع حدث به خروج نجاست لازم است، و مراد از تحفّظ؛ همان قرار دادن پنبه یا پارچه، و تدبیر موضع بروز به امتناع از بروز، یا لا أقل منع از سرایت آن می باشد – و همین حکم را دارد در صورتی که بقدر دو نماز متوالی قدرت امساك را داشته باشد، که باید جمع بین صلاتین نماید بدین نحو که: نماز ظهر را در آخر وقت خود قبل

از دخول وقت عصر بجای آورده، سپس فورا نماز عصر را در أول وقت آن بخواند، و نیز نماز مغرب را در آخر وقت خود قبل از دخول وقت عشاء خوانده، و بعد از آن فورا نماز عشاء را در أول وقت خود بجای آورد. و اگر ابتلاء او بحدّی است که اختیار و امساك بقدر یك نماز را هم ندارد، باید ضمن جمع بین صلاتین بنحو مذکور؛ قبل از شروع در نماز اول تطهیر و تحفّظ و توضّی نماید، و نیازی به تجدید تطهیر یا تحفّظ یا توضی بین هر نماز یا بین دو نماز را ندارد، ولی اگر علم قطعی پیدا کند به نقض وضو در میان نماز یا بین دو نماز، فقط باید تجدید وضو نماید و لو در میان نماز، و نیازی به تجدید تطهیر یا تحفّظ ندارد. و اگر شخصی دائم الحدث مطلق باشد، بحدّی که لایزال محدث است، یك بار تطهیر و تحفّظ و توضّی برای تمام روز او کافی است، و نیز برای شب تجدید نموده که برای تمام شب او کافی خواهد بود، و نیازی به جمع بین صلاتین نداشته، و نمازها را در اوقات پنجگانه آن بجای می آورد. [شمارة ثبت: (۳۸۳) منبع: المسائل القمية]

سؤال: اگر شخصی دستمال یا چیزی شبیه آن که مثلاً خون زخم یا بینی را با آن پاك نموده و آن دستمال نجس است و آنرا در جیب گذاشته باشد و سپس با علم به نجس بودن آن عمداً یا سهواً به نماز بایستد نماز او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از ما لا تتمّ الصلاه فیه باشد؛ اشکالی ندارد، و نماز او صحیح است. إن کانت ممّا لا تتمّ الصّلاة فیها فلا بأس بها، و الصّلاة معها صحیحة. [شمارة ثبت: (۱۹۱) منبع: المسائل القمّیّة]

سؤال: حکم همراه داشتن اشیاء فلزّیّ در نماز چیست؟ آیا نوع آن در حکم تأثیر دارد؟ آیا بین فلزاتی که با بدن اتصال دارند مثل ساعت و عینك با فلزاتی که صرفاً همراه انسان هستند مثل کلید، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تعبیر فلزّات بسیار کلّی بوده، چه اینکه به غیر از آهن که لمس آن (بنابر احادیث شریفه) مستلزم تطهیر با تماس با آب است، (مگر اینکه روکش استیل

یا رنگی یا غیر آن داشته باشد، و بغیر از طلا که برای مرد تزیّن به آن اشکال دارد) بقیه فلزّات لمساً و لبساً در صلاة وغیر صلاة مشکلی ندارد.

بله، در شرع شریف توصیه شده که شخص نمازگزار؛ ادوات ساخته شده از آهن (مثل حلقه انگشتر و مانند آن از وسایل همراه مثل کلید) را همراه نداشته باشد، مگر در شرایط اضطرار (و خوف بر تلف یا گم شدن و غیر آن) باشد، و همین طور است حکم وسایل جنگی در حالت جنگ یا دفاع، ولي اگر اشیاء آهنی (مانند کلید وغیر آن) در محفظه ای باشد که موجب تماس با شخص مصلّی نباشد؛ مانعی ندارد. و احکام مذکوره در خصوص آهن می باشد؛ لا غیر، و آهن روکش شده به نحوی که مانع تماس با جرم آهن می شود؛ از حکم آهن مستثنی است، هر چند اجتناب از مباشرت آهن و آهن آلات مطلقا مؤکّد است. [شمارة ثبت: (٦) منبع: المسائل القمّيّة]



لباس و زيّ در نماز

سؤال: ما يجب ستره على المرأة في الصلوة؟

جواب: يجب عليها ستر جميع بدنها حتى القدمين واليدين وكذلك الرأس ومنها الشعر والرقبة؛ إلاّ الوجه، وذلك بمقدار ما تغسله في الوضوء. [شمارة ثبت: (١٠٥٩) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: اگر خون يا نجاست ديگر به لباس نمازگزار برسد و اندازه آن بسيار اندك باشد آيا نمازگزار بايد موقع نماز لباس را عوض كند يا خير؟ همچنين آيا جوراب و كلاه جزء لباس، هنگام نماز خواندن به حساب می آيد يا خير؟

جواب: لباسهای اصلی مثل پيراهن و شلوار و عبا كه به تنهايي برای پوشش نماز و يا (مثل شورت) كه برای تأمين حداقل پوشش نماز كفايت كرده و نماز در آن صحيح است؛ بايد پاك باشد، و الا نماز با آنها صحيح نيست، اما ملبوساتی كه به تنهايي در آنها نماز صحيح نيست (مثل كلاه و جوراب)؛ پاك بودنشان لازم نيست، و خون زخم و دمل فعلي بدن انسان (به هر مقدار باشد) معفو است، كما اينكه خون (غير دماء ثلاثة) به قدر درهم نيز معفو است. البته اگر نماز را با لباس خون آلودي (غير دماء ثلاثة) شروع كرده؛ و در حين نماز متوجه شود، پس اگر لباس ديگری بر او هست؛ كه با جداساختن لباس آلوده؛ پوشش لازم نماز باقی است؛ پس بهتر است كه در همان نماز لباس آلوده را بيرون آورد، و الا نماز را با آن تمام می كند. [شمارة ثبت: (٢١٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نسيان لبس أو حمل الجلد من غير المذكى شرعا في الصلاة مع تذكر ذلك في الاثناء هل يبطلها أم يكفي نزعه حين التذكر؟

جواب: ربما يكفي النزع فورا ولا تبطل الصلاة؛ ولكن الأحوط الإعادة. هذا اذا كان الملبوس مما تتم الصلاة فيه، اما اذا كان مما لاتتم الصلاة فيه فلا بأس به وإ كان الأفضل نزعها حين الصلاة. [شمارة ثبت: (٣٨٩) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: اگر مردي در مجلس عزاداري حضرت امام حسين عليه السلام شركت كند و براي رضاي خداوند قمه بزند و لباس او خوني شود؛ آيا نماز خواندن با لباس خوني؛ نماز او باطل است؟ و اگر نماز جماعت با لباس خوني خوانده بايد نماز راقضا كند؟

جواب: برای نماز باید احکام طهارت بدن و لباس رعایت شود، و خون از زخم فعلی بدن که در لباس و بدن منتشر است، آن مقداری که به آسانی قابل تنظیف و تطهیر و تعویض لباس (برای نماز) است؛ باید رعایت شود، و مابقی خون مثل خون خود زخم و یا خون از زخم در مواضع دیگر در صورتی که از زخم جاری است و یا تطهیر و تعویض مشکل باشد؛ این موارد برای نماز معفو است هر قدر هم زیاد باشد و خواندن نماز با آن اشکالی ندارد، اما اگر شخص مذکور فاقد لباس و وسیله تطهیر نبوده؛ و علیرغم سهولت تنظیف و تطهیر؛ به مقدار میسور هم اقدام نکرده؛ و نماز را بدون رعایت شرایط طهارت لازم گزارده؛ پس نمازش را اعاده می نماید، و و فرقي ميان فرادی و جماعت نیست، اما نماز مأموین پس اگر می دانسته اند که وظیفه امام تطهیر است و خواندن با این وضعیت اعاده لازم دارد؛ پس نمازشان صحیح نیست، و باید اعاده کنند، اما اگر وقت نماز؛ از عدم طهارت یا تارك وظیفه و مستلزم اعاده بودن اطلاع نداشته و بعد از نماز مطلع شده که امام جماعت تارك طهارت بدن و لباس بوده؛ پس در این صورت نماز مأمومین صحیح است، ولو اینکه وظیفه امام جماعت اعاده نماز باشد. [شمارة ثبت: (١٥١٥) منبع: المسائل القفقازية]

سؤال: چرا خانم ها موقع نماز بايد حجاب داشته باشند؟

جواب:

١- اين سؤال ناشي از عدم اطلاع از حكمت حجاب، و تفاوت نماز و زيارت با ساير اعمال عبادي است.

٢-مقالات و تبليغات توسط مراكز غير مطلع از تعاليم مكتب وحي؛ و برخوردهاى كيلويي تبعي آن با امر حجاب؛ سبب دورشدن بيشتر اذهان جامعه از اين حكمت الهي، بلكه گريزان شدن افراد در التزام به حجاب است.

٣- حجاب يك تكريم و احترام خاص براى زن مؤمن است، نه يك روبوش براى جنس مؤنث، ولذا در اسلام؛ زنان غير مسلمان در جامعه اسلامي حق ندارند حجاب كامل داشته باشند، بلكه صورت و سرشان بايد باز باشد و نپوشانند، چه اينكه حجاب يك احترام مخصوص زنان مؤمنه است، و اگر كسي تاريخ اسلام را مطالعه كند؛ مي بيند كه حكومتها هم اگر زني مسلمان رويش را باز مي گذاشته؛ مانعش نمي شدند، چون در حقيقت او خودش را از مرتبه تكريم ويژه تنزل داده است، اما اگر زن نامسلماني سر يا رويش را مي پوشاند، با او برخورد مي كردند؛ كه قانون را رعايت نكرده است، (مطالعه اين موارد تفاوت رويكردها و آگاهي و عدم آگاهي افراد را آشكار مي سازد).

٤- موضوع نگاه نكردن و چشم خيره نشدن به زن مؤمنة نامحرم؛ نيز از باب همين احترام و تكريم است، ولذاست كه نگاه به زن غير مسلمان مباح بوده و منعي ندارد، مگر اينكه نگاه از روي شهوت باشد، كه آنوقت اين رفتار شهوت انگيز ممنوع است. نه بخاطر زن بودن و نگاه كردن به وي.

٥- دانستن همين نكات كه به اشاره بيان شد، در ميان زنان مؤمنة؛ مى تواند

سبب درك اهميت و ارزش حجاب شده، و با آگاهيش؛ از التزام بـه آن سـختى و يا محدوديتي احساس نمي كنند، مانند همه التزاماتي كه براى خوب بـودن جلـوه يا موقعيتشان متحمل مي شوند، كه نه تنها برايشان سخت نبوده؛ بلكه بـه انجـام و فراهم كردن آن شائق هستند.

٦- نماز كه مؤمنين و مؤمنات مي خوانند تحفـه الـهي سـفر معـراج نبـوي صلى الله عليه وآله براى اهل ايمان است، كه خداوند اجازه فرموده با بجاي آوردن و اجراي صورت گزارش ديدار پيامبر صلى الله عليه وآله با حقتعالى در معراج، به نـورانيتي نائـل بـشوند، كـه بتوانند خود در اين دنيا يا بعد از آن به حضور حق نائل بشوند.

٧- از اين رو آداب نماز با آداب ديدار بزرگان از پوشيدن لباس فـاخر و زينـت و عطر و.. همسو بوده، و همين موارد در نماز هم توصيه شده اسـت، همـانطور كـه يك زن متشخص وقتي به ميهماني مجللي راه يابد از بهترين و برترين پوشش خـود استفاده مي كند.

٨- بجز قبايل وحشي اعماق جنگلها كه دور از امكانـات و تمـدنها بـوده انـد، در همه جوامع و ملل دنيا حتى غربيها؛ تا قبل از دو قرن اخـير و حكومـت مطلقـه مسلك الحاد و لائيك و سلطه شيطان بـر ايـشان (كـه اصرار بـر بـرهنكي زنـان دارد)؛ همه زنان جهان (از هر ملت و آئين) داراي حجاب و پوشش بوده اند،

و آثار بيشمار مصور و مكتوب موجود (در طول هزاران سال) گـواه آشـكاري بـر اين امر است، پس به مقتضاي طبيعت (غير منحرف) زنانه؛ پوشش داشـتن (سر و بدن) زنان امري شايسته و لازمه زن بودن آنهـا؛ و بـراى تكـريم ايـشان بـر اساس فطرت بوده است، هـر چنـد فوايـد ضـمني مثـل عـدم ايجـاد پيامـدهاى برهنگي و دفع مفاسد را نيز دارد. ولي اصل حكمت آن تكريم است.

۹- برای همین در نماز (که ملاقات خداست) و زیارت (که دیدار با امام مورد زیارت است)؛ پوشیدن بهترین لباسها و داشتن زینت جزو آداب آنست، و از جمله آنهاست حجاب بانوان، برخلاف مناجات شخصي و ذكر و دعاء كه صرفا ارتباطي شخصي و خصوصي بين بنده و خالقش بوده؛ و ويژگي نماز و زيارت را ندارد، از اين رو داشتن حجاب شرط نشده؛ مگر اينكه در معرض نامحرم باشد.

۱۰- با همه اينها؛ اگر چه حجاب در نماز برای زنان لازم است، ولی پوشاندن صورت برای زنان مؤمنة جايز نيست، مثل نقاب يا مقنعه، چون بايد ضمن رعايت آداب ديدار حق؛ شرط ادب بندگي زن نيز در برابر پروردگارش رعايت شود، ولذا حجاب زن مؤمنة؛ در نماز و زيارت و احرام عمره و حج؛ ضمن پوشش كامل بدن، نپوشاندن صورت است، مانند حجاب كنيزان كه رويشان را نمي پوشانند، و اگر در موقعيتي است كه در معرض نامحرم است؛ و نمي تواند جاي مناسب و محفوظ داشته باشد؛ و ناچار است از اينكه در آن محيط باشد؛ در اين صورت؛ با پايين انداختن گوشه چادر؛ ضمن از ديد خارج كردن چشمها و لب، و محفوظ ماندن از نظر اجنبي؛ روي خود را نيز كاملا نپوشانده؛ تا موقعيت بندگي وي هم رعايت شده باشد. ان شاء الله موفق و محفوظ باشيد.

والحمدلله رب العالمين. [شمارة ثبت: (١٤١٠) منبع: المسائل الإنترنتية]



هنگام نماز

سؤال: بنابر نظر و مبناي فقهي برگزيده، اوقات شرعي نمازهاي پنجگانه، و نيمه شب وثلث آخر شب، چگونه بدست مي آيد، و آيا استخراجات تقاويم معتبر است؟

جواب: راههای علمی قدیم و جدید، برای استخراج وقت فجر صادق وطلوع وغروب آفتاب مقبول بوده، و بر اساس تقاویم معتبره (خصوصا محاسبات جدیده) با ملاحظه اوقات سه گانه محلی مزبور، هر کسی می تواند تمامی اوقات دهگانه شرعی را، بدین ترتیب استخراج نماید: وقت زوال و اذان ظهر میانه طلوع و غروب آفتاب، و وقت ضحی (چاشت) که برای بعض اعمال عبادی ملحوظ است، میانه طلوع آفتاب و زوال، و وقت عصر میانه زوال و غروب آفتاب، و وقت اذان مغرب وغروب آفتاب با هم متحد است، وقت عشاء قرینه فجر بوده، و فاصله میان طلوع فجر وطلوع آفتاب مساوی فاصله میان غروب آفتاب و غروب شفق می باشد، لذا با بدست آوردن مقدار بین الطلوعین در هر روز، و افزودن آن بوقت غروب، وقت عشاء حاصل می گردد، و نیمه شب میانه غروب شفق (وقت عشاء) و طلوع فجر صادق می باشد، و ثلث آخر شب با بدست آوردن مقدار بین وقت عشاء وفجر صادق، و تقسیم حاصل آن بر عدد سه، وضرب نتیجه در عدد دو، و افزودن نتیجه نهائی به وقت عشاء، بدست خواهد آمد. و وقت فجر کاذب که وقت فضیلت نافله وتر، و زمان مناسب امساك برای شخص قاصد صوم است، حدود دوازده دقیقه قبل از فجر صادق می باشد، و در لیالی مقمره (شبهای ۱۳و۱٤و۱۵ ماه) رعایت همین مقدار، در تأخیر اتیان نماز صبح بر وقت فجر (مندرج در تقاویم) بشود، و نظر باحتمال وقوع

خطای یسیر در محاسبات جمیع أهل فن، رعایت پنج دقیقه احتیاط لازم است.
[شمارة ثبت: (٣٨٥) منبع: المسائل الحائرية]

سؤال: در جوابیه جناب عالی، که در آخر تقویم (منتشره از سوی دار المعارف الإلهيّة) آمده در باره اوقات؛ فجر كاذب و فضيلت نافله وتر و مقدار تأخير نماز صبح در شبهاي مهتاب، تعبير نموده ايد كه: حدودا دوازده دقيقه، لطفا در صورت امكان، جهت تعبير تقريبي وعدم تحديد دقيق اين أوقات، و همچنين كيفيت دسترسي به مقدار دقيق آن را بيان نماييد، بسيار متشكريم.

جواب: بسمه تعالى، اوقات مذكوره مورد سؤال، به مقاييس نجومی و درجات خورشيدی محدد بوده، كه آن دقيقا مطابق سه درجه خورشيدی است. و مقصود ما از درجه خورشيدي؛ مقدار سير خورشيد (باصطلاح علم قديم بر اساس محسوس راصد)، و يا سير زمين نسبت به خورشيد (باصطلاح علم جديد براساس فيزيك نجومي)، در يك صد وهشتادم شب می باشد، كه نظر به اختلاف شبهای سال از نظر كوتاهی و بلندي، بالطبع معادل زماني هر درجه خورشيدي نيز در طول سال متفاوت خواهد بود، لذا أهل فن در اينگونه موارد در مقام بيان اجمالي، شبهاي معتدله سال را (كه دقيقا دوازده ساعت است) لحاظ نموده، و در نتيجه مقدار زماني هر درجه خورشيدي معادل چهار دقيقه زماني مي باشد، كه در مورد سؤال، مساوي دوازده دقيقه است، و لذا تعبير تقريبي بكار برديم. و طالبين استخراج دقيق اين اوقات، با ملاحظه تقويم فوق الذكر، مقدار زماني هر شب نجومي را در تاريخ مطلوب - با محاسبه فاصله غروب آفتاب و طلوع آفتاب فردای آن - تقسيم بر صد و هشتاد (مجموع مقدار درجات خورشيدي در هر شب) نموده، و مقدار زماني هر درجه خورشيدي در آن شب را بدست آورده، و با ضرب آن در سه (مقدار درجه خورشيدي اوقات مورد سؤال) مقدار زماني اين

اوقات در هر شب، بطور دقيق بدست مي آيد، وبه عبارتي ديگر؛ مقدار زماني اين اوقات مساوي با يك شصتم مقدار زماني هر شب نجومي است. و نظر به اينكه مقدار زماني هر درجه خورشيدي در كوتاهترين شب سال اندكي بيش از سه دقيقه زماني، و در بلندترين شب سال اندكي كمتر از پنج دقيقه زماني است، لذا اوقات مورد سؤال در كوتاهترين شب سال حدودا ده دقيقه زماني، و در بلندترين شب سال حدودا پانزده دقيقه بوده، و بين اين دو مقدار متغير است.
[شمارة ثبت: (٣٨٦) منبع: المسائل الحائرية]

سؤال: اگر ممكن است می خواستم روش ساده تشخيص زمانی و اوقات اصطلاحاتی كه در احاديث شريفه و احكام فقهيه برای اوقات شرعيه بكار مي رود (مثل فلق فجر صادق و كاذب و بين الطلوعين و زوال ظهر و ضحی و عصر و غروب و مغرب و شفق و عشاء و بين العشائين و نيمه شب و ثلثهای سه گانه شب) را بشناسم؟

جواب: حضرت نبي اكرم صلى الله عليه وآله فرموده اند: إن خيار عباد الله الذين يراعون الشمس والقمر والنجوم والأظلة لذكر الله (ترجمه) همانا برگزيده ترين بندگان خداوند آنهائي هستند كه برای ياد خداوند؛ (پيوسته) مراقبت و رصد ماه و خورشيد و ستارگان و سايه ها می كنند. (برای تشخيص اوقات عبادت و ذكر و مناجات و خواستن از خداوند متعال). معرفت به اين اوقات و تشخيص و مواظبت بر آنها در امر عبادت از توفيقات الهيه است.

١- "فلق" روشنايي قبل از طلوع آفتاب است،

٢- شروع و ابتداي فلق در عروض معتدله "فجر صادق" است، كه وقت نيت برای روزه و اداي نماز صبح مي باشد،

٣- وقت "فجر كاذب" كه وقت فضيلت نافلة وتر، و زمان مناسب امساك برای

شخص قاصد صوم است، حدود ۱۲ دقيقه (سه درجه فلكي) قبل از فجر صادق می باشد،

٤- و فاصله بين ابتداي فلق تا طلوع آفتاب را "بين الطلوعين" مي گويند،

٥- وقت "زوال" و "اذان ظهر" ميانه طلوع و غروب آفتاب است،

٦- و وقت "ضحی (چاشت)" كه برای بعض اعمال عبادی ملحوظ است، ميانه طلوع آفتاب و ظهر است،

٧- و ميانه ظهر و غروب آفتاب "عصر" مي باشد،

٨- وقت "اذان مغرب" و غروب آفتاب با هم متحد است،

٩- "شفق" روشنايي بعد از غروب آفتاب بوده،

١٠- غروب و انتهاي شفق در عروض معتدله وقت "عشاء" است،

١١- وقت عشاء قرينه فجر بوده، و فاصله بين غروب آفتاب تا زوال شفق را "بين العشائين" مي گويند؛ كه مقدار آن با بين الطلوعين مساوي است،

١٢- هنگام "نيمه شب" مابين غروب و طلوع آفتاب يا ميانه غروب شفق (وقت عشاء) و طلوع فلق و فجرصادق (اذان صبح) می باشد.

١٣- طبق تعاليم مكتب وحي: گذشتن "ثلث اول شب" (آخرين وقت فضيلت عشاء)؛ و آغاز "ثلث دوم شب" (هنگام استراحت و خواب شبانه)؛ و "نيمه شب" (ساعت استجابت دعاء)؛ و "ثلث آخر شب" (برای تهجد و نافله و سجده و مناجات) است،

١٤- اين اوقات را با محاسبه مقدار شب و تقسيم بر نصف و ثلث بدست مي آورند، اگر چه شب از نظر فلكي و عرفي با غروب آفتاب آغاز و تا شروق آفتاب ادامه دارد، ولي از آنجا كه در كلام خازنان وحي عليهم السلام بين الطلوعين و بين

العشائين را دو وقت خارج از روز و شب اعتبار نموده اند، از اين رو براى محاسبه تقسيمات شب؛ ابتدا مقدار بين عشاء و فجر را محاسبه و كسر نموده و سپس تقسيمات مزبور را اعمال مي نمايند. [شمارة ثبت: (١٣٣٠) منبع: المسائل الأندلسية]

محاسبه و روش تشخيص اوقات شرعى در همه نقاط كره زمين

١- خداوند تعالى؛ نماز و بسيارى از وظايف و اعمال دينى را در چهارچوب اوقات خاصى مقرر فرموده است: زوال جنوبى يا ظهر، عصر يا ميانه ظهر تا غروب آفتاب، غروب آفتاب يا مغرب، غروب شفق يا عشاء، ميانه غروب آفتاب تا نيمه شب، نيمه شب يا زوال شمالى، ميانه نيمه شب تا طلوع آفتاب، طلوع فلق يا فجر، طلوع آفتاب، ميانه طلوع تا زوال يا ضحى و چاشت.

٢- نكته مهمى كه در تشريع اوقات نماز ملاحظه مي شود؛ تقسيم آنها در فواصل متعادلي از شبانه روز است، در حديث مكتوب رضوى عليه السلام حضرتش در بيان حكمت تشريع نماز در اوقات شبانه روز؛ مرقوم فرموده اند: {تا اينكه بنده حق همواره در شبانه روز بر ياد خداوند عزوجل مداومت داشته باشد، و در اوقات مختلف آن؛ سرور و مدبر و خالق خود را فراموش نكند؛ و پيوسته در ياد او باشد}. فلذا وقت نماز ظهر بعد از زوال ظهر، و وقت نماز عصر ميانه زوال ظهر تا غروب آفتاب، و وقت نماز مغرب بعد از غروب آفتاب، و وقت نماز عشاء بعد از غروب شفق (كه قرينه وقت نماز فجر است)، و ابتداى وقت نافله شب نيمه شب است، و ميانه زوال شب تا طلوع آفتاب (كه قرينه وقت عصر است) وقت فضيلت نافله شب است. تنها وقت طلوع آفتاب است كه براى عبادت مقرر نشده؛ و فقط به عنوان زمان پايان وقت عبادت فجر معين شده است، بلكه از انجام عبادت در وقت طلوع آفتاب نهي بسيار شده است؛ بطوريكه اگر كسى انجام نماز صبح او به تأخير افتاده؛ و تا تكبير گفت آفتاب طلوع كرد؛ دستور

شرع است که نماز را قطع کند و قضای نماز را تا بعد از طلوع کامل آفتاب به تأخیر بیاندازد، این پرهیز و تحذیرها از وقت طلوع آفتاب برای عبادت بجهت صیانت اهل ایمان از مسلك شیطانی مِهر و خورشید پرستی (مانند منحرفان مجوس و گبران) است، حتی در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام برای وقت طلوع آفتاب توصیف "شاخ شیطان" بکار برده شده است.

۳- وسیله تشخیص این اوقات را "موقعیت ساکن کره زمین (شخص مکلف) در حرکت وضعی کره زمین بدور محور خود نسبت به خورشید" قرار داده است. اگر چه طول شب و روز در گرو اسبابی چون تغییر فصول و حرکت انتقالي زمین می باشد، اما تقسیمات شبانه روز که از آن با عنوان اوقات شرعي یاد مي کنیم؛ عمدتا معلول حرکت وضعي زمین به دور محور خود مي باشد؛ و ازین رو ملاک تشخیص اوقات واقع شده است.

٤- تشخیص "موقعیت ساکن کره زمین (شخص مکلف) در حرکت وضعی کره زمین به دور محور خود نسبت به خورشید" بطور معمول به ابزار بسیار پیشرفته و مدرنی همچون ماهواره ها رصدخانه ها؛ و سیستمهای ارتباطی و ابزارهای محاسباتی و متخصصان علوم مختلف نیاز دارد، که دسترسي به نتایج اینها محدود به زمانهای خاص (وجود این ابزار و عملکرد صحیح آنها) بوده، و در حوزه تملك عده خاصي (ارباب قدرت و ثروت) می باشد، خداوند کریم حکیم؛ برای سهولت دسترسي همه اصناف بندگان خود در همه عصور؛ و بدون نیاز به آن همه تجهیزات و امکانات و متخصصین؛ تعالیم الهی خود را چنان هوشمندانه طرح ریزی فرموده است؛ که نتایج علمی چنان رصد پیشرفته ای؛ به سهولت در اختیار آحاد بشر باشد.

٥- "موقعیت ساکن کره زمین (شخص مکلف) در حرکت وضعی کره زمین بدور محور خود نسبت به خورشید" با علایم و نشانه های آسان و قابل شناخت برای همه اصناف بشر" بدون وسیله و دانش پیچیده ای؛ با هدایت تعالیم انبیاء و اوصیای الهی علیهم السلام بدست می آید؛ مانند حرکت و وضعیت خورشید و ماه و ستارگان در آسمان (در نظر راصد زمینی) و آثار آنها (مثل صورت اهله یا مقدار سایه ها) که نشانگر موقعیت راصد (در این حرکت وضعی زمین) نسبت به خورشید است.

٦- ازین رو؛ در صورت معدوم یا مستور شدن برخی علائم، اصل اوقات (چه برسد به احکام) ملغا نشده، و به هدایت تعالیم مکتب وحی؛ از راه دیگری اوقات مرتبط با موقعیت ساکن کره زمین و شخص مکلف را (در حرکت وضعی کره زمین بدور محور خود) نسبت به خورشید بدست می آوریم.

٧- و این جلوه ای از ارزش تعالیم الهي و عظمت تشریع هوشمندانه آنست، که چیزي را که بعد از قرنها پیشرفت و با ابزار پیچیده و به کمك متخصصین متعدد بدست می آید؛ خداوند کریم حکیم؛ آنرا به صورت چند راهنمایي ساده؛ به وسیله نمایندگان خود (انبیاء و اوصیای الهی علیهم السلام) در اختیار عموم بشر؛ در همه اعصار قرار داده است.

٨- علایم و نشانه های اوقات شرعی:

❖ خداوند متعال در کلام وحی قرآن کریم فرموده است: ﴿أقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق اللیل﴾، یعنی: نماز را برپا دار از "دلوك شمس" تا "غسق لیل"، در این آیه شریفه اقامه و برپاداشتن نماز را در یك دوره ٢٤ ساعته مقرر می فرماید، که اوقاتش با دلوك شمس (زوال ظهر) و غسق لیل (زوال شب) شناخته می شود، در حدیث حلبي؛ امام صادق علیه السلام می فرمایند: {دلوك الشمس زوالها و

غسق الليل انتصافه}، مقصود از "دلوك شمس" زوال شمس (در ظهر) است، و مقصود از "غسق ليل" نيمه شب است، و در حديث ديگري؛ ابن حنظلة از حضرت امام صادق عليه السلام در اين باره مي پرسد: كه زوال روز را مي دانيم، اما زوال ليل كدام است؟ حضرت مي فرمايند: {للّيل زوال كزوال الشمس...}، براى شب زوالى است مانند زوال شمس، سؤال كرد: چطور بشناسيم؟ حضرت فرمودند: {بالنجوم اذا انحدرت أي النجوم التي طلعت اول الليل} زوال و نيمه شب را با ستاره ها می شناسيم، وقتى ستاره هايي (كه در وقت غروب آفتاب و شروع شب از افق مشرق طالع بودند) را ببينيم كه در آسمان از نقطه سمت الرأس و بالاى سر سرازير مي شوند در نيمكره سماوى غربي؛ آنوقت نيمه شب و وقت زوال در شب است كه در كلام وحى به "غسق الليل" توصيف شده، و شديدترين تاريكي شب در اين وقت است، چون خورشيد به منتها درجه غروب خود رسيده است، و آثار هر نورى در آسمان زايل شده است، و در اين وضعيت بر حسب گردش وضعى زمين؛ هر نقطه جغرافيايي دقيقا در پشت كره زمين نسبت به خورشيد قرار گرفته است، و از همين وقت شروع به بروز نور مجدد می شود تا در وقت فجر كه در افق مجددا ظاهر می شود، يكى از رازهاي تبيين اوقات نماز در درجه اول با "زوالين" برقرارى اين دو نشانه در همه عروض جغرافيائي كره زمين و در همه فصول سال می باشد.

❖ وقت زوال (جنوبى) ظهر؛ و وقت زوال (شمالى) شب (نيمه شب)، محور بدست آوردن اوقات شرعي در همه بلاد مي باشد، و شناخت آنها نيز ميسور و آسان است، وقت زوالين؛ تنها اوقات شرعي هستند كه در همه نقاط كره زمين قابل رصد و تشخيص مي باشد، حتى در قطبين كه در برخى شبهاي قطبي همه نشانه هاي اوقات شرعي منعدم است؛ تعيين زوالين؛ در روزهاي قطبي بوسيله

رصد شمس؛ و در شبهاي قطبي با رصد حركت نـور آن در تحـت الافـق؛ ميـسر است. وقت زوال شب و روز همچنين بوسيله رصد سـتارگان در شـبهاي قطـبي، نيز قابل تشخيص است. و رصـد زوال شـب بـا سـتارگان؛ بـه خـاطر تـاريكي آسمان؛ نسبت به رصد ستارگان در زوال روز كاربرديتر مي باشد، و سـاير اوقـات شرعي را بر اساس مقدار حركت وضـعي زمـين نـسبت بـه زوال شـب مي تـوان سنجيد، فلذا امكان محاسبه آن؛ مبناى بدست آوردن ساير اوقات مي گردد.

❖ بنابر تعاليم مكتب وحي: در آغاز آفرينش؛ وضعيت زمين و خورشيد در اولين درجه برج حمل بوده است؛ فلذا اين وضعيت به معنى راست بودن محور زمين؛ و تساوي شب و روز و ساعات در آن می باشد، همچنانكه در احاديث شريفه تبيين شده كه (روز ۱۲ ساعت = شب ۱۲ ساعت) بوده است، عليرغم تغييرات ناشى از زاويه ميل محور زمين؛ چه در طول قرون و اعصار؛ و چه چرخش سالانه آن در خلال فصول، اما اين وضعيت هر ساله يكبار رخ مي دهد، فلذا وضعيت اوليه به عنوان مرجع در توصيف اوقات و يا تقدير اوقات مورد استناد می باشد.

غسق الليل = زوال و نيمه شب = زوال (سِفلى) خورشيد: هنگام عبور خورشيد از نصف النهار محل (سمت شمال جغرافيايي) مي باشد، و به خاطر حركت وضعي كره زمين؛ در اين وقت خورشيد دقيقا در طرف ديگر كره زمين نسبت به ناظر قرار گرفته است (در وتد الأرض)، از اينرو موقعيت آن در آسمان، قرينه موقعيت زوال ظهر مي باشد، و در حركت وضعي زمين به دور خود؛ ۱۸۰ درجه با زوال ظهر فاصله دارد، وقت آن نيز در هر شبانه روز و در طول سال و همه نقاط زمين؛ به فاصله ۱۲ ساعت بعد از وقت زوال ظهر؛ و قرينه آن مي باشد، و اين هنگام بيشترين شدت تاريكي آسمان در طول شب را داراست.

وقت زوال ظهر و زوال شب (نيمه شب) محور بدست آوردن اوقات شرعي در همه بلاد مي باشد، و شناخت آنها نيز ميسور و آسان است، وقت زوالين؛ تنها اوقات شرعي هستند كه در همه نقاط كره زمين قابل رصد و تشخيص مي باشد، حتى در قطبين كه در برخى شبهاي قطبي همه نشانه هاي اوقات شرعي منعدم است؛ تعيين زوالين؛ در روزهاي قطبي بوسيله رصد شمس؛ و در شبهاي قطبي با رصد حركت نور آن در تحت الافق؛ ميسر است. وقت زوال شب و روز همچنين بوسيله رصد ستاركان در شبهاي قطبي، نيز قابل تشخيص است. و رصد زوال شب با ستاركان؛ به خاطر تاريكي آسمان؛ نسبت به رصد ستاركان در زوال روز كاربرديتر مي باشد، و ساير اوقات شرعي را بر اساس مقدار حركت وضعي زمين نسبت به زوال شب مي توان سنجيد، فلذا امكان محاسبه آن؛ مبناى بدست آوردن ساير اوقات مي گردد.

ابتداى فلق يا فجر: با چرخش زمين و طى چهار پنجم فاصله ميان زوال شب و طلوع آفتاب؛ يا ۷۲ درجه فاصله از زوال شب، و قرار گرفتن شمس در فاصله ۱۸ درجه در زير افق، نور شمس (سپيده يا فجر) در افق شرقي نمايان شده؛ كه به آن فجر يا ابتداي فلق مي گويند، و با ادامه چرخش زمين؛ و بالا آمدن شمس تا نزديكي افق، روشنايي فلق افزوده شده؛ تا لحظه طلوع آفتاب برسد؛ كه انتهاي فلق است.

طلوع خورشيد: بر اثر حركت وضعي زمين به دور خود، و رسيدن به ميانه زوالين؛ يا ۱۸ درجه بعد فجر يا درجه ۹۰ بعد از زوال شب، طلوع لبه بالايي قرص شمس در افق شرقي؛ و نمايان شدن اولين قسمتي كه از قرص شمس در افق ناظر ظاهر مى شود؛ لحظه طلوع خورشيد مي باشد.

ﷺ ضحی یا چاشت یا میان طلوع و زوال: با ادامه حرکت چرخشي زمین به دور خود؛ و فاصله ۱۳۵ درجه بعد از زوال شب (٤٥ درجه بعد از طلوع) مي رسد. که وقت ضحی یا چاشت می باشد، و در این هنگام خورشید در میانه وضعیت طلوع و زوال ظهر در آسمان ناظر قرار مي گیرد، و با بدست آوردن میانه وقت طلوع و ظهر مي توان زمان آن را محاسبه نمود این وقت در کلام خازنان وحی علیهم السلام به "ارتفاع النهار" و "صدر النهار" و تعابیری مانند آن توصیف شده؛ و هنگام انجام نمازها و اعمال مستحبی بسیاری است.

ﷺ زوال (عِلوی) خورشید یا ظهر: چرخش زمین به دور خود؛ و طی فاصله ۱۸۰ درجه بعد از زوال شب؛ به زوال ظهر می رسد، که نشانه آن عبور خورشید از نصف النهار محل (سمت جنوب جغرافیایي) و زایل شدن سایه ها و یا به کوتاهترین حد خود رسیدن آنست، شمس در این لحظه بیشترین ارتفاع خود در طول روز را نسبت به افق دارد، و بیشترین شدت نور شمس نیز در این هنگام است.

ﷺ عصر یا میان زوال تا غروب: در نتیجه استمرار گردش زمین به دور خود؛ و فاصله ۲۲۵ درجه بعد از زوال شب؛ خورشید به میانه زوال ظهر و غروب در آسمان ناظر مي رسد، و وقت آن با محاسبه میانه ظهر و غروب بدست می آید. این زمان وقت وجوب فریضه عصر است، که مرکز وقت نماز عصر بوده، و به تعبیر حدیث شریف خورشید نورش سپید و پاك (بیضاء نقیة) است، البته قبل از آن (بعد انجام فریضه ظهر) وقت رخصت انجام فریضه عصر و نیز نافله آن بوده، و وقت فضیلت عصر نیز با فزونی سایه شاخص (به اندازه خود) شروع شده؛ و با فزوني سایه شاخص (به دو برابر خود) آخر وقت فضیلت عصر به پایان رسیده، و تأخیر نماز عصر به بعد از آن؛ و انجام در وقت زرد شدن نور خورشید؛ تضییع

و ضايع كردن نماز عصر بوده؛ مگر كسانى كه در اضطرارى بر اثر فقدان آب يا طهارت و يا مانع ديگرى به انجام آن موفق نشده باشد؛ كه در اين وقت سريعا تدارك و جبران مى نمايد.

غروب خورشيد يا مغرب: با چرخش زمين؛ ۲۷۰ درجه از زوال شب و رسيدن به ميانه زوالين (ظهر و نيمه شب) و درجه نظير طلوع؛ ؛ يا ۱۸ درجه قبل از عشاء؛ پايين رفتن لبه بالايي قرص شمس از افق ناظر در سمت مغرب؛ و ناپديد شدن كامل قرص آن، وقت غروب فرا مي رسد.

انتهای شفق یا عشاء: بعد از غروب آفتاب؛ آسمان به يكباره تاريك نشده؛ بلكه نور خورشيد همچنان از زير افق به آسمان منعكس مي شود، كه اين روشنايي شفق نام دارد، و با چرخش وضعي زمين و دورتر شدن شمس از افق؛ شدت نور كاسته شده تا اينكه خورشيد در فاصله بيشتر از ۱۸ درجه زير افق واقع مي شود و (در شرايط طبيعي) ديگر نوري از خورشيد به افق نمي رسد، و آسمان كاملا تاريك مي گردد، و اين لحظه انتهاي شفق و اول وقت فضيلت عشاء مي باشد.

اهميت رصد وضعيت خورشيد در حركت شبانه روزى و غير آن؛ به مانند رصد ماه و ستارگان؛ در كلام حضرت مولا على عليه السلام اشاره شده است: شيعتنا رعاة الشمس و القمر و النجوم، (ترجمه) شيعيان ما چوپانان (مراقبان و راصدان) خورشيد و ماه و ستارگان هستند، و در احاديث شريفه آمده است كه: مقصود از "رعاة الشمس" مواظبت بر اوقات نماز است كه از وضعيت خورشيد بدست مى آيد.

۹- اصل مهمى كه درباره اوقات شرعى بايد توجه شود؛ جدا بودن هر يك از اوقات از يكديگر و ترتيب وقوع آنهاست؛ مثلا فجر وقت مستقلي است و

بعد از زوال شب و قبل از طلوع آفتاب است، پس اگر در زمانی یا محلی (مانند شبهاي اتصال شفق به فلق در بلاد غیر معتدله) بخاطر تقدم تدریجی در سیر فصول؛ به وضعیتی برسد که فلق به زوال شب و زوال شب به شفق متصل شود، دیگر بروز این اوصاف برای تعیین فجر در آن ایام و بلاد؛ اعتبار شرعی نداشته، و باید با روش جایگزین و معتبر "تقدیر اوقات" فجر را بدست آورد.

۱۰- در همه نقاط کره زمین (از معتدله و غیر معتدله) مستور واقع شدن این علایم (طلوع، زوال، غروب، فجر و عشاء) به موانعی همچون کسوف یا ابری و یا غبارآلود بودن و یا آلودگی شدید هوا امکان داشته و محتمل الوقوع است، از این رو نباید در گرو علایم مذکور بوده؛ و نیاز داریم تا اوقات شرعی را از راه معتبر دیگری بدست آوریم. همچنین محاسبه دقیق و ثبت و ضبط آن در سالهای فاقد مانع و عارض؛ برای ساکنان هر محل لازم بوده، تا در اوقات مستور بودن علایم و یا صعوبت تشخیص؛ مورد مراجعه و استفاده قرار گیرد. و در صورت منعدم شدن این علایم یا غیر یومیه شدن آنها در عروض بلند شمالی و جنوبي و نیز قطبین کره زمین (امری که در برخي از فصول یا تمام سال اتفاق می افتد) بخاطر قرار گرفتن راصد در این عرضهاي جغرافیایي، نیاز داریم تا "معادل اوقات شرعی" را از راه معتبر دیگری همچون روش "تقدیر اوقات" بدست آوریم.

۱۱- توضیح درباره افزودن کلمه "معادل" پیشوند عناوین "اوقات شرعی": این توضیحات برای تبیین علت افزودن پیشوند "معادل" قبل از عنوان اوقات مختلف (طلوع غروب فجر عشاء عصر) می باشد، که در بلاد یا فصولی؛ اوصافشان معدوم هستند.

الف: برخي از بلاد زمین در برخي از فصول سال یا تمام آنها؛ فاقد اوصاف برخي از اوقات هستند، مثلا فجر و عشاء اصلا ندارند، یا فجر و عشاء داشته اما

طلوع و غروب یومیه ندارند، مثل قطبین؛ که ششماه طلوع و غروب یومیه نیست؛ یعنی واقعا در شبانه روز طلوع و غروب یومیه نیست، نه اینکه طلوع باشد و مستور باشد، حالا که طلوع و غروب یومیه نداریم؛ یعنی شب و روز یومیه نداریم، و روز و شب بیشتر از مقدار معمول ۲٤ ساعته آنست، در این ایام به روش "تقدیر اوقات" مراجعه می کنیم، و اوقات "معادل" آنرا استخراج می نمائیم: وقت معادل طلوع یومیه، وقت معادل غروب یومیه، وقت معادل فجر یومیه، وقت معادل عشاء یومیه، وقت معادل عصر یومیه.

ب: همچنانکه اشاره شد؛ برحسب نصوص شرعي کلام وحي (قرآن کریم) و کلام خازنان وحی علیهم‌السلام (احادیث شریفه)، با تتبع و تامل می بینیم که اصل توقیت اوقات شبانه روز بر اساس حرکت کره زمین (یا موقعیت راصد زمینی نسبت به خورشید) تشریع شده است، اما برای امکان تشخیص ساده و عمومی آن توسط شخص ساکن زمین؛ آنرا با حرکت خورشید در آسمان؛ در رؤیت بصری راصد زميني؛ تبیین فرموده اند، و چون عامل ایجاد طلوع و غروب و به نظر رسیدن سیر روزانه شمس در آسمان، چرخش وضعي زمین به دور محور خود است و اگر حرکت وضعي زمین نبود پدیده محسوس طلوع و غروب نیز رخ نمي داد و در این مناطق هم مثل سایر نقاط زمین؛ این حرکت وضعی مستمرا وجود دارد، و موقعیت راصد این بلاد هم مرتبا نسبت به خورشید تغییر می کند، و تنها مانع از اتفاق نشانه طلوع و غروب به صورت یومیه؛ موقعیت این نواحی (کلا یا در فصولی) نسبت به خورشید است، و به همین علت است که این نشانه و علامت برای موقعیت راصد حرکت وضعی (طلوع و غروب) بطور یومیه اتفاق نمی افتد، و خورشید که مثلا در روز ششماهه؛ شش ماه طالع است، در این شرایط این علامت (طلوع و غروب) موقعیت راصد نسبت به شمس معدوم می شود.

ج: فلذا به هدایت تعالیم مکتب وحی؛ به دنبال تشخیص موقعیت راصد نسبت به شمس؛ از راه اصلی و ریشه ای مثل زوالین می رویم، و معادل همین موقعیت راصد در بلاد معتدله را؛ برای راصد در بلاد قطبیه پیدا می کنیم. و در هر یك از اوقات بلاد غیر معتدله و قطبي که نشانه هاي آن اوقات منعدم است؛ ملاحظه شرایط مشاهده نور شمس در آسمان این بلاد ننموده؛ و تقدیر و اندازه گیری اوقات را برحسب اندازه اصلی اوقات در آغاز آفرینش و وضعیت اولیه خلقت شب و روز (هر کدام ۱۲ ساعت)؛ وضعیتي که هر ساله برای همه نقاط زمین رخ می دهد، که به اندازه درجه وضعیت خورشید (نسبت به زوال شب) در حرکت وضعي زمین به دور خود معین می نمائیم.

د: در تقدیر اصلی و اولیه؛ و نیز هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش: ۱- فاصله از زوال شب: برای فجر ۷۲ درجه (۱۸ درجه تا طلوع)، ۲- و برای طلوع ۹۰ درجه، ۳- و برای ضحی ۱۳۵ درجه، ٤- و برای زوال ظهر ۱۸۰ درجه، ٥- و برای عصر ۲۲٥ درجه، ٦- و برای غروب ۲۷۰ درجه، ۷- و برای عشاء ۲۹۸ درجه می باشد، که این وقت اخیر ۷۲ درجه تا زوال بعدی شب فاصله دارد. و در چرخش ۳٦۰ درجه زمین طی یك شبانه روز (۲٤ ساعت) فاصله از زوال شب: برای فجر ٤ ساعت و ٤۸ دقیقه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا طلوع)، و برای طلوع ٦ ساعت، و برای ضحی ۹ ساعت، و برای زوال ظهر ۱۲ ساعت، و برای عصر ۱٥ ساعت، و برای غروب ۱۸ ساعت، و برای عشاء ۱۹ ساعت و۱۲ دقیقه، که این وقت اخیر (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا غروب) و ٤ ساعت و ٤۸ دقیقه تا زوال بعدی شب فاصله دارد.

هـ: با مطالعه تقدیر اصلی اوقات در وضعیت هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش؛ و سایر تعالیم مکتب وحی می بینیم که چند اصل و ویژگی در اوقات شرعی وجود دارد: ۱- استقلال اوقات. ۲- ترتیب اوقات. ۳- فواصل متعادل اوقات. ٤-

گنجایش اوقات برای واجب دینی مربوطه. که همه این جهات در تشریع نماز و عبادات این اوقات لحاظ شده است.

۱۴- روش تشخیص اوقات شرعي در همه نقاط کره زمین:

الف- مناطق معتدله: در مناطق معتدله از خط استوا و عرض {صِفْر درجه و صِفْر دقیقه} تا عرض {٤٨ درجه و ٣٤ دقیقه} شمالي یا جنوبي کره زمین؛ تمامي اوقات شبانه روز به روش "اوصاف اصلي اوقات"، قابل تشخیص و رصد و محاسبه هستند.

ب- مناطق غیر معتدله (زیر قطبي): از عرض {٤٨ درجه و ٣٤ دقیقه} تا عرض {٦٥ درجه ٤٢ دقیقه} شمالي یا جنوبي کره زمین؛ در ایامي از فصلهاي بهار و تابستان؛ بعد از غروب خورشید؛ شفق (روشنایي بعد غروب آفتاب) غروب نکرده و به فلق (روشنایي قبل طلوع آفتاب) متصل شده؛ و تمام شب آسمان به شکل بین العشائین یا بین الطلوعین در مي آید، تا اینکه یکباره خورشید طلوع می کند، در این وضعیت تنها وقت غروب و طلوع آفتاب قابل تشخیص بوده و تشخیص وقت عشاء و فجر (بر حسب اوصاف اصلی اوقات و نشانه هاي معروف در عروض معتدله) ممکن نمي باشد، و گاهي این شفق و فلق متصل و یکپارچه؛ نورش آنچنان زیاد مي شود که شب تقریبا مانند روز روشن است. در ایام اتصال شفق به فلق و فقدان اوصاف فجر و عشاء؛ از روش "تقدیر اوقات" برای تعیین معادل فجر و عشاء استفاده مي شود. (شرح آن بعدا می آید). حالت اتصال فلق با شفق تا عرض {٨٩ درجه و ٥٥ دقیقه} نیز اتفاق می افتد.

ج- مناطق قطبي: که از عرض {٦٥ درجه ٤٢ دقیقه} شمالي و جنوبي تا قطبین مي باشند؛ در ایامي از فصل پاییز و زمستان شب ٢٤ ساعته و در ایامي از بهار و

تابستان روز ٢٤ ساعته وجود دارد؛ (كه به معنى انبساط شبانه روز؛ فراتر از ٢٤ ساعت است. كه به همين دليل اوصاف موجود برخى اوقات معتبر نبوده و از روش "تقدير اوقات" براى كليه اوقات فيمابين زوالين استفاده مي شود. شروع روزهاي قطبي از عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه} مي باشد ولي شبهاي قطبي از عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} آغاز مي شوند.

محاسبه "معادل اوقات شرعي" در روزهاي قطبي: در روزهاي قطبي كه شمس در بالاي افق است؛ شمس در تمام لحظات سير خود قابل رصد مي باشد، وقت رسيدن آن به سمت شمال و جنوب جغرافيايي اوقات زوالين مي باشند، و وقت زوال ظهر با اوصاف اصلي خود قابل رصد است؛ كه از روش "اوصاف اصلي اوقات" استفاده مي شود، كه همان رسيدن به بالاترين نقطه و سمت جنوب است، و ساير اوقات شرعي با روش "تقدير اوقات" متناسب با درجه فاصله شمس نسبت به زوال و چرخش زمين در حركت وضعي خود به اندازه اصلى (در خلقت شب و روز و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) بدست مي آيند.

محاسبه معادل اوقات شرعي براى عروض قطبي در شبهاي قطبي: شبهاي قطبي از روز انقلاب زمستاني از عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} آغاز مي شوند و با افزايش عرض جغرافيايي بر ايام آن افزوده شده تا اينكه شبهاي قطبي در نقطه قطبين به شش ماه مي رسد، در اين مدت خورشيد در زير افق حركت روزانه خود را انجام مي دهد، و در هنگام زوال ظهر نزديكترين فاصله تا افق و در نيمه شب دورترين فاصله تا افق را داراست، براي تشخيص ساير اوقات شرعي فيمابين زوالين و معادل اوقات آن در اين فصول، از روش "تقدير اوقات" فوق الذكر استفاده مي كنيم.

❖ برای تشخیص زوالین مناطق قطبي به دو قسمت تقسیم مي شوند:

۱- مناطق قطبي با عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقیقه} تا قبل از {٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه}: که در طول همه شبهاي قطبي داراى شفق یا فلق هستند؛ فلذا نور خورشید در افق قابل رصد است، که از نشانه هاي این نور و حرکت آن در تحت الافق و عبورش از سمت جنوب جغرافیایي؛ وقت زوال ظهر قابل رصد است، ولي ایامي (از اواخر پائیز و اوایل زمستان) در عرضهاي ۷۸ به بعد؛ که خورشید بیش از ۱۲ درجه با افق فاصله دارد؛ نور آن در تحت الافق کاهش یافته؛ و ممکن است با وجود موانعی؛ رصد نور شمس در افق مشکل شود، فلذا اولویت با رصد نجوم (در درجه مقابل شمس) است، و چون در وقت زوال شب؛ شمس در پایینترین حد خود مي باشد و افق تاریك است، رصد زوال شب آسانتر است و بدین ترتیب با رصد آن نجوم؛ وقت زوال ظهر قابل تعیین است، و چون به فاصله ۱۸۰ درجه با زوال شب (معادل ۱۲ ساعت) وقت زوال ظهر (خورشید) می باشد، فلذا بدین نحو زمان در نقطه جنوب بودن خورشید (وقت زوال ظهر) هم معلوم مي شود و سپس با محوریت زوالین؛ بقیه اوقات با استفاده از روش "تقدیر اوقات" بدست مي آید.

در عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقیقه}، در شبهاي قطبي؛ خورشید در زیر افق (در فاصله زیر صفر درجه تا صفر درجه افق) قرار مي گیرد و بالا نمي آید، و از عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقیقه} در روزهاي قطبي شمس تا نزدیك افق مي آید؛ اما به زیر افق نمي رود، و از این مناطق به بعد؛ شبهاي قطبي از انقلاب زمستاني؛ و روزهاي قطبي از انقلاب تابستاني آغاز مي شود، و هر چه به سمت قطبین پیش برویم؛ بر شبها و روزهاي قطبي افزوده شده و در شبهاي قطبي به علت افزایش فاصله شمس تا افق در وقت زوال ظهر؛ از شدت نور آن در افق کاسته مي شود.

از ابتدای عروض شبهاي قطبي يعني {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} تـا عـرض {٧٢ درجـه و ٣٤ دقيقـه}، زوال علـوي خورشـيد (رسـيدن شـمس بـه جنـوب و نزديكترين فاصله شمس تا افق) بين صفر تا ٦- درجه زير افق قرار مي گـيرد، و در عرض {٧٢ درجه و ٣٤ دقيقه}؛ خورشيد هنگام زوال در سمت جنـوب؛ دقيقـا تا فاصله ٦- درجه زير افق مي رسد؛ كـه تـا فاصـله ٦- درجـه (شـفق مـدني يـا شهري) نور طبيعي شمس به سطح مي رسد، و در اين مناطق نور بخشي از حركت خورشيد در زير افق و شفق و فلق آن و رسيدنش به زوال ظهر آشكار بـوده؛ و بـه آساني قابل رصد است، كه به صورت نقطه نوراني در زير افق جابجا مي شود، امـا از اين فاصله به بعد كه خورشـيد بـيش از ٦- درجـه بـا افـق فاصـله مي گـيرد؛ وضوح نور مانند قبل نيست، و به خاطر انكسار نور و انعكاسـش، شـدت نـور كاهش مي يابد. در شبهاي قطبي در اين مناطق، با رسيدن نور خورشيد بـه نقطـه جغرافيايي جنوب در افق وقت زوال ظهر است. در ابتداي عروض شبهاي قطـبي {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} فلق ظاهر می شود، تا اينكـه در عـرض {٨٤ درجـه و ٣٤ دقيقه} در انقلاب زمستاني صرفا در لحظه زوال ظهر نور شمس در تحـت الافـق براي لحظه اي در سمت جنوب آشكار مي شود كه نشان زوال ظهر اسـت، و بقيـه حركت شمس تحت الافق در زير حد ١٨- درجه قرار گرفته، و نـور خورشـيد در بقيه مسيرش در تحت الافق محسوس نـمي باشـد. فـلذا در ايـن مـوارد تـشخيص اوقات را به روش رصد نجوم (ملاحظه زوال ستاركان در درجـه مقابـل شـمس و تشخيص زوالين) استحصال نمـوده، و سـاير اوقـات معـادل را بـا روش "تقـدير اوقات" بدست می آوريم.

٢- مناطق قطبي با عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} تا قطبين: دسته ديگـر منـاطق قطبي اين عروض هستند كه در بخشي از شبهاي قطبي شفق و فلق را دارند ولي

در بخشي ديگر حتى شفق يا فلق را نيز ندارند، و آسمان در مدت شب كاملا تاريك است، و هيچ نوري از خورشيد ديده نمي شود، در عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه}؛ در انقلاب زمستاني؛ شمس در زوال ظهر؛ فاصله اش از سطح افق به ١٨- درجه مي رسد، و در عرضهاي بالاتر نيز شمس از افق دورتر مي شود و بر تعداد چنين شبهايي در عرضهاي بالاتر افزوده مي شود، اين بلاد در اين شبهاي قطبي، روشنايي در افق را ندارند، مثلا در عرض ٨٨ درجه؛ در بخشي از شبهاي قطبي؛ خورشيد در فاصله ٢٢ درجه زير افق قرار مي گيرد، و در كل مدت ٢٤ ساعت تغيير ارتفاع اندكي دارد، و در همين فاصله ٢٢ درجه (زيرافق) باقي مي ماند، و حد روشنايي نور شفق يا فلق (كه قرار گرفتن خورشيد در فاصله صفر تا ١٨ درجه زير افق است) را ندارد، فلذا اين مناطق در بخشي از شبهاي قطبي كه فاقد طلوع و غروب بوده و روز و شب آنها يوميه نبوده؛ شفق و فلق آنها نيز براى تشخيص اوقات معتبر نبوده و جهت محاسبه اوقات شرعي ابتدا بايد (با استفاده از رصد نجوم) وقت زوال شب يا روز را تعيين نمود، و با محوريت آن ساير اوقات فيما بين زوالين را بوسيله روش "تقدير اوقات" بدست مي آوريم.

تعيين زوال شب يا روز در مناطق قطبي: براي تعيين وقت زوالين در شبها و روزهاي قطبي از رصد ستارگان و رصد حركت شمس استفاده مي نماييم:

الف- تعيين زوال بوسيله رصد نجوم در شبهاي قطبي: اين روش بوسيله رصد ستاره اي است كه در درجه مقابل شمس بر دايرة البروج واقع است، وقتى شمس در تحت الافق مي باشد قسمت روبرويش بر مدار دايرة البروج بالاي افق است، و با رصد ستارگان آن قسمت؛ موضع شمس در تحت الافق را مي توان تشخيص داد، و با چرخش آن ستاره در آسمان؛ موقعيت شمس در تحت الافق؛ در شبانه روز قطبي تشخيص داده مي شود، هرچند كه شمس به خاطر تحت الافق بودن رؤيت

نمی شود؛ ولی با ستاره روبروی آن جایش را مي توان رصد نمود. از آنجا که نقـاط زوالین بر دایرة البروج؛ قرینه هم هستند، با تعیین ستاره بر درجه مقابل شـمس؛ وقتي ستاره مذکور از وسط السماء و نصف النهار در سمت جنـوب عبـور کنـد؛ وقت زوال شب؛ و عبور آن از سمت شمال؛ وقت زوال روز است، زیرا که در این هنگام شمس در درجه مقابل آن بر دایرة البروج در طرف دیگر کره زمـین؛ و در زوال خود مي باشد، و درجه مقابل شمس بر دایرة البروج؛ نیز در آسـمان منـاطق قطبي قابل رصد و واضح مي باشد، و ایـن روش نـیز از مـصادیق روش "اوصـاف معادل محلي اوقات" مي باشد. این روش اشکالات موانع دید در افـق را نـیز کمـتر دارد، زیرا که دایرة البروج متناسب با عرض جغرافیایي نسبت بـه افـق؛ ارتفـاع دارد، از آنجا که در برخي شبهاي قطبي (در پاییز و زمستان) در وقت قرار گـرفتن شمس در سمت جنوب و وقت زوال روز؛ نزدیك افق (کمتر از ٦درجه) مي باشد، و نور شمس از تحت الافق آسمان را روشن مي کند؛ و نور ستاره ها محو مي شود؛ فلذا بهترین وقت رصد زوالین در وقت زوال شـب مي باشـد، کـه شـمس در فاصـله دورتري از افق مي باشد. ازین رو در هنگام شب رصد می کنیم آن ستاره را؛ که در چه ساعتي در نقطه جنوب قرار مي گیرد، آن ساعت را ثبت می کنیم، این ساعت زوال ظهر آن ستاره؛ و هنگام زوال شب (درجه مقابل آن یعنی) خورشید است.

در عرضهاي شمالي از ٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه به بعد؛ زوال شب در برخي از شـبها را؛ فقط از طریق رصد ستارگان مي توان تعیین نمود، زیرا نـوري از خورشـید بـه سطح افق نمي رسد، و در مناطقي (مانند عرض ٧٨ درجه و ٣٤ دقیقه تا ٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه) هم که (ارتفاع شمس در وقت زوال ظهـر دورتـر از ١٢ درجـه) نـور خورشید مقداري آشکار است؛ ولي موانع مانند کوه یا عوارض طبیعي و غبـار در افق وجود داشته باشد؛ و مانع نور بشود؛ رصد ستارگان که ارتفاع دارند؛ آسان تر

از روش رصد نور شمس مي باشد. در برخي از شبهاي قطبي نزديك به قطبين (عرض ٨٤ درجه تا قطب)، خورشيد در كل مدت در نزديك افق (فاصله كمتر از ١٨ درجه تا افق) حركت مي كند؛ و آسمان (مانند لحظه قبل طلوع آفتاب) روشن است؛ و نور ستاره ها رؤيت نمي شود و يا مشكل است، در اين وضعيت شبهاي قطبي؛ به خاطر وضوح حركت نور شمس در تحت الافق؛ از رصد نور شمس براى تعيين زوالين استفاده مي شود.

ب- تعيين زوال با رصد نور شمس در شبهاي قطبي: در شبهاي قطبي عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} تا قبل از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه}؛ نور خورشيد در افق در همه شبها قابل تشخيص است، كه از نشانه هاي اين نور؛ و حركت آن در تحت الافق؛ و عبورش از سمت جنوب جغرافيايي؛ وقت زوال ظهر قابل تشخيص است، و وقت زوال شب نيز به فاصله ١٨٠ درجه قبل آن (معادل ١٢ ساعت) محاسبه مي شود. و از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} به بعد؛ در برخي شبها نور شمس تحت الافق قابل رصد است، و در برخي شبها (نزديك انقلاب زمستاني) قابل رؤيت نيست، و شمس در پايينتر از حد ١٨ درجه قرار دارد، در اين شبها رصد نور خورشيد امكان ندارد، در اين موارد؛ و همچنين در صورت وجود موانع در افق؛ يا نور ضعيف شمس؛ با روش رصد نجوم؛ زوالين تعيين مي شوند.

ج- تعيين وقت زوال در روزهاي قطبي: در روزهاي قطبي؛ شمس در بالاي افق است، و شمس در تمام لحظات سير خود قابل رصد مي باشد، وقت رسيدن آن به سمت شمال و جنوب جغرافيايي اوقات زوالين مي باشند، و وقت زوال ظهر با اوصاف اصلي خود قابل رصد است؛ كه از روش "اوصاف اصلي اوقات" استفاده مي شود، كه همان رسيدن به بالاترين نقطه و سمت جنوب است.

خلاصه: براي همه نقاط قطبي در شبهاي قطبي؛ بوسيله رصد ستارگان واقع در درجه مقابل شمس و وقت عبورشان از سمت الرأس (وقت رسيدن ستاره به سمت جنوب)، و يا رصد نور شمس از تحت الافق؛ وقت زوال شب قابل تشخيص است، و وقت زوال روز نيز به فاصله ۱۸۰ درجه چرخش زمين بعد آن (معادل ۱۲ ساعت) مي باشد، و بدين ترتيب وقت معادل بقيه اوقات فيما بين زوالين را براي همه نقاط؛ با روش تقدير اوقات بدست مي آيند، در روزهاي قطبي نيز با رصد حركت شمس در آسمان اوقات زوالين قابل تشخيصند، و زمان معادل بقيه اوقات را با روش "تقدير اوقات" بايد تعيين نمود.

روش تقدير اوقات در شبها و روزهاي قطبي: بنا بر وقت زوالين (قابل تعيين در بلاد قطبي) بقيه اوقات فيما بين زوالين بدين نحو تقدير مي شوند:

الف – روش تقدير اوقات در شبهاي قطبي داراي فلق و شفق: از عرض {٦٧ درجه و ۲۷ دقيقه} كه شبهاي قطبي آغاز مي شود تا قطبين؛ شبهايي وجود دارد كه داراي فلق و شفق است اما نور شفق به فلق متصل است؛ و از بعد بروز فلق؛ آسمان مانند بين الطلوعين روشنايي دارد؛ تا اينكه وقت زوال ظهر رسيده، و تا وقت انتهای شفق؛ اين روشنايي آسمان مانند بين الطلوعين باقي مي ماند، با شروع شبهاي قطبي از انقلاب زمستاني، ابتدای فلق و انتهای شفق؛ نزديك ميانه زوالين بوده، و در عرضهاي بعد به تعداد شبهاي قطبي به سمت پاييز و زمستان افزوده شده و به تدريج همنيطور ادامه می يابد، تا اينكه از عرض جغرافيايي {۸۱ درجه} در برخي روزها بروز فلق و غروب شفق به نزديك نيمه شب مي رسد، و از عرض جغرافيايي {٨٤ درجه} در برخي شبهاي قطبي؛ به نزديك زوال ظهر مي رسد، از آنجا كه اين ايام فاقد طلوع و غروب خورشيد است، و شب و روز ديگر يوميه نبوده و بيشتر از ٢٤ ساعت می باشد، فلذا اوصاف ابتدای فلق و انتهای شفق؛

معتبر نبوده، فلذا برای تعیین اوقات کلا از روش تقدیر اوقات استفاده می کنیم، و در این ایام با محوریت زوالین، اوقات فیما بین زوالین را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعیت هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم، بدين صورت كه براى فجر: ۷۲ درجه از زوال شب (۱۸ درجه تا طلوع) یا ٤ ساعت و ٤٨ دقیقه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا طلوع)، برای طلوع: ۹۰ درجه، یا ٦ ساعت، برای ضحی ۱۳۵ درجه یا ۹ ساعت، و برای زوال ظهر ۱۸۰ درجه یا ۱۲ ساعت، و برای عصر ۲۲۵ درجه یا ۱۵ ساعت، و برای غروب ۲۷۰ درجه یا ۱۸ ساعت، و برای عشاء ۲۹۸ درجه یا ۱۹ ساعت و۱۲ دقیقه می باشد، که این وقت اخیر ۷۲ درجه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا غروب، و ٤ ساعت و ٤٨ دقیقه تا زوال بعدی شب، فاصله دارد.

ب- روش تقدیر اوقات در شبهاي قطبي بدون شفق و فلق: در ایامي از پاییز و زمستان از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه} تا قبل قطبین، شبهاي قطبي بدون شفق و فلق دارند، که علاوه بر طلوع و غروب، شفق و فلق نیز در آنها منعدم است، اولین شب آن از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه} از انقلاب زمستاني آغاز مي شود، و تا قطبین به تعداد شبهاي آن افزوده مي شود؛ از آنجا که این ایام فاقد طلوع و غروب خورشید است، و شب و روز دیگر یومیه نبوده و بیشتر از ٢٤ ساعت می باشد،، فلذا برای تعیین اوقات کلا از روش تقدیر اوقات استفاده می کنیم، و در این ایام با محوریت زوالین، اوقات فیما بین زوالین را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعیت هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم، همچنانکه فوقا بیان شد.

ج- روش تقدير اوقات در روزهاي قطبي: در ايامي از بهار و تابستان از عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه} تا قطبين، روزهاي قطبي وجود دارند كه نشانه هاي طلوع و غروب و شفق و فلق در آنها منعدم است، از آنجا كه اين ايام فاقد طلوع و غروب خورشيد است، و شب و روز ديگر يوميه نبوده و بيشتر از ٢٤ ساعت می باشد،، فلذا برای تعيين اوقات كلا از روش تقدير اوقات استفاده می كنيم، و در اين ايام با محوريت زوالين، اوقات فيما بين زوالين را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم، همچنانكه فوقا بيان شد.

روش تقدير اوقات در روزهاي داراي طلوع و غروب ولی بسيار كوتاه فاقد شرط گنجايش شب يا روز برای انجام عبادت شبانه يا روزانه:

از آنجا كه اقتضاي تشريع خداوند حكيم عادل در تكاليف عباد؛ متناسب با فرصت انجام آن می باشد؛ و هر تكليف عبادتی در شرع ابلاغ شده، متناسب با مدت زمان لازم برای انجام آن؛ مقرر شده است؛ فلذا ايامی كه حد و مرز روز آن (طلوع و غروب) طوری نامتعادل می شود كه برای انجام وظيفه عبادتهای آن (از طهارت و فرايض و نوافل) فرصت لازم وجود ندارد؛ معلوم می شود كه علايم اوقات آن محل يا آن فصل؛ معتبر نمی باشد، و در اين صورت به روش جايگزين بايد مراجعه كرد، ولو ظاهرا برخی اوقات، نشانه اوقات را داشته باشد.

مثال: معمولا در روز قبل يا بعد شروع ايام قطبي؛ يك روز نامتعارف داراي طلوع يا غروب وجود دارد (مانند عرض ٦٧ درجه تا عرض ٧٥ درجه)، اين ايام هر چند اوصاف اصلي اوقات طلوع و غروب را داراست ولي به خاطر كوتاهي

شديد طول روز؛ فرصت براي انجام عبادت روزانه (فرائض ظهر و عصر و نوافل) و تحصيل مقدمات لازم آن نمی باشد. فلذا آن اوصاف اوقات طلوع و غروب؛ از اعتبار ساقط شده؛ و همچون ساير ايام فاقد اوصاف (طلوع و غروب)؛ در اين ايام نيز با محوريت زوالين، اوقات فيما بين زوالين را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم، همچنانكه فوقا بيان شد.

تذكر در رصد و محاسبه عرضهاي جغرافيايي غير معتدله و قطبي:

١- در منابع نجومي بين المللي و غربي امروزی عموما وقتي مي گويند "طلوع شمس" منظورشان بالا آمدن مركز قرص شمس از افق است، و طلوع (شرعی و فلكی قديم) به معني لبه بالايي قرص شمس را نمي دهد، و در روش رايج (غير شرعی و فلكی جديد) شروع روز را از رسيدن مركز قرص شمس به افق حساب مي كنند، در حالي كه در عرف و در شرع و در نجوم كهن؛ منظور از طلوع شمس، بالا آمدن لبه بالايي قرص شمس است، و لبه بالايي قرص شمس زودتر از مركز قرص شمس به افق مي رسد؛ فلذا منابع نجومی امروزی كه شروع عرضهاي قطبي را از ٦٦ درجه و ٣٤ دقيقه ارائه داده اند، آن را نسبت به مركز قرص شمس سنجيده اند، از اين رو برخلاف اعدادي كه مراكز نجومي رايج بر اساس مركز قرص شمس براي شروع عرضهاي قطبي ارائه كرده اند، عرضهاي قطبي با مبناي طلوع لبه بالايي شمس؛ از عرض ٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه آغاز مي شوند.

٢- در محاسبه طلوع و غروب لبه بالايي شمس حساب انكسار نور خورشيد در افق نيز لازم است، لحظه‌ای كه لبه بالايي قرص خورشيد از زير افق ناظر سر بر می آورد، زمان طلوع خورشيد است. نور صادر شده از خورشيد قبل از اين كه به

ناظر برسد، از جو زمين عبور كرده؛ و وجود جوّ باعث مي‌شود كه مسير نور منحرف شده؛ و خورشيد بالاتر از موقعيت واقعي خود به نظر برسد؛ يعني لبه قرص به افق نرسيده، ولي ناظر تصوير آن را در افق مي بيند. اين مقدار وابسته به غلظت جو در محيط مي باشد؛ و تحت تأثير عوامل رطوبت، دما، فشار و امور ديگر است، و مقدار متغيري دارد، به صورت متوسط از ۳۲ دقيقه تا ۳۵ دقيقه قوسي، و با احتساب ۱۶ دقيقه قوسي؛ ميانگين شعاع ظاهري خورشيد، وقتي كه مركز قرص در فاصله حدود ٤٨ تا ٥١ دقيقه (متوسط ٥٠ دقيقه) در زير افق است تصوير لبه شمس در افق نمايان مي شود؛ براي غروب لبه قرص نيز به همين شكل، زمان دقيق غروب خورشيد نيز لحظه‌اى است كه مركز قرص خورشيد حدود ٤٨ تا ٥١ دقيقه (متوسط ٥٠ دقيقه) زير افق ناظر باشد. هر چه به سمت قطب برويم تأثير انكسار نور در طلوع و غروب بيشتر مي شود و نوع محاسباتي مقبول است كه حساب انكسار نور را انجام داده باشند. شروع مناطق قطبي بر اساس اولين منطقه ايست كه در آن در يك روز طلوع و غروب رخ نمي دهد و حسابش وابسته به لبه بالايي قرص شمس است؛ و عوامل جوى در انكسار نور و حساب آن تأثير دارند، و دقت در ثانيه ها ندارد، ولي حساب شروع مناطق بلاد معتدله بر اساس ۱۸ درجه فاصله مركز قرص شمس تا افق است، و مانند حساب طلوع، عوامل محيطي در آن تأثير گذار نيست؛ فلذا دقت حساب شروع مناطق معتدله در ثانيه ها؛ بيشتر از حساب مربوط به شروع مناطق قطبي مي باشد.

۳- حد عروض جغرافيايي قطبي و غير معتدله؛ متناسب با زاويه هر منطقه نسبت به شمس؛ و وابسته به تغييرات محور زمين (مانند رقص محوري) و نوسانات آن است، و روزانه تغييرات اندكي دارد، و ماهانه تا چند صد متر بر زمين نوسان دارد؛ و سالانه به اندازه چند دهم ثانيه؛ تا بيش از يك ثانيه جغرافيايي؛ افزوده يا كاسته مي شود. مقدار دقيق عرضهاي جغرافيايي غير معتدله

و قطبي براي سال ١٤٣٥ هجري قمري و ٢٠١٤ ميلادي از معتبرترين زيجهاي نجومي بين المللي (زيج سوئيس و مركز فضايي ناسا)، با احتساب لبه بالايي قرص شمس و انكسار نور خورشيد در طلوع؛ (بر مبناى شريعت اسلام و نجوم كهن) چنين مي باشد: شروع مناطق غير معتدله (اتصال شفق به فلق): ٤٨ درجه و ٣٣ دقيقه و ٥٤ ثانيه / شروع مناطق قطبي: ٦٥ درجه و ٤١ دقيقه و ٥٤ ثانيه.

سؤال: تعيين وقت زوال بر اساس"رصد نجوم" بجز مبانى علمى و نجومى؛ آيا مستند شرعى (احاديث شريفه معصومين عليهم السلام) هم دارد؟ كه بر اساس آن عمل شود؟ لطفا روش تعيين زوال بر اساس"رصد نجوم" را توضيح فرماييد.

جواب: تشخيص وقت زوال شب با رصد نجوم: از روشهاي استفاده از "اوصاف معادل محلي اوقات" است، چنانچه در حديث شريف بيان شده است: ابن حنظلة از حضرت امام صادق عليه السلام در اين باره مي پرسد كه زوال روز را مي دانيم، اما زوال ليل كدام است؟ حضرت عليه السلام مي فرمايند للّيل زوال كزوال الشمس...، براى شب زوالى است مانند زوال شمس،... سؤال كرد چطور بشناسيم؟ فرمودند: بالنجوم اذا انحدرت أي النجوم التي طلعت اول الليل، آن نجومي كه اول شب (غروب آفتاب) در افق شرقي طلوع نمودند لحظه اي كه به وسط السماء و نصف النهار محل رسيده و از بالاي سر سرازير شدند به سمت مغرب؛ آن موقع وقت زوال شمس است. همانطور كه خورشيد طلوع و غروب و وقت زوال دارد؛ ستاره ها نيز طلوع و غروب و وقت زوال دارند، بين دو طلوع يك ستاره يا به فاصله بين دو وقت زوال آن را يك روز نجومي مي گويند، هر روز نجومي حدود ٤ دقيقه (٣ دقيقه و ٥٦ ثانيه) از روز شمسي كوتاهتر است يک روز شمسى فاصله بين دو زوال شمس يا رسيدن مجدد شمس به زوال (عِلوى) ظهر و نصف النهار است كه ٢٤ ساعت مي باشد؛ از وقت غروب شمس تا نيمه شب، اختلاف وقت حركت نجوم و حركت

شمس، بسته به طول شب، بين يك تا ٣ دقيقه مي شود، و بوسيله رصد وقت طلوع و غروب نجومي كه طالع مي شوند؛ مي توان با وسط السماء رسيدن آن نجوم؛ وقت زوال (سِفلی) شمس را؛ با دقت و تقريب خوبي تعيين نمود. بدين ترتيب كه وقت غروب آفتاب ستاره در افق شرقي را تعيين نمود، و از وقت رسيدن آن به وسط السماء و خط زوال (عِلوی)؛ فهميد كه شمس نيز اين موقع به زوال (سِفلی) خود رسيده و نيمه شب است، زيرا كه شمس در اين موقع در پايينترين ارتفاع خود در طرف ديگر كره زمين است، و به وقت نيمه شب رسيده است.

الف- اگر در بلادي وقت غروب آفتاب معلوم باشد (مانند مناطق معتدله و مناطق قطبي در ايامي كه داراي طلوع و غروب مي باشند)؛ در وقت غروب آفتاب، ستاره اي كه از افق شرقي در حال طلوع است را با رصد تعيين نموده؛ و وقتي كه ستاره از نصف النهار و گذر بالايي (بالاي سر و سمت شمال آسمان) رد شد؛ وقت زوال شب (نيمه شب) است.

ب- اگر وقت غروب معلوم نباشد؛ مانند مناطق قطبي در شبهاي قطبي (كه شبهای ٢٤ ساعته دارند) و مناطقي كه شبهاي نامتعارف دارند، و يا فرد وقت غروب را نمي دانست، بايد ستاره اي كه روبروي شمس در دايرة البروج و آسمان است را تعيين نمايد؛ و براي آن بايد موضع شمس در صورتهاي فلكي را براي آن روز دانست (كه كار ميسوري است) و اين امر از موقعيت روز در سال معلوم است، از تقويم شمسي معلوم است كه در هر روز از سال؛ شمس در كدام درجه از بروج و صور فلكی است، (مثلا در اول فروردين؛ معادل اول برج اعتدالي حمل؛ شمس در اولين درجه برج فلكي حمل؛ و در صورت فلكي حوت است)، و با دانستن آن درجه از دايرة البروج كه شمس در آن است، درجه رقيب شمس (درجه روبروي شمس بر دايرة البروج) محاسبه مي شود، (آن درجه

+ ۱۸۰درجه)، و با تعيين درجه مقابل شمس؛ صورت فلكي و آن ستاره اي كه بر آن درجه است تعيين مي شود، هر وقت اين ستاره، در آن شب از نصف النهار محل رد شد، وقت نيمه شب (زوال شب) مي شود، و نشانه آنست كه شمس در مقابل و در زوال يا وتد الأرض واقع شده است.

تعيين جهت شمال در هر محل: ساده ترين و از دقيقترين راهها براي تعيين جهت جغرافيايي شمال، استفاده از ستاره قطبي مي باشد، اين ستاره روبروي محور كره زمين در جهت شمال جغرافيايي واقع است، و با رصد آن در آسمان؛ جهت شمال را در محل مي توان تعيين نمود.

سؤال: آیا تشخیص اوقات شرعی در نقاط مختلف زمین و ایام مختلف سال یکسان است؟ آیا همه از طریق اوصاف معروف بدست می آید؟ و مدت و فاصله اش در همه جا یکسان است؟

جواب: روش تشخيص اوقات شرعي از سه طريق است: ۱- اوصاف اصلی اوقات، ۲- اوصاف معادل محلی اوقات، ۳- تقدير اوقات، ،كه اين سه به ترتيب امكان تحقق و تشخيص ملاك قرار می گيرند.

روش اول: اوصاف اصلی اوقات: كه اوصاف اوقات آفاق عروض معتدله بوده و مرهون اوصاف اوقات اين بلاد است، چه اينكه اين بلاد مسكن بيشتر بشر در ابتدا بوده؛ و ملاك اصلی تحديد اوقات گرديده است. البته اين اوصاف محدود به اوقات بلاد معتدله نبوده و در غالب نواحی مسكونی كره زمين قابل تشخيص است.

روش دوم: اوصاف محلی اوقات: برخی از نواحی كره زمين؛ مانند نواحی قطبين و عروض بسيار شمالي يا بسيار جنوبی؛ در همه سال (مثل شب و روز ممتد قطبين)

كل اوقات خمسه؛ و يا در برخی از فصول (روزهاي قطبي در بهار و تابستان و شبهای قطبي در پاييز و زمستان)، برای بلاد بسيار شمالي يا جنوبي (از عرضهاي ٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه تا قطبين) برخي از اوقات (طلوع، غروب، زوال شب يا روز، فجر، عشاء)؛ قابل تشخيص با اوصاف اصلی (معروف در بلاد معتدله) نبوده؛ و تشخيص برخی از اوقات (مانند زوالين)؛ تنها با اوصاف معادل محلی و خاص آن مناطق (بر مبنای اوصاف اصلی اوقات) ممكن می باشد:

١- مانند: طلوع و غروب بلاد قطبيه در روزهاي قطبي (كه خورشيد يكسره بالاي افق است)؛ و نشانه هاي طلوع و غروب (با اوصاف اصلي و محلی) را ندارد، ولي زوال ظهر (با رصد خورشيد در بالاترين ارتفاع از افق و رسيدن به نقطه جنوب جغرافيايي در افق) با اوصاف اصلي آن معلوم است، زوال شب نشانه هاي تاريكي آسمان و تحت الافق بودن شمس را ندارد؛ ولي از نشانه هاي محلي و خاص آن؛ يعني با رسيدن خورشيد به نقطه شمال و پايين ترين ارتفاع؛ قابل رصد است، و با ملاحظه چرخش ٩٠ درجه بعد زوال ظهر؛ وقت معادل غروب؛ و ٩٠ درجه قبل آن؛ وقت معادل طلوع؛ معين مي شود.

٢- و مانند: شب ممتد ششماهه (كه خورشيد يكسره پائين و زير افق و نزديك افق است) و نشانه هاي طلوع و غروب و زوال روز منعدم است، ولي وقت زوال روز با نشانه هاي خاص و محلي آن يعني با رصد حركت نور آن؛ و رسيدن به كمترين ارتفاع نزديك زير افق و سمت جنوب؛ معلوم می شود. و زوال شب نيز قرينه آن؛ و به فاصله ١٨٠ درجه بعد زوال روز؛ مي باشد و به روش تقدير اوقات ساير اوقات مانند طلوع و غروب نيز معين مي شود.

در صورت تمکن راصد قطبی؛ از رصد این اوصاف و تشخیص اوقات از آنها (مانند زوالین در روزها و شبهای قطبی) در عرضهای {٦٥ درجه و ٤٢ دقیقه} تا قطبین؛ به این "اوصاف محلی اوقات" مراجعه نموده؛ و بر اساس آنها عمل می کند. و معادل طلوع و غروب و سایر اوقات را؛ بر اساس اوصاف محلی زوالین؛ به روش تقدیر اوقات استحصال می نماید. همچنانکه در صورت انعدام اوصاف اصلی و نیز اوصاف محلی؛ برای تشخیص اوقاتی مانند طلوع و غروب و فجر و عشاء در روزهاي قطبي؛ و طلوع و غروب در شبهاي قطبي عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقیقه} تا قطبین؛ و طلوع و غروب و فجر و عشاء در برخي شبهاي قطبي عرضهاي {٨٤ درجه و ٤٣ دقیقه} تا قطبین؛ به روش سوم (تقدیر اوقات) مراجعه می نماید.

روش سوم: تقدیر اوقات: برای مواردی است که بکلی تشخیص اوقات؛ از طریق اوصاف اصلی اوقات و یا حتی اوصاف محلی آن؛ ممکن نمی باشد.

١- مانند معادل طلوع و غروب بلاد قطبیه در شبهاي قطبي (که خورشید زیر افق است)؛ و روزهاي قطبي (که خورشید بالاي افق است)، که با محوریت زوالین به روش تقدیر اوقات بدست می آید.

٢- و مانند اوقات فجر و عشاء؛ که در همه فصول برای بلاد قطبیه؛ (واقع در قطبین)؛ و برخی فصول (در روزهاي قطبي در بهار و تابستان) برای بلاد بسیار شمالی و بسیار جنوبی؛ عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقیقه} تا قطبین؛ و در بخشي از شبهاي قطبي عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقیقه} تا قطبین قابل تشخیص نمی باشد. که با محاسبه درجه فاصله خورشید در این اوقات (از زوال شب) به روش تقدیر اوقات بدست می آید.

در همه این موارد طبق روش "تقدیر اوقات" عمل می شود:

۱- که هر قدر از اوصاف اصلی (زوالین و طلوع و غروب) قابل تشخیص باشد، همانها محور "تقدیر و اندازه گیری اوقات" غیرقابل تشخیص قرار می گیرند، مثل بلاد عروض بلند در روزهاي قطبي؛ در بلاد عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقیقه} تا قطبین؛ که اوقات زوالین معلوم است، اما اوصاف معادل فجر و عشاء و طلوع و غروب در برخی از فصول سال منعدم مي گردد، و در این موارد بر اساس درجه فاصله خورشید در هر يك از اوقات (نسبت به زوال شب) اندازه گیری می شود.

۲- و در صورت عدم تبیّن اوصاف اصلی؛ و امکان تشخیص اوصاف معادل محلی؛ همین اوصاف معادل خاص و محلی؛ محور تقدیر و اندازه گیری اوقات غیرقابل تشخیص قرار می گیرند، مثل بلاد قطبیه (قطبین) در روزهای قطبی که اوقات زوال ظهر و شب از اوصاف معادل محلی قابل تشخیص است، و اوصاف بقیه اوقات در صورت بروز به علت یومیه نبودن معتبر نبوده و برای تشخیص اوقات با محوریت زوالین، اوقات فیما بین زوالین را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعیت هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش) در چرخش وضعي زمین (با ملاحظه زاویه با زوال شب) تقدیر مي کنیم.

۳- و در صورت عدم تبین اوصاف اصلی و اوصاف محلی بطور کلی؛ حتی در برخی از اوقات، (مثل بلاد نزدیك قطبین در شبهاي قطبی که فقط وقت زوال از اوصاف محلي قابل تشخیص است، اما اوصاف محلی اوقات طلوع و غروب و فجر و عشاء در همه فصول سال منعدم مي گردد) در این موارد نیز وقت معادل طلوع و غروب و فجر و عشاء بر مبناي زوالین تقدیر مي شوند، و این بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعیت هر ساله زمین مطابق آغاز آفرینش)

چرخش زمين در حركت وضعي تقدير مي شود؛ بدين صورت كه چرخش ۹۰ درجه شمس نسبت به وقت زوال شب (معادل ٦ ساعت) به عنوان معادل طلوع، و ۲۷۰ درجه بعد زوال شب وقت معادل غروب (٦ ساعت بعد زوال ظهر)، و فاصله ۱۸ درجه (۷۲ دقيقه) از معادل طلوع و معادل غروب، به عنوان معادل فجر و معادل عشاء تقدير می شود، و بدين ترتيب معادل اوقات خمسه با فواصل متعادل تقدير می شود. [شمارة ثبت: (۱۳۳۱) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: اگر اوصاف اوقات شرعي (فجر، طلوع، غروب آفتاب، غروب شفق) در محلي و يا در وقتي منعدم باشد، برای تشخيص اوقات شرعيه چه بايد كرد؟ لازم به ذكر است كه مقدار ضرورت و نياز به جواب اين سؤال و كاربرد آن كم نيست: پايتخت كشورهای روسيه؛ دانمارك؛ نروژ؛ سوئد؛ هلند؛ بلژيك؛ آلمان؛ چكسلواكی؛ انگليس؛ و لهستان؛ همه جزو مناطقي هستند، كه برخي از سال در آنها شفق و فلق متصل است؛ و عشاء و فجر مبَيَّن نيستند، و بجز قطبين؛ برخي از نواحي مسكوني كشورهای روسيه؛ امريكا؛ آلاسكا؛ گرينلند؛ فنلاند؛ و نروژ؛ دارای روز ممتد و شب ممتد هستند. البته قطب جنوب در فصول و شب و روز بودن؛ برعكس قطب شمال است.

جواب:

۱- در اين بلاد طلوع و غروب بطور يوميه (در شبانه روز) اتفاق نمي افتد، و فجر و عشاء هم همينطور، پس برای تشخيص اوقات شبانه روز عادی كه در بلاد معتدله هست، بايد با ملاحظه موضع خورشيد در حركت شبانه روزی آن در افق اين بلاد و بر حسب اوصاف محلی، معادل آن اوقات را تقدير و اندازه گيری نمود.

۴- از آنجا که منظره وضعیت خورشید در آسمان معلول زاویه محوری آن در فصول مختلف؛ و حرکت وضعي كره زمين با گردش يكبار زمين بدور محور خود در يك شبانه روز اتفاق مي افتد، از آنجا كه زوال شمس و ظهر با رسيدن هر نقطه به مقابل خورشيد؛ و عبور آن از نصف النهار و مقابل هر نقطه كره زمين مي باشد و اين عبور برخلاف طلوع و غروب و فجر و عشا وابسته به سطح افق ناظر نيست، و علت آن حركت وضعي زمين است و با گردش يكبار زمين بدور محور خود در يك شبانه روز مجدد براي همه نقاط واقع بر يك طول جغرافيايي وقت زوال مي رسد، و با دانستن آن؛ وقت زوال براي همه نقاط قابل اندازه گيري است، فلذا از ميان اوقات شرعي تنها وقتي است كه در تمام نقاط كرده زمين قابل رصد براي عموم است حتى در قطبين كه شمس تحت الافق است بوسيله رصد نجوم و حركت نور شمس در افق قابل تشخيص مي باشد و نشانه هاي آن محسوس و در دسترس همگان واقع است در حالي كه ساير اوقات شرعي كاملا وابسته به افق ناظر و در بلاد شمالي يا جنوبي نيز نشانه هايشان منعدم شده و قابل تشخيص نيستند پس با بدست آوردن اين زمان؛ می توان زوالين هر نقطه زمين حتى قطبين را در هر وقت سال؛ تعيين دقيق نمود، و براى همين است كه در كلام وحي محور اوقات را زوالين قرار داده است، كه در همه بلاد زمين و در همه فصول سال قابل تشخيص و تعيين است.

۳- نحوه بدست آوردن زوالين بلاد قطبي: رسيدن شمس به سمت شمال جغرافيايي وقت زوال شب؛ و رسيدن آن به جنوب جغرافيايي وقت زوال ظهر است؛ و زوالين به فاصله ۱۸۰ درجه (معادل ۱۲ ساعت) نسبت به يكديگر هستند و با رصد زوال ظهر يا شب ديگري نيزمحاسبه مي شود، تعيين زوال در بلاد قطبي به چند صورت است:

تعيين زوال با رصد نور شمس در شبهاي قطبي: در شبهاي قطبي عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} تا قبل از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه}؛ نور خورشيد در افق در همه شبها قابل تشخيص است، كه از عبورش از سمت جنوب جغرافيايي؛ وقت زوال ظهر قابل تشخيص می باشد، و از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} به بعد؛ در برخي شبها نور شمس از تحت الافق قابل رؤيت است و در برخي شبها (نزديك انقلاب زمستاني) قابل رؤيت نيست، و شمس در پايينتر از حد ١٨ درجه قرار دارد، در اين شبها رصد نور خورشيد امكان ندارد، در اين موارد؛ و همچنين در صورت وجود موانع در افق؛ يا نور ضعيف شمس؛ با روش رصد نجوم؛ زوالين تعيين مي شوند.

تعيين زوال بوسيله رصد نجوم در شبهاي قطبي: در شبهاي قطبي از عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} در وقت شب از طريق رصد ستاره در درجه مقابل شمس بر دايرة البروج و رسيدن آن به نقطه شمال؛ وقت زوال شب قابل تعيين است، در عرضهاي شمالي از {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} به بعد؛ زوال شب در برخي از شبها را؛ فقط از طريق رصد ستارگان مي توان تعيين نمود، زيرا نوري از خورشيد به سطح افق نمي رسد، و در مناطقي هم كه نور خورشيد مقداري آشكار است؛ ولي موانع مانند كوه يا عوارض طبيعي و غبار در افق وجود داشته باشد؛ و مانع نور بشود؛ رصد ستارگان كه ارتفاع دارند؛ آسان تر از روش رصد نور شمس مي باشد.

تعيين وقت زوال در روزهاي قطبي: در روزهاي قطبي؛ شمس در بالاي افق است، و شمس در تمام لحظات سير خود قابل رصد مي باشد، وقت رسيدن آن به سمت شمال و جنوب جغرافيايي اوقات زوالين مي باشند، و وقت زوال ظهر با اوصاف اصلي خود قابل رصد است؛ كه از روش "اوصاف اصلي اوقات" استفاده مي شود، كه همان رسيدن به بالاترين نقطه و سمت جنوب است.

٤- در بلاد تداخل اوصاف فجر و عشاء: همانند مناطق ديگر زمين؛ پديده تقدم فجر و تأخر عشاء وجود دارد؛ اما اينقدر ادامه مي يابد كه زمان فلق و شفق به زوال شب نزديك و متصل؛ و نتيجتا وقت فجر و عشاء با يكديگر متصل مي گردد و شروع فلق (فجر) و نهايت شفق (فلق) ديگر قابل تشخيص نيست. فلذا بايد به وقت معادل فجر و عشاء مراجعه نمود.

در بلاد داراي عرضهاى {٤٨ درجه و ٣٤ دقيقه} شمالي يا جنوبي كره زمين و بيشتر از آن؛ در بخشي از سال (بهار و تابستان)؛ در اثر تقدم فجر و تأخر عشاء تا متصل شدن آنها به زوال شب؛ بعد از غروب خورشيد؛ غروب شفق (روشنايي بعد غروب آفتاب) غروب نكرده و به فلق (روشنايي قبل طلوع آفتاب) متصل شده و تمام شب آسمان به شكل بين العشائين يا بين الطلوعين در مي آيد، تا اينكه يكباره خورشيد طلوع كند، در اين وضعيت تنها وقت غروب و طلوع آفتاب قابل تشخيص بوده و تشخيص وقت عشاء و فجر (بر حسب اوصاف اصلي اوقات و نشانه هاي معروف در عروض معتدله) ممكن نمي باشد، و گاهي اين شفق و فلق متصل و يكپارچه؛ نورش آنچنان زياد مي شود كه شب تقريبا مانند روز روشن است. در زبان محلي اين بلاد؛ اين شبها را شبهاي سفيد (WhiteNight) يا شبهاي روشن (LightNight) مي نامند. توجه شود اين اصطلاح محلي با ترجمه اصطلاح عمومي "ليالي مقمرة و ايام البيض" اشتباه نشود. در ايام اتصال شفق به فلق و فقدان اوصاف فجر و عشاء؛ از روش "تقدير اوقات" براى تشخيص وقت معادل فجر و عشاء نيز استفاده مي شود.

وقت معادل عشاء در عروض شمالي: در تمام اين موارد (عدم غروب شفق و اتصال شفق به فلق) هنگام فضيلت نماز عشاء در وقت عشاء تقديري (معادل چرخش زمين به ميزان ١٨ درجه بعد از غروب آفتاب؛ معادل ٧٢ دقيقه زماني)

بوده، و بیشتر از آن تأخیر نشود. آخر وقت فضیلت عشاء (برای این بلاد) یکساعت ونیم بعد از غروب آفتاب است.

برای محاسبه تقسیمات نصف و ثلث و دو ثلث شب؛ در شبهاي نزديكي بسیار فجر و عشاء به نیمه شب و در شبهاي اتصال شفق به فلق، مقدار شب را با ملاحظه روش "تقدیر اوقات" عشاء و فجر (معادل چرخش زمین به میزان ۱۸ درجه بعد از غروب آفتاب تا ۱۸ درجه قبل طلوع آفتاب معادل ۷۲ دقیقه بعد غروب آفتاب تا ۷۲ دقیقه قبل از طلوع آفتاب) را محاسبه و کسر و سپس تقسیمات مزبور را اعمال مي نمايند.

وقت فجر در عروض شمالي كه داراي شبهاي غيرمتعارف هستند:

در شبهاي نزديكي بسیار شفق به نیمه شب، از آنجا که فجر از اعتدال و تناسبش با طلوع آفتاب بیرون می رود، برای روزه؛ در وقت فجر صادق (اوصاف اصلي) امساك كرده و نيت مي نمايند، اما برای اداي نماز صبح: بهتر است که نماز صبح را در وقت فجر به روش "تقدیر اوقات" (معادل نتیجه چرخش زمین به میزان ۷۲ درجه بعد از زوال شب و رسیدن به ۱۸ درجه قبل طلوع آفتاب برابر ۷۲ دقیقه زماني قبل از طلوع آفتاب) بجاي آورند.

در شبهاي اتصال شفق با فلق (WhiteNight): که فجر مستور واقع مي گردد نیز اگرچه بخاطر عدم بروز صفت فجر (بروز سپیده صبح در تاریکی افق) تکلیف مراجعه به فجر تقدیری است. و وقت معادل فجر به روش "تقدیر اوقات" به نحو فوق الذکر بدست آمده، و مرجع او در نماز و روزه می باشد، اما از آنجا که در شبهای قبل از این پدیده؛ فجر در حال تقدم بوده و آخرین روز واجد صفت فجر در شبهای فعلی قاعدتا بعد از فجر واقع می شود؛ فلذا بجهت احتیاط؛

برای روزه؛ و امساك آن؛ مراعات اوصاف فجر بعد از زوال شب را نموده، و معادل وقت فجر صادق؛ در آخرين روز واجد فجر (اوصاف اصلي)؛ امساك نموده و نيت مي نمايد، اما برای نماز صبح آنرا در وقت تقديری بجاي می آورد.

٥- در بلاد روز يا شب دائمي:

از عرض {٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه} تا عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه}: در شب دائمي؛ روشنايي فلق از سمت مشرق ظاهر؛ و روشني آن در سطح افق باقي مانده، و با گذشت زمان؛ متمايل به مغرب مي شود، تا اينكه غروب مي كند؛ در شبهاي قطبي ايام اين بلاد فاقد طلوع و غروب بوده، و اوقات شرعی؛ اوصاف اصلي را ندارند، اما زوالين از نشانه هاي محلي قابل تحصيل است:

١- ميانه طلوع فجر و غروب شفق؛ معادل زوال ظهر، و قرينه آن بعد از ١٢ ساعت برای زوال شب.

٢- نور شمس كه از تحت الافق قابل تشخيص است، و از زمان رسيدن نور شمس به سمت جنوب؛ وقت زوال روز، و رسيدن به سمت شمال؛ وقت زوال شب قابل تعيين است.

٣- همچنين وقت زوالين؛ از طريق رصد نجوم (در درجه مقابل شمس) در وقت زوالشان، نيز قابل تعيين است، بقيه اوقات هم از زوالين بدست می آيد.

٤- در روز دائمي (روزهاي قطبي)؛ به دليل بالاي افق بودن خورشيد؛ اوصاف اصلي اوقات فجر و عشاء و طلوع و غروب و زوال شب را ندارد، ولي زوال روز از اوصاف اصلي قابل تشخيص است (بالاترين ارتفاع و عبور از جنوب) و زوال شب نيز با نشانه محلي رسيدن شمس به سمت شمال قابل تعيين مي باشد.

از عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} تا قطبين: در شب دائمي؛ در قسمتي از ايام آن، طلوع فلق و غروب شفق وجود دارد، ولي اوصاف اصلي طلوع و غروب و زوال روز منعدم است، زوالين را با نشانه هاي محلي رصد ستاركان و يا حركت نور شمس در تحت الافق قابل تعيين هستند. از آنجا كه اين ايام فاقد طلوع و غروب خورشيد است، و شب و روز ديگر يوميه نبوده و بيشتر از ٢٤ ساعت می باشد، فلذا برای تعيين اوقات كلا از روش تقدير اوقات استفاده می كنيم، و در اين ايام با محوريت زوالين، اوقات فيما بين زوالين را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم.

١- در برخي از شبهاي قطبي (اواخر فصل پائيز و اوايل زمستان) ديگر سپيده (فجر) مذكور طلوع نمي كند. و پديده شفق و فلق رخ نمي دهد، و نشانه هاي اصلي اوقات (طلوع و غروب، فجر و عشاء و زوال روز) در شبهاي قطبي اين مناطق منعدم است، اما وقت زوال شب و روز؛ از نشانه محلي (رصد حركت شمس در تحت الافق بوسله نورش) و نيز رصد نجوم در درجه مقابل شمس؛ قابل تعيين مي باشد.

٢- در روز دائمي (روزهاي قطبي) به دليل بالاي افق بودن خورشيد؛ اوقات فجر و عشاء و طلوع و غروب و زوال شب؛ نشانه هاي اصلی را ندارند، ولي زوال روز قابل تشخيص است، و زوال شب نيز با نشانه محلي رسيدن شمس به سمت شمال قابل تعيين مي باشد.

خلاصه: اگر تعيين اوقات از جابجايي خورشيد فوق الأفق يا تحت الأفق؛ ميسر بود، مانند وقت زوال ظهر در شبهاي قطبي عرض {٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه} تا عرض {٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه} و زوالين در روزهاي قطبي در همه عروض

قطبي} كه اوصاف معادل ولو محلی (قطبي) برای تشخيص برخی اوقات را مي توان بدست آورد، و بقيه اوقات را بر اساس آن تقدير و استخراج نمود؛ پس به همان عمل مي شود، اما از آنجا كه در برخي مناطق قطبي تغيير نور اصلا محسوس نبوده (برخي شبهاي قطبي در عرض ٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه تا قطبين)، و نيز برخي ديگر از مناطق قطبي {شبهاي قطبي در عرض ٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه تا عرض ٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه}؛ اگرچه امكان تشخيص تغيير نور در افق هست، ولي از اين تغييرات نور؛ لحظه طلوع يا غروب را نمي توان تشخيص داد، فلذا تحقق و تشخيص اوصاف معادل قطبي اوقات نيز ميسر نمی باشد، و از آنجا كه در ايام و بلاد قطبيه؛ هم اوصاف اصلی اوقات شرعي منعدم بوده، و هم تحقق اوصاف محلي قطبي و يا تشخيص آنها؛ معمولا ميسور نيست، ازين رو تنها راه تشخيص اوقات شرعی؛ منحصر به روش "تقدير اوقات" بوده، و به اين روش عمل مي شود. برای همين؛ بلادي كه در تمام فصول (مانند قطبين) يا بعض فصول (مانند عرض ٦٥ درجه و ٤٢ دقيقه تا قطبين) طلوع و غروب مرتب خورشيد را ندارند، از آنجا كه اين ايام فاقد طلوع و غروب خورشيد است، و شب و روز ديگر يوميه نبوده و بيشتر از ٢٤ ساعت می باشد، فلذا برای تعيين اوقات كلا از روش تقدير اوقات استفاده می كنيم، و در اين ايام با محوريت زوالين، اوقات فيما بين زوالين را بر اساس مقدار اصلی (در خلقت شب و روز و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) در چرخش وضعي زمين (با ملاحظه زاويه با زوال شب) تقدير مي كنيم. بدين صورت كه برای فجر: ٧٢ درجه از زوال شب (١٨ درجه تا طلوع) يا ٤ ساعت و ٤٨ دقيقه (١ ساعت و١٢ دقيقه تا طلوع)، برای طلوع: ٩٠ درجه، يا ٦ ساعت، برای ضحی ١٣٥ درجه يا ٩ ساعت، و برای زوال ظهر ١٨٠ درجه يا ١٢ ساعت، و برای عصر ٢٢٥ درجه يا ١٥

ساعت، و برای غروب ۲۷۰ درجه یا ۱۸ ساعت، و برای عشاء ۲۹۸ درجه یا ۱۹ ساعت و۱۲ دقیقه، که این وقت اخیر ۷۲ درجه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا غروب، و ٤ ساعت و ٤٨ دقیقه تا زوال بعدی شب، فاصله دارد.

سؤال: سالهاست که با انتشار اسلام در اقصی نقاط جهان؛ از جمله بلاد عروض بسیار شمالی و بسیار جنوبي کره زمین؛ و روي آوردن بسیاری در آن بلاد به اسلام؛ و نیز سکونت مسلمانان در آن سرزمنیها؛ مسئله تشخیص اوقات شرعی در آن بلاد از مسائل ضروری و بسیار مورد مراجعه واقع شده است، با توجه به انعدام جزئي و کلي اوصاف اوقات شرعی (برحسب بلاد معتدله) در برخی فصول سال یا تمام آن؛ روش تعیین اوقات در این بلاد از مسائل مشکله و اختلافی گردیده است، و مراکز مختلف مذهبي متصدی امور فقهي حتی در یك مذهب مبتلا به آراء مختلفه شده اند، و آراء عجیبي بعضا مطرح شده است، مثل هجرت به بلاد معتدله و یا عمل به اوقات غیر آن بلاد (از نزدیك فاقد مشکل اوصاف اوقات یا اوقات بلاد مستویه) وو... که همه اینها ناشي از تحیر صاحبان آن آراء است، در پژوهشهایم در این زمینه با جوابیه های شما در این باره برخورد نمودم که حاوی نکات دقیقی بود، ضمن اینکه اشکالات مذکور نیز در آن نبود، و اصطلاحاتی نوین در این زمینه مطرح کرده بودید، می خواستم اگر ممکن است ضمن بیان تکلیف برای ساکنان این بلاد به صور مختلفه اش؛ به مبانی فقهی آن هم اشاره ای بفرمایید، و آیا این نظریه فقهی در متن قرآن کریم و یا حدیث شریف و نصوص و ادله شرعیه نیز ریشه داشته و بدانها نیز مستند است، یا بخاطر فقدان نصوص؛ صرفا براساس قواعد اصولی مبتنی است؟

جواب:

۱- خداوند متعال در کلام وحی قرآن کریم فرموده است: ﴿أقم الصلاة لدلوك

الشمس الى غسق الليل﴾، يعنى نماز را برپا دار از "دلوك شمس" تا "غسق ليل"، در روايت حلبي امام صادق عليه السلام می فرمايند: {دلوك الشمس زوالها و غسق الليل انتصافه}، مقصود از "دلوك شمس" زوال شمس (در ظهر) است، و مقصود از "غسق ليل" نيمه شب است، و در روايت ديگري؛ ابن حنظلة از حضرت امام صادق عليه السلام در اين باره مي پرسد: كه زوال روز را مي دانيم، اما زوال ليل كدام است؟ حضرت مي فرمايند: {للّيل زوال كزوال الشمس...}، برای شب زوالی است مانند زوال شمس، سؤال كرد: چطور بشناسيم؟ حضرت فرمودند: {بالنجوم اذا انحدرت أي النجوم التي طلعت اول الليل} زوال و نيمه شب را با ستاره ها می شناسيم، وقتی ستاره هايي كه در وقت غروب آفتاب و شروع شب از افق مشرق طالع بودند؛ را ببينيم كه در آسمان از نقطه سمت الرأس و بالای سر سرازير مي شوند در نيمكره سماوی غربي؛ آنوقت نيمه شب و وقت زوال در شب است كه در كلام وحی به غسق الليل توصيف شده، و شديدترين تاريكي شب در اين وقت است، چون خورشيد به منتها درجه غروب خود رسيده است و آثار هر نوری در آسمان زايل شده است، و در اين وضعيت بر حسب گردش وضعی زمين؛ نقطه جغرافيايي ناظر؛ دقيقا در پشت كره زمين نسبت به خورشيد قرار گرفته است، و از همين وقت شروع به بروز نور مجدد می شود تا در وقت فجر كه در افق ظاهر می شود.

۲- در اغلب بلاد زوال جنوبي در روز و بالاي افق، و زوال شب در شب و زير افق واقع مي شود، ولي در بلاد شمالي هنگام روز ممتد هر دو زوال در روز و بالاي افق؛ و در هنگام شب ممتد هر دو زوال در شب و زير افق واقع مي شود، بنابر اين تشخيص اوقات شرعي دارای سه مرتبه اند: كه اين سه به ترتيب امكان تحقق و تشخيص ملاك قرار می گيرند.

تشخیص با اوصاف اصلی اوقات: که دارای اوصاف اصلی مشخصه و معروفه اوقات بوده و در عموم بلاد قابل تشخیص هستند.

تشخیص با اوصاف معادل محلی اوقات: که قابل تشخیص با اوصاف اصلی (معروف در بلاد معتدله) نبوده؛ و تشخیص برخی از اوقات؛ تنها با اوصاف معادل محلی و خاص آن مناطق (بر مبنای اوصاف اصلی اوقات) ممکن می باشد. مثل تشخیص وقت زوالین بر اساس اوصاف محلی و تقدیر اوقات میان زوالین بر اساس آنها.

تشخیص با تقدیر اوقات: که در بلادي و مواقعي است که تشخیص اوصاف اصلی ممکن نبوده پس بدستور شرع مراجعه به اوصاف متوفر در بلاد مستویه؛ در بلاد غیر مستویه ملغا شده، و اوقات براساس ملاکهای اصلی اوقات؛ و به تقدیر و اندازه گیری متناسب با بلاد غیر مستویه مقرر مي شود، مثلا در اوقاتي که شب یا روز ممتد و بیشتر از ٢٤ ساعت مي شود؛ در شب ممتد حرکت رِحَوِي شمس در زیر افق ادامه دارد، و در برخي شبها نشانه هاي فجر و عشاء را نیز ندارد؛ با توجه به اینکه بوسیله کم و زیاد شدن نور امکان تشخیص اوقات معادل طلوع و غروب و فجر و عشا نیست فلذا به روش "تقدیر اوقات" مراجعه مي شود

٣- مستند تقدیر اوقات: در شب و روزی که مجموعا بیش از ٢٤ ساعت است؛ آیا همان یکبار پنج نماز؛ واجب است؟ یا بیشتر؟ در حدیث نبوی ﷺ اوصاف آخر الزمان آمده است که عرض شد: یا رسول الله، وما لُبْثُه في الأرض؟ أي الدجال، قال: " أربعون يومًا، يومٌ كسنةٍ، ويومٌ كشهرٍ، ويومٌ كجمعةٍ.... إلى أن قال:....قلنا: يا رسول الله، هذا اليوم كسنة؛ أتكفينا فيه صلاة يوم وليلة؟ قال ﷺ: لا، اقْدُرُوا له قَدْرَه. پیامبر ﷺ در پاسخ به سؤالي درباره زماني که شب و

روزی که مجموعا بیشتر از ۲٤ ساعت (مثلا یکهفته یا یکماه و بیشتر طول مي کشد) و اینکه آیا باید کاري به طولاني شدن نداشته و همان پنج نماز را بخوانیم؟ فرموده اند: نه! اندازه بگیرید آن زمان را به اندازه زمان معمولي، (هر ۲٤ ساعت پنج نماز بجاي آورده مي شود).

٤- تعریف تقدیر اوقات: یعني وقتي که متناسب با شرایط و وضعیت محل؛ اندازه گرفته مي شود، و دیگر به اوصاف اصلی اوقات (طلوع غروب فجر لیل نهار شفق فلق) مراجعه نمي شود. در این موارد به مبنای اصلي اوقات بر مي گردیم: در کلام وحي؛ محور اوقات نماز چنین بیان شده است: ﴿اقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق اللیل﴾، در کلام خازنان وحي علیهم السلام چنین تبیین شده است: دلوك شمس؛ زوال روز است؛ و غسق اللیل؛ زوال شب است، دلوك شمس؛ زوال آفتاب از دائره نصف النهار در طرف جنوب، غسق اللیل؛ زوال آفتاب از دائرة النهار در طرف شمال می باشد. این دو وقت (زوالین) محور تشخیص اوقات شرعي است.

طبق تعالیم مکتب وحی؛ اندازه اصلی اوقات در آغاز آفرینش زمین و وضعیت اولیه خلقت شب و روز (هر کدام ۱۲ ساعت)؛ و نیز وضعیت هر ساله زمین: فاصله از زوال شب: برای فجر: ۷۲ درجه از زوال شب (۱۸ درجه تا طلوع) یا ٤ ساعت و ٤۸ دقیقه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا طلوع)، برای طلوع: ۹۰ درجه، یا ٦ ساعت، برای ضحی ۱۳۵ درجه یا ۹ ساعت، و برای زوال ظهر ۱۸۰ درجه یا ۱۲ ساعت، و برای عصر ۲۲۵ درجه یا ۱۵ ساعت، و برای غروب ۲۷۰ درجه یا ۱۸ ساعت، و برای عشاء ۲۹۸ درجه یا ۱۹ ساعت و۱۲ دقیقه می باشد، که این وقت اخیر ۷۲ درجه (۱ ساعت و۱۲ دقیقه تا غروب، و ٤ ساعت و ٤۸ دقیقه تا زوال بعدی شب، فاصله دارد.

٥- منابع و اصول استخراج تقدير اوقات: چند منبع و پايه در بدست آوردن اوقات وجود دارد: الف: ملاحظه اوصاف اصلي، ب: ملاحظه اوصاف محلي، ج: ملاحظه زوالين هر بلد (چه با اوصاف و رصد شمس و چه با رصد نجوم درجه مقابل شمس در شبهاى قطبي)، د: ملاحظه زاويه گردش خورشيد نسبت به زوال شب (در آغاز آفرينش زمين و وضعيت اوليه خلقت شب و روز)؛ براى هر يك از اوقات، هـ: ملاحظه اصل استقلال اوقات، و: رعايت اصل ترتيب اوقات (فجر بعد زوال شب و طلوع بعد فجر و زوال ظهر بعد طلوع، و عصر بعد زوال، و غروب بعد عصر، و عشاء بعد غروب، و زوال شب بعد عشاء)، ز: دارا بودن شرط گنجايش مقدار روز يا شب براى عبادت روزانه يا شبانه.

٦- روش استخراج تقدير اوقات: چگونه محاسبه مي شود؟ زوال روز و شب كه در قطبين و غير آن هميشه معلوم است (رسيدن شمس به سمت شمال و جنوب جغرافيايي قابل رصد است)، با داشتن زوال شب، با توجه به مقدار چرخش زمين در حركت وضعيش در تقدير اصلي و اوليه خلقت و وضعيت هر ساله زمين مطابق آغاز آفرينش) مي شود اوقات را تقدير مي كنيم، بدين صورت كه براى فجر: ٧٢ درجه از زوال شب (١٨ درجه تا طلوع) يا ٤ ساعت و ٤٨ دقيقه (١ ساعت و١٢ دقيقه تا طلوع)، براى طلوع: ٩٠ درجه، يا ٦ ساعت، براى ضحى ١٣٥ درجه يا ٩ ساعت، و براى زوال ظهر ١٨٠ درجه يا ١٢ ساعت، و براى عصر ٢٢٥ درجه يا ١٥ ساعت، و براى غروب ٢٧٠ درجه يا ١٨ ساعت، و براى عشاء ٢٩٨ درجه يا ١٩ ساعت و١٢ دقيقه مى باشد، كه اين وقت اخير ٧٢ درجه (١ ساعت و١٢ دقيقه تا غروب، و ٤ ساعت و ٤٨ دقيقه تا زوال بعدى شب، فاصله دارد.

٧- در قطبين با دانستن وقت زوالين؛ هر كسي اوقات ديگر را با حساب سرانگشتي مي تواند بداند، و به غير حساب سرانگشتي و ساعت؛ با جايگاه

خورشيد در افق يا نورش كه از تحت الافق بارز است نيز مي توان معين كـرد، در قطبين مسير خورشيد حلقوي به موازات افق مي باشد؛ نه عمود يا مايل بـر افـق، فقط در بهار و تابستان اين مسير بالاي افق (و لذا روز شش مـاه مي باشـد)، كـه در بهار در بالاي سطح افق و محاذي افق ولی در تابستان در بالاي افـق بـا زاويـه ۲۳ درجه و ٤٥ دقيقه، و در پائيز و زمستان مسير حلقوي خورشيد تحت الأفـق (و لذا شب شش ماه مي باشد)، فقط در پائيز در زير سطح افق و در زمستان در زيـر افق با زاويه ۲۳ درجه و ٤٥ دقيقه، اگر موضع شمس در افـق را در وقـت زوالـين معين كنيم، مواضع معادل طلوع و غروب و فجر و ضحی و عشا نيز معين شـده؛ و بدينوسيله برای تشخيص اوقات، در روزهای قطبي به سمت افق نـگاه كـرده و از موضع شمس اوقات مختلف را مي فهميم، و در شبهای قطبي با رصد سـتاره در درجه مقابل شمس در وقت زوالش و يـا بـا ملاحظـه افـق و موضـع بـروز نـور خورشيد از زير افق؛ جايگاه خورشيد را معلوم كرده و اوقات را مي فهميم.

سؤال: اگرچه اوصاف اوقات بلاد معتدله در نواحي و ايام قطبي بخـاطر حركـت رحَوی خورشيد؛ قابل تشخيص نيست، اما همان حركت رحوی خورشيد؛ سـبب ارتفاع و انحدار خورشيد تحت الأفق يا فـوق الأفـق، و كـم و زيـاد شـدن نـور خورشيد، در اوقات مختلف طلوع و غروب و زوالين می گردد، آيـا نـمی تـوان از اين نشانه ها به عنـوان اوصـاف قطـبي و محـلی اوقـات شرعي كمـك گرفـت؛ و برحسب آن عمل كرد؟ (اوصاف قطبي اوقات مثل كم و زياد شـدن نـور و نـيز ارتفاع و يا نزديك شدن به افق)؟

جواب: خلاصه: در برخي مناطق قطبي در شبهاي قطبي تغيير نور اصلا محـسوس نبوده، و تنها راه تشخيص اوقات شرعی؛ روش تقدير اوقات مي باشد، و در بـرخي ديگر از مناطق قطبي؛ تشخيص تغيير نـور در افـق امكانـش مي باشـد، ولي از آن

لحظه طلوع يا غروب را نمي توان تشخيص داد، فلذا در اين موارد هم تنها راه تشخيص اوقات شرعي؛ روش تقدير اوقات مي باشد.

شرح: در شبهاي قطبي محسوس بودن تغيير نور خورشيد در افق وابسته به نزديكي آن به سطح افق است، حد ارتفاع خورشيد در شفق و فلق ١٨- درجه مي باشد، و اگر خورشيد بين ٠ تا ١٨- با افق فاصله داشته باشد روشنايي آن قابل تشخيص است، و اگر شمس دورتر از ١٨- درجه باشد؛ افق تاريك است، همچنين براي محسوس بودن تغيير نور بايد به مقدار محسوسي تغيير ارتفاع در حركت خورشيد رخ دهد، تا بر اثر نزديك شدن و دور شدن خورشيد تغيير نور ايجاد شود، در مناطق نزديك به قطب؛ خورشيد در سير رحوي خود در زير افق تغيير ارتفاع محسوسي ندارد، فلذا تغيير نور محسوسي نيز ايجاد نمي كند.

ﷺ از عرض ٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه تا قطبين، در بخشي از شبهاي قطبي فاصله شمس تا افق بيش از ١٨ درجه است و نور محسوسي از شمس به افق نمي رسد و در اين شبهاي قطبي آسمان كاملا تاريك است فلذا اوقات را از نور شمس نمي توان تشخيص داد. مثلا در عرض ٨٨ درجه شمالي در ابتداي زمستان در يك شبانه روز خورشيد حدود ٣ درجه اختلاف ارتفاع برايش رخ مي دهد، و در زير سطح افق با حركت رحوي در يك شبانه روز بين ٢١- تا ٢٤- درجه تغيير ارتفاع دارد كه اين دو مقدار زوالين آن هستند، كه براي راصد قطبي محسوس نبوده فلذا به روش تقدير اوقات بايد عمل نمود.

ﷺ از عرض ٦٧ درجه و ٢٧ دقيقه (اولين درجه بروز شب قطبي) تا عرض ٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه تابش نور از زير افق در همه شبهاي قطبي محسوس بوده اما به نسبت ارتفاع شمس از افق شدت آن متفاوت است؛ در اين مناطق تغيير ارتفاع

شمس تا افق بيشتر از مناطق نزديك قطب بوده و امكان وضوح تغيير نور در افق را دارند، مثلا در شمال كانادا در عرض ٧٠ درجه در شبهاي قطبي ابتداي زمستان در ٢٤ ساعت حدود ٤٠ درجه شمس اختلاف ارتفاع پيدا مي كند (از ٣- درجه زير افق تا ٤٣- درجه زير افق)، در اين مناطق نزديكترين فاصله شمس تا افق معادل زوال ظهر است، و بيشترين روشنايي در افق را دارد، و دورترين فاصله تا افق مربوط به زوال سفلي و نيمه شب است، از هنگامي كه شمس به ارتفاع ١٨- درجه مي رسد تا اينكه ارتفاعش به ٣- برسد حدود ٥ ساعت و نيم طول مي كشد، و در اين مدت افق در محدوده نور شفق است و تغيير نور محسوسي دارد، كه اين شروع حس نور در افق در واقع معادل فجر مي باشد، و در اين حالت خورشيد تقريبا در سمت مشرق جغرافيايي مي باشد، و از آن به بعد؛ روشنايي نور به تدريج افزايش يافته، تا اينكه در ٥ و نيم ساعت بعد؛ در وقت زوال ظهر؛ روشنايي افق مانند لحظاتي قبل طلوع آفتاب مي شود، اما ملاكي وجود ندارد كه در اين مدت ٥ و نيم ساعت؛ كه نور به تدريج در حال افزايش است؛ در كدام مرحله از اين افزايش نور، به نسبت تغيير نور به عنوان اوصاف قطبي وقت طلوع حساب شود، در اين مدت كل آسمان مانند شفق در بين الطلوعين است، شروعش بروز فلق، پايانش وقت زوال، اگر درصد نور گفته شود؛ ابزار اندازه گيري دقيق مي خواهد، و ديگر اوصاف محسوس ناظر زميني نيست، و چون در مدت كمتر از ٦ ساعت شمس حدود ١٥ درجه اختلاف ارتفاع پيدا مي كند، يعني هر ساعت حدود ٢ درجه، و هر نيم ساعت يك درجه، پس تغيير نور بسيار تدريجي و اندك است، در حاليكه در مناطق معتدله شمس در هر درجه ارتفاعش حدود ٤ دقيقه جابجا مي شود؛ و سرعت تغيير نور واضح است، در واقع اين مقدار تغيير نور كه در مناطق معتدله

توصيف فجر تا طلوع بود؛ اينجا معادل فلق تا زوال ظهر شده است؛ همچنين هر چه كه به سمت قطب برويم به ارتفاع شمس از افق در حركت رحوي افزوده شده و از افق دورتر مي شود، و مدت زمان روشنايي افق كاسته مي شود تا به اندازه چند دقيقه مي شود و مانند عرضهاي نزديك قطب (از ٨٤ درجه و ٣٤ دقيقه به بعد) كه در ايامي از شبهاي قطبي؛ شمس فاصله اش بيشتر از ١٨ درجه زير افق است، و نشانه هاي فجر و عشاء را هم ندارند و نوري از شمس به افق نمي رسد.

در مناطق دورتر از قطب كه شبهاي قطبي دارند؛ نيز براي رصد كننده ملاكي براي تعيين طلوع مطابق اوصاف تغيير نور نيست، هر چند كه در برخي ايام، نور فلق قابل تشخيص است، مثلا فاصله بين شروع فلق تا غروب شفق حدود ٢٠ ساعت مي رسد و يا بسيار كوتاه مي شود و مدت كوتاهي در افق در حد چند دقيقه يا لحظه اي رؤيت مي شود، و شدت نور و مدت آن در طول شبهاي قطبي يكسال و همجنين براي عرضهاي جغرافيايي مختلف يكسان نبوده و موانع محيطي مانند ارتفاعات و غبار و آلودگيها نيز گاهي مانع تشخيص دقيق نور شمس در افق مي شوند، و براي همگان ميسور نيست؛ پس بدليل وجود موانع و نيز فاقد طلوع و غروب بودن و نداشتن شب و روز يوميه؛ در هر صورت در شبهاي قطبي از روش تقدير اوقات بايد استفاده نمود بدين صورت كه: در شبهاي قطبي وقت زوال با رصد ستاره در درجه مقابل شمس و رسيدنش به نصف النهار يا با رسيدن نور شمس به نقطه جنوب در تحت الافق قابل رصد است، در روزهاي قطبي خورشيد بالاي افق بوده؛ و در ٢٤ ساعت قابل رصد است، زوالين آن با بيشترين ارتفاع و كمترين ارتفاع در راستاي شمال و جنوب؛ قابل رصد است و حركت رحوي شمس بالاي افق مي باشد، اين روزها

نشانه فجر و عشا را ندارد، که در اینجا نیز به روش تقدیر اوقات؛ عمل می کنیم و این موارد بر اساس اندازه اصلی اوقات در آغاز آفرینش زمین و وضعیت اولیه خلقت شب و روز اندازه گیری مي كنيم، بدين صورت كه ميانه زوالين را طلوع و غروب و فاصله ۱۸ درجه (معادل ۷۲ دقیقه) از معادل طلوع و غروب به عنوان فجر و عشاء تقدیر می شود، و بدلیل فقدان طلوع و غروب یومیه در برخي از شبهاي قطبي عليرغم اينكه داراي فلق و شفق بوده اما برای فجر و عشاء معتبر نبوده و این اوقات را نیز با روش اندازه گیری بر اساس زاویه فاصله زوال شب معین می کنیم. [شمارة ثبت: (۱۵۵۵) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: مسافرين فضائي يا مقيمين ايستگاههای فضايي در مدار زمين؛ در ٢٤ ساعت و يك شبانه روز روی زمین، چندین بار به دور زمین گردش می کنند، ولذا در هر ٢٤ ساعت چندین طلوع و غروب و شب و روز شدن را می بینند، آیا در هر ٢٤ ساعت به تعداد تکرر طلوع و غروبها؛ هر بار پنج نماز بر آنها واجب می شود؟ یا اینکه برای اوقات نماز تکلیف دیگری دارند؟

جواب:

١- شخصي كه به مدار زمين يا فضا سفر مي كند؛ مقيم وسيله متحركی در مدار بوده و در هر ٢٤ ساعت و يك شبانه روز برای ساكنان روي زمين؛ طلوع و غروب يا شب و روز شدن و بالتبع اوقات خمسه را چندين بار درك می كند، و از آنجا كه در ٢٤ ساعت و يك شبانه روز؛ بيش از پنج بار؛ نماز بر بنده واجب نيست، فلذا شرايط وی به مانند شخص مقيم در عروض معتدله (دارای اوقات توصيفی) نبوده، و تكليفش به مانند مقيم در بلادی است كه تكليفشان بر اساس اوقات تقديری است، و طبق فرمايش نبوی ﷺ در حكم نماز در آخرالزمان و هنگامی كه شبانه روز طولانی شده و بيش از ٢٤ ساعت و تا چندين

روز درازا بكشد؛ عمل می نمايند. و تنها براساس تقدير فاصله اوقات خمسه (سابق الذكر) عمل مي نمايد.

۲- فلذا مقيم مدار؛ در اولين وقت شرعي كه در مدار زمين مستقر شده و آنرا درك مي كند؛ اولين نمازش را به وقت مزبور بجاي مي آورد، و برای بقيه نمازها و ديگر اوقات؛ ملاحظه اوصاف اوقات معتدله زمينی را ننموده، و با توجه به فاصله متوسط اوقات شرعي (سابق الذكر) از اولين وقت شرعی درك شده در مدار؛ بقيه نمازهايش را بجاي مي آورد.

۳- پس اگر بتواند جمع بين اين اوقات متوسطه و اوصاف اوقات بنمايد همينطور عمل كند، مانند اينكه از ميان ظهرهاي زميني كه درك مي كند نماز ظهرش را در آن ظهر زميني بجاي مي آورد كه در فاصله هفت ساعت و نيمه اولين نمازش كه فجر بوده است باشد. و اگر جمع بين اوقات مداري و اوقات زميني ميسر نباشد به اوقات مداري اكتفا و به اوصاف اوقات زمين كاري ندارد،

٤- با اين حال؛ خوب است كه در وقت مصادفت با اوقات زميني سه بار تكبير گفته و تسبيحات اربعه را نيز بگويد،

٥- البته در صورت فرصت؛ و علاقه به انجام احتياط؛ و عدم صعوبت ادای فرايض بيش از ٥ بار در ٢٤ ساعت، منعی برای انجام فرايض خمسه به تعداد توالي چند شبانه روز مداری در يك شبانه روز زمينی نيست، و اشكالي ندارد كه با درك هر بار شب و روز در مدار؛ هر فريضه را در هر بار درك وقت آن بجای آورده؛ ولو اينكه نتيجتا در ٢٤ ساعت؛ چندين بار فرايض خمسه را تكرار بنمايد. [شمارة ثبت: (٢٤٢) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: به چه روشي اوقات شرعي برای اماكن نزديك بر اساس يک تقويم را مي توان استخراج نمود؟ لطفا توضيح فرماييد.

جواب: بر اساس یک تقویم؛ اوقات شرعیه اماکن (نزدیك) محل افق تقویم را به شرح زیر می توان محاسبه نمود:

۱- کلیه اماکني که در شرق شهر افق تقویم بوده، و طول جغرافیائي آن بیشتر از طول جغرافیائي شهر افق تقویم می باشد، در اوقات مقدم بر شهر افق تقویم هستند. و کلیه نقاطي که در غرب شهر افق تقویم واقعند، و طول جغرافیائي آنها کمتر از طول جغرافیائي شهر افق تقویم باشد، اوقات آنها متأخر از شهر افق تقویم است.

۲- با بدست آوردن طول جغرافیائي مکان مورد نظر از منابع نجومي و جغرافیائي معتبر (نقشه هاي ماهواره ای)، و مقایسه آن با طول جغرافیائي شهر افق تقویم، و محاسبه مقدار تفاوت آن دو، به ازاي هر درجه جغرافیائي چهار دقیقه زمانی، و هر دقیقه جغرافیائي چهار ثانیه زماني، و هر ثانیه جغرافیائي چهار ثالثه زماني، و افزودن یا کاستن مقدار زمان حاصله، (که اختلاف ساعت آن مکان با افق تقویم است) اوقات شرعی شهر مورد نظر؛ از اوقات مندرج در تقویم بدست خواهد آمد.

۳- شایان ذکر است که: استخراج اختلاف اوقات اماکن نزدیك؛ بوسیله تفاوت طول جغرافیائي بلاد؛ امري تقریبي بوده؛ و از نظر دقت مانند استخراج اوقات هر محل بطور مستقل نمي باشد. نتیجه آن براي وقت زوال ظهر و نیمه شب دقت دارد ولي براي اوقات طلوع و غروب همیشه دقیق نیست؛ زیرا عوامل دیگری نیز در محاسبه اوقات دخیل است که براي بلاد متفاوتند مانند عرض جغرافیایي، ارتفاع یا زاویه سمت الرأسي خورشید. نقاطي که بر یك عرض جغرافیایي هستند وقت زوال ظهر یکساني دارند ولي به خاطر تفاوت

عرض جغرافيايي اوقات طلوع و غروب و فجر و عشاء آنها متفاوت است، اين تفاوت در فصول مختلف سال و براي عرضهاي جغرافيايي مختلف يكسان نيست، در انقلاب تابستاني و زمستاني بيشترين اختلاف واقع مي شود، و هرچه كه از خط استوا به سمت قطب نزديك شويم اختلاف افزوده مي شود، ميزان اختلاف به ازاي يك درجه جابجايي در عرض جغرافيايي براي دو نقطه بر يك طول، در ايام انقلابين (حداكثر اختلاف در ايام سال) در طلوع و غروب چنين مي باشد: از استوا تا عرض ٣٠ درجه بين ١.٥ تا ٢ دقيقه، از عرض ٣٠ درجه تا ٣٥ درجه ٢ دقيقه، از ٣٥ درجه تا ٤٥ درجه ٣ دقيقه، از ٤٥ درجه تا ٥٠ درجه ٤ دقيقه، از ٥٠ تا ٦٠ درجه ٦ دقيقه، از ٦٠ تا ٦٥ درجه ١٤ دقيقه، از اين رو از عرض ٦٠ درجه به بعد، به كار بردن تقويم مناطق ديگر كه اختلاف در عرض جغرافيايي دارند مناسب نيست و ساير مناطق نيز به نسبت اختلاف در عرض جغرافياييشان با عرض جغرافيايي محل تقويم از دقت به كاربردن تقويم بلد ديگر براي منطقه خودشان مي توانند مطلع شوند؛ مثلا در ايران از بندر عباس با عرض ٢٦ درجه تا مشهد مقدس، ١٠ درجه در عرض اختلاف مي باشد، و در انقلابين؛ حداكثر اختلاف به ازاي هر درجه عرض جغرافيايي در طلوع و غروب در ايران حدود دو دقيقه است ولي در اعتدالين به ازاي ١٠ درجه جابجايي در عرض از جنوب و شمال ايران اختلاف يك دقيقه است، و با اين دقت با افزودن يا كاستن دستي وقت محل ديگر (بوسيله روش اختلاف در طول جغرافيايي) مي توان تقويم محل نزديك را استفاده نمود. مثلا در ايران اگر ٣ درجه در عرض جغرافيايي با شهر تقويم فاصله داشته باشد به ميزان حدود ٥ دقيقه در ابتداي زمستان و تابستان اختلاف ايجاد مي شود ولي در ابتداي بهار و پاييز اختلاف كمتر از يك دقيقه است . [شمارة ثبت: (١٥٥٧) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: در كتب حديث و فقه قدماى از فقهاء؛ در باب وقت نافله و فريضه ظهر و عصر؛ تعبيراتي از قبيل "يكساعت پس اززوال" يا "تا يك ذراع" يا "دو هفتم شاخص" يا "قامت" و مانند آنها شده است، منظور از اين تعابير چيست؟ چگونه مي توان اين اوقات را بدست آوريم؟

جواب:

۱- مراد از ساعت در اين تعابير همان ساعت شمسي يا خورشيدي و زوالي يا نهاري است؛ كه چون فاصله طلوع و غروب آفتاب در همه فصول سال دوازده ساعت شمسي است؛ لذا يك ساعت خورشيدي مساوي يك دوازدهم طول روز (طلوع تا غروب) در هر فصل است، كه نظر به كوتاه و بلند شدن روز در فصول مختلف؛ مقدار زماني ساعت خورشيدي هم متغير است، كه با محاسبه اندازه زماني روز وتقسيم آن بر دوازده مقدار زماني ساعت خورشيدي در آن روز و فصل بدست مي آيد.

۲- مقدار دو هفتم از شاخص يا قامت؛ مربوط به سايه شاخص بوده، و بنا بر اينكه در نظر شرعي؛ عمود شاخص را معادل يك قامت متوسط مي گرفته اند، و قامت متوسط معادل هفت قدم (گام = كف پا) پاي، يا سه و نيم ذراع (از آرنج تا سرانگشتان دست) تلقي شده، پس تعبير دو هفتم شاخص يا قامت يا يك ذراع، يعني اينكه پس از زوال (هنگام از بين رفتن سايه شاخص يا رسيدن آن به كمترين اندازه) و شروع به ازدياد سايه شاخص، در صورتي كه به مقدار يك ذراع (دست متعارف) يا دو هفتم شاخص يا قامت متوسط (كه معادل دو گام بوده) سايه زياد شود.

۳- نظر به اينكه مقدار ذراع يا دو هفتم شاخص يا قامت مساوي با يك ساعت

زوالي يا نهاري يـا خوشـيدي اسـت، لذا بـا محاسـبه مقـدار زمـاني يـك سـاعت خورشيدي در هر يك از روزهاي سال، مي توان به مقدار زماني اين اصـطلاحات نيز دست يافت. [شمارة ثبت: (٤٩٨) منبع: المسائل القمية]

سؤال: اگر وقت نماز مغرب گذشت و داخل وقت عشاء شديم آيا نمـاز مغـرب قضاء می شود و ابتداء بايستی نماز عشاء را اقامه كرد و بعد نماز مغرب را قضاء نمود؟ الف) حكم در حَضَر چيست؟ ب) حكم در سفر چيست؟

جواب: ابتداءً مغرب و سپس عشاء را بخواند در سـفر و حـضر، مگـر اينكـه از وقت باقيمانده تا نيمه شب، فقط به اندازه عشاء وقت باقي مانـده باشـد؛ كـه در اينصورت ابتداي به عشاء نموده، و مغرب را قضاء می نمايد، وربّمـا يجـوز عنـد دخول وقت العشاء؛ لمن لم يأت بالمغرب، ويريد درك فـضيلة العـشاء وادائهـا في اوّل وقتهـا؛ ان يبتـدأ بالعـشاء، ثـم يتـدارك المغـرب بعـدها (لمـا ورد في النـص الشريف). [شمارة ثبت: (٣٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: موقـع اذان صـبح جهـت ٥ دقيقـه يـا ١٢ دقيقـه در ليـالی (١٣ و ١٤ و ١٥) احتياط؛ ابتدا اذان گفته شود و بعداً احتياط كنيم يا ابتدا احتياط كنـيم و بعـداً اذان را بگوييم؟

جواب: پنج دقيقه مذكوره در تقويم احتياطی است كه بايد در جميع اسـتخراجات تقاويم مختلفه رعايت بشود، و پس از آن را وقت مورد نظر برای نمـاز بداننـد، و در ليالی مقمره ابتدا آن مقدار مخصوص و احتياط تقاويم رعايت شـود؛ و سـپس وقت صبح تلقي شده؛ و أذان نماز گفته شود. [شمارة ثبت: (١٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در تقويمهايی مثل تقويم با استخراج مرحوم دكـتر عـدالتي؛ و بـه خـاطر عدم دقت طول و عرض جغرافيايي؛ پنج دقيقـه احتيـاط مي شـد؛ الان در تقـويم

بنياد حيات اعلى (با دقت منبع و طول و عرض جغرافيايي با تصاوير ماهواره اي)، آيا فقط به خاطر ذكر نكردن ثانيه ها يك دقيقه احتياط مي شود و بلافاصله بعد از يک دقيقه احتياط؛ می توان افطار نموده و يا نماز را آغاز نمود؟

جواب:

١- رعايت احتياط هميشه در تأخير نيست؛ و در امساك قبل از فجر؛ رعايت احتياط؛ به تقديم است، يعني پنج دقيقه زودتر از ساعت فجر در تقويم امساك مي كند، دقت شود كه ساعت اذان صبح راديو تلويزيونهای ايران سه دقيقه ديرتر از فجرحقيقي است، و مبادا كسي تا اذان انها؛ امساك را تاخير بياندازد.

٢- موضوع رعايت احتياط به دقائقی؛ هم مستند علمی دارد و هم مستند شرعي.

٣- تقاويم اوقات شرعي بنياد حيات اعلى؛ با توجه به دقت تصاويرماهواره ای و نيز جهاتي كه در منبع محاسبات آن رعايت شده؛ دقيقتر از تقاويم ديگر از جمله ژئوفيزيك تهران و نيز عدالتي و غير اينهاست؛ و رعايت نيم تا يك دقيقه هم؛ برای لحاظ كسور دقيقه و ثانيه هاست نه احتياط.

٤- رعايت احتياط اگر در تقاويم سابق و يا تقاويم ديگران برای جبران خطای محاسباتي است؛ اما رعايت احتياط در تقاويم بنياد حيات اعلى؛ بخاطر اطمينان از ادای تكليف شرعي در وقت خود است

٥- قاعده اصلي شرعي اين است كه شما برويد و هر وقت طلوع فجر را به صفت صحيح خودش رؤيت كرديد، آن وقت نماز صبح بخوانيد، و اگر غروب كامل قرص خورشيد و زوال حمره مشرقيه در افق را ديديد؛ آنوقت نماز مغرب را بخوانيد، و اگر به اين قاعده بخواهيد عمل كنيد؛ با توجه به تغييرات آب و هوا و

ديگر عواملي كه در محسوس شدن اوقات دخالت دارد؛ شما بايد بيشتر از پنج دقيقه گاهي صبر كنيد، حالا قواعد محاسبات و مقاييس دقيقه با نتايج قطعيه به كمك آمده؛ و كار را تسهيل كرده؛ تا بجاي رؤيت بصري عمل كند، اما خود اين روش (مراجعه به تقويم و حساب) مرجع شرعي نيست كه به آن اكتفا شود، و تنها وقتي از طريق آن اطمينان و قطع حاصل شود؛ از اين باب اعتماد بر آن درست است، با رعايت پنج دقيقه احتياط؛ اين قطع و اطمينان؛ بهتر حاصل مي شود، فلذا گفته شده كه در هر صورت رعايت كنند. [شمارة ثبت: (١٣٣٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: كسى كه تا كنون اين نكته را رعايت نكرده و پنج دقيقه احتياط را در اذان صبح براى امساک روزه رعايت نكرده است حكمش چيست؟

جواب: اگر واقعا نمي دانسته بايد پنج دقيقه قبل امساك كند؛ بطوريكه فكر مي كرده هنوز فجر طالع نشده؛ روزه او اشكالي نداشته و قضا و كفاره ندارد. [شمارة ثبت: (١٣٣٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: براي اينكه تمام نماز مغرب در وقت فضيلت انجام شود؛ در وقتي كه نماز را دير شروع كرده ايم، آيا بايد زود تمامش كنيم يا نه؟

جواب: در اينجا دو مستحب وجود دارد؛ يكي: انجام در وقت فضيلت، ديگرى : انجام نماز با تفاصيل آداب و مستحبات آن، در صورتي كه وقت باقيمانده از فضيلت طوري باشد كه حد اقل نماز با طمأنينه و آداب را مي تواند بجاى آورد؛ در اين صورت جمع بين اين دو فضيلت كرده و به اقل آداب اكتفا مي نمايد، ولى اگر باقيمانده از فضيلت مغرب به قدري است كه كمتر از آن بوده و اگر بخواهد انجام تمام نماز در وقت فضيلت را رعايت كند، مستلزم انجام نماز با عجله و بدون طمأنينه و يا عدم انجام اقل آداب مي شود؛ در اين صورت نماز را با تمام آداب آن

بجای آورده، و از درك فضيلت وقت هم به اينكه شروع نماز و انجام قدري از آن در وقت فضيلت واقع شده؛ اكتفا مي نمايد.شمارة ثبت: (١٢٧٨) منبع: المسائل الهمدانية]

سؤال: با تشكر از شما به جهت پاسخ بـه درخواسـت اسـتخراج تقـويم اوقـات شرعی شهر آران وبيدگل و ارائه تقويم آن، چند سئوال از شما داشتم :

١- طول وعرض جغرافيايي در تقويم شما با طول وعرض جغرافيايي مركـز تقـويم موسسه ژئوفيزيک دانشگاه تهران متفاوت اسـت؟ ٢- شـما وقـت غـروب و اذان مغرب را يكی گرفته ايد؟ حال برای خواندن نماز مغرب بايد چكار كنيم؟ زيرا نماز مغرب در فقه شيعه كمی ديرتر از غروب آفتاب است. با تشكر.

جواب:

١- از ارسال آدرس تعيين طول و عـرض متـشكريم، ولي سـايت مـنجم اونلايـن تقويم اوقات شرعي مركـز نجـوم كهـن و اسـلامی؛ بطـور اونلايـن بـا دقيقـترين سيستم جهاني "محاسبه موقعيت جغرافيـائي" متـصل اسـت، و محـور آن تـصاوير ماهواره ای است، اگر در مرورگر شما اخيرا اين قـسمت سـفيد مي آيـد، بخـاطر فيلتر شدن سايت مرجع (يعني نقشه های ماهواره ای گوگل) در محل شماست.

٢- اگر تنها همان نيم صفحه اول "تقويم اوقات شرعي" استخراج "مركز نجـوم كهـن و اسلامی" را با دقت مطالعه كنيد، می بينيد كه ويژگي ممتاز اين تقويم؛ شـدت دقـت داده های مرجع آن؛ از جمله طول وعـرض جغرافيـايي اسـت، مختـصاتي كـه در ايـن تقويم ذكر مي شود؛ براساس آخـرين رصـدهای زميـني و فـضايي بـه روز مي شـود، و ربطي به مختصات محاسبه شده دستي مندرج در كتابها و تقاويم داخلي ندارد.

٣- غير شيعه؛ همه شان دقيقا غروب آفتابي نيستند، برخي از آنها همين كه خورشيد پشت كوه برود را مغرب حساب مي كنند؛ با اينكه واقعا غروب نشده است.

٤- تقاويم منتشره از سوي مركز نجوم كهن و اسلامى، بر اساس تعاليم مكتب وحي (كه از سوي حضرات معصومين عليهم السلام رسيده است) مي باشد.

٥- در فقه مذهب اهل بيت عليهم السلام ؛ نظريه اصلي درباره وقت مغرب (بر اساس احاديث معصومين عليهم السلام) همان غروب آفتاب است، بلكه بسياري از فقهاء شيعه در طول تاريخ؛ طبق نظريه غروب آفتاب فتوا داده اند، از شيخ صدوق و سيد مرتضى و شيخ طوسي و بسياري ديگر از فقهاء قديم گرفته تا به امروز و مراجعي كه تا همين اخير فتاواشان هنوز مطرح است؛ مانند مرحوم آيت الله خوئي و مرحوم آيت الله بهجت؛ و نيز علماء بسياري همچون مرحوم علامه طباطبائي و مرحوم آيت الله قاضي ووو... همه پيرو نظريه اصلي "وقت نماز مغرب غروب آفتاب است" مي باشند.

٦- البته در ايران چون راديوتلويزيون بدست پيروان نظريه "مغرب متأخر" است، ممكن است براى عامه اينطور تصور شود كه در مذهب اهل بيت عليهم السلام فقط آن نظر مطرح است، ولى پر واضح است كه راديوتلويزيون ملاك و مرجع تشخيص احكام دين نمي باشد.

٧- اما نظريه متأخر از غروب؛ يعنى خواندن نماز مغرب حدود بيست دقيقه ديرتر از غروب آفتاب؛ نظريه اصلي شيعه نيست، و نظريه اى است كه بعدا مطرح شده؛ و به احاديثي استدلال شده است كه پاسخ امام عليه السلام به ساكنان نواحي كوهستاني بوده، و جون فرو رفتن قرص در افق غربي؛ به علت ارتفاع محل؛ در زمان غروب حقيقي نيست؛ فلذا براى اينها فرموده اند كه به علامت ديگر غروب كه "زوال حمره مشرقيه (سرخي وقت غروب در سمت مشرق) از افق است" مراجعه كنند. "مغرب تأخيريها" بدون توجه به اين نكته؛ و با دو وقت پنداشتن اين دو علامت؛ به نظريه جديد "مغرب تأخيرى" رسيده اند.

۸- قابل توجه است که پیروان نظریه "مغرب تاخیری" خودشان فی الواقع معتقد به غروب آفتاب مساوی مغرب هستند؛ چه اینکه اگر در فتاوایشان در وقت نماز عصر مراجعه کنید مي بینید که آخرین فرصت وقت نماز عصر را غروب آفتاب می دانند، نه بیست دقیقه بعد از آن (مغرب تاخیری)؛ و این بدیهي است که بین انتهای وقت نماز عصر و آغاز وقت نماز مغرب؛ وقت سومی وجود ندارد.

۹- بنابر این؛ تنها نظریه در شیعه؛ رویه متأخر از غروب نبوده؛ بلکه نظریه اصلي همان "غروب آفتاب و فرورفتن کامل قرص خورشید" است، کلمه "مغرب" اسم زمان برای وقت غروب است، و غروب شمس یعني فرو رفتن کامل قرص خورشید در زیر افق غربي، و دو عنوان فرورفتن کامل قرص افتاب در افق غربي؛ و زوال حمره مشرقیه در آسمان؛ دو وقت متفاوت نبوده، بلکه دو علامت برای یك زمان واحد هستند. و این امر از بدیهیات علم نجوم کهن و جدید است. از این رو محققان فقهاء و همه آنهائي که مسلط به دانش هیئت و نجوم بوده اند، در مراجعه به احادیث؛ این دو عنوان را دو وقت تلقي نکرده؛ و طبق نصوص صریح معصومین علیهم‌السلام همان غروب آفتاب را ملاك قرار داده اند.

۱۰- شایان ذکر است که پیروان نظریه "مغرب تاخیری" هم خودشان اصالتا معتقدند که وقت نماز بعد از غروب کامل آفتاب و قرص خورشید است، اما چون با غروب حسی قرص آفتاب و زیر افق رفتن آن؛ اطمینان از غروب حقیقي خورشید پیدا نمی کنند؛ فلذا اکتفا به غروب قرص آفتاب و زائل شدن سرخی مشرق از افق نکرده؛ و منتظر غائب شدن سرخی از کل نیمکره سماوی شرقي؛ و به اصطلاحشان "عبور سرخی از بالاي سر" هستند، اما منجمین و مراکز نجومی معتبر؛ برای تعیین ساعت غروب از روش رصد بصري استفاده نکرده؛ تا اینکه در دقت وقوع آن تردیدی باشد، بلکه با محاسبه درجه تحت الأفق قرار

گرفتن کامل خورشید؛ اوقات غروب آفتاب را؛ با دقت علمی در تقاویم اعلام می کنند، و این محاسبات را نه تنها رصد بصري حسی راصدین نیز تأیید می کند، بلکه ابزارهای پیشرفته رصدی امروزی هم مؤید آنست.

۱۱- و اگر در زمانهای گذشته برای کساني؛ غروب حسي قرص خورشید؛ و یا محاسبات منجمین؛ اطمینان لازم برای غروب واقعي خورشید را نمی آورد، و نیاز داشتند احتیاطا مدتی صبر کرده؛ تا مقداری از شب بگذرد؛ تا مطمئن شوند آفتاب غروب کرده است، اما در عصر جدید با بروز انواع تکنولوژیها و وسایل رصد و هواپیما و ماهواره و ابزارهای پیشرفته؛ تحقیق از وقوع حقیقي غروب آفتاب امری بسیار ساده و پیش پا افتاده است، که همه دستاوردهای دانش جدید؛ صحت و دقت نظریه فقهاء قائلین به تحقق وقت مغرب و غروب آفتاب در غروب قرص خورشید را تأیید می کند.

۱۲- ازین رو مرکز نجوم کهن و اسلامی؛ و آموزشکده ها و پژوهشکده های بنیاد حیات اعلی؛ چون محل مراجعه همه شیعیان و خصوصا محققین است، و در ارائه مطالب؛ تعالیم حضرات معصومین علیهم السلام را؛ فراتر از رواج محلي یا مقطع تاریخي خاص مبنا قرار مي دهد، فلذا فراتر از تفاوتهای نظرات محلي و یا رواج میان پیروان رادیو و روزنامه ها؛ آثار و نظرات و تقاویم خود را عرضه مي کند. خصوصا که با دانستن وقت غروب آفتاب؛ و اضافه کردن ۲۰ دقیقه به آن؛ وقت نماز "مغرب متاخریها" هم به آساني بدست مي آید، بنابراین اگر شما نظریه اصلي و معتبر علمی (صریح احادیث معصومین علیهم السلام) را پیروي مي کنید؛ که همان وقت غروب آفتاب را با پنج دقیقه احتیاط دیرتر برای افطار روزه یا بجاي آوردن نماز مغرب بکار مي برید، و اگر از نظریه "مغرب تأخیري" پیروی مي کنید؛ کافي است بیست دقیقه به وقت غروب آفتاب بیافزایید. موفق باشید. [شمارة ثبت: (١٤٣٤) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: با توجّه به نزديك بودن ماه مبارك رمضان و اختلاف بين اذان عموم و اذان واقعی مغرب، الف: اذان مخصوص را در منزل با همان صدای بلند بگوييم و يا آهسته گفته شود؟ ب: آيا می توان بلا فاصله بعد از اذان مخصوص افطار كرد يا بايد احتياط كرد؟

جواب: راديوی فعلی ايران؛ اذان مغرب را متأخّر از وقت خود می گويد، و اين اشتباه بر بسياری از علماء و اهل فنّ پوشيده نيست، و اين خطا به علّت اتّكاء به تقويم مركز ژئوفيزيك تهران، و اشتباه ايشان در تشخيص وقت مغرب است، لذا در اوّلين وقتی كه مغرب شرعي احراز می شود، ولو ديگران نگفته باشند، اذان گفتن خوب است، و با صدای بلند هم بايد باشد، الاّ اينكه موجب ايذاء بشود؛ يا بخاطر جور و منع ظالمين تقيه لازم باشد، و در صورتی كه آن پنج دقيقه مذكوره در تقويم را رعايت نموده باشند؛ بلا فاصله پس از اذان؛ افطار و نماز مغرب صحيح است. [شمارة ثبت: (١٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر انسان به زيارت حضرت مشرف شد و مشغول زيارت حضرت شد و وقت يكی از نمازها خصوصاً نماز مغرب شد وظيفه چيست؟ الف) آيا بايستی زيارت را ادامه بدهد؟ ب) بعد از اتمام زيارت بايستی نماز فريضه را بخواند يا نمازهاي زيارت را ادامه دهد؟

جواب: طوري تنظيم نمايد كه تزاحم اتفاق نيفتد، و در تزاحم؛ قبل از تشرف نماز فريضه را بخواند و بعد مشرف شود داخل حرم براي زيارت، و در صورت غفلت و اتفاق تزاحم در حين زيارت به خصوص نماز مغرب، به زيارت مختصر اكتفا نمايد و پس از اداي فريضه (احيانا) زيارت مفصّل را در صورت تمايل انجام دهد، و كلًّا نماز زيارت را پس از اداي فريضه بخواند، مگر مثل ظهر كه

در فرصت اداي نوافل ظهر می تواند قبل از اتيان فريضه نمازهاي زيارت را بخواند، وكذلك العصر والعشاء؛ ان لم يؤخّرهما كثيرًا من اوّل وقتهما. [شمارة ثبت: (١٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر انسان موقعي به حرم مطهر حضرت رضا عليه السلام رسيد كه چيزي به پايان وقت نماز شب نيست؛ و نزديك اذان صبح هم می باشد: الف) چگونه عمل نمايد كه هم ادب محضر حضرت را (با انجام زيارت) رعايت كرده باشد، و هم نماز شب قضاء نشود؟ ب) اگر نماز شب را بخواهد پشت سر حضرت بخواند چگونه عمل نمايد؟

جواب: قبل از تشرف به داخل حرم؛ در رواق ابتداء نماز شب را بجاي آورد. [شمارة ثبت: (٢١) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نماز ظهر و عصر روز جمعه از حيث وقت مانند ساير ايام است؟ يا آنكه جمع بين آندو بهتر می باشد؟

جواب: حكم التزام به رعايت تخميس اوقات در صلوات واجب يوميه، وبالعكس اجتناب از عادت در جمع بين ظهرين و عشائين؛ در تمام ايّام هفته مساوی بوده، و فرقی از اين جهت ندارد. [شمارة ثبت: (٢٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: وقت نماز عشاء تا چه زمانی می باشد؟

جواب: آخرين مهلت براي تأخير نماز عشاء بدون فوت فضيلت آن؛ ثلث اوّل شب است، و آخرين وقت و رخصت در تأخير نماز عشاء نصف شب می باشد، كه تأخير پس از اين جايز نبوده، و با اين تأخير از تضييع كنندگان آن نماز محسوب می شود، و در صورت تأخير از نصف شب تا اذان صبح فرصت براي اداي نماز عشاء باقي است، و با طلوع فجر صادق نماز عشاء قضا می شود. [شمارة ثبت: (١٤٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در احاديث از رسول اكرم صلى الله عليه وآله آمده است كه فرموده اند (به مضمون) : اگر مشكل نبود (براي امتم) نماز عشا را تا نيمه شب به تاخير مي انداختم؟ الحال آيا نماز عشا را تاخير بياندازيم خوب است يا خير؟

جواب: اولا: هيچ وقت كلام معصوم عليه السلام را بدون مأخذ؛ و از السنه عوام نقل نكنيد، ثانيا: سؤال درباره احاديث شريفه را با ذكر دقيق متن اصلي آن بپرسيد، ثالثا: آنچه در احاديث شريفه رسيده است: استحباب تأخير آن تا ربع و ثلث شب است، و تأخير بيش از آن بيرون فضيلت است؛ و به تضييع نزديك مي شود، اما نيمه شب كه ديگر وقت اداء (بي تضييع) نيست؛ و داخل در وقت تضييع نماز است. [شمارة ثبت: (١٥١٩) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: ما رأيكم في حكم الصوم والصلاة لمن يسافر إلى البلدان التي لاتغيب فيها الشمس إلا ساعة أو ساعتين أو لا تشرق إلا كذلك؟

جواب: يعمل بوظيفته حسب أوقات ذلك المحل. [شمارة ثبت: (٣٩٣) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: كسى كه وقت خواندن نافله ظهر را ندارد (به لحاظ شرايط محيط كار) آيا اوّل وقتِ اداء فريضه براى او هنگام اذان ظهر است يا به اندازه نافله (حدود نيم ساعت) بعد از اذان؟

جواب: از اوّل ظهر نماز ظهر (فريضه) را مى تواند بخواند، ومن أخّر الفريضة بقدر اتيان النّافلة ربّما لا يكون مفرّطاً. [شمارة ثبت: (١٦٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در اماكن عمومى نمازهاى پنجگانه را پشت سر هم مى خوانند، شركت در اين نماز جماعتها كه نمازها را پشت سر هم و با آن كيفيت مى خوانند افضل است يا خواندن نماز در پنج وقت به صورت فرادى؟

جواب: در صورتی که جمع بین نمازها عادت باشد، باید اجتناب شود، مگر برای ضرورت، و از جمله تقیّه؛ و الاّ گاهی جمع خواندن مانعی ندارد، ولو در غیر ضرورت باشد، ولی بهر حال حتی الامکان؛ از عادت جمع بپرهیزد، ولو منجر بایتان نماز فرادی بشود. [شمارة ثبت: (٤٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: هل يجوز النوم قبل وقت الصلاة ولو بعشر دقائق مثلا؟

جواب: إن لم يكن تهاونا بالصلاة فلا بأس. [شمارة ثبت: (٣٥٨) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: إذا استيقظ شخص قبل دخول وقت الفجر بمدة يسيرة خمس أو عشر دقائق مثلا؛ فهل يجوز له معاودة النوم إذا كان يعلم أو يحتمل احتمالا قويا أنه لا يستيقظ إلا بعد خروج الوقت (تقع الصلاة قضاء)؟

جواب: لا يحرم بصرف الإحتمال؛ وإن كان لا ينبغي ذلك، وأما إذا كان يعلم أو يحتمل فوت الفريضة به؛ أو كان تهاونا للصلاة؛ فيجتنب منه. [شمارة ثبت: (٣٧٣) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: هل يجب على المكلف ليلا أن يهيئ المقدمات للاستيقاظ على صلاة الفجر؛ من إعداد المنبه أو أي أمر آخر أو لا يجب؟

جواب: لا يجب عليه (من ناحية التكليف) تهيئة شيئ مما ذكر، ولكن المؤمن المتعبد، لا يهمل التهيئة. [شمارة ثبت: (٣٩٤) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: اگر فكر مي كنيم كه آفتاب طلوع كرده؛ ولذا نماز صبح را به نيت قضا بجا مي آورد؛ ولى بعد از نماز متوجه مي شود كه در وقت انجام نماز آفتاب طلوع نكرده بوده و نماز در وقت اداء شده است، آيا اين نماز او صحيح مي باشد؟

جواب: نماز او صحيح است. [شمارة ثبت: (١٢٠٦) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: نافله ظهر كه پيش از نماز ظهر بايد خوانده شود، منظور پيش از اذان يا بعد از آن؟ اگر از اول وقت گذشته باشد، (متلاً نيم ساعت) چه بهتر است انجام دهيم؟ نماز واجب را زودتر بخوانيم؟ يا نماز نافله را خوانده و بعد نماز واجب را بخوانيم؟

جواب: در روزهاي غير جمعه: مراد خواندن نافله قبل از فريضه ظهر است، و آن هم بعد از دخول وقت ظهر يعني زوال، و وقت نافله ظهر تا يك ساعت خورشيدي پس از زوال است، و در صورت عدم توفيق بدان تا اين وقت؛ پس ابتدا فريضه ظهر را بجاي آورده سپس نافله را تدارك كند.[شمارة ثبت: (٤٩٩) منبع: المسائل الرومية]

سؤال: نافله عصر پيش از نماز عصر بايد كه خوانده باشد، يعني نسبت به وقت عصر يا نه بطور كلي جلوتر خوانده ميشود؟ آيا ممكن است كه قبل از آن خوانده باشد؟ و آيا ممكن است كه بعد از آن خوانده باشد؟ اگر ممكن است، تا كي بعد از وقت افضل ممكن است خوانده باشد؟ و آيا ممكن است كه بعد از نماز ظهر، كه سر وقت خوانده شده، خوانده شود يا نه؟

جواب: نافله عصر را پس از فريضه ظهر و قبل از فريضه عصر بجاي مي آورند، و با دخول وقت عصر در صورتي كه موفق به نافله عصر نشده باشد، فريضه عصررا مقدم مي دارد. [شمارة ثبت: (٥٠٠) منبع: المسائل الرومية]

سؤال: نافله صبح پيش از نماز صبح و بعد از نماز شب بايد كه خوانده باشد، پس وقتي كه نماز شب نزديك اذان صبح خوانده شود، آيا بايد حتماً قبل از اذان صبح خوانده شود يا نه؟ چون بعضي وقتها بخش آخر نماز شب را يك كمي بعد از اذان صبح مي خوانيم، ١- آيا اشكال است براي خود نماز شب؟ ٢- در اين حال ممكن است نافله صبح بخوانيم يا نه؟

جواب: نافله فجر پيش از فريضه صبح بجاي آورده مي شود، و وقت آن بين فجر كاذب تا طلوع حمره مشرقيه است، و مي توان آن را بدنبال نافله شب و قبل از فجر بجاي آورد، و لي اگر نافله صبح را قبل از وقت آن بجاى آورد؛ بهتر است آن را در وقتش اعاده نمايد، در صورت انجام نوافل شب قبل از فجر و طلوع فجر صادق نافله شفع و وتر را فورا تدارك كرده و بدنبال آن نافله و فريضه فجر را بجاى مي آورد.[شمارة ثبت: (٥٠١) منبع: المسائل الرومية]

سؤال: در ليالي مقمره آيا مي توان نماز شب را در وقت تأخير نماز صبح خواند؟

جواب: اشكالى ندارد. [شمارة ثبت: (٦٤٣) منبع: المسائل الشّيرازيّة]

سؤال: اگر فردي ببيند وقت براي اداي نماز شب اندك است و فقط نمازهاي شفع و وتر را بخواند و بعد ببيند تا نماز صبح مقداري زمان باقي است آيا مي تواند نوافل شب را بخواند؟

جواب: اشكالى ندارد. [شمارة ثبت: (٦٤٥) منبع: المسائل الشّيرازيّة]

سؤال: اگر در بين خواندن نماز شب اذان صبح شد بايد نماز شب را قطع نمود يا مي توان آن را تمام كرد سپس نماز صبح را بجاى آورد؟ آيا بين آنكه در اولين ركعت باشيم يا در شفع و وتر از اين جهت فرقى هست؟

جواب: اگر چهار ركعت از نافله شب را گزارده يا در شفع و وتر است؛ آنها را تمام نموده و سپس نماز صبح را بجاى مي آورد؛ و اگر هنوز چهار ركعت از نوافل شب نگزارده؛ آنچه بدان مشغول است را تمام نموده و شفع و وتر را بجاى آورده و پس از فريضه فجر بقيه نوافل را قضا نمايد؛ و اگر مي بيند كه موفق به قضا نمي شود؛ نوافل شب و سپس شفع و وتر را در جاى خود مخففا بجاى آورده آنگاه نافله و فريضه صبح را بگزارد. [شمارة ثبت: (٦٩٠) منبع: المسائل الأندلسيّة]

سؤال: اگر فرصت كافي براى اداى نماز شب (بطور كامل) قبل از اذان صبح نداشته باشيم؛ چكار بايد بكنيم؟

جواب: اگر تنها به اندازه شفع و وتر وقت دارد؛ اينها را قبل از صبح بجاى آورده؛ و بقيه را پس از فجر و قبل از نماز صبح مي گزارد، و اگر بيشتر وقت داشته و به بخشي از نوافل شب هم مي رسد؛ به همان مقدار نافله شب قبل از شفع و وتر بگزارد و سپس اين دو را بجاى آورده؛ و بقيه نوافل شب را پس از فجر و قبل از نماز صبح مي گزارد. [شمارة ثبت: (١٢٣٣) منبع: المسائل الأندلسيّة]

سؤال: زمان اقامه نماز وتر حدود ١٢دقيقه قبل از اذان صبح گفته شده، آيا زمان اقامه نماز فجر در همين زمان است؟ يا ممكن است كه تا دقايقى بعداز اذان هم براى اقامه نماز فجر وقت هم باشد؟

جواب: زمان گفتن اذان واقامه فجر بعد از طلوع فجر است نه قبل از آن، و دوازده دقيقه قبل از فجر تا فجر آخرين و افضل اوقات براى اداي نماز وتر است، و بعد از آن قضا بجا آورده می شود. [شمارة ثبت: (١٤٣٨) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: كسى ساعت يک بامداد از كشور قطر پرواز دارد براى كشور چين، و تقريبا ٦ساعت پرواز طول می كشد، و به ساعت كشور چين در ساعت ١٥ به آنجا می رسند، تكليف ايشان براى نماز صبح چه می باشد؟ ممنون از راهنمايي شما.

جواب: بايد به افق هر نقطه اي كه وقت داخل مي شود، فرائض و نوافل را خواند، و چون موضوع سؤال؛ وقت نمازي است كه در مبدأ و مقصد نبوده؛ و بين راه وقتش مي رسد، بايد به وقت اذان صبح در نقطه اي كه در مسير فرا مي رسد؛ نمازش را بخواند، طلوع فجر در هوابيما مشهود است، مراقبت كند هر وقت داخل شد با چند دقيقه احتياط (تفاوت ارتفاع با سطح) نماز صبح را

اقامه كند، البته با داشتن مختصات جغرافيايي نقطه مزبور (رؤيت طلوع فجر) از خلبان و خدمه، و داشتن ارتباط اينترنت، مي تواند با اتصال به سايت منجم اوقات شرعي (مركز نجوم كهن و اسلامی)، ساعت دقيق طلوع فجر آن نقطه را نيز بدست آورد. [شمارة ثبت: (١٤٤٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: شنيده ام كه در كلام معصومين عليهم السلام آمده است كه اوقات نمازهای واجب از اوقات سعد است، آيا اين حكم كلي است؟ چطور با مطالب دقيق ديگري كه در تناسب يا عدم تناسب اوقات مطرح است قابل جمع مي باشد؟ در صورت امكان راهنمايي بنماييد.

جواب:

(١)- در مجامع كلام خازنان وحي عليهم السلام اين طور آمده است كه: ابو بصير مي گويد: خدمت حضرت امام صادق عليه السلام بودم، ديدم مردي در برخی مسايل نجوم (تنجيم) از حضرت عليه السلام مي پرسيد، پس از آنكه آن شخص از محضر امام عليه السلام بيرون رفت، به حضرت عليه السلام عرض كردم: آيا اين علم (تنجيم) اصل و ريشه ای (درست) دارد؟ حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: آري. من عرض كردم: كمي در اين باره (احكام تنجيم) برايم بگوييد. حضرت عليه السلام فرمودند: براي تو از اوقات مسعود و نيكو مي گويم و دربارة نحس و نا مناسب چيزي نمي گويم. خداوند (جلّ اسمه) نماز فجر را در اولين ساعت واجب گردانيد، و اين ساعت سعد است، و نماز ظهر را در ساعت هفتم واجب گردانيد، و اين ساعت سعد است، و نماز عصر را در ساعت نهم قرار داد، كه فريضه است و اين ساعتي سعد مي باشد، و مغرب را در اولين ساعت شب قرار داد، كه واجب بوده و اين ساعت سعد است، و نماز عشاء را در ساعت سوم قرار داد كه فريضه بوده و اين ساعتي سعد است.[1]

---

(١) المناقب، ابن شهر آشوب ج٤ ص ٢٦٥، بحار الأنوار ج٥٥ ص ٢٤٩ ح٣٢.

(۲)- از كلام شريف فوق استفاده مي شود كه: در اوقات فرايض؛ بعد از بجاى آوردن آنها، هنگام نيكو و خجسته اى براى شروع امور است.

(۳)- منظور از تعبير: ساعت، در كلام حضرت عليه السلام؛ ساعت عرفي معادل شصت دقيقه نبوده، بلكه مقصود ساعت فلكي مي باشد، و اين ساعت بر حسب فصول متفاوت است، كه با تقسيم مقدار شب يا روز در هر فصل بر ۱۲ بدست مي آيد. و عنوان ساعت اول؛ بر اساس معرفي "شروع روز با فجر صادق" است، اما مقصود از آن؛ همان ساعت فلكى قبل از طلوع آفتاب مى باشد، و مدتش معادل يك دوازدهم شب هر فصل در هر جا مى باشد.

(٤)- حضرات معصومين عليهم السلام به مقدار ظرفيت شخص مطالب را بيان مي نمودند، و با توجه به اينكه پرسشگر براى اولين بار است كه به عنوان علم صحيح به مطلبي از تنجيم گوش مي دهد، لذا محدوده بيان امام عليه السلام به قدر شنونده بوده، نه اينكه حضرتش در مقام بيان همه مطالب يا تمام دقايق اوقات مسعود؛ يا تمام جزئيات مربوط به اين اوقات باشند.

(٥)- با ملاحظة ناآشنايي پرسشگر و آمادگي وي؛ حضرت عليه السلام تنها از سعودت و خجستگى اوقات فرايض براى او صحبت كردند، كه هر شخص مسلمان معمولى هم توان درك آنرا داشته باشد، ولى جزئيات و تفاصيل ديگر را بيان ننموده اند، كه فرضا اگر ساعتي به طبع اولي اش مسعود باشد، ولى عامل غير سعد ديگري مانند قمر در عقرب در همان وقت مصادف شده است، اين حكمش با اوقات فرايض در شرايط معمولى يكسان نيست، هر چند كه در هنگام قمر در عقرب نيز؛ همين اوقات فرايض از اوقات ديگر آن بهتر است، يا ديگر تناسبها و عدم تناسبهاى فلكي (كه برحسب هر شخص و نوع كار و يا

تاریخی متفاوت است)، و خلاصه اینکه این طور مطالب تفصیلي را در مقام بیانش نبوده اند، و تفاوت حکم این اوقات؛ تعارضي با فرمایش اولیه حضرت علیه‌السلام (که فرموده اند اوقات فرایض نیکو و مسعود است) ندارد. مانند اینکه اگر از شخص مطلعي بپرسند که برای تغییر آب و هوا و استراحت تعطیلات؛ چه وقتي برای رفتن به منطقة کوهستاني و سردسیر مناسب است؟ و او تابستان را معرفي کند، پیشنهاد مناسب و معقولی را ارائه نموده است، اما اگر فرد بیمار شود و با شرایط سخت بیماري خود به آنجا سفر کرده و در رنج باشد، یا اینکه در وقت سفر موانع و مشکلاتي برایش پیش بیاید؛ که این سفر را برایش نامطلوب نمایاند، یا سفر در آن وقت اتفاقا مواجه با وقوع سیل یا تغییر هوا بر خلاف شرایط فصل بشود، رخداد این موارد؛ خللي در اتقان و صحت نظر اول (تناسب تابستان برای سفر به منطقه کوهستاني و سردسیر) وارد نمي کند. امید است که همة اوقات ما به برکت نور حضور مولا علیه‌السلام و خدمت مسیر حق؛ مسعود و خجسته باشد. [شمارة ثبت: (١٣٤٦) منبع: المسائل القفقازية]



ارتباط استجابت دعا با نماز

سؤال: برای بهره مندی بیشتر از اوقات استجابت دعا چه کنیم؟

جواب: در رساله اوقات دعای مستجاب؛ هنگامهای استجابت دعا را مفصلا شرح نموده ایم، از جمله آنها اوقاتي است که مرتبط با نماز است، چه فریضه و چه نافله و چه سایر نمازهای مستحبی، و یا در مقدمه نماز یا حین نماز و یا تعقیب نماز می باشد، و یا به نحوی با نماز قابل جمع است، برخی از آن موارد چنین است:

۱- ترك ظلم و شغل با ظالمان، ۲- بیرون آمدن از مظالم عباد و اداء حقوق و طلبشان، ۳- و پاكي و حلالي نوش و خورد و لباس، ٤- پیشي و سبقت در خواستن از خداوند؛ و دعاء در وقت راحتي و قبل از وقوع بلاء؛ و غلبه شدت و اضطرار حاجت، ٥- هنگام الهام به دعاء در وقت گرفتاري و بلاء، ٦- با طهارت از نجاست و نواقض غسل و وضو، ۷- بكاربردن بوي خوش، ۸- انقطاع از ماسوی الله، ۹- و توجه ۱۰- و اقبال قلب به خداوند، ۱۱- و رو به قبله نمودن، ۱۲- و خلوص، ۱۳- و رقت قلب، ١٤- و جاري شدن اشكها، ١٥- و تضرع، ١٦- حسن ظن به خداوند و یقین به اجابت، ۱۷- و دعاء هنگامي كه دل بلرزد و پوست مورمور شود و اشك بریزد، ۱۸- و در وقت غلب حزن و اندوه، ۱۹- و نیز هنگام وضعیتي كه قطع امید از غیر خداوند رخ دهد (مثل شخص غریق). ۲۰- وقتي كه وضو بگیرد و آماده بنشیند برای نماز فریضة، ۲۱- در اوقات نماز فریضه، ۲۲- هنگام اذان، ۲۳- بین اذان و اقامه، ۲٤- هنگام اقامه و برپاشدن نماز فریضه، ۲٥- پس از فراغ از سوره فاتحه، ۲٦- نزد گفتن "سمع الله لمن حمده و ربنا ولك الحمد" (بعد ركوع فریضه)، ۲۷- در هر سجده نماز فریضه، ۲۸- در وقت تشهد آخر نماز فریضه، ۲۹- بعد از

فرائض يوميه درتعقيب نماز، ۳۰- در سجده بعد از نماز مغرب، ۳۱- نزديك زوال ظهر (قبل نماز)، ۳۲- هنگام زوال ظهر (قبل نماز)، ۳۳- هنگام نيمه شب، ۳٤- هنگام سحر؛ ۳۵- در نماز نافله وتر، ۳٦- هنگام طلوع فجر، ۳۷- بين الطلوعين (طلوع فجر و طلوع آفتاب)، ۳۸- هنگام پنهان شدن نيمي از خورشيد زير افق در وقت غروب (قبل نماز مغرب)، ۳۹- بين الغروبين (غروب آفتاب و غروب شفق) يا بين العشائين (بين مغرب و عشاء)، ٤۰- در سُدس اول از نيمه دوم شب، ٤۱- ثلث اول از نيمه دوم شب، ٤۲- مابين نيمه شب تا ثلث آخر شب، ٤۳- در آخر هر شب. ٤٤- روز چهارشنبه بين نماز ظهر و عصر همراه با خواندن دعاي روز دوشنبه و سه شنبه، ٤۵- روز پنجشنبه، ٤٦- شب جمعه، ٤۷- در ثلث آخر شب جمعه با تلاوت سوره قدر پانزده بار (قبل نماز)، ٤۸- مابين نزول امام عادل عارف از منبر خطبه جمعه تا وقت مرتب شدن صفوف و اقامه نماز جمعه (قبل اقامه نماز جمعه)، ٤۹- آخرين ساعت روز جمعه، و بخصوص بعد دعاي سمات (قبل نماز مغرب). ۵۰- هنگام رؤيت هلال هر ماه قمري (قبل نماز مغرب)، ۵۱- هنگام غروب ماه در شب دهم هر ماه قمري، ۵۲- ايام البيض هر ماه قمري. ۵۳- تمام اوقات مباركه ماه رمضان، ۵٤- نزد افطار (قبل يا بعد نماز مغرب)، ۵۵- ليلة القدر، ۵٦- شبهاي فرد از دهه آخر ماه رمضان، ۵۷- شب دهم ذي قعده، ۵۸- دهه اول ذي حجه، ۵۹- شب عرفه، ٦۰- عصر روز عرفه، ٦۱- نزديك غروب روز عرفه در عرفات (قبل نماز مغرب)، ٦۲- روز عرفه در مشهدالحسين عليه‌السلام و ساير مشاهد معصومين عليهم‌السلام، ٦۳- شب عيد قربان در مشعر الحرام، ٦٤- در اعياد شريفه: غدير و برائت و فطر و اضحى، ٦۵- روز ميلاد نبي اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و ساير معصومين عليهم‌السلام، ٦٦- شب و روز مبعث نبوي صلى‌الله‌عليه‌وآله، ٦۷- روز اول رجب، ٦۸- اولين شب جمعه بعد از اولين پنجشنبه ماه رجب، ٦۹- روز نيمه رجب، ۷۰- روز بيستم رجب،

٧١- شب و روز نيمه شعبان، ٧٢- ماههاي حرام (ذوالقعدة و ذوالحجة و محرم و رجب، و بخصوص اولي و آخري) و نيز ماه حزيران رومي؛ جهت دعاي براي دفع دشمن، ٧٣- ساير ايام مخصوصة كه در آنها اعمال خاصي توصيه شده است. ٧٤- دعاء بعد از كار خير (قبل نماز)، ٧٥- دعاء بعد از اداي صدقات (قبل و بعد نماز))، ٧٦- دعاء بعد از وضو (قبل نماز) و خواندن شهادت به عقائد حقه (أشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله وأشهد أنّ عليّا وليّه ووصيّ رسوله وأنّه واولاده المعصومين حجج الله على خلقه وأنّ محمّد بن الحسن المهديّ هو القائم بأمر الله)، ٧٧- دعاء در حال سجده، ٧٨- دعاء هنگام تلاوت قرآن، ٧٩- دعاء بعد از خواندن سوره توحيد، ٨٠- دعاء بعد از تلاوت آيت الكرسي، ٨١- دعاء پنهاني، ٨٢- پوشيدن انگشتر فيروزه يا عقيق، ٨٣- دعاء همراه با گشودن و بلند كردن دستها به طرف آسمان (نحوه آن برحسب دعا متفاوت است)،[٢] ٨٤- صحيح خواندن دعاء، ٨٥- و شروع دعا با بسم الله الرحمان

---

(٢) وضعيت دستها از نظر گشودن و نحوه حركت آنها برحسب دعا متفاوت است:

در حالت درخواست: كف دستها را باز كند.

در حالت رغبت و شوق: گشودن دستها و باز كردن كف آنها به طرف آسمان و روبروي صورت گرفتن آنها.

در حالت درخواستي به مانند رزق: گشودن كف دستها و بالاگرفتن كف آنها به طرف آسمان.

در حالت استعاذه و پناه بردن به خداوند: كف دستها را به طرف قبله بگيرد.

در حالت نگراني: پشت (روي) دستها را به طرف آسمان بگيرد.

در حالت تضرع و خوف: حركت دهد انگشت سبابه راست به سمت راست و چپ از سوي صورت خودش. و نيز عقد خنصر و بنصر و برداشتن ابهام و وسط و اشاره به سبابه.

در حالت تبتل و انقطاع به سوي خداوند: حركت دهد سبابه چپ را؛ و آنرا به طرف آسمان بلند كند و پائين بياورد، يا اينكه كف دستهايش را در حال دعا زير و رو كند.

الرحيم، ٨٦- و بعد از حمد و تمجيد و ثناي الهي، ٨٧- و شكر بر نعمتهاي او، ٨٨- و بعد از تلاوت آيه شريفه "وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمّ يَسْتَغْفِرِ اللهَ يَجِدِ اللهَ غَفُورًا رَحِيمًا" و آيه شريفه "وَالّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا اللهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ* أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ" (و سپس استغفار از گناهان و آنگاه دعا نمايد)، ٨٩- و اعتراف به خطا و تقصيرات خود، ٩٠- و توبه و استغفار براى آنها، ٩١- و بعد از استغفار بسيار، ٩٢- و بعد صلوات بر محمد وآل و محمد صلى الله عليه وآله، ٩٣- و بعد از توسل به حضرات شفعاء الهي عليهم السلام، ٩٤- درخواست از خداوند بحق فرستادگان پنهان الهي، ٩٥- قبل از ذكر حاجت؛ سه يا هفت يا ده بار يا بقدر يكنفس با اين نامها خداوند را بخواند "يا الله يا ربّاه يا سيداه يا أرحم الراحمين"، ٩٦- و نيز اينطور خواندن خداوند "اللّهُمَّ إنّي أسئلك باسمك الله الله الله الذي لا إله إلّا هو ربّ العرش العظيم"، ٩٧- قبل از دعاي براي خود؛ براى چهل مؤمن دعاء نمايد، ٩٨- نام بردن حاجت، (غير معصيت و بجز قطع رحم، و بجز نشدني و بيش از قدرش، و نه حاجتي كه فراهم شدنش ميسر باشد و از راهش اقدام نكند، و نه وقتي كه خود را عامدا در گرفتاري انداخته باشد)، ٩٩- لحن خواستن قاطع باشد نه مردد، ١٠٠- عدم انحصار دعاء به خود و شركت دادن ديگران، ١٠١- الحاح

در حالت استكانت و بيچارگي: دستها را جمع كند و بر شانه ها گذارد.

در حالت ابتهال و زاري (مشروط به گريان بودن و سرازيري اشك): دستها و ذراعهايش را همه اش بگشايد و بالا ببرد بسوي آسمان و از سر بگذراند.

در حالت تبصبص و تملق براي استرضاي حق: دو سبابه را به طرف آسمان بلند كند و آنها را حركت داده و دعا كند.

در دعاء، ۱۰۲- ختم دعا به "ماشاء الله لاحول ولاقوة الا بالله"، ۱۰۳- از محل دعاء فورا بلند نشود و مقداري در آن وضعيت باقي بماند، ۱۰٤- با تكرار دعا و يا تأخير اجابت مأيوس نشده و ترك دعا نكند. ۱۰۵- دعاء بعد از تلاوت سوره ياسين، ۱۰٦- تلاوت صد آيه قرآن؛ و سه يا هفت بار "اللّٰهُمَّ اكشف عنّي البلاء"، ۱۰۷- دعاء بعد از نماز طواف، ۱۰۸- دعاء بعد از نماز زيارت حضرات معصومين عليهم‌السلام، ۱۰۹- نزد قبر حضرت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بايستد و آيه شريفه " إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" تلاوت نموده سپس هفتاد بار بگويد "صلى الله عليك يا محمد وأهل بيتك، ۱۱۰- دعاء در وقت و بعد از اعمال ديگري (از نمازها) كه شرح آن در كتب حديث و فقه و دعاء و ختومات از بيان خازنان وحي عليهم‌السلام آمده و سبب استجابت دعاء است. ۱۱۱- دعاي براي هر حاجتي بعد از تلاش براي آن از راهش، ۱۱۲- دعاء كسي كه در نيازهايش به غير خدا تكيه و توجه ندارد، ۱۱۳- آمين گفتن براي دعاي اهل ايمان (قبل يا بعد نماز)، ۱۱٤- درخواست و التماس دعا از مؤمن ديگر (قبل يا بعد نماز)، ۱۱۵- دعاء مؤمن و مؤمنة براي برادر و خواهر ايمانيش در غياب او، ۱۱٦- دعاي روزه دار در وقت افطار، ۱۱۷- دعاء مسافر در وقت سفر (طاعت)، ۱۱۸- دعاء در حال غربت، ۱۱۹- دعاء شخص مضطر در حال اضطرار، ۱۲۰- دعاء شخص بيمار (صابر و راضي بحق) براي ديگران، ۱۲۱- دعاء پدر براي فرزند، ۱۲۲- دعاء فرزند صالح براي پدر،۱۲۳- دعاء مادر براي فرزند بيمارش بر بالاي پشت بام و زير آسمان، ۱۲٤- دعاء مظلوم برعليه ظالمش، ۱۲۵- دعاء مظلوم براي ياري دهنده اش، ۱۲٦- دعاء فقير سائل براي دهنده صدقه (قبل يا بعد نماز)، ۱۲۷- دعاء مؤمن نيازمند در حق برادر ايماني كه به او رسيدگي كند، ۱۲۸- دعاء وي بر عليه آنكه بتواند و رسيدگي نكند، ۱۲۹- دعاي كودكان نابالغ نيالوده به

گناه، ۱۳۰- هنگامي كه كسي به افرادي احساني كند و آنها ناسپاسي ورزيده و او بخواهد بر عليه آنها دعا كند، ۱۳۱- قبل از نماز ظهر روزي كه كسوف به وقت زوال رخ دهد، ۱۳۲- دعاء (قبل و بعد نماز) در وقت مصيبت با رضايت از حق و گفتن "إنا لله وإنا إليه راجعون، اللّٰهُمَّ أَجِرني في مصيبتي واخْلُف لي خيرًا منها"، ۱۳۳- هنگام خواندن خروس؛ با گفتن ذكر مخصوص (سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ)، ۱۳٤- دعاء هنگام شدت گرمي هوا با گفتن "اللّٰهُمَّ اجرني من حرّ جهنّم"، ۱۳۵- دعاء هنگام شدت سردي هوا با گفتن "اللّٰهُمَّ اجرني من زمهرير جهنّم"، ۱۳٦- دعاء زمان وزش بادهاي تند، ۱۳۷- هنگام نزول باران، ۱۳۸- هنگام بروز معجزه يا نشانه كرامت و عنايت الهي، ۱۳۹- دعاء زائر مشاهد حضرات معصومين عليهم السلام، ۱٤۰- وقت حضور زير قبه منوره معصومين عليهم السلام بخصوص قبه حسيني عليه السلام، ۱٤۱- دعاء حج و عمره گزار تا اينكه از سفر بازگردند، ۱٤۲- دعاء حج و عمره گزار براي ديدارکنندگان، ۱٤۳- دعاء هنگام رؤيت كعبه، ۱٤٤- دعاء وقت حضور داخل كعبه و محل ولادت حضرت مولا علي عليه السلام، ۱٤۵- دعاء وقت حضور زير ناودان كعبه، ۱٤٦- دعاء نزد حجرالأسود، ۱٤۷- دعاء نزد مقام ابراهيم عليه السلام، ۱٤۸- دعاء نزد درب خانه كعبه و ملتزم، ۱٤۹- دعاء نزد چاه زمزم، ۱۵۰- دعاء در حطيم و حجر اسماعيل، ۱۵۱- نزد مستجار، ۱۵۲- بر كوه صفا، ۱۵۳- بر كوه مروة، ۱۵٤- بين صفا و مروة، ۱۵۵- در روضه النبي صلى الله عليه وآله ميان قبر و منبر، ۱۵٦- در مسجد الأقصى و بيت المقدس، ۱۵۷- هنگام نشستن امام عادل عارف بر منبر وعظ و تعليم معارف الهي، ۱۵۸- دعاء امام عادل دادگستر، ۱۵۹- دعاء در هنگام مواجهه لشكريان اسلام با دشمن براي جهاد به فرمان امام عصر عليه السلام (وقت نماز و بعد نماز)، ۱٦۰- وقت افتادن اولين قطره خون شهيد راه حق، ۱٦۱- خواندن خداوند به اسم اعظم الهي.

در اینجا تنها مواردی را که با نماز و یا قبل و یا بعد آن مرتبط یا قابل جمع بود نقل کردیم، البته اینها سوای اوقات فلکي استجابت دعاست، مانند اوقات ستاره کف الخضیب و اتصالات آن، و نیز اتصالات کواکب سبعه بخصوص مشتری و زهره و قمر، که این بخش خود شرح مفصلي دارد؛ برای اطلاع به کتاب اوقات دعای مستجاب مراجعه شود.

اگرچه غالب عناوین مذکوره؛ هر یك مستقلا در کلام خازنان وحي عليهم السلام به عنوان هنگام دعاء (و به معني وقت و شرط موجب استجابت خواسته دعا کننده) وارد شده است، اما برخي از آنها؛ بلکه بیشتر آنها؛ بایکدیگر و همچنین با نماز قابل جمع بوده، و انجامش برای تحصیل حوائج مهمه کاري آسان است، ولذا مؤمن عارف (بحق معرفت) مي تواند آنها را در وقت نماز با یکدیگر جمع؛ و زمینه استجابت دعاء و تحقق خواسته اش را افزایش دهد.

از این اوقات مرتبط با نماز بیشتر استفاده کنید، تا هم نماز در اوقات دارای زمینه مضاعف استجابت دعا انجام شود؛ تا هم درصد قبولی نمازها بیشتر شده؛ و هم از برکات آن اوقات بهره مند شده، و با تضاعف اسباب استجابت دعا؛ بیشتر در معرض توفیق رواشدن حاجات قرار گیریم. وفقنا الله تعالى جميعا لصالح الأعمال وخالصها. واستجاب الله تعالى دعواتنا بحق محمّد وآله الطاهرين، آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (١٥١٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: جزو اوقات و مواضع استجابت دعا آمده بود: در فرایض بعد از فراغت از فاتحة الكتاب؛ و نزد گفتن ذکر سمع الله لمن حمده؛ و ربنا و لك الحمد (بعد از رکوع)، و در هر سجده فریضه، و در هنگام تشهد آخر نماز فریضه، آیا مقدار زمان دعا و جگونگي آن شرایطي دارد؟ آیا مي توان دعا و حاجت را به فارسي گفت؟

جواب: آنچه در تعاليم مكتب وحي (راجع به اوقات دعای مستجاب) آمده این است که: این مواضع؛ هنگام استجابت دعاست، اما شرایط بهره بردن از آن مطابق هر محل و احكام آنست؛ که در شرع شریف معین است، و برای بهره بردن از وقت استجابت دعا و یا دعا نمودن در آن وقتها؛ همیشه حرف زدن لازم نیست، حاجات که در نیت سائل معلوم بوده؛ و كافي است در مواضعی از نماز؛ قلبا از خداوند عنایتش؛ را بخواهد؛ و در مثل سجده و قنوت هم به دعاي مأثور اكتفا كند؛ که جامع ترین لفظ آن از معصوم عليه السلام رسیده؛ که فرمود: هر که حاجتش را با این دعا از خدا بخواهد؛ برآورده مي شود: اَللّـهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتي وَالْقادِرُ عَلى طَلِبَتي تَعْلَمُ حاجَتي فَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد وَآلِهِ (عَلَيْهِ وَ عليهم السلام) لَمّا قَضَيْتَها لي (حاجت را یاد آورد) .... خداوندا تو ولي نعمت من هستي؛ و بر خواسته ام توانائي، تو حاجت و نيازم را مي داني؛ پس و را می خوانم به حق محمد و خاندان او (كه سلام بر او آنها باد) تا اینکه حاجتم را برایم برآورده کنی....چه لفظی (برای دعا کردن به فارسي و غير آن) گویاتر از این فقرات؛ که هر چه حاجت در عالم باشد را نیز در بر مي گيرد، و نیاز به تطویل سخن هم نیست؛ و اگر يك ميليارد حاجت هم داشته باشد؛ با این دعا اشاره و می تواند درخواست شود. [شمارة ثبت: (١٥٢٣) منبع: المسائل الإنترنتية]



مکان نماز

سؤال: فرش و بطور کلی مکان نماز اگر نجس ولی خشك باشد؛ آیا می توان روی آن نماز خواند؟

جواب: اگر عین نجاست (غیر معفو در نماز) در آن نباشد و در واقع مکان متنجس باشد، پس در صورت عدم سرایت یا انضمام نجاست؛ و به شرط پاك بودن جای سجده پیشانی (علیهم السلام) اشکالی ندارد. [شمارة ثبت: (۱۰۷۲) منبع: المسائل المغربیّة]

سؤال: نماز خواندن در مکانهايي مانند آشپزخانه چه حكمي دارد؟

جواب: اگر مباح و پاك و تميز باشد؛ منع خاصی به لحاظ آشپزخانه بودن برای نماز در آن نیست. [شمارة ثبت: (٦٣٧) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: در مراکز و اماکنی که شبهه غصبی بودن محل آن وجود دارد برای نماز خواندن، افرادی که از خود اجازه ندارند از آن مکان خارج شوند و مجبورند در آن مکانها نماز بخوانند حکم آن چیست؟

جواب: اگر واقعا شبهه است و صرف احتمال، تا غصبیت آن مکان معلوم نشده؛ نماز یا کسب یا توقّف در آن مباح است، ولی اگر غصبیّت آن ظاهر؛ ولی به جهت فرار از لوازم آن، ایجاد شبهه وهمی می نماید که خود را راحت نماید؛ این مورد به حکم اوّلی نیست، و در امکنه غصبیّه کسب (مشتمل بر شغل کارمندان دولت) و توقّف و جلب انتفاع و وضو و غسل و نماز و سایر عبادات محلّ اشکال است، لذا یا باید ترك آن موضع شود، و یا با استحلال و استجازه شخصی از مالك حقیقی آن؛ جواز استفاده از آن ملك را برای خود احراز نماید، و این امری است که غالباً ممکن است. [شمارة ثبت: (۲۵) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نماز در محلهائي كه از طرف دادگاه انقلاب اسلامي مصادره شده است، چه صورت دارد؟ و آيا نماز خواندن در آن صحيح می باشد؟

جواب: با توجه به كثرت موارد مصادره غير صحيح و برگشت احكام مصادره سالهاي گذشته در سنوات أخير، از هر گونه تصرف يا مكث اعم از طهارت، عبادت، كسب و شغلِ موجب درآمد اجتناب نمايند و در موارد اضطرار با تحقيق از مالك و تماس با وي استجازه بقدر تصرّفات شخصيّه بنمايد.[شمارة ثبت: (٢٣٩) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: در اتاقهايي كه عكس در آنها می باشد اگر پشت سر باشند، نماز خواندن در آنجا اشكال دارد يا نه؟ همچنين روي فرشهايي كه داراي نقش صورت يا نقش حيوانات می باشد نماز خواندن چگونه است؟

جواب: موجب باطل شدن نماز نمی شود؛ اگر تصاوير مزبور كلا مورد توجه او نيست، ولی براي انجام عبادت بهتر است مكان مناسب به آن، (با لحاظ رعايت جهات فوق و غير آن)، در نظر گرفته شود. [شمارة ثبت: (٢٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نماز خواندن در هواپيما چه حكمی دارد؟

جواب: در صورت استقرار و طمأنينه و امكان رعايت قبله؛ (ولو با تصحيح در جهت، در وقت انحراف مسير) مانعي ندارد، و نماز صحيح است، و اين در وقتی است كه مطمئن نباشد از امكان انجام نماز در غير حال سير در وقت آن، والاّ با اطمينان به انجام آن در حال توقف و در وقت آن؛ بدين نحو عمل نمايد.[شمارة ثبت: (٢٤١) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: با توجه به اينكه نماز خواندن جلوتر و يا مساوي با ضريح مطهّر حضرات مقدسه عليهم السلام اشكال دارد، رعايت اين نكته تا چه محدوده اي از حرم، صحنها، خيابانهاي اطراف لازم است؟

جواب: براي عموم تا جائي كه مشهد منوّر و ضريح مطهّر رؤيت می شود، كه با بسته بودن دربها و باز بودن آن حكم آن مختلف است. [شمارة ثبت: (٢٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا نماز خواندن در بقيع و فضاي بيرون بقيع در صورتيكه از ناحيه دشمنان نهي شود آيا جايز است؟

جواب: تا وجود سلطه مخالفين و منع آنها از انجام نماز در بقيع شريف؛ اجتناب شود، ولی در ايوانهای جديد الإحداث محاذي مشهد ائمه بقيع عليهم السلام، از سوی مخالفين منعی وجود نداشته، مگر توسط مأموران ايرانی كه توجه به تذكر آنها لازم نيست. {شماره ثبت: (٥٦٤) منبع: المسائل الإصفهانية}

سؤال: آيا نماز خواندن بيرون مساجد كه مربوط به حضرات معصومين عليهم السلام يا دوستانشان؛ در شهرهاي مكه ومدينه است و توسط دشمنان بسته شده؛ چه حكمي دارد؟

جواب: اگر منع جدی موجب زحمت؛ وجود داشته باشد اجتناب شود، و الا مانعی ندارد. {شماره ثبت: (٥٦٥) منبع: المسائل الإصفهانية}

سؤال: زيارتنامه و نماز خواندن در نزد قبور غير معصومين عليهم السلام مانند قبور امامزادگان و اولياء به چه نحو می باشد؟ آيا نزد غير معصوم عليه السلام نيز همان آداب زيارت معصوم عليه السلام رعايت شود؟ (مانند ورود از پايين پا و زيارتنامه و سلام از روبرو و نماز در پشت مقام و غيره)، اگر نحوه ديگری نيز منظور است بفرماييد.

جواب: رعايت ادب همه جا خوب است ولی بر حسب عظمت مقام و درك زايرـ؛ لزوم رعايت آن شدت پيدا مي كند، و تقدم بر غير امام و در غير مشهد حضرت معصوم عليه السلام جايز است. {شماره ثبت: (١١٩٣) منبع: المسائل الهمدانية}

سؤال: هل الخصوصيّات والأحكام الواردة بالنّسبة للمسجد الحرام والمسجد النّبويّ تنطبق على الاتّساعات الجديدة؟

جواب: الخصوصيّات والأحكام الواردة فيهما مختلفه، فبعضها كحكم تمامية الصّلاة تنطبق على الإتساعات الجديدة أيضا، وأمّا الطواف فمهما يكون الطائف متصلا بالطائفين فطوافه صحيح، وإن كان لا يجزي عن الواجب إذا وقع خارج المسجد الحرام المتسع للمسعى، وأما فضيلة الصّلاة وإن كان يحتمل شمولها لما هو أزيد مما ذكرناه، ولكنه يقتصر عليه احتياطا. {شماره ثبت: (٢٩٩) منبع: المسائل الخراسانية}

سؤال: آيا در نماز جماعت در مسجد الحرام در صورتي كه نامحرمي در كنار يا جلوي نماز گزار باشد چه حكمي دارد؟

جواب: اشكالى ندارد. {شماره ثبت: (٦٨٢) منبع: المسائل الإصفهانية}

سؤال: در موقع اقامه نماز فرادى اگر در مكاني زن و مرد يا زنان و مردان باشند، نحوه ايستادن اينها از حيث عقبتر يا جلوتر يا مساوي بودن زن بر مرد: الف) اگر محرم با يكديگر باشند چه حكمى دارد؟ ب) اگر با يكديگر نا محرم باشند چه حكمى دارد؟

جواب: در صورت رعايت فاصله تقدم زنان مانعى ندارد و در اماكن مقدّسه عامّه در صورت عدم تلاصق، مطلقًا اشكال ندارد مانند مسجد الحرام. {شماره ثبت: (٨٨٧) منبع: المسائل المتدرجه}



اذان و اقامه برای نماز

سؤال: آيا گفتن اذان و اقامه برای هر نماز لازم است؟ در هر حال؟ فرقي بين نافله و فريضه هست؟ فرادی و جماعت چطور؟ مردان و زنان آيا تكليفشان يكي است؟

جواب: در نافله؛ اذان گفته نمي شود، بخلاف فرايض يوميه كه برای آن اذان بگويد، و اگر گاهي موفق نشود؛ نبايد كه در همه فرايض آنرا ترك كند، و حكم اذان چه در سفر و چه در حضر يكسان است، و لا اقل در فجر و مغرب ترك نكند، و در غير اين دو؛ اقامه تنها مجزي است، و نيز جايز است اكتفا به شنيدن اذان محل يا شخص ديگر؛ و اينكه فقط اقامه را خودش بگويد.

و نماز جماعت مجزي نيست مگر با اذان و اقامه، و اگر يك نفر اذان و اقامه بگويد براي امام و بقيه مأمومين؛ كافي است، و اگر جماعتي بر پا نبوده ولی جمعي باشند و بخواهند فرادی نماز بخوانند؛ اقامه يكي از آنها براي ديگران نيز مجزي است، البته در هنگام ضرورت؛ مانعي ندارد ترك اذان حتی در جماعت، و كسي كه در خانه اش تنها نماز مي گزارد؛ اقامه بدون اذان براي او مجزي است، وليكن اين روش را عادت خود قرار ندهد، آنچه ذكر شد تكليف مردان در اذان و اقامه بود.

اما زنان؛ پس اگر اذان محل را بشنوند؛ تكليفي براي اذان و اقامه ندارند، و در غير اين صورت نيز بيش از تكبير و شهادت به عقايد حقه؛ بر ايشان لازم نيست، البته اگر اذان و اقامه بگويند افضل است. [شمارة ثبت: (١٠١٩) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آیا گفتن اذان و اقامه در حال حرکت و یا رو به قبله نبودن و یـا حرکـت اعضاء و جوارح اشکال دارد؟

جواب: در اذان استقرار یا استقبال و یا سـکون شرط نـمی باشـد، ولی در اقامـه استقبال رعایت می شود، و بین اقامه و نماز نباید صحبت کنـد، والاّ اقامـه بایـد اعاده بشود. [شمارة ثبت: (١٦٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: فقرات شهادات در اذان و اقامه آیا محدود به توحید و رسـالت بـوده؟ آیـا شهادت به ولایت جزء اذان و اقامه است؟ آیـا منحـصر بـه ذکـر حـضرت مـولا امیرالمؤمنین علی عليه السلام است؟ یا دیگر حضرات ائمـه صلى الله عليه وآله را هـم شـامل مي شـود؟ لطفا نمونه ای از لفظ شهادت به ولایت را بیان فرمایید.

جواب: این فقرات؛ در محدوده شهادت بر ارکان سه گانه عقیده أهل حق (توحید و رسالت و ولایت) است، و منحصر به شهادت بر وحدانیت و رسالت نبـوده؛ چـه اینکه ایندو بخشي از عقیده اصلی مذهب حق است و آنـدو عنـوان در واقـع آن مقداری است که در هر شرایطی باید ابراز شود. و اما شهادت به ولایت: اشتهار این شهادت به نام مبارك حضرت أمیرالمؤمنین علي عليه السلام، به جهـت منبـع ولایـت بودن و شاخصیت ایشان است، و نه تنها مانعیـت از شـهادت بـه ولایـت سـایر حضرات ائمه معصومین عليهم السلام ندارد، بلکه رجحان نیز دارد؛ زیرا ولایـت ایـشان استمرار ولایت آن حضرت مي باشد، خصوصا حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، که وجه الله حاضر در این زمان؛ و وجهه همه خلایق در ایـن دوران بوده، و اتصال همه اکوان به حضرت حق (تعالى شأنه)، از ایشان اسـت،[٣] و اکتفـای

---

(٣) در دعای صادره از ناحیه مقدسه، (معروف به ندبه) خطاب به حضرتش آمده است: أين السبب المتصل بين الأرض والسماء. مفاتيح الجنان ص٥٣٤/ بحار الأنوار ج٩٩ ص١٠٧.

عامه مؤمنين به ذكر حضرت مولاعلي عليه السلام، و يا ذكر ساير حضرات ائمه عليهم السلام (به نحو اجمال) در شهادت به ولايت، از روى اختصار الفاظ بوده، و در موارد ديگر از احكام واجبه[4] و مستحبه[5] كه عنوان اختصار يا تقيه نبوده، اين شهادت، به تفصيل و با تصريح به أسامي شريفه تمامي حضرات ائمه، وارد شده است. فلذا اهل معرفت و يقين به بركت هدايت ايشان، جمع بين تفصيل و اختصار نموده، با ذكر حضرت مولاعلى عليه السلام خصوصا؛ و ساير حضرات معصومين عليهم السلام به نحو اجمال؛ و با تصريح به نام حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه)، شهادت به ولايت مي دهند، كه با التزام بدان به شهادت كامله موفق مي گردند.

شايان ذكر اينكه: چون در ادعيه و زياراتي كه خطاب به حضرتش از ناحيه مقدسه وارد شده، و به شيعيان هم توصيه خواندن آن گرديده، تصريح به نام مبارك آن حضرت يعنى "محمّد" فرموده اند،لذا حكم حرمت بردن نام حضرتش، مربوط به زماني خاص از عصر غيبت صغرى بوده، و در غير آن مثل زمان ما؛ ذكر حضرتش با اين نام جايز؛ بلكه مستحب است.[٦]

---

(٤) به مبحث كيفيت اقرار، و شهادت به ولايت و ساير عقائد حقه، در باب ايمان و آداب هدايت، و نيز مبحث ثبوت ايمان، در ابواب مختلفه فقهيه، از طهارة وصلاة وخمس و زكاة وحج وقضاء وشهادات وغير آن، در كتب حديث وفقه مراجعه شود.

(٥) مبحث أحكام دفن ومبحث تشهد، از ابواب صلاة، وأبواب أعمال مستحبه مطلقه، ودر أيام وامكنه خاصه، وزيارات حضرات مقدسه، در كتب حديث وفقه.

(٦) مفاتيح الجنان ص٥٢٥/ بحار الأنوار - ج٣٦ ص١٩٤ وج٥٢ ص١٤و١٧٣ وج٩٤ ص٢٨ وج٩٩ ص١٠٧.

لذا در شهادت به ولایت خوب است که اینطور بگوییم: * أَشْهَدُ أَنَّ عليًّا وَلِيُّ اَللّٰه * أَشْهَدُ أَنَّ عليًّا وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ حُجَجُ اللّٰه وَ أَنَّ محمَّدَ بنَ الحسنِ هُوَ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللّٰه * [شمارة ثبت: (٥٩٨) منبع: رسالة صلاة جامعة]

سؤال: آیا جز فقره شهادت به عقاید حقه؛ فقره دیگری در اذان و اقامه وجود دارد که عامه به آن ملتزم نباشند؟

جواب: بنابر فرمایش حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام در آخر اذان (و بالتبع اقامه)، جمله: محمّد رسول الله؛ وجود داشته است، و معاویه (لعنه الله) آن را از آخر اذان انداخته و گفته: [آيا محمد راضي نمي شود به همان يكبار كه در صدر اذان نام او را مي برند؟ تا اين كه در آخر اذان هم نام او را ببرند!][٧] و همچنین در فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام آمده است: [٨] هر که از شما شهادت به توحید و رسالت داد، شهادت به ولایت هم بدهد؛ لذا شهادت کامله در پایان نیز ترك نمي شود، پس همانطوری که در میان اذان گفتیم، در آخر اذان هم مي گوییم:

* محمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه * عليٌّ وَلِيُّ اللّٰه * وَ إِنَّهُ وَ المَعْصُومِينَ مِن وُلْدِهِ حُجَجُ اللّٰهِ على خَلْقِهِ * وَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ هُوَ القَائِمُ بِأَمْرِ اللّٰه * [شمارة ثبت: (٥٩٩) منبع: رسالة صلاة جامعة]

---

(٧) بحار الأنوار – ج٨١ ص١٦٩ ح٧٣/ مستدرك الوسائل – ج٤ ص٧٤.

(٨) بحار الأنوار – ج٨١ ص١١٢ ح٧.

بين اذان و اقامه

سؤال: آيا ميان اذان و اقامه چه طاعتی مناسب است؟

جواب: ميان اذان واقامه؛ نزد مولی عليه السلام "سجده" پسنديده است،[9] بلكه اين هنگام از مواقع استجابت دعاست،[10] و دعا نمودن در اين هنگام نيز فضيلت داشته، و لذا دعا براي همه امور شايسته بوده، و خصوصا براي فرج و پيروزي حضرت قائم آل محمّد (عجّل الله تعالى فرجه الشريف)، كه بايسته است،[11] و نيز دعا نمودن برای توفيق يافتن بر تسليم و تبعيت و خدمت و بندگي حضرتش، و نايل شدن به رعايت ادب حضور مقام ولايت كبري (منه السّلام)، بسيار بجا و مناسب است.

[شمارة ثبت: (٦٠٠) منبع: رسالة صلاة جامعة]



---

(٩) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٧٩ ح٢٣.

(١٠) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص١٩٧/ ابواب أذان وإقامه از مبحث صلاة در كتب فقه و حديث اهل بيت عليهم السلام.

(١١) در باب لزوم دعای برای حضرت (عجّل الله تعالى فرجه الشريف) وآثار وبركات وفضايل آن باذكر تفصيلی دلايل و مدارك، به كتاب شريف (مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم) كه به اشارت حضرتش تأليف شده است، مراجعه شود.

قيام برای نماز

سؤال: آيا هنگامی كه نمازگزار برای نماز بر مي خيزد چه دستور العمل يـا دعايي دارد كه انجام دهد؟

جواب: مولی عليه السلام فرموده است: وقتي بنده براي نماز بلند مي شود، بعـد از گفـتن اقامه؛ برای صاحب دين و آنكه واسطه اين توفيق برای او شده چنين دعا كند:

* اللّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْـوَةِ التّامَّـةِ * وَ الـصَّلاةِ القائِمَـةِ * بَلِّـغْ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وَ آله * اَلدَّرَجَـةَ وَ الْوَسِـيلَةَ * وَ الْفَـضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ * وَ بِاللهِ أَسْتَفْتِحُ * وَ بِـاللهِ أَسْـتَنْجِحُ * وَ بِمُحَمَّـدٍ رَسُولِ الله (صلَّى اللهُ عليـهِ وَ آلهِ) * وَ آلِ محمّـدٍ (صَـلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِين) أَتَوَجَّـهُ * اللَّهُـمَّ صـلِّ على محمّـدٍ وَ آلِ محمّـدٍ* وَ اجْعَلْـني بِهِـم عِنْـدَكَ وَجيهًـا * في الدُّنيَـا وَ الآخِـرَةِ وَ مِـنَ المُقَرَّبِينَ *[12]

و نيز برای بهره مندی بيشتر خود در اين معراج روحاني بگويد:

* بِسْمِ اللهِ وَ بِـاللهِ * ومِـنَ اللهِ وَ إِلى اللهِ * وَ كَمَـا شَـاءَ اللهُ * وَ لا قُـوَّةَ إلاَّ بِـاللهِ * اللَّهُـمَّ اجْعَلْـنِي مِـن زُوّارِكَ * وَ عُمَّـارِ

(١٢) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٧ ح٨.

مَساجِدِكَ * وَ افْتَحْ لي بابَ رَحْمَتِكَ * وَ اغْلُقْ عَنّي بَابَ مَعْصِيَتِك * الحمْدُ للهِ الذي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُناجيه * اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ جَلَّ ثَنائُكَ *[١٣]

و نيز از ساحت قدسيش بخواهد: * يَا مَنْ أَحارَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكوتًا * وَ قَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبَروتًا * أَوْلِجْ قَلْبِي فَرَحَ الإِقْبَالِ عَلَيْكَ * وَ أَلحِقْني بِمَيْدَانِ المُطيعينَ لَك *[١٤]

و اين چنين عرض حال خود نمايد: * يَا مُحْسِنُ قَد أَتَاكَ المُسِيئ * وَ قَدْ أَمَرْتَ المُحْسِنَ أَن يَتَجاوَزَ عَنِ المُسِيئ * أَنتَ الْمُحْسِنُ وَ أَنا المُسِيئُ * بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَجَاوَزْ عنْ قَبيحِ ماتَعْلَمُ مِنّي * يَا ذَا الجَلالِ وَ الإِكرام *[١٥]

[شمارة ثبت: (٦٠٢) منبع: رسالة صلاة جامعة]



(١٣) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٩ ح١١.

(١٤) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٨ ح١٠.

(١٥) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٩ ح١٤.

قبله نماز

سؤال: دربلاد آمريكای شمالی قبله غالب مساجد شمال شرق مي باشد، و اساس آن محاسبات دقيقه بر اساس مثلثات كروي است بنابر قاعده "اقرب الطرق هو الإتجاه المستقيم المقصود في القبله" ولی ندرتا بعض مساجد وجود دارد كه قبله شان تقريبا با ۹۰ درجه اختلاف؛ يعنی (جنوب شرقي) كمي از شرق به سمت جنوب است، و مستندشان اينست كه چون خطاب شارع مقدس در تكاليف عموم مردم بوده لذا محاسبات دقيقه كه ويژه خواص از مردم است را ملاك قرار نداده، و در اين باب اتجاه عرفي ملاك و منظور شارع است، و از آنجا كه آمريكائيان مكه را در سمت مشرق خود مي دانند، پس عرفًا برای توجه به مكه رو به سوی شرق نموده و چون بلاد خود را شماليتر از مكه مي دانند، پس از شرق به سمت جنوب مايل مي شوند، فلذا سمت جنوب شرقي همان قبله مطلوب شارع برای اين بلاد است، كداميك از اين دو نظريه صحيح است؟ تكليف چه بوده؟ لطفا توضيح بفرماييد.

جواب: شكي نيست كه قبله همانا رو به سوی كعبه و حرم الهی (مكه) نمودن است، و رو نمودن به چيزی؛ با اتجاه مستقيم محقق بوده، و اتجاه مستقيم به يك نقطه همان خط كوتاهتر از همه خطوط منتهی به آنست، و از هر راه كه علم به اين امر حاصل شود عمل به آن مجزی است، و قواعد مثلثات كروی روش علمی و دقيق برای تحصيل جهات در نقاط روی يك كُره است، و اختلاف نتيجه روش حسي و عرفي صحيح با نتيجه روش دقيق علمي به اين قدر نبايد باشد. امّا اين تقابل مذكور ناشي از عدم صحت روش عرفي يا حسي فوق الذكر است، و آن نتيجه القاءات نقشه های مسطح از كره زمين است كه نسبت موضع همه نقاط

را به يكديگر صحيح نشان نمي دهد، بلكه جهات موهوم و غير واقعي را القاء مي كند، و اين القاء غلط بجز در باب قبله امريكای شمالی، نسبت به قاره امريكای جنوبي ونواحي سيبری ومغولستان وكره و ژاپن و استراليا هم وجود دارد، بلكه نقشه های مسطح تنها از شهر مكه تا سي درجه به شرق و به غرب از شمال تا جنوب؛ بتوانند نمايانگر مواضع قبله تقريبا صحيح باشند، چه تنها در اين محدوده مكّه قبله نقشه مسطح موافق واقعيت كروي آنست. ولذا در نتيجه القاءات موهوم نقشه های مسطح در ذهن شخص، نقطه ای را كه شمال شرقي است (بخاطر تسطيح نقشه كروی) به ذهن (مأنوس با نقشه های مسطح) جنوب شرقي القاء مي كند. و امّا آنچه كه تعبير شده است به حسّ معمولی عرف؛ پر واضح است كه حسّ عادي عرفي اصلا نقاط بعيده در اقصای كره زمين را تشخيص نمي دهد، تا چه رسد به اينكه جهت آنرا مشخص كند، و آن جهتی كه برای آن نقاط در ذهن مي شناسد؛ در حقيقت ناشي از شنيده های غير دقيق يا القاءات نقشه های مسطح است، البته حس عرفي صحيح و واقعی را مي توان با آزمايش آسان و ساده ای (كه برای همگان ميسر بوده) بدست آورد: ابتدا دو نقطه مكه و يكي از بلاد امريكای شمالی را در روی كره جغرافيايي با سوزني معين نموده، و با اتصال دو نقطه به وسيله نخ كشيده (بدون هيچگونه خميدگي) خط مستقيم ميان مكه و آن بلد را رسم نماييد، زاويه حاصله بين آن خط و بين نصف النهار آن بلد؛ همان زاويه انحراف قبله آنجا از شمال يا جنوب است. نتيجه اين تحقيق حسي عرفی (كه برای عامه ناس هم قابل تحصيل و تشخيص است) با نتيجه محاسبات علمي (بر اساس قواعد مثلثات كروی) هيچگونه اختلاف فاحشي نداشته؛ بلكه مطابق است. بنابر اين بلاد مختلفه امريكا؛ از بوستون تا ميامي و از لوس آنجلس تا سياتل؛ همگي قبله شان: سمت شمال متمايل به سوی

شرق مي باشد، البته مقدار انحراف از شمال به شرق؛ بر حسب آن بلاد مختلف بوده كه از ١٦ درجه تا ٨٨ درجه مي باشد. [شمارة ثبت: (٦٣٩) منبع: المسائل المغربية]

سؤال: كسي كه وظيفه اش اين بوده كه مضطجعاً بطرف أيمن يا أيسر نماز بخواند ولى از باب جهل به وظيفه، در حال استلقاء يا بطرف قبله نماز خوانده است آيا اعاده لازم است؟

جواب: در صورت صحت قبله در نحو مأتي؛ نماز او صحيح است. [شمارة ثبت: (٢٧١) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: ازآنجايي كه شغل ما (كاپيتان كشتي) و كارمان بيشتر روي آب طي مي شود، براي انجام نماز هاي واجب زماني كه كشتي در دريا در حال حركت مي باشد در بعضي مواقع هنگام عمليات مانور با كشتي (چرخش به چپ و راست) مخصوصا در كشتي هاي كوچک كه مانور آن سريعتر انجام مي گيرد؛ با توجه به اينكه اين عمل از شروع تا پايان در بعضي مواقع حدود ٤ تا ٥ ساعت به طول مي انجامد و به طور اجتناب ناپذير در اين مدت كشتي در يک جهت ثابت نيست، به طوري كه ممكن است كشتي ١٨٠ درجه به چپ يا به راست بچرخد و همچنين زماني كه كشتي در حالت لنگر مي باشد ممكن است كشتي در يک نقطه لنگر حول همان نقطه ١٨٠ درجه بچرخد، براي مثال با توجه به محدود بودن زمان مناسب نماز صبح به طور يقين اگر نمازگزار هنگام شروع نماز به طرف قبله، ثابت بايستد به دليل موارد مذكور در حين نماز جهت قبله ١٨٠ درجه تغيير خواهد كرد؛ حال سوال اين است: آيا از هنگام شروع نماز پس از تعيين جهت قبله تا پايان نماز همان جهت قبلي را عليرغم چرخش كشتي نمازگزار حفظ كند؟ يا در حال نماز با چرخش كشتي به طرف قبله حركت كرده و بچرخد؟ خواهشمندم اينجانب را در اين زمينه راهنمايي بفرماييد، با سپاس.

جواب: همواره قبله خويش را مطابق جهت صحيح حفظ مي نمايد، و اين با وسائل جهت نماي امروزي كاري ميسور است، اگر سرعت كردش كشتي بقدري نيست كه مستلزم حركت تصحيحي مستمر باشد، پس لازم نيست كه مانند كشتي حركت دائري مستمر (ثانيه به ثانيه) داشته باشد، و كافي است وقتي كه جهت كشتي بطور فاحش تغيير كرد؛ سمت خود را تصحيح كند، فلذا مثلا بعد از قرائت (در صورت تغيير سمت) تصحيح كرده، يا بعد از انجام ركوع يا سجود يا هر يك از اجزاي نماز اين تصحيح را انجام مي دهد، كه هر جزئي در حالت استقرار بدن و به يك سمت خوانده مي شود، اما براى حركت خفيف مارپيچ رو به يك سمت؛ لازم نيست برحسب آن مسير مارپيچ تصحيح جهت كند، و لحاظ قبله نسبت به سمت حركت كافى است. [شمارة ثبت: (١٣٥٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: از آنجا كه در تعليمات مكتب وحي: استقبال و پيش رو قرار دادن آتش در نماز نهي شده است، اگر روبرو و يا كنار بخارى روشن نمازخوانده شود آيا اشكالى دارد؟

جواب: استقبال و پيش رو قرار دادن آتش در نماز اگر اختيارى و عمدى است كه قطعا اشكال دارد و حرام است و نمازش هم باطل است، اما اگر غير اختيارى و اضطراري است مثل اينكه مضطر به انجام نماز در اتاقي كوچك به عرض بخارى است، و اتفاقا بخارى هم در سمت قبله نصب شده است، براى شخص صحيح العقيده محكم؛ كه توجه و استقبال به آتش برايش ارزش ومعنايي ندارد، بلكه از آتش پرستى بيزار است، و معتقد به خداوند و متوجه به قبله است، در صورت عدم حضور ضعيف العقيده اشكالي ندارد، و نماز در كنار بخاري اشكالي ندارد. [شمارة ثبت: (١٣٩٥) منبع: المسائل الإنترنتية]

حضور در نماز

سؤال: بنده مدتي است آنچه را كه از بزرگان دين و اهل بيت عليهم‌السلام در مورد نماز سفارش شده؛ و هر چه كتاب در مورد نماز مطالعه نموده ام؛ رعايت كرده ام، مانند خواندن نماز اول وقت، رعايت مستحبات، خواندن نماز در اوقات پنجگانه، نماز جامع، خواندن نوافل، توسل به يكي از حضرات معصومين عليهم‌السلام در هنگام ورود به نماز، ولي آن چنان كه شايسته باشد؛ حضور قلب در نماز و لذت در مناجات و عبادت برايم حاصل نشده، لطفا در مورد چگونگي تمركز در نماز توضيح فرماييد.

جواب:

(۱)- آنچه به آن موفق شده ايد بسيار پسنديده و توفيق ارزشمندي است، و در جهت وسيع كردن ميدان بهره مندی شما از نماز است، ولی موضوع توجّه؛ جان و روح اين مطلب بوده كه بدون اين؛ همه آنها قالب بي روح است.

(۲)- توجّه در نماز بدون تمركز بدست نمي آيد، و تمركز با انقطاع از غير بدست مي آيد، نه التفات به اغيار و تمركز در يك نقطه، لذا بايد از بيرون نماز منقطع گرديد.

(۳)- مشكل عدم تمركز؛ ناشي از شلوغي و ورّاجي ذهن و غير اختياری بودن فعاليت آنست، برای تمركز بايد فعاليت ذهن آرام و بلكه بكلي متوقف شود، تمركز و توجه؛ نوعي مشغول كردن ذهن به يك امر خوب و مورد نظر نيست، بلكه كلاً بايد ذهن خاموش شود.

(٤)- خاموش كردن ذهن در وقت نياز؛ تنها با تسلط صاحب ذهن ممكن است، تسلط شخص بر ذهن با اختياری كردن فعاليت ذهن عملي است، يعني هر وقت بخواهد بتواند آنرا خاموش كرده؛ و ميدان جولان ذهن را در اختيار داشته باشد، و اين بدون سابقه تجربه و مهارت شخص در اين زمينه بدست نمي آيد، از اين رو شخص بايد در بيرون نماز و غير از وقت عبادت نيز مرتبا به دنبال اختياری كردن فعاليت ذهن باشد.

(٥)- اختياری كردن فعاليت ذهن؛ تنها با منع فعاليت غير اختياری ذهن بدست مي آيد، برنامه اختياری كردن ذهن را از اينجا مي توانيد شروع كنيد: فعاليت ذهن در هر كاری؛ حتی جزئي ترين و بي اهميت ترين كار (شستشوی دندان، پوشيدن لباس و..) بايد در خود همان كار باشد، نه اينكه چون آن كار ساده است؛ و بدون حواس جمع هم انجام مي شود؛ پس ذهن آزاد است هر جا برود! يا صرفه جويي در اوقات مي كنيم و ضمن انجام كارها؛ از ذهن برای برنامه ريزي راجع به يك كار مفيد استفاده كرده؛ و در آن باره فكر مي كنيم! نه خير، نه آزاد باشد كه هر جا برود، و نه به نفع ماست كه در حال انجام كاری؛ ذهن ما در جايي غير آن كار باشد، در شبانه روز بيشتر كارهايي كه انجام مي دهيم؛ چه بسا خود آن كار؛ نياز به حضور ذهن در همان كار نداشته باشد، و با ذهن جايي ديگر بودن نيز؛ آن كار بدون هيچ مشكلي عملي باشد، ولی اين روش غلط؛ كه مرتبا هر شب و روز؛ بارها و بارها تكرار مي شود؛ نتيجه اش پيدايش يك عادت شديد؛ بر بيرون بودن ذهن از كاری كه مشغولش است مي گردد. با داشتن اين عادت شديد (بيرون بودن ذهن از امر فعلي)؛ و تمرين و تكرار مداوم آن؛ چطور مي خواهيم در وقت نماز و طاعت؛ به آساني و فوريت حواس جمع بوده و ذهن متمركز باشد؟!

(٦)- جز از اين؛ موانع ديگري هم در اين راستا؛ در وقت نماز ممكن است وجود داشته باشد، از قبيل: موجبات سلب توفيق كه از راههای ديگر فراهم شده، يا امتناع نفس عاصي، و يا اغوای شيطان (اعاذنا الله من جميع ذلك).

(٧)- بنابر اين؛ ابتدا بايد عادت غلطمان را تصحيح كنيم، پس از آن مواظبت بر اختياری كردن ذهن بنماييم؛ تا بتوانيم در وقت نياز و نماز؛ ذهن را به آساني خاموش نموده و توجه در نماز را پس از آن حاصل نماييم.

شايان ذكر است كه: اين كار سخت نبوده و كمي جديت و باورداشتن و همّت مي خواهد، از كوچكترين كارها؛ بلكه از اولين كاري كه از اول صبح كه بيدار مي شويد شروع كنيد، از همان كار مواظب باشيد كه فقط در همان كار باشيد، و بعد از آن همينطور در كار بعدی و بعدي. اوايل امر ممكن است بعضي موارد يا برخی از اوقات؛ طبق عادت قبلي؛ ذهنتان بيرون از كاری كه مشغولش هستيد برود، ولی با پيگيري و استمرار؛ اين تخلفات كمتر و كمتر شده تا اينكه بكلي مرتفع مي گردد. (بفضل الله و عونه).

(٨)- در صورت تمكن از اختياری شدن ذهن (به هر مقدار)، به مدد حق در اوقاتي كه مطالبي نگران كننده؛ بطور ناخواسته به ذهن انسان هجوم مي آورند، در اين وقتها نيز مي توان با يك ترمز ذهني و خاموش كردن آني؛ ذهن را از وراجي و مشغوليت و غير اختياری بودن بيرون آورد.

(٩)- در اين گونه مواقع بينش و معرفت شخص مؤمن (كه مبتني بر اصل زير است) نيز به كمك او آمده، و به راحتی مي تواند ذهن را آرام و خاموش نمايد، اين اصل مهم عبارت از عقيده به اين مطلب است: زمام همه امور در دست حقتعالی است، و بي حول و قوه الهي حتی برگي از درخت نمي افتد، تقدير به اراده حق

معين شده، و مقادير امور به دست خداوند است، و تشويش و مشغوليت ذهن در عواقب امور تغييري نمي دهد، تمام ابتلاءات براى تسليم بيشتر بندگان خدا و عبوديت بيشتر آنان است، و نشانه تسليم بنده؛ آرامي و اطمينان او است، و آرامي حقيقي در ذهن و دل است، و اين با انجام وظيفه شرعي يا عقلي شخص؛ و مطالعه و تحقيق و تدبير در انتخاب بهترين راهكارها نيز منافاتي ندارد.

(۱۰)- ان شاء الله به لطف الهي و همتّ و جدّيتتان، با استمرار توفيقاتي كه ياد كرده ايد، و جان بخشيدن به آنها (همچنان كه شرح شد)؛ به مرور بهره مندي شما از نماز بيشتر و روز افزون گرديده؛ تا ابتدا زنگارهاى گذشته از دل زدوده؛ و حجابهاي سابق مرتفع گرديده، و نور نماز به جان دل رسيده، و مشاعر و ادراكات شما گشوده شده، و حظّ و دريافت شما از حضور و معنا و حقيقت نماز كامل شود. آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (۱۳۱۹) منبع: المسائل الهمدانية]

سؤال: وقتي كه نماز مي خوانم، حديث ها يا تفسيرهايي كه راجع به معرفت و آداب در درسهاى ديني خوانده ام يا كه پاي منبرها شنيده ام؛ به ذهنم مي آيد. اگر به واسطه اينها سعي كنم كه در نماز تمركز داشته باشم اشكالى دارد؟ آيا اشكالى دارد كه نمازمان همراه با اين نوع افكار باشد؟

جواب: اگر صرفا تذكر به آنها پيدا مي كند (كه موجب تطبيق بهتر آداب و انجام شايسته تر نماز مي شود) اشكالى ندارد، ولى اگر موجب مشغوليت ذهني به آن مباحث در سرتاسر نماز مي شود؛ اين توفيق به توجه در نماز نبوده، و صرفا بر مشغوليت ذهن به افكار دنيوي ترجيح دارد. تحصيل توجه در نماز؛ با انقطاع ذهن و فكر و دل است، آن تعليمات و معارف الهى براى درست و بهتر نماز گزاردن است؛ نه مشغول كردن ذهن در حال نماز به آنها.شمارة ثبت: (۱۲۸۰) منبع: المسائل الهمدانية]

توجّه در نماز

سؤال: مي خواستم درباره موضوع مهم "توجه در نماز" توضيحي ارائه نماييد.

جواب: از آنجا كه آدمي، هم داراي جنبه مادي و ظاهري، و هم جنبه معنوي و باطني است، لذا در مقام توجه به حضرت حق (تعالى شأنه)، در صورتي توجهش جامع، كامل، واقعي و حقيقي است كه اين توجه او به حق، هم در بعد ظاهري و مادي (توجه به جهت حق)، و هم در بعد باطني و معنوي (توجه به وجه حق)، هر دو با هم تحقق پيدا كند. لذا در توجه به قبله در نماز، هم بايد متوجه قبله ظاهر، و هم متوجه قبله باطن بشويم (كه مثلا او چطور نماز مي خوانده؛ و يا او را براى بهره مندي از نماز شفيع قرار دهيم). [شمارة ثبت: (١٢٩٩) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اهميت توجه در نماز تا چه حدّي است؟ آيا از آداب و مستحبات موجب كمال نماز است؟ يا لزوم و ارزش بيشتري دارد؟

جواب: توجه به حق (عز شأنه) در باطن و معنا و حقيقت، با توجه به وجه الله محقق است، و لذا تعبير به: (توجه به وجه) مى شود. از حضرت امام باقر عليه السلام پرسيدند: در نماز چه چيزي فريضه و واجب است؟ فرمود: الوقت و الطهور و القبلة و التوجه و الركوع و السجود و الدعاء. (يعني) وقت و طهارت و قبله و توجه و ركوع و سجود و دعاء. سپس از بقيه نماز پرسيدند؟ فرمود: سنّة في فريضة. يعني: سنّتى است كه در فريضه و واجب نهاده شده است.[١٦] و نيز حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: فرائض الصلاة سبع: الوقت و الطهور و التوجه

---

(١٦) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٢٥٨ ح٧٧٠٥/ الكافي للكليني، ج٣ ص٢٧٢.

و القبلة و الركوع و السجود و الدعاء. (يعني) فرائض و واجبات نماز هفت تاست: وقت و طهارت و توجه و قبله و ركوع و سجود و دعاء.[17] پس بسيار واضح است كه اين توّجه، غير از قبله ظاهري بوده، و از اهمّ فرايض و واجبات اساسي نماز مي باشد. [شمارة ثبت: (١٣٠٠) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اگر امكان دارد؛ در زمينه "معرفت وجه الله" اشاره اى بنماييد.

جواب: حضرات ائمه معصومين عليهم السلام خازنان وحي هستند، و ايشانند كه رازدار و گنجبان وحي و كلام الهي مي باشند، از كلام ايشان استفاده مي شود كه؛ وجه الله خود حضرات مقدسه هستند، از جمله اين فرمايشات؛ احاديث بسياري است كه در تفسير آيه شريفه ﴿ويبقى وجه ربك﴾ و آيه مباركه ﴿كل شيئ هالك الا وجهه﴾[18] وارد شده، و بر اين معني تصريح دارد.[19] و نيز در احاديث شريفه ديگري مكررًا وارد شده كه حضرات معصومين عليهم السلام فرموده اند: {نحن وجه الله عزّ وَ جلّ}[20] و {نحن الوجه الذي يؤتى الله منه}[21] و {نحن وجه الله نزول بين

---

(١٧) بحار الأنوار - ج٨٣ ص١٦٠ و١٦٣ ح١ و٣ و٤/ جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٢٥٩ ح٧٧٠٦/ الخصال للصدوق - ص٦٠٤.

(١٨) قرآن كريم - سوره الرحمان آيه٢٩ و سوره القصص آيه٨٨.

(١٩) بحار الانوار، ج٢٤ ص١٩٢ح٦ و٧ و ص١٩٣ح١١ و١٢ و١٣ ص١٩٦ ح٢١ و٢٢ و ص١٩٧ ح٢٣ و ص٢٠٠ح٢٩ و٣٠ و٣١ وص٢٠١ ح٣٢ و٣٣ و٣٤ و٣٥.

(٢٠) بحار الأنوار - ج٢٤ ص١٩٢ ح٦ وص١٩٣ ح١٢/ كنز الفوائد - ص٢١٩ / مناقب آل أبي طالب لأبن شهرآشوب - ج٣ ص٦٣.

(٢١) بحار الأنوار، ج٢٤ص١٩٢ح٧ و ص١٩٣ ح١١ و ص١٩٦ ح٢١ ص١٩٧ ح٢٣ و ح٢٤ و ص٢٠٠ ح٢٩ و ح٣١/ مناقب آل أبي طالب لأبن شهرآشوب،ج٣ ص٣٤٣ /

أظهركم}[٢٢] و {نحن وجه الله نتقلب في الأرض بين أظهركم}[٢٣] و {نحن وجه الله في الأرض نتقلب بين أظهركم}[٢٤] و {نحن وجه الله الذي لا يهلك}[٢٥] و {نحن والله وجهه الذي قال، و لن نهلك الى يوم القيامة بما أمرالله به من طاعتنا وَ موالاتنا، فذلك وَ الله الوجه الذي هو قال: ﴿كل شيئ هالك إلا وجهه﴾[٢٦] و باز در حديث حضرت امام رضا عليه السلام آمده است: {ولكن وجه الله، أنبيائه و رسله، و حججه صلوات الله عليهم، هم الذين بهم يتوجه الى الله عزّ و جلّ}.[٢٧] و همچنين در دعاي شريف ندبه (از توقيعات ناحيه مقدسه) آمده است كه: خطاب به حضرت صاحب الأمر (عجّل الله تعالى فرجه الشريف) بگوييم: {أين وجه الله الذي اليه يتوجه الاولياء}.[٢٨] {شماره ثبت: (١٣٠٣) منبع: رساله صلاة جامعة}

تفسير القمي، ج٢ ص٤٩٤ / اكمال الدين، ص١٣٤/ التوحيد للصدوق، ص١٤٠/ بصائر الدرجات، ص٢٠/ معاني الأخبار، ص٩.

(٢٢) بحار الأنوار – ج٢٤ ص١١٥ ح٢/ تفسير فرات الكوفي – ص٨١.

(٢٣) بحار الأنوار – ج٢٤ ص١١٦ ح٣/ التوحيد صدوق – ص١٤٠/ بصائر الدرجات – ص٢٠/ تفسير العيّاشي – ج٢ ص٢٤٩.

(٢٤) بحار الأنوار – ج٢٤ ص١١٦ ح٣ و٤ و٥/ التوحيد للصدوق – ص١٤٠/ بصائر الدرجات – ص٢٠/ تفسير العيّاشي – ج٢ ص٢٤٩.

(٢٥) بحار الأنوار – ج٢٤ ص٢٠١ ح٣٣/ التوحيد للصدوق – ص١٤٠.

(٢٦) بحار الأنوار، ج٢٤ ص١٩٣ح١١ و ص٢٠٠ ح٣٠/ كنز الفوائد، ص٢٧٢/ بصائرالدرجات، ص٢٠.

(٢٧) بحار الأنوار، ج٤ ص٣ ح٤ وص٣١ ح٦ و ج٢٤ ص٢٠١ ح٣٥/ كتاب عيون أخبار الرضا عليه السلام / التوحيد للصدوق – ص١١٧ ح٢١/ أمالي الصدوق.

(٢٨) بحار الأنوار – ج٩٩ ص١٠٧/ مفاتيح الجنان–ص٥٣٤.

سؤال: اگر ممكن است معناى "توجه در نماز" و روش آنرا بيان نماييد.

جواب: توجه؛ يعني: بنده، روي خود را مواجه با "روي و وجه حق" كند. و اين ممكن نشود الا به انصراف (در ظاهر) و انقطاع (در باطن) از جهات ديگر.

توجه ظاهر به سمت حق: براي توجه به سوي حق؛ كه در بُعد ظاهري و مادي اتفاق مي افتد؛ بايد از جميع جهات ظاهري و جغرافيايي منصرف و منقطع شده، و متفرد در جهت قبله ظاهره بشويم. چه اينكه حضرت حق (تعالى شأنه) در كلام وحي فرموده است: {فلنولينك قبلة ترضاها فولّ وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره}.[29] و قبله ظاهره همان كعبه مشرفه است، كه بيت الله الحرام و مولد حضرت مولا علي (منه السّلام)، و نقطه ظهور جهاني حضرت وجه الله مولا صاحب الزمان محمد بن الحسن المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مي باشد.[30]

توجه معنى به وجه حق: با ملاحظه معناي توجه، مي بينيم كه تحقق تام آن؛ تنها با مواجهه وجه الله ممكن است. لذا بايد مسير توجهمان به حضرت حق (تعالى شأنه)، حضرت مقدسه ولايت كبرى (منه السّلام) باشد، يعني (بطور كلّي) از طريق حضرات مقدسه معصومين عليهم السلام ؛ و (بطور خاص) در اين عصر از طريق حضرت صاحب الأمر (منه السّلام) به حضرت حق (تعالى شأنه) توجه پيدا كنيم، آنچنان كه در توقيع شريف وارده از ناحيه مقدسه آمده است: إذا أردتم التوجه بنا الى الله تعالى وَ الينا[31] يعني: (هر گاه خواستيد توجه پيدا كنيد بوسيله ما به سوي خداوند تعالي و به سوي ما...)، و با توجه به حضرت ايشان؛ بايد توجه به حق (تعالى شأنه)

---

(٢٩) قرآن كريم سوره بقرة آية ١٤٥.

(٣٠) بحار الأنوار - ج٣٥ ص٨ ح١١ وساير مصادر حديث و فقه.

(٣١) بحار الأنوار،ج٥٣ ص١٧١ح، ج٩١ ص٣٦ ح، ج٩٣ ص١٢١، ج٩٩ ص٨١.

نماييم، چه اينكه حضرتش وجه الله بوده، و وجهه ما در توجه به خداوند (عزّ وَجلّ) مي باشد، و ما فقط بواسطه حضرتش مي توانيم به حق (تعالى شأنه) توجه كنيم. و اين معني در كلام خازنان وحي عليهم السلام بسيار تصريح گرديده است، از جمله: {اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ المُؤْمِنِين صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا}[٣٢] و {اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ}[٣٣] يعني: خدايا من بوسيله محمد و عليّ و آل آنها، به تو توجه پيدا مي كنم. و اين توجه؛ با انقطاع از ما سواى حق و تفرد در وجه حق تحقق مي پذيرد.[شمارة ثبت: (١٣٠١) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: آيا براى توجه در نماز؛ دعاهايي از حضرات معصومين عليهم السلام وارد شده است؟

جواب: دعاهايي كه از خازنان وحي عليهم السلام در مقام توجه به قبله ظاهره و باطنه وارد شده است؛ دو دسته اند:

دسته اول: آنهائيكه مستحب بوده و جنبه آماده كننده شخص براى موضوع توجه دارد؛ و موضع استفاده از آنها؛ پيش از ورود در نماز و بعد از اقامه و قبل از اولين تكبيره الإحرام مي باشد، چند نمونه از اينها چنين است:

اَللّٰهُمَّ لا تُؤْيِسْنِي مِن رَوْحِك * وَ لا تَقْنُطْنِي مِن رَحْمَتِك * وَ لا تُؤْمِنِّي مَكْرَك * فَإِنَّهُ لا يَأْمَنُ مَكْرَ اللهِ الاَّ القَوْمُ الخَاسِرُون *[٣٤]

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ * بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ صلوات الله عَلَيْهِمَا * وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْجَهِ مَنْ تَوَجَّهَ اِلَيْكَ بِهِمَا

---

(٣٢) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٧ ح٧.
(٣٣) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٥ ح٤.
(٣٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٤ ح١.

* وَ أَقْرَبِ مَن تَقَرَّبَ اِلَيْكَ بِهِمَا * وَ قَرِّبْنِي بِهِمَا مِنْكَ زُلْفَى * وَ لا تُباعِدْنِي عَنْكَ * آمِين يَا رَبَّ العَالَمِينَ *[٣٥]

اَللَّهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَ رِضَاكَ طَلَبْتُ * وَ ثَوابَكَ ابْتَغَيْتُ * وَ بِكَ آمَنْتُ * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ * وَ ثَبِّتْنِي عَلى دِينِكَ * وَ لا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي * وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنتَ الوَهَّاب *[٣٦]

اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ صَلاتِي * وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَيْكَ * وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ مِنَ المُقَرَّبِينَ * مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ * فَاخْتِمْ لي بِطَاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلايَتِهِمْ * فَإِنَّهَا السَّعَادَة وَ اخْتِمْ لي بِهَا * فَإِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْئٍ قَدِير *[٣٧]

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً * وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا * وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا * وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا * وَ انْظُرْ اِلَيَّ

---

(٣٥) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٧ ح٧

(٣٦) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٦ ح٦

(٣٧) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص١٩٥ ح٤

بِوَجْهِكَ الكَرِيم نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ وَ الإِيمَانَ * ثُـمَّ لا تَصْرِفْهَا إِلَّا بِمَغْفِرَتِكَ وَ تَوْبَتِك *[38]

دسته دوم: آنچه انجام آن در نماز لازم بوده؛ و در هر حال بايد سعي شود كه تـرك نشود، و براى تحقق توّجه بوده، و به "افتتاحيه نماز" و "كلمه توجه" معروف اسـت، و موضع آن بعد از هفتمين تكبيرة الإحرام و قبل از شروع سوره حمد مي باشد:

* وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ * عَالِمِ الْغَيْـبِ وَ الشَّهَادَةِ * عَلَى مِلَّـةِ إِبْـرَاهِيمَ وَ دِيـنِ مُحَمَّـدٍ * وَ وِلايَـةِ عَـلِيٍّ وَ مِنْهَاجِ أَمِيرِالمُؤْمِنِينَ وَ هُدَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَ الْإِيتِمَـامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ * حَنِيفًا مُـسْلِمًا * وَ مَـا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ * اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسَلِّمِينَ *

و با استعاذه شروع به تلاوت سوره حمد مى كند: أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ العَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... و همينطور سوره حمد را ادامه داده و با رعايت و حفظ توجـه بـه بقيه نماز مي پردازد.[39] [شمارة ثبت: (۱۳۰۲) منبع: رساله صلاة جامعة]

---

(۳۸) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٦ ح٥

(۳۹) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٠٥ ح٢٣.

نيّت نماز

سؤال: براى نيت نماز لطفا راهنمايى فرماييد كه چطور بايد باشد؟

جواب: نيت يعني قصد، و كافي است شخص با قصد انجام نماز؛ افعال نماز را صحيح و لوجه الله بجا بياورد، و به زبان آوردن نيت؛ لازم نيست. [شمارة ثبت: (١٤٣٦) منبع: المسائل الإنترنتية]

❖ از آنجا كه حضرات مقدسه، وجه الله و حجاب اعلاى حضرت حق (تعالى شأنه) مي باشند، لذا كسى كه حضرت حق (عزّ وجلّ) را قصد كند، خواه ناخواه توجه به ايشان پيدا كرده است، همچنانكه در زيارت جامعه كبيره خطاب به ايشان مي گوئيم: {ومن قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ}.[٤٠] ولي شخص عارف به حق و حقيقت در اثر اين معرفت، با اراده خودش قصد مي كند. و چون نيت به معني "قصد" مي باشد، لذا وقتي كه مي خواهيم نيت كنيم، همانطوري كه در حديث شريف حضرت امام رضا عليه السلام آمده بود، نيت مي نماييم، كه فرمود: {وانو عند الصلاة ذكر الله و ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله و اجعل واحدا من الأئمة نصب عينيك}[٤١] يعني: هنگام نماز، ياد خدا و ياد رسول الله صلى الله عليه وآله را نيت كن، و يكي از حضرات ائمة عليهم السلام را، وجهه و نصب العين خود قرار ده. و قبلا در دعاي توجه گذشت[٤٢] كه: ايشان را در هنگام نمازم مقدم قرار مي دهم، و اين نيت و توجه و نصب العين قرار دادن؛ نوعي توسل به حضرات براى توفيق به نماز حقيقي است. [شمارة ثبت: (١٣٣٤) منبع: رساله صلاة جامعة]

---

(٤٠) بحار الأنوار – ج٩٩ ص١٣١ و١٥٤

(٤١) فقه الرضا (عليه السلام) – ص١٠٥

(٤٢) در رساله (صلاة جامعة) مبحث أدعيه مقام توجه.

سؤال: با توجه به اينكه انسان در نماز يكى از ائمه عليهم السلام را به عنوان نصب العين خود قرار دهد؛ و از طرفى فرموديد ما در اين زمان يك امام بيشتر نداريم و آن هم وجود حضرت بقيه الله عجل الله فرجه الشريف است؛ و همينطور مشخص شد كه "كلّهم نور واحد" آيا حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالى فرجه الشريف را نصب العين قرار دهيم؟ يا اينكه از ائمه ديگر نيز فيض ببريم؟

جواب: توجه و توسل به ساير معصومين عليهم السلام هم مانعى ندارد، اما امروز مدار جميع امور حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه مى باشند، و ديگر حضرات از ايشان جدايي ندارند، فلذا از امام حاضر استمداد بايد نمود. [شمارة ثبت: (٨٠٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا اعمال را به نيت تقرب به اهلبيت عليهم السلام انجام دهم يا به قصد هديه انجام شود؟

جواب: اعمال قربة الى الله تعالى انجام مي شود، و تقرب به اهل بيت عليهم السلام نوعى تقرب به خداست، و اين دو تقرب از هم جدايي ندارند، و اهل بيت عليهم السلام به جهات مختلفه در اين موضوع مطرح هستند:

اوّل: به عنوان "راهنماي ما" كه چراغ هدايت مسير ما براى شناختن وظايف و اعمال و برنامه ها هستند.

دوم: به عنوان "صاحب حق بر ما" مطرح هستند؛ و از جمله اداي حقوق؛ اهداء ثواب اعمال يا نيابت بجاي آنهاست.

سوم: به عنوان "واسطه توسل به خداوند و شفيع ما براى پذيرش اعمال ما" هستند، ولذا دعاهايي هم در ابتداي نماز براى اين جهت وارد است، ولى هر

كسي بر حسب معرفتش به اهل بيت توجه دارد، و در اين سه جهت عموم موالیان و پيروان اهل بيت عليهم السلام مشتركند.

اما اهل معرفت و خواص از ايشان؛ بالاتر از اين جهات نيز در طاعاتشان بهره مي برند، و آن به بركت معرفت "حق معرفت" است، كه با شناختن مرتبه وجه اللهي حضرات معصومين عليهم السلام و خصوصا امام هر عصر براى اهل آن زمان؛ مي باشد، كه حضرتش وِجهِه و مقصد اوست در همه امور، نه اينكه حضرات را نيت كند، چه اينكه نيت قربة الى الله است، ولى به سبب معرفت مي داند كه خودبخود آنها مسير توجه به حق و قبله دل هستند، همچنان كه در وقت نماز؛ براى اينكه رو به سوي خداوند بايستيم؛ ما به طرف قبله (كعبه) نماز مي خوانيم؛ كه ظاهرا نقطه اى جغرافيايي در ناحيه حجاز و شهر مكه است، با اينكه خداوند فراسوي مكان و جهت است، اما قبله كعبه؛ نشانه صحت توجه و سمت يابي انسانِ محدود در جهات مادي است، حضرت صاحب الامر (منه السلام) هم كعبه باطن هستند، و خودبخود؛ مقصد جميع توجه هايي كه به خداوند مي شود در عالم؛ هستند، ولو كسي حتى حضرتش را نشناسد و يا منكر باشد، اما شخص عارف به اين حقيقت؛ از اين معرفت بهره مند مي شود، و غير او محروم، مثل آن كه كعبه ظاهري را مي شناسد؛ بهره اى مي برد از سمت كعبه شدن؛ كه ديگري كه احيانا به آن سمت ايستاده؛ ولى محروم است؛ آن بهره را نمي برد، چون اين معرفت را ندارد، در كتاب "توجه به حق تعالى از راه ناحيه مقدسه" و آل ياسين كامله، و كتاب توجه از كتاب مناسك ديدار حق؛ و نيز ساير اجوبه مندرجه در كتاب پاسخ برگزيده، شمه اى در اين باب توضيح شده است.

والحمد لله رب العالمين. [شمارة ثبت: (١٤٥٢) منبع: المسائل الإنترنتية]

افتتاح نماز

سؤال: آيا شروع نماز با تكبيرة الاحرام است؟ تكبيرات متعددي كه اوّل نماز مي گويند؛ آيا قبل از ورود به نماز است؟ يا داخل نماز؟ افتتاحيه نماز (كه در فرمايشات معصومين عليهم السلام بر روي آن بسيار تأكيد شده) كدام است؟ آيا اينها قبل از ورود به نماز است؟ يا ابتداى نماز و داخل آن مي باشد؟ لطفا روش كامل و ترتيب دقيق تكبيرات و مضامين افتتاحيه نماز را برايمان بيان فرماييد.

جواب: براي ورود به نماز بايد تكبير بگوييم، و عدد كامل آن هفت مي باشد.[43] بايد دانست كه: با گفتن همان اولين "الله اكبر" از اين هفت عدد تكبير، وارد نماز مي شويم،[44] نه اينكه اينها خارج از نماز باشد، ولذا افرادي كه به جماعت نماز مي خوانند؛ از همان تكبير اول مي توانند اقتدا كنند، از اين رو بنابر فرمايش معصوم عليه السلام: خوب است كه امام جماعت؛ تنها همان تكبير اول را بلند گفته، و بقيه را آهسته بگويد، تا مأمومين در اشتباه نيفتند.[45]

❖ اما ترتيب تكبيرات و نحوه افتتاحيات:

❖ اول سه تكبير پشت سر هم گفته، سپس دعاي افتتاحييه اول را مي خوانيم:

---

(٤٣) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٢٦٤ تا ص٢٦٨ ح١ تا ح٧.

(٤٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٢٦٤ ح١ تا ح١١/ وسائل الشيعة - ج٦ ص٢١ ح٤ وص٢٤ ح١ وص٢٢ ح٦.

(٤٥) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٠١ ح٧٨١٤ تا ح٧٨١٩.

* اَللَّهُمَّ أَنتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِين * لا إِلَهَ إِلاَّ أَنـتَ * سُـبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ * إِنّي عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي * فَاغْفِرْ لي ذَنْـبِي * إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنوبَ إِلَّا أَنتَ *[٤٦]

ﷺ پس از آن دو تكبير گفته و دعاي افتتاحيه دوم را مي خوانيم:

* لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ * وَ الْخَيْرُ في يَدَيْكَ * وَ الشَرُّ لَيسَ إِلَيْـكَ * وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيتَ * عَبْدُكَ وَ ابْـنُ عَبْـدَيك * ذَليـلٌ فقـيرٌ مِسْكِينٌ وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيْك * مِنْـكَ وَ بِـكَ وَ لَـكَ وَ إِلَيـك * لا مَلجَأَ وَ لا مَنْجا وَ لا مَفَرَّ مِنْكَ إِلاَّ إِلَيك * سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيك * تَبَارَكْـتَ وَ تَعَالَيْـت * سُـبْحَانَكَ رَبَّ البَيْـتِ الحَـرَام * وَ الرُّكْنِ وَ المَقَامِ وَ الحِلِّ وَ الحَرَام *[٤٧]

ﷺ سپس دو تكبير ديگر گفته؛ بعد از آن دعاي افتتاحييه سوّم خوانده مي شود:

* وَجَّهْتُ وَجْهي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الأَرْض * عَالِمِ الْغَيْـبِ وَ الشَّهَادَةِ * عَلَى مِلَّـةِ إِبْـرَاهِيمَ وَ دِيـنِ مُحَمَّـدٍ * وَ وِلايَـةِ عَـلِيٍّ وَ مِنْهَاجِ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ وَ هُدَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِب * وَ الإِيتْمَامِ

---

(٤٦) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٠٥ ح٢٣.

(٤٧) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٠٥ ح٢٣.

بِالأَئِمَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ * حَنِيفًا مُسْلِمًا * وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِين * إِنَّ صَلاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَـايَ وَ مَمَـاتِي للهِ رَبِّ العَالَمِين * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنا مِنَ المُسْلِمِين * لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاك * اَللَّهُمَّ اجْعَلـنِي مِـنَ الْمُـسَلِّمِين * أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ العَلـيمِ مِـنَ الـشَّيْطَانِ الـرَّجِيم * بـسم الله الرّحمان الرحيم * الحمد لله ربِّ العالمين...[٤٨]

و همينطور سوره حمد را ادامه داده و به بقيه نماز مي پردازيم.

در صورت كمبود فرصت؛ يا عذر ديگر در خواندن افتتاحيـات سـه گانـه، از خواندن كلمه توجّه (كه همان افتتاحيـه سـوّم باشـد) بعـد از تكـبيرة الإحـرام و قبل از قرائت، غفلت نشود.[٤٩] [شمارة ثبت: (١٢١٣) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اگر اشتباهاً و ندانسته؛ در تكبيرات هفت گانه نماز؛ به جـاي "لاملجـأ ولا مَنْجا" گفته شود "لا مَلْجا ولا مَلْجا"، آيا اين نمازها صحيح است؟ يـا اينكـه بايد دوباره خوانده شود؟

جواب: نحوه خواندن آن كلمات صحيح نبوده؛ امـا اعاده نمـاز لازم نـدارد. [شـمارة ثبت: (١٠٠٨) منبع: المسائل الإصفهانية]

---

(٤٨) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٠٥ ح٢٣.

(٤٩) احتجاج طبرسى ج٢ ص٥٧٥.

قرائت (تلاوت در) نماز

سؤال: اگر ممكن است شمه اي از تعاليم مذهب حق را؛ در باره قرائت نماز؛ و چگونگي بهره مندي بيشتر از حقايق آن بيان نمائيد، بسيار متشكرم.

جواب: براى بهره مند شدن از قرائت نماز و بويژه سوره مباركه فاتحه الكتاب (حمد)، كه ركن قرائت نماز بوده؛ و در همه ركعات نمازها محور توشه چيني از نماز مي باشد؛ برخي نكات كه از كلام وحي و خازنان وحي عليهم السلام برآمده است را نقل مى كنيم، خداوند توفيق بهره مندي مان از حقايق نماز را همواره افزون فرمايد (بمنّه و كرمه):

١- در كلام خازنان وحي عليهم السلام آمده است كه: حضرت امام سجاد عليه السلام، در هنگام قرائت نماز بقدري جمله "مالك يوم الدين" را تكرار مي كردند، و حالشان طوري تغيير مي كرد، كه نزديك بود از دنيا بروند.[٥٠]

٢- توجهمان در گفتن "اياك نعبد" بايد متمركز و جمع اين معني باشد كه: خدايا فقط تو را عبادت مي كنيم، و تنها به تو توجه داريم، و فقط تو براي ما داراي اهميت هستي، كه در واقع بدين وسيله نفي هر گونه شرك (اعم از خفي و جلي) بنمايد.

٣- حقيقتا بگويد "اياك نستعين" (خدايا اميد كمك تنها از تو داريم، و فقط از تو در كارها كمك مي گيريم). و اين آيه شريفه رمز توحيد نظري و توحيد عملي است.

---

(٥٠) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٥ ح١.

٤- بنده مؤمن، وقتي از بركات ظاهر و باطن نماز بهره مند مي شود كه: در آنچه مي گويد، راستگو باشد، و اين ممكن نباشد؛ الاّ به تصديق عملي آن در بيرون نماز، با نفي شرك جليّ و خفيّ، و عدم اتكاى به غير حق متعال.

٥- همچنين در كلام خازنان وحي عليهم السلام آمده است كه: حضرت امام صادق عليه السلام در نماز، فقره "اياك نعبد و اياك نستعين" را آن قدر تكرار مي نمودند؛ تا از حضرت حق (تعالى شأنه) آنرا مي شنيدند.[٥١]

٦- در هنگام دعاى "اهدنا الصراط المستقيم" آن كسي كه صراط مستقيم و نبأ عظيم است (يعني حضرت مولى علي عليه السلام) را در نظر داشته باشيم.[٥٢]

٧- در "صراط الذين أنعمت عليهم" متوجه حضرات مقدسه معصومين عليهم السلام (كه معني آن هستند)[٥٣] باشيم.

٨- همچنين در كلام خازنان وحي عليهم السلام آمده است كه: حضرات معصومين عليهم السلام، هر مقداري از آيات قرآني را تلاوت مي نمودند (خصوصا آيات وعيد و بيم دهنده را) آنرا با حال توجه و با ناله مي خواندند؛ و آنرا تكرار مي كردند.[٥٤] ولذا تكرار كردن آيات در قرائت نماز؛ چه حمد و چه سوره، نه تنها جايز بوده، بلكه فضيلت هم دارد.

٩- پس از فراغت از تلاوت سوره حمد، به اندازه يك تنفس و تجديد نفس؛ صبر كرده، آنگاه سوره را شروع نمايد.[٥٥] [شمارة ثبت: (١٣٠٥) منبع: رساله صلاة جامعة]

---

(٥١) بحار الأنوار - ج٤٧ص٥٨ح١٣ / جامع أحاديث الشيعة -ج٥ ص٢٤٥ ح٦١.

(٥٢) تفسير كنز الدقائق ج١ ص٦٨ تا ص٧١

(٥٣) تفسير كنز الدقائق ج١ ص٧٥.

(٥٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٦ ح٦.

(٥٥) وسائل الشيعة - ج٦ ص١١٤ ح٢.

سؤال: در قرائت نمازها بعد از تلاوت سوره حمد؛ چه سوره هايي خواندنش فضيلت دارد؟ آيا تفاوتي بين نمازهای پنجگانه يا اوقات مختلف وجود دارد؟

جواب:

۱- خواندن سوره توحيد در ركعت اول و سوره قدر در ركعت دوم، و يا بالعكس، از خواندن ساير سوره ها افضل است.[٥٦] بلكه بنا بر توقيع شريف حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف): هر كه ترك كند خواندن سوره هاي ديگر را، براي درك فضيلت سوره توحيد و سوره قدر، خداوند كريم فضيلت آن سوره ها را به اضافه فضيلت سوره توحيد و سوره قدر، به او عطا مي فرمايد.[٥٧]

۲- در همه نمازها: تلاوت سوره هايي مانند: كوثر،[٥٨] انفطار، انشقاق، توحيد، كافرون، نصر، قدر، فيل، حديد، مجادله، أعلى، أرايت الذي يكذب بالدين، همزه، تكاثر، تين، بلد، فجر، غاشيه، طارق، بروج، مطففين، مدثر، نوح، حاقه، ملك، تغابن، نون، صف، ممتحنه، قاف، دخان، طلاق و تحريم، فضيلت دارد.[٥٩]

---

(٥٦) بنا بر حديث معراج، جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٢٠٢ ح٧٥٨٣ وص٢١٧ ح٧٥٨٩/ الكافي للكليني - ج٣ص٤٨٢/ علل الشرايع ص٣١٢ و٣٣٤ / جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٩ ح٨٠٢٢ و٨٠٢٣ وص٣٧١ ح ٨٠٢٩/ عيون أخبار الرضا عليه السلام للصدوق، ج٢ ص١٨٢ و٢٠٥/ الكافي للكليني، ج٣ ص٣١٥/ التهذيب للطوسي، ج٢ ص٢٩٠.

(٥٧) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٣٧٤ ح٨٠٤١/ الإحتجاج للطبرسي ج٢ ص٣٠١/ وسائل الشيعة، ج٦ ص٨٠ ح/ الغيبة للطوسي ص.

(٥٨) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٧٦ ح٨٠٤٦/ ثواب الأعمال ص١٥٥.

(٥٩) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص ٣٧٠ تا ٣٨٥ ح٨٠٢٤ تا ح٨٠٨٤.

٣- در نماز صبح: خواندن سوره هاي: نبأ، غاشيه، قيامت، انسان، توحيد، كافرون، عاديات، مرسلات، تكوير، ترجيح دارد.[٦٠]

٤- در نماز ظهر: خواندن سوره هايي مانند: أعلى، شمس، غاشيه، مرسلات، تكوير، انفطار و زلزال، توصيه شده است.[٦١]

٥- در نماز عصر: خواندن سوره هايي مانند: نصر، تكاثر، عاديات و قارعه، بهتر است.[٦٢]

٦- در نماز مغرب: خواندن سوره هايي مانند: نصر، تكاثر، توحيد، زلزال، تين، و طور، رجحان دارد.[٦٣]

٧- در نماز عشاء: خواندن سوره هايي مانند: أعلى، شمس، غاشيه،[٦٤] مرسلات، تكوير،[٦٥] مزمل،[٦٦] مستحب است.

٨- امّا در نماز عشاء شب جمعه: خواندن سوره هاي جمعه و منافقون، يا جمعه و أعلى، تفضيل داده شده است.

٩- در نماز صبح روز جمعه: خواندن سوره هاي جمعه و توحيد فضيلت دارد.

---

(٦٠) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص ٣٦٧ تا ٣٨٠ ح٨٠١٩ تا ح٨٠٦٦.

(٦١) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٧ تا ٣٨٠ ح٨٠١٩ تا ح٨٠٦٦.

(٦٢) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٣٦٨ح٨٠١٩ و٨٠٢٠ و٨٠٦٥ و٨٠٦٦.

(٦٣) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٨ ح٨٠١٩ و٨٠٢٠ و٨٠٦٦ و٨٠٨٢.

(٦٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٧ ح٨٠١٩ وح٨٠٢٠.

(٦٥) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٨٠ ح٨٠٦٥.

(٦٦) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٨٤ ح٨٠٧٩.

١٠- در نماز ظهر روز جمعه: حتما سوره هاي جمعه و منافقين خوانده شود، كه بسيار تأكيد شده است.[٦٧] [شمارة ثبت: (١٣١٢) منبع: رساله صلاة جامعة]

در نمازهاي واجب در هر ركعت بيش از يك سوره كامله خوانده نمي شود، مگر سوره هاي ضحى و انشراح، و همچنين سوره هاي قريش و فيل، كه با هم خوانده مي شود.[٦٨]

نكته ديگر در باب قرائت اينكه: هر چند بهتر است كه از حفظ باشد،[٦٩] ولي مي توان از روي قرآن هم خواند، كه آنرا بر شيئ مرتفعي گذاشته، يا روي دست گرفته و از روي آن تلاوت شود.[٧٠]

در قرائت نمازهاي مستحبي پس از حمد، لازم نيست كه حتما سوره كامل يا آيات متوالي يا از يك سوره باشد، بلكه به هر مقدار ميسر گردد (ولو متفرقا و يا حتي يك آيه) مي توان از آيات قراني را تلاوت كرد.

أما قرائت در نمازهاي واجب يوميه اينطور نيست، كه بر حسب تحقيق و تفقه در كلام خازنان وحي عليهم السلام: يك سوره كامله در تمام نماز، واجب است، نه در هر ركعت،[٧١] ولي از اشتهار اين مضمون كه: (لا صلاة الاّ بسورة كاملة) يعني:

---

(٦٧) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٦٩ح٨٠٢٢/ مجمع البيان، ج١٠ ص٢٨٣/ تفسير البرهان - ج٤ ص٣٣١/ من لايحضره الفقيه، ج١ ص٤١٥/ بحار الأنوار - ج٨٩ ص٣٥٣/ العروس ص٤٩/ فقه الرضا (عليه السلام)،ص١١/ الذكرى، ص١٨٥.

(٦٨) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٤٠٦ ح٨١٤٠ تا ح٨١٥١.

(٦٩) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص ٤١٩ ح٨١٩٠.

(٧٠) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٤١٩ ح٨١٨٩.

(٧١) أحكام العبوديه - ج٨ مبحث صلاة، ابواب قرائت (مخطوط).

نماز بدون سوره كامل، نماز نيست، اشتباها اين توهم پيش آمده كه: در هر ركعت سوره كامل لازم است، ولي پر واضح است كه مراد: اشتراط سوره كامله در ركعت نيست، بلكه دلالت بر اشتراط سوره كامله درمجموع نماز دارد. و از حضرات معصومين عليهم السلام هم بسيار روايت شده كه اين عمل را انجام مي داده اند. و بهترين الگوي همه ما، سيره عملي ايشان مي باشد، كه بر اين معني دلالت دارد.[٧٢]

و از بعض احاديث استفاده مي شود: سوره اي كه در مجموع نماز واجب، كافي است، بايد از شش آيه كمتر نباشد، و در هر ركعت از سه آيه كمتر نباشد.[٧٣]

البته قرائت سوره كامله در هر ركعت مستحب است.[٧٤]

بنابر اين سوره هاي بزرگ را كه چند صفحه است، انسان مي تواند دو قسمت نمايد، بخشي از آن را بعد از حمد، در يك ركعت بخواند، و بقيه اش را در ركعت دوم بعد از حمد بخواند، كه در مجموع دو ركعت يك سوره كامل خوانده باشد. [شمارة ثبت: (١٣٣٥) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: آيا در نماز، بسم الله هر سوره به نيّت همان سوره بايد خوانده شود؟

جواب: بهتر است كه به نيت همان سوره گفته شود، ولي شرط نيست؛ چنانكه در غفلت هم اگر گفته باشد مجزي است. [شمارة ثبت: (١٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: رعايت قواعد تجويدى در حمد و سوره و ساير قسمتهاى نماز واجب است؟

جواب: قرائت صحيح بقدر ميسور واجب است. [شمارة ثبت: (١٥) منبع: المسائل القمّيّة]

---

(٧٢) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٥٧ تا ص٣٥٩ ح٥ تا ح١٢.
(٧٣) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٥٨ ح٧٩٨٥ وح٧٩٨٦.
(٧٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٣٥٧ ح٧٩٨١ و٧٩٨٤.

سؤال: حكم وصل به سكون يا وقف به حركت چيست؟ آيا موجب بطلان نماز می شود؟

جواب: نماز صحيح است. [شمارة ثبت: (٢٧٢) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر در نماز؛ يك يا چند كلمه (از روي ندانستن نوع خواندن كلمه) اشتباه بيان می شده؛ و سپس شخص متوجه شده كه بايد به صورت ديگر بيان كند؛ آيا بايد نمازهاي گذشته خود را اعاده كند يا نه؟

جواب: لازم نيست. [شمارة ثبت: (٤١) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در ركعت اوّل و دوّم نماز ظهر روز جمعه، خواندن سوره خاصي واجب می باشد؟

جواب: از جانب مولا (منه السلام)؛ خواندن سوره جمعه پس از حمد در ركعت اوّل، و در ركعت دوّم سوره منافقون؛ تأكيد بسيار شده است، و بايد مؤمن در مقام التزام باشد، نه تارك يا بی اعتنای به آن. [شمارة ثبت: (١٧٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: چنانچه در حين قرائت يا اذكار نماز، خميازه يا عطسه يا سرفه عارض شود، كلماتی كه در اين حالت اداء شده آيا بايد اعاده شوند يا خير؟

جواب: اگر ناقص و يا غلط ادا نشده باشد مجزی است. [شمارة ثبت: (٨٩٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا قرائت مَلِك يوم الدين نيز صحيح و مجزی است؟

جواب: صحيح است، ولی قرائت رايج (مَالِك يوم الدين) ترجيح دارد. [شمارة ثبت: (١٠٧٥) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: گفتن "كذلك الله ربّي" بعد از قرائت سوره توحيد در نماز واجب است يا مستحب؟ چند مرتبه؟ اگر فراموش شود بعد از قنوت می تواند انجام دهد؟

جواب: در صورت استذکار و عدم وجود مانع از قبیل ضیق وقت و غیر آن، گفتن مضمون فوق الذکر بعد از سوره توحید در نماز و غیر نماز لازم است، و در صورت فراموشی و ورود در جزء بعدی (در نماز) تدارك آن محلی ندارد، و اقل آن یك مرتبه و تکرار آن تا سه مرتبه مستحب است، و تعابیر مختلفه ای در این باره وارد شده است، از قبیل: {كذلك الله ربّي، كذلك الله ربّنا، أشهد أنَّ الله ربّنا كذلك، كذلك الله ربّنا و ربّ آبائنا الأوّلين}، که شخص مکلف در انتخاب آن مختار است؛ که یا یکی از آنها و یا نظیر آن را بگوید، هر چند الفاظ صادره از حضرت ولایت، خصوصیّت و رجحان آن مسلّم است. [شمارة ثبت: (٢٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: برای مواقعی که در قرائت نماز بیش از یکبار سوره توحید خوانده می شود؛ برای گفتن "كذلك الله ربی"؛ آیا یکبار باید این ذکر گفته شود؟ یا برای هر یك بار قرائت سوره توحید یکبار گفته شود؟

جواب: فقره مزبور در آخر سوره توحید گفته مي شود، و سه بار مستحب، و یکبار هم مجزي است، و در صورت تعداد خواندن سوره توحید، تکرار این فقره در آخر هر بار تلاوت توحید؛ پسندیده بوده، و گفتن این فقره در آخر تلاوت آنها نیز کافي است. [شمارة ثبت: (١٤٣٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی که در رکعات سوم و چهارم سوره مبارکه حمد خوانده می شود؛ آیا باید " بسم الله الرحمن الرحيم" را آهسته خواند یا بلند؟ و آیا در نحوه بلند و آهسته خواندن بین امام ومأموم تفاوتی هست یا خیر؟

جواب: از خصوصیت و علامت پیرو مذهب حق؛ اجهار و بلند خواندن "بسم الله الرحمن الرحيم" در نماز مطلقاً؛ مي باشد، از مستحبی و واجب؛ و در جمیع

رکعات، و بلند خواندن مأموم در جماعت به قدری باشد که آهسته محسوب نشده، و به نحوی که موجب شنواندن به دیگران نشود، و بلند خواندن امام جماعت آنچه را که بلند می خواند بنحوی است که؛ در شرایط عادی اقلاً اهل صف اوّل و افراد محدوده خود را بشنواند، ولی به حدّی که مؤدي به فریاد است نرسد. [شمارة ثبت: (٤٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نماز ظهر جمعه بلند خوانده شود یا آهسته؟

جواب: نماز ظهر روز جمعه را بلند بخوانند. [شمارة ثبت: (٥١٨) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: نماز ظهر و عصر روز جمعه را باید بلند خواند یا مانند روزهای عادی آهسته خواند.

جواب: فقط نماز ظهر روز جمعه بلند خوانده می شود. [شمارة ثبت: (١٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: با آنکه حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه را می توان آهسته و می توان بلند خواند آیا صحیح است که مقداری از آن را بلند و مقداری را آهسته خواند؟ مثلاً آن قسمتی که از قرائت اهل بیت عليهم‌السلام است را آهسته خواند.

جواب: مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (٣١) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا مي توانيم نماز شب با صداي بلند بخوانيم؟ حكم براي نافله چيست؟ آيا تكليف زن و مرد متفاوت است؟

جواب: سنّت شرع این است که: نوافل نمازهای ظهر و عصر را آهسته؛ و نوافل مغرب و عشاء و فجر و نماز شب را بلند بخوانند، ولی انجام بر خلاف آن نیز جایز است. و دستور بلند خواندن نماز برای زنان نبوده؛ و رجحاني براي او ندارد، مگر اينكه زني امام جماعت باشد، که آن هم در نمازهای جهریه و به

قدر شنيده شدن قرائتش توسط مـأمومين او. البتـه اگـر زني در تنهـايي؛ و بـراى حفظ حضور قلب و جمع حواس خود در نمـاز؛ آن نمازهـايي كـه بلنـد مي تـوان خواند را؛ بلند بخواند؛ اشكالى ندارد.شمارة ثبت: (١٢٨١) منبع: المسائل الهمدانية]

سؤال: در شرايط لزوم تقيه و ابتلاي به حضور اهل انكار:

الف: با توجّه به وجوب جهر حمد و سوره در نمازهاي جهري، آيا قرائت صـحيح يا أفضل را جهراً بجا آوريم؟ يا آهسته اداء نماييم؟

ب: شهادت كامله در اذان واقامه را كه عامه اقرار نمي كنند؛ چه كنيم؟

ج: جهر به بسم الله در ركعت سوم و چهارم، را چگونه عمل نماييم؟

جواب: (الف) در فرض مذكور قرائت أفضل را مي تـوان تـرك نمـود، ولى قرائـت صحيح را آهسته بجا آورنـد. (ب) آهـسته أدا نماينـد. (ج) بـه هـر حـال اجهـار نمايند. [شمارة ثبت: (١٠٠٠) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: كسي كه نمي دانسته "آمين" پس از قرائـت؛ در نمـاز جـايز نيـست، ولذا آنرا گفته، آيا نماز او چه حكمي دارد؟

جواب: نمـاز او اعاده نـدارد ولى اسـتغفار نمايـد. [شـمارة ثبـت: (٦٨٧) منبـع: المـسائل المشرقية]

سؤال: آيا خواندن سوره مباركه فيل در نمازها به عنوان يـك سـوره محـسوب مي شود؟

جواب: در نمازهاى واجب در يك ركعت دو سوره نمي شـود خوانـد مگـر سـوره فيل و قريش كه با هم خوانده مي شوند، و همچنين است سوره ضـحى و انـشراح، و حتى الامكان؛ از اكتفاى به يكـي از اين دو پرهيز شود. [شـمارة ثبـت: (٧٦٩) منبـع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: آيا در هر كدام از ركعت اول و ركعت دوم نماز براى قرائت يك سوره جداگانه واجب است؟

جواب: در قرائت نمازهاى مستحبي پس از حمد؛ لازم نيست كه حتما سوره كامل يا آيات متوالي يا حتى از يك سوره باشد، بلكه به هر مقدار تلاوت آيات قرآني ميسر گردد (ولو متفرقا و يا حتي يك آيه) مجزي است، اما در نمازهاى واجب يوميه؛ هر چند مستحب است كه در هر ركعت يك سوره كامله بخواند، ولى اگر يك سوره را در دو ركعت تقسيم كرد اشكالي ندارد؛ البته در اين صورت نبايد سوره كمتر از شش آيه داشته باشد، و تلاوت سوره در هر ركعت كمتر از سه آيه نباشد. [شمارة ثبت: (١٢٣٧) منبع: المسائل الهنديّة]

سؤال: اگر كسي تنها مي داند كه در قرائت يكي از دو ركعت نمازش بعد از حمد سوره را خوانده؛ و در واقع در يكي از ركعتهاى اول يا دوم خواندن سوره را فراموش كرده؛ در اين صورت نماز او چه حكمي دارد؟

جواب: چون عمدي نبوده اشكالي ندارد، ولى پس از نماز دو سجده سهو بجاى آورد. [شمارة ثبت: (١٢٣٨) منبع: المسائل الهنديّة]

سؤال: اگر كسي چون شنيده بوده كه: در قرائت نماز واجب يوميه مجموعا يك سوره كامله كافي است، لذا در يكي از دو ركعت نمازش بعد از حمد يك سوره كامله خوانده؛ و در ركعت ديگر نه سوره كامله خوانده نه بخش از سوره؛ و تنها به خواندن حمد اكتفا كرده است؛ در اين صورت نماز او چه حكمي دارد؟

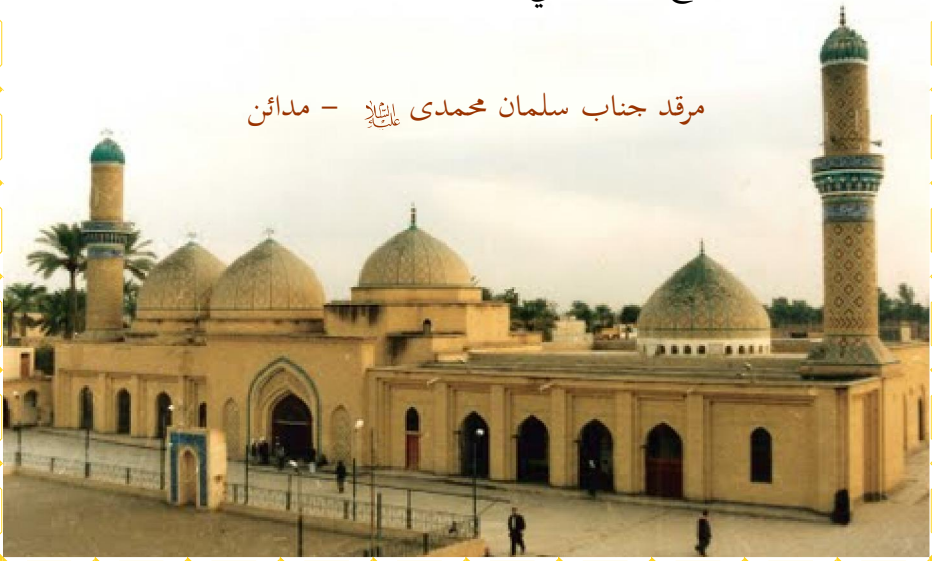
جواب: در واقع او در يك ركعتش ترك تلاوت سوره (ولو بخشي از آن را) كرده است، ولى چون عمدي نبوده نماز او اشكالي ندارد، ولى پس از نماز دو سجده سهو بجاى آورد. [شمارة ثبت: (١٢٣٩) منبع: المسائل الهنديّة]

پاسخ مسائل مربوط به سجده تلاوت؛ در مبحث قرائت نماز؛ در فصل سجده؛ آمده است.

اذكار نماز

سؤال: اگر نماز گزار در بين نماز نام مبارك حضرت ختمى مرتبت (صلى الله عليه وآله) را بشنود نسبت به فرستادن صلوات چه وظيفه اى دارد؟ براى حضرات مقدّسه ديگر چطور؟

جواب: اشكالى ندارد، هر چند حكم التزام بدان؛ عمدتا به غير نماز و مجالس معمولى منصرف است، ولى در خود نماز هم اذكارى كه مشتمل بر ذكر حضرتش (صلى الله عليه وآله) مى باشد؛ مترادف با صلوات پس از آن تشريع شده است، لذا در صورتى كه امام جماعت در نماز حضرتش را ذكر نمايد؛ مأموم صلوات بفرستد، و همچنين در وضعيت فرادى در صورت ذكر خود شخص حضرتش را، و امّا التزام بدين ادب از ناحيه مصلّين نسبت به خارج از صلاة؛ كه چه بسا مستلزم التفات به بيرون نماز است؛ پس تكليفى از اين جهت براى شخص مصلّى (نسبت به موجب صلوات خارج از نماز) نمى باشد. [شمارة ثبت: (٢٢١) منبع: المسائل القمّيّة]



مرقد جناب سلمان محمدی علیه السلام – مدائن

رکوع و سجود

تفاوت مردان و زنان در روش رکوع و سجود

سؤال: لطفا آنچه در دستورات ديني و شرع مقدس راجع به نحوه رکوع و نيز سجود وارد شده است را برايم بيان نماييد، و آيا حکم مردان و زنان در اين موضوع متفاوت است؟

جواب:

(۱)- بنابر آنچه در کلام مقدس خازنان وحي (عليهم السلام) آمده است، ميان مردان و زنان در انجام رکوع و سجود؛ از جهت روش و مقدار انحنای بدن و کيفيت قرار گرفتن اعضای انسان (نه از جهات ديگر) تفاوت است.

(۲)- مردان برای خم شدن در رکوع؛ بايد به حدي خم شوند که کف دستهايشان به زانوهايشان برسد، و زانوها را به سمت عقب فشار داده، بطوري که ران پا بر ساق آن عمود شده و کمر را مستوي نگه داشته و گردن را به موازات پشت، کشيده قرار مي دهند، واندازه خم شدنشان در رکوع باندازه عمود شدن نيم تنه بالا بر نيم تنه پايين مي باشد. و در سجده آرنجها را بر زمين نگذاشته و بازوها را از پهلوها جدا نگه داشته، و کلاً اعضاي بدن را به يکديگر نچسبانند.[۷۵]

(۳)- اما زنان کمتر در رکوع خم شده، و تنها به قدري که کف دستهايشان به

---

(۷۵) فقه الرضا عليه السلام ص۱۰۱، التهذيب ج۲ ص۸۳، الکافي ج۳ ص۳۳٤، جامع احاديث الشيعة ج٥ ص۲۱۲ ح۷٥۸٦ وص٤۲۹ ح۸۲۱۲ وص٤۳۰ ح۸۲۱٥

بالاي زانوهايشان برسد، دستها را از زانو بالاتر گزارده، و زانوها را به سمت عقب فشار ندهند، و همين مقدار كه كف دستشان به روي ران پايشان قرار گيرد، در ركوع خم مي شوند نه باندازه مردان. و در سجده به عكس مردها؛ آرنجها را بر زمين گذاشته، و بازوها را از پهلوها جدا نكرده، و كلاً اعضاي بدن را به يكديگر مي چسبانند.[٧٦] [شمارة ثبت: (١٣١٨) منبع: رسالة صلاة جامعة]



(٧٦) التهذيب ج٢ ص٩٤، الكافي ج٣ ص٣٣٥، علل الشرائع ص٣٥٥، جامع احاديث الشيعة ج٥ ص٢٢٥ ح٧٦٠٥ و٧٦٠٦

ذكر ركوع و سجود نماز

اصل ذكر در ركوع و سجود؛ تسبيح است،[٧٧] به هر عبارتي كه باشد.

و از كلام خازنان وحي عليهم السلام استفاده مي شود؛ تسبيحاتي را كه از ايشان وارد شده، مي توان در ذكر ركوع و سجود بجاي تسبيح گفت مثل: سبحان العليّ العظيم،[٧٨] سبحان ربّي العليّ العظيم،[٧٩] سبحان الله العليّ العظيم،[٨٠] سبحان ربّي العليّ الأعظم،[٨١] سبحان ربّي العليّ الكريم،[٨٢] سبحان ربّي العليّ الأعلى،[٨٣] سبحان العليّ الأعلى،[٨٤] سبحان الله العليّ الأعلى،[٨٥] سبحان ربّي العليّ الأعلى الوهّاب.[٨٦]

---

(٧٧) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٤٠ ح٨٢٤٩ وح٨٢٥٠.

(٧٨) بحار الأنوار – ج٩٤ ص٢٠٦ ح٤.

(٧٩) وسائل الشيعة – ج٦ ص٣٠٥ ح٤ وص٣٠٧ ح١ وح٢.

(٨٠) بحار الأنوار – ج٨٦ص٢٢٧ح١٠وج٩٠ص١٣٦ح٧ وج٩٧ص١٥٤ ح٢.

(٨١) وسائل الشيعة – ج٦ ص٣٠٥ ح٤ وص٣٠٧ ح١ وح٢.

(٨٢) بحار الأنوار – ج٥٨ ص٤١ ح١٦.

(٨٣) بحار الأنوار – ج٩٧ص٢٦٨ ح٥.

(٨٤) بحار الأنوار، ج ١٥ص٢٨ح١٠و ج٥٧ ص١٩٩ح٩ و ج٨٦ ص٨٤ ح٧ وص٢٧١ ح١٧و ج٨٧ ص٦ ح١٠و ج٩٥ ص١٨٠ح٢ و ص٤١٠ ح١٠ و ص٤١٣ ح٥ و ٤١٨ ح٧ و ج٩٨ ص٢٧٩ ح١٩و ص٣١٢ح٥ و ص٣٤١ ح١٩.

(٨٥) بحار الأنوار، ج٩١ ص٨١ ح٧.

(٨٦) بحار الأنوار، ج٩٧ ص٢٦٨ ح٥.

ولي بهتر است كه در ركوع "سبحان ربي العظيم و بحمده" و در سجود "سبحان ربي الأعلى و بحمده" بگويند.[87] و كافي است كه كسي بگويد "سبحان ربي الأعلى" يا "سبحان ربي العظيم".[88] و أقل ذكر در آنها "سبحان الله" است.[89]

البته تهليل و تكبير و تحميد بلكه مطلق ذكر خداوند در ركوع و سجود نيز جايز است.[90]

مستحب است "صلوات"[91] خصوصا صيغه كامل و مختصرش كه از حضرت امام حسن عسكري عليه السلام، در باب نماز و غير آن، وارد شده، و فضايل بسياري هم دارد،[92] و بدين نحو مي باشد:

{اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَيِّبِينَ الطَاهِرِينَ}

---

(٨٧) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤١ ح٨٢٥١ و ح٨٢٥٢.

(٨٨) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤٣ ح٨٢٥٨.

(٨٩) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ص٤٤١ح٨٢٥٣وص٤٤٢ح٨٢٥٥ وص٤٤٣ ح٨٢٥٩.

(٩٠) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٥١ ح٣٩ تا ح٤١.

(٩١) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٥٧ ح١ و ح٢ وح٤.

(٩٢) تفسير امام حسن عسكرى (عليه السلام) ص ٩١ وص١٠٥ وص١٠٨ وص١١٣ وص٢١٦ وص٢٥٤ وص٢٥٦/ مستدرك الوسائل، ج٣ ص٧٧ ح٣٠٧٢/ الكافي للكليني – ج٣ ص٣٢٦ ح١/ بحار الأنوار، ج١٣ ص٢٧٠ ح٧ و ج١٧ ص٣٨٣ ح٥٢ و ج٢٦ ص٢٨٩ ح٤٨ و ج٦٦ ص٣٤٥ و ج٨٢ ص٢٢١ ح٤٢.

تعداد ذكر ركوع و سجود سه مرتبه است.[93] در كلام خازنان وحي عليهم السلام آمده است: هر كسي يك بار از آنها را كم كند؛ ثُلث نمازش را از دست داده، و هر كسي دو عدد را كم كند، دو سوم از نمازش را از دست داده، و هر كسي همه اش را ترك كند، همه (فضيلت و اجر) نمازش را از دست داده است.[94]

البته شخص مريض يا ناتوان، و در هنگام عجله يا تنگي وقت، و ضرورت يا اضطرار، اگر يك دفعه بگويد مانعي ندارد.[95] و در احاديث؛ سه بار، هفت بار و بيش از آن هم وارد شده،[96] بلكه هر قدر مي خواهد مي تواند بگويد، ولي ظاهرا عددش فرد باشد بهتر است.[97]

و كثرت دعا در ركوع و سجود فضيلت بسيار دارد،[98] بلكه بر اساس كلام خازنان وحي عليهم السلام: براي شخص نماز گزار، طول دادن نماز به ركوع و سجود طولاني، از طول دادن نماز به تلاوت بيشتر قرآن در قرائت نماز، فضيلتش بيشتر مي باشد.[99]. [شمارة ثبت: (١٣٣٦) منبع: رساله صلاة جامعة]

---

(٩٣) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤١ تا ٤٤٣ ح٨٢٥١ تا ٨٢٥٧ و ٨٢٥٩ و ٨٢٦١ و٨٢٦٢ و٨٢٦٣ و٨٢٦٥ و ٨٢٦٦ و ٨٢٦٨ تا ٨٢٧٣.

(٩٤) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤١ ح٨٢٥١ و٨٢٥٢.

(٩٥) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤٨ ح٨٢٧٧ و ٨٢٧٨ و ٨٢٥٣.

(٩٦) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤٢ ح٨٢٥٥ و ٨٢٥٦ تا ٨٢٥٩ و ٨٢٦٤ و ٨٢٧٩ و ٨٢٨٠ و٨٣٥١.

(٩٧) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ أبواب ركوع وسجود.

(٩٨) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤٦ ح٢٠ و ص٤٥٦ ح٢.

(٩٩) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٠٣ ح١١ و ص٤٣٤ ح٢٥.

أدعيه ركوع نماز

در ركوع اين دعا رابخواند:

* اَللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ * وَ لَكَ خَشَعْتُ * وَ بِكَ آمَنْتُ * وَ لَكَ أَسْلَمْتُ * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * وَ أَنتَ رَبِّي * خَشَعَ لَكَ قَلْبِي * وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي * وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي * وَ لَحْمِي وَ دَمِي * وَ مُخِّي وَ عَصَبِي وَ عِظَامِي * وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ * غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لا مُسْتَكْبِرٍ وَ لا مُسْتَحْسِرٍ * للهِ رَبِّ العَالَمِينَ *[100]

و بعد از آن، تسبيح ركوع را سه بار با ترتيل و ترسل بگويد.[101] و پس از آن وارد شده كه بگويد:

* اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَرَحَّمْ عَلى عَجْزِنَا * وَ أَغِثْنَا بِحَقِّهِم *[102]. [شمارة ثبت: (١٣٣٧) منبع: رساله صلاة جامعة]



(١٠٠) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٢٩ ح١.

(١٠١) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٤٦ ح٨٢٧٠ وص٤٤٧ ح٨٢٧٣ و٨٢٧٤ و ص٤٥٣.

(١٠٢) كتب حديث مبحث صلاة أبواب ركوع وسجود.

بعد از ركوع نماز

❖ در ميان بسياري از عامه مردم ديده مي شود كه: پس از ركوع فورا مي روند به سجده، بلكه حتي در نماز جماعت؛ هنوز امام جماعت به سجده نرفته، آنها زودتر به سجده رفته اند، كه اين كار درستي نبوده، بلكه مستحب است كه نمازگزار بعد از ركوع بايستد، و كمي صبر كند، و ادعيه مربوطه را بخواند.

❖ از دعاهايي كه بعد از ركوع خوانده مي شود، چند نمونه را نقل مي كنيم:

❁ سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ❁[103]

❁ الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالمَين ❁ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ ❁ اَللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ ❁[104]

❁ الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالمَين ❁ أَهْلِ الجُودِ وَ الجَبَرُوتِ ❁ وَ الكِبْرِيَاءِ وَ العَظَمَةِ ❁ وَ الجَلالِ وَ القُدْرَة ❁ الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالَمِينَ ❁ لا شَرِيكَ لَه وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ ❁ اَللَّهُمَّ لَكَ الحَمْدُ مِلأَ سَمَاوَاتِكَ ❁ وَ مِلأَ أَرْضِكَ ❁ وَ مِلأَ مَا بَيْنَهُمَا ❁ وَمِلأَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْئٍ بَعْدَه ❁[105]

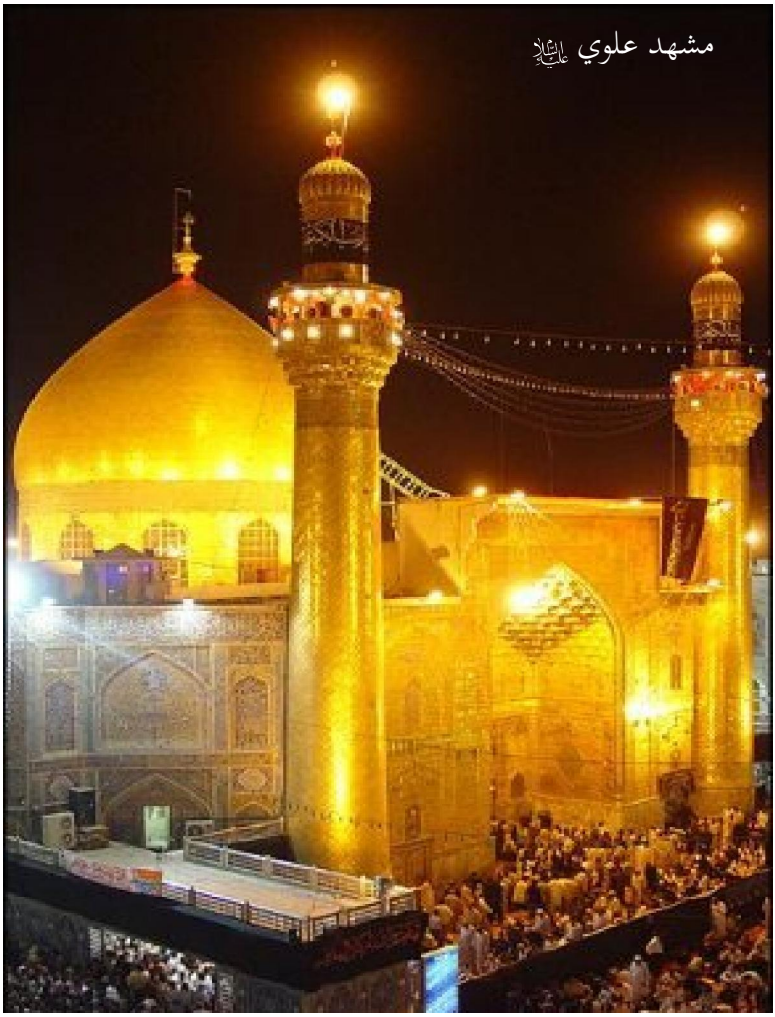
---

(١٠٣) وسائل الشيعة، ج٦ ص٣٢٢.

(١٠٤) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٢٩.

(١٠٥) جامع أحاديث الشيعة، ج٥ ص٤٢٩.

﴿ الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالَمِينَ * أَهْلَ المَجْـدِ وَ الثَنَـاءِ * اَللَّهُـمَّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ * وَ لا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ * وَ لا يَنْفَعُ ذا الجِـدِّ مِنْكَ الجِدُّ *[١٠٦]. [شمارة ثبت: (١٣٣٨) منبع: رساله صلاة جامعة]



(١٠٦) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٢٩.

أدعيه سجود نماز

❖ در سجود هم دعاهاي بسياري وارد شده،[١٠٧] كه چند نمونه را نقل مي كنيم، و از آنچه ذكر مي شود، هر كسى به هر مقداري كه حالش اقتضا مي كند بخواند:

۞ اَللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ * وَ بِكَ آمَنْتُ * وَ لَكَ أَسْلَمْتُ * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * أَنتَ رَبِّي * سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ بَيَاضِي وَ خَيَالِي * وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي * وَ شَعْرِي وَ عَصَبِي * وَ مُخِّي وَ عِظَامِي * سَجَدَ وَجْهِي البَالِي الفَانِي * لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ * وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ * تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الخَالِقِينَ *[١٠٨]

۞ يَا مَنَ عَلا فَلا شَيْءَ فَوْقَهُ * وَ يَا مَنْ دَنَى فَلا شَيْءَ دُونَهُ * إِغْفِرْ لِي وَ لأَصْحَابِي *[١٠٩]

۞ اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ * أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ * تَدْعُونِي ضَرُورَتُهَا * اِلَى أَنْ أَتَعَرَّضَ لِمَعْصِيَةٍ مِنْ مَعَاصِيكَ * وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ * تَدْعُونِي ضَرُورَتُهَا لِي * عَلى أَنْ أَتَغَوَّثَ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

---

(١٠٧) كتب حديث مبحث صلاة أبواب ركوع وسجود.

(١٠٨) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٤٤ ح١٦.

(١٠٩) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٥٠ ح٣٧.

* اَللَّهُمَّ وَ لا تَجْعَلْ (بِي) لِي حَاجَةً * اِلَى أَحَدٍ مِـنْ شِرَارِ خَلْقِـكَ وَ لِئَامِهِمْ * وَ إِنْ جَعَلْتَ (بِي) لِي حَاجَةً اِلَى أَحَدٍ مِـنْ خَلْقِـكَ * فَاجْعَلْهَـا اِلَى أَحْـسَنِهِمْ وَجْهًـا وَ خَلْقًـا وَ خُلُقًـا * وَ أَطْيَـبِهِمْ وَ أَسْخَاهُمْ بِهَا نَفْسًا * وَ أَطْلَقِهِمْ بِهَا لِـسَانًا * وَ أَسْـمَحِهِمْ لَهَـا كَفًّا * وَ أَقَلِّهِمْ بِهَا عَلَيَّ إِمْتِنَانًا *[110]

اَللَّهُمَّ إِنَّ ظَنَّ النَّاسِ بِي حَسَنٌ * فَاغْفِرْ لي مَـا لا يَعْلَمُـونَ * وَ لا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ * وَ أَنتَ عَلاَّمُ الغُيُوب *

يَا ثِقَتِي وَ رَجَائِي * فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي * صَلِّ عَلَى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ* وَ الْطُفْ بِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي * فَإِنَّكَ تَلْطُفُ لِمَنْ تَشَاءُ * وَ الحَمْدُ للهِ رَبِّ العَالَمِينَ * وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ * وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا *[111]

لَكَ الحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُـكَ * وَ لا حُجَّـةَ لِي إِنْ عَـصَيْتُكَ * وَ لا صُنْعَ لي وَ لا لِغَيْرِي فِي إِحْسَانِكَ * وَ لا عُذْرَ لي إِنْ أَسَأْتُ * مَا أَصَابَنِي مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنْكَ * يَا كَرِيم اِغْفِرْ لِي وَ لِمَنْ فِي مَـشَارِقِ

---

(١١٠) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٤٩ ح٣٣.

(١١١) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٥٠ ح٣٦.

الأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * مِنْ المُؤْمِنِينَ وَ المُؤْمِنَاتِ *[112]

از حضرت امام باقر عليه السلام روايت شده؛ كه در سجده اينطور دعا مي كردند:

در سجده اول: أَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) * إلاَّ بَدَّلْتَ سَيِئَاتِي حَسَنَاتٍ * وَ حَاسَبْتَنِي حِسَابًا يَسِيرًا *

و در سجده دوم: أَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) * إلاَّ كَفَيْتَنِي مَؤُونَةَ الدُّنْيَا * وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الجَنَّةِ *

و در سجده سوم كه در ركعت دوم است: أَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * لَمَّا غَفَرْتَ لِيَ الكَثِيرَ مِن الذُّنُوبِ وَ القَلِيلَ * وَ قَبِلْتَ مِنِّي عَمَلِيَ اليَسِيرَ *

و در سجده چهارم كه در ركعت دوم است: أَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الجَنَّةَ * وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا * وَ لَمَّا جَنَّبْتَنِي مِنْ سَفَعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ * وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ *[113]. [شمارة ثبت: (١٣٣٩) منبع: رساله صلاة جامعة]

(١١٢) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٥١ ح٣٨.

(١١٣) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٤٤٩ ح٣٥.

بين دو سجده در نماز

❖ و بين هر دو سجده استغفار و همچنين اين دعا وارد شده است:

اَللَّهُمَّ اغْفُ عَنِّي وَ اغْفِرْ لي وَ ارْحَمْنِي وَ اجْبُرْنِي وَ أَجِرْنِي وَ اهْدِنِي وَ عَافِنِي وَ اعْفُ عَنِّي * إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِير *[114] [شمارة ثبت: (١٣٤٠) منبع: رساله صلاة جامعة]



(١١٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٤٥٢ ح٤٢ وص٥٣٠ ح١/وسائل الشيعة - ج٥ ص٤٦١ ح٣.

احكام سجود نماز

سؤال: آيا در سجده نماز بايد تمام كف دست روى زمين باشد اگر مثلاً سنگ يا مداد پاك كن و مانند آن زير دست باشد چه حكمى دارد؟

جواب: بايد كف دستها و مساجد شخص روى مصلاّى وى قرار گرفته باشد، و فضاى خالى (معتدٌّ بهي) كه مانع از صدق استقرار مساجد است؛ بين مساجد شخص و مصلاّى وى نباشد. [شمارة ثبت: (٢٠٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: سجده بر سيمان، كاشي موزاييك (كه معمولاً از تركيبات سيمان است و گاهي با رنگها هم مخلوط مي شود) و كاشي سراميك چه حكمي دارد؟ آيا سجده بر پارچه متقال (پوشيدني يا غير آن)، اسكناس، كاغذ رنگي و انگشت شست جايز است؟

جواب: سجده بر سيمان و موزاييك سيماني؛ و اسكناس و كاغذ گلاسه و رنگي كه رنگ آن جرم مانع داشته باشد (لو از الياف گياهي تهيه شده باشد)؛ صحيح نيست، ولى موزاييك سيماني كه روي آن قطعه هاى سنگ بطور متراكم دارد بنحوى كه سجده در واقع روى آن سنگها انجام مي شود اشكالى ندارد، و پارچه تهيه شده از الياف گياهى اگر براى لباس بافته مي شود ولو هنوز لباس نشده باشد سجده بر آن اشكال دارد، ولى مانند فرض مذكور تا زماني كه به ملبوس تبديل نشده سجده بر آن اشكالى ندارد، البته در صورت فقدان موضع سجده صحيح؛ يا عدم تمكن از استعمال آن؛ سجده بر ملبوس از الياف گياهي كند؛ و در صورت عدم تمكن از اين سجده بر معدنيات؛ و الا بر روى دست خود سجده كند. [شمارة ثبت: (٦٥٠) منبع: المسائل الشّيرازيّة]

سؤال: سجده بر دستمال کاغذی یا کاغذی که بر روی آن خط کشی شده باشد جایز است؟

جواب: جایز است. [شمارة ثبت: (١٠٧٦) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: مهر تربت حضرت سید الشهداء عليه السلام که به مرور زمان جرم گرفته است، سجده بر آن چه حکمي دارد؟

جواب: آنچه غالبا جِرم تلقي مي شود، واقعا اينطور نبوده، و در حقيقت رطوبت ناشي از سجده مستمر است که خشك نشده مانده و اينطور بنظر ميرسد، أمّا در صورتي که واقعا بقدري جرم گرفته باشد که به اندازه صحت موضع سجود هم بدون جرم باقي نمانده باشد اشکال دارد. [شمارة ثبت: (٤٨٦) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: چون مهر نماز کثيف مي شود، آيا براي نماز اشکالی دارد يا نه؟ و اگر اشکال دارد چه بايد کرد؟ آيا فرق مي کند که مهر از تربت کربلا باشد يا نه؟

جواب: مومن در غير نماز پرهيز از کثافات مي نمايد چه برسد به نماز، اگر موضع سجده يا مهر نماز کثيف شده باشد که مانع از صحت سجود باشد بايد ازاله نمايد و بعد سجده نمايد، ولي اگر مُهر نماز در اثر تداوم استفاده و مرطوب شدن آن از عرق پيشاني وخشك نشدن مُهر تيره بنظر برسد، اشکالی ندارد، و در اين حکم فرقي بين تربت کربلا يا غير آن نيست، الا اينکه احترام و حفظ طهارت و نظافت تربت حضرت سيد الشهداء عليه السلام لازم است. [شمارة ثبت: (٥٠٣) منبع: المسائل الرومية]

سؤال: اگر سر انسان به سرعت به مهر بخورد و بی اختيار برداشته شود ويا به هر دليل ديگر بدون اختيار قبل از گفتن ذکر سر برداشته شود، تکليف او چيست؟

جواب: خود را از برخورد دوباره نگهداشته؛ و آن برخورد را سجده حساب کرده؛ و به بقیه نمازش ادامه دهد، و پس از نماز برای ترك ذکر در سجده؛ دو سجده سهو بجای آورد. [شمارة ثبت: (٣٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: قد يتفق احيانا حين السجود (لعدم تسوية موضع السجدة) اصطدام الجبهة بالأرض ورفعها عنها قهرا؛ فما هو التكليف؟

جواب: يحسبه سجدة؛ فيجلس ثم يأتي بالأُخرى إن كانت الأولى؛ ويكتفي بها إن كانت الثانية، وبعد الفراغ من الصلاة يأتي بسجدتي السهو؛ لتركه ذكر السجدة. [شمارة ثبت: (٦٥١) منبع: المسائل الغرويّة]

سؤال: اگر نمازگزار در حین رفتن به سجده؛ پیشانیش به سرعت به مهر خورده؛ و قبل از گفتن ذکر سجده؛ بی اختیار سرش برداشته شود، وظیفه اش چیست؟ در صورت تکرار این برخورد قهری چطور؟ آیا در سجده اول یا دوم بودن؛ تکلیفش فرق دارد؟

جواب: اگر برداشته شدن قهری پیشاني از زمین پیش از انجام ذکر سجده باشد؛ و بتواند آنرا از برخورد دوباره نگهدارد؛ پس آن برخورد را سجده حساب کرده و بنشیند؛ آنگاه اگر این اتفاق در سجدة اول بوده؛ پس سجدة دیگر بجای آورد، و اگر در سجدة دوم بوده؛ به همان برخورد به عنوان سجدة دوم اکتفا نماید، ولی اگر نتوانست خود را نگهدارد وناخواسته پیشانیش دوباره به زمین برخورد نمود؛ پس این دو برخورد بجای دو سجدة اوست لذا ذکر سجدة اخیر را کامل کرده وبه بقیة نمازش ادامه دهد، و پس از نماز؛ بخاطر ترك ذکر در یك سجدة؛ دو سجدة سهو بجای آورد. و اگر در برخورد دوم هم بي اختیار قبل از انجام ذکر سجده سر برداشه؛ آنوقت بخاطر هر بار ترك ذکر سجده؛ دو سجده سهو بجای آورد، و اگر این

دو برخورد قهرى افزون بر انجام يك سجده بوده؛ آنوقت بايد براى سجده اضافى نيز دو سجده سهو بجاى آورد. [شمارة ثبت: (١٣٤١) منبع: المسائل الغرويّة]

سؤال: ما هو التكليف فى اصطدام الجبهة بالأرض ورفعها عنها قهرا حين الذهاب الى السجود؟ هل يتفاوت حكم ذلك بين وقوعها في الذهاب الى الأولى أو الثانية؟

جواب: إذا رُفعت الجبهة قهراً من الأرض قبل الإتيان بالذكر؛ فإن أمكنه حفظها عن الوقوع ثانياً؛ حسب ذلك سجدة؛ فيجلس ويأتي بالأُخرى إن كانت الأولى؛ ويكتفي بها إن كانت الثانية، وإن عادت بعد الرفع؛ إلى الأرض قهراً؛ فيحسبها سجدة أخرى، ويتم الذكر فيها، ثم يمضي في بقية صلاته، وبعد الفراغ يأتي بسجدتي السهو مرة لتركه ذكر السجدة، هذا إذا كان في السجدة الأولى واتفقت السجدة القهرية، وأما إذا اتفقت في الثانية؛ فيرفع رأسه فوراً ويمضي في صلاته، وبعد الفراغ يأتي بسجدتي السهو مرة لزيادة السجدة. [شمارة ثبت: (١٣٤٢) منبع: المسائل الغرويّة]

سؤال: هل تجب على المصلي (في المسئلة السابقة) سجدتي السهو؛ لترك الجلوس مع الإطمينان بين السجدتين؟

جواب: ليس عليه سجدتي السهو لتركه الجلوس مع الإطمينان بين السجدتين.

سؤال: آيا بر نمازگزارى كه مبتلا به سجده قهرى در اثر برخورد پيشاني شده؛ سجدة سهو بخاطر ترك نشستن ميان دو سجده، لازم نيست؟

جواب: سجدة سهو بخاطر ترك نشستن آرام ميان دو سجده، لازم نيست، چون جلوس ولو واجب است؛ ولى عمل مستقلى نيست؛ و صرفا براى تماميت دو سجده بودن است؛ همچنانكه انتصاب (قامت راست بودن) قبل از ركوع و قبل

از سجود؛ برای تمامیت تحقق اینهاست. بنابر این؛ و در صورت قبول سجده قهریه به عنوان سجده؛ دیگر ترك این خصوصیت جلوس یا قیام قبل (سهوا یا غیر اختیارا) مستلزم سجده سهو نیست، کما اینکه در صورت زیاده سهوي يك سجده؛ تکلیفش یکبار دو سجده سهو است نه دوبار (هربار دو سجده سهو است) با اینکه بین سجده دوم وسوم نشسته است. [شمارة ثبت: (١٣٤٣) منبع: المسائل الغرويّة]

سؤال: حکم حرکت دادن دست یا پا در حین سجده چیست؟

جواب: در حال استقرار اعضای بدن؛ ذکر سجده را بگوید. [شمارة ثبت: (٦٤٤) منبع: المسائل الشّيرازيّة]

سؤال: آيا در سجده نماز واجب يا مستحب مي توان به ائمه عليهم‌السلام سلام نمود؟ آيا مي توان به نام يكي از اين حضرات مثلا امام حسين عليه‌السلام خطاب سلام كرد؟

جواب: از آنجا که ذکر صلوات بر محمد و آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله در رکوع و سجود و قنوت مستحب مؤکد است؛ و حضرات معصومين عليهم‌السلام همان آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله مي باشند؛ و تنها ذكر در سجده سهو (كه مكمل كاستي نماز است) سلام بر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله يا صلوات بر محمد و آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله مي باشد؛ و سلام و صلوات نيز يك حكم را داشته و هر دو نوعي تحيت مي باشند؛ لذا مانعي برای سلام بر ايشان در ركوع يا سجود؛ چه به نحو كلي و چه به نحو خاص نمي باشد، ولی از آنجا که اذكار وارده در ركوع و سجده نماز محدود به صلوات بر محمد و آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله مي باشد؛ لذا بهتر است به آنچه وارد شده اكتفا شده؛ و سلام بر حضرات عليهم‌السلام را در تشهد بجای آورد، و برای اهل معرفت و بصيرت در همان ذكر (معروف ركوع و سجود) اين معنا بدون فاش نمودن راز حاصل است. [شمارة ثبت: (١٢٠٧) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: آيا سجده هاى غير ركن نماز؛ مانند تلاوت يا شكر؛ يكبار بوده يا دو بار مي باشد؟

جواب: اصل در باب سجده دو مرتبه است، چه در نماز (اعم از واجب يا مستحب)،[١١٥] و چه در غير آن، و لذا در مقام سجده براى تلاوت قرآن (در غير نماز) يا براى شكر،[١١٦] و يا بين اذان اقامه؛ اولى انجام سجده دو مرتبه است، هر چند يكبار هم مجزى است. [شمارة ثبت: (٦٠١) منبع: رسالة صلاة جامعة]

سؤال: در سجده هايى كه براى برخى از نمازها و يا ادعيه وارد شده است، مانند سجده بعد از نماز جناب جعفر طيار عليه السلام و يا سجده زيارت عاشوراى تامه؛ كه برخى مفصل هم هستند؛ اگر انسان آنها را از حفظ نباشد؛ و كسى هم نباشد كه برايمان بخواند؛ و ما در حالت سجده تكرار كنيم، چگونه بايد عمل كرد؟

الف: برخى در اين حالت مهر را با دست بالا آورده و بر پيشانى مى گزارند و سپس ذكر و دعاى سجده را مى خوانند.

ب: يا اينكه مهر را بر سطحى بالاتر از سطح زمين قرار داده و روى آن به سجده رفته و دعا خوانده شود. در حالت هاى الف و ب آيا صحيح است؟

جواب: در نمازهاى مستحبي همه روشهاى فوق صحيح است، اما روش دوم بهتر است، و بهتر از همه: قبل از نماز؛ شخص دعا را روي موبايل يا مانند آن؛ بطور شمرده و مناسب به تكرار ضبط نموده، و در حين سجده در نماز استفاده مي كند. [شمارة ثبت: (١٣٧٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

---

(١١٥) ابواب سجود از مبحث صلاة در كتب فقه وحديث.

(١١٦) بحار الأنوار - ج٤٩ ص٩٣ وج٥٠ ص٥٧ ح١٧ وج٣ ص١٠٠ ح٨ وص ٢١٦ ح١ و٢٢٦ ح١١ وص٨٩ ح١٤ وج٨٤ ص٨٧ ح٣ وص٢٣١ ح٤٤.

سؤال: شيطان بواسطه دو ركعت نماز در آسمان در مدت چهارهزار سال؛ خداوندمتعال خواسته هاي اورا براي امر دنيا اجابت نمود، اما عدم اطاعت امر حق تعالى براي سجده در برابر آدم؛ باعث اخراجش از بهشت گرديد و از جمله كافران محسوب شد. سؤالي كه اينجا دارم اين است كه: آيا عدم اطاعت امر حق صرفا؛ باعث كافرشدن بود؟ چون حسب برداشت ظاهري از آيات واحاديث؛ شيطان به وجود حق تعالي ايمان داشت. آيا ممكن است انكار فضيلت و برتري اشباح پر نور حضرات معصومين عليهم السلام باعث اعلام كفر شيطان. توسط حق تعالى بوده است؟

جواب:

١- انكار و امتناع ابليس از سجده آدم عليه السلام (مظهر خداوند بر روى زمين) و انوار حضرات عليهم السلام كه تجلى حق در عوالم هستي هستند؛ سبب رانده شدن وي و كفرش شده است،

٢- اما اين امر چون به معني امتناع او از فرمان خداوند بوده؛ و به مرتبه اي از انكار نسبت به خداوند بر مي گردد؛ فلذا جرم وي بوده و سبب كفرش شد.

٣- و اين امر تنها ترك يك سجده نبوده؛ و رويكردش پس از آن كه با اصرار بر نافرماني و استمرار و توسعه حوزه آن در گمراه كردن بني آدم وو... همه حاكى از آنست كه اين نافرماني او ريشه دار بوده، و از ترك يك مورد طاعت فراتر بوده است.

٤- ضمن اينكه امتناع از سجده انوار مقدسه هم فراتر از ترك يك وظيفه بوده؛ و به معنى انكار حقيقت معرفت و عبوديت بوده است.

٥- كفر كه فقط به انكار وجود خدا محدود نمي شود، كفر به نپذيرفتن اطاعت خداوند هم مربوط است، (الإيمان عقيدة في القلب وإقرار باللسان و

عمل بالأركان) فلذا الان افرادي هستند وجود خداوند را معترفند؛ ولى بخاطر اينكه "اطاعت خداوند در امور مختلف زندگي لازم است را قبول ندارند" فلذا بي دين هستند، و بخاطر همين جهت هم باز جزو كفار هستند، مثل بسياري از لائيكها كه اقرار به وجود خدا دارند؛ ولي وجود دين و التزام بدان را منكرند. كافر كه فقط ملحدها نيستند؛ بي دين ها هم كافرند.

أعاذنا الله من جميع ذلك، و ثبّتنا الله على معرفته والإجهار بدينه والإتّباع لشريعته. [شمارة ثبت: (١٤٦٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

احكام سجدات تلاوت در نماز

سؤال: وقتي در نماز تلاوت مى كنيم و سوره اى سجده واجب دارد؛ حكم سجده واجب در ميان قرائت نماز چه طوري است؟

جواب: انجام سجده تلاوت واجب؛ داخل نماز مستحبي مانعي ندارد، و نمازگزار وسط قرائت آيات سوره (در موضع سجده) به سجده مي رود و يك سجده بجاى آورده؛ و سپس مي ايستد و به بقيه قرائت ادامه داده، و سپس به انجام بقيه نماز (از ركوع و سجود) مي پردازد. [شمارة ثبت: (١٣٥٩) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: سجده واجب قرآنى در مورد كدام يك از آيات شريفه است؟ خواندن همه آيه باعث وجوب سجده است؟ يا ولو به مقدار يك كلمه نيز اين حكم را دارد؟ سجده آن چند مرتبه؟ و ذكر سجده چه بايد باشد؟

جواب: محل سجده واجب قرآني همان آيات ذكر سجده در سوره هاى: علق فصلت سجده نجم، مي باشد، كه اين سوره ها در نماز واجب خوانده نمى شوند؛ و معروف به عزائم اربعه هستند، هر چند در جميع آيات قرآنيّه كه ذكر سجده آمده؛ سيره معصومين عليهم السلام سجده بوده است. و خوب است سجده تلاوت (در

غيرنماز) دو بار باشد، هر چند يكبار مجزى است، و ذكر آن مانند ذكر سجده نماز {سبحان ربّي الأعلى و بحمده}، يا {لا إله إلّا الله حقًّا حقًّا ، لا إله إلّا الله إيمانًا وتصديقًاء لا إله إلّا الله عبوديّة ورِقًّا، سجدت لك يَا ربّ تعبّدًا و رقًّا، لا مستنكفًا ولا مستكبرًا عن عبادتك و لا مستعظمًا، بل أنا عبد ذليل خائف مستجير} و مضامين معادل آن نيز كفايت مي كند. [شمارة ثبت: (٨٢٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: احاديث شريفه وارده در باب تلاوت (سور عزائم و آيات سجده) در نماز را وقتي ملاحظه می كنيم؛ برخي مي فرمايد: اين سوره ها را در نماز فريضه تلاوت نكن، برخي درباره كسي كه تلاوت كرده؛ دستور انجام سجده در ميان نماز را مي فرمايد، و برخی سجده پس از نماز، و برخی نحوه ديگر، آيا تعارضی وجود دارد؟ تكليف نهايي چيست؟

جواب: درباره تلاوت آيات سجده و سور آنها در نماز و احكام و لوازم آنها؛ اگر كلام وحی و كلام خازنان وحی عليهم السلام بطور جامع؛ و با رعايت علم درايت و دانش فقه الحديث؛ ملاحظه شود؛ نه تعارضی در احاديث تصور شده؛ و نه ابهامی باقي مانده، و احكام سجده تلاوت در نماز؛ نيز بخوبی واضح می باشد، كه آنها را در اينجا؛ طی هفت نكته بيان مي كنيم:

(١)- يكی از آداب مهمه تلاوت و استماع كلام وحي و قرآن كريم؛ درك حضور حق تعالی؛ و تلاوت را خطاب حق تعالی به خود تلقی كردن است، از اين رو در نصوص شرعيه بسيار تأكيد شده است، كه بجز توجه به مفاد و مضامين آيات قرآنی؛ در برابر آنها واكنش مناسب را نشان دهد، و بجز داشتن خشوع و حال متناسب با مضمون هر آيه از انذار و بشارت؛ به زبان و گفتار هم تفاعل نشان

دهد، اگر فرمانی تلاوت و خطاب می شود؛ اظهـار طاعـت کنـد، و فرمـانبرداری خود را به زبان هم ابراز نماید، اگر سخن از ذکر خداوند و تسبیح اوست یـا امـر به آن و یا شکر و یا سجود؛ تسبیح و شکر گفته؛ و سجده نمایـد، فـلذا برحـسب نصوص شریفه و بسیار؛ حضرات معصومین علیهم السلام به این ادب تـلاوت؛ در نمـاز و غیر نماز ملتزم بودند، و در هر آیه ای که ذکـر سـجده بـود؛ سـجده می نمودنـد، ازین رو در همه آیاتی که سخن از سجده بـرای خداونـد اسـت؛ سـجده تـلاوت پسندیده؛ و در بـرخی مـوارد نـیز لازم بـوده و جـای اهمـال و تـرك آن نیـست؛ خصوصا وقتي که صریحا خداوند سرزنش می کند کسي را که بي توجهی مي کنـد و سجده نمي کند و یا عقاب و عذاب یا حسرت قیامت را به او وعده می دهد.

(۲)- اگرچه از میان سوره های دارای آیات سجده واجب؛ چهار سـوره (العلـق، السّجده، فصّلت، النّجم) معروف به عزائم هستند، و تأکید خـاصی بـر رعایـت فرمان سجده در آنها؛ و نیز حرمت خاصی برای این سوره ها شده است، از جمله اینکه تلاوتش بر حائض و جنـب جـایز نیـست، و بـرای تلاوتـش؛ افـزون بـر طهارت اکبر؛ وضو نیز باید داشت، و اگر کسی تلاوت آیه سجده این سوره هـا را شنید؛ فورا باید سجده کند؛ ولو جنب یا حائض یا بي وضـو باشـد. و ایـن آیـات سجده واجب محسوب شده؛ و بقیه آیات سجده؛ به مستحب معروف شـده انـد. البته در مباحث اصولی بیان کرده ایم که توصیف عملی به مـستحب؛ بـه معـنی بیرون بودن از مأموریت الهی عباد خداوند نبـوده؛ و جـای مـتروك بـودن کلی آن نیست، بلکه مستحبات نـیز فرمـان الـهی دربـاره اش صـادر شـده؛ و بنـدگان خداوند آنها را نیز باید نصب العین خود قرار دهند؛ و بر انجامش اهتمام داشـته باشند، اما تفاوتش با واجبات در جهاتی از جمله موضوع "رخصت در ترك" بـوده، که در واجب رخصت نبوده؛ و در مستحب رخصت است.

(٣)- آياتی که ذکر و لفظ سجده در آنها آمده است چند نوع است:

نوع اوّل: برخی از آيات امر به سجده در آنها صريحا وارد شده است، و بعضي از آيات در مذمت و انكار و انذار و عتاب و اعتراض نسبت به كساني كه وقتی تذكر به آيات الهی شوند؛ و يا آيات كتاب الهی تلاوت می شود؛ يا امر الهی به سجده وارد می شود؛ و به آنها گفته می شود سجده كنيد؛ سجده نمی كنند، در همه اين موارد نمی توان از انجام سجده تلاوت غفلت نمود. و از آنجا كه در اين آيات؛ صريحا امر به سجده و نهی شديد از عدم سجده و بي توجهی در اين باره وارد شده است، فلذا نمی شود التزام به سجده در تلاوت يا استماع اين آيات را كلا ملغا دانسته؛ و در برابر آنها بی تفاوت بود، ازين رو اين دسته آيات (كه حاوی فرمان سجده يا نهی از بي توجهی است به سجده است) را به "سجده لازم" توصيف می كنيم.

نوع دوّم: دسته ای ديگر از آيات سجده؛ مدح كسانی است كه وقتی به آيات الهی متذكر شده؛ و يا آيات كتاب الهی را تلاوت می كنند؛ سجده می كنند، و صنفی از آيات هم؛ مدح عمل سجده كردن و ستايش سجده كنندگان برای خداوند (بدون قيد تذكر به آيات الهی يا تلاوت كتاب الهی) می باشد، كه سجده در تلاوت يا استماع اين آيات؛ واجب نبوده و مستحب است.

(٤)- در سجده تلاوت هم اصالتا دو بار سجده است، كه اين امر در بيرون نماز رعايت می شود؛ و در نماز به يك سجده اكتفا می شود. و از آنجا كه سجده تلاوت اصالتا دوبار سجده است؛ و دو سجده هم ركن نماز است، و اضافه ركن سبب بطلان نماز می شود، فلذا در فرائض؛ تلاوت آن چهار سوره عزائم؛ نهی شده است، اما اگر كسی سهوا خواند؛ می تواند نرسيده به آيه سجده؛ از ادامه تلاوت بقيه

سوره منصرف شود؛ و سوره دیگری تلاوت کند، و اگر سهوا آیه سجده را تلاوت کرد، (چون سجده واجب است) در همان موضع یکبار به سجده رفته؛ و سپس برخاسته و ایستاده و بقیه آیات را تلاوت می کند؛ و بعد از آن به رکوع رفته و بقیه نماز را بجا می آورد، و اگر آیه در آخر سوره بود؛ و سجده نمود و برخاست؛ پس از ایستادن؛ سوره حمد را مجددا تلاوت کرده؛ و به رکوع رفته؛ و بقیه نماز را بجا می آورد، و چون تلاوتش از سور عزائم (مورد نهی) عمدی نبوده؛ و سجده هم یکبار بجا آورده؛ و رکنی اضافه نشده؛ فلذا نماز او صحیح است، اما اگر علیرغم اطلاع از نهی تلاوت عزائم در نماز؛ و با داشتن توجه به آن؛ سور عزائم و آیه سجده را عمدا تلاوت کند، نماز او باطل است. اما سوره هاي غير عزائم که دارای آیات سجده لازم است؛ چون در شرع شریف برای تلاوت اینها در فرائض نهي وارد نشده؛ فلذا خواندن اینها در نمازهای فریضه اشکالی ندارد، و در صورت تلاوت آیات سجده مستحبه در فرائض؛ در آن موضع سجده تلاوت نکرده؛ و بقیه آیات را تلاوت و به رکوع رفته و بقیه نماز را بجا آورده، و پس از نماز اگر خواست سجده تلاوت را برای آیات سجده مستحبه بجا می آورد.

(٥)- تلاوت همه سور و آیات دارای آیه سجده (از عزائم و غیر عزائم؛ واجب و لازم و مستحب) در نماز مستحبی اشکالی ندارد، و تنها در وقت تلاوت آیات سجده واجب؛ سجده تلاوت را در همان موضع سجده و داخل نماز یکبار بجا می آورد، و از تلاوت دو آیه دارای سجده واجب در یك رکعت نماز اجتناب می نماید.

(٦)- آیات سجده؛ محدود به آیات دارای الفاظ و مشتقات واژه "سجد" نبوده، و آیات دارای الفاظی حاوی مفهوم سجده (اما از غیر ریشه "سجد") نیز جزو آیات سجده می باشد، همچون آیه: ﴿يخرون للأذقان يبكون ويزيدهم خشوعا﴾، برخي نیز آیاتی را جزو آیات سجده شمرده اند، که نه حاوی الفاظی از ریشه

"سجد" بوده؛ و نه مفهوم سجود را دارد، اما دارای نتیجه سجود (نهایت کـرنش و خضوع) می باشد، مانند آیه شریفه: ﴿و خرّ راکعا وأناب﴾.

(۷)- بررسي برخی از آیـات سـجده در قـرآن کـریم؛ و تبیـین وجـوب و لـزوم و استحباب آنها چنین می باشد:

دسته اوّل: آیات سجده واجب که در سوره های عزائم است:

* فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَ اعْبُدُوا ﴿ [النّجم-٦٢] * فرمان عام سجده برای همه اهل ایمان = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **واجب**

* إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿ [السجدة-١٥] * توصيف انحصاري اهل ایمان به افراد ملتزم به سجده در وقت یادآوری سجده = واجد الزام عام برای همه در همه موارد و همه زمانها = **واجب**

* كَلاَّ لا تُطِعْهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ ﴿ [العلق-١٩] * فرمان عام سجده برای همه اهل ایمان = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **واجب**

* وَ مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ لا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿ [فصّلت-٣٧] * فرمان عام سجده برای همه اهل عبادت خداوند = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **واجب**

دسته دوّم: برخي از آیات سجده که مستحب شمرده شده؛ اما مفـاد آن آیـات در لزوم سجده صریح است:

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿ [الحج-٧٧] * فرمان عام برای همه اهل ایمان = دارای الزام سجده برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ [النمل-٢٥] اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴾ [النمل-٢٦] * ترغيب عام به سجده = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴾ [الحج-١٨] * حكايت از التزام عام = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ ﴾ [الرعد-١٥] * حكايت از التزام عام = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* أَوَ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَ الشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَ هُمْ دَاخِرُونَ ﴾ [النحل-٤٨] * حكايت از التزام عام = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ [النحل-٤٩] يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴾ [النحل-٥٠] * حكايت از التزام عام = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ زَادَهُمْ نُفُورًا ﴾ [الفرقان-٦٠] * توصيف و مذمت عدم التزام در برابر فرمان سجده = دارای الزام برای

عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلاَ يَسْتَطِيعُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴾ [القلم ٤٢-٤٣] * توصيف و مذمت عدم التزام در برابر فرمان سجده = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لاَ يَسْجُدُونَ ﴾ [الانشقاق-٢١] * توصيف و مذمت عدم التزام در برابر فرمان سجده = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

* مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ﴾ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا [الفتح-٢٩] * توصيف و مدح التزام مؤمنان همراه پيامبر = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **لازم**

دسته سوّم: بعضي از آيات سجده كه مستحب شمرده شده؛ و هرچند مفاد آن آيات در لزوم و رجحان سجده صريح است؛ اما چون برخی فرمان سجده به شخص برگزيده خداوند يا در زمانی و موقعيتي خاص به جمعی خاص بوده؛ يا بيان التزام سجده خواص از اهل ايمان بوده، و يا مدح التزام برخی به سجده است؛ فلذا اين آيات را به درجه الزام آيات دسته اول و دوم نبوده و لذا عنوان سجده مستحب دارد، البته اهل توفيق به پيروی از حضرات معصومين عليهم السلام در اين موارد هم از انجام سجده غفلت نمی نمايند:

* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴾ [الحجر-٩٨] * حكايت از فرمان به شخصی خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً ﴿ [الانسان-٢٦] * فرمان خاص برای شخص خاص در زمان خاص = دارای الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿ [آل عمران-٤٣] * حکایت از فرمان به شخصی خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لاَ تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً * وَ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿ [الاسراء، ١٠٧-١٠٩] * = توصیف و مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِيًّا ﴿ [مریم-٥٨] * توصیف و مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا ﴿ [الفرقان-٦٤] * مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ تَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿ [الشعراء-٢١٩] * = مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ ﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الأَلْبَابِ [الزمر-٩] * توصیف و مدح

التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ ﴿ [آل عمران-١١٣] * توصیف و مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لاَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ ﴿ [الأعراف-٢٠٦] * توصیف و مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* إِنَّ اللهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَ الإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [البرائة-١١١] التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿ [البرائة-١١٢] * توصیف و مدح التزام عده ای خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ ﴿ [صاد-٢٤] * توصیف التزام شخص خاص در موقعیت خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

نتیجه درباره آیات بالا: وقتی برگزیدگان؛ بخاطر التزام به سجده؛ مورد مدح خداوند قرار مي گيرند، هيچ مؤمن هوشیاری از این راهنمايي غفلت نكرده و بدان ملتزم می شود.

* وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلاَئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ﴿ إِلاَّ إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا [الاسراء-٦١] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلاَئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ﴿ إِلاَّ إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلاً [الكهف-٥٠] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلاَئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ﴿ إِلاَّ إِبْلِيسَ أَبَى [طه-١١٦] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلاَئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ﴿ إِلاَّ إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ [البقرة-٣٤] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلاَئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ﴿ إِلاَّ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ [الأعراف١١-١٢] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلاَئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿ * إِلاَّ إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ

بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ [صاد ٧٢-٧٥] * حكايت از فرمان به عده ای خاص در زماني خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۞ * إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ [الحجر٢٩-٣٣] * حكايت از فرمان به عده ای خاص در زماني خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

نتيجه درباره آيات بالا: اگرچه موضوع سجده در آيات فوق؛ فرمان الهی به ملائكة برای سجده به آدم عليه السلام بوده است، و عنوان سجده "آدم" معين شده؛ اما مقصد اين سجده خداوند بوده؛ و جناب آدم بخاطر مرتبه وجه اللهی؛ نماد و قبله و نشانه اين سجده مقرر شده است، و خطاب فرمان الهی سجده به ملائكه؛ به معنی محدوديت و انحصار فرمان در ملائكة نبوده، چه اينكه از مكلفين به عبوديت؛ تنها آنها آنروز در آن محضر حضور داشته اند، فلذا هم مقصد سجده (خداوند) حيّ و باقي است، و هم نشان و قبله سجده (وجه الله) در هر عصر حضور دارد؛ و هم اهل ايمان و بندگان خداوند در اين عصر موجودند؛ فلذا تكليف سجده به قوت خود باقی است و همه مكلفين به آن مأمورند، و لااقل وقتی كه از سوی خداوند و در كلام او اين فرمان و واقعه ياد آوری می شود؛ بدان ملتزم شوند.

* وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا ۞ وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ [البقرة-٥٨] * حكايت از فرمان به عده ای خاص در زماني خاص = فاقد الزام برای عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ رَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَ قُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا ﴿ وَ قُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا [النساء-١٥٤] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

* وَ إِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَ كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُوا حِطَّةٌ وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا ﴿ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ [الأعراف-١٦١] * حكايت از فرمان به عده اى خاص در زماني خاص = فاقد الزام براى عموم در همه موارد و همه زمانها = **مستحب**

نتيجه درباره آيات بالا: اگرچه موضوع سجده در آيات فوق؛ فرمان الهى به مؤمنان زمان حضرت موسى عليه السلام و براى گشايش و مقصد خاصى بوده؛ اما در انتهاى آيات نتايج و آثار و بركات و پاداشهايي را بشارت مى فرمايد كه مقصد و آرزوى همه مؤمنان است، و هيچ مؤمن دانايي از اين راهنمايي غفلت نكرده و براى مشكلات حل نشدنى خود از آن استمداد مى جويد، و لااقل وقتى كه از سوى خداوند و در كلام او اين فرمان و واقعه ياد آورى مى شود؛ بدان ملتزم مى شود. [شمارة ثبت: (١٥٥٦) منبع: جامع المسائل]

سؤال: آيا براى انجام سجده واجب قرآن (در تلاوت غير نماز) يك سجده كفايت مى كند و يا حتماً بايد دو سجده بجاى آورد؟

جواب: يك سجده مانعى ندارد ولى دو سجده بهتر است. [شمارة ثبت: (٨٧٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: هل يجب السجود عند الاستماع إلى قراءة آية السجدة من المسجل أو نحوه من الآلات؟ أو لا؟

جواب: يجب مطلقا. [شمارة ثبت: (٣٧٤) منبع: المسائل الغروية]

قنوت نماز

سؤال: دعا خواندن در قنوت نماز به زبان فارسی جایز است؟

جواب: در صورت عدم تیسر خواندن به عربی؛ مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (۲۸) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: حکم قنوت در نماز چیست؟ در صورت نسیان و تذکر به آن در رکوع یا بعد از آن وظیفه چیست؟

جواب: قنوت در نماز مستحب مؤکد است؛ که ترك نمی شود، و در صورت ترك آن نسیاناً؛ تدارك آن پس از رکوع جایز است. [شمارة ثبت: (۲۱۷) منبع: المسائل القمّيّة]



ادعيه قنوت نماز

از حضرت امام صادق عليه السلام مي پرسند: چه بگوييم در قنوت؟ حضرت مي فرمايند: هر چه خدا به زبانتان جاري كند، كلام معين و مشخصي ندارد.[117]

سؤال: در قنوت نمازها چه دعاهايي بهتر است خوانده شود؟

جواب: مضامين بسياري براي مناجات و سخن گفتن با حضرت دوست يعني؛ الله (جل شأنه)، در كلام مقدس (وحي و خازنان وحي عليهم السلام) وارد شده است، و از جمله آنها: لعن صنمي قريش (دو بت بزرگ لات و عزّى) است، و حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام بطور مرتب در قنوت نمازهايشان؛ لعن به بتها و طاغوتها را داشته اند، و درباره اين متن مي فرموده اند: كه هر كس به انجام اين لعن موفق شود، مانند كسي است كه در كنار پيغمبر صلى الله عليه وآله، در جنگ بدر و احد شركت كرده، و موفق به ياري ايشان در تير اندازي هزار هزار تير (يعني يك ميليون)، بر عليه دشمنان حضرتش شده باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى محمّد وَ آل محمّد * اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَيْ قُرَيْشٍ * وَ جِبْتَيْهَا وَ طَاغُوتَيْهَا * وَ إِفْكَيْهَا وَ ابْنَتَيْهِمَا * الَّذَيْنَ خَالَفَا أَمْرَكَ * وَ أَنكَرَا وَحْيَكَ * وَ جَحَدَا إِنْعَامَكَ * وَ عَصَيَا رَسُولَكَ * وَ قَلَّبَا دِينَكَ * وَ حَرَّفَا كِتَابَكَ * وَ عَطَّلا أَحْكَامَكَ * وَ أَبطَلا فَرَائِضَكَ * وَ أَلحَدَا في آيَاتِكَ * وَ عادَيَا أَوْلِيَائَكَ *

---

(١١٧) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٥٦٢ ح١.

وَ وَالَيا أَعْدَائَكَ * وَ خَرَّبَا بِلادَكَ * وَ أَفْسَدَا عِبَادَكَ * اللَّهُمَّ الْعَنهُمَا وَ أَنصارَهُمَا * وَ أَتْبَاعَهُمَا * وَ أَوْلِيَائَهُمَا وَ أَشْيَاعَهُمَا وَ مُحِبِّيهِمَا* فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ النُّبُوَّةِ * وَ رَدَمَا بَابَهُ * وَ نَقَضَا سَقْفَهُ * وَ أَلحَقَا سَمَائَهُ بِأَرْضِهِ * وَ عَالِيَهُ بِسَافِلِهِ * وَ ظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ * وَ اسْتَأْصَلا أَهلَهُ * وَ أَبادَا أَنصارَهُ * وَ قَتَلا أَطْفَالَهُ * وَ أَخْلَيَا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ وَ وَارِثِهِ (وَ وَارِثِ عِلْمِهِ) * وَ جَحَدَا نُبُوَّتَهُ (وَ جَحَدَا إِمَامَتَه) * وَ أَشْرَكا بِرَبِّهِمَا * فَعَظِّمْ ذَنْبَهُمَا * وَ خَلِّدْهُمَا فِي سَقَرَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ * لا تُبْقِي وَ لا تَذَرُ* اللَّهُمَّ الْعَنهُمَا * بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ أَتَوْهُ * وَ حَقٍّ أَخْفَوْهُ * وَ مِنْبَرٍ عَلَوْهُ * وَ مُنَافِقٍ وَلَّوْهُ * وَ مُؤْمِنٍ أَرْجَوْهُ * وَ وَلِيٍّ آذَوْهُ * وَ طَرِيدٍ آوَوْهُ * وَ صَادِقٍ طَرَدُوهُ * وَ كَافِرٍ نَاصَرُوهُ * وَ إِمَامٍ قَهَرُوهُ * وَ فَرْضٍ غَيَّرُوهُ * وَ أَثَرٍ أَنكَرُوهُ * وَ شَرٍّ أَضْمَرُوهُ * وَ دَمٍ أَراقُوهُ * وَ خَبَرٍ بَدَّلُوهُ * وَ حُكْمٍ قَلَّبُوهُ * وَ كُفْرٍ أَبْدَعُوهُ * وَ كِذْبٍ دَلَّسُوهُ * وَ إِرْثٍ غَصَبُوهُ * وَ فَيءٍ اِقْتَطَعُوهُ * وَ سُحْتٍ أَكَلُوهُ * وَ خُمْسٍ اِسْتَحَلُّوهُ * وَ باطِلٍ أَسَّسُوهُ * وَ جَوْرٍ بَسَطُوهُ * وَ ظُلْمٍ نَشَرُوهُ * وَ وَعْدٍ أَخْلَفُوهُ * وَ عَهْدٍ نَقَضُوهُ * وَ حَلالٍ حَرَّمُوهُ * وَ حَرامٍ حَلَّلُوهُ * وَ نِفَاقٍ أَسَرُّوهُ * وَ غَدْرٍ أَضْمَرُوهُ * وَ بَطْنٍ فَتَقُوهُ * وَ ضِلْعٍ كَسَرُوهُ * وَ جَنِينٍ أَسْقَطُوهُ * وَ صَكٍّ مَزَّقُوهُ *

وَ شَمْلٍ بَدَّدُوهُ * وَ ذَلِيلٍ أَعَزُّوهُ * وَ عَزِيزٍ أَذَلُّوهُ * وَ حَقٍّ مَنَعُوهُ * وَ إِمَامٍ خَالَفُوهُ * اللَّهُمَّ الْعَنهُمَا بِكُلِّ آيَةٍ حَرَّفُوهَا * وَ فَرِيضَةٍ تَرَكُوهَا * وَ سُنَّةٍ غَيَّرُوهَا * وَ أَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا * وَ رُسُومٍ مَنَعُوهَا * وَ أَرْحَامٍ قَطَعُوهَا * وَ شَهادَةٍ كَتَمُوهَا * وَ وَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا * وَ أَيْمَانٍ (وَ بَيْعَةٍ) نَكَثُوهَا * وَ دَعْوَى أَبطَلُوهَا * وَ بَيِّنَةٍ أَنكَرُوهَا * وَ حِيلَةٍ أَحْدَثُوهَا * وَ خِيَانَةٍ أَوْرَدُوهَا * وَ عَقَبَةٍ اِرْتَقُوهَا * وَ دِبَابٍ دَحْرَجُوهَا * وَ أَزْيَافٍ لَزِمُوهَا * وَ أَمَانَاتٍ خَانُوهَا * اللَّهُمَّ الْعَنهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ وَ ظَاهِرِ العَلانِيَةِ * لَعْنًا كَثِيرًا * دَائِبًا أَبَدًا * دَائِمًا سَرْمَدًا * لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ * وَ لا نَفَادَ لِعَدَدِهِ * لَعْناً يَغْدُو أَوَّلُهُ * وَ لا يَرُوحُ آخِرُهُ * لَهُمْ وَ لأَعْوَانِهِمْ وَ أَنصَارِهِمْ * وَ مُحِبِّيهِمْ وَ مُوَالِيهِمْ * وَ المُسَلِّمِينَ لَهُمْ * وَ المَائِلِينَ إِلَيْهِمْ * وَ النَاهِضِينَ بِأَجْنِحَتِهِمْ * وَ المُقْتَدِينَ بِكَلامِهِمْ * وَ المُصَدِّقِينَ بِأَحْكامِهِم *

سپس چهار مرتبه بگويد: * اللَّهُمَّ عَذِّبهُمْ عَذَابًا * يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ * سپس بگويد: * آمِينَ رَبَّ العَالَمِينَ * [118]

البته دعاهاي ديگري نيز در كلام مقدس (وحي و خازنان وحي) عليهم السلام وارد

(١١٨) بحار الأنوار - ج٨٢ ص٢٦٠ ح٥.

شده است، كه براي اطلاع از تفاصيل آن بايد به كتابهای مربوطه مراجعه شود. و خوب است هر كسي به حسب حال و شرايط خودش قسمتهايي را انتخاب، و در قنوت نماز؛ خدای را به آنها بخواند.

و گذشته از حمد و ثناي الهي و صلوات بر حضرات انبياء و اوصياى الهي عليهم السلام؛ براي همه جهات و مراتب وجودي خود، از جمله: دعا براي غفران گناهان، حفظ و عصمت نفس از مكايد شيطان، زيادت علم و يقين، و نيز براي نيل به كمال معرفت و محبت حق و وصول به حقيقت، و خدمت مسير مولا عليه السلام؛ و تعجيل ظهور حضرت صاحب الأمر عليه السلام ، و توفيق تبعيت و تسليم حضرتش، و خدمت و بندگی و زيارت ايشان، دعا كند. و البته دعا براي سلامتي و تعجيل فرج و حوايج حضرتش را بر دعاهاي ديگر مقدم بدارد. [شمارة ثبت: (۱۳۱۰) منبع: رسالة صلاة جامعة]


مسجد سهله منزل و پايگاه حضرت صاحب الأمر عليه السلام

ركعت سوم و چهارم نماز

در مورد آنچه در قرائت قيام ركعت سوم و چهارم بايد خوانده شود، دو دسته روايات وجود دارد، كه مفاد يك دسته؛ خواندن تسبيحات اربعه و مفاد دسته ديگر؛ خواندن سوره مباركه حمد است، ولي چون از ناحيه مقدسه (عجّل الله تعالى فرجه الشريف) در مورد اينكه چه بايد كرد؟ و به كداميك از اين دو قسم بايد عمل شود؟ صريحا و تفصيلا سؤال شده؛ و از حضرتشان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) جواب چنين رسيده است كه:

سوره حمد بخوانيد،[۱۱۹] لذا واجب و متعين است خواندن سوره حمد و جايي براي مخير بودن شخص نمازگزار بين اين دو و يا ترجيح تسبيحات بر سوره حمد نمي باشد.

سؤال: در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی که در رکعات سوم و چهارم سوره مبارکه حمد خوانده می شود، آیا باید "بسم الله الرحمن الرحیم" را آهسته خواند یا بلند؟

جواب: إجهار و بلند خواندن "بسم الله الرحمان الرحیم" در نمازها مطلقاً (از مستحبی و واجب بلکه در جمیع رکعات)، از ویژگی و علامت پیرو مذهب حق می باشد. [شمارة ثبت: (۱۸) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: حكم جهر به بسم الله؛ در ركعت سوم و چهارم نماز؛ براى امام و مأموم هر دوي آنها مى باشد يا مخصوص امام است؟

---

(۱۱۹) جامع احاديث الشيعة ج٥ ص٤٢٣ ح٨٢٠٦/ احتجاج طبرسى ج٢ ص٣٠٦.

جواب: براى هر دوي آنها مى باشد ولى جهر امام مهيمن است و جهر مأموم كم بوده و اظهار صدايش به قدري كه به آهستگي "هَمْس" (= آهسته ترين صداي قابل شنيدن) نبوده و كمي از اين بيشتر باشد. [شمارة ثبت: (٤٢) منبع: المسائل القمّيّة]



داخل حرم امام حسین علیه‌السلام در قرنهای گذشته

تشهّد و اختتام نماز

❖ تشهد در ركعت دوم نمازهاي سه ركعتي و چهار ركعتي؛ و همچنين در ركعت پاياني همه نمازها انجام مي شود، و تشهد آخر نماز را به **اختتام نماز** توصيف مي كنيم، و فرق اين دو تشهد (مياني و پاياني) فقط در اين است كه: تشهد مياني قسمت سلام را فاقد است.[۱۲۰]

تفاوت زنان و مردان در كيفيت نشستن براى تشهد و اختتام

❖ نحوه نشستن در تشهد براي مردها و زنها يكسان نبوده، و براي هر كدام نحوه اي وارد شده است كه بايد مراعات شود. و بر رعايت اين جهات در كلام خازنان وحي عليهم السلام بسيار تأكيد شده، به حدي كه جز بخاطر عذر و يا از روي سهو و اشتباه نبايستي ترك شود. و بعضي از راز و حكمت آن هم در كلام مقدس بيان گرديده است.

❖ نحوه انجام تشهد و نشستن در تشهد و اختتام؛ براي مردها اين چنين است كه: در حال تشهد ران چپ را روي زمين گزارده، و روي پا را به صورت خوابيده بر زمين نهاده و بر ران چپ بنشينند، به نحوي كه سنگيني بدن در اين حال بر پاي چپ باشد. و ضمن اينكه زانو و ساق پاي راست را به موازات پاي چپ بر زمين نهند، با عمود نگه داشتن گام راست بر روي زمين، روي پاي

---

(۱۲۰) التهذيب ج۲ ص۱۰۱ ح۳۷۷، الاستبصار ج۱ ص۳٤۲ ح۱۲۸۷، وسائل الشيعة ج٦ ص۳۹۷ ح۳.

راست را بروي كف پاي چپ قرار دهند.[121]

ولي نحوه انجام تشهد و نشستن در تشهد و اختتام؛ براي زنها شبيه آنچه امروزه در ميان عامه مردم رايج است؛ دو زانو نشسته و رانها را به هم چسبانيده؛ و روي زمين قرار دهند، به طوري كه سنگيني بدن روي زمين قرار بگيرد، نه روي ساقها.[122]

❖ با اداي اين بخش (اختتام)، نماز به پايان رسيده و تمام مي شود.



(١٢١) فقه الرضا عليه السلام ص١٠١، التهذيب ج٢ ص٩٤، الكافي ج٣ ص٣٣٥، علل الشرائع ص٣٥٥، جامع احاديث الشيعة ج٥ ص٢٢٥ ح٧٦٠٥ و٧٦٠٦ وص٢١٦ ح٧٥٨٨.

(١٢٢) الكافي ج٣ ص٣٣٦ ح٧، التهذيب ج٢ ص٩٥ ح٣٥٢ وسائل الشيعة ج٦ ص٣٩١ ح٢، جامع احاديث الشيعة ج٥ ص٥٨٧ ذيل ح٨٦٩٩ وص٦٠٠.

اذكار تشهد و اختتام نماز

اما اذكار اختتام و پايان نماز، كه به تشهد و سلام معروف است؛ در كلام خازنان وحي عليهم السلام وارد است كه: تشهد آنچنان عبارت محدود و معيني ندارد، كه اگر همان را نگويند اشكال داشته باشد، و اينطور نيست كه چيز ديگري (غير از آنچه در افواه عامه متداول است) نشود گفت،[123] و نيز در كلام شريف وارد است كه: اگر اين طور بود و عبارت مشخصي داشت، مردم در زحمت و هلاكت مي افتادند.[124]

امّا از كلام خازنان وحي عليهم السلام استفاده مي شود كه: اين قسمت (اختتام) نماز پنج جزء دارد: ١ - تسميه و تحميد، ٢ - شهادت به حقايق و عقايد حقه، ٣ - تحيت، ٤ - صلوات، ٥ - تسليم.

لذا بهترين جملاتي را كه انسان ياد داشته باشد در باب؛ تسميه و حمد و ثناي الهي، و اقرار و شهادت به عقايد حقه و تحيت حق، و صلوات و سلام بر پيغمبر و آل معصومين و انبياء و مرسلين و اوصياء و اولياء و ملائكه مقربين عليهم السلام و عباد صالحين، و آن را بگويد، مانعي نداشته و كافي است.

البته بديهي است كه آنچه از لسان معصوم عليه السلام صادر شده افضل است. بعد از اداي اين بخش (اختتام)، نماز تمام مي شود.

---

(١٢٣) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٥٨٨ ح٤.

(١٢٤) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص٥٩٦ ح٢٨.

در اينجا يك اختتام مفصل و يك اختتام مختصر را، كه شامل اجزاء پنج گانه باشد، با ملاحظه عقايد حقه و آنچه در مضامين كلام خازنان وحي عليهم السلام[125] و سيره عملي حضرات معصومين عليهم السلام وارد گرديده است؛ ذكر مي كنيم:

اذكار إختتام مفصّل

تسميه و تحميد

* بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهَ * وَ الحَمْدُ للهِ * وَ خَيْرُ الأَسْمَاءِ للهِ * وَ الأَسْمَاءُ الحُسْنَى كُلُّهَا للهِ *

شهادت به عقائد حقّه

* وَ أَشْهَدُ أَن لا إِلَهَ إِلَّا اللهَ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (محمَّدًا رَسُولُ اللهِ) * أَرْسَلَهُ بِالهُدَى وَ دِينِ الحَقِّ (بِالحَقِّ) * بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ وَصِيُّ رَسُولِهِ * وَ أَنَّهُ وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ حُجَجُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ * وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الحَسَنِ هُوَ القَائِمُ بِأَمْرِهِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ رَبِّي نِعْمَ الرَّبّ * وَ أَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُول * وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِب نِعْمَ المَوْلَى * وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ

---

(١٢٥) جامع أحاديث الشيعة – ج٥ ص٥٨٧ تا ص٥٩٣ أحاديث أبواب تشهد.

نِعْمَ الأَئِمَة * وَ أَشْهَدُ أَنَّ الجَنَّةَ حَـقٌّ * وَ أَنَّ النَّـارَ حَـقٌّ * وَ أَنَّ المَوْتَ حَقٌّ * وَ البَعْثَ حَقٌّ * وَ السَّاعَةَ آتِيَـةٌ لا رَيْـبَ فِيهَـا * وَ أَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي القُبُور *

تحيّت

* التَّحِيَّاتُ للهِ * وَ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ الطَّاهِرَاتُ * الزَّاكِيَـاتُ النَّامِيَاتُ * الحَسَنَاتُ الغَادِيَاتُ الرَّائِحَاتُ * التَّامَّاتُ السَّابِغَاتُ * النَّاعِمَاتُ المُبَارَكَاتُ الصَّالِحَاتُ للهِ * مَا طَابَ وَ زَكَى * وَ طَهُـرَ وَ نَمَى * وَ خَلُصَ وَ صَفَى فَلِلَّهِ * وَ مَا خَبُثَ فَلِغَيْرِ اللهِ *

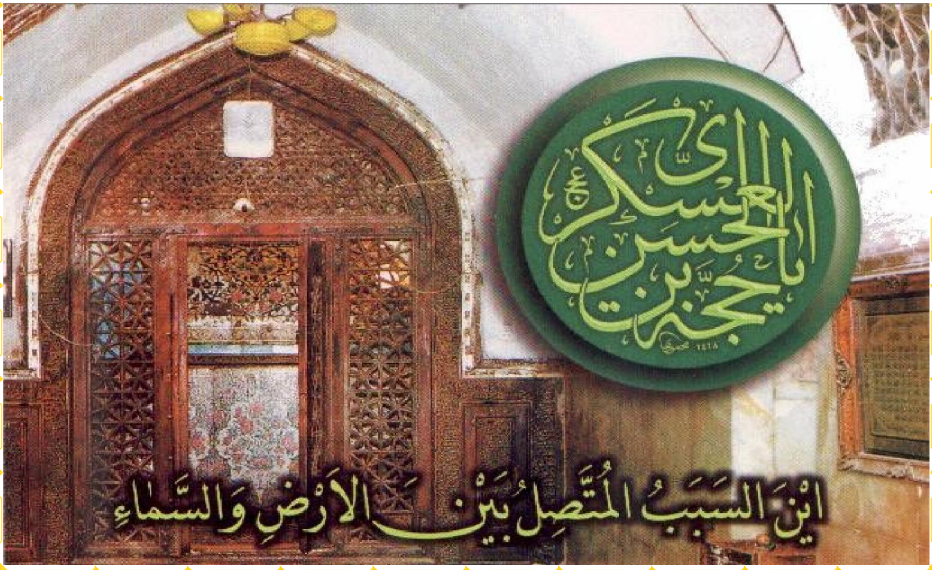
صلوات

* اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَـلِيٍّ وَ آلِهِمَـا الطَّيِّبِـينَ الطَّـاهِرِينَ * وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ * وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ * وَ تَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ * أَفْـضَلَ مَـا صَـلَّيْتَ وَ بَارَكْـتَ وَ سَلَّمْتَ * وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْـتَ * عَلَى إِبْـرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْـرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ الأَنْـوَرِ * وَ عَلَى حَبْلِـكَ الأَطْـوَلِ * وَ عَلَى عُرْوَتِـكَ الـوُثْقَى * وَ عَلَى وَجْهِـكَ الأَكْـرَمِ * وَ عَلَى جَنْبِـكَ الأَوْجَـبِ * وَ عَلَى بَابِـكَ الأَدْنَى * وَ عَلَى سَـبِيلِ (سِلْكِ) الصِّرَاطِ * وَ عَلَى آيَتِـكَ الكُـبْرَى * وَ النَّبَـأِ العَظِـيمِ *

وَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الكِتَابِ لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ * عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبِ * أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ * وَ سَيِّدِ الوَصِيّينَ * وَ وَصِيّ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الهَادِينَ المَهْدِيِّينَ * الرَّاشِدِينَ الفَاضِلِينَ * الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * الأَخْيَارِ الأَبرَارِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ المُصْطَفَى * وَ عَلِيٍّ المُرْتَضَى * وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ * وَ الحَسَنِ المُجْتَبَى * وَ الحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * وَ الأَئِمَةِ الرَّاشِدِينَ مِن آلِ طَاهَا وَ يَاسِين * عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ زَيْنِ العَابِدِينَ * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ البَاقِرِ * وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ * وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الكَاظِمِ * وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الجَوَادِ * وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الهَادِيِّ * وَ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ العَسْكَرِيِّ * وَ الخَلَفِ الحُجَّةِ * صَاحِبِ العَصْرِ وَ الزَّمَانِ * مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ المَهْدِيِّ * صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الرُّوحِ * أَعْظَمِ الملائِكَةِ المُقَرَّبِينَ * وَ عَلَى جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ * وَ إِسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ * وَ عَلَى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبِينَ * وَ أَنبِيَائِكَ المُرْسَلِينَ * وَ رُسُلِكَ أَجْمَعِينَ * وَ أَوْصِيَائِهِم المُكَرَّمِينَ * مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ الأَرَضِينَ * وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَكْتَعِينَ * وَ اخْصُصْ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا * وَ آلَهُمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * بِأَفْضَلِ الصَّلاةِ وَ التَّسْلِيمِ *

تسليم (سلام)

* اللَّهُمَّ أَنتَ السَّلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ وَ لَكَ السَّلامُ * (وَإِلَيْكَ السَّلامُ) وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلام * وَ دَارُكَ دَارُ السَّلام* رَبَّنَا حَيِّنَا بِالسَّلام * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ * السَّلامُ عَلَيْكَ (أَيُّهَا العَلِيُّ) أَيُّهَا الوَصِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ * السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الأَئِمَّةُ الهُدَاةُ الرَّاشِدُونَ المَهْدِيُّونَ * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الحُجَّةُ المُنْتَظَرُ * صَاحِبَ الأَمْرِ وَ العَصْرِ وَ الزَّمَانِ * السَّلامُ عَلَى جَمِيعِ أَنبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ * وَ أَوْصِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ * وَ مَلائِكَتِهِ المُقَرَّبِينَ * السَّلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ * السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ *



اذكار إختتام مختصر

در صورت عدم توفيق يـا كـمي فرصـت بـراي خوانـدن اختتـام مفـصل، از خواندن اين مقدار (حتى الإمكان) غفلت نشود:

* بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ * الحَمْدُ للهِ * أَشْهَدُ أَن لا إِلَهَ إِلَّا اللهَ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ وَصِيُّ رَسُولِهِ * وَ أَنَّهُ وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ حُجَجُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ * وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الحَسَنِ هُوَ القَائِمُ بِأَمْرِهِ * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * اللَّهُمَّ أَنتَ السَّلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ وَ لَكَ السَّلامُ * وَ اِلَيْكَ السَّلامُ * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الوَصِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ * السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الأَئِمَّةُ الهُدَاةُ المَهْدِيُّونَ * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الحُجَّةُ المُنْتَظَرُ * صَاحِبَ الأَمْرِ وَ الزَّمَانِ * السَّلامُ عَلَى جَمِيعِ أَنبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ * وَ أَوْصِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ * وَ مَلائِكَتِهِ المُقَرَّبِينَ * السَّلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ * السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

اذكار إختتام اضطراری

﷽ اگر شخصي در اضطرار يا بيماري يا فوت وقت و احتمال قضاي نماز قرار گرفته كه برايش به مقدار مختصر فوق نيز ميسر نبوده و يا اگر دو جمله كمتر و كوتاهتر بگويد مثلا نمازش قضا نمي شود، يا مي خواهد نافله بخواند؛ در اين موارد اكتفای به كمتر از اين نيز اشكالي ندارد مانند:

* بسم الله * الحمدلله * السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ * السَّلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ * السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ *

سؤال: آيا انسان می تواند در تشهد و سلام نماز به غير از الفاظی كه در رساله صلاه جامعه آمده تكلّم كند؟ مثلا فرازهائی از زيارت جامعه را بعد از (السلام على الأئمّة الهداة المهديين) بياورد؟

جواب: در رساله صلاة جامعه بيان شده است كه: در كلام خازنان وحي عليهم السلام با تصريح آشكار آمده است كه: الفاظ اختتام نماز توقيفي نبوده، و در فرض مذكور؛ صرفِ سلامِ شايسته گفتن مجزي است. [شمارة ثبت: (٢٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در هنگام سلام نماز به صورت كامل، آيا مي توانيم به آن يك اسم ذكر شده در متن معروف اكتفا نكرده و اسمها يا لقبهاي ديگر معصومين عليهم السلام را نيز ذكر نماييم؟ مثلا: براي حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله وقتي كه سلام بر ايشان گفتيم؛ همچنين بگوييم: يا محمد يا احمد؟ و براي سلام بعدي: يا علي يا امير المؤمنين؟ و براي حضرت فاطمه عليها السلام يا سيدة نساء العالمين، يا زهرا، يا مطهره، يا طاهره؟ يا براي حضرت صاحب الأمر عليه السلام بگويد: يا محمد المهدي؟

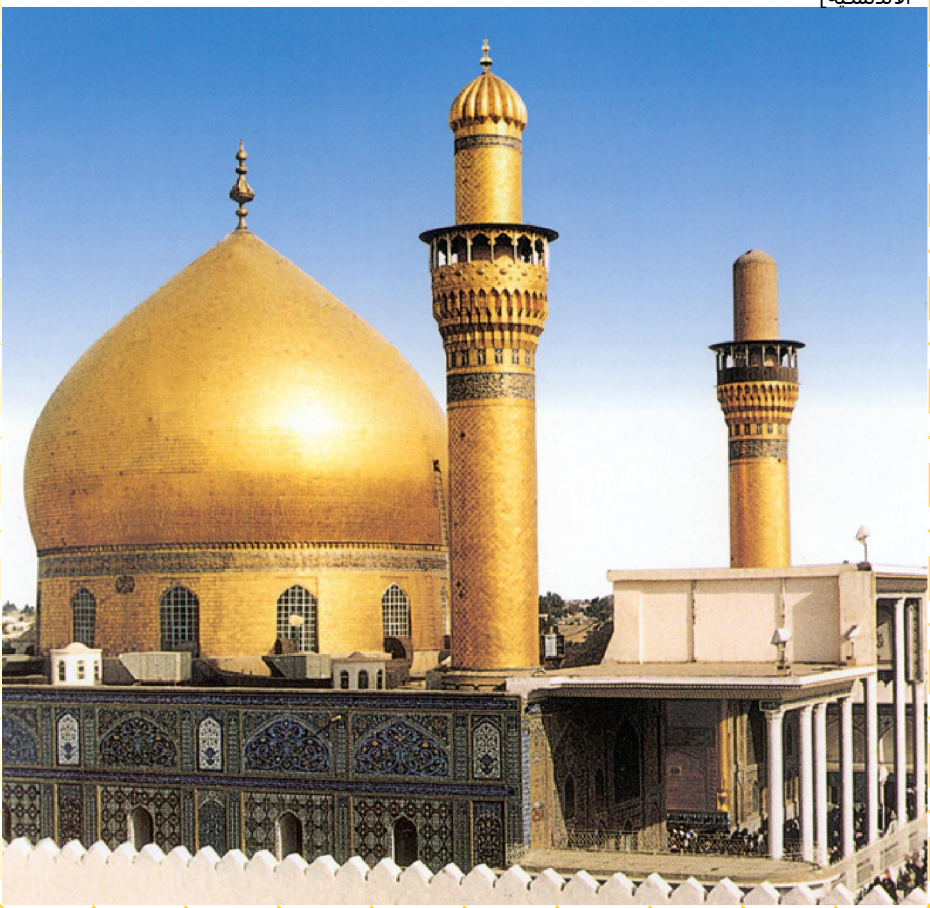
جواب: اگر خطاب سلام با اسماء و القاب متعدده ایشان انجام بگیرد، مانند اینکه بگوید: (السّلام علیك ایّها النبیّ ورحمة الله وبرکاته السّلام علیك یا محمد یا احمد..) اشکالی ندارد. [شمارة ثبت: (١٢٤٠) منبع: المسائل الهندیّة]

سؤال: السلام علیکم در نماز، خطاب به چه کسانی است؟ در نماز جماعت اگر مأمومین نیز مخاطب این سلام هستند چگونه به امام جواب دهند؟ آیا در نظر گرفتن امام در همان "السلام علیکم" کافی است یا باید به نیّت خطاب به امام جماعت تکرار شود؟

جواب: همانطوري که ظاهر است: اصل در خطاب سلام؛ حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله و حضرت مولا علیه السلام و حضرات معصومین و انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام و جمیع کسانی که در سلام تفصیلی ایشان را خطاب می کند، می باشند. و سلام اخیر متوجّه حاضرین آن محضر الهي است: از ملکین یمین و شمال و ملائکه حاضرین و سایرین از اِنس، که اگر تنها باشد با یك سلام به سمت راست یا قبله (اشاره)، و اگر امام جماعت است یك سلام بسوی قبله یا بسوی راست کافی است، و اگر مأموم است و در سمت چپ کسی از مأمومین نیست یك سلام به سمت راست کافی است، و اگر طرفین او مأموم هست یك سلام به سمت راست و یکی بسمت چپ می نماید، هر چند یك سلام مطلقا مجزی است. و توجّه به نحو اشاره صورت یا نظر کافی است، و احتیاج به نیّت کردن مخاطب در سلام نمی باشد، و چون مأموم در جماعت باید تبعیّت نماید؛ فلذا اعمال او در هر مرحله بدنبال امام است، لذا قهراً سلام او بحکم جواب امام نیز خواهد بود، هر چند که برای مأموم افضل است سه سلام؛ یکی به سمت قبله در جواب امام، یکی به سمت راست، و یکی به سمت چپ. [شمارة ثبت: (٢٠٨) منبع: المسائل القمّیّة]

سؤال: چرا در تشهد نماز؛ شهادت به ولايت حضرت مولا عليه السلام گفته نمي شود؟ چرا بعضي از مردم يا پيشنمازها نمي گويند؟

جواب: در تشهد نماز؛ شهادت به عقايد حقه لازم است؛ و اكتفا به شهادت بر توحيد و نبوت مجزي است؛ و التزام به شهادت كامله از توفيقات اهل حق بوده و نزد عامه رايج نيست؛ البته در هنگام تقيه مي توان (مقدار بيشتر از رايج ميان عوام را) آهسته گفت، ولذا شنيده نشدن شهادت كامله مي تواند به همين دليل بوده؛ و يا بخاطر جهل به اين حقيقت باشد. [شمارة ثبت: (١٢٠٩) منبع: المسائل الأندلسية]



تعقيبات نماز

سؤال: اگر ممكن است درباره فضيلت و اهميت تعقيبات نمازهاي فريضه و آداب و انواع آنها مطلبي بفرماييد؟

جواب: فضيلت، اهميت، آداب، و انواع تعقيبات فرائض يوميه:

خداوند تعالى در كلام وحي (قرآن كريم) مي فرمايد: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾، در بيان خازنان وحي عليهم السلام از معاني اين آيات مباركه آمده است كه: حضرت امام باقر عليه السلام فرموده اند: (يعني) پس آن هنگام كه از نماز فارغ شدي بعد از سلام؛ در حالي كه نشسته اي؛ متمركز شو در دعاي از امور آخرت و دنيا، و آن هنگام كه از دعا فارغ شدي پس توجه كن و رغبت بورز به خداوند تا اينكه خداوند نماز فريضه ات را از تو بپذيرد.

و نيز در كلام وحي (حديث قدسي) خداوند فرموده است: اي فرزند آدم؛ مرا بعد فجر و بعد عصر ساعتي ياد كن؛ مهمات تو را كفايت مي كنم.
همچنين در كلام شريف (حضرات معصومين عليهم السلام) وارد شده است كه: در پي هر نماز فريضه دعايي مستجاب و حاجتي برآورده است، كه با تعقيبات نماز بدست مي آيد، و تعقيب نماز از تلاش و دويدن در شهرها رزق آورتر است، (خطاب به آنكه بخاطر فعاليت اقتصادي تعقيب نماز را ترك مي كند).

در كلام خازنان وحي عليهم السلام آداب و انواع تعقيبات فرايض يوميه بيان شده است، از جمله آنهاست:

۱- تقديم تعقيبات بر نوافل، ۲- باقي ماندن بر طهارت نماز در وقت تعقيبات،

٣- پرهيز از نواقض نماز در تعقيبات (از جمله حرف زدن)، ٤- نشستن براي تعقيبات، ٥- دست به دعا برداشتن (تا بالاي سر)، ٦- ذكر بسيار خداوند: تسبيحات فاطميه عليها السلام، صد تهليل، هفتاد استغفار، صد بسمله و حوقله (بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العليّ العظيم)، ٧- انجام آنها با تسبيح تربت حسيني عليه السلام (٣٤ دانه)، ٨- خداى را خواندن با دست گشوده بسوي آسمان، بوسيله دعاهاي وارده، بويژه آن دعاهايي كه تأكيد الزام آور دارد، و آنچه مشتمل بر: شهادت كامله به عقائد حقه، و صلوات (بر معصومين عليهم السلام) و برائت (از دشمنان ايشان) بوده، و نيز درخواست رفع نواقص نماز و قبولي آن، و نيز حوائج اخروي و دنيوي خود و خانواده و همراهان ديني مي باشد.

٩- تلاوت برخي از سور و آيات قرآني، همچون: سوره هاى ام الكتاب، توحيد و انشراح (بعد همه فرائض)، و سوره هاى واقعه و ياسين و ملك و نوح و نبأ (بعد برخي از آنها)، فواتح سورة بقرة (١-٥)، آيت الكرسي (٢٥٥-٢٥٧)، خواتم سورة بقرة (٢٨٤-٢٨٦)، آيه من يتق الله (طلاق٣-٥)، آيه نور (٣٥ تا ٣٨)، آيه شهادة (آل عمران١٨-١٩)، آيه مُلك (آل عمران ٢٦-٢٧)، آيه رزق (ذاريات ٢٢)، آيه تسخير (اعراف ٥٤-٥٦)، فواتح سوره فتح (١-٤)، خواتيم سوره حشر (٢١-٢٤).

١٠- تسبيح واجب صبح و شام (لا إله الا الله وحده... و هو على كل شيئ قدير).

١١- سجده شكر (صد حمد و يا شكر) با پيشانى و روى در خاك ماليدن و چسباندن ساقهاى دست؛ و سينه و شكم به زمين.

١٢- تفكر در محاسبه اعمال، و ارتقاي معرفت. وفقنا الله تعالى جميعا لحقّ معرفته و تمام عبوديّته و خالص عبادته وكثير خدمته، بمنّه وكرمه، آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (١٣٢١) منبع: المسائل الهنديّة]

سؤال: در باب تعقيبات نماز اذكار و ادعيه فراواني وارد شده است، آيا همه آنها را بايد بخوانيم؟ كداميك افضل است؟ آيا مواردي هست كه حتى الإمكان نبايد ترك بشود؟

جواب: تعقيبات لا زمه، جامعه، صلوات، برائت، رفع نواقص فريضه، تعويذ:

اهتمام علماى دين بر حفظ و نشر فرمايشات معصومين عليهم السلام سبب شده؛ تا آنچه در باب تعقيبات نماز وارد گرديده؛ يكجا جمع آوري و ارائه شود؛ تا براى بهره مندي مؤمنين در دسترس باشد، اما اين امر به معناي اين نيست كه نمازگزار به انجام همه آنها ملزم مي باشد.

بويژه آنكه نوعا هر كدام از اينها به عنوان دستور العملي جداگانه براى تعقيب نماز وارد شده، و اين به ما مي فهماند كه اكتفا به بعضي از آنها هم مجزي است، البته هر يك از آنها؛ بر حسب نيازهاى درخواست كننده و آثار مطلوبه توصيه گرديده است.

اگر در شأن صدور آنچه در باب تعقيبات نماز وارد شده تأمل بشود؛ ملاحظه مي گردد كه: بعضي از آنها به زبان تفضيل؛ و بعضي با لحن تشويق؛ و بعضي با بيان نتايج و فوايد و بركات آن؛ توصيه يا معرفي شده اند، كه اهل ايمان بر حسب رغبت و تناسب شرايط و احوال خود؛ در انتخاب از آنها مختار مي باشند،

ولى بعضي ديگر از تعقيبات نماز به لسان "فرض و لزوم و يا تأكيدي (در اين حدود)" وارد شده اند؛ ازين روست كه مي بينيم؛ بندگان درگاه مقام ولايت كبرى (منه السلام) در التزام بر اينها كوشا هستند، نمونه هايي از انواع مذكور را ياد آوري مي نمايم:

(١)- حضرت مولا أميرالمؤمنين عليه السلام از نمازشان فارغ نمي شدند الّا اينكه به اين تعقيب دعا مي نمودند، (و اين تعقيب در عين موجز بودن لفظ؛ از نظر معنا؛ جامع همه خيرات مادي و معنوي است) :

* اللَّهُمَّ اجْعَلنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلاءٍ * وَ اجْعَلنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوى وَ مُنْقَلَبٍ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ * وَ مَمَاتِي مَمَاتَهُمْ * وَ اجْعَلنِي مَعَهُمْ فِي المَوَاطِنِ كُلِّهَا * وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ أَبَدًا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْئٍ قَدِيرٌ *[١٢٦]

(٢)- سبحه طاهره و تسبيحات فاطميه عليها السلام كه فضيلتش معروف است؛ ولى به اين ترتيب و عدد بگويند: * الله اكبر (٣٤ مرتبه) * سبحان الله (٣٣ مرتبه) * الحمد لله (٣٣ مرتبه) *[١٢٧]

(٣)- از جمله دعاهاي سِرّ كه حضرت رسول اكرم صلى الله عليه وآله آنرا از حضرت حق (جلّ شأنه) در معراج آموخته اند؛ اين دعاست كه حقتعالى فرمود: يا محمّد هر كسي از امت تو بخواهد تا نمازهاي واجب و مستحب از او قبول شود؛ پس بايد بعد از هر يك از آنها اين تعقيب را بگويد.

توضيح: مضامين اين تعقيب شريف در باب توفيق سير معنوي رهروان راه حق؛

---

(١٢٦) جامع أحاديث الشيعة - ج٥ ص١٩٥ ح٤ / بحار الانوار - ج٨٣ ص٤٣.

(١٢٧) جامع أحاديث الشيعة - ج٢ ص٣٦٦ ح٦.

بسيار گويا و جامع است:

* يـا شَارِعًا لِمَلَائِكَتِهِ الدِّينَ الْقَيِّمَ دِينًا رَاضِيًا بِهِ مِنْهُمْ لِـنَفْسِهِ * وَ يـا خَالِقَ مَنْ سِوَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ خَلْقِهِ لِلابْتِلَاءِ بِدِينِـهِ * وَ يـا مُسْتَخْلِصًا (× مُسْـتَخِصًّا) مِنْ خَلْقِهِ لِدِينِهِ رُسُلاً بِدِينِهِ إِلَى مَنْ دُونَهُمْ * وَ يـا مُجَازِي أَهْـلَ الدِّيـنِ بِمَـا عَمِلُـوا فِي الدِّيـنِ * اِجْعَلْنِي بِحَقِّ اسْمِكَ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَنْسُوبٌ إِلَيْـهِ * مِنْ أَهْلِ دِينِكَ الْمُؤْثِرِ بِهِ بِإِلْزَامِكهُمْ حَقَّهُ * وَ تَفْرِيغِكَ قُلُـوبَهُمْ الْمُرَغَّبَةَ فِي أَدَاءِ حَقِّكَ فِيهِ إِلَيْكَ * لَا تَجْعَلْ بِحَـقِّ اسْـمِكَ الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ الْأُمُورِ كُلِّهَا * شَيْئًا سِوَى دِينِكَ عِنْدِي أَبْـيَنَ فَضْلًا * وَ لَا إِلَيَّ أَشَدَّ تَحَبُّبًـا وَ لَا بِي لَاصِقًا وَ لَا أَنَا إِلَيْـهِ مُنْقَطِعًـا * وَ اغْلِبْ بَالِي وَ هَوَايَ وَ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَـتِي * وَ اسْفَعْ بِنَاصِـيَتِي إِلَى كُلِّ مَا تَرَاهُ لَكَ مِنِّي رِضًى مِنْ طَاعَتِكَ فِي الدِّينِ *[١٢٨]

(٤)- در كلام حضرات معصومين عليهم‌السلام درباره تعقيبات نماز؛ دو تعقيب است كه تعبير "حقّ ما (يا) حق واجب ما بر شيعيان" درباره آن بكار رفته است:

[الف]: ابن وهب (از اصحاب ائمه هدى عليهم‌السلام) مي گويد: در نوشـته هـاي پـدرم لوحي را به خط مولا يمان موسي بن جعفر عليهما‌السلام يافتم؛ كه بر آن نوشته بود:

(١٢٨) مصباح شيخ طوسي و البلد الأمين - ص٥١٢ / بحار الانوار - ج٨٣ ص٣٩.

از حقوق واجب ما بر شیعیانمان آنست که: از نماز واجب یومیه برنخیزند مگر اینکه این تعقیب را بگویند؛ و حضرتش هم بعد از هر فریضه؛ خود به این دعا خداوند را مي خوانده اند:[۱۲۹]

* اَللَّهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَ رَأْفَتِكَ * بِتَرْبِيَتِكَ اللَّطِيفَةِ وَ شَفَقَتِكَ * بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ وَ قُدْرَتِكَ * بِسَتْرِكَ الْجَمِيلِ وَ عِلْمِكَ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ * وَ اجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً * وَ عُيُوبَنَا مَسْتُورَةً * وَ فَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً * وَ نَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً * وَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً * وَ نُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً * وَ عُقُولَنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُولَةً * وَ أَرْوَاحَنَا عَلَى دِينِكَ مَفْطُورَةً * وَ جَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً * وَ أَسْمَائَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً * وَ حَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً * وَ أَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً * أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ * وَ سَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ * وَ عَزَّ مَنْ نَادَاكَ * وَ ظَفِرَ مَنْ رَجَاكَ * وَ غَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ * وَ رَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ * وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْئٍ قَدِيرٌ * اَللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ

---

(۱۲۹) مصباح شيخ طوسي / البلد الامين شيخ كفعمي / جنة الامان سيد بن طاووس / اختيار ابن الباقى / عدة السفر شيخ طبرسي/ بحار الأنوار - ج۸۳ ص۵۵ س۱۵.

اسْمَعْ دُعَائِي كَمَا تَعْلَمُ فَقْرِي إِلَيْكَ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

[ب]: از حضرت امام صادق عليه‌السلام روايت است كه فرمودند: از حق ما بر دوستان و شيعيانمان آنست كه كسي از آنها از نماز منصرف نشود، مگر آنكه به اين دعا خداى را بخواند:

* اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَامَّةً دَائِمَةً * وَ أَنْ تُدْخِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ مُحِبِّيهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ * حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا * فِي سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ * أَوْ بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ * مِنْ بَرَكَةِ دُعَائِي مَا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُهُمْ * اِحْفَظْ يَا مَوْلَايَ الْغَائِبِينَ مِنْهُمْ * وَ ارْدُدْهُمْ إِلَى أَهَالِيهِمْ سَالِمِينَ * وَ نَفِّسْ عَنِ الْمَهْمُومِينَ * وَ فَرِّجْ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ * وَ اكْسُ الْعَارِينَ * وَ أَشْبِعِ الْجَائِعِينَ * وَ أَرْوِ الظَّامِئِينَ * وَ اقْضِ دَيْنَ الْغَارِمِينَ * وَ زَوِّجِ الْعَازِبِينَ * وَ اشْفِ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ * وَ أَدْخِلْ عَلَى الْأَمْوَاتِ مَا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُهُمْ * وَ انْصُرِ الْمَظْلُومِينَ مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ * وَ أَطْفِ نَائِرَةَ الْمُخَالِفِينَ * اَللَّهُمَّ وَ ضَاعِفْ لَعْنَتَكَ وَ بَأْسَكَ * وَ نَكَالَكَ وَ عَذَابَكَ * عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا نِعْمَتَكَ * وَ خَوَّنَا رَسُولَكَ * وَ اتَّهَمَا نَبِيَّكَ وَ بَايَنَاهُ * وَ حَلَّا عَقْدَهُ فِي وَصِيِّهِ * وَ

نَبَذَا عَهْدَهُ فِي خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ * وَ ادَّعَيَا مَقَامَهُ * وَ غَيَّرَا أَحْكَامَهُ * وَ بَدَّلَا سُنَّتَهُ * وَ قَلَّبَا دِينَهِ * وَ صَغَّرَا قَدْرَ حُجَجِكَ * وَ بَدَءَا بِظُلْمِهِمْ * وَ طَرَّقَا طَرِيقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ * وَ الْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ * وَ الْقَتْلِ لَهُمْ * وَ إِرْهَاجِ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ * وَ مَنْعِ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثُّلَمِ * وَ تَقْوِيمِ الْعِوَجِ * وَ تَثْقِيفِ الْأَوَدِ * وَ إِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ * وَ إِظْهَارِ دِينِ الْإِسْلَامِ * وَ إِقَامَةِ حُدُودِ الْقُرْآنِ * اَللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا وَ ابْنَتَيْهِمَا * وَ كُلَّ مَنْ مَالَ مَيْلَهُمْ * وَ حَذَا حَذْوَهُمْ * وَ سَلَكَ طَرِيقَتَهُمْ * وَ تَصَدَّرَ بِبِدْعَتِهِمْ * لَعْناً لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالٍ * وَ يَسْتَعِيذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ * اِلْعَنِ اللَّهُمَّ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ * وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُمْ * وَ دَعَا إِلَى وِلَايَتِهِمْ * وَ شَكَّ فِي كُفْرِهِمْ * مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ * سپس هر چه حاجت مي خواهد بخواهد.[130]

(٥)- بعضي از تعقيبات وارده؛ مضامينى است كه مشتمل بر برائت از اضداد حق؛ و دشمنان حقيقت مي باشد، و رعايت آنها اهميت دارد:

[الف]: أصحاب حضرت امام صادق عليه السلام نقل مي كنند كه شنيديم حضرتش را كه بعد از هر نماز واجب لعن مي نمود؛ چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان

(١٣٠) مهج الدعوات - ص٤١٦و٤١٧ و البلد الامين/ بحار الانوار - ج٨٣ ص٥٩.

را: تِيْمِي و عَدْوِي و فُعْلان و معاويه؛ و فلانه و فلانه (و نامشان را هم بردند) و هند و ام الحكم خواهر معاويه.[١٣١]

[ب]: از حضرت امام باقر عليه السلام روايت است كه فرمود: وقتي از نماز واجب فارغ شدي، جدا مشو مگر با لعن نمودن بني اميه.[١٣٢]

(٦)- نوع ديگر از تعقيبات؛ مضاميني است كه براى تكميل كاستيهاى شخص در نماز و بهره مندي او از بركات معنوي و مدارج آسماني تعليم گرديده است:

[الف]: براى جبران نواقص شخص در نماز و بهره مندي از بركات معنوي نماز؛ از حضرت مولا علي عليه السلام وارد شده، و از حضرت امام حسن عسكري عليه السلام هم توصيه شده كه بعد از نمازها گفته شود:

* اَللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ * وَ إِيَّاكَ دَعَوْتُ * وَ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي * مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ * وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَةِ * وَ

---

(١٣١) الكافي ج٣ص٣٤٢ / التهذيب -ج١ص٢٢٧ / بحار الانوار - ج٨٣ ص٥٨.

توضيح: مقصود از "تِيْمي" همان "جِبْت" و بت معروف قريش "هُبَل" است؛ كه در قبيله "تِيْم" بوده، و به "اوّلي" شناخته مي شود، و مقصود از "عَدْوي" همان طاغوت و بت معروف قريش "لات" است كه در قبيله "عَدِيّ" بوده، و به "دوّمي" شناخته مي شود، و مقصود از "فُعلان" همان "غَيّ" و بت معروف قريش "عُزّى" است؛ كه در طايفه "اموي" بوده، و به "سوّمي" شناخته مي شود، و مقصود از "فلانه و فلانه" آن دو زنى بوده كه در مسموم كردن حضرت پيامبر صلى الله عليه وآله نقش داشته اند.

(١٣٢) التهذيب - ج١ ص١٦٥و٢٢٧ / بحار الانوار - ج٨٣ ص٥٨.

الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَةِ * وَ النِّسْيَانِ وَ الْمُدَافَعَةِ * وَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ * وَ الرَّيْبِ وَ الْفِكْرَةِ * وَ الشَّكِّ وَ الْمَشْغَلَةِ * وَ اللَّحْظَةِ الْمُلْهِيَةِ * عَنْ إِقَامَةِ فَرَائِضِكَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ اجْعَلْ مَكَانَ نُقْصَانِهَا تَمَامًا * وَ عَجَلَتِي تَثَبُّتًا (× تَثْبِيتًا) وَ تَمَكُّنًا * وَ سَهْوِي تَيَقُّظًا * وَ غَفْلَتِي تَذَكُّرًا * وَ كَسَلِي نَشَاطًا * وَ فُتُورِي قُوَّةً * وَ نِسْيَانِي مُحَافَظَةً * وَ مُدَافَعَتِي مُوَاظَبَةً * وَ رِيَائِي إِخْلَاصًا * وَ سُمْعَتِي تَسَتُّرًا * وَ رَيْبِي بَيَانًا * وَ فِكْرِي خُشُوعًا * وَ شَكِّي يَقِينًا * وَ تَشَاغُلِي فَرَاغًا * وَ لِحَاظِي خُضُوعًا (× خُشُوعًا) * فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِيَّاكَ دَعَوْتُ * وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ مَا عِنْدَكَ طَلِبْتُ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَةً * تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي وَ تُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي * وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَ تُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي * وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَ تَحُطُّ بِهَا وِزْرِي * وَ تَقْبَلُ بِهَا فَرْضِي وَنَفْلِي * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ احْطُطْ بِهَا وِزْرِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّي * اَلْحَمْدُ للهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاتِي * إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا * وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَكْرَمَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَهُ * اَللّٰهُمَّ كَمَا أَكْرَمْتَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَكَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ صُنْهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَّا مِنْكَ (× لَكَ) * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ * وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِنُقْصَانِهَا * وَ مَا سَهَا عَنْهُ قَلْبِي مِنْهَا فَتَمِّمْهُ لِي * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ * وَ أُولِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ * وَ ذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ * وَ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ * وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمُوَالَاتِهِمْ وَ مَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ * وَ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِي وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ * وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ خَالِصًا مُخْلَصًا * يُوَافِقُ (× يُوَافِي) مِنْكَ رَحْمَةً وَ إِجَابَةً * وَ افْعَلْ بِي جَمِيعَ مَا سَئَلْتُكَ مِنْ خَيْرٍ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ * إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا * يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ (× لَا يَنْقَطِعُ) أَبَدًا * يَا ذَا

النَّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا (× أَبَدًا) * يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ آمَنَ بِكَ فَهَدَيْتَهُ * وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَ سَئَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ * وَ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَرْضَيْتَهُ وَ أَخْلَصَ لَكَ فَأَنْجَيْتَهُ * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَحْلِلْنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ * لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ * اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ (× الْفَقِيرِ الذَّلِيلِ) * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي * وَ تَقْلِبَنِي بِقَضَاءِ جَمِيعَ حَوَائِجِي إِلَيْكَ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اَللَّهُمَّ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِي * وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي * وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي * مِنْ أَمْرٍ تَعْلَمُ فِيهِ صَلَاحَ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْهُ بِي * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ * مَا شَاءَ اللهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ *[١٣٣]

[ب]: روايتي ديگر از همين دعا با مضموني مختصر، واندكي اختلاف به اين نحو وارد شده است:

---

(١٣٣) فلاح السائل - ص١٨٣ و١٨٥/ بحار الانوار - ج٨٣ ص١٤.

* اَللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ * وَ فِي صَلَاتِي مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ * وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَةِ * وَ الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَةِ * وَ النِّسْيَانِ وَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ * وَ الشَّكِ وَ الْمُدَافَعَةِ * وَ الرَّيْبِ وَ الْعُجْبِ وَ الْفِكْرِ * وَ التَّلَبُّثِ عَنْ إِقَامَةِ كَمَالِ فَرْضِكَ * فَأَسْئَلُكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ أَنْ تُحَوِّلَ نُقْصَانَهَا تَمَامًا * وَ عَجَلَتِي فِيهَا تَثَبُّتًا وَ تَمَكُّنًا * وَ سَهْوِي تَيَقُّظًا * وَ غَفْلَتِي مُوَاظَبَةً * وَ كَسَلِي نَشَاطًا * وَ فَتْرَتِي قُرَّةً * وَ نِسْيَانِي مُحَافَظَةً * وَ مُدَافَعَتِي مُرَابَطَةً * وَ رِيَائِي إِخْلَاصًا * وَ سُمْعَتِي تَسَتُّرًا * وَ شَكِّي يَقِينًا * وَ رَيْبِي بَيَانًا * وَ فِكْرِي خُشُوعًا * وَ تَحَيُّرِي خُضُوعًا * فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ * وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَ بِكَ آمَنْتُ * وَ إِيَّاكَ قَصَدْتُ * فَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَةً * تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي * وَ تُكَرِّمُ بِهَا مَقَامِي * وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي * وَ تُزَكِّي بِهَا عَمَلِي * وَ تَحُطُّ بِهَا وِزْرِي * اَللَّهُمَّ احْطُطْ بِهَا عَنِّي ثِقْلِي * وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا تَقْطَعُ عَنِّي * اَلْحَمْدُ للهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي فَرِيضَةً مِنَ الصَّلَوَاتِ * الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا * يَا اَللهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *[١٣٤]

---

(١٣٤) بحار الأنوار - ج٨٣ص٥٤.

[ج]: براي توفيق به مراتب عاليه و نايل شدن به درجات آسماني؛ مواظبت بر اين اذكار پس از نمازها وارد شده است:

پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله فرمودند: در شب معراج وقتي خداوند مرا به آسمان دنيا عروج داد، به قصري از جواهر سرخ گذر كردم، پس گفتم: اي حبيب من جبرائيل عليه السلام؛ اين قصر از براى كيست؟ گفت: از براى كسى است كه نماز صبح را بجاي آورد و بعد از آن چهل مرتبه بگويد:

* يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ إِرْحَمْنِي *

و وقتي حضرتش به آسمان دوم بالا برده شد، گذرشان به قصري افتاد؛ كه داراي هفتاد درب بود، پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: اي حبيب من جبرائيل عليه السلام؛ اين قصر از براى كيست؟ پس گفت: براي كسي كه نماز ظهر را بخواند و بعد از آن هفتاد مرتبه بگويد:

* يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ إِغْفِرْ لِي *

و چون به آسمان سوم برده شدند؛ به قصري كه در هوا معلق بود گذر كردند، پس فرمودند: اي حبيب من جبرائيل عليه السلام؛ اين قصر از براى كيست؟ پس گفت: از براي كسي كه؛ بجاي آورد نماز عصر را و بعد از آن هفده مرتبه بگويد:

* لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ يَبْقَى رَبُّنَا وَ يَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ *

و چون به آسمان چهارم عروج داده شدند، به قصري از مروارید كه كنگره هاي آن از زبرجد بود گذر نمودند، پس فرمودند: اي برادرم جبرائيل عليه السلام؛ اين

قصر از برای کیست؟ گفت: براي کسي که نماز مغرب را بخواند و بعد از آن چهل مرتبه بگوید:

* يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ * أَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و وقتي به آسمان پنجم بالا برده شدند، به قصري از ارغوان مرور نمودند، فرمودند: اي حبيب من، اين قصر از براى كيست؟ گفت: از براى كسي كه نماز عشاء را بجاى آورد و بعد از آن هفتاد مرتبه بگوید:

* يَا عَالِمَ خَفِيَّتِي إِغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي *

و چون خداوند مرا به آسمان ششم عروج دادند، گذرم به گنبد سفيدي افتاد، گفتم: اين بارگاه از براى كيست؟ گفت: براي كسي كه شب بيدار شود (براي نماز شب) و سه مرتبه بگوید:

* يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ * يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ * إِرْحَمْ عَبْدَكَ الْخَاطِئَ * اَلْمُعْتَرِفَ بِذَنْبِهِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و چون خداوند مرا به آسمان هفتم بالا برد، مرور كردم به قصري از مروارید سفید، پس گفتم: اي حبيب من جبرائيل عليه السلام؛ اين قصر از براى كيست؟ گفت: از براى كسي كه بخواند هر روز پانزده مرتبه:

* سُبْحَانَ اللهِ بِعَدَدِ مَا خَلَقَ * سُبْحَانَ اللهِ بِعَدَدِ مَا هُوَ خَالِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ *

(٧)- برخي ديگر از تعقيبها؛ راهنمـايي بـه دعاهـايي اسـت كـه بـراى: تعويـذ و محفوظ ماندن خود شخص و دارايي او از نظر مادي و معنوي مى باشد:

[الف]: و از حضرت امام صادق عليه السلام روايت شده كه فرمودند: هر كسى بعـد از نماز واجب؛ سه بار اين جملات را بگويد، در بر گرفته مي شود به واسطه بـالي از بالهاي جبرائيل عليه السلام، و خود و خانواده و مالش محفوظ مي مانند:

* أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى * اَلْجَلِيلَ الْعَظِيمَ * دِيـنِي وَ نَفْـسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي * وَ إِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَوَاتِيَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي * وَ جَمِيـعَ مَـنْ يَعْنِيـنِي أَمْـرُهُ * أَسْـتَوْدِعُ اللهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُـوفَ * اَلْمُتَضَعْـضِعَ لِعَظَمَتِـهِ كُلُّ شَـيْءٍ * دِيـنِي وَ نَفْسِي وَ أَهْـلِي وَ مَـالِي وَ وُلْدِي * وَ إِخْـوَانِيَ الْمُـؤْمِنِينَ وَ أَخَـوَاتِيَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي * وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ *[١٣٥]

[ب]: و نيز فرموده اند: ترك نكن بعد از هر نماز گفتن اين تعويذ جامع را:

* أُعِيذُ نَفْسِى وَ دِينِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي * بِـاللهِ الْوَاحِـدِ الأَحَـدِ الصَّمَدِ...(تا پايان سـوره توحيـد) * وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَا رَزَقَـنِي رَبِّي * بِرَبِّ الْفَلَقِ.... (تا پايان سـوره فلـق) * و أُعِيـذُ نَفْـسِي وَ دِيـنِي وَ مَـا رَزَقَنِي رَبِّي * بِرَبِّ النَّاسِ...(تا پايان سوره ناس).

---

(١٣٥) الكافى - ج ٢ ص٥٧٣ / بحار الأنوار - ج٨٣ص٤٧وص٥٠.

حضرت امام صادق عليه السلام فرموده اند: كسي كه بعد از هر نماز واجب فقرات (فوق) را سه مرتبه بگويد؛ خداوند تعالى او را در جان و مال و فرزند و خانه اش محافظت مي فرمايد.[136]

[ج]: روزي به يكي از اصحاب پيامبر صلى الله عليه وآله خبر دادند كه: خانه ات آتش گرفته، او گفت: آتش نگرفته. پس نفر دوم و سوم آمدند و او را به همين مطلب خبر دادند، او گفت: آتش نگرفته. پس از آن معلوم شد كه آنچه اطراف آن خانه بوده سوخته؛ بجز خانه او. به وي گفتند: از كجا دانستي آن را؟ گفت: شنيدم از پيامبر صلى الله عليه وآله كه فرمود: هر كسى اين كلمات را در صبحگاه هر روزي بگويد، نمي رسد به او بدي در آن روز؛ و هر كسى در شب آن روز بگويد؛ نمي رسد به او بدي در آن شب، و من هم گفته بودم آن كلمات را؛ و آن كلمات اين است:

* حَسْبِيَ اللهُ رَبِّي * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ * وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * مَا شَاءَ اللهُ كَانَ * وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ * أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ أَنَّ اللهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا * وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا * اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ *[137]

---

(١٣٦) الكافى، ج٣ص٣٤٣ / بحار الأنوار، ج٨٣ ص٤٧ ح٥٤ وص٥١ ح٥٤ وص١٥٥ ح٣٨ و ص٢٦٤ ح٣٤ / البلد الأمين، ص١٠/ مكارم الأخلاق ص٣٢٣/ مصباح المتهجد و اختيار ابن الباقي.

(١٣٧) بحار الأنوار، ج٨٣ ص٥١ س٦ / عدة الداعي.

[د]: و فرموده اند: كه اگر كسي در هر روز هفت مرتبه بخواند: * حَسْبِيَ اللّٰهُ * رَبِّيَ اللّٰهُ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * عَلَيْه تَوَكَّلْتُ * وَ هُـوَ رَبُّ الْعَـرْشِ الْعَظِيمِ * كفايت مي كند خداوند (عزّ وجلّ) مهمات دنيا و آخرت او را.[۱۳۸]

و ستايش مخصوص پـروردگار جهانيـان اسـت.[۱۳۹] [شـمارة ثبت: (۱۱۹۶) منبع: المسائل الخراسانية]

برای توفیق تشرف به زیارت حضرت صاحب الأمر علیه السلام

❖ از حضرات معصومین علیهم السلام رسیده است که: مداومت بر این دعا در تعقیب فرایض سبب می شود تا آنقدر زنده بماند تا حضرت مهدی علیه السلام را زیارت کند:

* اَللهُمّ صَلِّ عَلى مُحَمّـدٍ وَ آلِ مُحَمّـدٍ * اَللهُمّ إِنّ رَسُـولَكَ الـصّادِقَ الْمُصَدّقَ صَلَواتُكَ عَلَيْـه وَ آلِهِ قَالَ: * إِنّكَ قُلْتَ: * ما تَـرَدّدْتُ في شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ * كَتَرَدُّدي في قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ * يَكْـرَهُ الْمَـوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَـاءَتَهُ * اَللهُمّ فَصَلّ عَلى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ * وَ عَجِّلْ لِوَلِيـّكَ الْفَرَجَ وَ النّـصْرَ وَ الْعَافِيَةَ * وَ لَاتَسُؤْنِي فى نَفْسي وَ لَا فِي... (و نام مي برى هر كه و هر موضوعى را كه مى خواهى آسيبي نبيند).

---

(۱۳۸) بحار الأنوار، ج۸۳ ص۵۱.

(۱۳۹) بحار الانوار-ج۸۳ ص۵۲.

نكته: از آنجا كه به لطف حق؛ شخص موفق به اين عمل؛ در هر آسماني (از اوّل تا هفتم) قصرى را دارا مي شود؛ مي تواند اشاره باشد به توفيق وي در نهايت؛ به طي مراتب سبعه وجودى؛ و نائل شدن او به مرتبه تمكن در هر يك از آنها، ان شاء الله تعالى.

ذكر واجب قبل طلوع و قبل غروب آفتاب

❖ حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: فريضة على كلّ مسلم أن يقول قبل طُلوع الشّمس عشراً وقبل غروبها عشراً. (ترجمه) بر هر مسلمان فريضه (واجب) است كه قبل از طلوع خورشيد ده بار اين اذكار را بگويد و قبل از غروب خورشيد؛ نيز ده بار بگويد:

* لا إِلـهَ إِلّا اللّهُ * وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحيي وَ يُميتُ * وَ يُميتُ وَ يُحْيي * وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْر * وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيء قَديرٌ *

و از شدت تأكيد برانجام اين عمل؛ وارد شده است كه: اگر ترك شد آنرا قضا نمايد، پس همانا انجام آن لازم است. [شمارة ثبت: (١٥٢٤-١٥٢٥) منبع: جامع المسائل]

تعقيب نماز براى حفظ از آفات در انجام كارى در ايام محذور

❖ در تعاليم مكتب وحى آمده است: اگر در يكي از روزهاى محذور انسان مضطرّ به پيگيري برخي از امور گرديد؛ پس از هر نماز فريضه اين چنين خداى را بخواند تا از آفت آن هنگام محفوظ بماند:

* لا حول و لا قوّة الاّ بالله * أُفرّج بها كلّ كُربة * لا حول و لا قوّة إِلّا بالله * أَحُلُّ بها كلّ عقدة * لا حول و لا قوّة إِلّا بالله * أَجلو بها كلّ ظلمة * لا حول و لا قوّة إِلّا بالله * أفتح بها كلّ باب * لا حول و لا قوّة إِلّا بالله * أستعين بها على كلّ شدّة و

مصيبة * لا حول و لا قوّة إلّا بالله * أستعين بها على كلّ أمر ينزل بي * لا حول و لا قوّة إلّا بالله * أعتصم بها من كلّ محذور أحاذره * لا حول و لا قوّة إلّا بالله * أستوجب بها العفو و العافية و الرّضا من الله * لا حول و لا قوّة إلّا بالله * تفرَّقَ أعداء الله؛ و غَلَبَتْ حجّة الله؛ و بقي وجه الله * لا حول و لا قوّة إلّا بالله * اللّهمّ ربّ الأرواح الفانية * و ربّ الأجساد البالية * و ربّ الشّعور المتمعّطة * و ربّ الجلود الممزّقة * و ربّ العظام النّخرة * و ربّ السّاعة القائمة * أسئلك يا ربّ أن تصلّي على محمّد و أهل بيته الطّاهرين * و افعل بي... (حاجت بخواهد) * بخفيّ لطفك يا ذا الجلال و الإكرام * آمين آمين * يا ربّ العالمين.

شايان ذكر است كه از اين دعاى شريف در ساير موارد، و بطور كلي براى فرج و گشايش امور؛ نيز مي توان بهره جسته، و با آن خداى را خواند. [شمارة ثبت: (١٥٢٦) منبع: جامع المسائل]



خلل در نماز

سؤال: نرجو من سماحتكم الجواب على المسئلة الآتية: إذا رأى شخص (بعد أن توضأ وصلّى) أنّ على يده؛ ما يمنع الوضوء، فما هو الحكم؟ هل يعيد صلاته؟ أو لا؟ علماً بأن وقت الصلاة التي صلاّها لم ينته بعد.

جواب: إذا تيقن بوجود المانع قبل الوضوء فيعيده. [شمارة ثبت: (١٠٢٠) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: بستن چشمان در نماز جهت تواضع و تمركز حواس جايز است؟

جواب: بستن چشم براى تواضع معنى ندارد، و براى تمركز حواس جايز است؛ هر چند كه تحقق اين أمر با چشم باز ترجيح دارد. [شمارة ثبت: (١٠٧٤) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: إذا برز شعر المرأة من وراء الستر أثناء الصلاة ولم تعلم هي به، فهل يجب إعلامها بذلك أثناء الصلاة أو بعدها؟ وما هو تكليف المرأة في هذه الحالة؟

جواب: لا يجب إعلامها به ولا عليها ما لم تعلمه. [شمارة ثبت: (٣٧٥) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: اگر انسان در نمازى حضور قلب نداشت، مى تواند آن نماز را مجدداً بجاى آورد؟

جواب: در صورت عدم منجر شدن به وسواس؛ اشكالى ندارد. [شمارة ثبت: (١٠٧٣) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: اگر كسى در ركعت سوم و چهارم نماز بعد از حمد، سهواً سوره را نيز بخواند، آيا اشكال دارد؟

جواب: اشكالى ندارد. [شمارة ثبت: (١٠٧٧) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: اگر در نماز واجب پس از دو سجده اشتباها يك سجده اضافي بجا آورديم كه مجموعا سه سجده شد؛ تكليف چيست؟ نماز ما چه صورتي دارد؟

جواب: نماز او صحيح است و پس از نماز دو سجده سهو بجاى مي آورد. [شمارة ثبت: (١٢٠٤) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: اگر در نماز واجب شك كنيم كه آيا يك سجده بجا آورده ايم يا دو سجده؛ در اين وقت چكار بايد بكنيم؟ آيا سجده ديگري بجا بياوريم؟

جواب: بنا را مي گذارد بر اينكه يك سجده گزارده؛ و يك سجده ديگر بجا آورده، و پس از نماز دو سجده سهو بجاى مي آورد. [شمارة ثبت: (١٢٠٥) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: آيا نشستن بين دو سجده واجب است؟ اگر در حرم مطهر در حين نماز واجب يا نماز زيارت هستيم و هنگامي كه سر از سجده اول بر مي داريم كه بنشينيم به علت فشار جمعيت؛ هنوز ننشسته پيشانيمان دوباره به زمين مي خورد؛ آيا اين برخورد سجده حساب مي شود؟ آيا چون بين دو سجده ننشسته ايم يا به اراده به سجده نرفته ايم اشكالي ندارد؟ اگر كسي اين برخورد را سجده حساب نكرده و بعد از اين برخورد بنشيند و پس از آن يك سجده بجاى آورد چه حكمي دارد؟

جواب: در نماز واجب نشستن بين دو سجده واجب است؛ ولى اگر كسي آنرا فراموش كرد يا سهوا يا بدون اختيار هنوز ننشسته به سجده دوم رفت؛ نماز او اشكالي پيدا نمي كند، و در مثل فرض فوق همان برخورد غير اختياري را سجده حساب كرده و با كنترل بدن خود؛ ذكر سجده بگويد و به نماز ادامه دهد، و اگر برخورد چنان بود كه نتوانست پس از برخورد با زمين خود را كنترل كند و ذكر

سجده بگويد و هنوز ذكر سجده نگفته پيشانيش از زمين برداشته شد، پس براى ترك ذكر سجده بعد از نماز دو سجده سهو بجاى آورد. و اگر از روي جهل به مسئله يا سهو اين برخورد را سجده حساب نكرده و سجده ديگري بجا آورده؛ بعد از نماز بخاطر آن سجده زيادي دو سجده سهو بجاى آورد، اين تكليف او در نماز واجب بود؛ اما در نماز مستحبي لازم نيست كه سجده سهوي بجاى آورد. [شمارة ثبت: (١٢٠٨) منبع: المسائل الأندلسية]

سؤال: اگر نمازگزار در مورد حكم فعلى از افعال نماز شك كند آيا مى تواند نماز را رجاءً ادامه دهد؟ پس از نماز اگر عمل مطابق فتوى بود اعاده لازم دارد يا خير؟

جواب: بله، در فرض مذكور مى تواند نماز را ادامه دهد؛ چه اينكه عمده؛ وقوع عمل مطابق تكليف است، لذا در فرض فوق اعاده لازم ندارد. [شمارة ثبت: (٣٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: كثير الشك در نماز و يا وضو و غسل به چه كسى گفته مى شود؟ حكم وى چيست؟

جواب: كثير الشك و لو به حد وسواس نرسد به شك خود اعتنا نكرده، و بنا را بر طرف أصح يا أَتَم مي گذارد، و اگر در هر سه نماز يكبار اين شك بر او عارض شود مشمول عنوان كثير الشك مي باشد. [شمارة ثبت: (٩٨٣) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: إطلعنا أن أحكام الشك في ركعات الصلاة؛ في "الفقه الشامل" تختلف مع ما هو عند الناس، فتفضلوا علينا بالإجابة التفصيلية في هذا الباب.

جواب:

١- من لا يدري كم صلّى و هو في الصلاة ولا يقع وهمه على شيئ؛ بأنّه ليس لشكّه طرف ثابت ولم يتيقن في إتيان صلاته بأقلّ مقدار ولو بقدر ركعة منها فيعيد الصّلاة.

٢- ومن شكّ في عدد ركعات الصلاة مطلقا (الثّنائية أو الثّلاثية أو الرّباعية) بين الواحدة وبقيّة عدد ركعاتها؛ (سواء شكّ بين الواحدة والاثنتان في جميعها، أو بين الواحدة والثّانية والثّالثة، أو بين الواحدة والثّانية والثّالثة والرّابعة)، أو بين الثّانية والثّالثة، أو بين الثّانية والثّالثة والرّابعة، أو بين الثّالثة والرّابعة؛ في الثّلاثيّة والرّباعيّة؛ ولكنّ للمصلّي في جميعها طرف ثابت لشكّه، ويقين بإتيان مقدار ركعة أو أزيد من صلاته، فإن ذهب وهمه إلى الأقلّ فيبني عليه ويأتي ببقيّة صلاته، ويسجد بعد التّسليم سجدتي السّهو، وإن ذهب وهمه إلى الأكثر فيبني عليه، فإن بقي من صلاته شيئ فيتمّها، وإن لم يبق من صلاته شيئ فيسلّم، وبعد التّسليم يتمّ ما ظنّ أنّه قد نقصه [ويسجد بعد التّسليم الأخير سجدتي السّهو]، وأمّا إذا اعتدل الوهم؛ فله أن يبني على الأقلّ ويعمل بمقتضاه، أو يبني على الأكثر فيعمل بحسبه.

٣- وأمّا إن كان أحد طرفي الشّك عدد فوق ركعات صلاته الّتي فيه، كما إذا هو في الرّباعيّة ولم يدر أنّه أربعا صلّى أو خمساً، أم نقص أم زاد، فيتشهّد ويسلّم ويسجد سجدتي السّهو على ما مرّ وصلاته صحيحة، هذا إذا حال بين صلاته والرّكعات الزّائدة تشهّد أو جلوس بمقدار ذلك، وإلاّ فعليه الإعادة؛ وهو الأفضل الأكيد الّذي لا يترك.

٤- ولا يخفى أنّه يفضل ويؤكّد؛ الإعادة عند طروء الشّكّ في عدد الرّكعات مطلقا، في الصّلوات الثّنائيّة والثّلاثيّة (من صلاة الفجر والجمعة، والأوليين من الرّباعيّة،

والصّلاة الرباعية في السّفر، وصلاة الوتر والمغرب)، وكلّ شكّ كان أحد طرفيه عدد الواحدة أو الاثنان، فإنّ في جميع هذه (وإن كان له أن يعمل على القاعدة السّابقة كما مرّت) ولكن الأفضل الإعادة، وإذا راعى الفضيلة وأعاد الصّلاة في مثل ذلك و حدث له الشّكّ مرّة أخرى (ولو ممّا يفضل الإعادة فيه) فلا يعيد ولا فضل في إعادتها ويعمل على القاعدة السّابقة.

٥- وإذا بنى على الأقلّ عند الشّكّ في الرّكعات وأتمّ الصّلاة، ثمّ تبيّنت بعدها أنّ الواقع منه قبل الشّكّ كان أكثر ممّا بنى عليها (وهو في الحقيقة زاد في ركعات صلاته)، فلا شيئ عليه وصلاته صحيحة، لحيلولة التّشهد فيما بينها وبين الزّائدة.

٦- ولا يخفى أنّ في الشّكّ بين الاثنين وما فوقه، وكذلك الشّكّ بين الثّلاث والأربع؛ يفضل البناء على الأكثر. [شمارة ثبت: (٢٠٩) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: يقال في موجبات سجود السهو أن ذلك لكل زيادة ونقيصه، فهل هذا جار في الزيادة والنقيصة في الامور الاستحبابية بمعنى أنه إذا أزاد المصلي جزء مستحباً أو أنقصه يشمله هذا الحكم أم أن هذا الحكم مختص بالواجبات؟

جواب: هذا مخصوص بالواجبات والتروك اللازمة. [شمارة ثبت: (٣٥٧) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: في الفقه الشامل؛ متى تلزم سجدتي السهو و كيف تؤتى؟

جواب: يلزم على المصلّي سجدة السّهو في الموارد الآتية:

١- من تكلم ناسياً او ساهياً أو ظنّ خروج الصلاة فتكلم بكلام الآدميّين (أي غير ما يناسب الصلاة من القرآن و الذكر وما يناجي به الله ورسوله وأوليائه من الأدعية والأذكار ونحوهما) كلاماً تبطل الصلاة في صورة العمد.

٢- من انصرف من صلاته بعد اتيان ركعتين من صلاته ولكنه قبل اتمام ركعات صلاته بظنّ التّمام ثم تذكّر بعد الصّلاة ولم يحدث له حدث يوجب نقض الصلاة والوضوء، فيتمها بما نقص ثم عليه سجود السهو.

٣- من شك في الزيادة على ركعات صلاته كما إذا كان في الرباعية وشكّ بين الأربع والخمس يبني على عدم الزيادة وعليه سجود السهو.

٤- من شك في عدد ركعات صلاته وبنى على الأكثر ثمّ اتمّ صلاته بما ظن نقصانه أو بنى على الأقلّ والمتيقّن؛ فأتى ببقيّة صلاته ثمّ بعد الفراغ من جميع ذلك؛ عليه سجود السهو مطلقا.

٥- فوات السجدة والتشهد عن محلّه للنسيان وعدم تداركه حتّى فوات المحلّ.

٦- في كل زيادة ونقصان ساهياً من الركعات والواجبات من الركوع والسجود والتشهد.

٧- من لم يدر هل زاد في صلاته من جهة الركعات أم نقص.

٨- إذا أراد القعود فقام، أو أراد القيام فقعد، أو أراد القرائة فسبّح، أو أراد التسبيح فقرأ، بمعني إتيان عمل ليس محلّه، أو ترك عمل كان محلّه بغير تدارك حتى فوات المقام، لا من أراد القعود مثلاً فقام ثم ذكر من قبل أن يقدم شيئاً أو يحدث شيئاً وتدارك ما كان عليه، و لا من أراد القراءة فبدأ بالتسبيح؛ ولكن تذكّر وتدارك القراءة قبل فوات محلّها، وهكذا.

٩- من لا يدري ركع أم لم يركع فيركع، أو سجد أم لم يسجد فيسجد، فعليه سجود السهو.

❖ و كيفية سجود السهو هي: أن يأتى به بعد التسليم الموجب للفراغ من الصلاة، سجدتين فوراً؛ يذكر فيهما التسمية والصلاة والسلام على رسول الله وآله المعصومين (عليهم السلام) ثم يسلّم، ولا يجب عليه التشهد؛ الاّ اذا كان ذلك لفوات التشهد؛ فيتداركه بتشهد بعد السجدتين وقبل التسليم، ولا يبعد استحباب التشهد مطلقا، وعلى هذا فان كان ذلك لسبب فوات التشهد عنه ساهياً فلا يأتي بتشهدين بل بتشهد واحد بعد السجدتين ويسلّم، وليس لافتتاح السجدتين تكبير، نعم اذا سها الامام في صلاته وأراد الإتيان بسجود السهو؛ فيكبّر اذا سجد ويكبّر إذا رفع راسه، ليعلم من خلفه أنّه قد سها. وليس في السجدتين تسبيح ولا تكبير، ومن الأذكار في سجدتي السهو ما روي في الحديث الشريف:

- بسم الله وبالله اللّهُمَّ صلّ على محمّد وآل محمّد.
- بسم الله وبالله صلّى الله على محمّد وآل محمّد.
- بسم الله وبالله السلام عليك أيها النّبيّ ورحمة الله وبركاته.

ولا يخفى ان الذّكر فيهما ليس شيئاً موقّتاً محدّداً، بل صرف التسمية والسلام والصلوات مجزي بأيّ لفظ كان، وإن كان لا تبعد كفاية مطلق السجدة واستحباب التسمية والسلام والصلوات مطلقا.

❖ ومن نسي إتيان سجود السهو بعد صلاته؛ فيسجدهما متى ذكر ولا يضرّ ذلك بصلاته.

❖ وإذا تكرر السبب الواحد أو تعدّد الأسباب الموجبة لسجود السّهو، فالظاهر لزوم تكرّر السّجود على حسب موجبه، ويكفي تسليمة واحدة لما يأتي بهما مكرراً متوالياً في نهاية الجميع، ولا يلزم تكرار التسليم بتعدد الموجب، وإن كان لا تبعد كفاية الإتيان بسجود السهو مرّة مطلقا؛ ولو كانت الاسباب متعدّدة أو متكرّرة.

❖ ويشترط فيه ما يشترط في سجود الصلاة من الشرائط؛ كالطهارة والإستقبال وكيفيتها ووقوعها على الأرض ووضع الجبهة على ما يصح السجود والانتصاب مطمئناً وكذلك ملاحظة الموانع فيها.

❖ ولما ورد في الحديث الشريف: فإنّه ليس على السهو في النافلة شيئ، فلا يعتني بشكّه في الصلوات المستحبة، ولا يضرّه ما زاد فيه أو نقص منه، سهواً أو نسياناء ولا يلزمه الإعادة أو سجود السهو. نعم للوتر حكمه الخاص: فإذا صلّى صلاة الليل وأوتر؛ وذكر أنه نسي ركعتين من صلاته، فيقوم ويصلّي الركعتين اللتين نسيهما مكانه ثمّ يوتر، أو إذا صلّى الركعتين من الوتر، ثم يقوم فينسى التشهد حتى يركع، فيتذكّر وهو راكع، فلا يعمل كالفريضة؛ بأن يمضي ثم يأتي بسجدتي السهو والتشهد، بل يجلس من ركوعه فيتشهّد ثم يقوم فيتمّ. [شمارة ثبت: (٣٨) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: هل يجب الجلوس بين سجدتي السهو أم يكفي رفع الجبهة قليلا وإرجاعها بدون جلوس؟

جواب: نعم يجب كما في أصل الفريضة. [شمارة ثبت: (٣٩٢) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: آيا نماز احتياط بايد فورا خوانده شود؟ در صورتى كه بين آن و بين اصل نماز، فاصله بيافتد وظيفه چيست؟

جواب: بايد بدون فاصله انجام شود، و در صورت نسيان اتيان فوري؛ تدارك آن با فاصله مجزي است. [شمارة ثبت: (٢٦٧) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا سجده سهو و نماز احتياط بايد بلا فاصله بعد از نماز بجاى آورده شود؟

جواب: بايد بدون فاصله انجام شود، و در صورت نسيان اتيان فوري؛ تدارك آن با فاصله مجزي است. [شمارة ثبت: (٢٦٧) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: در نماز احتياط (يك ركعت) بسم الله الرّحمن الرّحيم را بايد بلند گفت يا آهسته؟

جواب: حكم جهر در بسم الله الرّحمن الرّحيم در تمام موارد لازم يكسان بوده و وارد شده است، فقط در امور مستحبّه مانند اصل عمل قابل ترك است. [شمارة ثبت: (٨٥٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در نماز احتياط بهتر است حمد را بخوانيم يا تسبيحات را؟

جواب: متعيّن است قرائت حمد؛ در ركعت سوّم و چهارم نماز هاي سه و چهار ركعتي، و نيز در نماز احتياط. [شمارة ثبت: (٢٦٨) منبع: المسائل الخراسانية]



قضای نماز

سؤال: مدّتی را که انسان در عقائد دینی به یقین نرسیده با آنکه در پی تحقیق آن بوده است؛ آیا نماز و روزه هائی را که در آن مدّت به جای آورده است باید قضا کند؟

جواب: در صورت ادای آن مطابق تکلیف؛ اعاده لازم نیست. [شمارة ثبت: (۹۰۱) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نمازهایی که در سفر قضا شده است در حضر چگونه قضا می شود؟

جواب: هر نماز را آن چنان که از او فوت شده قضا نماید. [شمارة ثبت: (۱۰۸۰) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: کسی که نمی داند دقیقاً چند نماز قضا به عهده اوست چه تکلیفی دارد؟

جواب: آن مقداری را که قطع دارد از او فوت شده قضا نماید، و می تواند برای تدارك موارد فوت شده احتمالی به این دستور العمل (که از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده) عمل نماید: شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز گزارد؛ در هر رکعت سوره حمد و توحید یکبار، پس از فراغ نهایی از این نماز؛ صد بار استغفار نماید، خداوند این نماز را کفّاره نمازهایش قرار داده، و پاداش فراوانی نیز بدو عطا مي فرماید. [شمارة ثبت: (۱۰۷۹) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: آیا در زمان حیات والدین از حقوق واجبه آنها مانند نماز و روزه و...که خود آنها قادر به انجام آن هستند؛ و یا اعلام مي دارند به دلایلی قادر نیستند (به علت بیماري یا...) آیا در قضاي آنها، چیزي برگردن فرزند ارشد و یا سایر اولاد ایشان هست؟ یا خیر؟ لطفا توضیح کامل بفرمایید؟

جواب: هر کسي تا نمرده است و به حالت اغماء نرفته؛ توانایي انجام نماز

خودش را اداء و قضاء دارد؛ ولذا به عهده ديگري نيست، بلكه كسي (حتى فرزند ارشد) نمي تواند از طرف او بجاي آورد، روزه هم در صورتي در زمان تواناي قضا شده؛ و معذور نبوده؛ و هيچ وقت قضاي آنرا توانا نبوده، بايد خودش براى قضايش كسي را استيجار نمايد، و اگر ناتوان بوده كفاره اش به عهده خود اوست، و اگر بميرد و به عهده اش چيزي از اين موارد باشد؛ تأديه آنها را از اصل ماترك او صرف مي كنند، و آنچه بر فرزند ارشد است؛ فقط قضاي نماز و روزه فوت شده در مرض وفات است. [شمارة ثبت: (١٥٢٠) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: از فروش یک زمین که ارث پدری همسرمرحومم بود سهم ما شده ... تومان، با توجه به اینکه یک پسر و یک دختر دارم؛ این مبلغ را چگونه تقسیم کنیم؟ و ایا بنده می توانم یک میلیون از این پول را برای نماز و روزه همسرم بدهم؟

جواب:

١- اگر ميت وصيت كرده باشد كه برايش قضا بجاي بياورند؛ تا ثلث اموالش بايد صرف تأمين اين امر بشود، و بقيه ارثيه محسوب شده و مورد تقسيم ورثه قرار مي گيرد.

٢- سهم الارث زني كه فرزند دارد مشخص است، اما جون اين امور تنها با مسئله پرسيدن يكي از ورثه حل نمي شود، و ممكن است محل اختلاف بشود؛ فلذا بعد از اداي بدهيهاى او (از جمله مهريه) و انجام وصيتش؛ براى تقسيم ارثيه؛ و تعيين سهم الإرث، بهتر است نزد شخصي كه بقيه ورثه هم قبول داشته (عالم محل و يا دفاتر حقوقي معتبر) بروند تا حرف و اختلافى بعدا پيش نيايد.

٣- وقتي سهم الارث دريافت كرديد، مال خودتان است و مي توانيد به هر مصرفي برسانيد از جمله استيجار شخصى براى نماز و روزه متوفى. [شمارة ثبت: (١٤٩٥) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: اطلاع دارم که همسر مرحومم نماز و روزه قضا دارد برای انجام آن به عهده چه کسی از اعضای خانواده است و اینکه ایا بنده می توانم برای همسرم این را انجام دهم؟

جواب: نماز و روزه اي كه از روي عمد و بي اعتنايي ترك نشده باشد (مثل ايام مرض فوت)، قضاي انها بر پسر بزرگتر واجب است، جه اينكه خودش بجاي بياورد يا از مال خودش كسي را اجير كند كه بجا بياورند و اگر شخص ديگري قضا نمايد؛ به همان قدر قضا؛ از عهده پسر بزرگتر برداشته مي شود. [شمارة ثبت: (١٥١٣) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: شخصي كه خودش نماز قضاي واجب بدهكار است مي تواند نماز استيجاري بگيرد؟

جواب: منعي براى اجير شدن نيست، اما كسي بايد اجير شود براى قضاي نماز ديگران؛ كه بتواند آنرا انجام دهد، و وقتي كه مي تواند انجام دهد، پس كسي كه بخاطر قضاي نماز خود نمي تواند نماز قضاي ديگري را انجام دهد؛ نبايد قبول اجيرشدن براى نماز ديگرى كند، مگر اينكه تاخير نماز استيجاري براى قضاي نماز خود به قدر معمول و مقبول اجيركننده است (مثل جند روز)، پس مانعي ندارد كه قبول كرده؛ و فورا با قضاي نمازهاى خود؛ مهياي قضاي نماز ديگران شود، اما اگر قضاي نماز خودش سبب تاخير نماز استيجاري؛ به چند هفته و ماه و بيش از آن است؛ كه معمولا مرضي اجيركننده نمي باشد؛ پس نبايد قبول كند، بله، اگر با اجيركننده توافق كند كه مثلا: من الان قبول مي كنم، ولي شروع نماز استيجاري از فلان تاريخ (كه قضاهاى خود را بجاي آورده) انجام مي دهم؛ و اجيركننده هم اين تأخير را قبول كند؛ اشكالي ندارد. [شمارة ثبت: (١٣٧٤) منبع: المسائل الإنترنتية]

نماز کفاره قضا (نمازهای از دست رفته)

سؤال: برای قضای نمازهایی که در دوران گمراهی از انسان فوت شده؛ و نمي داند چقدر است؛ چه باید کرد؟

جواب: اگر کسی از روی جهالت یا غفلت؛ نمازهای فریضه از او فوت شده و نخوانده، و پس از آگاهی و معرفت؛ پشیمان شده باشد، و سعی در قضای مقداری که برایش مسلم است بنماید، طبق فرمایش صاحب شریعت اسلام حضرت رسول الله ﷺ می تواند برای موارد نادانسته از "نماز کفاره نمازهای از دست رفته" کمك بگیرد، و روش آن چنین است: شب دوشنبه پنجاه رکعت (۲۵×۲) نماز می گزارد، در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب و سوره قل هو الله أحد را یکبار می خواند، و پس از نماز صدبار استغفار می نماید، خداوند (به فضل و کرم و رحمت واسعه اش) این نماز را کفاره (جبران کننده) آن نمازها قرار می دهد. متن این بشارت الهی (از زبان فرستاده او) چنین است: من ترك الصلاة في جهالته؛ ثم ندم، لا يدري كم ترك؛ فليصلّ ليلة الإثنين خمسين ركعة؛ بفاتحة الكتاب وقل هو الله أحد مرة، فإذا فرغ من الصلاة؛ استغفر الله ماة مرة؛ جعل الله ذلك كفارة صلاته. [شمارة ثبت: (١٥١٤) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: كسي كه نماز قضا به عهده اوست مي تواند نماز نافله بخواند؟

جواب: قضای فریضه اخیر بر نوافل مقدم است؛ ولی مانع نافله شب و بویژه شفع و وتر نیست، و سایر نوافل هم در صورت امکان قضای واجب مانعی نداشته؛ هر چند قضای واجب ترجیح دارد. [شمارة ثبت: (٧٠٧) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: كسي كه يقين كرد نمازش قضا است و به نيّت قضا خواند بعدا فهميد

ادا است، یا یقین کرد ادا است، به نیّت ادا خواند بعد فهمید تکلیفش قضا بوده است آیا اعاده دارد؟

جواب: اعاده لازم نیست. [شمارة ثبت: (٢٦٥) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر انسان در شرايطي بود كه نتوانست با وضو يا غسل نماز بخواند، و (با تيمم) نماز را به جا آورد پس از بر طرف شدن مشكل چه تكليفي دارد؟

جواب: در صورت عمل به تكليف؛ مجزي بوده، و فقط نسبت به نمازها و عبادتهاي پس از رفع عذر لازم است: طهارت مفوّته اوّلين نماز پس از رفع عذر را، تحصيل نموده و سپس نماز را با آن بجاي آورد. [شمارة ثبت: (٢٢٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: نمازهايي كه قبلاً با شرايط معمولى و رايج و بدون رعايت آداب لازمه خوانده شده است را؛ آيا بايد قضا كرده و با آداب و شرايط مذكوره در صلات جامعه خواند؟

جواب: نمازهايي كه فاقد شرايط (صحت) نماز بوده؛ قضاء آن لازم است، و امّا فقدان جهاتى كه موجب كمال نماز مى باشد مستلزم قضاء آن نمازها نمى شود، و التزام به آداب نماز پس از معرفت بدان، خوب است. [شمارة ثبت: (٣٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در صورتى كه نماز روز اول ماه را فراموش كرديم آيا مي توانيم آن را قضا نماييم؟ زنى كه ايام عادتش مصادف با اين روز شده به جاى اين نماز چه عملى را مي تواند انجام دهد؟

جواب: تدارك آن در بقيه ماه پسنديده است، و معذور از نماز؛ مي تواند به اندازه آن تسبيحات اربعه را بگويد. [شمارة ثبت: (٦٩١) منبع: المسائل الأندلسيّة]

سؤال: زنی که در اوایل سنّ بلوغ خود مدتی استحاضه بوده است ولی بواسطه مطلع نبودن از احکام حیض و استحاضه، آنرا حیض محسوب کرده و در آن مدّت نماز نخوانده است و پس از اطلاع، قضای آن را به این صورت بجای آورده که مثلا ده نماز صبح خوانده و ده نماز ظهر و ... حکم نمازهایی که به اینصورت قضا کرده چیست؟ آیا اینکه مدّتی بخاطر عدم آگاهي، تارك الصلوة بوده، گناهی مرتکب شده است؟

جواب: هر چند در قضای نمازها بایستی ترتیب اوقات را رعایت مي کرد، ولی در صورت عمل بر خلاف آن بخاطر جهل؛ لازم نیست که اعاده قضا نماید، و برای ترك تکلیف بخاطر جهل؛ استغفار نماید. [شمارة ثبت: (١٠٦١) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: شخص علیه قضاء لسنة کاملة، فیصلّي صلاة الصّبح لسنته کاملة دفعة واحدة؛ ثمّ یشرع ویصلّي الظّهر لسنة کاملة؛ ثمّ العصر وهکذا؟ هل یجوز هکذا؟

جواب: لا، بل یقضي الصلاة علی حسب ترتیب الصلوات من الظهر الی الصبح ولا بأس بترتیبها من الصبح الی العشاء. [شمارة ثبت: (٢٦٩) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: ما هو حد سقوط التکلیف بالنسبة إلی الصلاة والصیام وسائر العبادات؟.وهل یختص ذلك بالصغر والجنون؟ أو یعم صور الشیخوخة وعدم الشعور وأمثال ذلك؟ وحینئذ إذا فاتت عبادات الشیخ الکبیر لاجل الاغماء أو عدم الشعور بأوقات الصلاة وما شابهها؛ فهل یجب علی الولد الاکبر قضاؤها أم لا؟

جواب: یسقط التکلیف صورة عدم الشعور في مجموع الوقت (علی مبنی تخمیس الأوقات) فإذا فاتت کذلك لم یجب علی الولد الاکبر قضاؤها. [شمارة ثبت: (٣٨٣) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: آیا خواندن نماز بر پیرمردي که به بیماري آلزایمر شدید مبتلا شده

واجب است؟ توضيح اين كه ايشان قدرت ايستادن و راه رفتن ندارد و براي دستشويي رفتن هم مشكل دارد و بايد او را دستشويي ببرند و گاهي اوقات تطهير كامل انجام نمي شود، ولي مكرر مي خواهد نماز بخواند و در بعضي مواقع تيمم مي كند در صورتي كه آب هم هست، گاهي در غير وقت نماز هم مي خواهد نماز يوميه بخواند، و به علت بيماري در حالي كه نماز مي خواند و كلمات نماز را مي گويد در آن حرفهاي ديگري هم مي زند، تكليف چيست؟

جواب:

١- اگر شخصي مي فهمد يعني شعور دارد، ولى به علت ضعف جسم يا حافظه برخي موارد را فراموش مي كند، اين شخص اصل تكليف نماز از او ساقط نيست، و الا اگر شعورش را از دست داده؛ تكليفي نداشته و قضا هم ندارد.

٢- اگر شخص از قسم اول است، او را كمك مي كنند تا به قدر ميسور شرايط و آداب نماز را بجاي آورد، و اگر برخي از موارد با اشكال انجام شده باشد بطوريكه نياز به اعاده و قضا داشته باشد؛ اين موارد بايد انجام شود، فلذا اين موارد توسط برستار ثبت شود تا بعدا براى قضا معين باشد، و در صورت استمرار عذر موجب خلل، قضاي آنرا به بعد از زوال عذر وا مي گزارد. و در صورت استمرار مانع موجب خلل تا فوت، قضاي آنرا ولي او بيگيري مي كند.

٣- اما علاقه شخص به اينكه مرتبا نماز بگزارد ولو بدون شرايط؛ اشكالي نداشته؛ و او را مانع نشوند. پس اگر از قسم اول است؛ با تذكر شرايط و كمك به او؛ نماز صحيح را بجاى مي آورد، و اگر از قسم دوم است؛ و با تذكر هم شرايط را متوجه نمي شود. او را به حال خود مى گذارند؛ و از انجام صورت نماز و يا حركاتي از آن و گفتن برخى از اذكار آن منع نكنند. [شمارة ثبت: (١٣٤٤) منبع: المسائل القفقازية]

آئین نماز مسافر

سؤال: مسافت شرعیه برای مترتب شدن احکام قصر و اتمام چه مقدار است؟ و به عبارت دیگر مسافر شرعی به چه کسی اطلاق می شود؟

جواب: در ترتب احکام مزبور؛ جهات متعددی باید ملاحظه و احراز شود، و مسافت تنها ملاك آن نیست:

۱- هر مسافری از نظر شرع تکلیفش قصر نماز نمي باشد، و برای اینکه مسافر مشمول این حکم بشود شرایطي لا زم دارد.

۲- در صورتی که سفر در خصوص طاعت (مثل برای عبادتی مثل زیارت یا تجارت و کسب جهت روزی حلال یا صله ارحام و دوستان و یا احسان به اهل ایمان)، با شرائط آن؛ از مسافت و قصد و غیر آن، محقق شود، واجب است تقصیر (دو رکعتی خواندن) در نماز واجب چهار رکعتی؛ و افطار در روزه ماه مبارك رمضان یا قضای آن، و همچنین نوافل روز ساقط می شود.

۳- در مواردي (علیرغم طی مسیر) حکم سفر جاری نیست: عبور و اقامت در وطن، رسیدن به منزلگاه و تعلق ملکی از قبیل استراحتگاه و نحو آن، و مکانی که در آن قصد اقامت ده روز را داشته باشد، و همچنین اگر در سفر وارد بر منزلی شود که منزل او مثل منزل خودش است؛ از نظر راحتی و اختیار، و همچنین کسی که نوعا و غالبا در سفر است؛ چه اینکه به اقتضای شغل یا زندگی او، و یا منزل او همراه اوست، بلکه سفرکردن جزء عادّی زندگی او باشد، و همچنین سفری که در غیر طاعت باشد، (که منحصر به سفر معصیت نبوده و شامل سفر لهو و لغو هم می شود؛ مانند سفر برای تفریح و نزهت مانند گردش یا شکار تفریحي، در همه اینها حکم مسافر ندارد.

٤- در شرع شريف؛ اصل مقدار در تحقق سفر؛ مبتنی بر مقدار زمـان (يـك روز يا يك شب) است، و مسافت؛ مقدار معادل اين زمان است، و ملاك هـم وسـايل معمولی عمومی حمل و نقل هر عصر است، و چون در عصر قديم مـسافرين؛ چـه پياده و چه بـا وسـايل حمـل و نقـل عمـومی آن زمـان (شـتر و الاغ و اسـتر)؛ در يكروز معادل ٨ فرسخ شرعي (تقريبا ٤٨ كيلومتر) طی می كردند، و بـا طی ايـن مسافت يك روز يا يك شب آنها مشغول می شد، فلذا شارع مقدس حكم قـصر نماز و عدم روزه را مقرر فرموده است، ازين رو ملاك در تحقـق سـفر، يكـروز تقريبا در سفر مشغول شدن است، پس در اين عصر اگر مسافری (مثل مردمـان قديم) پياده يا با مركبي كه به سرعـت آن (مثـل شـتر و اسـتر و الاغ) طی مـسير كند؛ همين مسافت موجب تحقق سفر شرعي و لزوم احـكام آن بـرای ايـشان مي شود. مانند مردمانی در عصر ما كه در نواحی دورافتاده و فاقد وسايل سريع بـوده؛ يا به هر دليل از روی اضطرار (خرابی وسيله سريع) يا از روی اختيار (مثل سـفر پياده برای زيارت) بدين نحو سير می كنند. امـا مـسافرين بـا وسـايل سريـع ايـن عصر؛ از آنجا كه كاميون و اتوبوس؛ امروزه معمولی ترين وسـيله بـرای مردمـاني است كه از وسايل حركت سريع بهره مندند، فلذا مردم اين عصر؛ مسافتی را كـه يك كاميون و اتوبوس معمولی حدودا در يكروز بطور مُجاز می تواند طي كنـد را ملاك قرار مي دهند، ولذا اگر كسي همين مقدار را سريعتر؛ و در مـدت نيمـروز يا چند ساعت طي كرد؛ باز هم مسافر محسوب مي شود.

٥- كسي كه با طي مسافتي كمتر از يك روز؛ قصد اقامت بقيه روز و يـا شـبي را در محلي دارد، و پس از آن به سفر ادامه مي دهد؛ تا كنون حكـم مسافر نداشـته، و پس از آن اگر شرايط سفر (مدت و مقدار مسير) را داشته باشد حكـم آن را دارد. [شمارة ثبت: (٦٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: با توجه به اينكه ملاك اصلي در تحقق احكام سفر؛ طي (مسيرة يومٍ) مي باشد، حكم سفر های هوائی از این جهت چیست؟

جواب: چون این وسیله امروزه؛ معمولی ترین وسیله همگانی نیست؛ فلذا از نظر تعیین مسافت موجب تحقق سفر؛ مانند سفر های زمینی و برحسب وسیله معمولی آن عمل می کند، و سرعت سیر دخالتی در شمول حکم ندارد، ولذا اگر در ساعتي مسافت قدر يوم را طي كرد، حكم مسافر را داشته، و لازم نيست تمام روز را در سفر هوايي باشد. [شمارة ثبت: (٢٠٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر كسي در اين زمان؛ با سرعتی كمتر از وسايل حمل و نقل عمومي سفر نمايد، ولی طي مسير (نه توقف) او حدودا يكروز طول بكشد، (مانند اينكه وسيله او مشكل داشته باشد، يا به علتي (نامناسب بودن جاده يا ترافيك) آهسته سير مي كند، يا با قايق پارويي يا بادباني مسافرت مي كند، يا از وسيله ای مانند موتورسيكلت يا دوچرخه استفاده مي نمايد، يا اينكه با مركب حيواني بخاطر وضعيت منطقه (كوهستاني) مسافرت مي كند، و يا اينكه پياده مي رود؛ مانند اينكه برنامه سفر زيارتي با پاي پياده دارد)، آيا ملاك برای این شخص در مقدار مسافت (موجب شكسته شدن نماز) همان مسافتي كه وسايل حمل و نقل عمومي سريع (در شرايط عادی) طي مي كنند مي باشد؟ يا اينكه ملاك يك روز صرف شدن در طي راه است؟

جواب: برای همه این موارد؛ تطبيق قاعده اصلی "طي مسافت به قدر يوم" (يكروز) بر حسب سير خودشان است، ولذا در صورتي كه ساير شرايط مسافر شدن را داشته باشد؛ كسي كه در اين زمان مانند قديم طي مسير مي نمايد (پياده، مركب حيواني و مانند آن از نظر سرعت) با يكروز راه رفتن مسافر مي

شود، كه مسافت موجب سفر براى مسافر با پاي پياده و يا مركب حيواني هشت فرسخ شرعي (كه حدودا معادل ٤٨ كيلومتر است) مي باشد. [شمارة ثبت: (١٢٩٦) منبع: المسائل الهمدانية]

سؤال: اگر در سفر، مسافت رفت و برگشت با هم، باندازه مسيره يوم باشد وظيفه چيست؟

جواب: اگر در يكروز آنرا طي مي كند به حكم مسافر عمل مي كند.[شمارة ثبت: (٩٨٢) منبع: : المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر از شهرستان شاهين شهر كه محل كار و اقامت می باشد هفته ای دو یا سه روز و یا هفته ای چند ساعت به شهر اصفهان برود و آنجا اقامت كند و این كار هر هفته انجام شود با توجه به اینكه فاصله دو شهر كمتر از ۲۲/۵ كیلومتر می باشد آیا در اصفهان نماز شكسته است و روزه نمی توان گرفت؟ آیا مسافر محسوب می شود؟

جواب: مسافر محسوب نيست و نماز و روزه اش تمام است. [شمارة ثبت: (٦٥) منبع: المسائل الإصفهانيّة]

سؤال: حد ترخص براي مسافر در مورد نماز و روزه را بيان نمائيد؟

جواب: وقتی مسافر در شرایط سفر قرار می گیرد و از خانه اهلش جدا مي شود سفر وي شروع می گردد و می تواند به تكليف مسافر عمل نمايد ولو از بلد محل اقامت خود هنوز خارج نشده باشد وليكن افضل مؤكد است كه پس از خروج از بلد و خفاء مناطق مسكونی از ديدرس به تكليف مسافر عمل نمايد. [شمارة ثبت: (٧٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: كسي كه قصد مسافرت به اندازه مسافت شرعيه را دارد ولكن در بين راه توقف يكي دو روزه دارد نماز و روزه وي چه حكمي دارد؟

جواب: توقف بين راه كه مانع از انجام طي مسافت يكروزه و بيشتر است، مانع از حكم مسافر داشتن وي است. [شمارة ثبت: (٦٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: كسي كه قصد دارد به اندازه مسافت شرعيه مسافرت كند ولكن بين راه توقف يكى دو روزه دارد (مثلًا از مشهد مقدّس كه وطنش است قصد سفر به تهران را دارد ولكن از راه شمال مى رود و آن جا چنين توقفى دارد) آيا حكم مسافر بر او مترتّب است؟

جواب: اگر سفر در خصوص طاعت بوده؛ نه تفرج و تفريح، و سفركردن عادت معمول وى نشده، و مقدار سفر وى به قدر اشتغال يوم (يكروز) باشد؛ حكم مسافر را دارد. ولى اگر قبل از اشتغال يوم در سفر، يا طي مسافت به قدر يوم، در محلّى يكشب و بيشتر استراحت نمايد، نماز قبل و حين آن تمام است، پس اگر در سفر ادامه دهد و پس از اين محلّ؛ مسافت مورد سفر به قدر يوم باشد، حكم مسافر را پيدا مى كند، و اگر بعد از اشتغال يوم در سير، يا طي مسير به قدر يوم توقف نمايد؛ حكم مسافر را دارد. [شمارة ثبت: (٦٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: قصد اقامت (كه مسافر در آن صورت بايد نماز را تمام بخواند) با نيت ماندن چند روز محقق مى شود؟ بيرون رفتن از محل اقامت و بازگشتن به آن در اين چند روز و همچنين بعد از آن تا مدتي كه در آن محل اقامت دارد؛ لطمه اي به قصد اقامت نمى زند؟ تا چه مسافتى مى تواند برود؟ و از نظر زماني چه مقدار مى توان بيرون باشد و برگردد؟ بين آنكه از اول چنين قصدي داشته باشد؛ يا بعداً پيش بيايد؛ فرقي وجود دارد؟

جواب: قصد اقامت عشر (ده روز) در محلي ميان سفر؛ موجب التزام به حكم حضر مى گردد، و بيرون رفتن از محل اقامت بدون طي مسافت سفر شرعي؛ مخلّ به قصد اقامت وي نمى باشد مطلقاً. [شمارة ثبت: (٦٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: حكم نماز در مشاهده شريفه انبياء و اوصياى الهي عليهم‌السلام چگونه است؟ آيا نماز را تمام خواندن اختصاص به چهار مكان مشهور دارد؟ و نماز كامل اختصاص به مكان متبرك داشته؟ يا شهر را هم شامل مى شود؟ و با توجه به وسعت امروزى شهرها، آيا محدوده قديمى شهر مد نظر است؟ و يا محدوده جديد آنها؟

جواب: براى مسافرى كه قصد اقامت كمتر از ده روز دارد؛ در مشاهد مشرفه و اماكن متبركه {حرم الله و حرم رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله و حرم حضرت مولا علىّ عليه‌السلام و ساير حضرات مقدّسه معصومين و جميع انبياء و مرسلين و اوصياء ايشان عليهم‌السلام} و بلكه حريم آن مشاهد، و بلد و شهر مربوطه و متعلق بدان، و از جمله آنهاست: مكّه مكرمه و مدينه منوّره و نجف اشرف و كوفه و كربلا و كاظمين و سامراء و مشهد مقدّس و مسجد براثا (و منطقه آن در بغداد مى باشد) و بيت المقدس و الخليل (حبرون)، جايز است بلكه مستحب مؤكّد است كه نمازهاى واجب يوميّه را تمام بخواند، و همچنين بعيد نيست شمول اين حكم، مطلق اماكن و مقامات و بيوتات ايشان را، و بر اساس نص شريف؛ شايسته است كه اين مستحب مؤكد ولو يكبار رعايت شده؛ و كلاً ترك نشود، و هر چند بعيد نيست كه (با توجه به وسعت امروزى شهرها) اين حكم شامل مطلق عنوان آن شهر (ولو بسيار بزرگ باشد) بگردد، ولى ظاهر اين است كه: اكتفا به محدوده متعارف قديمى آن بلد بكنند، نه اتسّاع متأخر و امروزى آن، و مخفى نماند كه: شهرت بعض اماكن در السنه عامّه؛ ناشى از آرائى است كه ذكر مثالى بعض اماكن در برخى روايات را، دليل بر حصر تلقى نموده اند. ولى به بركت هدايت حضرات مقدّسه عليهم‌السلام و تتبّع و تفقّه در مجموع فرمايشات و سيره عملى ايشان؛ (چنانكه از مفاد اين جوابيّه بدست مي آيد)، عدم انحصار در آن موارد، بلكه

مثالی بودن آنها، بخوبی واضح و آشکار می گردد. وفقنا الله تعالى لعبوديّته وعبادته والتسليم لحجّته وخدمته. [شمارة ثبت (٣٨٤) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: آيا در مسجد تنعيم نمازهاي چهار ركعتي چه حكمي دارند؟

جواب: هر چند بعید نیست که حکم تمام خواندن نمازهای چهار رکعتي شامل مطلق عنوان شهر مکّه (هر چند بسیار بزرگ باشد) بگردد، ولی ظاهر این است که: اکتفا به محدوده متعارف قدیمی آن بنمایند؛ نه اتسّاع متأخر و امروزی آن، و مسجد تنعیم از محدوده متعارف قديمي مكه نمي باشد. {شماره ثبت: (١١٧٩) منبع: المسائل الهمدانية}

سؤال: هل التّخيير بين التّمام والقصر خاصّ بمكّة القديمة والمدينة المنوّرة القديمة أم يشمل الامتدادات الجديدة؟

جواب: يشمل الامتدادات الجديدة في الحدود القديمة أيضا، واما الإتساع الكبير وإن لا يبعد شمول الحكم له؛ ولكن الظاهر الإكتفاء بالحدود القديمة. [شمارة ثبت: (٢٩٨) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا شخصی که بنا دارد در مسجد شجره محرم شود؛ نمازهاي چهار ركعتی واجب ظهر و عصر و عشا براي وی تمام است یا شکسته؟

جواب: اگر متوطن یا مقیم عشر در مدینه بوده؛ نماز او تمام مي باشد. {شماره ثبت: (٥٦٨) منبع: المسائل الإصفهانية}

سؤال: آيا نمازها ی چهار رکعتی در فرودگاه نجف اشرف برای شخصی که با هواپیما سفر می کند؛ کامل می باشد؟

جواب: فرودگاه نجف اشرف بیرون از محدوده شهر است، و جزو محدوده تمام بودن نماز در این دو شهر نیست، ازین رو برای مسافري كه وارد مي شود و هنوز در نجف یا کربلا قصد اقامت ده روز ننموده؛ ادامه مسیر سفر محسوب مي شود؛ فلذا

نماز تمام نيست. و همچنين مسافري كه در يكي از اين دو شهر اقامت ده روزه داشته، و بعد از ده روز و در بازگشت از عتبات به وطن (كه فاصله اش يكروز راه بيشتر است) به فرودگاه نجف مي رود، چون از شهر و حومه آن بيرون رفته و مسافر شده است، فلذا نمازش در طول مسير سفرش (و از جمله آن؛ نمازش در فرودگاه نجف) تا بوطنش برسد شكسته است، و آنرا ناتمام و قصر بجاي مي آورد. اما مسافري كه در يكي از اين دو شهر قصد اقامت ده روزه داشته، و اقامتش محقق شده و ميان آن ايام، براي كاري به فرودگاه نجف می رود؛ نمازش در حين ترددش به فرودگاه نجف اشرف تمام است. [شمارة ثبت: (١٤٥٩) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: مسافري كه مسافت شرعيه را طي نموده و حكم مسافر را دارد اگر به يكي از مشاهد مشرفه وارد شد كه نماز را آنجا تمام می خواند اگر بخواهد به جاهاي ديگر نزديك يا دور سفر كند مسافر محسوب می شود يا بايد سفرش از آن مشهد مشرف به مكان بعدي به اندازه مسافت شرعيه باشد؟

جواب: نماز در مشاهد مشرفه خوب است كه تمام خوانده شود، ولی وقوع آن در مسير سفر مانع تحقق سفر نمی شود، اما اگر قبل از طي مسافت به قدر يوم، توقف در آن مشاهد يا غير آن از بلاد ديگر بنمايد؛ تحقق سفر (موجب تقصير) منوط به مسافت پس از آن بوده، و اگر به قدر يوم طي مسافت باشد مسافر است، پس اگر قصد اقامت عشر در بلد شريف نمايد رفتن به نواحي دون مسافت موجب شكسته شدن نماز نمي شود، و اگر قصد عشر نكرده باشد، پس همجنان مسافر است. [شمارة ثبت: (١٧٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: حكم مسافر در مورد نماز و روزه در مشاهد مشرّفه و بقاع مطهّره اولاد ائمّه عليهم السلام مانند مرقد حضرات معصومه عليها السلام و شاه عبدالعظيم عليه السلام چگونه است؟

جواب: از نظر حكم مزبور؛ مشاهد و اماكن غير معصومين و غير انبياء عليهم السلام؛ حكم ساير اماكن عادّى و مساجد عادّى را دارد، هر چند از نظر فضيلت معنوي شرافت خاص خود را دارد. [شمارة ثبت: (١٨٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر شخصي كه شغلش رانندگي نيست؛ اما وسيله اي دارد كه راننده اي با آن كار می كند و اين شخص گاهي اوقات با راننده به مسافرت برود آيا نمازهايش شكسته است يا كامل؟

جواب: اگر اين مسافرت از موارد مستثنای از سفر (موجب تقصير) نباشد (مذكور در بند٣ جوابيه٦٦)، وي حكم مسافر را دارد. [شمارة ثبت: (٧١) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: رانندگاني كه در استخدام دولت می باشند، از نظر نماز و روزه، جزو اشخاص دائم السّفر محسوب می شوند يا نه؟

جواب: كسي كه شغل او سفر شد؛ تا وقتی كه در اين شغل مي باشد؛ كلاً مسافرت براي او (ولو براي غير شغل) موجب تكليف حكم مسافر بر او نمی شود، ولی در صورت ترك اين شغل، و شغل حضري پيدا كردن؛ مانند ساير اهل حضر؛ در سفر به حكم سفر خواهد بود.[شمارة ثبت: (٢٤٣) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: كارمندان دولت كه در شهري مانند تهران استخدام می شوند؛ و تشكيل خانه و زندگي می دهند؛ و احتمال دارد سالها و شايد تمام سي سال دوران خدمت را در آن شهر بمانند و به جائي منتقل نشوند، امّا قصد دارند كه هر موقع بازنشسته شدند؛ به وطن اصلي خود برگردند و در آنجا زندگي كنند، آيا شهر محلّ كار و خدمت، وطن دوم براي آنها محسوب می شود يا نه؟

جواب: حكم وطن را دارد. [شمارة ثبت: (٢٤٤) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: آيا تهران را بلاد كبيره می دانيد يا خير؟

جواب: با توجه به مبناي مختار در باب حدّ سفر شرعي؛ تردد در بلاد كبيره فعليّه، موجب تحقق سفر شرعي در اين عصر نمی شود و اگر در آينده به حدّي توسعه يابند كه تردد در آن موجب تحقّق سفر (على المبنى المختار) بشود آنوقت به حكم غير آن بلد بوده، و ترتب حكم سفر منوط به شرايط تحقق سفر (موجب تقصير) مي باشد. [شمارة ثبت: (٢٨٦) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: شخصي قصد اقامت پنج روز در محلي داشته ولی هنگام ورود به آن محل؛ به كلي فراموش كرده و جديداً قصد ده روز نموده آيا اقامه محقق می شود يا خير؟

جواب: اگر از اول قصد اقامت پنج روز داشته، حكم مسافر داشته، چه تلفظ و يا نيت كرده باشد و يا اينكه فراموش كرده وهمينطور مانده باشد، ولی هنگام قصد ده روز: اگر اين قصد بدون احتساب اين پنج روز گذشته مي باشد، اقامه محقق شده و پس از اين حكم مسافر ندارد، ولی اگر با احتساب اين پنج روز مي خواهد قصد نمايد، اقامه محقق نشده و حكم مسافر را دارد، و نيز همين حكم را دارد اگر منظور؛ خطاي در قصد است؛ يعني قصد پنج روز داشته ولی تلفّظ به عشر كرده است لذا اقامه محقق نشده است، ولی اگر از ابتدا قصد ده روز داشته ولی يا تلفظ عدد ايام را نكرده و يا اشتباها پنج روز تلفظ كرده، وپس از آن متوجه شده والآن مي خواهد با احتساب ايام گذشته قصد نمايد، قصد اقامه عشر محقق بوده و حكم مسافر نداشته و اشتباه در تلفظ عدد يا نسيان تلفظ عدد موجب اختلاف در حكم او نمي شود. [شمارة ثبت: (٢٨٧) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: خارج شدن از حدّ ترخص آيا مضر به قصد اقامه می باشد يا خير؟

جواب: خير. [شمارة ثبت: (٢٨٨) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: المسؤولون عن حملات الحجّ والمرشدون الحجّاج الّذين يمارسون ذلك سنويّاً، هل حكمهم التّمام أم القصر؟

جواب: اذا كان شغلهم و مكسبهم من ذلك فحكمهم التّمام. [شمارة ثبت: (٢٨٩) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: عامل أو طالب أو مدرس يعمل أو يَدْرُس أو يُدَرِّس في منطقة تبعد مسافة شرعية (مسيرة قدر يوم) فإذا كان يرجع إلى بلده يوميا (بالطائرة) ويطمئن باستمرار عمله سنة أو أكثر ما حكم صلاته وصومه حين السفر؟

جواب: يصوم ويصلي تماما. [شمارة ثبت: (٣٥٩) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: إذا كان الطالب يشتغل في إجازته الصيفية في مكان يبعد عن وطنه مسافة شرعية (على المبنى الفقهي عندكم) وكان يرجع إلى وطنه أسبوعيا كل خميس وجمعة وكان عمله قد يستمر شهر أو شهرين أو ثلاثة، ما حكم صلاته وصومه في عمله وطريقه؟

جواب: يصلي ويصوم تماما. [شمارة ثبت: (٣٦٠) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: طالب يشتغل في عطلته الصيفية على بعد مسافة من وطنه وقد يستمر عمله شهرا أو شهرين أو أكثر فإذا كان يرجع إلى وطنه يوميا ما حكم صلاته وصومه في عمله وطريقه؟

جواب: يصوم ويصلي التمام. [شمارة ثبت: (٣٦١) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: عامل في شركة لها أعمال متعددة في مناطق متباعدة؛ يطمئن هذا العامل ببقائه في العمل السنة أو السنتين؛ لكن لا يطمئن ببقائه في مقر عمله قد تنقله الشركة إلى منطقة أخرى تبعد عن وطنه وعن مقر عمله الاول مسافة شرعية؛ وقد يحصل النقل بعد شهر أو سنة أو أقل أو أكثر؛ فإذا كان هذا العامل يرجع إلى

وطنه أسبوعيا كل خميس وجمعة ما حكم صلاته وصومه حين السفر والعمل؟

جواب: يصوم ويتم الصلاة في مقر عمله مهما كان؛ وفي وطنه والاسفار التي تكون إلى عمله. [شمارة ثبت: (٣٦٢) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: لو كان الانسان يسافر في الاسبوع ثلاث مرات أو مرتين بشكل دائم؛ دون أن يكون عمله السفر؛ فهل يتم الصلاة أو لا؟

جواب: إذا صار السفر عادة له؛ ولا يقيم في البلد الذي يسافر إليه عشرة أو زائدا عليها؛ فهو صلاته وصومه تام صحيح، ولو لم يكن سفره لعمله أو لمقدمة عمله. [شمارة ثبت: (٣٦٣) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: إذا عمل الشخص في مكان ومسكنه في مكان آخر؛ ويوجد مسافة سفر بين المكانين فهل يصلي في الطريق قصر أو تمام؟

جواب: حكم صلاته وصيامه في مسكنه ومعمله والطريق في بينهما واحدة؛ وهو تمام. [شمارة ثبت: (٣٦٤) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: شهر ومكانی را كه محصل علوم ديني به عنوان محل تحصيل خود قرار دهد و مدتي در آنجا می ماند؛ وحتی دارای منزل مسكونی در آن شهر می شود؛ آيا اين شهر برای وي حكم وطن را دارد؟ اگر دارای چنين حكمی است در صورت نقل مكان به شهر ديگر، شهر مذكور [اول] باز به حكم وطن بودنش باقی است؟

جواب: تكليف مسافر نداشته و در صورتی كه در شهر سابق دارای منزل ويا محلي (ولو از غير خود) است كه در آن مثل منزل خود راحت بوده واختيار دارد؛ به حكم سابق آن باقی است.[شمارة ثبت: (٨٧٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: طالب يشتغل في عطلته الصيفية على بعد مسافة من وطنه وقد يستمر عمله شهرا أو شهرين أو أكثر فإذا كان يرجع إلى وطنه يوميا ما حكم صلاته وصومه في عمله وطريقه؟

جواب: يصوم ويصلي التمام في عمله مثل وطنه. [شمارة ثبت: (٣٩٥) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: هل يشترط في تحقق الوطن الشرعي لأحد؛ أن يمكث الشخص في بلد ستة أشهر مع الملكية؟ وهل يلزم أن تكون السنة أشهر متوالية؟ بحيث يقدح تخلل عدم السكن ولو مدة نصف يوم أو أكثر أو أقل؟ وهل يلزم أن تكون سكناه في نفس ملكه أم لا؟ وهل يلزم أن يكون الملك حاصلا له طول مدة ستة أشهر؟ أم يكفي حصوله ولو في بعضها؟ وهل يلزم ملك العين أم يكفي ملك المنفعة؟

جواب: يكفي أن يكون له مقام ومسكن، بيده إختيار التصرف فيه والإنتفاع به، بحيث أن مقامه فيه كمقامه في بيته، (وله الإختيار حيثما دخل وكيفما أقام ومهما خرج وأي وقت مع أي أحد)، إما بتملك ذلك أو استيجاره أو إباحة أحد له أو غيرها، فلا يشترط الملكية والمدة استمرارا أو انقطاعا. [شمارة ثبت: (٣٩٦) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: إذا قصد الشخص البقاء مدة طويلة في بلد كان وطنا له، ولكن إذا حصل ذلك البقاء الطويل بلا قصد؛ فهل يعد ذلك وطنا له؟ كما إذا سكن مدة سنتين في بلد بلا قصد مسبق لذلك.

جواب: الميزان في ذلك: البقاء إلى حد لا يعد مسافرا أو يكون له إمكانية الحاضر في ذلك البلد سواء قصد البقاء لذلك أو اتفق تحققه. [شمارة ثبت: (٣٩٧) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: هل تتبع الزوجة زوجها في وطنه (وطن الزوج) في التمام والصيام؛ إذا سافرت إليه؛ ولم تنوي الاقامة؛ وليس عندها دار سكنى في وطن الزوج؛ فمثلا لو

غادرت امرأة وطنها إلى وطن الزوج ولمدة خمسة أيام فهل تقصر وتفطر أم تتم صلاتها وتصوم في وطن الزوج؟

جواب: العمدة هي أن تكون لها الإمكانية وظروف المقام، فإذا كانت بحيث أنها في بيتها متصرفة، ولو كانت تسكن في دار الزوج؛ فتكفي في تحقق الوطن الشرعي، وأما بدونها؛ فلا يجري عليها حكم الحاضر، بصرف مكثها في بلد هو وطن زوجه. [شمارة ثبت: (٣٩٨) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: هل تتبع الزوجة زوجها في وطنه غير الفعلي كموطنه الاساسي الذي لايسكن حاليا فيه، ولم تسكن معه فيه مطلقا؟ أم لابد من فعلية التوطن والسكن لتكون تابعة له فيه في الاتمام في الصلاة والصوم؟ ثم هل تتبع الزوجة التي لم تنقل إلى زوجها بعد زواجها في وطنه إذا زارته؟ أم لابد كذلك من فعلية التوطن بالانتقال إلى بيته والعيش معه؟

جواب: لا أثر لقصد الزوج في مثل الموارد المذكورة في حكم الزوجة، ولا قصد الزوجة نفسها، بل العمدة هي إمكانية المقام وظروفه. [شمارة ثبت: (٣٩٩) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: إذا أعرض شخص عن وطنه الاصلي نظريا لا عمليا؛ كالزوجة في إعراضها بعد زواجها وبقائها على سيرتها الاولى بالتردد على بلدها برضى زوجها، فهل هذا يعتبر إعراضا؟ ومعه هل عودها هذا يحتاج إلى فترة الستة أشهر في إتخاذ الوطن الجديد؟

جواب: العمدة إمكانية المقام وظروفه، فإذا أعرض شخص عن وطنه ولم يزل تكون له تلك الإمكانية فمجرد إعراضه لا يوجب خروج وطنه عن أثره وحكمه، كما أنه يمكن في وطن عارضي تغيير الظروف وفقدان الإمكانية لأحد يؤدي الى انتفاء عنوان الوطن وحكمه عنه، فلذلك لا يوجب التردد أو الإعراض

خللا في بقاء حكم الوطن، كما أن العزم على التوطن بدونها لا يفيده. [شمارة ثبت: (٤٠٠) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: كسي كه ماهي يك مرتبه به مشهد مقدس مشرف مي شود آيا مي تواند در بين راه تا رسيدن به مشهد مقدس و همچنين در برگشت از مشهد مقدس به وطن نماز را تمام بخواند؟

جواب: در صورت اشتغال يكروز در سفر؛ تكرار ماهانه اين مسافرت؛ مانع از شمول حكم مسافر بر او نيست. [شمارة ثبت: (٩٩٤) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: شخصي كه به شهر ديگري مسافرت كرده وبراي اينكه نمازهاي خود را تمام بخواند ده روز قصد كرده است، آيا در اين مدّت قصد مي تواند به شهرهاي اطراف محل قصد خود مسافرت كند واز حد ترخص خارج شود؟

جواب: خروج از حد ترخص و همچنين سفر به شهرهای اطراف در صورتی كه كمتر از مسيره يوم باشد؛ بلا مانع است. [شمارة ثبت: (٥٠٥) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: كسي كه از محل اقامت خود، با طي مسافت يك روز راه؛ براى زيارت حضرت معصومه (عليها السلام) و ساير امامزادگان و نيز تحصيل مقدمات زيارت عمره؛ سفر نموده است، آيا نماز او شكسته يا تمام مي باشد؟

جواب: سفر مزبور از مصاديق سفر براى طاعت بوده؛ ولذا حكم مسافر شرعي را داشته و نماز او شكسته مي باشد، مگر اينكه در محلى وارد شود كه آنجا مانند منزل خود بهرمند و اختياردار است؛ و يا در يكي از امكنه ده روز يا بيشتر اقامت نمايد. [شمارة ثبت: (٧٣٦) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: در صورت تحقق سفر شرعي؛ اگر در يكي از نقاط سفر شخص قصد توقف كمتر از ده روز را داشته ولى كم كم لازم شده كه توقفش را ادامه

دهد؛ و الآن عملا بيش از ده روز در آنجا توقف داشته است و شايد هم تـوقفش استمرار پيدا كند؛ تكليف او چيست؟ آيا نماز او شكسته يا تمام مي باشد؟

جواب: تا قصد اقامت اقلا ده روز را ندارد؛ حكم مـسافر را دارد، مگـر اينكـه توقف غير مقصودش يكماه طول بكشد در اين صورت نمازش تمام است هـر چند هنوز قصد اقامت ندارد. [شمارة ثبت: (٧٣٧) منبع: المسائل الإصفهانية]



نماز جماعت

سؤال: آیا صفوف نماز جماعت أحکام خاصی دارد؟ آیا ایستادن در صفوف متأخر امتیازی دارد؟

جواب:

بنابر صریح فرمایشات حضرات معصومین علیهم السلام توفیق حضور در صف اول نماز جماعت بدون ایذاي دیگران آن قدر فضیلت دارد که مردم اگر می دانستند، برای دست یابی بدان قرعه می زدند.

و نیز فرموده اند: کسی که درك کند نماز جماعت را در تکبیر أوّل در صف أوّل؛ به ثواب مؤذن لوجه الله نایل می شود؛ که ثواب (چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و شفاعت از برای نجات چهل هزار گناهکار از امت اسلام به بهشت) را دارد.

و نیز از فضائل آن این است که: نود هزار ملك برای او استغفار می کنند، و در روز قیامت تا پایان حساب در سایه عرش الهی خواهد بود، و چهل هزار هزار ملك ثواب او را می نویسند.

و از دیگر فضایل آن اینکه: خداوند و ملائکه اش درود می فرستند بر کسانی که صفوف جماعت را تمام و کامل می کنند.

و نیز فرموده اند: رعایت نظم و آراستگی و تسویه صفوف موجب تمامیت نماز است، و اگر جهات فوق رعایت نشود شیطان در میان صفوف آن جماعت راه یافته، و دلهای ایشان از هم جدا گردد.

فلذا مراعات جهات زیر در صفوف نماز جماعت لازم است:

۱- صفوف نماز جماعت باید بسیار صاف و مستوی بوده، بطوری که قدمها و شانه های مأمومین در یك صف، محاذی یکدیگر، و بر یك خط راست استوار باشد.

۲- ابتدا باید صف اول را تکمیل نمایند هر چند بسیار طولانی شود، و تا صف اول تمام و پر نشده در صف بعدی نایستند، و همچنین به ترتیب صفوف بعدی را منعقد نمایند.

۳- نباید هیچگونه خلل و فرجه ای در میان افراد یك صف بوده، بلکه صفوف جماعت متراکم و شانه های مأمومین به هم دیگر مماس باشد.

و بنابر فرمایش معصومین علیهم السلام: در صورت ایجاد خلل در صفوف حین نماز، نزدیکترین نماز گزار (با حفظ حال نماز و جهت قبله) به آرامی حرکت نموده و آن صف را کامل می نماید، و در صورت وقوع ضیق مجال در صفوف در حین نماز؛ نمازگزار (با رعایت جهت فوق) به مکان واسع منتقل می شود، ولی به هر حال به نحوی باید انجام شود که تمامیّت و تراکم صفوف متقدّمه از دست نرود.

بدیهي است که: بندگان درگاه ولایت کبری (منه السلام) با رعایت اوامر مولی علیه السلام ضمن عمل به وظیفه، از آثار نورانی آن بهره مند شده، و آنانکه تخلّف نمایند به نتایج سوء آن گرفتار خواهند شد. [شمارة ثبت: (۳۸۷) منبع: المسائل الحائرية]

سؤال: آیا تکبیرة الاحرام امام؛ مجوّز اقامه نماز برای تمام کسانی است که در صف اوّل ایستاده اند یا نه؟ (مثلاً کسی که در صف اوّل ایستاده و از امام فاصله دارد آیا باید صبر کند که ما قبلیهایش که به امام نزدیکترند نماز را اقامه کنند یا نه بلافاصله بعد از اقامه نماز توسط امام وی نیز می تواند اقامه کند)

جواب: در صورت ورود یا تهیؤ للصّلاة توسط افراد واسطه اتصال او به امام

جماعت؛ تكبيرة الاحرام مجوّز ورود جميع مأمومين (ولو در صفوف متأخر) به نماز است. [شمارة ثبت: (٤٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا مأموم می تواند دو نماز خود را با يك نماز امام جماعت بخواند به اين طريق كه به نماز عصر امام برسد و نيّت نماز ظهر نموده و تا ركعت دوّم (قنوت) را با امام همراهی كند و بعد به فرادی نماز را به اتمام برساند و مجدداً در ركوع ركعت سوّم يا چهارم به امام ملحق و نماز عصر را بجا آورد؟

جواب: باطل نيست و اشكالی ندارد ولی وجه ترجيحی هم ندارد بلكه مرجوح است. [شمارة ثبت: (٨٣٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: تردّد و راه رفتن بين صفوف نماز جماعت، حال برای انجام كار شخصی و يا ملحق شدن به نماز جماعت و مطلقاً عبور از مقابل شخص نماز گزار چه حكمی دارد؟

جواب: عبور از مقابل نماز گزار نهی شده است، كما اينكه نماز گزاردن در مسير تردد هم نهی شده است، و از تردّد بين صفوف؛ يا مقابل نماز گزار در حال نماز؛ اجتناب شود، مگر در ضرورت. [شمارة ثبت: (٨٣٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: كسي كه در نماز جماعت يك ركعت از امام عقب تر است در ركعت دوم و چهارم امام، هنگام تشهد وظيفه اش چيست؟

جواب: همراه امام در تشهد؛ به حالت نيم خيز منتظر می ماند؛ تا امام برخيزد يا از نماز فارغ شود. [شمارة ثبت: (٤٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: مأموم می تواند سلام نماز را زودتر از امام بگويد و از نماز خارج شود؟

جواب: نماز صحيح است؛ ولی به مقدار متابعت و همراهيش با امام جماعت؛ از ثواب جماعت بهره مند می شود. [شمارة ثبت: (٤٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در نماز جماعت، نماز خواندن پشت ستون یا دیواری که مانع دیدن امام جماعت و یا صفهای جلو می شود؛ چه حکمی دارد؟

جواب: فقط مانع غیر قابل عبور؛ در سمت اتصال انحصاری مأموم با امام جماعت؛ مانع اتصال و انعقاد جماعت برای شخص است، و در صورت اتصال از طرفین؛ وجود مانع مقابل موجب انقطاع وي از نماز جماعت نمي شود. [شمارة ثبت: (٤٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر مأموم سهواً زودتر از امام سر از رکوع یا سجده بردارد وظیفه او چیست؟

جواب: در صورت فرصت برای متابعت، دوباره به وضعیت قبلی برگشته و متابعت امام جماعت نماید. [شمارة ثبت: (٥٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر مأموم در نماز جماعت، همزمان با امام نماز را شروع کند؛ ولی در رکعت سوّم از امام؛ به علّتی دو رکن عقب بیافتد؛ حکم مأموم چه می باشد؟

جواب: اگر تأخیر در صورت سهو و اضطرار باشد به سرعت تدارك کند، و به امام ملحق شود، و اگر عمدی و غیر اضطراری باشد؛ بطوری که از صورت جماعت خارج شود؛ نماز او فرادی می شود. [شمارة ثبت: (٥٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر مأموم سر از سجده بردارد و فکر کند امام به سجده دوم رفته است، مأموم به قصد سجده دوم به سجده رود آنگاه در سجده یا بعد از آن بفهمد که امام هنوز سجده دوم را بجاي نیاورده است وظیفه چیست؟

جواب: اگر در حال سجده بفهمد و امام بدو ملحق شود، پس در وقت رفع سر از سجده؛ متابعت نموده و به جماعت ملحق می شود، ولی اگر پس از سجده متوجه شود؛ متابعت امام نماید و باز به سجده رود. [شمارة ثبت: (١٧٩) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در صورتی که شخصی به رکعت اول نماز جماعت نرسد؛ و یك یا دو رکعت یا سه رکعت از امام جماعت عقب بیافتد، اگر به رکعت سوم یا چهارم برسد و امام جماعت در حالت خواندن سوره حمد در رکعت سوم و یا چهارم باشد؛ مأموم چه موقع می تواند به امام جماعت اقتدا نماید؟

جواب: مأموم درهر حال می تواند به امام جماعت اقتدا کند، در هر مرحله ای از نماز، و بقدر توفیق همراهی؛ ثواب جماعت را نائل گردد انشاءالله تعالی، فقط اگر قبل از انتهاء رکوع امام درك کرد جماعت را؛ آن رکعت محسوب می شود، و الاّ حکم متابعت داشته و از رکعت بعدي حساب می نماید، و لذا لزومی ندارد که شخص بایستد تا امام برسد به اوّل رکعت بعدی یا رکوع بعدی، بلکه امام در هر حال باشد (در سجده باشد یا تشهد، یا در حین قیام یا در حین رفع رأس از رکوع) مأموم تکبیر گفته و متابعت می نماید. [شمارة ثبت: (٢١١) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر مأموم یك نفر باشد از حیث ایستادن چه وظیفه ای دارد؟ (سمت راست امام بایستد یا پشت سر وی نیز صحیح است)؟

جواب: در سمت راست اولی است، به نحوي که موضع سجود مأموم جلوتر از زانوي امام نباشد، و أما پشت سر امام یا سمت چپ او؛ در وقتی که محدودیت مکانی باشد؛ مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (٢١٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: شخصی که قصد خواندن نماز مغرب و یا نماز شکسته را دارد، آیا می تواند در صف اوّل جماعت نماز چهار رکعتی بایستد؟ به نماز کسانی که بعد از او در همان صف ایستاده؛ اشکالی وارد نمی شود؟

جواب: اگر صفوف متراکم باشد که به فراغت شخص مزبور از نماز؛ اتصال صفوف به هم نمی خورد مانعي ندارد، والا موجب انقطاع صفوف (متصل به او)

شده، مگر اينكه توسط ديگري جاي او پر شود. [شمارة ثبت: (٢٢٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا در هنگامي كه امام جماعت تكبيرة الإحرام را می گويد؛ و مأموم صف جلو؛ مهيّا است؛ ولی هنوز تكبير نگفته؛ می توان تكبير گفت و به امام اقتداء كرد؟

جواب: صحيح است. [شمارة ثبت: (٢٨٠) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر ركوع كرد و شك نمود كه به امام رسيده يا نه، نماز او مجزی است يا خير؟

جواب: اگر يقين ندارد كه به امام در ركوع رسيده به قصد متابعت همراهي می كند و از ركعت جديد حساب كند، و نماز او صحيح است. [شمارة ثبت: (٢٨١) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: احياناً في صلاة الظّهر يوم الجمعة، يوضع ميكرفون [مكبّر الصّوت] قريباً من إمام الجماعة، ففي التّسبيحات (في الرّكعة الثّالثة والرّابعة) يسمع المأموم الصّوت؛ وكذلك في صلاة العصر فإنّ المأموم يسمع القراءة؛ مع العلم بإخفات إمام الجماعة؛ هل يوجد إشكال في ذلك؟

جواب: لا بأس به. [شمارة ثبت: (٢٨٣) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: در نماز جماعت پس از اتمام سوره توحيد؛ گفتن كذلك الله ربّي؛ بر مأمومين چه حكمی دارد؟

جواب: از باب رعايت آداب مستمع قرآن، مطلوب است. [شمارة ثبت: (٤٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: هنگامی كه ادعيه به صورت دسته جمعی خوانده می شود (مثل تعقيبات و غير آن) آيا ادب برای افراد (غير از متصدّی قرائت) فقط گوش كردن است؟ يا

آنکه زمزمه کردن و یا با صدای بلند همراهی کـردن مـانعی نـدارد؟ در قنـوت نماز جماعت چطور؟ گوش کند یا همراه امام بخواند یا دعای دیگر خوانـده شـود مانعی ندارد؟ کداميك بهتر است؟

جواب: اول: ادعیه ای که دسته جمعی خوانده می شود؛ در صـورت رغبـت حـالی؛ آن فرد مي تواند به صدائی که مطابق و مناسب جمع باشد همراهی کند، و امتیـاز به صدای بلند (اختیارا) در میان جمع مرغـوب نیـست، دوم: در جماعـت نبایـد صداي مأموم بلندتر از امام جماعت بوده، و موجب مزاحمت دیگران هـم نـشود، سوم: مأموم در قنوت؛ خود، دعا بخوانـد، ولی در مـضامین دعا مختـار اسـت؛ کـه متابعت امام نموده یا دعای دیگری بخواند. [شمارة ثبت: (١٦٤) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اقتداء به نماز جمعه در نماز ظهر چه صورت دارد یعنی می توان نماز ظهر را به نماز جمعه اقتداء کرد؟

جواب: اقتداء واقعي آن صحیح نیست؛ ولی قصد نماز ظهر و اتیان فرادای آن در همراهي صوري نماز جمعه؛ و ادامه نماز ظهر پـس از سـلام نمـاز جمعـه اشـکالی ندارد. [شمارة ثبت: (٢٧٨) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: ذكرتم لزوم الاجهار بالبسملة مطلقا، فمـا حكـم الـصلاة خلـف إمـام يخفت في البسملة في الاخيرتين وهل تصح الصلاة خلف من قـلد ميتـا ابتـداء أو خلف إمام يجهر بالتسبيحات أو يسبح في الإخيرتين؟

جواب: لا بـأس بالائتمـام بتلـك الـصلوات إذا كان مـصلوها عاملـين بـواجبهم الشرعي. [شمارة ثبت: (٣٧٦) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: در نماز مغرب وعشاء اگر در رکعت آخر برسیم وبه امـام جماعـت اقتـدا کنیم؛ و در رکعت دوّم که فرادی محسوب می شود؛ آیا بایـد حمـد وسـوره را بلنـد بخوانیم یا رعایت حال مأمومین را نمائیم وآهسته بخوانیم؟

جواب: به تکلیف فرادی عمل می کند؛ ولی با ملاحظه بقیّه جماعت؛ که به اقلّ جهر عمل می کند. [شمارة ثبت: (۸۸۵) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در موقع اقامه نماز فرادی اگر در مکانی زن و مرد یا زنان و مردان باشند، نحوه ایستادن اینها از حیث عقب تر یا جلوتر یا مساوی بودن زن بر مرد: الف) اگر محرم با یکدیگر باشند چه حکمی دارد؟ ب) اگر با یکدیگر نا محرم باشند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت رعایت فاصله تقدّم زنان مانعی ندارد، و در صورت نماز در بخشهای عمومی اماکن مقدّسه (مانند مسجد الحرام)؛ تقدم زنان یا مجاورت در صورت عدم تلاصق؛ مطلقاً اشکال ندارد. [شمارة ثبت: (۸۸۷) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در جماعت؛ چنانچه امام تکبیرات افتتاحیه را نگوید آیا مأموم مي تواند خودش تکبیرات را بگوید؟

جواب: مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (۸۹۳) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: هل تجب الاخفات بالبسملة في الاخيرتين؟ ما حكم الصلاة خلف إمام يجهر غالبا في البسملة في الاخيرتين؟ وهل تصح الصلاة خلف من قلد ميتا ابتداء أو خلف إمام يجهر بالتسبيحات؟

جواب: الإجهار بالبسملة في الصلاة مطلقا، ولا بأس بالائتمام بتلك الصلوات إذا كان مصلوها معذورين في اجهارهم أو إخفاتهم حسب الاجتهاد أو التقليد منهم. [شمارة ثبت: (٤٨٠) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: اگر امام در رکعت سوم باشد و مأموم رکعت دوم، وظیفه مأموم از جهت بلند و آهسته خواندن حمد و سوره در نمازهای جهریه چیست؟

جواب: بلند خواندن مأموم (در موارد لا زم) بحدي که منافات با جماعت نداشته و

هيمنه جماعت را بر هم نزند مانعي ندارد. [شمارة ثبت: (١٠١٧) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: كسي كه يك ركعت از امام جماعت عقب مانده است و وظيفه او در حال تشهدِ امام، تجافي است، آيا در اين حال، تشهد را نيز بخواند يا خير؟ و در صورتی كه تشهد آخر نماز است؛ بايد تا آخرين سلامِ امام، در حال تجافی باقی بماند؟ يا می تواند پس از تمام شدن تشهد بر خيزد؟

جواب: خواندن تشهد اشكالی ندارد، و به قدر همراهي امام جماعت از ثواب جماعت بهره مند مي شود. [شمارة ثبت: (١٠١٨) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر شخصی می داند كه در ركعت سوم و چهارم نماز بايد سوره حمد خواند؛ ولی تسبيحات أربعه را می خواند، و در صف جماعت حضور دارد، جماعت سايرين از جهت اتصال و عدم اتصال دچار مشكل می شود؟

جواب: موجب قطع اتصال صفوف نمي شود. [شمارة ثبت: (١٠٥٢) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر مأموم در ركعت سوم يا چهارم كه وظيفه قرائت با خود اوست، كمی قبل از ركوع اقتدا كند؛ به صورتی اگر حمد را بخواند ركوع امام را درك نمی كند؛ تكليفش چيست؟

جواب: اگر امام مشغول قرائت حمد بوده و مأموم اقتدا كرده است، پس فورا و به تعجيل حمد را خوانده و به امام ملحق مي شود. [شمارة ثبت: (١٠٥٣) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اگر كسي كه در صف اول نماز جماعت جايي قراردارد كه محل اتصال صفوف زنان به صفوف مردان است؛ و او بدون احساس خود؛ حين نماز عادت ماهانه شود، و پس از نماز بر آن واقف شود؛ (و ايام عادت وی هم نبوده تا اينكه پرهيز كند) آيا نماز افراد متصل به وی اشكالی پيدا مي كند؟

جواب: با تراكم و پيوستگی صفوف، فقدان يكنفر موجب قطع اتصال صف نمی شود، و اما در صورت قطع اتصال و تكميل نشدن صف؛ تنها جماعت (افراد متصل از اين شخص) تبديل به فرادی مي شود؛ و خلل به صحت نماز ايشان وارد نمي گردد. [شمارة ثبت: (٧٣٨) منبع: المسائل المشرقية]

سؤال: اگر كسي كه در صف اول نماز جماعت جايي قراردارد كه محل اتصال صفوف زنان به صفوف مردان است؛ و او بجهتی نماز را بشكند و كمی فاصله شود تا ديگران جای او را پر كنند؛ آيا نماز اين افراد اشكالی پيدا مي كند؟

جواب: در صورت تراكم و پيوستگی صفوف، خالی شدن صف از يكنفر موجب قطع اتصال صف نمی گردد، و اما در صورت قطع اتصال و تكميل نشدن صف؛ تنها جماعت (افراد سابقا متصل) تبديل به فرادی مي شود؛ و در هر حال خلل به صحت نماز ايشان وارد نمي شود. [شمارة ثبت: (٧٣٣) منبع: المسائل المشرقية]

سؤال: در موقعي كه مأموم به نماز جماعت دير مي رسد؛ و امام جماعت در حال قرائت حمد يا سوره است؛ آيا بعد از نيت نماز؛ برای ورود به نماز يك بار بايد تكبير گفت؟

جواب: يكبار آن واجب و بقيه مستحب است، لذا مي تواند به يك تكبير اكتفا كند، و مي تواند هفت تكبير پي در پي بگويد. [شمارة ثبت: (١٢٣٠) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: در وقتي مأموم به نماز جماعت مي رسد كه امام جماعت در ركعت دوم است، در موقع تشهد امام جماعت؛ كه مأموم به حالت نيم خيز است؛ آيا گفتن تشهد اشكال دارد؟

جواب: تكرار فقرات شهادت به قصد ذكر اشكالی ندارد. [شمارة ثبت: (١٢٣١) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: در رکعت چهارم امام جماعت که رکعت سوم مأموم است؛ آیا مأموم موقع تشهد امام مي تواند برخیزد و رکعت چهارم خود را ادامه دهد؟ یا اینکه باید به صورت نیم خیز بماند تا امام از نماز فارغ شود؟

جواب: اگر بخواهد تا آخر نماز جماعت فضیلت آنرا دریابد، به وجه دوم عمل کند، و اگر بخواهد که قصد فرادی کند؛ و هنوز امام از نماز فارغ نشده؛ بقیه نماز را فرادی بخواند؛ به فرض اول عمل مي کند. [شمارة ثبت: (۱۲۳۲) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: شرایط لازم برای امامت جماعت چیست؟

جواب: تنها عدالت و ظاهر الصلاح بودن شرط در امامت جماعت نیست، بلکه بنابر نص شریف کلام خازنان وحی علیهم السلام؛ جهات متعددی لازم است که درباره امام جماعت ملاحظه بشود:

۱- شخص مجهول الهوية که دین و احوال او معلوم نیست نباشد. ۲- طیب و پاکی مولد؛ فلذا ولد الزنا نباید باشد. ۳- سفیه نبوده و عاقل باشد. ٤- بالغ باشد. ٥- مرد باشد. ٦- مختون باشد. ۷- وابسته به ظلمه و حکام جور و طالب تقرب به آنها نباشد. ۸- دنباله رو حق باشد؛ اگرچه سبب ذلت و گرفتاریش باشد، نه اینکه همراهی باطل کند؛ بخاطر عزت دنیوی. ۹- حریص به دنیا نباشد. ۱۰- طالب ریاست باطله نباشد. ۱۱- برای گفتن اذان و برپا کردن نماز توقع مزد نداشته باشد. ۱۲- بر او حد جاری نشده باشد. ۱۳- گیج و خواب آلود نباشد. ۱٤- مبتلا به (حدیث نفس و با خود سخن گفتن و ذهن آشفته و بسیار مشغول) نباشد. ۱٥- دارای صلاحیت اعتقادی باشد: مرتد و منکر هیچیك از احکام مسلمه حلال و حرام و ضروریات نبوده، و بیگانه از فرهنگ و تعالیم دینی نباشد، مؤمن و اهل معرفت بوده و مقصر و غالی نباشد. ۱٦- دارای التزام دینی و

عدالت باشد، لاابالی نبوده، و از ارتکاب محرمات و کبائر و تجاهر به فسق و فجور پرهیز داشته باشد. ۱۷- شارب خمر نباشد (ولو مخفیانه). ۱۸- قرائت او صحیح و فصیح باشد، و با وجود قاریتر و فصیحتر، امامت وی ترجیح داشته؛ مگر اینکه از نظر صلاحیت اعتقادی و دانش و فقاهت دینی برتری داشته باشد. ۱۹- شغل امام جماعت؛ بافنده و حجام و دباغ نباشد. مگر در صورت نبود واجد شرایطی غیر اینها. ۲۰- عدم اکراه ماموین از اقتدای به او. ۲۱- بر ارتکاب مکروهات نماز عادت نداشته و حتی الإمکان از آن پرهیز کند. ۲۲- اگرچه بسنده کردن امام جماعت بر حداقل شرایط و اعمال لازم برای صحت انجام نماز؛ برای صحت جماعت او کافی است، اما از التزام به آداب و مستحبات نماز؛ بقدر تواناي خود و مأمومین؛ رویگردان نباشد.

ﷺ بجز لزوم وجود شرایط سابق الذکر جهات دیگری هم هست که در امامت جماعت حتی الإمکان رعایت می شود، از جمله:

۲۳- عالم به وظایف و معارف دینی بوده، و هرکه داناتر باشد و افقه و اعلم باشد در امامت جماعت اولویت دارد بر غیر او، و با حضور او مانع از امامت غیر اوست. ۲٤- از نظر تکلیف اجرای نماز نسبت به مأمومین، جزو معذورین و کمتر از ایشان نباشد، مثل نماز نشسته خوان در امامت برای نماز ایستاده خوان، یا بسیار مریض و علیل برای افراد سالم، و یا متیمم برای متوضي، مگر در صورت عدم وجود واجد الشرایط، یا ترجیح داشتن از نظر صلاحیت و التزام دیني. ۲۵- مبتلا به عیوب و نقایص بدنی آشکار (مانند کری یا کوری یا جذام یا برص و یا آثار زخم و ضایعات فاحش در صورت) نباشد، مگر اینکه کسی که از نظر صلاحیت دینی و صحت قرائت و دانش دیني امتیازی بر شخص واجد شرایط عاری از نقایص بدنی مذکور داشته باشد، یا ماموین نظیر خودش مبتلا

باشند. ۲۶- بدنش حتی در مواضع غیر عورت (از جمله سر) برهنه نباشد. ۲۷- بعد از وجود مراکز تجمع مسلمین و مؤمنین و بلاد و محیطهای با فرهنگ اسلامی؛ برای هجرت و توطن در آنها ابا نداشته و برای اقامت و توطن در بلاد عاری از تعالیم دینی اصراری نداشته باشد، و یا بعد از توطن و هجرت به آنها به بلاد عاریه باز نگردد، مگر برای حفظ مسلمین و اهل ایمان و تبلیغ دین و ماموریتی در مصلحت مسلمین و یا ضرورت و اضطرار معیشت زندگی، یا امامت مأمومینی نظیر خودش. ۲۸- طوری جماعت برگزار و امامت شود، که صورت جماعت از ابتدا تا انتها حفظ شود، و بخاطر تفاوت وظیفه نماز امام یا مامومین (مسافر یا مقیم؛ و قصر یا تمام بودن) صورت جماعت به هم نریزد، فلذا برای آنها که شکسته نماز بجا می آورند کسی که شکسته نماز می خواند امامت کند، و برای آنها که تمام می خوانند کسی که تمام نماز می خواند امامت کند، مگر اینکه امام جماعت (متفاوت التکلیف) از نظر التزام دینی و عدالت و ورع و تقوی، یا دانش و فقاهت دینی، و یا صحیحتر و فصیحتر بودن قرائتش امتیازی داشته باشد، که در این صورت کسی که نمازش شکسته است امامت جماعت مامومین مقیم (با تکلیف نماز تمام) نموده، اما بعد از سلام در رکعت دوم دست یکي از ماموین واجد شرایط امامت جماعت را گرفته و بجای خود برای امامت بیاورد، تا دو رکعت دیگر با امامت او استمرار یافته و صورت جماعت حفظ شود، و خود وی هم تا فراغت مامومین از جاي نمازش بلند نشود. و در صورت اقتدای ماموم با نماز شکسته در جماعت کسانی که نمازشان تمام است و امام هم نمازش تمام است، در رکعت دوم سلام می دهد، اما خوب است که برخاسته و نماز واجب دو رکعتی دیگری (ولو قضاء) را با رکعت سوم و چهارم جماعت مقیمین همراهی کند. ۲۹- اولویت صاحب مسجد دارای شرایط بر غیر او، مگر او اذن دهد و

شخص افضل را به امامت جماعت بخواند. ۳۰- اولویت امام راتب مسجد بر غیر او حتی اگر افضل باشد، مگر وی بخواهد. ۳۱- اولویت مالك و صاحب منزل در صورت واجد شرایط بودن؛ بر غیر او، مگر به خواست وی باشد. ۳۲- امام جماعت واجد شرایط مسن تر اولویت دارد؛ مگر امام جوانتر در شرایطی همچون صلاحیت و التزام دیني و یا فقاهت یا تلاوت ترجیح داشته باشد. [شمارة ثبت: (۱۵۵۸) منبع: المسائل الیمانیة]

سؤال: شرایط امام جماعت چیست؟ آیا احراز عدالت در امام جماعت لازم است یا اقتداء جمعی از مؤمنین به وی کفایت می کند؟

جواب: جهات متعددی در باب شرایط امام جماعت مطرح است که در جوابیه ۱۵۵۸ بیان شده است، برخی آنها فورا قابل احراز بوده؛ و برخی از اقتدای مأمومین اهل ایمان قابل اعتماد است، و در موضوع دوم سؤال (شبهه در عدالت امام جماعت) اگر از قبیل وسوسه باشد؛ با اقتداء جمعی از مؤمنین جبران می گردد. [شمارة ثبت: (۵۱) منبع: المسائل القمّیّة]

سؤال: إذا صلّى رجل وأتى شخص وَائْتَمّ به؛ وهذا الرّجل أي الإمام یری نفسه غیر عدل؛ هل یجب علیه أن یخبر المأموم بذلك؟

جواب: لا یجب علیه ذلك. [شمارة ثبت: (۲۸۲) منبع: المسائل الخراسانیة]

سؤال: گاهی اوقات نماز جماعت از اوّل وقت به تأخیر می افتد، نماز اوّل وقت فرادی افضل است یا نماز جماعت با تأخیر؟

جواب: اگر جماعت با شرائط اهل معرفت بر پا شود ولو با تأخیر، شرکت در آن افضل است، ولی در نماز مغرب جای تأخیر بسیار (که منجر به ذهاب حمره مغربیّه بشود) نمی باشد، و در این صورت درك وقت نماز ترجیح داشته؛ و نماز فرادی و به وقت؛ متعین است. [شمارة ثبت: (٥٤) منبع: المسائل القمّیّة]

سؤال: اگر در محل کار نماز جماعت را با يك ساعت تـأخير بخواننـد؛ آيـا افـراد بهتر است در نماز جماعت با شرط بالا حاضر شوند يـا اينكـه در نمـاز جماعـت حاضر نشوند و نماز را در وقت خود بجای آورند.

جواب: در صورتی که نماز جماعت (با شرايطی که موجب فضيلت آن اسـت) در محل منعقد بشود؛ خوب است تأخير نمـاز و انتظـار جماعـت، و ايـن در صـورتی است که تأخير به مقدار معمول باشد، ولی در صورت تـأخر كلّی از وقـت، ثبـوت فضيلت تأخير از اوّل وقت؛ به قصد جماعت مشكل است، و به هر حال اين امـر احيانی است، ولی اگر بنا باشد که هميشه تأخير بياندازند ولو به عنوان جماعـت اين قطعاً رجحان نداشته؛ و التزام به اوّل وقت ترجيح دارد، و على أي حال تـاخير مغرب به حد ذهاب وقت اصلي مغرب (زوال حمـره مغربيـه) صـحيح نيـست، و نظر به اينكه مورد سوال غالبا نماز ظهر وعصر اسـت فـلذا مي توانـد ظهـر را در اول وقت خوانده و نماز عصر را به جماعت مذكور بخواند، و در شرايط خـوف و تقيّه و اضطرار می توان ضمن التزام به اوّل وقت، با شركت در جماعت صـورتًا و اتيان نماز نافله يا قضای واجب يا مستحبّی بـصورت فـرادی ولی همـراه بـا آن جماعت، بين تكـاليف مختلفه جمع نمود. [شمارة ثبت: (٥٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: امام جماعت مقلد مجتهدي اسـت كـه غـسل جمعـه را از جنابـت مجـزي می داند؛ آيا ديگران كه مجزي نمی داننـد (اجتهـاداً يـا تقليـدا) می تواننـد بـه او اقتـداء كنند؟

جواب: مانعي ندارد. [شمارة ثبت: (٢٧٩) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: اقتدا كردن به امام جماعتی كه در ركعت سوّم و چهارم تسبيحات اربعـه می خواند چه حكمی دارد؟

جواب: در صورتی که به وظیفه عمل می کند مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (٥٦) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آیا همین که دیده شود نماز جماعتی برپاست، بدون شناخت از امام یا مأمومین می توان به آن نماز جماعت پیوست؟

جواب: در صورتی که قراین حالیّه و مقامیّه بر صحّت شرایط نماز جماعت دلالت داشته باشد مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (٥٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در نمازهای جماعتی که در مساجد و سایر مکانها برگزار می شود برخی ائمّه جماعات بعضی از اعمال را اشتباه انجام می دهند و یا اصلا انجام نمی دهند، نمازهایمان را فرادی بخوانیم بهتر است یا همراه با آنان به جماعت بخوانیم.

جواب: در صورتي که نماز جماعت از نظر اجزاء و شرایط صحیح باشد التزام بدان جماعت رجحان دارد؛ والاّ نماز جماعت دیگری که صحیح بوده یا فرادی خواندن تکلیف می باشد، ولی اگر جهات فاقد در نماز امام جماعت؛ جهات آداب و استحبابی است؛ که امام به ملاحظه رعایت اضعف مأمومین تارك است؛ نقصي در جماعت آن امام جماعت نمی باشد، البته التزام به جماعت همراه با آداب و مستحبات؛ بر غیر آن ترجیح دارد. [شمارة ثبت: (٥٨) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در مسجد محلّ تحصیل؛ امام جماعتی وجود دارد که بعضی از مراجع را قبول ندارد؛ و حتی آنها را سبّ می نماید و ناسزا می گوید، امّا اینجانب به آن مراجع عظام علاقه قلبی دارم؛ و همچنین این امام جماعت از بعضي از جناحها حمایت شدید می کند؛ و گاهاً دیده شده که با دانشجویان برخوردهاي نامناسب که متناسب با شأن يك مسلمان است را ندارد، لطفاً بفرمائید که آیا پشت سر این امام جماعت می توان نماز خواند و به او اقتدا نمود؟ یا نه؟ لطفاً بفرمائید چه

شرايطي امام جماعت را از اينكه بتوان پشت سرش نماز خواند خارج می سازد؟

جواب: هتك احترام مؤمن، خصوصا وجوه اهل ايمان؛ از علماء و غير ايشان جايز نيست، و در صورت اصرار بر آن؛ مانع از صلاحيت امامت جماعت می گردد، و اصرار بر معصيت و يا اجهار در آن؛ مانع صلاحيت امام جماعت است. [شمارة ثبت: (١٧٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: من مسائل شرائط إمام الجماعة في العروة الوثقى أن جواز إمامة غير المحسّن للقراءة لمثله هو بعيد جدا، فما هو تكليف المسلمين غير العرب في هذه الحالة وكلهم لا يحسنون القراءة؟

جواب: الظاهر من أكثر ماينعقد عندهم الجماعة في مساجدهم صحة قراءة أئمتهم، حسب القراءة المجزية الواجبة على الاعاجم، وإن لم تكن (مضبوطة) حسب ما يعتبر في قراءة العربي من آداب القراءة، أما من دونهم إن علم عدم صحة قرائتهم فالاجزاء ممنوع منهم. [شمارة ثبت: (٤٧٩) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: نماز های يوميه را به جماعت بيرون از حرم (در مشاهد مشرفه)، داخل صحن با جماعت دوستان اقامه نماييم بهتر است؟ و يا اين كه به صورت انفرادی داخل حرم؛ هر كسي برای خودش به جای آورد؟

جواب: اگر نماز جماعت در آن وقت؛ در محل برپا باشد، برپا كردن جماعت جداي ديگر؛ معني ندارد، مگر امكنه اي كه داراي مواضع متعدد با جماعت متعدد است؛ و در يكي از مواضع آن جماعتي برپا نيست؛ آنوقت جمعي جماعت آنجا را بر پا كنند. البته شخص داخل حرم كه از اعمالش فارغ نشده؛ لازم نيست ميان اعمالش؛ مكانش در حرم را رها كند؛ و براي شركت در جماعت از حرم بيرون برود، و مي تواند در همان محل از حرم كه هست؛ نماز فريضه اش را

اول وقت بجاي بياورد، حال يا به اقتداي به شخص صالح براى اقامه جماعت؛ اگر كنار او اتفاقا هست، يا به صورت فرادى بخواند. [شمارة ثبت: (١٤٦٠) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: در جائي كه جمعي از مؤمنين اجتماع داشته؛ ولي امام جماعت مشخص يا كسي كه به خود اجازه امام جماعت شدن را بدهد؛ وجود ندارد، آيا می توان صفوف جماعت را ترتيب داد؛ و يك نفر جلو بايستد و بقيه از او متابعت كنند و نمازشان را فرادى بخوانند، يا بهتر است متفرقاً فرادى بخوانند؟

جواب: در صورت وجود شخص واجد شرايط؛ آنها او را مقدم داشته و با وي نماز را به جماعت بگزارند؛ و الا فرادى بخوانند. [شمارة ثبت: (٤٨٨) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: اگر در مسجدي مردم عذر امام جماعت را خواستند، و او براي نماز نمی آيد، اكنون امام جماعت ديگري را آورده اند، اگر امام جماعت اوّلی بگويد راضي نيستم؛ براي نماز ديگران با جماعت امام دومي اشكال دارد يا نه؟

جواب: در صورتی كه امام جماعت اوّلی هم به دعوت و ارتضاء مردم به جماعت او، امام بوده؛ رضايت او شرط نيست، اما اگر امام جماعت اوّلی با تأسيس خودش و يا مالكيت و يا توليت مسجد؛ جماعت و امامت را برقرار كرده؛ كه در اين صورت اجازه وي شرط است. [شمارة ثبت: (٢٨٤) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: در هنگام سفر به اماكن نواصب، حضور در جماعتشان چه صورتي دارد؟ آيا مجزي می باشد؟ شخص مؤمن براي حفظ وحدت يا از روي تقيّه، اگر ناچار به انجام نماز در اماكن متعلق به اين فرقه شود؛ در صورتي كه بر چيزهائي كه سجده بر آنها صحيح نيست، سجده كند، آيا نمازش صحيح خواهد بود؟

جواب:

۱- اگر شخصي در موقعيت برپايي امامت جماعت يکی از مخالفين (صالح و پيراسته از ناصبيت و عداوت اهل حق و انحرافات ديگر بوده و نماز او هم صحيح باشد) قرار گيرد؛ می تواند به نماز وی اقتدا کند.

۲- و اقتداي به ناصبين و مخالفين مذهب حق؛ و يا ائمه جماعاتی که منحرف يا غير عادل و فاسقند؛ تنها در شرايط تقيّه قطعيّه مانعي ندارد، و در اين صورت اگر بتواند نيّت فرادي نموده؛ و ضمن همراهي جماعت؛ نماز خود را فرادی همراه ايشان بجاي آورد؛ که چنين کند، والاّ در صورت ايجاب تقيّه به اتيان جماعت حقيقيّه با ايشان، اقتدايش مانعي نداشته؛ و نماز وي صحيح؛ و نياز به اعاده ندارد.

۳- و شرکت نکردن در جماعات ايشان (با وجود مساجد متعدّده بلکه مساجد مخصوص مذهب حق حتّی در بلاد مخالفين) هميشه خلاف تقيّه نمی باشد.

٤- و با اينکه مخالفين؛ عدالت را در امام جماعت شرط نمی دانند؛ و حتی اقتداء به ظالم و متجاهر به فسق و منکرات را جايز می دانند، ولی با اين حال نوعاً از شرکت در جماعات مذهب حق در بلاد اهل حق اجتناب می نمايند، حتی در بلاد خاصه مذهب حق و در مساجد ايشان با وجود برپايي جماعت و در هنگام آن، نمازشان را آشکارا فرادی مي خوانند، و بلکه در شهرهاي خاصه اهل حقّ با وجود صدها مسجد؛ رسماً پيگيري تأسيس مسجد خاص مخالفين را می نمايند، و اين عملِ عدم شرکت در جماعت غير مذهب خود را؛ خلاف وحدت مسلمين نمی دانند؛ فلذا اگر به شيوه خود ايشان؛ با آنها رفتار شود؛ منافی با امر وحدت نمی باشد.

٥- و پر واضح است که: أمر وحدت مسلمين (از أهمّ أمور و مصالح مسلمين بوده؛ و رعايت آن لازم می باشد) ولی مورد آن: اتحاد در دفاع از اسلام و

مسلمين و مرزهاي بلاد اسلامی، و حفظ و اصلاح و رشد و تقويت جامعه و نظام اسلامي می باشد، و نبايد با مسائل اعتقادي و عبادي خلط شود، كما اينكه امروزه در باب صوم و در وقت عدم ثبوت هلال بر اساس مذهب حقّ، هيچ كسی بخاطر حفظ وحدت مسلمين افطار نمی نمايد، ويا اينكه براي حفظ وحدت مسلمين؛ شهادت به ولايت (حتّی با قول عدم جزئيّت آن) در اذان ترك نمی شود، و يا در باب حجّ؛ به خاطر حفظ وحدت مسلمين ترك عمره و حجّ تمتّع و يا طواف نساء نمی گردد.

٦- و اگر در مواردِ خاصِّ تقيّه قطعيه؛ شركت در جماعت ايشان توسط حضرات معصومين عليهم‌السلام مجاز دانسته شده؛ اين حكم محدود به شرايط تقيه حتميه و موارد قطعيه آن است، نه اينكه مسئله نماز جماعت و صحّت آن از امور يسيره و مورد مسامحه باشد؛ كه مورد معاملات سياسي واقع شود.

٧- البته بديهي است انجام تكاليف و وظائف نبايد به نحوي باشد كه موجب وهن مذهب و اعتراض دشمنان بر اهل مذهب حق بشود؛ كما اينكه شخص حاضر در وقت جماعت نواصب مخالفين؛ نبايد محل را ترك نمايد و موجب وهن مذهب حق و مؤمنين بشود، ضمن اينكه تاركِ وظيفه خود نيز نبايد باشد؛ كه مثلا می تواند همراه ايشان (صورتا) به نيّت فرادی نافله يا نماز قضاي خود را بجاي آورده؛ و پس از نماز ايشان يا قبل از آن، و در وقت مشغول بودن آنها به انجام نافله؛ وي فريضه خود را فرادی بجاي آورد، و يا اينكه همراه فريضه ايشان فريضه خود را به نيّت فرادی، ولی با همراهي جماعتشان بجای آورد، كما اينكه در وقت حضور در جماعت نواصب (اضطراراً)؛ با انتخاب محل نماز خود در قسمتهاي سنگفرش، يا استفاده از سجاده حصير چوبي يا منسوج از پنبه يا كتان يا كنف و ساير الياف گياهي و منسوجات از

آن؛ رعايت تكليف خود در باب موضع سجود را نيز می نمايد، و در صورت اضطرار و عدم وجود آن (موضع سجود صحيح) يا عدم امكان استفاده از آن، عدم مراعات اين جهت مانعي نداشته و نمازش صحيح است.

۸- اين براي مواردي كه ناچار از حضور در وقت نماز در محيط جماعت نواصب است، ولی در موارد ديگر با تنظيم برنامه اداي نماز فريضه خود در محيط جماعت مؤمنين، بدون تظاهر و تجاهر به خلاف، عمل به وظيفه می نمايد.
[شمارة ثبت: (٢٤٠) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: برخي از معممين كه از طرف دولت بحرين به عنوان راهنمای حجاج منصوب شده اند؛ روي منبر احاديثي را به معصومين عليهم السلام نسبت مي دهند؛ در باره اينكه "نماز خواندن در مساجد و جماعات سنيان و پشت سر آنها و در صف اول؛ چه فضيلتهايي را دارد ووو..... مي خواستم ببينم؛ آيا اين حرفها صحيح است؟ موضوع چيست؟

جواب:

۱- وقتي در احكام شرع؛ درباره شخصي كه بر عقيده حق است؛ برای صحت و جواز امامت و جماعت وی شرايطي ذكر شده است؛ قطعا آن شرايط درباره امامت جماعت فردی كه عقيده او صحيح نيست ملغا نمي گردد، چه برسد به اينكه بخواهد افزون بر جواز امامت بدون شرايط صحت؛ دارای فضيلت ويژه ای هم بشود كه درباره نماز جماعت اهل حق (با وجود شرايط جماعت) هم مطرح نشده است.

۲- آن رواياتی كه اشاره كرديد؛ در موارد انجام نماز جماعت در شرايط تقيه است، و به خاطر اين بوده كه مؤمنين و ياران و شيعيان معصومين عليهم السلام حتی در تقيه

هم حاضر نبوده اند که در جماعات نواصب شرکت کنند، و لو این ترك جماعت نواصب موجب اذیت و آزار خودشان و دیگران مي شده؛ و در هر صورت با هر پیامد سختی باز اجتناب مي کردند، چون نمي توانستند خودشان را راضي کنند که همراه دشمنان شوند؛ و به آنها اقتدا کنند، فلذا برای تشویق مؤمنین به انجام فرایض در شرایط سخت؛ به آنها فرموده اند: کسي که در این شرایط خاص قرار گرفته و (علی رغم میل و عقیده اش) در جماعتشان شرکت مي کند؛ خداوند بخاطر صبر و تحمل او در راه حفظ دین؛ ثواب چه و چه به او مي دهد، نه اینکه نماز جماعت فاقد الشرایط آنها؛ ذاتا این ثواب را داشته باشد.

۳- فلذا مؤمنین در وقت اضطرار و مجبور شدن به شرکت در جماعات نواصب، اگر از روي تقیه شرکت کنند؛ اشکالي ندارد، ولی همیشه این ضرورت وجود ندارد، و گاهی حتی در صورت ضرورت به شرکت در جماعتشان؛ هم می تواند طوري عمل کند که هم خلاف تقیه نشده؛ و هم به وظیفه اصلیش عمل کرده باشد، و نمازش هم صحیح باشد، مانند اینکه نیت فرادی نموده؛ و نماز خودش را همراه آنها مي گزارد. [شمارة ثبت: (١٥٤٦) منبع: المسائل البحرینیّة]



آئين نماز جمعه

سؤال: هل تجزى إقامة صلاة الجمعة عن صلاة الظّهر في يوم الجمعة أو لا؟ وهل الأفضل إقامة الجمعة أو إقامة الظّهر؟

جواب: إقامة صلاة الجمعة بإمامة الواجد العادل العارف، في وقتها المحدد مجزية عن صلاة الظّهر، وبوجود الإمام الواجد ومساعدة الظّروف تتعيّن إقامة الجمعة. [شمارة ثبت: (٢٧٤) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: هل يحق لأحد الاعتراض على إقامة صلاة الجمعة بدعوى أن مراجع المسلمين في النجف الأشرف وقم المقدّسة لم يكونوا يصلّونها علماً بأن البلد الّذي يسكنه المكلّف أغلبيّة سكّانه يصلّونه الجمعة مبناهم الفقهي.

جواب: يجوز ابداء النّظر والمناقشات الفكريّة السّليمة ولكن في المفروض حجة المعترض واهية لأن عملهم ليس بحجّة. [شمارة ثبت: (٢٧٣) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا با خواندن نماز جمعه، نماز ظهر ساقط می شود يا خير؟

جواب: اقامه آن توسط امام عادل عارف در وقت محدود آن مجزي از نماز ظهر است. [شمارة ثبت: (٢٧٥) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا در يك مسجد و در يك شهر تعيين چهار امام جمعه جائز است يا خير؟

جواب: تعيين چهار نفر معقول نيست، مگر اينكه مقصود وابستگی آنها به حكومتهای مختلف باشد، وليكن اقامه چهار نفر ممكن الوقوع است، و ائتمام به آنكه غير وابسته به حكومتها؛ و أوجد يا واجد الشرايط بوده متعيّن است. البته در شهر بسيار بزرگي كه اجتماع همه أهل بلد در يكجا معسور بوده،

تعیین و اقامه چند نماز جمعه صحیح است بـه شرطي کـه فواصـل بـین مواضـع اقامه جمعه از دو فرسخ کمتر نباشد. [شمارة ثبت: (٢٧٦) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آیا برای امام جمعه در جائیکه موظّف باشد، اجازه فقیه جـامع الـشرائط لازم است یا خیر؟ در صورتیکه اذن فقیه جامع الشرائط شرط باشد لطفاً بـرایم اجازه بدهید.

جواب: امام جمعه؛ عادل عارف واجد باشد کافی اسـت، و اقامـه واجـد یـا اوجـد متعیّن است، ولو بدون اجازه مذکور یا بر خلاف آن باشد، چه اینکه بـر او هـم واجب است تعیین واجد یا اوجد. [شمارة ثبت: (٢٧٧) منبع: المسائل الخراسانية]



آئين مسجد (نمازگاه)

سؤال: به جهت تبليغ اسلام در بندر امام خميني برنامه سخنراني براي هدايت كُفّاري كه از طريق بنادر و كشتيراني به ايران می آيند، برگزار می كنيم. آيا از جهت ورود كافر به مسجد اشكالی دارد يا خير؟

جواب: اجتناب شود و براي جهت مذكور محل مناسبی در جوار مسجد ترتيب داده شود. [شمارة ثبت: (٢٤٩) منبع: المسائل الحائريّة]

سؤال: نصب عكس باني مسجد و پيرمردهای اهل خير محل و علماء و شهداء و غيره در مساجد چه حكمی دارد؟

جواب: از نصب هرگونه عكس و تمثال در مسجد و امكنه عبادت اجتناب شود، هر چند وجود تمثالهاي حضرات معصومين عليهم السلام در سمت خلاف قبله مانعي ندارد. [شمارة ثبت: (٢٤٨) منبع: المسائل الحائريّة]



نماز آيات (الهى)

سؤال: با توجه به تشابه اصطلاحات خسوف در نجوم جديد با نجوم كهن؛ و تفاوت تعاريف آنها، در چه مراحلي از خسوف نماز آيات واجب مي شود؟

جواب: با توجه به تعاريف و اصطلاحات در نجوم جديد؛ شرح انواع گرفتگي ها و مراحل عبور ماه از نيم سايه و سايه زمين و حكم نماز آيات در هر يك از آنها چنين مي باشد:

۱- عبور نيم سايه اي: از ابتداي ورود ماه در نيمسايه زمين تا قبل از اينكه دو سوم سطح ماه در نيمسايه قرار بگيرد؛ تنها بطور نامحسوس از درخشش كمي كاسته مي شود، ولى هيچ بخشي از آن كدر نشده؛ و گرفتگي محسوس رخ نمي دهد، عبورهاي از نوع نيم سايه اي تشخيص آن حتي به كمك تلسكوپ نيز بسيار دشوار است. از آنجا كه اين نوع عبور در اصطلاح نجوم جديد از اقسام خسوف نام برده مي شود؛ لذا دقت شود تا تعبير غير صحيح خسوف در اين مورد شما را به اشتباه نيانداز. از آنجا كه براي ناظر با چشم عادى غير مسلح؛ اين نوع عبور محسوس نمي باشد، لذا براساس احكام شرع شريف؛ اين وضعيت ماه خسوف محسوب نشده؛ و احكام شرعي خسوف نيز بر آن مترتب نمي باشد.

۲- خسوف نيم سايه اي: با قرار گرفتن دو سوم سطح ماه در منطقه نيم سايه؛ گرفتگي محسوس مي شود و تغيير رنگ محسوسي در ماه ايجاد مي شود و از آنجا كه حكم نماز آيات با خسوف مرئي و محسوس ناظر زميني مرتبط بوده؛ و در آن صورت نماز آيات واجب مي شود؛ فلذا در شروع خسوف نيم سايه اي و ميانه اين نوع خسوف؛ ناظرين به قرص ماه نگاه كرده؛ پس اگر در رنگ ماه كدورت و تاري احساس كردند؛ حكم ماه مخسوف را داشته و نماز آيات

واجب می شود، و الا خسوف ماه محقق نشده و نماز آیات واجب نیست.

٣- خسوف جزيي: بخشي از ماه از سايه زمين عبور مي كند، و رؤيت نمی شود. رصد اين رويداد حتی بدون استفاده از ابزار اپتيكي نيز ممكن و ساده است. در شرع شريف اين وضعيت ماه؛ خسوف محسوب شده و احكام خسوف بر آن مترتب و نماز آيات واجب مي باشد.

٤- خسوف كلي: تمام ماه از داخل سايه زمين عبور كرده و تاريك می شود. اين رويداد كاملا آشكار مي باشد. در شرع شريف اين وضعيت ماه نيز خسوف محسوب شده؛ و احكام خسوف بر آن مترتب مي باشد. [شمارة ثبت: (١٥٤٣) منبع: جامع المسائل]

سؤال: لطفا بفرماييد با شروع خسوف يا كسوف شخص مي تواند نماز آيات بخواند؟ تا چه وقت به نيت ادا انجام دهد؟ از كی بايد نيت قضا كند؟

جواب: از ابتدای خسوف يا كسوف نماز آيات بجای آورده مي شود؛ و در صورت تأخير نماز از ابتدای خسوف يا كسوف؛ نبايد ديگر آنرا از شروع انجلاء و بازشدن گرفتگي تأخير بياندازند؛ و تنها در صورت تأخير آن تا انجلای تام و بازشدن كامل است كه نيت قضا مي نمايد. [شمارة ثبت: (٦٩٦) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: برخي از بلاد وضعيت ميانه گرفتگي در خسوف يا كسوف را ندارند؛ و شروع خسوف يا كسوف در آن مناطق بعد از ميانه گرفتگي مي باشد، فلذا خورشيد يا ماه را در مرحله انجلا مشاهده مي نمايند، يا اينكه فقط نيمه اول گرفتگي را مي توانند مشاهده نمايند و قبل از مرحله ميانه گرفتگي (بيشترين حد گرفتگي) خسوف يا كسوف در منطقه آنها پايان مي پذيرد؛ حكم نماز آيات در اين مناطق چگونه مي باشد؟

جواب: شهرهايي كه وقت ميانه گرفتگي ندارند و بعداز انجلاء و باز شدن خسوف و نيمه دوم؛ گرفتگي را مي بينند، و يا فقط نيمه اول گرفتگي را مي بينند؛ اما انجلاء را نمی بينند؛ حكم همه اين موارد انجام فوري نماز آيات است و فرصتي برای تأخير ندارند. [شمارة ثبت: (١٥٤٤) منبع: جامع المسائل]

سؤال: در محلّ ما وقتی كه كسوف و خسوف مي شود؛ در حاليكه هيچ تبليغي برای لزوم انجام نماز آيات و اهميت و ارزش آن؛ و يا ترويجي در بيان سيره پيامبر ﷺ در وقت رخداد اين نوع نشانه ها انجام نمي گيرد، ولی در عين حال تبليغات فراواني صورت مي گيرد برای تشويق به ديدن خسوف و كسوف؛ و اينكه از مدتها قبل افراد آماده شوند و بروند و در مناسبترين موقعيت جغرافيايي؛ اين پديده طبيعي باشكوه را تماشا كنند! و هي تكرار مي كنند كه خسوف و كسوف هيچ جای نگراني ندارد! و اينها دليل علمي دارد! و.. و از اين جور عناوين و تعبيرات! به نظرم مي رسد كه اين سبك تبليغ و تعبيرات؛ فراتر از بالابردن آگاهي علمي مردم است، آيا به نظر شما اين روش آنها روش سالم و درستي است؟ آيا نگاه كردن در خورشيد و ماه بطور مستمر در حال خسوف و كسوف خوب است؟

جواب:

١- اگر در بلادي زندگي مي كنيد كه غالبا مسلمان هستند؛ اين روش برخورد با كسوف و خسوف (همچنانكه برداشت كرده ايد) روش سالمي نيست؛ و برخاسته از منشأ معتقد و ملتزم به دين نبوده؛ و در مسير ترويج فرهنگ ايماني نمي باشد، بلكه ناشي از برنامه افراد غير متدين و چه بسا معاند دين؛ و يا متأثرين از ايشان؛ برای تضعيف عقيده ديني مؤمنين در اين خصوص است.

٢- و پر واضح است که پدیده های کسوف و خسوف و مانند آن پدیده های الهي بوده؛ نه طبيعي؛ که بر اساس نظم و انتظام بسيار دقيقي استوار گرديده؛ و ناشي از عظمت تدبير حق تعالى در تكوين خلقت است؛ آن چنان نظمي كه دانشمندان بشر (حكماى شرق) از هزاران سال پيش بدون داشتن وسايل و ابزار امروزي و تنها با مقدار ناچيزى از دانش به ارث رسيده از حضرات انبياء و اوصياى الهي عليهم السلام ؛ توانسته اند مواضع و مواقع دقيق اوضاع كواكب و قرارگيرى آنها نسبت به يكديگر را محاسبه و تقاويم چند صد ساله آنرا استخراج نمايند، كه همه اينها از پرتو تقدير خداى عزيز عليم است.

٣- ولذا تاكيد آن افراد روي تعبير به طبيعي بودن اين پديده ها؛ آن هم در محيط اعتقاد به دين؛ ناشي از الحاد عقيده صاحبان آن يا تأثر از ايشان است.

٤- و وانمود كردن اينكه خسوف و كسوف جاى نگراني نداشته؛ و منشأ و تفسير علمي دارد؛ كه غربيان و غرب زدگان آنها را مي دانند؛ اين تعبيرها؛ همه و همه نوعي تحريف عقايد ديني و وقايع تاريخي علمي است؛ چه اينكه به اعتراف غربيان؛ از واضحات تاريخ علم است كه پيشروان ديرينه اين دانش؛ بزرگان دين و دانش در جهان شرق بوده اند؛ كه قرنها قبل از آشنايي غربيان با اين گونه علوم؛ نه تنها با آن مأنوس بوده و مباني و قواعد آنها را تدوين و تنظيم كرده؛ بلكه آنرا نيز بكار مي گرفته اند.

٥- همچنانكه بر اهل دين و دانش واضح است كه اهتمام شرع مقدّس به اين موضوع از جنبه هشداردهي؛ ناشي از نشناختن اسباب ظاهري و علمي اين پديده ها نبوده؛ و هيچگاه كسي را از خود اين وقايع (كه سالانه مكررا اتفاق مي افتد) نترسانده؛ كه مؤمنين نيز از خود اين اتفاق نمي هراسند، بلكه توصيه دين

شريف تنها به پندگيري و عبرت آموزي از آن (بخاطر مشابهت و يادآوري نشانه های واقع در هنگام قيامت و يا وقوع عذاب الهي) مي باشد (اعاذنا الله منه)، كه اين هم برای بالابردن جنبه معنوي و ترقي روحي بشر است.

٦- و خلاصه اينكه: گسترش دانش و بالابردن سطح آگاهيهای مردم كار بس ارزشمندی است؛ ولی تحريف حقايق و القای عقايد الحادي به بهانه ترويج علم؛ جنايتي بس بزرگ نسبت به عقيده و فرهنگ يك جامعه مؤمن مي باشد.

٧- اما نگاه كردن در خورشيد (حتی در وقت كسوف كامل) موجب آسيب جدي چشم بوده، مگر اينكه با ابزار و حفاظ مخصوص انجام بگيرد؛ هرچند از نظر علوم دقيقه كهن (كه بعضي از اصول و قواعدش را نيز اخيرا برخي از دانشمندان امروزی كشف كرده اند) تعرض در نور خورشيد يا ماه منكسف نه تنها خوب نبوده؛ بلكه مطلقا نتايج جسمي و رواني منفي دارد، چه اينكه به اراده الهي همه اشياء و مخلوقات (بويژه اجرام آسماني) مجرای قدرت و نيروی حق تعالی بوده؛ و تأثير متقابل در يكديگر دارند، و تفاوت وضعيتهای مختلف و حالات متفاوت اجرام آسماني؛ موجب تفاوت آثار آن در اجرام زميني است، همچنانكه دانش امروزي مواردي از اين قبيل تأثير و تأثرها مانند (دخالت ماه در جزر و مدّ آب درياها؛ و ارتباط فورانهای خورشيدي با تغييرات جوّي شديد و ناگهاني كره زمين) و نمونه های بسيار ديگر را اخيرا دريافته؛ و درباره آنها تحقيقات و مقالات بسياری ارائه كرده اند؛ كه تفاصيل علميش نيز عمومي شده و در دسترس اطلاع همگان است.

٨- گذشته از اينها؛ برای رؤيت مستقيم و در زمان گرفتگی؛ هيچ نياز و ضرورتي نمي باشد؛ چه اينكه امروزه در هر مورد از اين اتفاقات؛ هزاران تصوير

و فيلم با كيفيت ممتاز و در حالات مختلف توسط عكاسان و فيلمبرداران حرفه اى تهيه و از طريق اينترنت و ساير رسانه ها در معرض عموم قرار مي گيرد؛ كه نياز طالب تفرج شخصي يا تذكر دينى يا مطالعه علمي را بسيار بهتر و وسيعتر از رؤيت شخصي برآورده مي كند.

۹- البته استمرار مطالعات و تحقيقات علمي روي وقوع اين گونه پديده ها و نشانه هاى الهي همچون زمينه هاى ديگر بسيار بجاست، شكي نيست كه وقوع و عدم وقوع آنها يا كيفيت وقوع آنها (كلى حلقوي جزئي) يا مناطق رؤيت يا عدم رؤيت همه و همه يكسان نبوده؛ و هر كدام خواص و آثار و نتايج ويژه خود را داشته، كه از اين رو بررسيهاى پيوسته و گسترده و عميقي را اقتضا مي كند. [شمارة ثبت: (١٢٢٤) منبع: المسائل المشرقية]

سؤال: غير از خسوف و كسوف، در صورت اتفاق افتادن كداميك از ديگر آيات الهي نماز آيات واجب مى شود؟

جواب: وقوع زلزله محسوس؛ و نيز آنچه مخوف باشد از حوادث ظاهرا طبيعى زمينى و آسمانى؛ مانند بارش سنگ يا آتش از آسمان و برخورد كواكب و كرات با يكديگر؛ و وقوع صاعقه هاى بزرگ و وزش بادهاى سهمگين و آنچه هوا را سياه يا سرخ نمايد، بحدى كه موجب خوف عمومي بشود؛ موجب نماز آيات است. [شمارة ثبت: (٦٩٧) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: به نظر حضرتعالى در صورت وقوع زلزله، آيا شرط وجوب نماز آيات ترسيدن است؟ اگر شرط باشد ترس شخصى است يا نوعى؟

جواب: وجوب نماز آيات در زلزله منوط به ترس نمي باشد؛ و به صرف وقوع زلزله اى كه براى غالب مردم محسوس است؛ نماز واجب مي شود. [شمارة ثبت: (٧٠٠) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: لطفاً بفرماييد، آيا نماز آيات تنها بر مـردمی کـه در منطقـه تحقـق آيـت هستند واجب می شود يا براي افراد ديگر هم مي باشد؟

جواب: صرفا بر افرادي واجب مي شود که در آن موضع آيت الـهی واقـع گرديـده است. [شمارة ثبت: (۷۰۱) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: برای نماز آيات اذان و اقامه لازم است؟

جواب: اذان و اقامه ندارد؛ و تنها برای برپاشدن آن به جماعت؛ ندا مي دهند که: الصلاة الصلاة. [شمارة ثبت: (۷۰۲) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: نماز آيات را مي توان به جماعت خواند؟ در هنگام قرائت حمـدها و سـوره ها، وظيفه مأموم چيست؟ در ساير بخش های ديگر نماز چطور؟

جواب: بله مي توان آنرا به جماعت خوانـد و در ايـن صـورت ماننـد جماعـت در ساير فرايض عمل مي کند. [شمارة ثبت: (۷۰۳) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: اگر ممکن است لطفا کيفيت نماز آيات را با توصـيف تفـصيلی اجـزای آن بيان فرماييد.

جواب: نماز آيات دو رکعت است در هر رکعت آن پنج قرائت و پـنج رکـوع و دو سجده مي باشد، و بين هر دو رکوعي يك قنوت وارد است، و تفصيل شرح اجزای آن چنين است: ابتدا يك تکبير مي گويد و وارد نماز مي شـود، بـرای قرائـت مي تواند يك سوره را در هر رکعت پنج قسمت نمايد؛ (کـه در ايـن صـورت يکبـار سوره حمد را در اول قرائت هر رکعت مي خواند و پس از آن سوره مورد نظر را پنج قسمت مي نمايد) و بعد از هر قسمتي رکوع مي کند، و مي تواند برای هـر قرائـت يك سوره جداگانه بخواند (که در اين صورت در هر قرائـت سـوره حمـد را ابتـدا خوانده و سپس سوره مورد نظر را بخواند) و بعد از اين رکوع نمايد، و بعد از هر

دو ركوع يك قنوت مي خواند (يعني ركوع دوم و چهارم در ركعت اول و ركوع ششم و هشتم و دهم در ركعت دوم)، و تنها پس از اتمام قرائت و ركوع پنجم و نيز دهم سمع الله لمن حمده مي گويد؛ و در غير اينها نمي گويد، و پس از اين به سجده مي رود و پس از سجده اول كمي مي نشيند به ذكر و دعا و سپس سجده دوم و پس از آن بلند مي شود براى ركعت ديگر سپس تشهد و سلام نماز را مي دهد، و پس از نماز سجده اى بجاى مي آورد. [شمارة ثبت: (١٢٢٥) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: در سيره معصومين عليهم السلام و كلام خازنان وحي عليهم السلام چه دعاها و اذكار و سوره هايي در مورد نماز آيات وارد شده است؟

جواب: در باره سوره هاى قرائت نماز آيات: بطور كلي سوره هايي كه ياد كننده قيامت و بروز خشم الهي با نشانه هاى آسماني و زميني قيامت است؛ و بطور خاص سوره هايي چون: الكهف؛ الحجر؛ الحج؛ الأنبياء؛ الروم؛ ياسين؛ الشمس؛ التكوير؛ الإنفطار؛ الزلزال؛ القيامة؛ المرسلات، خوانده مى شود، و در قنوتهاى نماز آيات: بطور كلى؛ پناه بردن به حق تعالى از قهر و غضب الهي؛ و استغفار و طلب عفو و رحمت از او؛ و مضاميني مانند اين دعا:

* اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و على آل محمّد * اللّٰهُمَّ لا تعذّبنا بعذابك * و لا تسخط بسخطك علينا * و لا تهلكنا بغضبك * و لا تأخذنا بما فعل السّفهاء منّا * و اعف عنّا و اغفر لنا * و اصرف عنّا البلاء * يَا ذا المنّ و الطّول *

و تنها پس از ركوع پنجم و دهم كه به سجده مي خواهد برود "سمع الله لمن حمده" بگويد.

و پس از نماز در سجده بگويد: * يَا من يمسك السّماوات و الأرض أن تزولا * ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده * إنه كان حليما غفورا *

و عمده فضيلت و سنت در اين نماز؛ طولاني كردن آن به تلاوت و قنوت و ركوع و سجود است. [شمارة ثبت: (١٢٢٦) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: در باره نماز آيات شنيده ايم كه توصيه به طولاني برگزار شدن آنست؛ آيا چه مقدار و چگونه بايد باشد؟

جواب: به قدر طول كشيدن كسوف يا خسوف؛ و در سيره معصومين عليهم السلام وارد شده است كه: آنقدر طولاني مي نمودند كه عرق از سراپای مأمومين جاري بود و بسياري از حال مي رفتند، و خوبست كه در هر يك از قرائتهای دهگانه نماز آيات سوره طولاني و جداگانه ای بخوانند، و ركوع و سجودها را به همان نحو طولاني كنند، و با توجه به اينكه نماز آيات فريضه است؛ و نوعا در سال يكي دو بار پيش مي آيد؛ لذا برای مؤمنين متعبدي كه در اوقات مختلف هفته و ماههای سال اعمال بسيار طولاني مستحبي را بجای مي آورند؛ شايسته نيست كه اين فريضه مهم را به اختصار بگزارند، البته در شرايط اضطرار و عذر؛ انجام آن به قدر ميسور مجزي است. [شمارة ثبت: (١٢٢٧) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: اگر مدت خسوف يا كسوف طولانی باشد؛ انسان غير از نماز به چه امور ديگری بايد و يا بهتر است اشتغال داشته باشد؟

جواب: افضل تطويل نماز به تلاوت سوره های طولاني و يادآور قيامت و نيز قنوتهايی با مناجات و ادعيه مفصله مي باشد، و در صورت ناتوانی انجام آن در

طول مدت گرفتگی؛ لااقل تا قدری بعد از انجلا را در نماز باشد. [شمارة ثبت: (٧٠٤) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: اگر بخواهم طبق توصيه ديني در وقت كسوف يا خسوف تمام مدت آنرا به نماز آيات بگذرانم چطور تنظيم كنم؟ چه مقدار قرائت چه مقدار ركوع و چه مقدار قنوت و سجود را طول بدهم؟

جواب: نماز آيات دو ركعت است در هر ركعت آن پنج قرائت و پنج ركوع و دو سجده مي باشد، و بين هر دو ركوعي قنوت وارد است، كه مجموعا از ده قرائت و ده ركوع و پنج قنوت و چهار سجده تشكيل شده است، و در سيره پيامبر صلى الله عليه وآله و معصومين عليهم السلام وارد شده كه ايشان نماز آيات را با شروع وقوع آيت آغاز و چنان تمام مي كردند كه مصادف با پايان وقوع آيت بود، و قرائت را طول مي دادند و ركوع را به اندازه قرائت و سجود را به اندازه ركوع طول مي دادند و همينطور قنوت را، و تشهد را نيز طولاني مي كردند، بنابر اين شخص متعبد مي تواند مقدار زمان طول كشيدن كسوف را بر سي جزء تقسيم نمايد، و هر يك از قرائت و قنوت و ركوع و سجود را به اندازه يك سي ام زمان مزبور طولاني كند، مثلا اگر مدت كسوف دو ساعت است هر يك از قرائت و قنوت و ركوع و سجود را چهار دقيقه طول دهد. با توجه به اينكه غالب مؤمنين مراسمات و اجتماعات ديني كه برگزار می كنند نوعا دو سه ساعت است، و مدت گرفتگی ها نيز بيشتر از اين نيست؛ پس برای صرف چنين وقتی ناآشنا و بي تجربه نبوده؛ و عملی شاق و فوق طاقت نيست؛ تنها تفاوتی كه هست اين است كه به نماز آيات در عصور اخيره؛ بي توجهی شده و با انجام مفصل آن كمتر آشنا بوده؛ و عادت نداشته اند، كه اين امر با افزايش معرفت و آگاهی ايشان ميسر است، خداوند به همه ما توفيق طاعت بيش از پيش عنايت بفرمايد. [شمارة ثبت: (١٢٢٨) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: اگر در وقت نماز يوميه، نماز آيات هم بر شخص واجب شود ابتدا كدام نماز را بايد به جاي آورد؟

جواب: ابتدا به نماز فريضه يوميه نمايد؛ مگر اينكه برای ادای فريضه وقت باقي باشد ولی وقت نماز آيات (در صورت تأخير بر فريضه) بگذرد؛ و در صورت تعارض نماز آيات با وقت نماز مغرب و نبودن مجال برای تأخير نماز آيات؛ ابتدا به نماز مغرب نمايد؛ و نماز آيات را بر حسب وظيفه (ادا يا قضا) بخواند. [شمارة ثبت: (٦٩٨) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: اگر انسان شك كند در نماز آيات كه چهار ركوع به جای آورده يا پنج ركوع، وظيفه چه می باشد؟

جواب: اگر تجاوز از محلّ نكرده باشد؛ بناء را بر أقلّ گذاشته و يك ركوع ديگر می گزارد، و در صورت تجاوز از محلّ بنا را بر اتيان مي گزارد، و نماز او بسبب عروض اين شك باطل نمی شود. [شمارة ثبت: (٩٠٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر زن در موقع وجوب نماز آيات، عادت باشد وظيفه ای دارد؟ بعد از پاك شدن قضا بر او لازم است؟

جواب: بر وی انجام نماز آيات واجب نمي باشد؛ و پس از طهارت قضا هم ندارد، ولی در هنگام وقوع آيات؛ عبادت بجای نماز در ايام عادت (تسبيح) را انجام دهد. [شمارة ثبت: (٦٩٩) منبع: المسائل الاصفهانية]

سؤال: اگر نماز آيات از جمله بخاطر زلزله واجب شد؛ آيا بر زنی كه در اين وقت عادت بوده؛ قضای اين نماز واجب است؟ در صورت مثبت بودن جواب، با توجه به عدم وجوب قضای نمازهای يوميه؛ سرّ وجوب قضای اين نماز را در صورت صلاحديد بيان فرماييد.

جواب: اگر زن در هنگام وقوع آیت معذور از نماز باشد؛ اصلا نماز آیات بر او واجب نمي شود، تا اینکه قضا داشته باشد؛ و در صورت توصیه به قضا از باب احتیاط و بجهت تذکر به قیامت و ملاحظه خشیت الهی است. [شمارة ثبت: (٦٩٢) منبع: المسائل الأندلسيّة]



نماز طواف عمره و حج

❖ نماز طواف از اجزاء و اعمال عمره و حج می باشد؛ که پس از انجام طواف بجای آورده می شود.

سؤال: نماز طواف باید بلا فاصله بعد از طواف خوانده شود؟ اگر موالات شرط است در صورتی که عمدا یا سهوا مراعات نشد و با فاصله آنرا بجا آورد؛ لطفا بفرمایید وظیفه محرم چیست؟

جواب: اشکالی ندارد و فورا تدارك نماید. [شماره ثبت: (١١٤٤) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: نماز طواف و غير آن، بهتر است در چه مكاني از مسجد الحرام اقامه شود؟

جواب: نماز طواف واجب را بايد پشت مقام ابراهيم عليه السلام و در محاذات آن؛ يعني اولين جايي كه محل طواف نباشد؛ بجای آورند، و منظور از پشت مقام؛ در جهت آن و هرچه نزديكتر به آنست، نه اينكه چسبيده به آن؛ حتى هنگام ازدحام و وسعت مطاف به فراتر از مقام ابراهيم عليه السلام، پس نبايد در ميان مسير طواف كنندگان با ايجاد زحمت براى خود و ديگران آنرا انجام دهد، بلكه در اين صورت طورى محاذات پشت مقام بايستد كه خارج از مسير ازدحام طايفين باشد. و اما نماز طواف غير واجب و نيز ساير نمازها؛ پس در هر جاى مسجد الحرام بجاى آورده مي شود، و محاذات هر ضلع كعبه ويژگي خودش را دارد.
[شماره ثبت: (١١٠٤) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: كيفيت نماز طواف در عمره مفرده، چگونه است؟ حكم آهسته يا بلند خواندن آن را نيز بفرماييد؟

جواب: ١- دو ركعت است؛ در ركعت اول حمد و سوره توحيد، در ركعت دوم حمد و سوره قل يا ايها الكافرون. ٢- بايد آنرا صحيح بخواند. ٣- زنان آهسته مي

خوانند، و مردان مخيرند، ولى بهتر است طورى بخوانند كه از صحت قرائت خود مطمئن شوند. ٤- پس از نماز حمد و ثناى الهى بجاى آورده و صلوات بر محمد و على و آل طيبين و طاهرينشان فرستاده، و از خدا بخواهد كه آنرا قبول فرموده و آخرين بار او قرار ندهد، سپس بگويد:

* اَلْحَمْدُ للّٰهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا * عَلَى نَعْمَائِهِ كُلِّهَا * حَتَّى يَنْتَهِي الْحَمْدُ اِلى مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي * اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيتِي اِيَّاكَ * وَ طَوَاعِيتِي رَسُولَكَ صلى الله عليه وآله * اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدِّيَ حُدُودَكَ * وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ *

آنگاه به سجده رفته و در حال سجده بگويد: سَجَدَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَ رِقًّا * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا * اَلْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ * فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ * فَاغْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي * وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ *

[شماره ثبت: (١١٠٣) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: كسي كه سن او زياد است و نمي تواند نماز خود را تصحيح كند وظيفه او در حج چيست؟

جواب: نقصان مزبور را با سعي بقدر ميسور در تصحيح و تعلم، و كمك گرفتن در اداء صحيح؛ بوسيله تلقين و تكرار شخص صحيح التلاوة، و نيابت مانند او؛ جبران مي كنند. [شماره ثبت: (٦٧٩) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: شك در عدد ركعات نماز طواف موجب بطلان آن است؟

جواب: اگر علم به انجام يك ركعت داشته باشد، وطرف ديگر شك او بيش از دو ركعت نباشد؛ نماز او باطل نيست. [شماره ثبت: (١١٤٥) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا براي هركدام از اعمال مانند طواف، نماز طواف، سعي بين صفا و مروه، و حلق يا تقصير، انسان محرم بايد جداگانه نيت كند يا يك نيت كافي است؟

جواب: همين كه در هنگام شروع هر يك؛ توجه به انجام آنها؛ (براى ادای فريضه الهى و تقرب به او) دارد؛ كافي است. [شماره ثبت: (٥٧١) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: اگر زنى بعد از طواف و قبل از نماز؛ يا در حين نماز حائض شود؛ وظيفه او چيست؟

جواب: اگر در حين نماز عارض شود نماز را قطع نمايد و اگر قبل از شروع نماز عارض شود نماز طواف را نخواند، و در هر حال تيمم كرده و فورا از مسجد الحرام بيرون آيد، پس اگر براى تأخير نماز طواف و اعمال پس از آن تا پاك شدن فرصت داشته باشد، آنرا به تأخير انداخته و پس از پاك شدن انجام دهد، والاّ سعي را مقدم داشته، و طواف و نماز آنرا پس از پاك شدن انجام دهد. [شماره ثبت: (٦٢٧) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: بچه هاي ممیز و غير ممیزي كه همراه والدين خود عازم فريضه بزرگ حج مي شوند در انجام و رعايت احكام حج چگونه بايد عمل نمايند و والدين آنها در قبال او چه وظايفي دارند؟

جواب: هر چند تا بالغ نشده اند تكليفي ندارند ولى براى آنكه اتفاقا حاضر است؛ مستحب است تا كمك شود به او كه اعمال را بجاى آورد؛ او را برهنه كرده؛ لباس احرام پوشانده؛ نيت و تلبيه را تلقين او كرده كه بگويد، و اگر توانايي جسمى احرام از ميقات را نداشته از ابتداى حرم و يا اول مكه محرمش

نمايند، و نيز او را طواف و نماز و سعي و تقصير و وقوف عرفه و مشعر و منى دهند، و آنچه مانند ذبح و رمي جمرات كه در طاقتشان نيست بجاى ايشان انجام دهند، و اگر در حدى است كه ناتوان از نيت و يا گفتن تلبيه يا انجام نماز است پس وليّ او بجايش انجام مي دهد. [شماره ثبت: (٥٧٩) منبع: المسائل الإصفهانية]



نماز نافله یومیه

سؤال: آیا نماز مستحبّی که دارای کیفیّت خاصّی است (مانند نماز غفیله) را می توان بجای نافله های یومیه خواند؟

جواب: هرکدام جای خود را دارند، ولی مي توان نافله را به صورت نماز غفیله و مانند آن بجای آورد. [شمارة ثبت: (٥١٧) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: آیا در نوافل باید افتتاحیه و سلام نماز به صورت کامل خوانده شود؟

جواب: وقتي در مورد فرایض یومیه؛ موارد مزبور به نحو استحباب و تأکید وارد شده باشد، دیگر در نوافل که مستحبی است؛ انجام آنها به نحو فرض نمي باشد. [شمارة ثبت: (١٢٢٩) منبع: المسائل الرازية]

سؤال: کیفیت خواندن نافله های نشسته را بیان فرمایید؟ (نحوه نشستن، خم شدن در رکوع)؟

جواب: کیفیت نشستن درنافله ها همان هیئت نشستن در تشهد نماز است، و مقدار خم شدن در رکوع به مقدار معمول و میسور براي شخص نشسته است، و کمتر از آن هم ولو با اشاره چه بسا مانعي نداشته باشد. [شمارة ثبت: (٣٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آیا کیفیت نمازهای نافله با نمازهای واجب فرق دارد؟ (در مورد افتتاحیات، قرائت، کیفیت رکوع و سجود، نشستن و اختتامیات)

جواب: نحوه انجام اجزاء نماز در فریضه و نافله یکسان است، و آداب و اذکار وارده در باب فرائض؛ رعایت آن در نوافل مستحبی مانعی ندارد، هر چند بناي شرع در نوافل ترخیص و تخفیف است، و این به جهت حفظ نشاط بندگان در عبادت و عدم ملالت نفس ایشان از طاعت مي باشد. [شمارة ثبت: (٣٣) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر انسان در محيط كار بود يا جائي كـه دائمـاً سر و كار بـا افـراد دارد، و وقت نماز شد؛ خصوصاً نماز ظهر؛ و به جهت فضيلت مخفي اقامه شدن نوافل از يك طرف، و همچنين اينكه ديگران توجه پيدا می كنند و در چـشم ديگـران می افتد: الف) چگونه عمل نمايد كه از نوافل محروم نشود، و در چشم ديگران هـم نيفتد؟ (حتی اگر تلاش بشود به جهـت مخـفي بـودن آن ولی بـه هـر حـال بـراي ديگران آشكار می شود). ب) آيا در چنين شرايطی می تـوان نوافـل را قبـل از اذان ظهر خواند؟

جواب: می تواند نوافل ظهر را در اوّل اذان در فرصت تجمع مأمومين بـراي نمـاز، و هنگام اداء نماز ظهر (ديگران به جماعت) بطور فرادی ولی همراه جمع خوانـده، و نماز ظهر فريضه خود را همراه با نماز عصر ايشان كه متواليـاً می خوانند بجـاي آورد. و ملاحظه خلق، تنها در عدم تزاحم با رعايت حق خالق؛ جايز است، و الا در تزاحم؛ مراعات و ملاحظـه مخلـوق شرك اسـت. البتـه در صـورت اضـطرار؛ نوافل را قبل از ظهر می تواند بخواند، ولی نه بطـور مـستمر، كـه مرجـوح اسـت. [شمارة ثبت: (٣٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: اگر فرايضي بر عهده انسان باشد، مثل نمـاز پـدر بـر گـردن پـسر؛ و يـا واجبات فوت شده، و انسان بخواهد آنها را ادا كند آيا بهـتر اسـت نوافـل را بجـا آورد و يا اينكه ابتدا بايد تمام نمازهاي واجب را بجا آورد؟

جواب: وجود نماز واجب به ذمّه شخص؛ مانع از انجام نوافل نيست، ولی اگر اتيان نوافل مانع از توفيق به قضاي واجبات می گردد؛ قضاي واجب را مقدم بدارد، ولی اين شامل اقلّ نوافل يعني صلاة الليل (نماز شفع و وتر) نمی گردد، پس اين را ترك ننمايد، ولو در ضمن قصد قضاي واجب. [شمارة ثبت: (٤٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در مسافرتهائي كه با اتوبوس انجام می گيرد و انسان براي نماز صبح در بين راه می باشد با توجه به اينكه رانندگان عموماً مدتی بعد از اذان صبح يا نزديك طلوع آفتاب براي نماز صبح توقف می نمايند تكليف براي انجام اقلّ صلاة الليل (نماز شفع و وتر) چيست؟

جواب: در صورت خوف ذهاب وقت، مي تواند در حال سوار بودن (بقدر ممكن) نوافل ليل و شفع و وتر را انجام دهد. [شمارة ثبت: (١٦٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: شخصي كه مقيد به خواندن نوافل است در هنگامي كه مثلاً نافله ظهر می خواند بين خواندن نافله، وقت نماز ظهر داخل می شود آيا می تواند ادامه نافله را بعد از اداء نماز ظهر بخواند؟ البته بغير از نافله عشاء كه بعد از اداء نماز می باشد حكم بقيه نمازها (صبح و عصر و مغرب) را بيان بفرماييد.

جواب: نافله را ادامه دهد تا تمام شود، و سپس فريضه را بجاي آورد، مگر بجهت درك جماعت مؤمن عارف كه بقيه نافله را پس از فريضه به جماعت، تمام می كند. [شمارة ثبت: (٢٧٠) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: در نماز مستحبّی، ثواب ايستاده با نشسته فرقي دارد يا خير؟

جواب: ايستاده افضل است. [شمارة ثبت: (٢٦٦) منبع: المسائل الخراسانية]

سؤال: آيا نماز غفيله را می توان بجای دو ركعت از نافله های مغرب خواند؟

جواب: می توان دو ركعت از نافله مغرب را به صورت نماز غفيله بجا آورد. [شمارة ثبت: (٨٦٠) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در نمازهای نوافل وزيارت و نماز واجب يوميّه آيا مي توان به گفتن صرف تكبيرات افتتاحيه بدون خواندن دعاهای پس از آن جهت درك فضيلت آن اقدام كرد؟

جواب: مانعی ندارد. [شمارة ثبت: (٨٩٢) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: در نماز شفع و وتر؛ آيا بايد كيفيّت خاصّی لحاظ شود؟ يا اينكه به همان صورت نمازهای يوميّه كفايت می كند؟

جواب: مانند نمازهاي يوميه بوده الا اينكه نافله شفع دو ركعت و جداي از نافله يك ركعتي وتر مي باشد، وتفصيل آداب آن در كتب ادعيه و اعمال از حديث شريف مفصّلاً نقل شده است. [شمارة ثبت: (٨٩٧) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: آيا نوافل ظهر و عصر جمعه از لحاظ تعداد ركعات و زمان شروع انجام؛ با روزهای ديگر هفته؛ متفاوت هستند؟

جواب: نوافل روز جمعه تنها چهار ركعت بيشتر از روزهاي ديگر است (= ٢٠ ركعت)، و همه ركعات يا بخشي از آنها را؛ قبل از نماز ظهر مي كذارند، و خوب است آنها را در فواصلي تقسيم كند:

١- يا شش ركعت بعد طلوع آفتاب، شش ركعت بعد از بهن شدن آفتاب، و دو ركعت قبل نماز ظهر، و شش ركعت بعد نماز ظهر.

٢- يا شش ركعت بعد از بالا آمدن آفتاب و ميانه طلوع و زوال، و شش ركعت قبل از زوال و اذان ظهر، و دو ركعت بعد اذان ظهر و قبل نماز ظهر، و شش ركعت بعد نماز ظهر و قبل از نماز عصر بجا می آورد.

٣- و اگر مي بيند كه ممكن است بعد از اذان ظهر موفق نشود همه نوافل را قبل از ظهر بجاي آورد، و اگر نتوانست قبل از ظهر بجای آورد؛ مي تواند همه را بعد از اذان ظهر و قبل از نماز ظهر بجاي آورد، و اگر نتوانست قبل از نماز ظهر و عصر؛ نافله بجای آورد، همه را مي تواند بعد از فريضه عصر بجاي آورد، والحمد لله رب العالمين. [شمارة ثبت: (١٥١٦) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: نافله جمعه: چهار ركعت ديگر اضافه دارد در وقت ظهر، امـا دقيقـاً كي و چه وقتي خوانده مي شود؟ چون وقت نماز ظهر روز جمعه تنگ است؟

جواب:

١- وقت نماز ظهر روز جمعه تنگ نيست.

٢- و نوافل روز جمعه تنها چهار ركعت بيشتر از روزهای ديگر است، و كمـتر از چهار دقيقه؛ وقت بيشتر می برد.

٣- نوافل روز جمعه كه بجاي نافله ظهر و عصر روزهـاي ديگـر اسـت؛ مجمـوعا بيست ركعت بوده كه: شش ركعت آن در اول روز پس از طلوع آفتـاب، و شـش ركعت آن در هنگام ضحی كـه ميانـه طلـوع و زوال آفتـاب اسـت، و در هـشت ركعت بقيه اختيار دارد كه: دو ركعـت پـس از زوال و قبـل از فريـضه ظهـر يـا جمعه، و شش ركعت پس از آن بجای آورد؛ يا اينكه شش ركعت پـيش از زوال و دو ركعت پس از زوال و قبل از فريـضه بجـای آورد؛ البتـه روش أوّل أولی اسـت.

[شمارة ثبت: (٥٠٢) منبع: المسائل الرومية]


مسجد كوفه

نمازهای عیدُ اللهِ الأکبر (بزرگترین عید الهی)

سؤال: مهمترین عید در نزد اهل حق کدام است؟ آیا اعمال مخصوصي دارد؟

جواب:

۱- بزرگترین عید اهل حق همان عیدي است که در کلام خازنان وحي علیهم‌السلام به عیدالله‌اکبر توصیف شده و آن عید غدیر است.

۲- اعمال بسیاري در شب و روز عید غدیر در کلام خازنان وحي علیهم‌السلام توصیه شده است، که در مجامع اعمال و آداب کتب کلام مقدس و از جمله آنها کتاب اقبال الأعمال سید بن طاووس به تفصیل شرح شده است.

۳- این اعمال توصیه شده انواع مختلفي دارد: تحصیل بیشتر طهارت ظاهري و باطني، غسل، وضو، تعطیر، تزیین، استعاذه، تحصیل معرفت، احیاي شب به عبادت و معرفت، ذکر، نماز، دعا، روزه، زیارت حضرات معصومین علیهم‌السلام از نزدیك و دور، زیارت مسجد غدیر خم (در نزدیکي میقات جحفه)، تلاوت کلام وحي و خازنان وحي علیهم‌السلام (خصوصا فصول مربوط به واقعه غدیرخم، بازگویي کلام شریف (خطبه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مذاکره آن براى اهل حق، اقامه مجلس احیاي امر الهي و جشنواره نوراني، شاد نمودن اهل حق، اطعام، انفاق، انعام و احسان (عیدي دادن)، شُکر بر نعمت معرفت و ولایت، عرض تبریك به حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت مولاعلي علیه‌السلام و حضرات معصومین علیهم‌السلام، تجدید بیعت با مقام ولایت کبرى و ولي اعظم زمان و خلیفة الله دوران حضرت صاحب الأمر (منه السلام)، برائت از اضداد و طواغیت و ناصبین و منکرین و مقصرین.

٤- اعمال مذکوره هم علیرغم تعدد انواع؛ ولی هر کدام نمونه مختصر و نمونه مفصل دارد؛ بطوریکه براى همه افراد و همه شرایط انجام انواع آن فراهم و میسر باشد.

۵- نماز شب غدیر: از اعمال این هنگام؛ ۱۲رکعت نماز مخصوصي است که در این شب (عید غدیر) بجای آورده می شود، که بر خلاف روش معمول در انجام نمازهای مستحبي (که تعداد رکعاتش هر قدر باشد؛ اما دو رکعتي بجا آورده شده و در هر دو رکعت سلام داده مي شود) ولی در این نماز همه ۱۲رکعت به هم پیوسته و متوالیا بجاي آورده شده؛ و در هر دو رکعت فقط تشهد خوانده، و فقط در تشهد آخر رکعت دوازدهم نماز سلام مي دهد.

در این نماز در هر یك از رکعات اول تا یازدهم؛ سوره حمد ۱۰ بار و سوره توحید ۱۰ بار و آیت الکرسي یکبار، اما در رکعت دوازدهم سوره حمد هفت بار و سوره توحید هفت بار، و قنوت هم فقط در رکعت دوازدهم بجای آورده که در آن این دعا را مي خواند:

* لا إله الا الله * وحده لا شريك له * له الملك و له الحمد * يحيي و يميت * و يميت ويحيي * و هو حيّ لا يموت * بيده الخير * و هو على كل شيئ قدير*

و سپس رکوع و سجود (رکعت آخر) را بجاي آورده، و در سجود آن؛ ده بار این تسبیح را مي گوید: * سبحان من أحصى كلّ شيئ علمه * سبحان من لا ينبغي التّسبيح إلّا له * سبحان ذي المَنِّ و النّعم * سبحان ذي الفضل و الطّول * سبحان ذي العزّ (العزّة) و الكرم * أسئلك بمعاقد العزّ من عرشك * و منتهى الرّحمة من كتابك * و بالإسم الأعظم و كلماتك التّامة * أن تصلّي على

محمّد رسولك و أهل بيته الطّيّبين الطّاهرين * و أن تفعل بي ... (ذكرحاجت) * إنّك سميع مجيب *

٦- دعای شب غدیر: و از اعمال این هنگام؛ و در این شب (عید غدیر)؛ مناجات و خواندن خداوند با ادعیه مناسب آن می باشد، خواندن این دعا به خصوص وارد شده است:

* اللّٰهُمَّ إنّك دعوتنا إلى سبيل طاعتك؛ و طاعة نبيّك؛ و وصيّه و عترته * دعاء؛ له نور و ضياء، و بهجة و استنار * فدعانا نبيّك لوصيّه يوم غدير خمّ * فوفّقتنا للإصابة و سدّدتنا للإجابة لدعائه * فأنلنا إليك بالإنابة * و أسلمنا لنبيّك قلوبنا، و لوصيّه نفوسنا، و لما دعوتنا إليه عقولنا * فتمّم لنا نورك، يا هادي المضلّين * أخرج البغض و المنكر و الغلوّ لأمينك أميرالمؤمنين و الأئمّة من ولده، من قلوبنا و نفوسنا و ألسنتنا و همومنا * و زدنا من موالاته و محبّته و مودّته له و الأئمّة من بعده * زيادات لا انقطاع لها * و مدّة لا تناهي لها * و اجعلنا نعادي لوليّك من ناصبه * و نوالي من أحبّه * و نأمل بذلك طاعتك * يا أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ اجعل عذابك و سخطك؛ على من ناصب وليّك، و جحد إمامته و أنكر ولايته و قُدْمَتَهُ، أيام فتنتك؛ في كل عصر و زمان و أوان * إنّك على كلّ شيئ

قدير* اللّٰهُمَّ بحقّ محمّد رسولك و عليّ وليّك و الأئمّة من بعده حججك، فأثبت قلبي على دينك؛ و موالاة أوليائك؛ و معاداة أعدائك؛ مع خير الدّنيا و الآخرة * تجمعها لي و لأهلي و ولدي و إخواني المؤمنين * إنّك على كلّ شيئ قدير *

۷- در اعمال روز غدير وظايف و برنامه هايي گوناگوني وارد شده است، شرح كامل اين اعمال؛ با ادعيه و اذكار مربوطه را در "مناسك غدير خم" آورده ايم، و در اين كتاب (آئين نماز) تنها به ذكر نمازهای شب و روز غديرخم و برخی اعمال مربوطه بسنده می نماييم.

اوّل: تحصيل آمادگی: با نظافت و طهارت و وضو و غسل و لباس تميز و نو و فاخر پوشيدن و معطر نمودن.

پيش از ظهر روز غدير قبل از غسل؛ نظافت نمايد، و نزديك زوال به نيم ساعت، غسل كند، و پس از غسل، لباس تميز و نو و فاخر بپوشد؛ و خود را معطر نمايد، و طهارت وضو انجام دهد.

دوّم: استعاذه: قبل از شروع اعمال در روز غدير: حضرت رسول الله ﷺ برای برنامه استمرار منصب الهي زعامت امت اسلامي؛ از جانب خداوند متعال؛ در روزهای آخر عمر شريفش مأموريت يافت؛ تا با اعلان عمومی و رسمی وصايت و خلافت الهي حضرت مولاعلي عليه السلام در حجة الوداع و اجتماع مسلمانان همه بلاد؛ رسالت خود را به اتمام؛ و دين اسلام را به اكمال رساند، وقتي كه منافقين صحابه از اين مأموريت آسمانی مطلع شدند؛ با ارتكاب تهديدها و توطئه هايي در عرفات و منی و مكه ؛ سعي كردند تا (حضرت پيامبر اكرم ﷺ را ترور كرده؛

و با ايجاد آشوب در امت) حضرتش را از ابلاغ پيام عظيم خداوند و به انجام رساندن مأموريت نبوت بازدارند، اتفاق اين توطئه ها؛ سبب به تأخير افتادن اين امر گرديد، حق تعالى با نزول وحي؛ حفاظت حضرت و امتش را در انجام اين مأموريت الهي ضمانت فرمود، و لذا در آخرين فرصت از حضور همگاني مسلمانان در حجة الوداع؛ در محل غدير خم بدان اقدام فرمود، و در روز غدير حضرتش براى دفع مكر و كيد و شرّ منافقين؛ با استعاذه و دعاي حفظ از خداوند متعال استمداد نمود، تا اخلالي در تحقق برنامه و مأموريت الهي او در غدير خم رخ نداده و آسيبي به كسي نرسد، ازين رو مستحب است اهل ايمان براى حفظ خويش با اين دعا در اين روز استعاذه و استمداد از حق نمايند:

* بسم الله الرّحمن الرّحيم * بسم الله خير الأسماء * بسم الله ربّ الآخرة و الأولى * و ربّ الأرض و السّماء * الّذي لا يضرّ مع إسمه كيد الأعداء * و بها تدفع كل الأسواء * و بالقسم بها يكفي من استكفى * اللّهُمَّ أنت ربّ كلّ شيئ و خالقه * و باري كلّ مخلوق و رازقه * و محصي كلّ شيئ و عالمه * و كافي كلّ جبّار و قاصمه * و معين كلّ متوكّل عليه و عاصمه * و برّ كلّ مخلوق و راحمه * ليس لك ضدّ فيعاندك * و لا ندّ فيقاومك * و لا شبيه فيعادلك * تعاليت عن ذلك علوّا كبيرا * اللّهُمَّ بك اعتصمت و استقمت * و إليك توجّهت و عليك اعتمدت * يا خير عاصم و أكرم راحم و أحكم حاكم و

أعلم عالم * من اعتصم بك عصمته * و من استرحمك رحمته * و من استكفاك كفيته * و من توكّل عليك أمنته و هديته * سمعا لقولك يا ربّ و طاعة لأمرك * اللّٰهُمَّ أقول و بتوفيقك أقول * و على كفايتك أعول * و بقدرتك أطول * و بك أستكفي و أصول * فاكفني اللّٰهُمَّ و أنقذني * و تولّني و اعصمني و عافني * و امنع منّي و خذ لي * و كن لي بعينك و لا تكن عليّ * اللّٰهُمَّ أنت ربّي * عليك توكّلت و إليك أنبت * و إليك المصير * و أنت على كلّ شيئ قدير *

سوّم: ابراز تسليم و التزام خود به فرمان و انتخاب الهى:

بعد از استعاذه؛ براى ابراز پذيرش خود؛ دستها را روي زمين بگشايد و با اين دعا قبل از زوال؛ بگويد:

* اَللّٰهُمَّ إنّ هذا اليوم؛ شرّفتنا فيه بولاية وليّك؛ عليّ (صلوات الله عليه) * و جعلته أميرالمؤمنين * و أمرتنا بموالاته و طاعته * و أن نتمسّك بما يقرّبنا إليك و يزلفنا لديك؛ أمره و نهيه * اَللّٰهُمَّ قَدْ قَبِلْنَا أمْرَكَ وَ نَهْيَكَ * وَ سمعنا وَ أطَعْنَا لِنَبِيِّكَ وَ سَلَّمْنا وَ رَضِينَا * فَنَحْنُ مَوالي عَلِيٍّ (صلوات الله عليه) وَ أوْلِياؤُهُ كَما أمَرْتَ، نُواليهِ * وَ نُعادي مَنْ يُعاديهِ * وَ نَبْرَأُ مِمَّنْ تَبْرَأُ مِنْهُ * وَ نُبْغِضُ مَنْ

أَبْغَضْتَهُ * وَ نُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ * وَ عَلِيٌّ (صلی الله علیه) مَوْلانا كَما قُلْتَ * وَ إِمامُنا بَعْدَ نَبِيِّنا ﷺ كَما أَمَرْتَ *

چهارم: شکرگزاری خداوند برای نعمت اتمام رسالت و اکمال دین و آشکار شدن مسیر امامت و رهبری الهی:

❖ با نزدیکتر شدن به زوال؛ (زمان واقعه غدیر خم) با دعا و سجده و ذکر و نماز شکر الهی را بجا آورد.

دعای شکرگزاری

در ابتدا با وقار و هیبت و آرامش و توجه دعا کند و بگوید: * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَما فَضَّلَنا في دِينِهِ عَلى مَنْ جَحَدَ وَ عَنَدَ، وَ في نعيم الدّنيا عَلى كثير ممّن عمد، وَ هَدانا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ ﷺ * وَ شَرَّفَنا بِوَصِيِّهِ وَ خَليفَتِهِ في حَياتِهِ وَ بَعْدَ مَماتِهِ * أَميرِالْمُؤْمِنينَ (صلّی الله علیه) اَللّٰهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ نَبِيُّنا كَما أَمَرْتَ، وَ عَلِيًّا (صلّی الله علیه) مَوْلانا كَما أَقَمْتَ، وَ نَحْنُ مَواليهِ وَ أَوْلِيَاؤُهُ ﷺ *


محل غدیر خم

نمازهای شکرگزاری

آنگاه در زمان اعلام ولایت و خلافت حضرت مولا علي عليه‌السلام (نیم ساعت قبل از زوال) نمازهایی که برای شکرگزاری خداوند (برای رخداد واقعه غدیرخم) وارد شده است را (به قدر توان) بجای آورد:

الف: دو رکعت نماز : در رکعت اول بعد از سوره حمد؛ سوره قدر (آنچنان که نازل شده)، در رکعت دوم بعد از سوره حمد؛ سوره توحید (آنطور که نازل شده است).

در تعاليم مكتب وحي آمده است: هر كه اين عمل (نماز و سجده شكر و دعاي بعد نماز) را بجاي آورد؛ فضيلت كسي را خواهد داشت كه در واقعه غديرخم حاضر شده و با حضرت رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله و اميرالمؤمنين عليه‌السلام از روي صدق بيعت نموده؛ و به درجه شهادت در ركاب حضرت رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله و اميرالمؤمنين عليه‌السلام و امام حسن عليه‌السلام و امام حسين عليه‌السلام نائل شده؛ و نيز به حضور در لشكر حضرت قائم عليه‌السلام موفق شده است.

ب: دو رکعت نماز : در هر رکعت بعد از سوره حمد؛ سوره توحید را ۱۰ بار، و آيت الكرسي (تا... هم فيها خالدون) را ۱۰ بار، و سوره قدر را ده بار می خواند.

انجام این نماز نزد خداوند ثواب صدهزار حج و صد هزار عمره را داشته؛ و هیچ حاجت دنیوی یا اخروی نخواهد مگر اینکه برآورده شود، هر چه باشد آن حاجت، ان شاء الله.

ج: دو رکعت نماز : در هر رکعت هر کدام از سوره حمد و توحید و قدر و آيت الكرسي را ده بار می خواند.

ارزش این نماز برابر است با صد هزار حجّ و صد هزار عمره است و باعث برآوردن شدن حوائج دنیا و آخرت می‌شود.

سجده های شکرگزاری

❖ سپس سجده های شکر بعد از نماز را بجا می آورد؛ ابتدا به سجده رفته و با گفتن ۱۰۰ بار ذکر "شکرًا لله" خداوند تعالی را بر اي نعمت بزرگ اعلان ولایت و خلافت سپاس می گوید، و در ادامه در سجده بگوید:

* اَللّٰهُمَّ إيَّاكَ نَعْبُدُ * وَ لَكَ نَخْضَعُ، وَ لَكَ نَسْجُدُ * عَلى مِلَّةِ إبْرَاهِيمَ وَ دينِ مُحَمَّدٍ وَ وِلايَةِ عَلِيٍّ (صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ) * حُنَفاءَ مُسْلِمينَ * وَ مَا نَحْنُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ لا مِنَ الْجاحِدينَ * اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِدينَ الْمُعانِدينَ الْمُخَالِفينَ لِأَمْرِكَ وَ أَمْرِ رَسُولِكَ صلى الله عليه وآله * اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْمُبْغِضينَ لَهُمْ لَعْنًا كَثيرًا * لَا يَنْقَطِعُ أَوَّلُهُ وَ لا يَنْفَدُ آخِرُهُ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ ثَبِّتْنا عَلى مُوالاتِكَ، وَ مُوالاةِ رَسُولِكَ وَ آلِ رَسُولِكَ وَ مُوالاةِ أَمِيرِالْمُؤْمِنينَ (صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ) * اَللّٰهُمَّ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً * وَ أَحْسِنْ مُنْقَلَبَنا يَا سَيِّدَنا وَ مَوْلانا *

❖ آنگاه سر از سجده بردارد، و خداي را با این دعا بخواند:

* اَللّٰهُمَّ إنِّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ * وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ * وَ أَنَّكَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ * لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ * وَ أَنَّ مُحَمّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ (صلواتك عليه وآله) * يا مَنْ هُوَ كُلَّ

يَوْم فى شَأن * كَما كانَ مِنْ شَأنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ * بِأَنْ جَعَلْتَني مِنْ أَهْلِ إِجابَتِكَ * وَ أَهْلِ دِينِكَ وَ أَهْلِ دَعْوَتِكَ * وَ وَفَّقْتَنى لِذلِكَ فى مُبْتَدَءِ خَلْقي * تَفَضُّلًا مِنْكَ وَ كَرَمًا وَ جُودًا * ثُمَّ أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا، وَ الْجُودَ جُودًا، وَ الْكَرَمَ كَرَمًا * رَأفَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً * إِلى أَنْ جَدَّدْت ذلِكَ الْعَهْدَ لي تَجْدِيدًا * بَعْدَ تَجدِيدِكَ خَلْقي * وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ناسِيًا ساهِيًا غافِلًا * فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَني ذلِكَ وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ هَدَيْتَني لَهُ * فَلَيَكُنْ مِنْ شَأنِكَ * يا إِلهي وَ سَيِّدي وَ مَولايَ أَنْ تُتِمَّ لي ذلِكَ * وَ لا تَسْلُبْنيهِ حَتّى تَتَوَفّاني عَلى ذلِكَ * وَ أَنتَ عَنّي راض * فَإِنَّكَ أَحَقُّ المُنعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعمَتَكَ عَلَيَّ * اَللّٰهُمَّ سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أَجَبْنا داعِيَكَ بِمَنِّكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا * وَ إِلَيكَ المَصيرُ * آمَنّا بِاللهِ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ * وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ صَدَّقْنا وَ أَجبْنا داعِيَ اللهِ * وَ اتَّبَعْنا الرَّسُولَ في مُوالاةِ مَوْلانا وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ * أَميرَالمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِب * عَبْدِاللهِ وَ أَخي رَسُولِهِ * وَ الصِّدّيقِ الأَكْبَرِ * وَ الحُجَّةِ عَلى بَرِيَّتِهِ * المُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَ دينَهُ الْحَقَّ الْمُبينَ * عَلَمًا لِدينِ اللهِ * وَ خازِنًا لِعِلْمِهِ * وَ عَيْبَةَ غَيْبِ اللهِ * وَ مَوْضِعَ سِرِّ اللهِ * وَ أَمينَ

اللهِ عَلى خَلْقِهِ * وَ شاهِدَهُ في بَرِيَّتِهِ * اَللّٰهُمَّ رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِيًا يُنادي لِلإيمانِ * أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا * رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا * وَ تَوَفَّنا مَعَ الأَبْرارِ * رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ * وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ * إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعادَ * فَإِنّا يا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ أَجَبنا داعِيكَ * وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ * وَ صَدَّقْناهُ وَ صَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ * وَ كَفَرْنا بِالجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ * فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا * وَ احْشُرْنا مَعَ أَئِمَّتَنا * فَإِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُونَ * آمَنّا بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِيَتِهِمْ وَ شاهِدِهِمْ وَ غائِبِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ * وَ رَضِينا بِهِمْ أَئِمَّةً وَ قادَةً وَ سادَةً * وَ حَسْبُنا بِهِمْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ اللهِ دُونَ خَلْقِهِ * لَا نَبْتَغي بِهِمْ بَدَلًا * وَ لا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً * وَ بَرِئْنا إِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ * وَ كَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ الأَوْثانِ الأَرْبَعَةِ * وَ أَشْياعِهِمْ وَ أَتْباعِهِمْ وَ كُلِّ مَنْ والَاهُمْ * مِنَ الْجِنِّ وَ الإِنْسِ * مِنْ أَوَّلِ الدَّهرِ إِلى آخِرِهِ * اَللّٰهُمَّ إِنّا نُشْهِدُكَ أَنّا نَدينُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلَ مُحَمَّد (صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ) * وَ قَوْلُنا ما قالُوا * وَ دينُنا ما دانُوا بِهِ * ما قالُوا بِهِ قُلْنا * وَ ما دانُو بِهِ دِنّا *

وَ ما أَنْكَرُوا أَنْكَرْنا * وَ مَنْ والَوْا والَيْنا * وَ مَنْ عادُوا عادَيْنا * وَ مَنْ لَعَنُوا لَعَنّا * وَ مَنْ تَبَرَّؤُا مِنهُ تَبَرَّأنا مِنْهُ * وَ مَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ * آمَنّا وَ سَلَّمْنا وَ رَضينا وَ اتَّبَعْنا مَوالينا (صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ) * اَللّٰهُمَّ فَتِمِّمْ لَنا ذلِكَ وَ لا تَسْلُبْناهُ * وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقِرًّا ثابِتًا عِنْدَنا * وَ لا تَجْعَلْهُ مُسْتَعارًا * وَ أَحْيِنا ما أَحْيَيْتَنا عَلَيْهِ * وَ أَمِتْنا إِذا أَمَتَّنا عَلَيْهِ * آلُ مُحَمَّد أَئِمَّتَنا * فَبِهِمْ نَأتَمُّ وَ إِيّاهُمْ نُوالي وَ عَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللهِ نُعادي * فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالاخِرَةِ، وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ * فَإِنّا بِذلِكَ راضُونَ * يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ *

بعد از آن باز به سجده رفته و صدبار خداوند را بر نعمت هدایت و معرفت به ولایت و اکمال دین را حمد (الحمد لله) گزارده، و در ادامه در سجده بگوید:

* اَللّٰهُمَّ عَلَيْكَ نَتَوَكَّلُ وَ بِكَ نَسْتَعِينُ فِي أُمُورِنا * اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَتْ وُجُوهُنا وَ أَشْعارُنا، وَ أَبْشارُنا وَ جُلُودُنا، وَ عُرُوقُنا وَ أَعْظُمُنا، وَ أَعْصابُنا وَلُحُومُنَا وَ دِماؤُنا *

بعد از آن صدبار خداوند را بر نعمت هدایت و معرفت به ولایت و اکمال دین را؛ شکر (الشُکر لله) گزارده، و در ادامه در سجده بگوید:

* اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ، وَ عَلى

جَميعِ أَنْبيائِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ * وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ * وَ صَلِّ عَلى أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ * اَللّهُمَّ بارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ* اَللّهُمَّ بارِكْ لي فيما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ * حَتّى لا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ * وَ وَسِّعْ عَلَيَّ في رِزْقي * يا ذَا الْجَلالِ وَالإِكْرامِ *

پنجم: نتيجه گرفتن از نيايش روز غدير: و بعد از آنها دعاهاى بعد نماز را مى خواند، كه حاوى مضامين عاليه مشتمل بر استغفار و مناجات و طلب رحمت الهى و اظهار معرفت شايسته اين روز؛ و درخواست حوائج اخروى و دنيوى است، دعاهاي متعددي در اين باره وارد شده است، كه به قدر توفيق و فرصت و نشاط از آنها بهره مي توان برد:

دعاي اوّل بعد از نماز روز عيد غدير

* اَللّهُمَّ بنورك اهتديت * و بفضلك استغنيت * و قلت و قولك الحق: ﴿و لو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم؛ جاؤوك فاستغفروا اللّه؛ و استغفر لهم الرّسول؛ لوجدوا اللّه توّابا رحيما﴾ * و قلت: ﴿ما يعبؤ بكم ربّي لولا دعاؤكم﴾ * و قلت : ﴿و إذا سئلك عبادي عنّي؛ فإنّي قريب؛ أجيب دعوة الدّاع إذا دعان﴾ * اَللّهُمَّ فإنّي أسئلك؛ و أشهدك و أشهد ملائكتك؛ أنّك ربّي * لا إله إلّا أنت؛ عليك توكّلت * و أنّ محمّدا عبدك و رسولك نبيّي صلى الله عليه وآله * و

أنّ عليّا أميرالمؤمنين مولاي و وليّي (عليه و آله السلام) * أسئلك أن تغفر لي في هذا اليوم؛ و في هذا الوقت؛ ما سلف من ذنوبي * و تصلحني فيما بقي من عمري * اَللّٰهُمَّ إيمانا بك؛ و تصديقا بوعدك * حتّى أكون على النّهج الّذي ترضاه؛ و الطّريق الّذي تحبّه * فإنّك عدّتي عند شدّتي و وليّ نعمتي * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك نفحة من نفحاتك؛ كريمة تلمّ بها شعثي * و تصلح بها شأني؛ و توسّع بها رزقي * و تقضي بها ديني؛ و تعينني بها على جميع أموري * فإنّك عند شدّتي * فأسئلك بحقّ محمّد و آل محمّد * أن تصلّي على محمّد و آل محمّد * و أن تصلح لي أحوال الدّنيا و الآخرة * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك؛ و لم يسأل السّائلون أكرم منك * و أطلب إليك؛ و لم يطلب الطّالبون إلى أحد أجود منك * أن تصلّي على محمّد و آل محمّد * و أن تبلّغني في هذا اليوم أمنيّة الدّنيا و الآخرة * اَللّٰهُمَّ فارج الغمّ و مجيب دعوة المضطرّين * اَللّٰهُمَّ فارج الغمّ إنّي مغموم ففرّج عنّي * اَللّٰهُمَّ إنّي مهموم فاكشف همّي * اَللّٰهُمَّ إنّي مضطرّ فسهّل لي * اَللّٰهُمَّ إنّي مديون فاقض ديني * اَللّٰهُمَّ إنّي ضعيف فقوّ ضعفي * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك من رزقك؛ رزقا واسعا حلالا طيّبا * أستعين به؛ و أعيش به

بين خلقك * رزقا من عندك؛ لا أبذل فيه وجهي لأحد من عبادك * أنت حسبي و نعم الوكيل * اَللّٰهُمَّ اغفر لي و لوالديّ و ما ولدا؛ و أهل قرابتي و إخواني؛ من عرفت و من لم أعرف * اَللّٰهُمَّ اجزهم بأحسن أعمالهم * و أوصل إليهم الرّحمة و السّرور * و احشرهم مع رسولك و أميرالمؤمنين و أوليائهم * إنّك على كلّ شيئ قدير * اَللّٰهُمَّ مالك الملك * تؤتي الملك من تشاء * و تنزع الملك ممّن تشاء * و تعزّ من تشاء * و تذلّ من تشاء * بيدك الخير * إنّك على كلّ شيئ قدير * و صلّى الله على محمّد و أهل بيته و سلّم *

دعاي دوّم بعد از نماز روز عيد غدير

* اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد نَبِيِّكَ، وَ عَلِيٍّ وَلِيِّكَ * وَ الشَأن وَ الْقَدر الَّذي خَصَصْتهما بِه دونَ خَلقِكَ * أَنْ تُصَلّي عَلى مُحَمَّد وَ عليٍّ * وَ أَنْ تَبْدَأَ بِهِما في كُلِّ خَيْر عاجِل * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * الأَئِمَّةِ الْقادَةِ، وَ الدُّعاةِ السّادَةِ * وَ النُّجُومِ الزّاهِرَةِ، وَالأَعْلامِ الْباهِرَةِ * وَ ساسَةِ الْعِبادِ، وَ أَرْكانِ الْبِلادِ * وَ النّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ * وَ السَّفينَةِ النّاجيَةِ الْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * خُزّانِ عِلْمِكَ، وَ أَرْكانِ تَوْحِيدِكَ *

وَ دَعائِمِ دينِكَ، وَ مَعادِنِ كَرامَتِكَ * وَ صِفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * الأَتْقِياءِ الأَنْقِياءِ * النُّجَباءِ الأَبْرارِ * وَ الْبابِ الْمُبْتَلى بِهِ النّاسُ * مَنْ أَتاهُ نَجى وَ مَنْ أَباهُ هَوى * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ * وَ ذَوِي الْقُرْبى الَّذينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ * وَ فَرَضْتَ حَقَّهُمْ * وَ جَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَفى (اقْتَصَّ) آثارَهُمْ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * كَما أَمَرُوا بِطاعَتِكَ، وَ نَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ * وَ دَلُّوا عِبادَكَ عَلى وَحْدانِيَّتِكَ * اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد نَبِيِّكَ وَ نَجيبِكَ وَ صَفْوَتِكَ * وَ أَمينِكَ وَ رَسُولِكَ إِلى خَلْقِكَ * وَ بِحَقِّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَ يَعْسُوبِ الدّينِ * وَ قائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ * الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ، وَ الصِّدّيقِ الأَكْبَرِ، وَ الْفارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْباطِلِ * وَ الشّاهِدِ لَكَ، وَ الدّالِّ عَلَيْكَ * وَ الصّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَ الْمُجاهِدِ في سَبيلِكَ * لَمْ تَأْخُذْهُ فيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ أَنْ تَجْعَلَني في هَذَا الْيَوْمِ الَّذي عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ في أَعْناقِ خَلْقِكَ، وَ أَكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ * مِنَ الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ، وَ الْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ * مِنْ عُتَقائِكَ وَ طُلَقائِكَ مِنَ النّارِ * وَ لا تُشْمِتْ بي حاسِدي النِّعَمِ * اَللّٰهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَكَ

الأَكْبَرَ، وَ سَمَّيْتَهُ فِي السَّماءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَ فِي الأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثاقِ الْمَأْخُوذِ وَ الجَمْعِ المَسْؤولِ * صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ أَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنا، وَ اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَ لا تُضِلَّنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، * وَ اجْعَلْنا لأَنْعُمِكَ مِنَ الشّاكِرِينَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ * الْحَمْدُ للهِ الَّذى عَرَّفَنا فَضْلَ هذَا الْيَوْمِ، وَ بَصَّرَنا حُرْمَتَهُ * وَ كَرَّمَنا بِهِ، وَ شَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَ هَدانا بِنُورِهِ * يا رَسُولَ اللهِ يا أَميرِالْمُؤْمِنينَ * عَلَيْكُما وَ عَلى عِتْرَتِكُما وَ عَلى مُحِبِّيكُما مِنّي أَفْضَلُ السَّلامِ ما بَقِيَ اللّيْلُ وَ النَّهارُ * وَ بِكُما أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ رَبّي وَ رَبِّكُما * في نَجاحِ طَلِبَتي، وَ قَضاءِ حَوائِجي، وَ تَيْسيرِ أُمُوري * اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ أَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هذَا الْيَوْمِ، وَ أَنْكَرَ حُرْمَتَهُ * فَصَدَّ عَنْ سَبيلِكَ لإِطْفاءِ نُورِكَ * فَأَبَى اللهُ إِلّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ * اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّد نَبِيِّكَ، وَ اكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُباتِ * اَللّٰهُمَّ امْلأِ الأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَما مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُوْرًا * وَ أَنْجِز لَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ * إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ *

* ﴿رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ؛ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَ تَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ * اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كفى بِكَ شَهِيدًا * وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ سُكّانَ سَماواتِكَ وَ أَرْضِكَ (× وَ أَرَضِيكَ) * بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ * الَّذي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرارِ أَرْضِكَ مَعْبُودٌ يُعْبَدُ سواك إِلاَّ بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ غَيْرَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ * لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْمَعْبُودُ * فَلَا مَعْبُودَ (× فَلَا نعبد) سِواكَ، * فَتَعالَيْتَ (× تَعالَيْتَ) عَمَّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا (صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ) أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ وَلِيُّهُمَ وَ مَوْلاَهُم (× و مولاي) * رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا و أجبنا (× و جئنا) النِّداءَ * وَ صَدَّقْنَا الْمُنادِيَ رَسُولَكَ ﷺ * إِذْ نادى بِنِداءٍ عَنْكَ * بِالَّذي أَمَرْتَهُ بِهِ أَنْ يُبَلِّغَ عَنْكَ مَا أَنْزَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ وِلايَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ وَ موالاة وليّ المؤمنين * وَ حَذَّرْتَهُ وَ أَنْذَرْتَهُ إِنْ لَمْ يُبَلِّغْ ما أَمَرْتَهُ أَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ * وَ أَنَّهُ إِذَا (× إِنْ - لَمَّا)

بَلَّغَ رسالاتك عَصَمْتَهُ مِنَ النَاسِ * فَنادى مُبَلِّغًا عَنْكَ وَحْيَكَ وَ رِسَالَاتِكَ * أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ * وَ مَنْ كُنْتُ وليّه فَعَلِيٌّ وليه؛ وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أميرُهُ * رَبَّنَا قَدْ فقد (× قَدْ) أَجَبْنا داعِيَك النَّذِيرَ الْمُنْذِرَ مُحَمَّدًا ﷺ عَبْدَكَ و رَسُولَكَ * إلى عَلِيِّ بن أبي طالب عليهما السلام الهادي المهدي؛ عَبْدَكَ الَّذي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ جَعَلْتَهُ مَثَلًا لِبَني إِسْرَائيلَ * عليّ أمير المؤمنين؛ وَ مولاهم و وليّهم عليه السلام * رَبَّنَا آمَنَّا وَ اتَّبَعْنا مَوْلانا وَ هادِيَنا * وَ داعِيَنا وَ دَاعِيَ الأَنامِ * وَ صِراطَكَ السَّوِيَّ الْمُسْتَقيمَ، وَ مَحَجَّتَكَ الْبَيْضاءَ * وَ سَبيلَكَ الدّاعِيَ إِلَيْكَ عَلى بَصيرَةٍ هُوَ وَ مَنِ اتَّبَعَهُ * وَ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بِوِلايَتِهِ وَ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ * وَ بِما يُلْحِدُونَ بِاتِّخاذِ الْوَلائِجِ مِنْ دُونِهِ * فَأَشْهَدُ يَا اِلهي أَنَّه الإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُرْشِدَ الرَّشيدَ، عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ (صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ) أَميرُ الْمُؤْمنينَ * الَّذي ذَكَرْتَهُ في كِتابِكَ، فإنّك قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ﴾ * اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ، الْهَادِيَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ * النَّذيرُ الْمُنْذِرُ، وَ الصِّراطُ الْمُسْتَقيمُ، وَ (× صراطك المستقيم) * وَ إِمامُ الْمُؤْمِنينَ (× أميرالمؤمنين)؛ وَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ * وَ حُجَّتُكَ الْبالِغَةُ، وَ

لِسانُكَ الْمُعَبِّرُ عَنْكَ في خَلْقِكَ * وَ إِنَّهُ الْقائِمُ بِالْقِسْطِ فِي بريتك بَعْدَ نَبِيِّكَ * وَ ديّان دينك؛ وَ خازِنُ عِلْمِكَ، وَعَيْبَةُ وَحْيِكَ * وَ عَبْدُكَ وَ أمينُكَ الْمَأمُونُ * الْمَأْخُوذُ ميثاقُهُ مَعَ ميثاقِكَ وَ ميثاقِ رُسُولِكَ عليهم السلام (× رسلك) مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ وَ بَرِيَّتِكَ * شَهادَةً بِالإِخْلاصِ لَكَ بِالْوَحْدانِيَّةِ * اَللّٰهُمَّ نَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ * وَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ عَلِيٌّ أميرُالْمُؤْمِنينَ * وَ جَعَلْتَ الإِقْرارَ بِوِلَايَتِهِ تَمامَ تَوْحيدِكَ * وَ الإِخْلاَصَ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ * وَ كمال دينك وَ إِكْمَالَ دينِكَ، وَ تَمامَ نِعْمَتِكَ عَلى جَميعِ خَلْقِكَ وَ بريّتك * فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلامَ دِينًا﴾ * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى ما مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الإِخْلَاصِ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ * وَ جُدْتَ عَلَيْنَا بِمُوَالاَةِ وَلِيِّكَ الْهَادِيَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ * وَ رَضِيتَ لَنا الإِسْلامَ دِينًا بِمَوْلانا * فَلَكَ الْحَمْدُ بِوِلَايَتِهِ (× بموالاته) * وَ إِتمام نعمتك علينا (× وَ أتممت علينا نعمتك) وَ أَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، بِالَّذي جَدَّدْتَ لَنا من عَهْدِكَ وَ ميثاقَكَ، وَ ذَكَّرْتَنا ذلِكَ * وَ جَعَلْتَنا مِنْ أَهْلِ الإِخْلاَصِ وَ التَّصْديقِ بِعَهْدِكَ (× لِعَهْدِكَ) وَ ميثاقِكَ، وَ مِنْ

أَهْلِ الْوَفاءِ بِذلِكَ * وَ لَمْ تَجْعَلْنا مِنْ النّاكِثينَ وَ الْمُكَذِّبينَ الَّذينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ * وَ لَمْ تَجْعَلْنا مِنَ الْمُغَيِّرينَ (× مِنْ أتباع الْمُغَيِّرينَ) وَ الْمُبَدِّلينَ وَ الْمُحَرِّفينَ المنحرفين وَ الْمُبَتِّكينَ آذانَ الأَنْعامِ وَ الْمُغَيِّرينَ خَلْقَ اللهِ * وَ مِنَ الَّذينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ * فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللهِ، وَ صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ * فَلَكَ الْحَمْدُ مُتواتِرًا * يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ *

و زیاد بگوید:

* اَللّٰهُمَّ العن الجاحدين؛ و النّاكِثينَ؛ و الْمُغَيِّرينَ؛ و الْمُبَدِّلينَ؛ و الْمُكَذِّبينَ الَّذينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ؛ مِنَ الأوّلين و الآخرين *

سپس بگوید:

* اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى إنعامك (× نِعْمَتِكَ) عَلَيْنَا بِالهدى الَّذي هَدَيْتَنا إلى مُوالاةِ وُلاةِ أمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ * وَ الأئِمَّةِ الْهادِينَ الراشدين الَّذينَ جَعَلْتَهُمْ أرْكانًا لِتَوْحيدِكَ * وَ أعْلامَ الْهُدى، وَ مَنارَ القلوب وَ التَّقْوى، وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقى * وَ كَمالَ دينِكَ، وَ تَمامَ نِعْمَتِكَ * وَ مَنْ بِهِمْ وَ بِمُوالاتِهِمْ رَضِيتَ لَنا الإسْلامَ دِينًا * رَبَّنا فَلَكَ الْحَمْدُ، آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنا بمنك علينا * نَبِيَّكَ (بنَبِيِّكَ) الرَّسُولَ النَّذيرَ الْمُنْذِرَ * وَ اتَّبَعْنَا الْهادِيَ مِنْ بَعْدِ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ *

وَ والَيْنا وَلِيَّهُمْ، وَ عادَيْنا عَدُوَّهُمْ * وَ بَرِئْنا مِنَ الْجاحِدينَ وَ النّاكِثينَ وَ الْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ * اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ ذلِكَ مِنْ شَأنِكَ؛ يا صادِقَ الْوَعْدِ، يَا مَنْ لاَ يُخْلِفُ الْمِيعادَ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ * أنْ (× إذ) أتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ (نِعْمَتَكَ عَلَيْنَا) * بِمُوالاةِ أوْلِيائِكَ الْمَسْؤُولِ عَنْهُمْ عِبادُكَ * فَإنَّكَ قُلْتَ: ﴿ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ * وَ قُلْتَ: ﴿وَقِفُوهُمْ إنَّهُم مَّسْئُولُونَ﴾ * وَ مَنَنْتَ عَلَيْنا بِشَهادَةِ الإخْلاَصِ لَكَ؛ بِوِلايَةِ أوْلِيائِكَ الْهُداةِ مِنْ بَعْدِ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ السِّراجِ الْمُنيرِ * وَ أكْمَلْتَ لَنا بهم (× به) الدّينَ * بِمُوالاتِهِمْ وَ الْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ * وَ أتْمَمْتَ عَلَيْنَا النِّعَمَ (× النّعمة) بِالَّذي جَدَّدْتَ لَنا عَهْدَكَ (× وَ جَدَّدْتَ لَنا عَهْدَكَ) * وَ ذَكَّرْتَنا ميثاقَكَ، الْمَأخُوذَ مِنَّا في مُبْتَدَءِ (× ابتداء) خَلْقِكَ إيّانا * وَ جَعَلْتَنا مِنْ أهْلِ الإجابَةِ * وَ ذَكَّرْتَنَا الْعَهْدَ وَ الْميثاقَ، وَ لَمْ تُنْسِنا ذِكْرَكَ * فَإنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَ إذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ، وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ، أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، شَهِدْنَا﴾ * بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ * بِأنَّكَ أنْتَ اللهُ لا إلَهَ إلّا أَنْتَ رَبُّنا * وَ أنَّ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ نَبِيُّنا * وَ أنَّ عَلَيًّا أميرَالْمُؤمِنينَ وَلِيُّنا وَ مَوْلانا * وَ شَهِدْنَا بِالوِلايَةِ

لِوَلِيِّنا وَ مَوْلانا * مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ مِنْ صُلْبِ وَلِيِّنا وَ مَوْلانا عَلِيِّ بْنِ أبي طَالِبٍ أميرِالْمُؤْمِنينَ عَبْدِكَ * الَّذي أنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ فِي أُمِّ الكِتَابِ لَدَيْكَ عَلِيًّا حَكِيمًا * وَ جَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ ﷺ، وَ آيَتِكَ الْكُبْرى (× وَ آيَةً مِنْ آياتِكَ الْكُبْرى) * وَ صراطك المستقيم * وَ ﴿النَّبَإِ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾ * وَ عَنْهُ معرضون * وَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَسْؤُولُونَ * وَ تَمامَ نِعْمَتِكَ الَّتي عَنْها يُسْئَلُ عِبادُكَ * إذْ هُمْ مَوْقُوفُونَ وَ عَنِ النَّعيمِ مَسْؤُولُونَ * اللّٰهُمَّ وَ كَما كانَ مِنْ شَأنِكَ؛ أنْ أنْعَمْتَ (× مَا أنْعَمْتَ) عَلَيْنا بِالْهِدايَةِ إلَى مَعْرِفَتِهِمْ * فَلْيَكُنْ مِنْ شَأنِكَ؛ أنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أنْ تُبارِكَ لَنا فِي يَوْمِنا هذَا الَّذي أَكْرَمْتَنا بِهِ؛ وَ ذَكَّرْتَنا فيهِ عَهْدَكَ وَ ميثاقَكَ * وَ أكْمَلْتَ لَنا دِينَنا، وَ أتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ * وَ جَعَلْتَنا بِمَنِّكَ مِنْ أهْلِ الإجابَةِ وَ الإخْلاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ * وَ مِنْ أهْلِ الإيمانِ وَ التَّصْديقِ بِوِلايَةِ أوْلِيائِكَ * وَ الْبَراءَةِ مِنْ أعْدائِكَ وَ أعْداءِ أوْلِيائِكَ الْجاحِدينَ الْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدِّينِ * فَأسْئلُكَ يا رَبِّ تَمامَ ما أنْعَمْتَ عَلَيْنا * وَ أنْ تجعلنا مِنَ الموقنين الموفين * وَ لَا تَجْعَلْنا مِنَ الْمُعانِدينَ * وَ لَا تُلْحِقْنا بِالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدِّينِ * وَ اجْعَلْ لَنا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقينَ * وَ

اجْعَلْ لَنا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً، وَ اجْعَلْ لَنا مِنَ الْمُتَّقينَ إماماً إلَى يَوْمِ الدِّينِ * يَوْمَ يُدْعى (× تدعو) كُلُّ أُناسٍ بِإمامِهِمْ * وَ اجْعَلْنا فِي ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقينَ * وَ احشرنا فِي زمرة الْهُداةِ المهديّين بَعْدَ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ وَ الْبَشيرِ * الأئِمَّةِ الصادقين الدُّعاةِ إلَى الْهُدى * وَ لا تَجْعَلْنا مِنَ الْمُكَذِّبينَ الدُّعاةِ إلَى النّارِ * وَ اجْعَلْنا مِنَ البرآء؛ مِنَ الّذين هم دعاة إلَى النّارِ * وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ أَوْلِياؤُهُمْ مِنَ الْمَقْبُوحينَ * بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ * رَبَّنَا فَاحْشُرْنا فِي زُمْرَةِ الْهادِي الْمَهْدِيِّ * وَ أحْيِنا عَلَى ذلِكَ مَا أحْيَيْتَنا؛ عَلَى الْوَفاءِ بِعَهْدِكَ وَ ميثاقِكَ * الْمَأخُوذِ مِنَّا عَلى مُوالاةِ أَوْلِيائِكَ، وَ البَراءَةِ مِنْ أعْدائِكَ الْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدِّينِ، وَ النّاكِثينَ بِميثاقِكَ * وَ تَوَفَّنا عَلَى ذلِكَ * وَ اجْعَلْ لَنا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * وَ ثَبِّتْ (× وَ أثْبِت - وَ اجْعَلْ) لَنا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ إلَيْهِمْ * وَ اجْعَلْ مَحْيانا خَيْرَ الْمَحْيا، وَ مَماتَنا خَيْرَ الْمَماتِ، وَ مُنْقَلَبَنا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ * عَلى مُوالاةِ أَوْلِيائِكَ وَ معاداة (×وَ البَراءَةِ) مِنْ أعْدائِكَ * حَتَّى تَتَوَفّانا وَ أنْتَ عَنَّا راضٍ * قَدْ أوْجَبْتَ لَنا الْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ، وَ الْمَثْوى فِي جِوارِكَ * وَ الإنابَةَ إلى دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ * لَا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ * بِرَحْمَتِكَ يا أرحم

الراحمين * رَبَّنَا إنَّـكَ أمَرْتَنـا بِطاعَـةِ وُلاةِ أمْـرِكَ، وَ أمَرْتَنـا أنْ نَكُونَ مَعَ الصَّادِقِينَ * فَقُلْتَ: ﴿أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الأَمْرِ مِنكُمْ﴾ * وَ قُلْتَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ * رَبَّنا سَمِعْنا وَ أطَعْنا * رَبَّنا ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا، وَ تَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ، مسلمين مُسَلِّمينَ؛ مُصَدِّقينَ لِأَوْلِيائِكَ * ﴿وَ لاَ تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ﴾ * رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنا نَبِيَّـكَ، وَ والَيْنـا وَلِيَّـكَ * وَ الأَوْلِيَاءَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ، وَ وَلِيِّكَ مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ عَلِيَّ بْنَ أبي طَالِبٍ (صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ) وَ الإمامَ الْهادِيَ مِنْ بَعْدِ الرَّسُولِ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ وَ السِّراجِ الْمُنيرِ * رَبَّنا فَكَما كانَ مِنْ شَأنِكَ أنْ جَعَلْتَنا مِنْ أهْلِ الْوَفاءِ بِعَهْدِكَ، وَ بِمَنِّكَ عَلَيْنا وَ لُطْفِكَ بِنا (لنا) * فَلْيَكُنْ مِـنْ شَأنِكَ؛ أنْ تَغْفِرَ لَنا ذُنُوبَنا، وَ تُكَفِّرَ عَنَّا سَـيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَـا مَـعَ الأَبْرَارِ * رَبَّنا فَاغْفِرَ لَنا ذُنُوبَنا، وَ كَفِّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ * ﴿رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُـلِكَ، وَ لَا تُخْزِنَـا يَـوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ * رَبَّنا آمَنَّا بِكَ، وَ وَفَيْنا بِعَهْدِكَ، وَ صَدَّقْنا رُسُلَكَ * وَ اتَّبَعْنا وُلاةَ الأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رُسُلِكَ * وَ والَيْنا أوْلِيَاءَكَ، وَ عَادَيْنا أعْدَاءَكَ * فَاكْتُبْنَا مَـعَ الـشَّاهِدِينَ * اللّٰهُمَّ وَ

احْشُرْنَا مَعَ الأئِمَّةِ الْهُداةِ مِنْ آلِ رسولك مُحَمَّدٍ، الرَّسُولِ الْبَشيرِ النَّذِيرِ * آمَنَّا يا رَبِّ (× نؤمن) بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِيَتِهِمْ، وَ شاهِدِهِمْ وَ غائِبِهِمْ، وَ بِحَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينا بِهِمْ أئِمَّةً وَ سادَةً وَ قادَةً * لَا نَبْتَغي بِهِمْ بَدَلًا، وَ لا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلائِجَ اَبَدًا * رَبَّنا فأحْينا ما أحْيَيْتَنا؛ عَلى مُوالاتِهِم وَ الْبَراءَةِ مِنْ أعْدائِهِمْ، وَ التَّسْليمِ لَهُمْ، وَ الرَّدِّ إِلَيْهِمْ * وَ تَوَفَّنا إذا تَوَفَّيْتَنا عَلى الْوَفاءِ لَكَ وَ لَهُمْ بِالْعَهْدِ وَ الْميثاقِ * وَ الْمُوالاةِ لَهُمْ وَ التَّصْدِيقِ (بِهِمْ) وَ التَّسْليمِ إِلَيْهِمْ (لَهُمْ) * غَيْرَ جاحِدينَ وَ لا ناكِثينَ وَ لا مُكَذِّبينَ * اللّٰهُمَّ إِنِّي أسْئلُكَ بِالْحَقِّ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُم، وَ بِالَّذي فَضَّلْتَهُمْ بِه عَلَى الْعالَمينَ جَمِيعًا * أنْ تُبارِكَ لَنا في يَوْمِنا هذَا الَّذي أكْرَمْتَنا فيهِ بِالْوَفاءِ (×كرّمتنا، بالموافاة) لِعَهْدِكَ (× بِعَهْدِكَ) * الَّذي عَهِدْتَه إلَيْنا، وَ الْميثَاقِ (×وَ بِالْميثَاقِ) الَّذي وَاثَقْتَنا بِهِ، مِنْ مُوالاةِ أوْلِيائِكَ وَ البَراءَةِ مِنْ أعْدائِكَ، * وَ أنْ تُتِمَّ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ (× وَ تمنّ عَلَيْنا بِنِعْمَتَكَ)، وَ تَجْعَلَهُ عِنْدَنا مُسْتَقِرًّا وَ ثابِتًا وَ لا تَسْلُبْناهُ أبَدًا، وَ لا تَجْعَلْهُ عِنْدَنا مُسْتَوْدَعًا * فَإنَّكَ قُلْتَ: ﴿فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ﴾ فاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثابِتًا، وَ لا تَسْلُبْناهُ أبَدًا، وَ لا تَجْعَلْهُ مُسْتَعارًا * وَ ارْزُقْنَا مرافقة وليك الهادى المهدى الى الهدى * وَ ارْزُقْنَا نَصْرَ

دينِكَ مَعَ وَلِيٍّ هادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ * قائِمًا رَشيدًا، هادِيًا مَهْدِيًّا مِنَ الضَّلالَةِ إِلَى الْهُدَى * وَ اجْعَلْنا تَحْتَ رايته وَ تَحْتَ لِوائِهِ، وَ في زُمْرَتِهِ * شُهَداءَ صادِقينَ، مَقْتُولينَ في سَبيلِكَ وَ عَلى نُصْرَةِ دينِكَ، وَ عَلى بصيرة مِنْ دينِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

بعد از آن حوائج دنيا و آخرتش را بخواهد؛ كه برآورده مي شود.

دعاي چهارم بعد از نماز روز عيد غدير

* اَللّٰهُمَّ ربّ السّماوات و الأرض * و ربّ النّور العظيم * و ربّ البحر المسجور * و ربّ الشّفع الكبير * و ربّ الوتر الرفيع * سبحانك منزل التّوراة و الإنجيل و الزّبور و القرآن العظيم * إله من في السّماوات السّبع، و إله من في الأرض؛ لا إله فيهما غيرك * جبّار من في السّماوات و الأرض، لا جبّار فيهما غيرك * ملك من في السّماوات والأرض؛ لا ملك فيهما غيرك * أسئلك باسمك العظيم، و بنور وجهك الكريم، و بملك القديم * و باسمك الذي أشرقت له السّماوات و الأرضون، و باسمك الذي أصلحت به أمور الأوّلين و الآخرين * يا حيّ قبل كلّ حيّ، يا حيّ بعد كلّ حيّ، يا حيّ حين لا حيّ الّا أنت، يا حيّ يا قيّوم * يا أحد، يا صمد، يا فرد، يا وتر، يا رحمان، يا رحيم * اغفر لنا

ذنوبنا * و اجعل لنا من أمورنا فرجا و مخرجا * و استقبلنا على هدى نبيّك محمّد ﷺ * و اجعل عملنا في المرفوع المتقبّل * و هب لنا ما وهبت لأوليائك و أهل طاعتك و عبادك الصّالحين من خلقك * فإنّا بك مؤمنون، و عليك متوكّلون، و مصيرنا إليك * و اجمع لنا الخير كلّه، بحولك و قوّتك * و اصرف عنّا الشّر كلّه، بمنّك و رحمتك * يا حنّان يا منّان، يا بديع السّماوات و الأرض، يا ذا الجلال و الإكرام * تعطي الخير من تشاء، و تصرف الشّر عمّن تشاء * أعطنا جميع ما سئلناك من الخير، و امنن به علينا * برحمتك يا أرحم الرّاحمين * إنّا إليك راغبون * و لا حول و لا قوّة الا بالله العليّ العظيم * اَللّٰهُمَّ اشرح بالقرآن صدري * و أنطق بالقرآن لساني * و نوّر بالقرآن بصري * و استعمل بالقرآن بدني * و أعنّي عليه أبدا ما أبقيتني * فإنّه لا حول و لا قوّة الّا بك * اَللّٰهُمَّ يا داحي المدحوّات، و يا باني المبنيّات، و يا مرسي المرسيّات * و يا جبّار القلوب على فطرتها، شقيّها و سعيدها، و يا باسط الرّحمة للمتّقين * اجعل شرائف صلواتك و نوامس بركاتك و رأفتك و تحيّتك و رحمتك، على محمّد عبدك و رسولك * الفاتح لما انغلق،

و الخاتم لما سبق، و فاتح الحقّ بالحقّ * و دافع جيشات الأباطيل كما حملته * فاضطلع بأمرك مستبصرا في رضوانك، غير ناكل عن قدم، و لا منثن عن كرم * حافظا لعهدك، قاضيا لنفاذ أمرك * فهو أمينك المأمون، و شهيدك يوم الدّين، و بعيثك رحمة للعالمين * اَللّٰهُمَّ فافسح له مفسحا عندك، و أعطه من بعد رضاه الرّضا، من نور ثوابك المحلول، و عطاء جزائك المعلول * اَللّٰهُمَّ أتمم له وعده بانبعاثك إيّاه؛ مقبول الشّفاعة عندك؛ مرضيّ المقالة، ذا منطق عدل، و خطبة فصل، و حجّة و برهان عظيم * اَللّٰهُمَّ اجعلنا سامعين مطيعين و أولياء مخلصين، و رفقاء مصاحبين * اَللّٰهُمَّ أبلغه منّا السّلام، و اردد علينا منه السّلام * اَللّٰهُمَّ إنّي ضعيف فقوّ في رضاك ضعفي؛ و خذ إلى الخير بناصيتي، و اجعل الإسلام منتهى رضاك * اَللّٰهُمَّ إنّي ضعيف فقوّني، و إنّي ذليل فأعزّني، و إنّي فقير فارزقني *

سپس صد بار بگويد:

* اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك الجنّة؛ اَللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك من النّار *

سپس بگويد:

* اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك بأنّك أنت الله لا إله إلّا أنت * وحدك لا

شريك لك * و بأنّك أرحم الـرّاحمين * و أسـئلك بأنّـك أحـد صمد؛ لم تلد و لم تولد؛ و لم يكن لك كفوا أحد؛ * أن تغفر لي ذنوبي كلّها، صغيرها و كبيرها، مغفرة تامّة، يا أرحم الرّاحمين *

سپس چهار بار بگويد:

* اَللّٰهُمَّ إنّي أشهدك و أشهد حملة عرشك و ملائكتك و جميع خلقك * أنّي أشهد أنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك * و أومن بك و أتوكّل عليك و أستغفرك و أتوب إليك *

سپس بگويد:

* اَللّٰهُمَّ أصبحت في ديني و أمـانتي و نفـسي و ولدي و مـالي و جميع أهل عنايتي، في حماك الذي لا يستباح، و في عزّك الّذي لا يرام، و في سلطانك الّذي لا يستضام، و في ملكك الّذي لا يبلى، و في نعمك الّتي لا تحصى، و في ذمّتك الّتي لا تخفر، و في رحمتك الّتي وسعت كلّ شيئ * و جار الله آمن محفوظ* و لا حول و لا قوّة الّا بالله * لا إله الّا الله، و الله أكـبر، و سـبحان الله * ربّ صلّ على محمّد و آل محمّد * و اغفر لي ذنوبي كلّها * برحمتك يا أرحم الراحمين * اَللّٰهُمَّ افتح لنا بطاعتك * و اختم لنا برضوانك * و أعذنا من الشّيطان الرّجيم * السّلام على الحافظين الكـرام الكاتبـين * أشـهد أن لا إله إلّا الله وحـده لا شريـك له * و أنّ

محمّدا عبده و رسوله ﷺ * إنّ صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله ربّ العالمين * لا شريك له * و بذلك أمرت و أنا من المسلمين * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك خير يومي هذا، و خير ما فيه، و خير ما أمرت به، و خير ما قبله، و خير ما بعده * و أعوذ بك من شرّ يومي هذا، و شرّ ما فيه، و شرّ ما قبله، و شرّ ما بعده * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك فتحه و نصره و نوره و هداه * اَللّٰهُمَّ افتح لي بخير، و اختم لي بخير، و اختمه عليّ بخير * اَللّٰهُمَّ افتحه عليّ برحمتك، و اختمه عليّ برضوانك * اَللّٰهُمَّ من كادني في يومي هذا بسوء فاكفينيه، و قني شرّه، و اردد كيده في نحره * اَللّٰهُمَّ ما أنزلت في يومي هذا من خير أو رحمة أو شفاء أو فرج أو عافية أو رزق، فاجعل لي فيه نصيبا وافرا حسنا * و ما أنزلت فيه من محذور أو مكروه أو بليّة أو شقاء؛ فاصرفه عنّي * اَللّٰهُمَّ إنّي أسئلك أن تجعل بدوّ يومي هذا فلاحا و أوسطه صلاحا و آخره نجاحا * و أعوذ بك من شرّ يوم أوّله فزع، و أوسطه جزع، و آخره وجع * اَللّٰهُمَّ برأفتك أرجو رحمتك، و برحمتك أرجو رضوانك، و برضوانك أرجو الجنة * فلا تؤاخذني بذنبي، و لا تعاقبني بسوء عملي * اَللّٰهُمَّ اجعل ما أحييتني زيادة لي في كلّ خير * و اجعل وفاتي إذا توفّيتني راحة من كل شرّ، و نجاة لي من كلّ سوء * اَللّٰهُمَّ اجعلني أخشاك كأنّي

أراك، و أرجوك و لا أرجو غيرك، و أذكرك و لا أنساك * اَللّٰهُمَّ اغفر لي كل ذنب سلف منّي في الليل و النّهار منذ خلقتني، و كفّره عنّي، و أبدلني به حسنات * و تقبل منّي كلّ خير عملته لك في الليل و النّهار منذك خلقتني، و ارفعه لي عندك في الرّفيع الأعلى، و أعطني عليه الثّواب الكثير برحمتك * إنّك جواد لا يبخل * اَللّٰهُمَّ إنّي أصبحت متوكّلا عليك فاكفني * و أصبحت فقيرا إليك فأغنني * و أصبحت لا أعرف ربّا غيرك فاغفر لي * و أصبحت مقرّا لك بالرّبوبيّة معترفا لك بالعبوديّة * و أشهد أن لا إله إلّا الله * وحده لا شريك له * إلها واحدا أحدا صمدا لم يتخذ صاحبة و لا ولدا * و أنّ محمّدا عبده و رسوله * أرسله بالهدى و دين الحقّ ليظهره على الدّين كلّه و لو كره المشركون * فبلّغ رسالاته و نصح لأمّته، و جاهد في الله حقّ جهاده، و عبده حتى أتاه اليقين * و أشهد أنّ السّاعة آتية لا ريب فيها * و أنّ الله يبعث من في القبور * و أنّ الجنّة حقّ، و النّار حقّ، و البعث حقّ، و أنّي أؤمن بالله و برسوله ﷺ و بملائكته و كتبه و رسله * لا نفرّق بين أحد من رسله * اللّٰهُمَّ فاكتب لي هذه الشّهادة عندك * و لقّنيها عند حاجتي إليها * و أحيني عليها و ابعثني عليها و احشرني عليها * و اجزني جزاء من لقيك بها مخلصا،

غير شاكّ فيها، و لا مرتدّ عنها، و لا مبدّل لها * آمين ربّ العالمين * و صلى الله على محمّد و على آله الطّيّبين الطّاهرين الأخيار و سلّم كثيرا * سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلّا الله و الله اكبر * و استغفر الله الّذي لا إله إلّا هو * غفّار الذّنوب و أتوب إليه * و أسئله أن يتوب عليّ * و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * الأوّل فليس قبله شيئ، و الآخر فليس بعده شيئ * و الظّاهر فليس فوقه شيئ، و الباطن فليس دونه شيئ * يحيي و يميت، و هو حيّ لا يموت، بيده الخير، و هو على كل شيئ قدير * الحمد لله الّذي لا تبديل لقوله، و لا معادل لحكمه، و لا رادّ لقضائه * الحمد لله الأوّل قبل كل شيئ، و الخالق له، والآخر بعد كلّ شيئ، و الوارث له * و الظّاهر على كلّ شيئ و الوكيل عليه * و الباطن دون كلّ شيئ و المحيط به * الّذي علا فقهر، و ملك فقدر، و بطن فخبر * ديّان الدّين ربّ العالمين * الحمد لله على حلمه بعد علمه، و الحمد لله على عفوه بعد قدرته * اَللّٰهُمَّ لك الحمد في الليل إذا يغشى، و في النّهار إذا تجلّى، و لك الحمد في الآخرة و الأولى * و لك الحمد كما حمدت نفسك و كما أنت أهله و كما حمدك الحامدون * و لك الحمد عدد ما أحصى كتابك و أحاط به علمك * و لك الحمد زنة عرشك و

مداد كلماتك * و لك الحمد كما ينبغي لكرم وجهك و عز جلالك و عظم سلطانك * اَللّٰهُمَّ لك الحمد حمدا خالدا بخلودك * و لك الحمد حمدا دائما بداومك * و لك الحمد حمدا لا أمدا له دون بلوغ مشيّتك * و لك الحمد حمدا لا يتناهى دون منتهى علمك * و لك الحمد حمدا يبلغ رضاك و يوجب مزيدك، و يؤمن من غيرك * فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون * و له الحمد في السّماوات و الأرض و عشيّا و حين تظهرون * يولج الليل في النّهار و يولج النّهار في الليل * و يخرج الحيّ من الميّت و يخرج الميّت من الحيّ * و يحيي الأرض بعد موتها و كذلك تخرجون * سبحان ربّك ربّ العزّة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين * سبحان الدّائم القائم * سبحان الملك الحقّ * سبحان العليّ الأعلى * سبحانه و تعالى * سبحان الله و بحمده * سبحان الله الحيّ القيّوم * سبحان الله الّذي لا تأخذه سنة و لا نوم * سبحان من تواضع كل شيئ لعظمته * سبحان من ذلّ كلّ شيئ لعزّته * سبحان من خضع كلّ شيئ لملكته * سبحان من استسلم كلّ شيئ لقدرته * سبحان من انقادت له الأمور بأزمّتها * سبحانه و بحمده * لا إله إلّا الله * وحده لا شريك له * له الملك و له الحمد * يحيي و

يميت و هو حيّ لا يموت * بيده الخير* و هو على كلّ شيئ قدير * لا إله إلّا الله الحليم الكريم * لا إله إلّا الله العليّ العظيم * لا إله إلّا الله السّميع العليم * لا إله إلّا الله ربّ السّماوات السّبع و ربّ العرش العظيم * لا إله إلّا الله، إلها واحدا أحدا فردا صمدا، لم يلد و لم يولد و لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا، و لم يكن له كفوا أحد * لا إله إلّا الله، الأوّل قبل كلّ شيئ، و الباقي بعد كلّ شيئ و القادر عليه و المحيط بكلّ شيئ * لا تدركه الأبصار و هو يدرك الأبصار و هو اللطيف الخبير * يعلم ما يلج في الأرض و ما يخرج منها و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها و هو الرّحيم الغفور * اللّهُمَّ إنّي أسئلك و أدعوك و أنت قلت: ﴿قل ادعو الله أو ادعوا الرّحمان؛ أيّا ما تدعوا فله الأسماء الحسنى﴾ * إنّك أمرتني بدعائك و وعدت إجابتك و لا خلف لوعدك * فإنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني * اللّهُمَّ إنّي أسئلك بكلّ إسم هو لك، كما سمّيت به نفسك، أو ذكرته في كتابك، أو علّمته أحدا من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك * يا الله يا الله يا الله، يا رحمان يا رحيم، يا بديئ لا بدء لك، يا دائم لانفاد لك، يا حيّ يا قيّوم، يا محي يا مميت، يا قائما على كلّ نفس بما كسبت * يا أحد يا وتر يا فرد يا صمد، يا من لم يلد و

لم يولد و لم يكن له كفوا أحد * يا مالك الملك؛ تؤتي الملك من تشاء؛ و تنزع الملك ممّن تشاء؛ و تعزّ من تشاء و تذّل من تشاء بيدك الخير إنّك على كلّ شيئ قدير * يا حنّان يا منّان، يا ذا الجلال و الإكرام * يا ربّ الأرضين و ما أقلّت، و السّماوات و ما أظلّت، و الرّياح و ما ذرت * يا خالق كلّ شيئ * يا زين السّماوات و الأرضين * يا عماد السّماوات و الأرضين * يا قيّوم الدّنيا و الآخرة * و يا غياث المستغيثين * و يا صريخ المستصرخين * و يا معاذ العائذين * و يا مجيب دعوة المضطرّين * و يا منفّسا عن المكروبين * و يا مفرّجا عن المغمومين * و يا مجيب دعوة المضطرّين * و يا مجيب دعوة الدّاعين * و يا أرحم الرّاحمين * و يا أوّل الأوّلين * و يا آخر الآخرين * أسئلك باسمك الأجلّ الأعزّ الأكرم؛ الظّاهر الباطن، الطّاهر المطهّر المقدّس، الأحد الصّمد الفرد، الّذي ملأ الأركان كلّها؛ الّذي إذا دعيت به أجبت، و إذا سئلت به أعطيت * أن تصلّي على محمّد و آل محمّد؛ كأفضل و أكرم، و أعلى و أكمل، و أعزّ و أعظم، و أشرف و أزكى، و أنمى و أطيب، ما صلّيت على أحد من أنبيائك المصطفين و ملائكتك المقرّبين و عبادك الصّالحين * اللّٰهُمَّ شرّف بنيانه، و عظّم برهانه، و ثقّل ميزانه، و ابعثه المقام المحمود

الّذي وعدته، و تقبّل شفاعته، و اجزه عنّا أفضل ما جزيت نبيّا عن أمّته * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و آل محمّد * و بارك على محمّد و على آل محمّد * كما صلّيت و باركت على إبراهيم و على آل إبراهيم * إنّك حميد مجيد* اللّٰهُمَّ صلّ على أنبيائك المرسلين، و ملائكتك المقرّبين، و عبادك الصّالحين، و صلّ علينا معهم، إنّك أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ اغفر لي و لوالديّ و ما ولدا، و للمؤمنين و المؤمنات، و المسلمين و المسلمات، حيّهم و ميّتهم، شاهدهم و غائبهم، إنّك تعلم منقلبهم و مثواهم * اللّٰهُمَّ اغفر لنا و لإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان، و لا تجعل في قلوبنا غلّا للّذين آمنوا، ربّنا إنّك رؤوف رحيم * اللّٰهُمَّ أصلح لنا أئمّتنا و قضاتنا و ولاة أمورنا و جماعتنا و ديننا الذي ارتضيت لنا * اللّٰهُمَّ أعزّ الإسلام و أهله، و أذلّ الشرك و أهله * اللّٰهُمَّ إنّي من عبادك الّذين ظلموا أنفسهم و أسرفوا عليها و استوجبوا العذاب بالحجج اللازمة، و الذّنوب الموبقة، و الخطايا المحيطة بهم، وقد قلت: ﴿يا عبادي الّذين أسرفوا على أنفسهم؛ لا تقنطوا من رحمة اللّٰه، إنّ اللّٰه يغفر الذنوب جميعا، إنّه هو الغفور الرّحيم﴾ * لا خلف لوعدك، و لا مبدل لقولك * اللّٰهُمَّ لا تقنطني من رحمتك، و لا تؤيسني من عفوك و مغفرتك * و اجعلني من عبادك الّذين

تغفر لهم ذنوبهم، و تكفّر عنهم سيّئاتهم * و تب عليّ إنّك أنت التوّاب الرّحيم * و خذ بسمعي و بصري و قلبي و جوارحي كلّها إلى طاعتك و طاعة رسولك صلى الله عليه وآله، و إلى أحبّ الأعمال إليك * و ارزقني توبة نصوحا أستوجب بها محبّتك، و أستحقّ معها جنّتك، و توقيني من عذابك * فإنّه لا حول و لا قوّة إلّا بك * و اجعلني من أوليائك و أنصارك الّذين تعزّ بهم دينك * و تنتقم بهم من عدوّك * و تختم لهم بالسّعادة و الشّهادة * تحييهم حياة طيّبة * و تقلّبهم منقلبا كريما * و تؤتيهم في الدّنيا حسنة و في الآخرة حسنة و تقيهم عذاب النّار * اللّهُمَّ إنّ ذنوبي عظيمة كثيرة، و رحمتك و عفوك و فضلك أعظم منها و أكثر و أوسع، فانشر عليّ من سعة رحمتك و عظم عفوك و مغفرتك؛ ما تنجيني به من النّار؛ و تدخلني به الجنّة * اللّهُمَّ برحمتك استغثت من ذنوبي، و استجرت فأغثني، و أجرني من ذنوبي * و امنن عليّ بمغفرتك و عفوك عمّا ظلمت به نفسي خاصّة * يا إلهي، و خلّصني ممّن له حقّ قبلي * و استوهبني منه و اغفر لي * و عوّضه من فضلك و طولك و جزيل ثوابك عليّ و عليه بذلك * يا أرحم الرّاحمين * اللّهُمَّ اجعل ما مضى من حسن عملي مقبولا * و ما فرّط منّي من سيّئة مغفورا * و ما أستأنف من عمري

أوّله صلاحا و أوسطه فلاحا و آخره نجاحا * اللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك من جهد البلاء، و سوء القضاء، و شرّ العمل، و درك الشّقاء، و شماته الأعداء، و سوء المنظر في الأهل و المال و الولد * اللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك من قلب لا يخشع، و من نفس لا تشبع، و عمل لا ينفع، و دعاء لا يسمع * اللّٰهُمَّ سلّمني و سلّم منّي، و عافني و اعف عنّي * و لا تؤاخذني بذنوبي، و لا تقاسيني بعملي، و لا تفضحني بسريرتي * و أدخلني الجنّة برحمتك و عافني من النّار بقدرتك * اللّٰهُمَّ أقلني عثرتي، و استر عورتي، و آمن روعتي * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك الهدى و التّقى و العفاف و الكفاف و الغنى، و العمل بما تحبّ و ترضى * اللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك أن أشرك بك؛ و أنا أعلم أو لا أعلم * و أستغفرك لما أعلم و لما لا أعلم * اللّٰهُمَّ لا تجعل الدّنيا أكبر همّي * و لا تجعل مصيبتي في حدّ ديني * و لا تسلّط عليّ من لا يرحمني * و لا تسلّطني على أحد بظلم فتهلكني * اللّٰهُمَّ اجعل حياتي زيادة لي في كلّ خير * و اجعل وفاتي راحة لي من كلّ سوء * اللّٰهُمَّ إنّ ذلّي أصبح و أمسى مستجيرا بعزّتك * و فقري مستجيرا بغنائك * و ذنوبي مستجيرة برحمتك * و وجهي البالي الفاني؛ مستجيرة بوجهك الباقي الدّائم الكريم؛ * فكن لي جارا من كلّ سوء برحمتك *

اللّٰهُمَّ ما أعطيتني من عطاء؛ أو قضيت عليّ من قضاء، فاجعل الخيرة لي في بدئه و عاقبته * و ارزقني العافية و السّلامة برحمتك يا أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ لك الحمد؛ و إليك المشتكى؛ و أنت المستعان؛ و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * و صلّى الله على ملائكته المقرّبين، و أنبيائه المرسلين و على محمّد خاتِم النّبيّين، و رسول ربّ العالمين و إمام المتّقين، و سيّد المرسلين، و على آله الطّيّبين الطّاهرين و سلّم تسليما * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك يا ربّ حسن الظّن بك، و الصّدق في التّوكل عليك * و أعوذ بك أن تدخلني النّار * و أعوذ بك ربّ أن تبتليني ببليّة؛ تحملني ضرورتها؛ على التّعرض بشيئ من معاصيك * و أعوذ بك أن تدخلني في حال؛ كنت أو أكون فيها؛ في يسر أو عسر؛ ظنّ أن معاصيك أنجح لي من طاعتك * و أعوذ بك أن أقول قولا من طاعتك؛ ألتمس به رضا سواك * و أعوذ بك أن يكون أحد أسعد بما آتيتني منّي * و أعوذ بك أن أتكلّف طلب ما ليس لي؛ و ما لم تقسمه لي * و ما قسمت لي من قسم؛ أو رزقتني من رزق؛ فأتني به في يسر منك و عافية حلالا طيّبا * و أعوذ بك من كلّ شيئ زحزح بيني و بينك * أو باعد بيني و بينك، أو تصرف به حظّي، أو صرف وجهك الكريم عنّي * و

أعوذ بك أن تحوّل خطيئتي أو ظلمي أو جرمي أو إسرافي على نفسي أو إتّباعي هواي أو استعمالي شهوتي؛ دون مغفرتك و ثوابك و رضوانك و نائلك، و بركاتك و موعدك الحسن الجميل * اللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك من الضّرر في المعيشة * و أعوذ بك أن تبتليني ببلاء لا طاقة لي به * أو تسلّط عليّ طاغيا * أو تهتك لي سترا، أو تبدي لي عورة * أو تحاسبني يوم القيامة مناقشة؛ أحوج ما أكون إلى تجاوزك و عفوك عنّي * و أسئلك بوجهك الكريم و كلماتك التّامات؛ أن تصلّي على محمّد وعلى آل محمّد * و تعطي محمّدا و آل محمّد؛ أفضل ما سئلك، و أفضل ما سئلت له، و أفضل ما أنت مسؤول له * و أسئلك أن تجعلني من عتقائك و طلقائك من النّار * يا أرحم الرّاحمين، و يا أجود الأجودين، و يا إله العالمين، و يا سيّد السّادات، و يا جبّار الجبابرة * و يا أفضل من سئل، و أكرم من أعطى، و أحقّ من تجاوز و عفى و رحم، و تفضّل بإحسانه القديم * و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * لا إله إلّا الله الحليم الكريم، سبحانه، تبارك الله ربّ العرش العظيم، الحمد لله ربّ العالمين * لا إله إلّا أنت، أفلح سائلك، و تعالى جدّك، و امتنع عائذك، أعذني برحمتك من شرّ ماخلقت و ذرأت و برأت، حسبي الله و كفى، سمع الله لمن

دعا، ليس وراء الله منتهى * اللّٰهُمَّ أنت ربّي و ربّ من كادني و بغى عليّ، من الجنّ و الإنس، ناصيتي و ناصيته بيدك، فادفع في نحره و أعذني من شرّه، بعزّتك الّتي لا ترام، و بقدرتك الّتي لا يمتنع منها برّ و لا فاجر، و بكلماتك الحسنى، الحمد لله الّذي خلقتني ولم أك شيئا * اللّٰهُمَّ أعنّي على هول الدّنيا و بوائق الآخرة، و مصيبات الليالي و الأيّام * اللّٰهُمَّ اصحبني في سفري و اخلفني في أهلي و بارك لي فيما رزقتني، و لك فذلّلنى و على خلق حسن صالح فقوّمني، و إليك فحبّبني و إلى النّاس فلا تكلني، ربّ المستضعفين، و أنت ربّي * أعوذ بوجهك الكريم الّذي أشرقت له السّماوات و الأرض، و كشفت به الظلمات و صلح عليه أمر الأوّلين و الآخرين، أن ينزل بي سخطك، أو يحلّ على غضبك، و من زوال نعمتك، و من جميع سخطك، لك العتبى عندي فيما استطعت، و لا حول و لا قوّة إلّا بك * اللّٰهُمَّ إنّك لست بربّ استحدثناك، و لا كان معك إلٰه أعانك، تعالى الله عمّا يقول القائلون * صلّ على محمّد و على آل محمّد و بارك لي في الموت إذا نزل بي، و اجعل لي فيه راحة و فرجا * اللّٰهُمَّ فكما حسّنت خلقي فحسّن خلقي * اللّٰهُمَّ إنّي ضعيف فقوّ في رضاك ضعفي، و خذ إلى الخير بناصيتي، و اجعل الإسلام منتهى رضاي

* اللّٰهُمَّ إنّي أشهدك و أشهد ملائكتك و كفى بك شهيدا، أنّك أنت اللّٰه، لا إلٰه إلّا أنت، وحدك لا شريك لك، و أشهد أنّ محمّدا عبدك و رسولك و خيرتك من خلقك، و أنّ كلّ معبود من دون عرشك إلى قرار أرضك السّابعة باطل؛ ما خلا وجهك الكريم، الدّائم الّذي لا يزول * فصلّ على محمّد و على آل محمّد، و اكشف ما بي من ضرّ، و حوّله عنّي يا أرحم الرّاحمين، إنّك سميع الدّعاء، و إنّك تفعل ما تشاء و أن ميسور العسير عليك يسير * اللّٰهُمَّ يسّر من أمري ما عسر، و سهّل ما صعب، و ليّن ما غلظ، و فرّج ما لا يفرّجه أحد غيرك * بنور وجهك الكريم الدّائم التّام، و بحقّ محمّد عبدك و رسولك، و بحقّ الرّوحانيّين الّذين لا يفترون؛ إلّا بتعظيم عزّ جلالك، و بالثّناء عليك، و لا يبلّغون ما أنت مستحقّه من عظيم عزّك و علوّ شأنك * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك باسمك الّذي تجلّيت به للجبل؛ فجعله دكّا؛ و خرّ موسى صعقا * و بالإسم المخزون المكنون، و باسمك الّذي فلقت به البحر لموسى بن عمران، فصار كلّ فرق كالطّود العظيم * و باسمك الّذي ذلّ له كلّ جبّار عنيد * و باسمك الّذي وضعته على النّهار فأضاء، و على الليل فأظلم * أن تصلّي على محمّد و على آل محمّد * و أن تجعلني من التّوابين المتطهّرين، و تغفر لي خطيئتي يوم

الدّين * و تغفر لوالديّ كما ربّياني صغيرا و علّماني كتابك و سنّة نبيّك * و تدخل عليهما رأفة منك و رحمة، و بدّل سيّئاتهم حسنات و تقبّل منهما ما أحسنا، و تجاوز عنهما ما أساءا، فإنّك أولى بالجود * و اجعلهما من الّذين رضيت عنهم، و أسكنتهم جنّاتك النّعيم * برحمتك لا بأعمالهم، تفضّلا منك عليهم؛ بجودك و كرمك و عزّتك و سلطانك * يا من له الحمد و لا ينبغي الحمد إلّا له * يا كريم الإحسان * يا من يبقى و يفنى كلّ شيئ، يا من يرى و لا يرى و هو بالمنظر الأعلى، و من هو على كلّ شيئ رقيب، و بكلّ شيئ رؤوف، و على كلّ شيئ قابل شهيد، يعلم خائنة الأعين و ما تخفى الصّدور، تعلم ما في نفسي و لا أعلم ما في نفسك * و أسئلك بالإسم الّذي وضعت به الجبال على الأرض فاستقرّت * و بالإسم الّذي وضعته على السّماوات فاستقلّت * أن تنجيني من النّار، و تجيزني الصّراط بقدرتك، و والديّ و حامّتي و قرابتي و جيراني و من أحبّني، و كلّ ذي رحم في الإسلام دخل إليّ * بنورك الّذي لا يطفأ، و بعزّتك الّتي لا ترام * و اكفني مالا يكفينه أحد سواك، و ما أنت أعلم به منّي * و استرني بسترك الجميل * و عافني بقدرتك من عذابك و عقابك * اللّهُمَّ إنّك عالم غير متعلّم، و أنت عالم بحالي و أمري،

فاجعل لي في كلّ خير نصيبا و إلى كلّ خير سبيلا * اللّهُمَّ و اجعل لي سهما في دعاء من دعاك؛ رجاء الثّواب منك؛ في مشارق الأرض و مغاربها؛ من المسلمين و المسلمات، و المؤمنين و المؤمنات، و تقبّل دعاءهم، و أعنهم على عدوّك و عدوّهم، فإنّك تقدّر و لا يقدّر عليك، و لا يدفع البلاء غيرك * يا معروفا بالإحسان و الرّأفة و الرّحمة * أنت مقلّب القلوب، ثبّت قلبي على دينك * و أنت مدبّر الأمور، و أنت تختار لعبادك، فاجعلني ممّن اخترته لطاعتك، و أمنته من عذابك، يوم يخسر المبطلون * و تب عليّ إنّك أنت التّواب الرّحيم * و اخترني و اختر ولدي، فقد خلقتهم فأحسنت، و رزقت فأفضلت * فتمّم نعمتك عليّ وعلى والديّ و أهل عنايتي، و أوسع علينا في رزقك * و لا تشمت بنا عدوّا و لا حاسدا، و لا باغيا و لا طاغيا، و احرسنا بعينك الّتي لا تنام * اللّهُمَّ هذا الدّعاء و عليك الإجابة * و أنت المستعان، و عليك التّكلان * و لا حول و لا قوّة إلّا بك * و صلّى الله على محمّد خاتم النبيّين، و على آله الطيّبين الطّاهرين، و سلّم تسليما كثيرا * و حسبنا الله و نعم الوكيل *

ششم: زيارت و سلام و صلوات بر حضرت مولا امير المؤمنين علي عليه السلام و بيعت با حضرتش. (متون و آداب مربوطه در كتاب مناسك غديرخم و كتاب آئين حج و عمره و زيارت مشروحا آمده است).

هفتم: اجتناب از غم و حزن؛ و اظهار سرور و شادي و ايجاد و مشاركت در مجالس سرور اهل حق.

هشتم: نوشيدن و خوردن و اطعام و احسان به اخوان اهل حق، و صله و عيدي دادن.

نهم: مصافحه و معاهده (هم پيمانی) علويان درباره مولا عليه السلام.

دهم: برگزاري مجلس غدير: مجلس معرفت؛ و تلاوت كلام وحي و كلام خازنان وحي عليهم السلام مربوط به اين هنگام؛ به خصوص شرح واقعه (مأموريت الهي ابلاغ)، و تلاوت و استماع خطبه حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله در غدير خم. [شمارة ثبت: (١٣٤٥) منبع: جامع المسائل]



مرقد جدّ گرامی حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله حضرت هاشم عليه السلام از اوصیای الهي عليهم السلام

فلسطين – غزة هاشم (غزة)

نماز عیدین (فطر - قربان)

سؤال: برگزاري نماز عيد فطر و قربان به جماعت چه حكمي دارد؟

جواب: اصل در آنها اقامه به جماعت توسط امام واجد شرایط است؛ اگر در بلادی نباشد که حکام و ظلمه مانع شوند، و یا شرایط تقیه حاکم نباشد. [شمارة ثبت: (٥٨٩) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: آيا براي برگزاري نماز عيد فطر و قربان تعداد نفرات نمازگزار شرط است؟

جواب: بله، اجتماع هفت نفر مكلف شرط مي باشد. [شمارة ثبت: (٥٩٠) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: وقت نماز عیدین تا چه موقعی از روز می باشد؟ پس از اتمام وقت؛ قضاء آن چه حکمی دارد؟

جواب: وقت نماز عیدین پس از طلوع آفتاب می باشد چون مستحب است غسل برای آن؛ و وقت این نیز پس از طلوع آفتاب می باشد، و مستحب است تزین وتطیب (برای نماز) پس از غسل، و پس از این خارج شود بسوی مصلای عید؛ که در خارج از شهر می باشد، لذا وقت نماز عید بدین مقدار طبعا به تأخیر می افتد (ولذاست که در السنه اهل علم تأخیر آن تا پس از ارتفاع شمس مستحب شمرده شده است) کما اینکه در عید فطر؛ اضافه بر آن چه گذشت؛ به مقدار افطار و تأدیه یا اخراج فطریه، نماز به تأخیر می افتد، و نهایت وقت آن برای نمازگزار فرادی؛ و همچنین وقت اقامه جماعت آن تا زوال ظهر می باشد، ودر صورت فوت نماز و خروج وقت قضائي ندارد. [شمارة ثبت: (٨٧٥) منبع: المسائل القمّيّة]

سؤال: به جهت اقامه نمازهاي عيدين فطر و قربان؛ بجز امام جماعت آيا نمازگزاران هم بهتر است كه عمامه داشته باشند يا سر برهنه باشند؟

جواب: پوشيدن عمامه به روش انبيا و اولياى معصومين عليهم السلام؛ براى مردان در نماز عيد فطر و قربان بسيار پسنديده مولاست. [شمارة ثبت: (٥٩٤) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: مأمومين در نماز جماعت عيدين فطر و قربان؛ چگونه بايد نيت بكنند؟ و كدام اذكار را بايد خودشان بگويند؟

جواب: به دور از انگيزه هاى غير الهى و براى تقرب به او بجاى آورند، و بجز قرائت كه به تلاوت امام جماعت گوش مي دهند؛ بقيه اذكار را خودشان بگويند. [شمارة ثبت: (٥٩٥) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: در نماز عيد فطر و قربان؛ در ركعت اول و دوم؛ بهتر است چه سوره هايي قرائت شود؟

جواب: در ركعت اوّل سوره شمس و در دوّم سوره غاشيه؛ يا به عكس، يا سوره اعلى و شمس؛ يا غاشيه و اعلى. [شمارة ثبت: (٥٩١) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: نماز عيد فطر و قربان؛ چه تعداد تكبير و قنوت دارد؟ و بهتر است چه دعايي خوانده شود؟ لطفا در صورت امكان اذكار و دستورات مربوطه را تفصيلا بيان فرماييد.

جواب: نماز عيدين چنين است:

مجموعا دوازده تكبير دارد، يكى نماز را بدان افتتاح مي كند، سپس توجه كند [وجهت وجهي..]، و در ركعت اوّل پس از قرائت حمد و سوره؛ پنج تكبير گفته، كه پس از هر تكبير قنوتي بجاى آورده، و در هر قنوت بگويد آنچه را

مناسب راز و نیاز با حقتعالی باشد، و بهتر است که شامل (شهادت بر عقاید حقه؛ و حمد ثنای الهی؛ و درود بر حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام؛ و ذکر تشریف این روز؛ و دعا و استغفار برای خود و مؤمنان) باشد، مانند این متن جامعی که در کلام خازنان وحی علیهم‌السلام آمده است:

پس از تکبیر در قنوت اول می گوید:

* أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * اللهُ رَبِّي أَبَدًا * وَ الإِسْلَامُ دِيني أَبَدًا * وَ مُحَمَّدًا صلی‌الله‌علیه‌وآله نَبِيِّي أَبَدًا * وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي أَبَدًا * وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي أَبَدًا * وَ عَلِيٌّ وَلِيِّي أَبَدًا * وَ الأَوْصِيَاءُ أَئِمَّتِي أَبَدًا (و همه امامان علیهم‌السلام را نام برد) * وَ لَا أَحَدَ إِلَّا اللهُ * اَللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ * وَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ * وَ الْجَلَالِ وَ الْقُدْرَةِ * وَ السُّلْطَانِ وَ الْعِزَّةِ * وَ أَهْلُ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ * وَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ * أَسْئَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ [× بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ] الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا * وَ لِمُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله شَرَفًا وَ ذُخْرًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيدًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ * وَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ * اَلأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الأَمْوَاتِ * وَ أَنْ

تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ * اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ (× اَلصَّالِحُونَ) * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ (× الْمُخْلَصُونَ) *

و مي تواند در قنوتهای دیگر پس از تکبیر همین مضمون؛ یا مانند آن؛ یا خلاصه آنرا بگوید. و یا اینکه پس از تکبیر؛ در قنوت دوم بگوید:

* أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرُ كُلِّ شَيْءٍ * وَ بَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُنْتَهَاهُ * وَ عَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَعَادُهُ *

و پس از تکبیر در قنوت سوم بگوید:

* مُدَبِّرُ الأُمُورِ * وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * قَابِلُ الأَعْمَالِ * مُبْدِئُ الْخَفِيَّاتِ مُعْلِنُ السَّرَائِرِ * وَ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَرَدُّهُ إِلَيْهِ *

و پس از تکبیر در قنوت چهارم بگوید:

* عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ * شَدِيدُ الْجَبَرُوتِ * حَيٌّ لَا يَمُوتُ *

و پس از تکبیر در قنوت پنجم بگوید:

* دَائِمٌ لَا يَزُولُ * إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ *

و پس از این آخرین قنوت؛ برای رکوع تکبیر گفته، و رکوع نماید.

و خوب است در رکوع بگوید:

* خَشَعَ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ مَا أَقَلَّتِ الأَرْضُ مِنِّي للهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

سپس سه بار یا بیشتر؛ ذکر رکوع را گفته، آنگاه از رکوع سر برداشته و قامت راست نماید، و خوب است که در این حال بگوید:

* اَلْحَمْدُ للهِ * وَ الْحَوْلُ وَ الْعَظَمَةُ وَالْقُدْرَةُ وَ الْقُوَّةُ وَ الْعِزَّةُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْمُلْكُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ للهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ *

آنگاه به سجده رود، و خوب است که در سجده بگوید:

* سَجَدَ وَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي الْخَاطِئُ الْمُذْنِبُ * لِوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ * وَ لَا مُسْتَعْظِمٍ وَ لَا مُتَجَبِّرٍ * بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ * خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ * عَبْدٌ ذَلِيلٌ مَهِينٌ حَقِيرٌ * سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ *

سپس سه بار یا بیشتر؛ ذکر سجود را گفته، سپس از سجده سر برداشته و نشسته، و خوب است که در این حال بگوید:

* اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الأَئِمَّةِ * وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي * وَ لَا تَقْطَعْ بِي عَنْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ * وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ وَ مِنْهُمْ وَ فِي زُمْرَتِهِمْ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ *

آنگاه به سجده رفته و مانند آنچه در سجده اول گفت بگوید، چون از سجده دوم سر برداشت برخیزد برای رکعت دوم، و خوب است که در این حال بگوید:

* بَرِئْتُ إِلَى اللهِ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ * لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ *

و در رکعت دوّم پس از قرائت؛ چهار تکبیر گفته و پس از هر تکبیر قنوتی بجای آورد؛ یا مانند آنچه گذشت،

یا اینکه پس از تکبیر در قنوت اول بگوید:

* خَشَعَتْ لَكَ يَا رَبِّ الأَصْوَاتُ * وَ عَنَتْ لَكَ الْوُجُوهُ * وَ حَارَتْ مِنْ دُونِكَ الأَبْصَارُ *

و پس از تکبیر در قنوت دوم بگوید:

* كَلَّتِ الأَلْسُنُ عَنْ صِفَةِ عَظِمَتِكَ * وَ النَّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِكَ * وَ مَقَادِيرُ الأُمُورِ كُلُّهَا إِلَيْكَ * لَا يَقْضِي فِيهَا غَيْرُكَ * وَ لَا يَتِمُّ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَكَ *

و پس از تکبیر در قنوت سوم بگوید:

* أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُكَ * وَ قَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ عِزُّكَ * وَ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرُكَ * وَ قَامَ كُلُّ شَيْءٍ بِكَ *

ﷺ و پس از تكبير در قنوت چهارم بگويد:

* تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ * وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِكَ * وَ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ * وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِكَ *

ﷺ و پس از آخرين قنوت؛ براى ركوع تكبير گفته؛ اذكار ركوع و سجود و بقيه را مانند ركعت اول انجام داده؛ سپس تشهد را مانند نمازهاى ديگر تا به آخر بجاى آورد. [شمارة ثبت: (٥٩٣) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: در خطبه هاي نماز عيد فطر و قربان چه مطالبى بايد بيان شود؟

جواب:

١- حمد و ثناى الهى و حضرات مقدسه عليهم السلام، بويژه صاحب همه هستى در اين دوران؛ حضرت محمد بن الحسن المهدي (منه السلام و اليه التسليم)،

٢- و نيز آنچه معرفت و محبت و تسليم به ايشان؛ و استقامت عبد مؤمن را مى افزايد.

٣- و نيز احكام و آداب بندگى و آنچه در روابط خانواده و اخوان مؤمنين و مسئوليتهايش كه بدان نياز دارد.

٤- و به مناسبت مقام؛ احكام زكات فطره را در خطبه عيد فطر؛ و احكام قرباني را در خطبه عيد قربان بيان كند.

٥- و نمونه بارز اين خطبه ها آنچه از حضرت اميرمؤمنان عليه السلام در نهج البلاغه آمده است مي باشد. [شمارة ثبت: (٥٩٢) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: در ركعت دوّم نمازعيد فطر كه در جماعت بود؛ پنج قنوت انجام دادم به اين صورت كه: در موقعى كه بايد به ركوع مي رفتم، دستهايم را براى قنوت بلند

كردم امّا متن قنوت را نگفتم و زود به ركوع رفتم. و فكر نمي كنم كه قبل از اين ركوع، تكبير آنرا نيز گفته باشم. آيا نماز من صحيح است يا نه؟ اگر اشكالی داشته چه كاري بايد بكنم؟

جواب: اشكالی ندارد. [شمارة ثبت: (١٢٨٢) منبع: المسائل الهمدانية]



نماز میّت

❖ مقصود از نماز (صلاة) میّت؛ نماز اصطلاحی (داراي قرائت و رکوع و سجود) نیست؛ بلکه به معناي لغوي نماز (یعنی دعاء) و طلب آمرزش و درخواست شفاعت برای فلاح و رستگاری میّت است.

❖ واجب است بر ولي میّت؛ نمازگزاردن بر جنازه مؤمن عارف، و مستحب است که مؤمنین در نماز بر میت؛ به ولي یا مأذون از طرف او اقتدا کرده؛ و همراه او تکبیرات و مضامین مذکوره را بگویند، و نماز بر غیر او (مؤمن عارف) از بقیه مسلمین جایز است، إلا منافقین (شرعي) و خوارج و نواصب و معاندین و متجاهرین به فجور و حکام جور؛ که نماز بر ایشان جایز نیست، و در وقت اضطرار به شرکت در نماز بر اینها؛ مناسب حال آنها؛ و طبق مذهب عامیان؛ چهار تکبیر بر او بگوید، و از انجام دعا و استغفار و استشفاع برای میت خودداری نموده، مگر به گفتن آنچه سزای آنهاست که مضمونش بعدا بیاید.

❖ با توجه به هدف از آئین نماز برای میت (طلب آمرزش و درخواست شفاعت برای فلاح و رستگاری میت)، پس ولي میت و یا هر که از طرف او این مراسم را برپا می کند؛ و هر که به جماعت اقتدا می کند؛ بدنبال تحقق هدف بوده؛ و برای تأمین این آخرین توشه میت از دنیا؛ تکاسل ننموده، و از جدیت و کوشش برای آن دریغ نورزیده، و در مقام انجام صوری آن؛ به اقل مقدار و چهار کلمه مختصره (مُسقِط تکلیف) نبوده، بلکه هم حق او را ادا کرده، و هم در تحصیل مقصد از این برنامه؛ سعی نمایند، چه اینکه در تعالیم مکتب وحی؛ تلاش و سعی بسیار در این امر (دعای برای میت) توصیه و تاکید شده است.

❖ کیفیت نماز میّت بر مؤمن عارف؛ آنست که پنج تکبیر بگوید، و ما بین آنها مضامیني حاوی (استرجاع و حمد و شهادت، صلوات، دعا و طلب مغفرت برای مؤمنین، و برای میت) را بخواند.

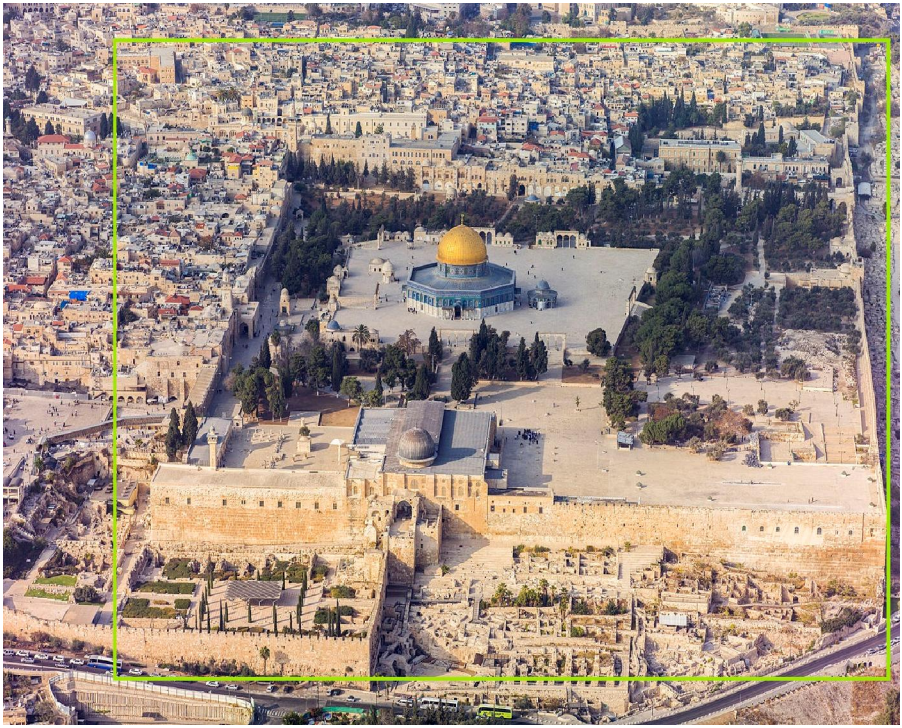
❖ این مضامین محدودیت عبارت نداشته، و کافي است که حاوي این معانی و مطالب باشد، بدین طریق که:

بعد از تکبیر اول؛ ابتدا استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون) نماید و حمد و ثناي الهي کند، (و بهترین مصداقش سوره حمد است که به عنوان حمد و ثنا و دعا بخواند) و شهادت (به توحید و رسالت و ولایت و سایر عقاید حقه) بگوید، و بعد از تکبیر دوم، صلوات بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت وصي علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و صاحب الأمر علیه السلام و همه انبیاء و مرسلین و اوصیاء و اصفیاء و ملائکه مقربین علیهم السلام بفرستد، و بعد از تکبیر سوم، استغفار و برای اهل ایمان از مؤمنین و مؤمنات دعا کند، و بعد از تکبیر چهارم، بخصوص استغفار و استشفاع و دعای بیشتر برای میت نماید، سپس تکبیر پنجم را بگوید و از نماز فارغ می شود، و بعد آن آیه حسنة و صلوات بفرستد و ذکر عفو گفته و سلام بگوید.

و دعاء برای میت محدود به بعد از تکبیر چهارم نبوده، بلکه خوب است بعد از هر تکبیر (و پس از گفتن مضامین مربوطه به بعد هر تکبیر) برای میت نیز طلب عفو و رحمت و مغفرت نماید. چه اینکه همان مضمون (طلب مغفرت جهت میت) بعد تکبیر چهارم را بعد مضامین مربوط به تکبیرات قبلي بگوید، یا شبیه آنها را بگوید. و می تواند جهت دعای برای میت؛ بعد مضامین بعد هر یك از تکبیرات؛ این مضمون را بگوید:

* اللّٰهُمَّ عبدك (أَمَتك) (نام ميت را ببرد) * و أنت أعلم به (بهـا) * اللّٰهُمَّ ألحقه بنبيّه (ألحقها بنبيّها) صلى الله عليه وآله * و افسح له في قبره (لها في قبرها) * و نوّر له (لها) فيه * و صعّد روحه (روحهـا) * و لقّنه حجّته (لقّنها حجّتها) * و اجعل ما عندك خيرا له (لهـا) * و أرجعه (أرجعها) إلى خير ممّا كان (كانـت) فيـه * اللّٰهُمَّ عنـدك نحتسبه (نحتسبها) * فلا تحرّمنـا أجـره (أجرهـا) * و لا تفتنّـا بعده (بعدها) * اللّٰهُمَّ عفـوك عفـوك * اللّٰهُمَّ عفـوك عفـوك *

(براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).



نمونه مضامین نماز میت: بعد از نیّت قربت و تعیین میت، بگوید:

اللهُ أَكْبَرُ (۱)

(استرجاع) * إنّا للّه وَ إنّا إليهِ رَاجعُون *

(حمد وثناى الهي) = تلاوت سوره مباركه حمد به عنوان حمد و ثنا و دعا.

(شهادت كامله مختصر) * أَشْهَدُ أَن لا إِلَهَ إِلَّا اللهَ * وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ وَصِيُّ رَسُولِهِ * وَ أَنَّهُ وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ (الحسنَ و الحسينَ و عَلِيًّا و محمَّدًا و جعفرًا و موسى و عَلِيًّا و محمَّدًا و عَلِيًّا و الحسنَ و المهديَّ) حُجَجُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ * (شهادت كامله مفصل) * أَشْهَدُ أَن لا إِلَهَ إِلَّا اللهَ * وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (× محمَّدًا رَسُولُ اللهِ) * أَرْسَلَهُ بِالهُدَى وَ دِينِ الحَقِّ (× بِالحَقِّ) * بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ وَصِيُّ رَسُولِهِ * وَ أَنَّهُ وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ (الحسنَ و الحسينَ و عَلِيًّا و محمَّدًا و جعفرًا و موسى و عَلِيًّا و محمَّدًا و عَلِيًّا و الحسنَ و المهديَّ) حُجَجُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ * وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الحَسَنِ هُوَ القَائِمُ بِأَمْرِهِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ رَبِّي نِعْمَ الرَّبّ * وَ أَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُول * وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِب نِعْمَ المَوْلَى * وَ أَنَّ

عَلِيًّا وَ أَوْلادَهُ المَعْصُومِينَ نِعْمَ الأَئِمَة * وَ أَشْهَدُ أَنَّ الجَنَّةَ حَقٌّ * وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ * وَ أَنَّ المَوْتَ حَقٌّ * وَ البَعْثَ حَقٌّ * وَ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيهَا * وَ أَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي القُبُور *

و می تواند بر مضامین شهادات بعد از تکبیر اول بیافزاید و بگوید:

* أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ * وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ * إِلهًا واحِدًا أَحَدًا، صَمَدًا فَرْدًا، حَيًّا قَيُّومًا، دائِمًا أَبَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً، وَ لا وَلَدًا * لا اله الا الله الواحد القهّار * ربّنا و ربّ آبائنا الأولّين * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * أَرْسَلَهُ بِالهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ * لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ *

(دعاي برای میت بعد تکبیر اول) بگوید: * اللّٰهُمَّ عبدك (أَمَتك) (نام میت) * و أنت أعلم به (بها) * اللّٰهُمَّ ألحقه بنبيّه (ألحقها بنبيّها) ﷺ * و افسح له في قبره (لها في قبرها) * و نوّر له (لها) فيه * و صعّد روحه (روحها) * و لقّنه حجّته (لقّنها حجّتها) * و اجعل ما عندك خيرا له (لها) * و أرجعه (أرجعها) إلى خير ممّا كان (كانت) فيه * اللّٰهُمَّ عندك نحتسبه (نحتسبها) فلا تحرّمنا أجره (أجرها) * و لا تفتنّا بعده (بعدها) * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك *

يا در دعای برای میت بگوید: * اللّٰهُمَّ عبدك (أَمَتك) (نام میت) * وافد (وافدة) إليك * فاقبله (فاقبلها) و ألحقه (ألحقها) بنبيّك * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

اللهُ أَكْبَرُ (۲)

(صلوات مختصر) * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * (صلوات مفصل) * اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ المُصْطَفَى * وَ عَلِيٍّ المُرْتَضَى * وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ * وَ الحَسَنِ المُجْتَبَى * وَ الحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * وَ الأَئِمَةِ الرَّاشِدِينَ مِن آلِ طَاهَا وَ يَاسِين * عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ زَيْنِ العَابِدِينَ * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ البَاقِرِ * وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ * وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الكَاظِمِ * وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الجَوَادِ * وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الهَادِيِّ * وَ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ العَسْكَرِيِّ * وَ الخَلَفِ الحُجَّةِ، صَاحِبِ العَصْرِ وَ الزَّمَانِ، مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ المَهْدِيِّ * صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الرُّوحِ؛ أَعْظَمِ الملائِكَةِ المُقَرَّبِينَ * وَ عَلَى جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ * وَ عَلَى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبِينَ * وَ أَنبِيَائِكَ المُرْسَلِينَ؛ وَ رُسُلِكَ أَجْمَعِينَ * وَ أَوْصِيَائِهِم المُكَرَّمِينَ * مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ

وَ الأَرَضِينَ؛ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَكْتَعِينَ * وَ اخْصُصْ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ آلَهُمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * بِأَفْضَلِ الصَّلاةِ وَ التَّسْلِيمِ *

و می تواند بر مضامین صلوات بعد از تکبیر دوم بیافزاید و بگوید:

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ * أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبراهِيمَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الأَنْبياءِ وَ الْمُرْسَلِينَ *

(دعاي برای میت بعد تکبیر دوم) بگوید:

* اللّٰهُمَّ عبدك (أَمَتك) (نام میت) * و أنت أعلم به (بها) * اللّٰهُمَّ ألحقه بنبيّه (ألحقها بنبيّها) صلى الله عليه وآله * و افسح له في قبره (لها في قبرها) * و نوّر له (لها) فيه * و صعّد روحه (روحها) * و لقّنه حجّته (لقّنها حجّتها) * و اجعل ما عندك خيرا له (لها) * و أرجعه (أرجعها) إلى خير ممّا كان (كانت) فيه * اللّٰهُمَّ عندك نحتسبه (نحتسبها) * فلا تحرّمنا أجره (أجرها) * و لا تفتنّا بعده (بعدها) * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك *

یا اینکه بگوید: * اللّٰهُمَّ عبدك (أَمَتك) (نام میت را ببرد) * نازل (نازلة) بك * فإن كان زاكيا فزكّه (كانت زاكية فزكّها) * و إن

كان خاطئا فاغفر له (كانت خاطئة فـاغفر لهـا) * اللّٰهُمَّ عفـوك عفوك * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

﴿ اللهُ أَكْبَرُ (٣)

دعاء مختصر براى اهل ايمان: * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤمِناتِ *

دعاء مفصل براى اهل ايمـان * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنـاتِ * وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِماتِ * الأَحْيـاءِ مِـنْهُمْ وَ الأَمْـواتِ * و أدخل على موتاهم رأفتـك و رحمتـك * و على أحيـائهم بـركات سمواتك و أرضك * تابِعِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِـالْخَيْراتِ * إِنَّـكَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ *

(دعاي براى ميت بعد تكبير سوم) بگويـد: * اللّٰهُمَّ عبـدك (أَمَتـك) (نام ميت) * راجع (راجعة) إليك * فاكتبه (فاكتبهـا) عنـدك في عليّين * و اخلف على عقبه (عقبها) في الغـابرين * و اجعلـه (اجعلها) من رفقاء (رفيقات) محمد ﷺ * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك *

﴿ اللهُ أَكْبَرُ (٤)

(دعاء مختصر براى ميت مؤمن) * اللَّهُمَّ اغْفِـرْ لِهـذا الْمَيِّـتِ (لِهـذه الْمَيِّتَةِ) *

﷽ (ابتدای دعاء مفصل برای میت مؤمن) * اللَّهُمَّ إِنَّ هذا الْمُسَجَّى (هذِهِ الْمُسَجَّاة) قُدَّامَنا * عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ (أَمَتُكَ وَ ابْنَةُ عَبْدِكَ وَ ابْنَةُ أَمَتِكَ، نَزَلَتْ) بِكَ * وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ * اَللَّهُمَّ إِنَّكَ قَبَضْتَ رُوحَهُ (رُوحَهَا) إِلَيْكَ * وَ قَدْ احْتاجَ (احْتاجَتْ) إِلى رَحْمَتِكَ * وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذابِهِ (عَذابِهَا) *

فقره خاص برای اخیار و صلحا: * اَللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ (مِنْهَا) إِلَّا خَيْرًا؛ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ (بِهَا) مِنَّا *

فقره خاص برای ظاهر الصلاح: * اللَّهُمَّ إِنَّا لا نَعْلَمُ مِنْ ظَاهِرِهِ (ظَاهِرِهَا) إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ (بِسَرِيرَتِهَا) مِنَّا *

بقیه دعاء مفصل برای میت مؤمن: * اللَّهُمَّ إِنْ كانَ مُحْسِنًا (كانَتْ مُحْسِنةً) فَزِدْ فِي إِحْسانِه (إِحْسانِها) * وَ إِنْ كانَ مُسيئًا (كانَتْ مُسيئةً) فَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِه (سَيِّئاتِها) * وَ اغْفِرْ لَنا وَ لَهُ (لَهَا) * اللَّهُمَّ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ يَتَوَلَّاهُ وَ يُحِبُّهُ، وَ أَبْعِدْهُ مِمَّنْ يَتَبَرَّأُ (احْشُرْهَا مَعَ مَنْ تَتَوَلَّاهُ وَ تُحِبُّهُ وَ أَبْعِدْهَا مِمَّنْ تَتَبَرَّأُ) مِنْهُ وَ يُبْغِضُهُ (تُبْغِضُهُ) * اللَّهُمَّ أَلْحِقْهُ (أَلْحِقْهَا) بِنَبِيِّكَ، وَ عَرِّفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ (بَيْنَهَا) * وَ ارْحَمْنا إِذا تَوَفَّيْتَنا يا إِلهَ الْعالَمِينَ * اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ

(اكْتُبْهَا) عِنْدَكَ فِي أَعْلى عِلِّيِّينَ * وَ اخْلُفْ عَلَى عَقَبِه (عَقَبِهَا) فِي الْغابِرِينَ * وَ اجْعَلْهُ (اجْعَلْهَا) مِنْ رُفَقاءِ (رَفِيقاتِ) مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ ارْحَمْهُ (ارْحَمْهَا) وَ إِيَّانا * بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

و اگر ميت طفل باشد؛ در دعاى بعد تكبير چهارم بگويد: * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لأَبَوَيْهِ (اجْعَلْهَا لأَبَوَيْهَا) وَ لَنا سَلَفًا وَ فَرَطًا و أَجْرًا * و اجْعَلْهُ (اجْعَلْهَا) لهما نورا و رشدا * و أعقب والديه (والديها) الجنّة * إِنَّكَ على كلّ شيئ قدير * (براي ميت طفل دختر با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

و اگر ميت مستضعف فكرى و عملى (يعنى در دين ضعيف بوده) باشد بجاى فقرات فوق بگويد: * اللّٰهُمَّ إِنَّكَ أنت خلقت هذه النّفوس و أنت تميتها و أنت تحييها * و أنت أعلم بسرائرها و علانيتها منّا؛ و مستقرّها و مستودعها * اللّٰهُمَّ و هذا عبدك (هذه أمتك) * و لا أعلم منه (منها) شرًّا * و أنت أعلم به (بها) * و قد جئناك شافعين له (لها) بعد موته (موتها) * فإن كان مستوجبا (كانت مستوجبة) فشفّعنا فيه (فيها) * و احشره (احشرها) مع من كان يتولّاه (كانت تتولّاه) * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا

سَبِيلَكَ * وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ؛ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ * إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

و اگر ميت مجهول الحال باشد؛ براى دعاى بعد تكبير چهارم بگويد: * اللّٰهُمَّ إنّ هذه النّفس أنت أحييتها و أنت أمتّها * اللّٰهُمَّ و لها ما تولّت * و احشرها مع من أحبّت * اللَّهُمَّ إِنْ كانَتْ تُحِبُّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ * فَاغْفِرْ لَهَا وَ ارْحَمْهَا وَ تَجاوَزْ عَنْهَا *

و اگر ميت از نواصب و "ممن لايجوز الصلاة عليهم" باشد؛ و به اضطرار ناچار از شركت در نماز بر آن ميت شده؛ پس براى دعاى بعد تكبير چهارم بگويد: * اللّٰهُمَّ العن ... (نام ميت را ببرد) عبدك (أمتك) ألف لعنة؛ مؤتلفة غير مختلفة * اللّٰهُمَّ اخز عبدك (أَمَتك) في عبادك و بلادك * و أصله (أصلها) حرّ نارك * و أذقه (و أذقها) أشدّ عذابك * فإنّه كان يتولّى (فإنّها كانت تتولّى) أعدائك * و يعادي (و تعادي) أوليائك * و يبغض (و تبغض) أهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله * اللّٰهُمَّ إنّ ... (نام ميت)؛ لا نعلم منه (منها)؛ إلّا أنّه (أنّها) عدوّ (عدوّة) لك و لرسولك * اللّٰهُمَّ فَاحْش قبره (قبرها)

نارا * و احش جوفه (جوفها) نارا * و عجّل به (بها) إلى النار * فإنّه كان يتولّى (فإنّها كانت تتولّى) أعداءك * و يعادي (تعادي) أوليائك * و يبغض (تبغض) أهل بيت نبيك ﷺ * اللّٰهُمَّ ضيّق على قبره (قبرها) * اللّٰهُمَّ املأ جوفه (جوفها) نارا * و احش قبره (قبرها) نارا * و سلّط عليه (عليها) الحيّات و العقارب * و بعد از نماز وقتی میت را بردارند بگوید: * اللّٰهُمَّ لا ترفعه و لا تزكّه (لا ترفعها و لا تزكّها) * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد).

در نماز میت این قسم اخیر (ممن لا یجوز الصلاة علیهم)؛ به همان چهار تکبیر اکتفا کرده، و تکبیر پنجم و دعاها و سلام بعدش را نمی گوید.

﴿ اللهُ أَكْبَرُ (٥)

و بهتر این است که بعد از تکبیر آخر (نماز اموات اهل ایمان) بگوید: * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و على آل محمّد * اللّٰهُمَّ اغفر للمؤمنين و المؤمنات * و ألّف بين قلوبهم * و توفّني على ملّة رسولك * اللّٰهُمَّ اغفر لنا و لإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان * و لا تجعل في قلوبنا غلّا للّذين آمنوا * ربّنا إنّك رؤوف رحيم * رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ * اللّٰهُمَّ

عفوك عفوك * اللّٰهُمَّ عفوك، اللّٰهُمَّ عفوك *

۞ و آنگاه سلام نماز بگويد: * السّلام عليكم و رحمة الله * و از سمت راست رو كند، و از نماز فارغ شود.

❖ بدانكه تنوع و تفريق مضامين بعد تكبيرات اربعه شرط نبوده؛ و می تواند همه اين مضامين (استرجاع و حمد و شهادت، صلوات، دعا و مغفرت برای مؤمنين، و برای ميت) را بعد از هر يك از تكبيرات اربعه تكرار نمايد. از نمونه اين مضامين بعد تكبيرات؛ آنچه در حديث شريف وارد شده؛ می باشد:

۞ بعد هر تكبير ١ تا ٤ بگويد: * إنّا لله و إنّا إليه راجعون * و الحمد لله ربّ العالمين * ربّ الموت و الحياة * صلّ على محمّد و أهل بيته * جزى الله عنا محمّدًا خير الجزاء * بما صنع بأمّته، و بما بلّغ من رسالات ربّه * اللّٰهُمَّ عبدك و ابن عبدك و ابن أمتك ناصيته (أمتك و ابنة عبدك و ابنة أمتك ناصيتها) بيدك * خلا (خلت) من الدنيا و احتاج (احتاجت) إلى رحمتك * و أنت غنيّ عن عذابه (عذابها) * اللّٰهُمَّ إنّا لا نعلم منه (منها) إلّا خيرا * و أنت أعلم به (بها) * اللّٰهُمَّ إن كان محسنا (كانت محسنة)؛ فزد في إحسانه (إحسانها)، و تقبّل منه (منها) * و إن كان مسيئا (كانت مسيئة)؛ فاغفر له ذنبه و ارحمه (لها ذنبها و ارحمها) و تجاوز عنه (عنها) برحمتك * اللّٰهُمَّ ألحقه (ألحقها) بنبيّك * و ثبّته (ثبّتها)

بالقول الثّابت في الحياة الدّنيا و في الآخرة * اللّٰهُمَّ اسلك بنا و به (بها) سبيل الهدى * و اهدنا و إيّاه (اياها) صراطك المستقيم * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك * آنگاه تكبير پنجم بگويد.

ﷺ يا بعد از تكبير اول بگويد: * إنّا للّٰه و إنّا إليه راجعون * إنّ اللّٰه و ملائكته يصلّون على النّبيّ * يا أيّها الذّين آمنوا صلّوا عليه و سلّموا تسليما * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و آل محمّد * و بارك على محمّد و آل محمّد * كما صلّيت و باركت على إبراهيم و آل إبراهيم * إنّك حميد مجيد * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و عليّ و الحسن و الحسين و عليّ و محمّد و جعفر و موسى و عليّ و محمّد و عليّ و الحسن و محمّد المهديّ؛ أئمّة المسلمين * اللّٰهُمَّ عبدك (أمتك) (نام ميت را ذكر كند) و أنت أعلم به (بها) * اللّٰهُمَّ ألحقه بنبيّه (ألحقها بنبيّها) محمد ﷺ * و افسح له (لها) في قبره (قبرها) * و نوّر له (لها) فيه * و صعّد روحه و لقّنه حجّته (روحها و لقّنها حجّتها) * و اجعل ما عندك خيرا له و أرجعه (خيرا لها و ارجعها) إلى خير ممّا كان (كانت) فيه * اللّٰهُمَّ عندك نحتسبه (نحتسبها) * فلا تحرّمنا أجره (أجرها) * و لا تفتّنا بعده (بعدها) * اللّٰهُمَّ عفوك عفوك *

سپس بعد تكبير دوم و سوم و چهارم از (اللّٰهُمَّ عبدك ... تا... عفوك) بگويد.

﴿ يا بعد از تكبير اول بگويد: * أشهد أن لا إله إلا الله * وحده لا شريك له * و أشهد أن محمّدا عبده و رسوله * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و آل محمّد؛ و على أئمّة الهدى * و اغفر لنا و لإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان * و لا تجعل في قلوبنا غِلًّا للّذين آمنوا * ربّنا إنّك رؤوف رحيم * اَللّٰهُمَّ اغفر لأحيائنا و أمواتنا من المؤمنين و المؤمنات * و أَلّف بين قلوبنا على قلوب أخيارنا * و اهدنا لما اختلف فيه من الحقّ بإذنك * إنّك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم *

و بعد از تكبير ۲ تا ٤ بگويد: * اللّٰهُمَّ هذا عبدك ابن عبدك و ابن أمتك (هذه أمتك ابنة عبدك و ابنة امتك) * أنت أعلم به (بها) * افتقر (افتقرت) إلى رحمتك؛ و استغنيت عنه (عنها) * اللّٰهُمَّ فتجاوز عن سيئّاته (سيّئاتها) * و زد في حسناته (حسناتها) * و اغفر له (لها) و ارحمه (ارحمها) * و نوّر له (لها) في قبره (قبرها) * و لقّنه حجّته (و لقّنها حجّتها) * و ألحقه بنبيّه (و ألحقها بنبيّها) صلى الله عليه وآله * و لا تحرّمنا أجره (أجرها) * و لا تفتنّا بعده (بعدها) * (براي ميت زن با رعايت الفاظ داخل پرانتز دعا را بگويد). آنگاه تكبير پنجم را بگويد. [شمارة ثبت: (١٥٤٨) منبع: جامع المسائل]

نماز هدیه شب اول قبر

❖ پیامبر ﷺ فرموده اند: هیچ ساعتی در نزد میت سخت تر از شب اول قبر نیست، پس بر مردگان خود رحم کنید با صدقه دادن؛ و اگر چیزی برای صدقه دادن نیافتی؛ پس یکي از شما این نماز را بگزارد، (شرحش می آید) پس از هدیه این نماز؛ خداوند در همان ساعت هزار ملك را که هر کدام لباس و حله بهشتي همراه دارند؛ به قبر آن میت بفرستد، و این نماز باعث راحتی میت و گشادگی قبر او تا روز قیامت، و نیز زیاد شدن حسنات و ثواب در نامه اعمال انجام دهنده این نماز و بالا رفتن درجه او می شود.

❖ نماز هدیه‌ی شب اول دفن؛ دو رکعت است: در رکعت اول بعد از حمد «آیة الکرسی» بخواند و در رکعت دوم، بعد از حمد ده مرتبه سوره‌ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند و بعد از نماز بگوید: * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ابْعَثْ ثَوابَها إِلى قَبْرِ ... (نام میت ببرد) *

❖ و در روایتی روش دیگری هم نقل شده: در رکعت اول بعد از حمد، دو مرتبه "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی "أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُر" بخواند.

❖ و اگر بخواهد می تواند به هر دو روش عمل کند؛ و دو نماز بجای آورد، اما در صورت عزم بر انجام یك نماز؛ روش اول بهتر است.

❖ و کفایت می‌کند یك نماز هدیه، برای میت، و از چهل نفر بهتر است، چنانچه جایز است یك نفر به قصد اهداء ثواب؛ چند مرتبه آن نماز بگزارد.

❖ و "آية الكرسی" تا "هو العلي العظيم" است، اما اشكالي ندارد كه تا «هُمْ فِيها خالِدُونَ» بخوانند.

❖ وقت اين نماز اگر چه موسّع است، از اول شب تا صبح؛ اما بهتر، آنكه آنرا بعد از نماز مغرب و نوافل آن بجا آورده و يا بعد از نافله عشاء تأخير نياندازد.

❖ و قبل از انجام اين نماز؛ تصدق و خيرات به نيت ميت بسيار مستحب است، و تكرار اين نماز يا انجام نمازهای مستحبه ديگر؛ و اهداء ثواب آنها به ميت، هم خوب است.

و فرستادن خيرات برای ميت محدود به صورت اين نماز نمی باشد؛ همچنانكه انجام آنها (خيرات و صدقات و نماز و عبادات)، موكول به شب اول دفن ميت نبوده، و از ابتدای فوت وي تا دفن او و نيز شبهای ديگر هم جايز؛ و بلكه بجاست، كه می تواند بر حسب توفيق بجا آورده؛ و ثواب آن را هديه ميت نمايد. و بهتر است شروع خيرات جهت اهداء به ميت را از لحظه فوت به بعد عملی كرده؛ و در موارد تاخير دفن؛ تاخير در اينها نشود. [شمارة ثبت: (١٥٤٩) منبع: جامع المسائل]

سؤال: آيا نماز ليله الدفن طبق آنچه در كتاب مفاتيح الجنان است بايد خوانده شود يا روش كاملتری هم هست اگر روش كاملتری هست لطف بفرماييد برايمان توضيح دهيد، و در كتاب مفاتيح هم دو تا نقل وارده شده؛ آيا نقل های ديگری هم بجز اين دو تا نقل هست؟

جواب: هر دو روش قابل استفاده است، اما آنكه سوره قدر و آيت الكرسي دارد بهتر است، و قبل از نماز؛ خيرات و تصدق به نيت ميت هم انجام بشود. [شمارة ثبت: (١٥٥٠) منبع: المسائل الشيرازية]

نماز حضرت صاحب الأمر (منه السلام وإليه التسليم)

(نسخه جامع: حاوی همه روایات بطور مفصل و کامل)

سؤال: درباره نماز امام زمان سؤالي داشتم؛ در كتابها با تفاوتهايي نقل شده است، می خواستم برايم دستور العمل كامل نماز امام زمان را بيان نمائيد، در كمی فرصت؛ حداقل برنامه آن چيست؟

جواب:

نكته اول: نماز حضرت صاحب الأمر عليه السلام كه شخص حضرتش آنرا بجای آورده، و طي توقيع شريفي كه از ناحيه مقدّسه حضرت صاحب الزمان عليه السلام صادر فرموده؛ اين نماز به شيعيان نيز معرفی و توصيه گرديده، و در موارد بسياری هم برای طلب حاجت از خداوند و توسل و استغاثه به حضرتش نيز سفارش شده، و قرنهاست كه به عنوان عمل مجرب و توسل موفق؛ و نيز راه اتصال و پيوند با حضرتش بشمار مي رود.

نكته دوم: اين نماز را به قصد طلب حاجت از خداوند می گزارند، و بعد از نماز؛ با اذكار و ادعيه ای با خداوند مناجات می كنند، و سپس استغاثه به حضرت امام زمان عليه السلام انجام می گردد، و سپس اين نماز به محضر شريفش، هديه می شود، و با سلام به حضرتش خاتمه می يابد.

نكته سوم: اين نماز برحسب شرايط و مقتضيات هر واقعه؛ با برخی از ادعيه و اذكار و يا تفصيل و اختصار در نحوه انجام آن؛ توصيه شده است، و در اينجا دستور العمل مفصل و جامع آنرا كه مشتمل بر همه اذكار و ادعيه و اعمال آن می باشد؛ ارائه می كنيم، تا برای اهل معرفت و توفيق؛ امكان بهره مندی از آن فراهم باشد:

١- بعد از نيمه شب جمعه برخيزد، ٢- غسل كند، ٣- و زير آسمان؛ و يا به جايگاه نماز خود برود، ٤- و دو ركعت نماز بخواند، ٥- (و مردان) با سرو باي برهنه بخوانند، ٦- در هر ركعت در قرائت نماز و تلاوت سوره حمد وقتى كه به آيه پنجم "إيّاك نعبد و إيّاك نستعين" رسيد؛ آنرا صد مرتبه بگويد، سپس سوره "حمد" را به پايان ببرد، ٧- و يك (× يا هفت) مرتبه سوره "توحيد" بخواند، ٨- و ذكر ركوع (سبحان ربّي العظيم و بحمده)؛ و ذكر سجود (سبحان ربّى الأعلى و بحمده) را هفت مرتبه بگويد.

٩- در قنوت نماز؛ براى حضرتش دعا كند، مانند:

﴿ دعاى: اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ القائم بأمرك * محمّد بن الحسن المهديّ * عليه وعلى آبائه أفضل الصّلاة والسّلام (× صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ) * في هذِهِ السَّاعَةِ وَ في كُلِّ سَاعَةٍ * وَلِيًّا وَ حافِظًا * وَ قائِدًا وَ ناصِرًا * وَ دَليلاً و مؤيِّدًا وَ عَيْنًا * حَتّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا * وَ تُمَتِّعَهُ فيها طَويلًا (وَ تُمَتِّعَهُ فيها طولًا و عرضًا) * وتجعله و ذريّته من الأئمة الوارثين * اللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ * و اجعل النصر منك على يده * و اجعل النصر له * و الفتح على وجهه * و لا تُوَجِّهِ الأمر إلى غيره * اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ * حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْئٍ مِنَ الْحَقِّ * مَخَافَةَ

أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ * اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ * تُعِزُّ بِهَا الإِسْلامَ وَ أَهْلَهُ * وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ * وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ * وَ الْقَادَةِ إِلَىٰ سَبِيلِكَ * وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ * و آتنا في الدنيا حسنة * و في الآخرة حسنة * و قنا عذاب النار * و اجمع لنا خير الدارين * و اقض عنّا جميع ما تحب فيهما * و اجعل لنا في ذلك الخِيَرَةَ * برحمتك و مَنّك في عافية * يا أَرحم الرّاحمين * آمين ربّ العالمين * و زدنا من فضلك و يدك المَلَا * فإنّ كل مُعْطٍ ينقص من ملكه * و عطاؤك يزيد في ملكك *

و يا دعاى: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ * وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ * وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ * وَ اسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ * وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا * يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا * وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وَلِيِّكَ سُلْطَانًا * وَ أْذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

و يا دعای: اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ * فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا (إِمَامِنَا) * وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا * وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا * وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا * وَ تَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا * فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (وَ آلِ مُحَمَّدٍ) * وَ أَعِنَّا عَلَىٰ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ * وَ بِضُرٍّ تَكْشِفُهُ * وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ * وَ سُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ * وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا * وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ * اَلْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ * وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ * وَ حُفَّهُ (وَ احْفُفْهُ) بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ * وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ * إِسْتَخْلِفْهُ فِي الأَرْضِ * كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ * مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ * أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا * يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا * اَللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعْزِزْ بِهِ * وَ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ * وَ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا * وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا * وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا * اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ * حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ * مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ * اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ * تُعِزُّ بِهَا الإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ * وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ *

وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَىٰ سَبِيلِكَ * وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ *

۱۰- پس از نماز؛ تهلیل (لاإله إلا الله) بگوید، ۱۱- و سپس تسبیحات حضرت فاطمه عليها السلام را بجای آورد، ۱۲- و آنگاه به سجده رود، ۱۳- و صد مرتبه صلوات بفرستد، ۱٤- و به سوی حق تعالی زاری کند، ۱۵- آنگاه بنشیند و مناجات و دعای بعد نماز را بخواند:

اَللّهمَّ قد أخَذَ التَّأديبُ مِنّي حتّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ * و أنتَ أرحمُ الرّاحمين * و إنْ كان مَا اقتَرَفتُه مِنَ الذُّنُوب؛ أستَحقُّ بِهِ أضعافَ أضعافِ ما أدَّبتَنِي بِهِ * و أنت حَليمٌ ذُو أناةٍ * تعفُو عن كَثِيرٍ * حَتّى يَسْبِقَ عَفوُكَ و رَحمتُك عَذابَك *

اَللّهُمَّ إِنْ أَطْعَتُكَ فَالْمَحْمِدَةُ لَكَ * وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ * مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ * سُبْحانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ * سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ * اللّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قد عَصَيْتُكَ؛ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ في أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ؛ وَ هُوَ الإيمانُ بِكَ * لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا * وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا * مَنًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ * لا مَنًّا مِنّي بِهِ عَلَيْكَ * وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يا إِلهي * عَلى غَيْرِ وَجْهِ المُكابَرَةِ * وَ لَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ * وَ لَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ * وَ لكِنْ

أَطَعْتُ هَوايَ * وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطانُ * فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيانُ * فَإِنْ تُعَذِّبْني؛ فَبِذُنُوبي؛ غَيْرُ ظالِمٍ لي * وَ إِنْ تَغْفِرْلي وَ تَرْحَمْني؛ فَإِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ * پس از این تا نفس او وفا کند "یا کریم یا کریم" را تکرار کند * و بعد از آن بگوید: یا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خائِفٌ حَذِرٌ * أَسْئَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُعْطِيَني أَمانًا لِنَفْسي وَ أَهْلي وَ وُلْدي وَ سائِرِ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ * حَتّى لا أَخافَ أحدًا * وَ لا أَحْذَرَ مِنْ شَيءٍ أَبَدًا * إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ * وَ حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ * يا كافِيَ إِبْراهيمَ نُمْرُودَ * وَ يا كافِيَ مُوسى فِرْعَوْنَ * أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَكْفِيَنى شَرَّ ...فلان بن فلان، و به جای (فلان بن فلان) نام شخصی را که از شرّ او می‌ترسد، و نام پدرش را بگوید *

۱۶- و سپس بدین نحو استغاثه کند:

اَللّهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ * وَ بَرِحَ الْخَفاءُ * وَ انْكَشَفَ الْغِطاءُ * وَ ضاقَتِ الأَرْضُ وَ مَنَعَتِ السَّماءُ (وَ ضاقَتِ الأَرْضُ بِما وَسِعَتِ السَّماءُ) * وَ إِلَيْكَ يا رَبِّ الْمُشْتَكى * وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخاءِ * اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * الَّذينَ أَمَرْتَنا

بِطاعَتِهِمْ * وَ عَجِّلِ اللّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقائِمِهِمْ * وَ أَظْهِرْ إِعْزازَهُ * يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، إِكْفِياني فَإِنَّكُما كافِيايَ * يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، أُنْصُراني فَإِنَّكُما ناصِرايَ * يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، إِحْفَظاني فَإِنَّكُما حافِظايَ * يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ * يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ * يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ * الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ * أَدْرِكْني أَدْرِكْني أَدْرِكْني * اَلأَمانَ اَلأَمانَ اَلأَمانَ *

يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَميلَ وَ سَتَرَ الْقَبيحَ * يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ * وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ * يا عَظيمَ الْمَنِّ * يا كَريمَ الصَّفْحِ * يا مُبْتَدِئَ النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها * يا حَسَنَ التَّجاوُزِ * يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يا مُنْتَهى كُلِّ نَجْوى * وَ يا غايَةَ كُلِّ شَكْوى * وَ يا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعينٍ * يا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها * سپس بگوید: يا رَبَّاهُ ده مرتبه * يا سَيِّداهُ ده مرتبه * يا مَوْلاهُ ده مرتبه * يا غايَتاهُ ده مرتبه * يا مُنْتَهى رَغْبَتاهُ ده مرتبه * أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هذِهِ الْأَسْماءِ * وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ (عَلَيْهِمُ السَّلامُ) * إِلّا ما كَشَفْتَ كَرْبي * وَ نَفَّسْتَ هَمّي * وَ فَرَّجْتَ عَنّي * وَ أَصْلَحْتَ حالي * بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن و حاجتت را بطلب.

↙ سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته؛ و صد مرتبه می گويي: يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، إِكْفِياني فَإِنَّكُما كافِيايَ (كافِياني)، وَ انْصُراني فَإِنَّكُما ناصِرايَ (ناصِراني).

↙ آنگاه گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گويي: أَدْرِكْني (مرا دریاب)، و آن را بسیار تکرار کن.

↙ و سپس به اندازه یك نفَس می گوئی: اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می کند إن شاء الله.

۱۷- پس از آن نماز را به حضرتش هدیه کند، و برای اهداء نماز بگوید:

اللّٰهُمَّ أنت السّلام و منك السّلام * يا ذا الجلال و الإكرام * صلّ على محمّد و آل محمّد * الطّيّبين الطّاهرين الأخيار * و أبلغهم مني أفضل التّحية و السّلام * اللّٰهُمَّ إنّ هاتين الرّكعتين * هديّة منّي إلى عبدك و ابن عبدك * و وليّك و ابن وليّك * سبط نبيّك في أرضك * و حجّتك على خلقك * محمّد بن الحسن المهديّ * يا وليّ المؤمنين، يا وليّ المؤمنين، يا وليّ المؤمنين * فصل على محمّد و آله * و بلّغه إيّاها * و أعطني أفضل أملي و رجائي فيك و في رسولك (صلواتك عليه و آله) و فيه * سپس هر چه را دوست داری؛ دعا کن، برآورده می شود، إن شاء الله.

۱۸- و برای سلام به حضرتش (در زیر آسمان و رو به قبله) بگوید:

سَلامُ اللهِ الْكامِلُ التّامُّ الشّامِلُ الْعامُّ * وَ صَلَواتُهُ الدّائِمَةُ * وَ بَرَكاتُهُ الْقائِمَةُ التّامَّةُ * عَلى حُجَّةِ اللهِ وَ وَلِيِّهِ في أَرْضِهِ وَ بِلادِهِ * وَ خَليفَتِهِ عَلى خَلْقِهِ وَ عِبادِهِ * وَ سُلالَةِ النُّبُوَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَ الصَّفْوَةِ * صاحِبِ الزَّمانِ وَ مُظْهِرِ الْإيمانِ * وَ مُلَقِّنِ أَحْكامِ الْقُرْآنِ * وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ * وَ ناشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ * وَ الْحُجَّةِ الْقائِمِ الْمَهْدِيِّ * الإمامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ * وَ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الطّاهِرينَ * الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ * الْهادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَعْصُومينَ * السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ الْمُسْتَضْعَفينَ * السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ الْكافِرينَ الْمُتَكَبِّرينَ الظّالِمينَ * اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ * السَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ رَسُولِ اللهِ، * اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ * اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ* اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومينَ * وَ الإمامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعينَ * اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ* سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلايَةِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الإمامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ

فِعْلًا * وَ أَنْتَ الَّذي تَمْلَأُ الأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا * بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا * فَعَجَّلَ اللهُ فَرَجَكَ * وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ * وَ قَرَّبَ زَمانَكَ * وَ كَثَّرَ أَنْصارَكَ وَ أَعْوانَكَ * وَ أَنْجَزَ لَكَ ما وَعَدَكَ * فَهُوَ أَصْدَقُ الْقائِلينَ * وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ * وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً * وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثينَ * يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ حاجَتي... وحاجتش را ذكر كند * فَاشْفَعْ لي في نَجاحِها * فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتي * لِعِلْمي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَفاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقامًا مَحْمُودًا * فَبِحَقِّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ * وَ ارْتَضاكُمْ لِسِرِّهِ * وَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكُمْ عِنْدَ اللهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ * سَلِ اللهَ تَعالى * في نُجْحِ طَلِبَتي وَ إِجابَةِ دَعْوَتي وَ كَشْفِ كُرْبَتي * و آنچه را می خواهد از خدا خواهش كند پس او برآورده می كند، إن شاء الله.

تذكر: در وقت فوريت و عدم مساعدت فرصت و يا توان؛ از انجام آن به صورت حداقل اين اعمال (دو ركعت با حمد و تكرار صدبار آيه پنجم، و يكبار توحيد، و بعد نماز؛ استغاثه: عظم البلاء؛ و يا من اظهر الجميل) غفلت نشود؛ و در صورت توفيق؛ از آداب و اعمال و اذكار و ادعيه روش مفصل و جامع؛ اقتباس نموده و هرچه بيشتر بهره ببرد. [شمارة ثبت: (١٤٣٥) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: برای نماز حضرت امام زمان عليه السلام دو نماز ذکر شده: یکی با قرائت ۱۰۰مرتبه "ایاک نعبد وایاک نستعین"، ودیگری با قرائت سوره فتح در رکعت اول وقرائت سوره نصر در رکعت دوم است، کدامیک را پیشنهاد می فرمایید؟

جواب: آنکه تکرار آیه دارد؛ چه بسا رجحان دارد، شرح نحوه کامل خواندن آن را قبلا در جوابیه ای (۱۴۳۵) بیان نموده ایم، و مانعي ندارد بجا آوردن نماز توسل یا هدیه به حضرت به این صورت که: در هر رکعت آیه پنجم سوره حمد صدبار تکرار شود، و برای سوره؛ بجاي توحید؛ فتح و نصر خوانده، و بعد از نماز؛ ابتدا دعای استغاثه (از نماز اول) را؛ و سپس سلام به حضرت (از نماز دوم) را انجام دهد. [شمارة ثبت: (١٤٤٠) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: در زمینه نماز و توسل به حضرت صاحب الزمان عليه السلام؛ دوست دارم بیشتر بهره ببرم، آیا بجز برنامه کلام توجه (آل یاسین کامله)؛ و نماز "ایاک نعبد وایاک نستعین"؛ و نماز " سَلامُ اللهِ الْكامِلُ"؛ آیا نماز و توسل دیگری به حضرتش هست؟

جواب:

۱- از علمای مذهب حق نقل شده و نیز تجربه شده است که: در شب پنجشنبه یا شب جمعه؛ دو رکعت زیر آسمان با سربرهنه (مردان) بجای آورده (و بهتر است به صورت نماز حضرتش باشد)، و بعد از نماز، در حال ایستاده؛ پانصد و پنجاه و پنج بار بگوید: "يا حجّة القائم (يا حجّةَ اللهِ القائمَ)"، و بعد در سجده هفتاد بار بگوید: {أغثني يا صاحب الزّمان}، آنگاه عرض حاجت نماید، و این عمل را هفته دوم و سوم در صورت نیاز ادامه دهد.

٢- و از مرحوم حاج شيخ محمد تقي بافقي يزدي؛ از علماي اهل حق؛ و موفق به ارتباط با ناحيه مقدسه؛ اين توسل نيز نقل شده است: با طهارت كامل و رو به قبله، هزار و يكمرتبه؛ با توجه بگويد: {يا فارس الحجاز أَدْرِكْني يا أبا صالح أَدْرِكْني، يا أبا القاسم المهدي أَدْرِكْني، يا صاحب الزّمان أَدْرِكْني أَدْرِكْني أَدْرِكْني وَ لَا تَدَعَنّي، فَإنّي عاجزٌ ذليل}.

٣- در نگرانيها و ناراحتيها و مشكلات؛ براى استغاثه به حضرتش؛ هفتاد بار با توجه و تضرع بگويد: {يا مُحَمّدُ يا عَلِيٌ يا فاطِمَةُ يا صَاحِبَ الزّمانِ أَدْرِكْني، وَ لا تُهْلِكْني}.

اين سه عمل؛ سه برنامه توسل مستقل بوده؛ و هر كدام را مى توان جداگانه بجا آورد، اما هر سه عمل با نماز حضرتش (كه دستورالعمل جامع آن را قبلا نوشته ايم) قابل جمع بوده، و انجام آن در شب جمعه و زير آسمان نيز امتياز بيشتري دارد. وفقنا الله لحق معرفته و طاعته و رضايته و لقائه و زيارته و نصرته. آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (١٥٢٨) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: براي انجام نماز و توسل به امام زمان عليه السلام؛ چه اوقاتي مناسبتر است؟

جواب:

١- در هر وقت اضطرار و نياز به استغاثه و توسل، به حضرتش ملتجي مي شوند.

٢- و بجز اوقات دعاى مستجاب كه در رساله مربوطه آن شرح شده نموده ايم و براى هر دعاى موفق از جمله توسل به حضرتش مناسبت دارد.

٣- همچنين شب و روز جمعه.

٤- و نيز ساعت دوازدهم يا آخرين ساعت هر شب و هر روز؛ كه متعلق به حضرت صاحب الأمر عليه السلام می باشد، اهميت خاص دارد.

٥- و سُدس اول از نيمه دوم شب جمعه ويژگی مخصوص و بيشتری دارد. رزقنا الله حق معرفته و اتباعه و دعائه و زيارته و صحبته. آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (١٥٢٩) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: آيا چه نكاتی در اختصاص نماز صدبار "اياک نعبد واياک نستعين" به امام زمان عليه السلام و برای توسل به حضرتش وجود دارد؟ سرّ تكرار اين آيه شريفه بخصوص در قرائت اين نماز چيست؟ اگر عنايت بنماييد شمه ای بيان فرماييد.

جواب: اسرار كار مولا عليه السلام را خودش می داند، اما می توانيم به هدايت حضرتش برخی از نكات مربوطه را كه از معارف الهيه مأثوره از كلام خازنان وحی عليهم السلام می باشد؛ به اشاره بيان كنيم:

هداية اولى: تكرار آيات قرآنی مورد تلاوت در قرائت از آداب توجه و بهره مندی از حقايق نماز است، و حضرات معصومين عليهم السلام گاهی آنقدر برخی آيات را تكرار می فرمودند تا اينكه از گوينده كلام وحي يعنی حضرت ربّ العالمين آنرا می شنيده اند.

هداية ثانية: تمركز و تكرار بر هر آيه به مقتضای حال و مقام می باشد، و از آنجا كه موضوع نماز "استغاثه" و برای "توسل و مددجويي از حضرتش" است؛ فلذا بر اين آيه شريفه "اياک نعبد واياک نستعين"، تمركز می كنيم.

هداية ثالثة: و هم اينكه در نماز؛ رعايت ادب محضر حق نموده، و با تكرار آن

عرض می کنیم "خداوندا ما تنها تو را می پرستیم و از تو مدد می جوییم" و این توسل بعد از نماز به صاحب الأمر عليه السلام؛ هم در حقیقت راه و مسیر استغاثه به توست.

هداية رابعة: و از آنجا که آیه شریفه مفادش استعانت از حق تعالی است، و خودش نوعي ختم و توسل قرآنی موجود در متن نماز است، فلذا از این برکت نورانی برای تقویت توسل و قرین اجابت شدن آن بهره می گیریم.

هداية خامسة: البته اسرار دقیق و معانی عمیق معرفتی هم در اینجا هست، که در مباحث علوم باطن اسماء و کتاب الهی اشاره شده است، از جمله آنهاست:

۱- معرفت حقیقت معنای "ربّ" و مظهر آن در همه عوالم هستی یعنی حضرت وجه الله (منه السلام و إليه التسليم).

۲- و نیز معنای یوم الدین که روز قیام و ظهور حضرت قائم آل محمد صلى الله عليه وآله است، و مالك و زمامدار آنروز که حضرت مهدی عليه السلام می باشد.

۳- و معنای عملی عبودیت حق که در تبعیت و پیروی حضرت امام زمان عليه السلام مصداق مي يابد.

٤- و استمداد و استعانت هم از حضرت غوث (فریادرس) یعنی حضرت ولي عصر عليه السلام باید باشد.

٥- تفصیل بیشتر جایش در کتاب معرفت مهدوی عليه السلام در کلام وحی از بیان خازنان وحی عليهم السلام مي باشد. عرّفنا الله حجته و وفقنا الله صحبته و رزقنا الله خدمته، آمین ربّ العالمین. [شمارة ثبت: (١٥٣٠) منبع: المسائل اليمانية]

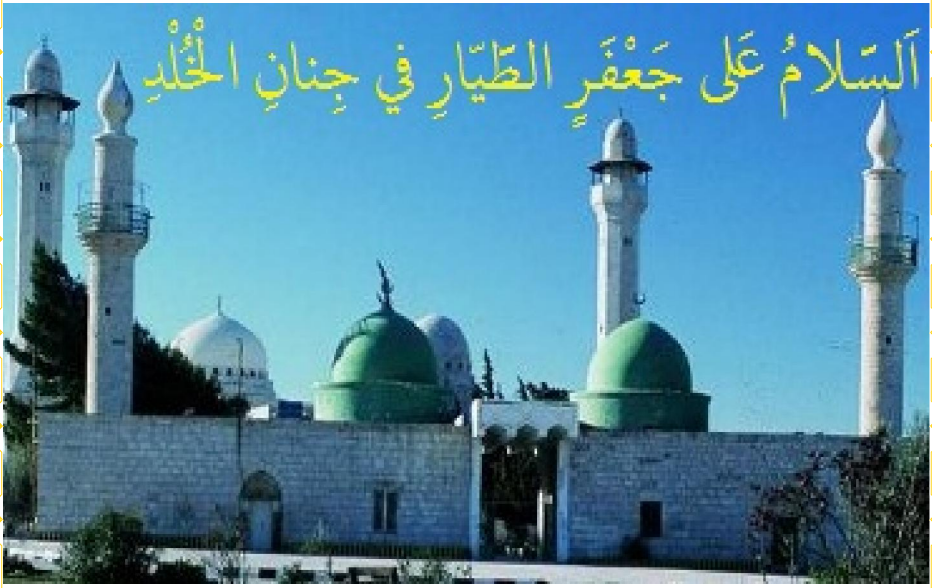
نماز جناب جعفر طیار علیه‌السلام

(نسخه جامع: حاوی همه روایات بطور مفصل و کامل)

❖ این نماز عطیه الهی نازله آسمانی؛ برای تقدیر از مجاهدتهای جناب جعفر طیار علیه‌السلام در هجرت به حبشه بوده است، وی وقتی برگشت که فتح خیبر بدست حضرت مولا علی علیه‌السلام رخ داد؛ و این دو بشارت همزمان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید؛ حضرتش فرمود: نمی دانم از آمدن جعفر علیه‌السلام، خوشحال تر هستم یا از پیروزی (علی علیه‌السلام) در جنگ خیبر. حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تا جناب جعفر علیه‌السلام را دید، او را در آغوش گرفته؛ و سجده گاه او را بوسید. سپس به سجده افتاده و خدا را شکر کرد. آنگاه پیامبر اکرم علیه‌السلام به جناب جعفر علیه‌السلام فرمود: آیا به تو عطایی بکنم؟ آیا به تو بخششی بکنم؟ آیا به تو عنایتی بنمایم؟ جناب جعفر علیه‌السلام، عرض کرد: آری؛ یا رسول الله. با توجه به این که مسلمانان در جنگ خیبر غنایم زیادی به دست آورده بودند، برخی گمان کردند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به جناب جعفر علیه‌السلام، طلا و نقره فراوانی می بخشد؛ اما پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به جناب جعفر علیه‌السلام عطایی آسمانی بخشید. و فرمود: من به تو عملي را اعطا مي كنم كه اگر آن را هر روز انجام دهي، براي تو از دنيا و آنچه در آن است بهتر است، و اگر يك روز در ميان انجام دهي، گناه مابين آن دو روز آمرزيده خواهد شد، يا اگر در هر جمعه يا هر ماه يا هرسال انجام دهي، خداوند گناهان مابين آن دو را مي آمرزد، هرچند گناهان تو به تعداد ستارگان، به تعداد برگ درختان، و به تعداد ريگ هاي بيابان و كف درياها باشد. امام صادق علیه‌السلام از پدران گرامي خويش (امام باقر از امام سجاد از امام حسين از اميرالمؤمنين علیهم‌السلام نقل مي كند كه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به جعفر علیه‌السلام چنين فرمود: اگر توانستي، هر روز اين نماز را

بخوان. اگر نتوانستي هر روز بخواني، در هر جمعه بخوان. اگر در هر جمعه نتوانستي بخواني، در هر ماه بخوان. اگر در هر ماه نتوانستي بخواني، در هر سال بخوان. اگر در هر سال نتوانستي بخواني، يك بار در عمرت بخوان. اگر چنين كني، خداوند گناهان كبيره و صغيره، گناهان غير عمد و عمد، و گناهان قديم و جديد تو را مي آمرزد. امام صادق عليه السلام فرمود: هر كسى نماز جعفر عليه السلام را هر روز بخواند، بدى هاى او نوشته نمى شود، و برابر هر تسبيحى كه در اين نماز مى خواند؛ خداوند به او يک ثواب عطا كرده؛ و يک درجه در بهشت به او مى بخشد. امام باقر عليه السلام به ابوحمزه ثمالي فرمود: در هر ركعت نماز جعفر، ٧٥ مرتبه تسبيحات خوانده مي شود (٣٠٠ تسبيح در ٤ ركعت) خداوند اين تسبيحات را مضاعف كرده، و به ازاي آن، براي تو دوازده هزار حسنه مي نويسد كه هر حسنه معادل كوه احد و بزرگ تر از آن مي باشد. بزرگان دين از حضرات معصومين عليهم السلام نقل كرده اند؛ هركسى امام رضا عليه السلام يا يكى از ائمّه عليهم السلام را زيارت كند، و نزد او نماز جعفر عليه السلام بخواند، براى او به ازاى هر ركعت نمازى كه خوانده است، ثواب هزار حجّ، هزار عمره، آزاد ساختن هزار بنده، و هزار جهاد در راه خدا همراه با پيامبر مُرسل صلى الله عليه و آله؛ نوشته مى شود. همچنين به ازاى هر قدمى كه (در راه زيارت همراه با اين نماز) برداشته، ثواب صد حج، صد عمره، آزاد سازى صد بنده در راه خدا و صد حسنه نوشته مى شود، و از او صد عملِ بد، پاک مى شود. امام صادق عليه السلام به مفضل فرمود: اى مفضل! هرگاه حاجت مهمى داشتى و در پى برآورده شدن آن بودى؛ پس نماز جعفر عليه السلام را بخوان و سپس دعاى بعد از آنرا بخوان كه حاجتت روا مى شود. اسحاق بن عمار از امام صادق عليه السلام سؤال نمود: اگر كسي نماز جعفر عليه السلام را بخواند، آيا خداوند همان ثوابي كه رسول خدا صلى الله عليه و آله براي جعفر عليه السلام بيان نمود، براي اين فرد نيز مي نويسد؟

فرمود: به خدا قسم بله. ابن فضّال گفت: از امام رضا عليه‌السلام درباره شب نيمه شعبان پرسيدم و عرض كردم: آيا براي اين شب، نمازي به غير از نمازِ ديگر شب ها وجود دارد؟ حضرت فرمود: نماز واجبي براي اين شب نيست، اما اگر دوست داري كه در اين شب عمل مستحبّي انجام دهي، تو را به نماز جناب جعفر بن ابي طالب عليه‌السلام توصيه مي كنم. ابراهيم بن ابي البلاد مي‌گويد: از امام رضا عليه‌السلام درباره ثواب نماز جعفر را پرسيدم، فرمود: اگر گناهان كسي كه اين نماز را مي خواند به تعداد شن هاي بيابان و به مقدار كف دريا باشد، خداوند وي را مي‌آمرزد. ابراهيم گفت: پرسيدم: اين آمرزش، اختصاص به شيعيان دارد؟ فرمود: بله، اختصاص به شما دارد. در توقيع صادره از ناحيه مقدسه؛ حضرت صاحب الامر عليه‌السلام فرموده اند: بهترين زمان براي خواندن نماز جعفر، آغاز روز جمعه مي باشد، البته در هر زماني كه خواستي، و يا هر وقتي از شب و روز كه خواستي، خواندن نماز جعفر، جايز است.



❖ مجموع احادیث شریفه وارده در باره نماز جناب جعفر طیار علیه السلام ملاحظه شده و دستور العمل جامع آن (از آداب و مقدمات و نحوه انجام نماز و اذکار و ادعیه اش) را در اینجا نقل می نماییم:

۱- روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد،

۲- و چون آخر روز پنجشنبه شود؛ بر ده مسکین؛ هر مسکینی مُدّی از طعام، تصدّق بدهد.

۳- پس چون روز جمعه شود غسل کند، البته در هر زمان از شب و روز؛ و هر روز یا هرشب و یا هر هفته و هر ماه و یا هریك از ایام و لیالي مبارکه همچون نیمه شعبان نیز به انجام این نماز توصیه شده است، بلکه آنرا بخشي از نوافل روز یا شب خود قرار دهد، اما افضل اوقات هفتگی آن؛ اول روز جمعه است، و می تواند روزه و تصدق و غسل را قبل از انجام آن در هروقت بجای آورد.

٤- گزاردن نماز در مکان خاص: در صورت امکان انجام آن در مشاهد مشرفه؛ اولویت دارد، و الا برود به صحرای خالی، (و الا در محل خلوت و بالای بلندی مثل پشت بام و زیر آسمان؛ و الا در اتاق تنها؛ نماز جعفر علیه السلام را بجا آورد.

٥- رکعات نماز و سوره های قرائت آن: چهار رکعت؛ به دو تشهد و دو سلام (دوتا دو رکعتي) است.

٦- در هر رکعت بعد از حمد؛ سوره ای مي خواند:

روش (۱): در رکعت اول؛ اذا زلزلت، و در رکعت دوم؛ والعادیات، و در رکعت سوم؛ اذا جاء نصرالله، و در رکعت چهارم؛ قل هو الله احد را بخواند.

- روش (۲): در رکعت اول: اذا زلزلت؛ و در رکعت دوم سوره والعادیات؛ و در رکعت سوم سوره انا انزلناه و در رکعت چهارم سوره توحید.
- روش (۳): در هر رکعت، سوره توحید و سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند.
- روش (٤): در هر یك از دو رکعت، رکعت اول سوره توحید و رکعت دوم سوره الکافرون را بخواند.
- روش (٥): در هر یك از رکعات، سوره توحید را یکبار بخواند.

۷- گفتن تسبیحات اربعه در اجزاء مختلف نماز:

و در هر رکعت بعد از قرائت ۱۵ بار تسبیحات اربعه (سبحان الله والحمدلله ولاإله إلّا الله و الله أکبر) را بگوید، و بعد به رکوع برود، و در رکوع (بعد از ذکر رکوع) همین تسبیحات را ۱۰ مرتبه بگوید، و چون سر از رکوع برداشت؛ باز همین تسبیحات را ۱۰ بار بگوید، و در سجده اولی (بعد از ذکر سجود)؛ همین تسبیحات را ۱۰ بار بگوید، و چون سربرداشت؛ باز همین تسبیحات را ۱۰ بار بگوید، و در سجده ثانیه (بعد از ذکر سجود) همین تسبیحات را ۱۰ بار بگوید، و چون سربرداشت باز همین تسبیحات را ۱۰ بار بگوید، که در هر رکعت ۷۵ بار و در مجموع نماز ۳۰۰ بار تسبیحات بگوید، و چون تسبیحات اربعه چهار ذکر است، نتیجتا ۱۲۰۰ بار ذکر و تسبیح حق گفته است. و در صورتی که عجله و کمی فرصت داشت، می تواند همه تسبیحات (۳۰۰ بار) را بعد از نماز یکجا (و حتی در حال حرکت و راه رفتن و یا حین انجام کارش) بجای آورد.

٨- در سجده آخر هر رکعت؛ بعد از تسبیحات؛ خداي را با این دعا بخواند:

* يَا مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ * يَا مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ * يَا مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ * يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، * يَا ذَا النِّعْمَةِ وَ الطَّوْلِ * يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ * يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ، * أَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ * وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى * وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي...

(حاجتت را بگو) *

٩- در سجده آخر رکعت جهارم بعد از تسبیحات؛ خداي را با این دعا بخواند:

* سُبْحَانَ اللهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ * سُبْحَانَ اللهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ * سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ؛ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ * سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا * سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ * سُبْحَانَ مَنْ تَعَظَّمَ (تَعَطَّفَ) بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ * سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ * سُبْحَانَ ذِي الْفَضْلِ وَ الطَّوْلِ * سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمَ * سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْأَمْرِ * سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ * سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ * سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * سُبْحَانَ مَنْ

سَبّحَتْ لَهُ السّمَاءُ بِأَكْنَافِهَا * سُبْحَانَ مَنْ سَبّحَتْ لَهُ الْأَرَضُونَ وَ مَنْ عَلَيْهَا * سُبْحَانَ مَنْ سَبّحَتْ لَهُ الطّيْرُ فِي أَوْكَارِهَا * سُبْحَانَ مَنْ سَبّحَتْ لَهُ السّبَاعُ فِي آجَامِهَا * سُبْحَانَ مَنْ سَبّحَتْ لَهُ حِيتَانُ الْبَحْرِ وَ هَوَامُّهُ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التّسْبِيحُ إِلّا لَهُ * سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلّ شَيْءٍ عِلْمُهُ * سُبْحانَ ذِى الْمَنِّ وَ النِّعَمِ سُبْحانَ ذِى الْقُدْرَةِ وَ الأمر (× الْكَرَمِ) * سبحان ذي القوّة وَ الطّول (× سُبْحانَ ذي الفضل وَ الطّوْلِ) * يَا ذَا النِّعْمَةِ وَ الطّوْلِ * يَا ذَا الْمَنّ وَ الْفَضْلِ * يَا ذَا الْقُوّةِ وَ الْكَرَمِ * أَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزّ مِنْ عَرْشِكَ * وَ مُنْتَهَى الرّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى * وَ كَلِمَاتِكَ التّامّاتِ كُلِّهَا؛ الّتى تَمَّتْ صِدْقًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ * وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي... (× صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ افْعَلْ بى....) و حاجات خود را بخواهد *

۱۰- دعاهای بعد از نماز: همه ادعیه وارده را نقل می کنیم تا بر حسب توفیق و فرصت از آن بهره مند شود، و سعی کند دو متن اول و دوم را ترك نكند.

آداب تضرع در دعای بعد نماز: شیخ طوسی برای برآمدن حاجت از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: و نماز جعفر را بجا آور و برهنه کن زانوها را و بچسبان آنها را به زمین و دعاها را بگو.

دعاهای وارده بعد نماز؛ شش متن دارد: که برای شخص موفق؛ قابل جمع است.

در دستور اول: شیخ طوسي و سيّد بن طاووس از جناب مُفَضّل جعفي روايت كرده‌اند كه گفت: ديدم روزى حضرت امام جعفر صادق عليه السلام را كه نماز جعفر بجا آوردند؛ پس دستها را بلند كرده و اين دعا را خواندند:

* يَا رَبِّ يَا رَبِّ (بقدري كه يك نفس وفا كند) * يَا رَبّاهُ يَا رَبّاهُ (بقدر يك نفس) * رَبِّ رَبِّ (بقدر يك نفس) * يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ (باز بقدر يك نفس) * يَا حَيُّ يَا حَيُّ (بقدر يك نفس) * يَا رَحيمُ يَا رَحيمُ (باز بقدر يك نفس) * يَا رَحْمنُ يَا رَحْمنُ (هفت مرتبه) * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمينَ (هفت مرتبه) *

سپس اين دعا را خواندند:

* اَللّٰهُمَّ إِنّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ * وَ أَنْطِقُ بِالثَّنآءِ عَلَيْكَ وَ أُمَجِّدُكَ * وَ لاغايَةَ لِمَدْحِكَ * وَ أُثْني عَلَيْكَ * وَ مَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنآئِكَ وَ أَمَدَ مَجْدِكَ * وَ أَنّى لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ * وَ أَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ * مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ * عَوَّادًا عَلَى الْمُذْنِبينَ (الْمُؤْمِنِينَ) بِحِلْمِكَ * تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طاعَتِكَ * فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ * جَوَّادًا بِفَضْلِكَ * عَوَّادًا بِكَرَمِكَ * يَا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُوالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ *

پس حضرت فرمود که ای مُفضّل هرگاه تو را حاجت ضروری بوده باشد؛ نماز جعفر را بجای آور و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی.

در دستور دوم: شیخ طوسی برای برآمدن حاجت از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

* يَا مَنْ أَظْهَرَالْجَميلَ؛ وَ سَتَرَ الْقَبيحَ * يَا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ؛ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ * يَا عَظيمَ الْعَفْوِ * يَا حَسَنَ التَّجاوُزِ * يَا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يَا صاحِبَ كُلِّ نَجْوى؛ وَ مُنْتَهى كُلِّ شَكْوى * يَا مُقيلَ الْعَثَراتِ * يَا كَريمَ الصَّفْحِ * يَا عَظيمَ الْمَنِّ * يَا مُبْتَدِءًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها * يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ؛ ده مرتبه * يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ؛ ده مرتبه * يَا سَيِّداهُ يَا سَيِّداهُ؛ ده مرتبه * يَا مَوْلايَاهُ يَا مَوْلايَاهُ؛ ده مرتبه * يَا رَجاءاهُ (يَا رَجَايَاهْ)؛ ده مرتبه * يَا غِيَاثاهُ؛ ده مرتبه * يَا غايَةَ رَغْبَتاهُ؛ ده مرتبه * يَا رَحْمنُ؛ ده مرتبه * يَا رَحيمُ؛ ده مرتبه * يَا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ؛ ده مرتبه * صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ كَثيرًا طَيِّبًا مُبارَكًا؛ كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ؛ ده مرتبه * و آنگاه حاجت خود را بطلب.

در دستور سوم: علامه مجلسي در زاد المعاد به نقل از سيد بن طاووس؛ دعاي ديگري نيز نقل نموده است:

* سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ تَرَدَّى بِهِ * سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ * سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ؛ وَ خَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ * سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمِ * سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ * اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ * وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ * وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَ عَدْلًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَ أَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بَعْدَ عُمُرٍ طَوِيلٍ * اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ * لَكَ الْكَرَمُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الْجُودُ * وَ لَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ * يَا أَهْلَ التَّقْوَى * وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا وَدُودُ يَا شَكُورُ * أَنْتَ أَبَرُّ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي * وَ أَرْحَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ مِنَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ * يَا كَرِيمُ يَا جَوَّادُ * اَللّٰهُمَّ إِنِّي

صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ؛ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ؛ وَ طَلَبَ نَائِلِكَ؛ وَ مَعْرُوفِكَ؛ وَ رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَائِزَتِكَ وَ عَظِيمِ عَفْوِكَ وَ قَدِيمِ غُفْرانِكَ * اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْفَعْهَا لِي فِي عِلِّيِّينَ * وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي * وَ اجْعَلْ نَائِلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ وَ رَجَاءَ مَا أَرْجُو مِنْكَ؛ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ؛ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ مَا جَمَعَتْ مِنْ أَنْوَاعِ النَّعِيمِ؛ وَ مِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ * وَ اجْعَلْ جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ؛ وَ غُفْرَانَ ذُنُوبِي؛ وَ ذُنُوبَ وَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا وَ وُلْدِيَ وَ مَا وَلَدوا؛ وَ جَمِيعِ إِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ؛ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ * وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي؛ وَ تَرْحَمَ صَرْخَتِي وَ نِدَائِي * وَ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا * وَ اقْلِبْنِي مُنْجِحًا مُفْلِحًا مَرْحُومًا * مُسْتَجَابًا دُعَائِي * مَغْفُورًا لِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ * قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ؛ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يَا نَفَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ * يَا مُعْطِيَ الْمَسْئُولَاتِ (السُّؤُلَاتِ) * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي * وَ

اسْتَجِبْ دُعَائِي * وَ ارْحَمْ صَرْخَتِي وَ تَضَرُّعِي وَ نِدَائِي * وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا لِدُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ دِينِي ...(حاجات خود را بگوید)... * وَ مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَ مَا لَمْ أَذْكُرْ * وَ اجْعَلْ لي فِي ذَلِكَ الْخِيَرَةَ * وَ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا * وَ اقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا * مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي * مَغْفُورًا لِي * مَرْحُومًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللهِ * يَا عَلِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ* أَنَا عَبْدُكُمَا وَ مَوْلَاكُمَا (وَلِيُّكُمَا) * غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ * بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ * عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا * مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوَلَايَتِكُمَا * أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ تَعَالَى بِكُمَا * وَ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللهِ بِكُمَا * وَ أُقَدِّمُكُمَا بَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي إِلَى اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ * فَاشْفَعَا لِي فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ؛ وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي؛ وَ إِجَابَةِ دُعَائِي * اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ تَقَبَّلْ دُعَائِي؛ وَ اغْفِرْلِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *



در دستور چهارم: سید بن طاووس دعای دیگری نقل کرده است:

* اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى * وَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى * وَ مُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ * وَ عَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ * وَ حَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ * وَ طَلَبَ أَهْلِ الرَّغْبَةِ * وَ عِرْفَانَ أَهْلِ الْعِلْمِ * وَ فِقْهَ أَهْلِ الْوَرَعِ * حَتّى أَخَافَكَ اللّٰهُمَّ مَخَافَةً؛ تَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ * وَ حَتّى أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ؛ عَمَلًا أَسْتَحِقُّ بِهِ كَرِيمَ كَرَامَتِكَ * وَ حَتّى أُنَاصِحَكَ فِي التَّوْبَةِ؛ خَوْفًا لَكَ * وَ حَتّى أُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ؛ حُبًّا لَكَ * وَ حَتّى أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا؛ بِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ * سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ * سُبْحَانَ اللهِ وَ بِحَمْدِهِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فِي أُمُورِي كُلِّهَا * بِمَا لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ * وَ لَا يَقِفُ عَلَيْهِ سِوَاكَ * وَ اسْمَعْ نِدَائِي * وَ أَجِبْ دُعَائِي * وَ اجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ * فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ * وَ هُوَ عِنْدِي عَظِيمٌ * يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ *

در دستور پنجم: این دعا را نیز سید بن طاووس نقل کرده است:

* يَا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ * وَ يَا أُنْسِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ * وَ يَا رَجَائِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ * وَ يَا ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ * وَ يَا دَلِيلِي فِي الضَّلَالَةِ * أَنْتَ دَلِيلِي إِذَا انْقَطَعَتْ دَلَالَةُ الْأَدِلَّاءِ * فَإِنَّ دَلَالَتَكَ لَا تَنْقَطِعُ

عند كلّ خير * وَ لَا يَضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ * أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْبَغْتَ * وَ رَزَقْتَنِي فَوَفَّرْتَ * وَ غَذَّيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ غِذَائِي * و عوَّدتني فأحسنت * وَ أَعْطَيْتَنِي فَأَجْزَلْتَ * بِلَا اسْتِحْقَاقٍ مِنِّي لِذلِكَ بِفعلٍ * وَ لكِن إبْتِدَاءً مِنْكَ لكرمك (بكرمك) و جُودك * فَتَقَوَّيْتُ بكرمك على سخطك (× بكرمك على معاصيك × بنعمتك على سخطك × برزْقك على سخطك) * و أنفقت رزقك في معاصيك * و أَفْنيْتُ عُمْرِي فيما لا تُحِبُّ * فلمْ تَمْنَعْك جُرْأتي عليْك * وَ رُكُوبي لِمَا (ما) نهَيْتَنِي عَنْهُ * وَ دُخُولي فيما حَرَّمْتَ عَلَيَّ * أنْ عُدْتَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ * و أظهرتَ منّي الجميل و سترتَ عَلَيَّ القبيح * وَ لَمْ يَمْنَعْنِي حِلْمُك عنّي، وَ عَوْدُكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ؛ أَنْ عُدْتُ فِي مَعَاصيكَ * فَأَنْتَ العَوَّادُ بِالفَضْلِ، وَ أَنَا العوَّادُ بِالمَعَاصِي * فيَا أكْرمَ مَنْ أُقِرَّ لَهُ بِذَنْبٍ * وَ أَعَزَّ مَنْ خُضِعَ لَهُ بِذُلٍّ * لِكَرَمِكَ أَقْرَرْتُ بِذَنْبي * وَ لِعِزِّكَ خَضَعْتُ بِذُلِّي * فَمَا أَنْتَ صَانِعٌ بِي في كَرَمِكَ وَ إقْرَارِي بِذَنْبي * وَ عِزِّكَ وَ خُضُوعي بِذُلِّي * صلّ على محمّد و آل محمّد * و افْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ لَا تَفْعَلْ بي ما أَنَا أَهْلُهُ * يَا أرحم الرّاحمين *

در دستورالعمل ششم: دعای آخری که سید بن طاووس نقل کرده است: با سند خود از الحسن بن القاسم العباسي كه گفت: در پيش از ظهر روز جمعه وقتی روز بالا آمد، وارد شدم بر أبي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام در بغداد، و حضرتش مشغول انجام نماز جعفر طيار؛ و بعد از نماز دستها را به سوي آسمان برد؛ و خدا را به اين دعا خواند:

* يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ * وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ * * وَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ * يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ * يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ * يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ * يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ * يَا بَطّاشُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ * يَا فَعّالًا لِمَا يُرِيدُ * يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * يَا رازق (رَزّاقَ) الْجَنِينِ وَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ * وَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ * وَ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ * يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ * وَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ * يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ وَ مَا تُكِنُّ الصُّدُورُ * يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَ سَيِّدَ السّادَاتِ، وَ إِلَهَ الْآلِهَةِ، وَ جَبّارَ الْجَبَابِرَةِ، وَ مَلِكَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ يَا مُجْرِيَ الْمَاءِ فِي النَّبَاتِ * وَ يَا مُكَوِّنَ طَعْمِ الثِّمَارِ * أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عَظَمَتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كَيْنُونِيَّتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي

اشْتَقَقْتَهَا مِنْ جُودِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِجُودِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عِزِّكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِعِزِّكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ كَرَمِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ رَأْفَتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ حِلْمِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِحِلْمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ لُطْفِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِلُطْفِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ قُدْرَتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا * وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمُهَيْمِنِ الْعَزِيزِ الْقَدِيرِ عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرِكَ * يَا مَنْ سَمَكَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ، وَ أَقَامَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ سَنَدٍ * وَ خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ بِهِ إِلَيْهِمْ؛ إِلَّا إِفَاضَةً لِإِحْسَانِهِ وَ نِعَمِهِ، وَ إِبَانَةً لِحِكْمَتِهِ، وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ * أَشْهَدُ يَا سَيِّدِي * أَنَّكَ لَمْ تَأْنَسْ بِابْتِدَاعِهِمْ لِأَجْلِ وَحْشَةٍ بِتَفَرُّدِكَ * وَ لَمْ تَسْتَعِنْ بِغَيْرِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ * أَسْئَلُكَ بِغِنَاكَ عَنْ خَلْقِكَ، وَ بِحَاجَتِهِمْ إِلَيْكَ، وَ بِفَقْرِهِمْ وَ فَاقَتِهِمْ إِلَيْكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ * وَ أَنْ تَجْعَلَ لِعَبْدِكَ الذَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيْكَ؛ مِنْ أَمْرِهِ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً * يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ ارْزُقْنِي الْخَوْفَ مِنْكَ؛ وَ الْخَشْيَةَ لَكَ؛ أَيَّامَ حَيَاتِي * سَيِّدِي ارْحَمْ عَبْدَكَ الْأَسِيرَ

بَيْنَ يَدَيْكَ * سَيِّدِي ارْحَمْ عَبْدَكَ الْمُرْتَهَنَ بِعَمَلِهِ * يَا سَيِّدِي أَنْقِذْ عَبْدَكَ الْغَرِيقَ فِي بَحْرِ الْخَطَايَا * يَا سَيِّدِي ارْحَمْ عَبْدَكَ الْمُقِرّ بِذَنْبِهِ وَ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ * يَا سَيِّدِي؛ الْوَيْلُ قَدْ حَلّ بِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي * يَا سَيِّدِي؛ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ * هَذَا مَقَامُ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ * هَذَا مَقَامُ الْفَقِيرِ الْبَائِسِ الْحَقِيرِ؛ الْمُحْتَاجِ إِلَى مَلِكٍ كَرِيمٍ رَحِيمٍ * يَا وَيْلَتَا؛ مَا أَغْفَلَنِي عَمّا يُرَادُ مِنِّي * يَا سَيِّدِي؛ هَذَا مَقَامُ الْمُذْنِبِ الْمُسْتَجِيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ * هَذَا مَقَامُ مَنِ انْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ، وَ خَابَ رَجَاؤُهُ إِلّا مِنْكَ * هَذَا مَقَامُ الْعَانِي الْأَسِيرِ * هَذَا مَقَامُ الطّرِيدِ الشّرِيدِ * يَا سَيِّدِي أَقِلْنِي عَثْرَاتِي * يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ * يَا سَيِّدِي أَعْطِنِي سُؤْلِي * سَيِّدِي ارْحَمْ بَدَنِيَ الضّعِيفَ وَ جِلْدِيَ الرّقِيقَ؛ الّذِي لَا قُوّةَ لَهُ عَلَى حَرِّ النّارِ * يَا سَيِّدِي ارْحَمْنِي * فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ * بَيْنَ يَدَيْكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ * لَا طَاقَةَ لِي بِالْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ * سَيِّدِي وَ كَيْفَ لِي بِالنّجَاةِ؛ وَ لَا تُصَابُ إِلّا لَدَيْكَ * وَ كَيْفَ لِي بِالرّحْمَةِ؛ وَ لَا تُصَابُ إِلّا مِنْ عِنْدِكَ * يَا إِلَهَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ وَلِيّ الْأَتْقِيَاءِ، وَ بَدِيعَ مَزِيدِ الْكَرَامَةِ * إِلَيْكَ قَصَدْتُ وَ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي * وَ إِلَيْكَ شَكَوْتُ إِسْرَافِي عَلَى

نَفْسِي * وَ بِكَ أَسْتَغِيثُ، فَأَغِثْنِي وَ أَنْقِذْنِي بِرَحْمَتِكَ مِمّا اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ * يَا سَيِّدِي، يَا وَيْلَتَا * أَيْنَ أَهْرُبُ مِمّنِ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي قَبْضَتِهِ، وَ النّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِهِ * يَا سَيِّدِي مِنْكَ هَرَبْتُ إِلَيْكَ * وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ * مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ * رَاجِياً لِمَا لَدَيْكَ * يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي * حَاجَتِي حَاجَتِي * الّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرّنِي مَا مَنَعْتَنِي * وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي * أَسْئَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ * سَيِّدِي قَدْ عَلِمْتُ وَ أَيْقَنْتُ بِأَنّكَ إِلَهُ الْخَلْقِ و الملك الحقّ * الّذِي لَا سَمِيّ لَهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ * يَا سَيِّدِي وَ أَنَا عَبْدُكَ * مُقِرٌّ لَكَ بِوَحْدَانِيّتِكَ وَ بِوُجُودِ رُبُوبِيّتِكَ * أَنْتَ اللّهُ الّذِي خَلَقْتَ خَلْقَكَ؛ بِلَا مِثَالٍ وَ لَا تَعَبٍ وَ لَا نَصَبٍ * أَنْتَ الْمَعْبُودُ؛ وَ بَاطِلٌ كُلُّ مَعْبُودٍ غَيْرُكَ * أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي تَحْشُرُ بِهِ الْمَوْتَى إِلَى الْمَحْشَرِ * يَا مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ أَحَدٌ غَيْرُهُ * أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي تُحْيِي بِهِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي وَ تُعْطِيَنِي وَ تَكْفِيَنِي مَا أَهَمّنِي * أَشْهَدُ أَنّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ أَحَدٌ غَيْرُكَ * أَيَا مَنْ أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً، أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ * أَيَا مَنْ أَحاطَ بِكُلّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ أَحْصى كُلّ شَيْءٍ عَدَدًا * أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ

رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ * وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ * وَ صَفِيِّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ * وَ مَوْضِعِ سِرِّكَ * وَ رَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ * وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ * وَ نُورًا اسْتَضَاءَ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ * فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ * وَ أَنْذَرَ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ * اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ * وَ بِكُلِّ مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ * وَ بِكُلِّ حَالٍ مِنْ حَالَاتِهِ * وَ بِكُلِّ مَوْقِفٍ مِنْ مَوَاقِفِهِ * صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَهُ * وَ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ وَ الرِّفْعَةَ وَ الْفَضِيلَةَ * اَللّٰهُمَّ شَرِّفْ فِي الْقِيَامَةِ مَقَامَهُ * وَ عَظِّمْ بُنْيَانَهُ * وَ أَعْلِ دَرَجَتَهُ * وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ * وَ أَعْطِهِ سُؤْلَهُ * وَ ارْفَعْهُ فِي الْفَضِيلَةِ إِلَى غَايَتِهَا * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ * أَئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى * وَ أُمَنَائِكَ فِي خَلْقِكَ * وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ عِبَادِكَ * وَ حُجَجِكَ فِي أَرْضِكَ * وَ مَنَارِكَ فِي بِلَادِكَ * الصَّابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ * الطَّالِبِينَ رِضَاكَ * الْمُوفِينَ بِوَعْدِكَ * غَيْرِ شَاكِّينَ فِيكَ * وَ لَا جَاحِدِينَ عِبَادَتَكَ وَ أَوْلِيَاءَكَ * وَ سَلَائِلِ أَوْلِيَائِكَ * وَ خُزَّانِ عِلْمِكَ * الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مَفَاتِيحَ الْهُدَى * وَ نُورَ مَصَابِيحِ الدُّجَى * صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَتُكَ وَ رِضْوَانُكَ * اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ عَلَى مَنَارِكَ فِي عِبَادِكَ * الدّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ * الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ * الْمُؤَدِّي عَنْ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السّلَامُ * اَللّٰهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ؛ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ * وَ سُقْ إِلَيْهِ أَصْحَابَهُ * وَ انْصُرْهُ وَ قَوِّ نَاصِرِيهِ * وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ * وَ أَعْطِهِ سُؤْلَهُ * وَ جَدِّدْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * بَعْدَ الذُّلِّ الّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ * فَصَارُوا مَقْتُولِينَ مَطْرُودِينَ * مُشَرَّدِينَ خَائِفِينَ غَيْرَ آمِنِينَ * لَقُوا فِي جَنْبِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ طَاعَتِكَ الْأَذَى وَ التَّكْذِيبَ * فَصَبَرُوا عَلَى مَا أَصَابَهُمْ فِيكَ * رَاضِينَ بِذَلِكَ * مُسَلِّمِينَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَ مَا يَرِدُ إِلَيْهِمْ * اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ * وَ انْصُرْهُ وَ انْصُرْ بِهِ دِينَكَ الّذِي غُيِّرَ وَ بُدِّلَ * وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَ بُدِّلَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صلّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ (الأنبياء) وَ الْمُرْسَلِينَ * الّذِينَ بَلَغُوا عَنْكَ الْهُدَى * وَ اعْتَقَدُوا لَكَ الْمَوَاثِيقَ بِالطّاعَةِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ * وَ السّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أُولِي الْعَزْمِ مِنْ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * وَ عِبَادِكَ الصّالِحِينَ أَجْمَعِينَ * وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي *

يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ * اَللّٰهُمَّ كُلَّمَا دَعَوْتُكَ لِنَفْسِي؛ لِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ * فَأَعْطِهِ جَمِيعَ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ، وَ جَمِيعَ شِيعَةِ آلِ مُحَمّدٍ * الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي أَرْضِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ * الْخَائِفِينَ مِنْكَ * الّذِينَ صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى؛ وَ التّكْذِيبِ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عليهم السلام * أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ * وَ اكْفِهِمْ مَا أَهَمّهُمْ * يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ * اَللّٰهُمَّ اجْزِهِمْ عَنّا جَنّاتِ النّعِيمِ * وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ *

دستورالعمل جامع: در صورت توفيق و وجود فرصت و توانايي جسمی و همراهی حال؛ با کمی همت؛ همه اين دعاها را بعد از نماز به ترتيب فوق می تواند بخواند، و مانعی ندارد که آنها را ترکيب و مضامين متحد الموضوع و المضمون را کنار هم بخواند. و بر حسب توفيق الهي و اهميت حاجت و شدت اضطرار؛ شخص عامل؛ می تواند اين نماز را کاملتر بجای مي آورد.

در وضعيت کمي فرصت و عدم فراغت:

۱- می تواند از اذکار و دعاهای سجده های آخر هر رکعت نماز بکاهد، تا به کوتاهترين مقدار اکتفا کند، تا اينکه از خواندن آن دعاها صرفنظر کند.

۲- می تواند از اذکار و دعاهای سجده آخر نماز بکاهد، تا به کوتاهترين مقدار اکتفا کند، تا اينکه از خواندن دعاهای سجده آخر نماز صرفنظر کند.

۳- می تواند از اذکار و دعاهای بعد نماز بکاهد، تا به کوتاهترين مقدار اکتفا کند، تا اينکه از خواندن دعاهای بعد نماز صرفنظر کند.

٤- بجای آن سوره ها؛ اکتفا نماید به سوره توحید و سوره کافرون در هر رکعت.

٥- یا در یك رکعت سوره توحید و دیگری سوره کافرون بخواند.

٦- و یا سوره توحید در همه رکعات بخواند.

٧- و اگر نتواند تسبیحات را داخل نماز بجای آورد؛ همه ٣٠٠ بار تسبیحات را؛ بجای مواضع داخل نماز؛ یکجا بعد از نماز بجای آورد.

٨- همه ٣٠٠ بار تسبیحات را در راه رفتن به دنبال کار ضروریش بخواند.

٩- همه ٣٠٠ بار تسبیحات را بعدا در فراغت و فرصت قضا نماید.

١٠- و اگر چهار رکعت را نتواند که با هم بجا آورد؛ پس دو رکعت اول از نماز را بخواند، و دو رکعت دوم را بعدا بخواند.

تذکر: باید دانست که ترخیصهای فوق برای کسي است که بخواهد مداومت کند؛ و گاهی اوقات موفق به انجام روش اصلی نماز (چهار رکعت متوالی و گفتن تسبیحات داخل نماز در مواضع مذکوره همراه با دعای بعد از نماز) نمی شود، از آنجا که بسیاری از فضائل و برکات این نماز (در کلام معصومین علیهم السلام) برای روش اصلی ذکر شده است، که تنها با انجام آن بدست می آید؛ فلذا مؤمن موفق از انجام این نماز (ولو یکبار در عمر) با همه آداب (دهگانه) غفلت نکرده؛ و در سایر اوقات (لااقل هر هفته) هم بر انجام نماز به روش اصلی (چهار رکعت متوالی و گفتن تسبیحات داخل نماز در مواضع مذکوره همراه با دعای بعد از نماز) مواظبت نموده؛ و در سایر موارد و یا مواقع اضطرار؛ از ترخیصهای فوق کمك گرفته تا توفیق مداومتش برقرار بماند.

اللّٰهُمَّ وفقنا لهذه الصلاة الجليلة؛ مع الفرائض والنوافل والعبادات والطاعات؛ فى كمال المعرفة والعبودية والإخلاص أبدا، وتقبل جميع ذلك بمحمّد وآله الطاهرين، آمين يا رب العالمين.

[شمارة ثبت: (١٣٤٧) منبع: جامع المسائل]



اَلسَّلامُ عَلَى صَاحِبِ الهِجْرَتَيْن اَلسَّلامُ عَلَى جَعْفَرٍ الطَّيّارِ فِي جِنَانِ الخُلْدِ اَلسَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الشُّهَدَاءِ

نماز استخاره

سؤال: بسياري از اوقات در كارهاى روزمره مهم (از سفر معاملات نكاح حج عمره زيارت و...) عليرغم بررسي جهات مختلف؛ ولى گاهي اشكالاتي بعدا بيش مي آيد كه در آن كار به مشكل بر مي خوريم، همين تجربه سبب مي شود كه در تصميم گيري در كارهاى ديگر دچار تحير و ترديد و نگراني بشويم، فلذا بـراى اطمينـان خاطر به فكر استخاره مي افتيم، و استخاره نيز بستگي به شرايط و شخص انجام دهنده و... نكات بسياري دارد، جه استخاره اى را توصيه مي نماييد؟

جواب: استخاره حقـيقي طلـب خـير نمـودن از خداونـد متعـال اسـت، و روش صحيح استخاره كه در كلام خازنان وحي عليهم السلام آمده و بسيار مجرب اسـت جنـين است: حضرت امام باقر عليه السلام نقل مي كنند: همواره بـدرم عـلي بـن الحـسين عليهما السلام براى هر امر مهمي كه مى خواستند انجام دهند؛ دو ركعت نمـاز مي خواندنـد: در ركعت اول سوره حمد و سوره الرحمان، در ركعت دوم سـوره حمـد و سـوره حـشر، بعد از نماز ۱۰۱ مرتبه بگويـد: ﴿أستَخيرُ اللهَ برحمتِه خِـيَرَةً في عافيـة﴾. مكرر به تجربه رسيده است اگر كار مصلحت بـوده؛ مـوانعش برطـرف شـده؛ و وسيله تحققش فراهم شده، و اگر مصلحت نبوده؛ به بركت ايـن عمـل نـوراني و توفيق الهي؛ يك رخدادي يا نشانه اى اتفاق افتاده؛ كه سبب توجه انسان به عـدم مصلحت اين امر و انصراف از آن مى شود، و در هر صورت نتيجه خير در كارها به لطف حق فراهم مي گردد، به اذن الله تعالى، اين نماز با اذن و اجازه مخـصوص اثر قاطع دارد، والحمد لله رب العالمين. [شمارة ثبت: (۱۳۵۰) منبع: المسائل الإصفهانية]

درخواست: آيا ممكن است به من اجازه انجام اين عمل را براى امور مـشروع و معقول بدهيد؟

اجابت: اين اذن هم به شما داده مي شود تا در كارهايتان از آن استفاده كنيد.

بشارت: با مراسله افراد بسياري؛ براى داشتن اجازه براى انجام استخاره فوق؛ اين اجازه براى اين افراد به شرح زير گرفته شد:

براي همه كساني كه اين موضوع را در اينجا مطالعه نموده؛ و پنج شبانه روز نمازهاي واجب خود را؛ پنج وقت؛ و اول وقت بجاي بياورند؛ اجازه مخصوص جهت نماز استخاره؛ گرفته شده؛ و به آنها داده مي شود، بنابر اين هر يك از شما؛ كه پنج روز نمازهاى واجبتان را؛ در پنج وقت خودش؛ اول وقت بخوانيد؛ اجازه استفاده از اين نماز استخاره را داريد. موفق باشيد.

سؤال: دستور فوق (نماز استخاره) براى كسي است كه انتخابش در كار مورد نظر به نحوي مشخص است، و مي خواهد با توسل فوق به نتيجه مطلوب برسد، اما اگر شخصي در كاري مبتلا به حيرت محض بين دو انتخاب است و در هيچ طرفي هم رجحان شرعي يا عقلي وجود ندارد، در اين صورت با چه روشي از حيرت بيرون آيد و انتخاب راه نمايد؟

جواب: دستور العمل قبلى براى بيرون آمدن از تحير و انتخاب راه صحيح هم كاربرد دارد، و از آثار اين عمل مجرب؛ بيرون آمدن از سرگردانى و واضح شدن راه صحيح يا بهتر؛ بطور عملى و عينى مي باشد. اما در خصوص سؤالتان؛ در تعاليم مكتب وحي؛ سه نوع روش براى استخاره و تعيين طرف ارجح وارد شده است:

روش اول: از عبدالرحمن بن سيابة نقل شده است كه در آن سالى به مكه معظمه مشرف شدم و با خود كالايى براى فروش برده بودم ولى آن سال كسى طالب آن كالا نبود. بعضى از دوستانم گفتند: كه آن كالا را به يمن بفرست، و بعضى گفتند: كالا را به مصر بفرست. پس به خدمت امام موسى كاظم عليه‌السلام رفتم

و مشکلم را عرض کردم و پرسیدم که شما چه می فرمایید؟ حضرت علیه السلام فرمودند: بین مصر و یمن قرعه بزن، و امر خود را به خدا تفویض کن، و اسم هر شهری که بیرون آمد کالای خود را به آنجا بفرست، گفتم: فدایت شوم چگونه قرعه بزنم؟ فرمودند: که در یک رقعه (قطعه کاغذ) بنویس ﴿بسم الله الرّحمن الرّحيم، اَللّٰهُمَّ أنت الله، لا إله إلّا أنت، عالم الغيب و الشّهادة، أنت العالم و أنا المتعلّم فانظر لي؛ في أيّ الأمرين خير لي، حتّى أتوكّل عليك فيه؛ و أعمل به﴾ و در ادامه دعا (گزینه اول را) بنویس "یمن ان شاءالله"، پس در رقعه دیگر همین دعا را بنویس و بعد از آن (گزینه دوم را) بنویس "مصر ان شاءالله"، و در رقعه سوم باز همان دعا را بنویس و بعد از آن (گزینه سوم را) بنویس "یحبس المتاع و لا یبعث الی بلد منهما" (یعنی کالا را نگه دارم و به هیچ یک از آن دو شهر نفرستم)، سپس رقعه ها را جمع کن و با هم مخلوط کن و یکی از آنها را بردار، و بر خدا توکل کن، و به آنچه در آن رقعه است عمل کن، انشاء الله خیر تو در آن است.

روش دوم: سید بن طاووس از حضرت امام باقر یا حضرت امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که: کسی که می خواهد بوسیله قرعه؛ استخاره کند، در سه رقعه این دعا را بنویسد:

﴿اَللّٰهُمَّ فاطر السّموات و الأرض، عالم الغيب و الشّهادة، الرّحمن الرّحيم، أنت تحكم بين عبادك، فيما كانوا فيه يختلفون، أسئلك بحقّ محمّد و آل محمّد أن تصلّي على محمّد و آل محمّد و أن تخرج لي خيره (× خير السّهمين) في ديني و دنياي و عاقبة

أمري، و عاجله و آجله، إنّك على كلّ شيئ قدير ما شاء الله لا حول و لا قوّة إلّا بالله صلّى الله على محمّد و آله﴾. سپس مطلب خود را به صورت مثلا انجام دادن يا انجام ندادن است؛ در رقعه بنويسد، و هر كدام از آن دو آمد به آن عمل كند، و اگر آن رقعه كه چيزى در آن نوشته نشده بيرون آمد، (يعنى آنكه اميد خيرى در آن نيست و خوف شرى در آن نيست)، آن رقعه بياندازد و ديگرى را بيرون آورد و به آن عمل كند.

روش سوم: استخاره ذات الرّقاع» كه از امام صادق عليه السلام نقل شده، به اين گونه است كه هرگاه براى امور مهمّى بخواهى استخاره كنى، بدين شيوه عمل كن: نخست شش قطعه كاغذ تهيه مى كنى و در سه قطعه آن مى نويسى:

﴿بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، خِيَرَةً مِنَ اللهِ الْعَزيزِ الحَكيمِ، لِفُلانِ بنِ فُلانَة إِفْعَل﴾ (به نام خداوند بخشاينده بخشايشگر، اختيار و گزينشى است از جانب خداوند عزيز و حكيم براى فلان فرزند فلان» و به جاى اين دو كلمه (فُلانِ بنِ فُلانَة) نام شخصى را كه براى او استخاره مى كنى و اسم مادرش را مى نويسى)، و در سه ورقه ديگر همين متن را مى نويسى، ولى به جاى «إفعل» مى نويسى «لاتفعل».

آنگاه آن كاغذها را زير جانماز و سجّاده خود مى گزارى و دو ركعت نماز مى خوانى؛ پس از نماز به سجده مى روى و در سجده، صد مرتبه مى گويى ﴿أَستَخيرُ اللهَ برَحْمَتِهِ، خِيَرَةً في عافِيَة﴾ (از رحمت الهى طلب خير مى كنم؛ گزينشي همراه با عافيت. سپس مى نشينى و مى گويى: ﴿ اَللّٰهُمَّ خِرْ لي، وَ

اخْتَر لي في جَميعِ أُموري في يُسْر وَ عافِيَة﴾ (خدایا در همه امور به آسانی و عافیت؛ برایم خیر بخواه و خودت برایم اختیار کن).

آنگاه دست می بری و آن ورقه ها را به هم مخلوط می کنی و یکی یکی بیرون می آوری؛ اگر سه تا از ورقه ها که در آنها «إفعل» نوشته شده، پشت سر هم بیرون آید، کاری را که نیّت کرده ای انجام می دهی (و بسیار خوب است)؛ و اگر پشت سر هم؛ سه تا «لا تفعل» خارج شد آن کار را انجام نمی دهی؛ ولی اگر یک بار «إفعل» و دفعه بعد «لا تفعل» بدست آمد، در این صورت سه ورقه دیگر را بیرون بیاور که در مجموع پنج ورقه خارج شود، در این صورت اگر سه تا «إفعل» بود و دو تا «لا تفعل» آن کار را انجام بده؛ ولی اگر بر عکس بود، انجام نده.

[شمارة ثبت: (١٤٠٥) منبع: المسائل الإنترنتية]



نماز شُکر

سؤال: لطفا در صورت امکان نحوه اقامه نماز شکر را ارائه فرمایید.

جواب: دو رکعت نماز گزارده می شود، در رکعت أول سوره حمد و قل هو الله أحد، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره قل یا أیها الکافرون، در رکوع و سجود رکعت اول و دوم، بعد از ذکر آنها بگوید: ﴿الحمد لله شُکرًا شکرًا و حمدًا حمدًا﴾، هفت بار. و در رکوع و سجود رکعت دوم، بعد از آنها بگوید: ﴿الحمد لله الّذي استجاب دعائي * و أعطاني مسئلتي و قَضَى حاجتي﴾. بعد از نماز نیز همین دعا را بگوید: ﴿الحمدلله الّذي استجاب دعائي * و أعطاني مسئلتي و قَضَى حاجتي﴾. [شمارة ثبت: (١٣٥١) منبع: المسائل الإصفهانية]

نماز حفظ قرآن

❖ ابن عباس از حضرت مولا علي عليه السلام نقل نموده است که: روزی نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم، در این میان علي بن أبي طالب عليهما السلام نزد حضرتش آمد و به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله صلی الله علیه و آله، قرآن از سینه من بیرون مي رود (فراموشم مي شود)، و نمي یابم خودم را که بتوانم بر حفظ آن قادر شوم، پس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به مولا علي عليه السلام فرمود: یا أبا الحسن، آیا به تو یاد دهم کلماتي را؛ که خداوند تو را بوسیله آنها منفعت برساند؛ و تو نیز فایده برساني هر که را یاد دهي؛ و در سینه ات ثابت نماید آنچه را یاد گرفتي (قرآن را فراموش نکني)؟ علي عليه السلام گفت: بله یا رسول الله پس مرا یاد

ده، حضرت پیامبر ﷺ گفت: هر گاه شب جمعه بود، پس اگر توانستي كه براى نماز برخيزي در ثلث آخر شب؛ كه همانا اين ساعت مشهود است و دعاء در آن مستجاب، {و هرآينه برادرم يعقوب عليه السلام به پسرانش گفت: (متن كلام وحي): بزودي براى شما طلب آمرزش كنم از پروردگارم كه همانا او آمرزنده و رحيم است، و منظورش اين بود (يعقوب): تا اينكه شب جمعه بيايد}، و اگر نتوانستي پس برخيز براى نماز در وسط شب، و اگر نتوانستي پس در اول شب براى نماز برخيز، و چهار ركعت نماز بگذار، در ركعت اول بخوان سوره هاي فاتحة الكتاب و ياسين، و در ركعت دوم؛ سوره هاي فاتحة الكتاب وحاميم الدخان، و در ركعت سوم؛ سوره هاي فاتحة الكتاب و الم تنزيل السجدة، و در ركعت چهارم؛ سوره هاي فاتحة الكتاب و تبارك كه از سوره هاي مفصل (كوتاه) است، پس چون فارغ شدي از تشهد آخر نماز؛ پس حمد و ثناي خداوند بنما و نيكو بجاي آور، و درود بر من بفرست و نيكو بجاي آور، و بر ساير پيامبران درود بفرست، و آمرزش بخواه براى مؤمنين و مؤمنات و براى برادرانت كه به ايمان بر تو سبقت گرفتند (در دورانهاى گذشته)، سپس در آخر آنها بگو:

* اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ معاصيك (الْمَعَاصِي) أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي * وَ ارْحَمْنِي مِن أَنْ أَتَكَلَّفَ طَلَبَ (من تكلُّف) مَا لَا يَعْنِينِي * وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الظَّنِّ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي * اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * وَ الْعِزَّةِ الَّتِي لَا تُرَامُ * أَسْئَلُكَ يَا اللهُ يَا رَحْمَانُ * بِجَلَالِكَ وَ نُورِ وَجْهِكَ * أَنْ تُلْزِمَ قَلْبِي (أَلزم قلبي) حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِيهِ * وَ ارْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوَهُ عَلَى

النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي * اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * وَ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ (والعزّة الّتي لا ترام) * أَسْئَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمَانُ * بِجَلَالِكَ وَ نُورِ وَجْهِكَ * أَنْ تُنَوِّرَ بِكِتَابِكَ بَصَرِي * وَ أَنْ تَشْرَحَ بِهِ صَدْرِي * وَ أَنْ تُطْلِقَ بِهِ لِسَانِي * وَ أَنْ تُفَرِّجَ بِهِ عَنْ قَلْبِي * وَ أَنْ تَسْتَعْمِلَ بِهِ بَدَنِي * و تقوّيني على ذلك * و تُعينني عليه * فَإِنَّهُ لَا يُعِينُنِي عَلَى الحقّ (الْخَيْرِ) غَيْرُكَ * و لا يوفّق له وَ لَا يُؤْتِيهِ إِلَّا أَنْتَ * لا إِله إِلّا أَنت * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

آنگاه حضرت پيامبر صلی الله علیه و آله گفت: يا أبا الحسن، اين عمل را سه يا پنج يا هفت جمعه پي درپي بجاي آور، اجابت شوي به اذن الهي، قسم به كسي مرا بر حق مبعوث نموده: (اگر هر مؤمنی این عمل را بجا آورد) هیچگاه خطا نکرده یا این عمل در صحت اجابت نسبت به هیچ مؤمنی به خطا نرود، (و موفقیت این عمل و اجابت خواسته اش برای حفظ قرآن و علوم حتمي است).

ابن عباس گفت: بخداوند سوگند؛ پنج یا هفت هفته نگذشت که علي عليه السلام آمد نزد رسول الله صلی الله علیه و آله پس گفت: يا رسول الله من در گذشته (برای حفظ کردن) نمی گرفتم مگر چهار آیه و مانند آن؛ و وقتی آنرا بر خودم مي خواندم (بازخوانی می کردم) از یادم رفته بودند، و من امروزه چهل آیه و مانند آنرا برای حفظ یاد می گیرم؛ و وقتی آنرا بر خودم مي خوانم (بازخوانی می کنم) پس مانند این است که کتاب خداوند روبروی چشمانم است (مانند آنکه از روی مصحف می

خوانم)، و در گذشته من حديثي را می شنيدم؛ پس وقتی آنرا تكرار می كردم از يادم رفته بود، اما امروزه احاديث متعدد را می شنوم و وقتی آنها را بازگو می كنم؛ حرفی از آنها را جا نمی اندازم. پس در اين وقت رسول الله ﷺ گفت: {مُؤَمَّنٌ (مُؤمِنٌ) ورب الكعبة يا أبا الحسن} يا أبا الحسن سوگند به پروردگار كعبه؛ اين عمل آمين گفته (اجابت) شده است، × (تو) مؤمن (حقيقي) هستی (كه اين عمل نتيجه داده است). [شمارة ثبت: (١٥٤٧) منبع: جامع المسائل].

سؤال: در نمازي كه شب جمعه براي حفظ كلام وحي (قرآن كريم) سفارش شده، در ركعت سوم كه سوره مباركه حمد و سوره مباركه "الم تنزيل سجده" توصيه شده است، آيا سوره مباركه "الم تنزيل سجده" همان سوره "سجده" معروف در مصاحف امروزی است؟ اگر هست؛ آيا سجده واجب دارد؟ وقتي در نماز تلاوت می كنيم؛ حكم و روش انجام سجده واجب چه طوري است؟

جواب: بله، سوره الم تنزيل سجده؛ همان سوره معروف به سجده؛ در مصاحف امروزی است، و سجده واجب دارد، انجام سجده تلاوت؛ در قرائت نماز مستحبي مانعي ندارد، و نمازگزار وسط قرائت آيات سوره (در موضع سجده) به سجده رفته؛ و يك سجده بجای آورده؛ و سپس مي ايستد؛ و به بقيه قرائت ادامه داده، و سپس به انجام بقيه نماز (از ركوع و سجود) مي پردازد. [شمارة ثبت: (١٣٤٩) منبع: المسائل الإصفهانية]



نماز سفارشی

(وصیت) حضرت رسول الله علیه السلام قبل از رحلت

این نماز در کتب دینی با عنوان "نماز وصیت" مطرح مي شود؛ و ممکن است برخي آنرا عملی مرتبط با آداب وصیت قبل فوت و از اعمال شخص محتضر تصور کنند، در حالیکه برای همگان و در هر شرایطی است، فلذا این توضیح می شود که نامیده شدن این نماز از آنجا بوده که حضرت مولاعلی علیه السلام از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در نزدیکی وفات حضرتش؛ درخواست نمود که: به ما توصیه و سفارشي بنمایید، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به این نماز سفارش و توصیه می کنم، و ازین رو این نماز عنوان "وصیت = سفارش" به خود گرفته، و ارتباطي با وصیت قبل فوت و میت نداشته بلکه وصیت و سفارشي است برای همه و در تمام سالها.

❖ و آن دو رکعت است میان نماز مغرب وعشاء، در رکعت اول بعد از سوره حمد؛ سوره "اذا زلزلت الارض" را سیزده مرتبه بخواند، و در رکعت دویم بعد از سوره حمد؛ سوره "قل هو الله احد" پانزده مرتبه بخواند،

و حضرت صادق علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: وصیت می کنم شما را به دو رکعت نماز؛ ما بین نماز مغرب وعشاء، تا آنکه فرمود: هر که این عمل را در هر سالی یك مرتبه بجا آورد از محسنین است، و اگر در هر ماهی یك مرتبه بجا آورد از موقنین (اهل یقین) است، و اگر در هر جمعه (هفته) یك مرتبه بعمل آورد از مخلصین است، و اگر هر شب بجا آورد در بهشت مزاحمت من نماید (یعنی با من بسیار محشور و همراه خواهد بود) و کسي ثواب آنرا نتواند احصاء نماید بجز خدای تعالی.

❖ در صورت میسور نبودن انجام آن بعد از نوافل؛ می توان دو رکعت از نافله مغرب را به صورت نماز فوق بجا آورد؛ بدینوسیله ضمن اداء نافله مغرب؛ به درك فضیلت این نماز سفارش شده نیز نائل گردید. [شمارة ثبت: (۱۵۵۱) منبع: جامع المسائل].

نماز غُفَیْلَة

❖ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: تَنَفَّلُوا فِي سَاعَةِ الْغَفْلَةِ وَ لَوْ بِرَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا تُورِثَانِ دَارَ الْكَرَامَةِ، قيل: يا رسول الله، وما معنى الخفيفتين؟ قال ﷺ: الحمد وحده، قيل: وما ساعة الغفلة؟ قال ﷺ: بين المغرب والعشاء، (ترجمه) در ساعت غفلت نافله بخوانید، گرچه دو رکعت نماز مختصر باشد، زیرا این دو رکعت سرای کرامت (بهشت) را ببار می آورد. عرض شد: یا رسول الله ﷺ مقصود از "خفیفتین" چیست؟ فرمود: خواندن سوره حمد در قرائت بدون سوره دیگر، عرض شد: ساعت غفلت چه وقت است؟ فرمود: میان مغرب و عشاء.

و دستورالعمل نماز این وقت از حدیث حضرت امام صادق علیه‌السلام: دو رکعت است میان مغرب و عشاء، در رکعت اول؛ بعد از سوره حمد این آیات تلاوت کند:

﴿وَ ذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَ كَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾

و در رکعت دویم بعد از سوره حمد این آیات تلاوت کند:

﴿وَ عِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلاَّ هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَ لَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾

بعد از آن دستهای خود را برای قنوت بلند کند و بگوید:

* اَللّٰهُمَّ إِنِّي أسئلك بمفاتح الْغَيْبِ الّتي لا يعلمها إِلَّا أنت * أَن تصلّي على محمّد و آل محمّد * و أَن تفعل بي ... (حاجات خود را ذکر کند) *

سپس بگوید:

* اَللّٰهُمَّ أنت وليّ نعمتي * و القادر على طلبتي * تعلم حاجتي * و أسئلك بحقّ محمّد و آله عليه و عليهم السّلام * لمّا قضيتها لي... (و حاجات خود را سؤال کند که به او داده می شود آنچه بخواهد) *

پس همانا پیامبر ﷺ فرمود: ترك نكنيد "دو ركعت غفلت" را، و این دو رکعت بین نماز مغرب و عشاء بجا آورده می شود.

❖ اگرچه این نماز؛ نافله مستقلي از نافله مغرب می تواند باشد، اما در صورت عدم تیسر انجام آن بطور مستقل؛ مانعی ندارد که دو رکعت از نافله مغرب را به صورت نماز فوق بجا آورد؛ و بدینوسیله ضمن اداء نافله مغرب؛ به درك فضیلت این نماز سفارش شده نیز نائل گردید. [شمارة ثبت: (١٥٥٢) منبع: جامع المسائل].

نماز نوروز

❖ جناب شهید معلّی بن خنیس ﷺ (از اصحاب خاص حضرات معصومین علیهم‌السلام) می گوید: بر حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در بامداد روز نوروز وارد شدم، که ایشان پرسید: ای معلی؛ آیا این روز را می‌شناسی؟ گفتم: نه. ولی روزیست که ایرانیان از آن تجلیل می‌کنند؛ و در آن به همدیگر هدیه داده؛ و تبریک گفته؛ و دعای خیر می‌کنند. فرمود: این چنین نیست، قسم به خانه کهن (کعبه) که در دل (شهر) مکه‌است، نیست (اهمیت و عید بودن) این روز مگر برای یک امر قدیمی که آن را برای تو تفسیر می‌کنم. تا این که از آن مطلع شوی. پس گفتم: اگر این علمی را که نزد شما را فرا گیرم؛ برای من دوست داشتنی‌تر است؛ از این که تا ابد زندگی کنم، و همه اموات من زنده شوند و زندگی کنند و همه دشمنانم بمیرند، خداوند دشمنان شما را نابود کند.

پس حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام چنین گفت: ای معلی؛ روز نوروز همان روزیست که خداوند در آن از بندگانش عهد (أَلَسْتُ) گرفت که تا او را عبادت کنند؛ و هیچ چیزی را شریک او ندانند، و این که به رسولان و انبیاء و حجج و اولیایش علیهم‌السلام ایمان بیاورند و هم اینکه به ائمه علیهم‌السلام ایمان بیاورند، و آن اولین روزیست که خورشید در آن طلوع کرده، و روزیست بادهای باردار کننده در آن وزیده‌است، و گلها و شکوفه‌های زمین آفریده شده‌است. و روز نوروز؛ روزیست که کشتی نوح علیه‌السلام بر کوه جودی (نشسته و) قرار گرفته است. و روز نوروز؛ همان روزیست که ابراهیم علیه‌السلام بت‌های قوم خود را شکست. و روز نوروز؛ روزی است که یکي از انبیاي بني اسرائیل از خدایش خواست تا زنده کند قومي را که چندین هزار بودند؛ و از ترس مرگ از دیارشان خارج شده

بودند؛ و خداوند آن ها را ميرانده بود، خداوند به وي فرمود: بر قبرهاي آنان آب بريز. او در اين روز، بر قبور آن ها آب ريخت؛ و آن ها كه سي هزار تن بودند زنده شدند و زندگی كردند. همين امر سبب شد تا ريختن آب در روز نوروز سنّت شود، امري كه سبب آن را؛ جز راسخان (استوار وعميق و ريشه دار) در علم؛ نمي دانند. روز نوروز؛ اول سال فارسيان است؛ و روز نوروز؛ روزيست كه جبرئيل عليه‌السلام (اولين بار) بر پيامبر صلي‌الله‌عليه‌وآله نازل گرديد. و روز نوروز؛ همان روزيست كه رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله اميرالمؤمنين علی عليه‌السلام را بر دوش خود بلند كرد؛ تا بتهای قريش را از بالای بيت الله الحرام (كعبه) به پائين انداخت؛ و آنها را خرد كرد. روز نوروز؛ روزي است كه رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله به اصحابش امر فرمود كه با علی عليه‌السلام به عنوان اميرالمؤمنين بيعت كنند، و براي امام علي عليه‌السلام در غدير پيمان گرفت و مردم به ولايت او اعتراف كردند. خوشا به حال كسي كه بر آن پيمان باقي ماند؛ و بدا به حال كسي كه آن عهد را شكست. روز نوروز؛ روزي است كه رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله امام علي عليه‌السلام را به وادي جن فرستاد و او بر آن ها عهدها و پيمان ها گرفت، و اين روزی است كه بيعت دوم با اميرالمؤمنين عليه‌السلام انجام شد. روز نوروز؛ روزي است كه امام علي عليه‌السلام بر خوارج غلبه يافت و ذوالثديّه را كشت. روز نوروز؛ روزي است كه قائم ما اهل بيت و واليان أمر الهي عليهم‌السلام ظاهر و غالب خواهد شد، و روز نوروز؛ روزي است كه خداوند او را بر دجّال پيروز خواهد نمود، و دجّال را بر كناسه كوفه به دار خواهد زد. هيچ نوروزي نخواهد آمد جز آن كه ما انتظار فرجي در آن داريم. چونكه اين روز از روزهاي متعلق به ماست و از روزهای (خاص) شيعيان ما است، فارسيان آن را حفظ كردند و شما (عرب) آن را ضايع كرديد.

آنگاه حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر وقت نوروز شد، پس غسل کن، و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و خوش‌بو کن خود را با بهترین عطرهایت. و آن روز را روزه بدار.

پس زمانی که نوافل و فرایض ظهر و عصر را خواندی؛ پس بعد از اینها چهار رکعت نماز با دو سلام (دو رکعت دو رکعت) بخوان؛ به این نحو:

در اول هر چهار رکعت سوره "فاتحة الکتاب" را بخوان، و بعد از آن در رکعت اول؛ ده بار سوره "انا انزلناه فی لیلةالقدر" را بخوان، و در رکعت دوم سوره "فاتحة الکتاب" و بعد از آن ده مرتبه سوره "قل یا ایها الکافرون" را بخوان، و در رکعت سوم سوره "فاتحة الکتاب" و بعد از آن ده مرتبه سوره "قل هو الله احد" را بخوان، و در رکعت چهارم سوره "فاتحة الکتاب" و بعد از آن ده مرتبه سوره "فلق" و سوره "ناس" را بخوان.

و بعد از خواندن این چهار رکعت و سلام آخر؛ سحده شکر کن، و در سجده؛ دعا کن برای خودت، و این دعا را بخوان:

* اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد الأَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ؛ وَ عَلی جَمیعِ أَنْبِیائِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ * وَ بارِكْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ * وَ صَلِّ عَلی أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ * اَللّٰهُمَّ بارِكْ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ بارِكْ لَنا في یَوْمِنا هذَا الَّذي فَضَّلْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَ خَطَرَهُ * اَللّٰهُمَّ بارِكْ لي فیما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ * حَتّی لا أَشْكُرَ أَحَداً غَیْرَكَ * وَ وَسِّعْ عَلَیَّ في رِزْقي * یا

ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ * اَللّٰهُمَّ ما غابَ عَنّي فَلا يَغِيْبَنَّ عَنّي عَوْنُكَ وَ حِفْظُكَ * وَ ما فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلا يَفْقِدُني عَوْنُكَ عَلَيْهِ * حَتّى لا أَتَكَلَّفَ ما لا أَحْتاجُ اِلَيْهِ * يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ * و بسیار بگو: یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.

چون چنین کنی؛ گناهان شصت (پنجاه) سال تو آمرزیده شود.

سپس معلّی خصوصیات ایام تقویم سي روزه فارسی قدیم را از حضرت امام صادق علیه‌السلام پرسیده؛ و حضرتش شرح مبسوطی را در نام و معنا و وجه نامیدن و اختیارات آن ایام و تصحیح اشباهات عقاید فارسیان بیان می فرماید، و معلی همه را نقل کرده؛ آنگاه می گوید: حضرتش همه این مطالب را بر من املاء کرد، و من از املای حضرتش این حدیث را نوشتم. [شمارة ثبت: (١٥٥٤) منبع: جامع المسائل].



نمازهای ایام سال قمری

نمازهای آغاز سال قمری (اوّل ماه مبارك رمضان)

❖ نمازهای آغاز سال قمری:

۱- دو رکعت: هر کسي در آغاز ورود به سال نو قمري و در اوّل ماه رمضان؛ دو رکعت نماز کند؛ در رکعت اوّل حمد و سوره فتح (إنّا فَتَحْنا) و در رکعت دوّم حَمْد و هر سوره که خواهد بخواند؛ حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و تا سال آینده در حفظ خداوند باشد.

۲- دو رکعت: حضرت رسول الله ﷺ در روز أوّل سال دو رکعت نماز مي گذاردند، و چون از نماز فارغ مي شدند؛ دستها را به دعا برداشته؛ و با این دعا خداي را سه بار مي خواندند:

* اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الإلهُ الأَبَدِيُّ الْقَدِيْمُ الْأَوَّلُ * وَ عَلَى فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ وَ كَرِيمِ جُودِكَ الْمُعَوَّل * وَ هَذَا عَامٌ جَدِيْدٌ قَدْ أَقْبَلَ * (و هذه سنة جديدة قَدْ أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا) * نَسْئَلُكَ (فَأَسْئَلُكَ) الْعِصْمَةَ فِيهِ (فِيهَا) مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ وَ أَوْلِيَاءِهِ وَ جُنُوْدِهِ * وَ الْعَوْنَ و الْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ * وَ الإِشْتِغَالِ بِمَا يُقَرِّبُنَا (يُقَرِّبُنِي) إِلَيْكَ زُلْفَى * يا كريم يا ذا الجلال و الإكرام * يا عماد من لا عماد له * يا ذخيرة من لا ذخيرة له * يا حرز

من لا حرز له * يا غياث من لا غياث له * يا سند من لا سند له * يا كنز من لا كنز له * يا حسن البلاء، يا عظيم الرّجاء، يا عزّ الضّعفاء * يا منقذ الغرقى، يا منجي الهلكي * يا منعم يا مجمل * يا مفضل يا محسن * أنت الّذي سجد لك سواد الليل؛ و نور النّهار؛ و ضوء القمر؛ و شعاع الشمس؛ و دَويّ الماء؛ و حفيف الشّجر * يا الله لا شريك لك * اللّهُمَّ اجعلنا خيرًا مما يظنّون * و اغفر لنا ما لا يعلمون * و لا تؤاخذنا بما يقولون * حسبي الله لا إله إلّا هو * عليه توكّلت و هو ربّ العرش العظيم * آمَنَّا به، كُلٌّ من عند ربّنا، و ما يذّكر إلّا اولو الألباب * ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا، و هب لنا من لدنك رحمة؛ إنّك أنت الوهّاب * اَللّٰهُمَّ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ * حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الأَحْوَالِ * بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا عَزِيْزُ يَا مُتَعَالُ * رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً؛ وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً؛ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ * (يا كريم يا غفّار) *

در برکات این عمل نقل شده که: خداوند دو فرشته بر او گمارده تا تمام آن سال از او در برابر شیطان و اتباعش حراست نمایند، و شیطان از آسیب به او مأیوس شده و بگوید؛ آدمي با این عمل؛ خودش را از گزندم ایمن نمود.

۳- دو رکعت: از نمازهای آغاز سال؛ در شب اول ماه مبارك رمضان از حضرت رسول الله ﷺ روایت شده است: دو رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد ۱۱ بار سوره توحید بخواند.

آنکه به این عمل موفق شود؛ از کساني است که خیر در تمام سال بر او مداومت و استمرار داشته، و همواره تا سال بعد از فتنه محفوظ بماند، و اگر قبل از رسیدن سال بعد؛ اجل او در رسد؛ به بهشت برود. إن شاء الله تعالی. این عمل برای آن کسي که نتواند عمل قبلي را بجاي آورد مناسب است.

٤- دو رکعت: همچنین از نمازهای آغاز سال؛ در شب اول ماه مبارك رمضان از حضرت رسول الله ﷺ نقل شده است: دو رکعت است؛ در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره انعام را بخواند، و در رکعت دوّم بعد از سوره حمد، سوره یاسین را بخواند.

٥- صد رکعت: نماز دیگري از حضرت پیامبر ﷺ روایت شده، که در اول سال قمري گذارده مي شود؛ و آن صد رکعت است، در هر رکعت سوره حمد و سوره توحید؛ و بعد از هر تشهد سلام دهد.

آنکه به این عمل موفق شود؛ از کساني است که خیر در تمام سال بر او مداومت و استمرار داشته، و همواره تا سال بعد از فتنه محفوظ بماند، و اگر قبل از رسیدن سال بعد؛ اجل او در رسد؛ به بهشت برود. إن شاء الله تعالی. [شمارة ثبت: (١٥٣٣) منبع: جامع المسائل]

نمازهای اول هر ماه قمری

❖ شب اول هر ماه قمری:

در شب اول هر ماه قمری؛ دو رکعت نماز کند و در هر رکعت حمد و سوره انعام بخواند و از حق تعالی بخواهد که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند.

از حضرت امام صادق علیه السلام وارد است که: خداوند او را کفایت کند در آن ماه؛ از آنچه موجب نگرانی اوست؛ و نیز سبب ایمنی از نگرانیها و بیماریهاست.

❖ روز اول هر ماه قمری:

در روز اول هر ماه قمری؛ دو رکعت نماز بجای آورد، انجام این نماز دو نحوه می باشد که بر حسب توفیق و فرصت انتخاب می شود:

۱- در رکعت اول بعد از حمد یك مرتبه سوره توحید، و در رکعت دوم یك مرتبه سوره انا انزلناه بخواند.

۲- در رکعت اول بعد از حمد، سی مرتبه توحید و در رکعت دوم سي مرتبه سوره انا انزلناه بخواند.

بعد از نماز روز اول ماه؛ این دعا را بخواند:

* بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ؛ إِلَّا عَلَى اللهِ رِزْقُها * وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها * كُلٌّ فِي كِتابٍ مُبِينٍ * بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللهُ بِضُرٍّ؛ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ * وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ؛ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ * يُصِيبُ

بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ * وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * سَيَجْعَلُ اللهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا * ما شاءَ اللهُ * لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ * حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ * وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ * إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ * لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحانَكَ * إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * رَبِّ إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً * وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ *

بعد از نماز و دعای آن؛ صدقه بدهد به آنچه برای وي ممكن شود، تا سلامتی آن ماه را برای خود بخرد. [شمارة ثبت: (١٣٤٨) منبع: جامع المسائل]

سؤال: در صورتی که نماز روز اول ماه را فراموش کردیم آیا مي توانیم آن را قضا نماییم؟ زنی که ایام عادتش مصادف با این روز شده به جای این نماز چه عملی را مي تواند انجام دهد؟

جواب: تدارك آن در بقیه ماه پسندیده است، و معذور از نماز؛ مي تواند به اندازه آن تسبیحات اربعه را بگوید، و یا در ایام طهارت تدارك نماید. [شمارة ثبت: (٦٩١) منبع: المسائل الأندلسيّة]

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

نمازهای ماه مبارك رمضان

❖ هزار ركعت: صلاة قيام يا نوافل شبهای ماه مبارك رمضان:

سؤال: منظور از صلاة قيام كه در ماه مبارك رمضان مطرح است چيست؟ منظور از اين نام چه مي باشد؟ چند ركعت است؟ ختم تلاوت در آن چگونه است؟ آيا به جماعت مي شود خواند؟ آنكه در برنامه احياء شبهاي قدر به صورت جماعت در مساجد به جماعت مي خوانند چيست؟

جواب:

۱- اصطلاح قيام يك اصطلاح قرآني است، و اشاره به "قيام ليل" يعني "برپا به نماز بيدار بودن شب" است، كه در اوصاف اهل عبادت گفته مي شود، شبها را به نماز برپاست و روزه ها را روزه است، و شخص مؤمن كه مواظبت بر تهجد و نوافل شب (۸ ركعت نافله شب + ۲ ركعت شفع + ۱ ركعت وتر) دارد، به فضيلت و ثواب قيام ليل موفق مي شود، و اين اقل قيام ليل است.

۲- در ماه مبارك رمضان نوافل شبهاي آن هزار ركعت (در مجموع سي شب) است، كه در كتب حديث و فقه و ادعيه و اعمال (از جمله براي عموم در مفاتيح الجنان) شرح آن آمده است، با مواظبت بر اين نوافل؛ شخص روزه دار به قيام ليالی ماه مبارك رمضان نيز موفق مي شود، مجموع اين نوافل و اين نماز به "صلاة القيام" نيز معروف است.

۳- ظاهر عدد هزار اين نماز؛ توهم سختي آن را القاء مي نمايد، در حاليكه اگر كسي در جريان روش آسان انجام آن قرار بگيرد؛ مي بيند كه به توفيق حق؛ چقدر آسان است. حتی از مجموع فرائض و نوافل يوميه كه جزو التزامات هر مؤمن صاحب معرفت است؛ انجامش آسانتر و زمانش كوتاهتر خواهد بود، چه

اینکه ملتزم به فرائض و نوافل یومیه؛ در هر ماه مجموعا حدود ۱۵۰۰ رکعت نماز می گزارد، و برای ملتزم موفق کار آسانی است، اما صلاة قیام و نافله شبهای ماه مبارك رمضان تنها ۱۰۰۰ رکعت در کل ماه است.

این نماز در طول سي شب ماه مبارك تقسيم مي شود، بطوريكه هر شب تنها بيست دقيقه تا نيمساعت وقت نياز دارد، مگر شبهاي قدر كه دو ساعت اضافه مي شود، و طبيعي است كه همه اهل ايمان كه تمام شب قدر را به عبادت احيا مي كنند، از صرف دو ساعتش به اين فضيلت بسيار ارزشمند دريغي نخواهند داشت.

٤- روش آسان انجام صلاة قیام در هر شب ماه مبارك رمضان: در کلام حضرات معصومین علیهم‌السلام چند روش وارد شده است؛ که ما آسانترین آنها را اینجا نقل مي كنيم:

بخشي بعد از نماز مغرب و تعقيبات و نوافلش بجاي آورده مي شود، كه (چهار دو ركعتي = ٨ ركعت) است.

و بخشي هم بعد از فريضه عشاء و تعقيبات و نافله اش گزارده مي شود، كه (شش دو ركعتي = ١٢ركعت) است. كه اين قسمت بعد از عشاء؛ در دهه سوم ماه (٢١ تا٣٠) به صورت (يازده دو ركعتي = ٢٢ركعت) گزارده مي شود.

بجز دو بخش بعد از مغرب و بعد از عشاء كه هر شب هست؛ بخش ديگري نيز در شبهای سه گانه (١٩-٢١-٢٣) هست كه بعد از انجام آن دو بخش؛ (٥٠ دو ركعتي = ١٠٠ ركعت) ديگر هم بجاي مي آورند.

مجموع اين ركعات در تمام ماه مي شود هزار ركعت = (٢٠×٢٠) + (١٠×٣٠) + (٣×١٠٠) = ١٠٠٠

۵- همانطور که اشاره شد، در شبهای سه گانه معروف به قدر؛ صد رکعت نماز مستحب ذکر شده، که این در السنه عموم؛ جزو اعمال این شبها معروف شده است، و از آنجا که برخی حال انجام نافله نداشته، و معمولا اشخاص نماز قضاي نخوانده هم دارند، و یا برخی مي خواهند زرنگي کرده؛ هم نماز قضا بجاي آورده هم به فضیلت صد رکعت این شب برسند، ازین رو: شش روز نماز قضا بجاي مي آورند؛ که مي شود حدودا صد رکعت، و چون تنهايي و به صورت فرادی؛ شاید حال انجام نماز قضا را نیز نداشته باشند، و صورت جماعت سبب حرکت و تشویق و سهولت آن برایشان شده، و از طرفي به جماعت خواندن؛ سبب صرفه جويي در خواندن حمد و سوره هم مي شود؛ فلذا در برنامه احیاء این شبها در مساجد؛ نماز جماعت قضا صد رکعت؛ توسط این دسته از مؤمنین رواج دارد.

٦- از آنجا که اینها نماز قضاي واجب مي خوانند؛ فلذا به جماعت خوانده مي شود؛ و اشکالي ندارد. اما نوافل که نماز مستحبي هستند؛ از جمله نوافل شبهای ماه مبارك رمضان (صلاة القیام)؛ جایز نیست که به جماعت خوانده شود، و آنچه در میان عمریان رایج است؛ جزو بدعت منهي شرع شریف می باشد.

البته نیت نماز به دو نماز که هم نماز قضای واجب باشد؛ هم نماز صد رکعتی این شبها؛ صحیح نیست، و نماز مثل غسل نیست که با يك غسل؛ نیت برای چند غسل (جنابت، توبه، جمعه، زیارت، ووو) نمود. البته نوافل مستحبی را می توان به صورت یکي از نمازهای مستحبی دیگر بجای آورد؛ و با این روش از فضیلت و ثواب هر دو عمل بهره مند شد، مثل اینکه نوافل یومیه را به صورت نماز امام زمان و یا نماز جعفر طیار و نمازهای معصومین علیهم‌السلام بجا آورد، در این صورت ضمن اجابت توصیه مولا به نافله یومیه؛ و نائل شدن از ثواب و برکات آن؛ به فضیلت و ثواب نمازهای آن حضرات نیز نائل می گردد.

۷- برای صحت نوافل همراه با جماعت؛ مگر اینکه شخصي صورتا در جماعتی شرکت کند؛ ولی نوافلش را به نیت فرادی؛ همراه امام جماعتي بجاي بیاورد؛ در این صورت اشکالي ندارد. مثل اینکه اگر شخصي اتفاقا در چنین جماعتي واقع شده (مانند زوار حرمین شریفین در ماه مبارك رمضان) و مي خواهد از فرصت و محیط استفاده کرده؛ هم نوافلش را در آن مکان شریف بجاي آورد، هم همراه تلاوت امام جماعت؛ تلاوت نماز نافله اش را بخواند؛ و به ختم تلاوت موفق شود، هم طبق وظیفه؛ از بدعت منهي شرع (جماعت در نافله) پرهیز کند؛ و نمازش هم صحیح باشد، در این صورت؛ برای ادای نماز نافله؛ نیت فرادی کرده، هر چند همراه آن جماعت نمازش را بجاي مي آورد، و در وقت قرائت نماز هم؛ همراه امام جماعت تلاوت خودش را نموده تا ختم نماید.

یا در مجامع مؤمنین؛ شخصي که تلاوتش صحیح است، جلو بایستد نماز نافله (صلاة قیام) خودش را با خواندن قرآن (از ابتدا تا انتها) در قرائت بخواند، و دیگران هم برای اینکه از ختم تلاوت در نافله صلاة قیام بهره ببرند، همراه او نیت نافله فرادی نموده؛ و قرائت نمازشان را نیز خودشان همراه او بخوانند (با استفاده از شنیدن تلاوت او)، این هم اشکالي ندارد، چون واقعیتش فرادی است؛ و جماعت نیست، هرچند صورتش همراهي دسته جمعي در نماز است.

۸- البته مؤمنین توفیق ختم تلاوت را؛ محدود به فراهم شدن قاري متمکن ننموده، چه اینکه مي توانند خودشان با استفاده از نوارهای تلاوت صحیح (در دستگاههای کوچك پخش فایل صوتي؛ همراه با گوشي) در نماز استفاده کنند، یا از روي مصحف بخوانند.

۹- منظور از ختم تلاوت؛ انجام آن در یکشب نیست، هر چند برخي موفقین با اختصاص ۸ تا ۱۰ ساعت، آنرا هر شب انجام مي دهند. معمول ختم تلاوت در

نوافل؛ با تقسيم صفحات مصحف و سور آن بر سي شب ماه مبارك رمضان؛ انجام مي شود. كه هر شب (٢٠-٣٠) دقيقه براى تندخوان؛ و يكساعت براى ترتيل خوان بيشتر طول نمي كشد.

١٠- در صورت انجام ختم تلاوت در نوافل؛ سجدات واجبة قرآني را بايد در همان وسط قرائت بجاي آورند (يك سجده)، و بعد از سجده برخاسته و در حالت قيام؛ بقيه قرائت نماز و تلاوت يا ركوع را انجام مي دهند. و سجدات مستحبه قرآني را؛ اكتفا به اشاره سر (به عنوان سجده) مي نمايند.

١١- نوافل؛ از جمله صلاة قيام و نوافل شبهاى ماه مبارك رمضان؛ همه اش دو ركعتي است، و تجديد وضو يا خواب يا خوراك ميان آنها اشكالي ندارد.

١٢- شخصي كه انجام نوافل "صلاة قيام" برايش در مشاهد مشرفه؛ يا مسجد جامع يا مسجد محل ميسر نيست، در صورت امكان آنرا در زير آسمان بجاي آورد.

١٣- كسي كه برخي ركعات را در برخي شبها فراموش نموده، يا دير از فضيلت اين نماز مطلع شده، مي تواند ركعات شبهاي گذشته را در شبهاي باقيمانده بجاي آورده؛ و آنرا يكجا يا در چند قسمت تدارك نمايد.

١٤- بعد از روزه ماه مبارك رمضان؛ كه براى متمكنين فريضه بوده، و امساك روزش بقدر ميسور؛ براى معذورين هم مستحب است، با فضيلت ترين عمل اين ماه؛ ختم تلاوت قرآن و نوافل "صلاة القيام" است، و بر ادعيه و اذكار و ساير نمازها ترجيح دارد.

وفقنا الله جميعا للصيام والقيام وختم تلاوة القرآن والسجدات والمناجاة، وأن يبلغنا ليلة القدر و يوصلنا بلقاء الإمام، و المغفرة والرضوان. [شمارة ثبت: (١٤١٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: هزار ركعت نمازی که در شبهای ماه رمضان خوانده می شود؛ آیا می توان آنرا به نیت قضای نماز صبح بجا آورد؟ (چون در میان افراد جاهل غالبا نمازهای صبح قضا می شود).

جواب:

١- اگر قضا دارد؛ که لازم است نماز قضا را مقدم بدارد.

٢- اما نیت نماز: اگر نماز قضاست باید نیت نماز قضا باشد، و اگر نافله ليالي ماه مبارك و هزار ركعت است؛ همین نیت باید باشد، و ترکیب دو نیت صحیح نیست.

٣- البته اينكه كسي پانصد نماز صبح قضا شده را در شبهاي ماه مبارك بجاي آورد؛ كار خوبي است، و حتما ثوابش از قضاي نماز در اوقات ديگر بيشتر است.

٤- اما اينكه با انجام قضاي نماز واجب؛ افزون بر ثواب آن؛ ثواب نافله هزار ركعت شبهاي ماه مبارك را نيز به او بدهند؛ آن ديگر با خداست. يفعل ما يشاء يحكم ما يريد.

٥- و البته اگر به اين شخصي كه نماز قضا بجاي نافله خوانده؛ ثواب آن نافله هزار ركعتي را بدهند، حتما به آن شخصي كه هم نماز واجبش را ادا كرده؛ و هم قضايش را؛ و هم نوافل يوميه اش را؛ و اضافه بر اينها؛ نافله هزار ركعت شبهاي ماه مبارك را بجاي مي آورد؛ خداوند فضيلتي عليحده مي دهد.

خداوند به همه ما توفيق اداي فرايض و نوافل و ساير طاعات را عنايت فرمايد.

آمين. [شمارة ثبت: (١٤٦٨) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: صلوة قيام كه در هر يك از شبهای قدر ١٠٠ ركعت؛ علاوه بر نمازهای شبها دارد، آيا فقط بايد آنرا در شب خواند؟ و يا مي توان اين مقدار را تقسيم بندی نمود؛ و در طول روز هم مقداری از آنرا خواند؟ لطفا راهنمايي بفرماييد.

جواب:

۱- در بیشتر احادیث رسیده؛ زمان انجام این نوافل؛ در شبها تبیین شده است، از جمله آنها بخشي از هزار رکعت این نوافل؛ یعنی این صد رکعت هاست، و صد رکعت دو ساعت بیشتر وقت نمي برد.

۲- البته در برخي از احادیث این تعبیر وارد شده: "هزار رکعت در شب و روز این ماه"، که بنابراین حدیث؛ تدارك نوافل باقیمانده شب در روز هم ممکن است، ازین رو در مورد اضطرار و کسي که شب را از دست داده؛ مي تواند در روزها تدارك و جبران نماید، یا مثلا آن زني که در هفته ای از ماه عادت بوده؛ و بخواهد حتما فضیلت این نماز را نائل شود؛ مي تواند در روزهای طهارت آنرا تدارك و جبران نماید.

۳- همچنین در یکي از دستورالعملهای نوافل شبهاي ماه مبارك رمضان؛ از مقدار تعداد نوافل شبها مقداري کاسته؛ و آن را به صورت چهار رکعت نماز امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ۲ رکعت نماز حضرت زهراء علیهاالسلام و ٤ رکعت نماز جعفر علیه‌السلام توصیه فرموده، که در ٤ روز جمعه و یك شب جمعه این ماه بجای آورند. فلذا ممکن است از این نحو دستور هم کسي استفاده کند، که در صورتي که رجحاني در انجام نماز در روز باشد مثل این سه نماز در روز جمعه؛ در این صورت هم مي شود که روز بجای آورد؛ اما روز خاص مثل جمعه یا صورت این سه نماز.

٤- هرچند با وجود شبهاي بعدی؛ و امکان انجام نوافل باقیمانده از شبهای قبلی در آنها؛ دیگر وجهی برای انجام آن در روزها؛ و از دست دادن فضیلت انجام آن در شبها باقي نمي ماند، مگر به روش فوق که موجب درك فضیلتی دیگر باشد، موفق باشید. [شمارة ثبت: (١٥٣٢) منبع: المسائل الإنترنتية]

❖ **نماز روز یکشنبه ماه:**

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهـای مـاه ذی قعـده آورده شده است.

❖ **خواندن سوره انا فتحنا در یکی از نوافل در هر شب از ماه مبارك رمضان:**

نماز مستقلی نبوده؛ و در هر یك از نوافل که سوره معینی ندارد، می تـوان آنـرا رعایت کرد.

وارد شده است که التزام بدان؛ سبب حفظ شخص در آن سال می شود.

❖ **٦٠ رکعت در تمام ماه مبارك رمضان = هر شب ٢ رکعت:**

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در هر شب ماه رمضان دو رکعـت نمـاز بگزارد، که در هر رکعت آن؛ پس از سوره حمد، سه مرتبه سوره توحیـد خوانـده، و بعد از سلام نماز بگوید:

* سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفَلُ * سُبْحَانَ مَـنْ هُـوَ رَحِـيمٌ لَا يَعْجَلُ * سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو * سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو * پس از آن تسبیحات چهارگانه، سبحان الله و الحمدلله و لا إله إلّا الله و الله اکبر، را هفت مرتبه خوانـده، آنـگاه بگویـد: * سُـبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ * يا عَظيمُ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظـيمَ * پـس از آن ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صلی الله علیه و آله.

خداوند هفتاد هزار گناه او را بیامرزد، سوگند به آنکه مرا بحق به پیـامبری مبعوث فرمود؛ خدای عَزَّ وَجَل به هر رکعتی از نمازش؛ هزار فرشته انگـیزد؛ کـه برای او حسنات بنویسند؛ و از او گناهان محو کنند؛ و برایش درجات بلند نمایند، و به او بدهند ثواب آنکه هفتاد نفر را در راه خدا از اسارت آزاد کرده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه مبارك رمضان:

نمازهای مربوط به شب آغاز سال قمری است؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: حضرت معصوم علیه السلام فرمود: هر که در هنگام ورود به ماه مبارك رمضان نماز بگذارد؛ دو رکعت مستحبی؛ بخواند در رکعت اول؛ سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ و سوره "إنا فتحنا لك فتحا مبينا"، و در رکعت دوم؛ سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ و آن سوره ای که بخواهد.

خداوند در آن سال؛ بدی را از او برطرف کند، و همچنان او در حرز و حفظ الهی بماند تا همین وقت از سال آینده.

❖ نمازهای شب اول ماه مبارك رمضان:

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در اولین شب ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" پانزده مرتبه،

خداوند به او ثواب صدیقین و شهداء را عطا فرموده، و همه گناهانش را بیامرزد، و در روز قیامت از فائزین (برندگان) باشد.

❖ نمازهای شب دوم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب دوم ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "إنا أنزلناه في ليلة القدر" بیست مرتبه،

خداوند همه گناهانش را بیامرزد، و رزق او را توسعه دهد، و از بدي و وسوسه تا یکسال کفایت و در امان باشد.

❖ نمازهای شب سوم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

ده رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب سوم ماه مبارك رمضان؛ ده رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" پنجاه مرتبه،

منادی او را ندا دهد از جانب خداوند عزّ وجلّ: اَلا (ای خلق عالم) بدانید که فلان بن فلان (نام و نشان نمازگزار) از آزاد شدگان خداوند از جهنم است، و دربهای آسمانها برای او باز شود، و هر که آن شب را به عبادت بیدار باشد و زنده نگهدارد؛ خداوند او را بیامرزد.

❖ نمازهای شب چهارم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب چهارم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" بیست مرتبه،

خداوند تبارك وتعالی؛ بالا ببرد عمل این شب او را؛ به مانند عمل هفت نفر از انبیای الهی علیهم السلام که ابلاغ رسالت پروردگارشان نموده اند.

❖ نمازهای شب پنجم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب پنجم ماه مبارك رمضان؛ دو رکعت نماز بگذارد با صد بار سوره "قل هو الله احد"؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" پنجاه مرتبه، و چون از نماز فارغ شود؛ صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد،

در روز قیامت بر درب بهشت با من مزاحمت (همراهی نزدیك) دارد.

❖ نمازهای شب ششم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب ششم ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" و سوره "تبارك الذي بيده الملك"،

به مانند آنست که لیلة القدر را دریابد.

❖ نمازهای شب هفتم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب هفتم ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "إنا أنزلناه في ليلة القدر" سیزده مرتبه،

خداوند برای او قصری از طلا در بهشت عدن بنا فرماید، و او در امان الهی باشد تا همین وقت از ماه رمضان آینده.

❖ نمازهای شب هشتم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب هشتم ماه مبارك رمضان؛ دو رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" یازده (× ده) مرتبه، و هزار مرتبه تسبیح کند (سبحان الله بگوید)،

همه دربهای هشتگانه بهشت برای او گشوده شود؛ تا از هر کدام که بخواهد وارد شود.

تذکر: در نقل مؤلفان ذکر تسبیح "بعد از نماز" ذکر شده، اما آنچه در متن حدیث و نقل شهید اول و کتب ناقلین متن اصلی است؛ تسبیح گفتن جزو محتویات هر

رکعت؛ و به دنبال خواندن حمد و ۱۱ توحید توصیه شده است، فلذا انجام تسبیح در هر رکعت بعد از تلاوت ۱۱ بار سوره توحید می باشد.

❖ نمازهای شب نهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- شش رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب نهم ماه مبارك رمضان؛ بین نماز مغرب و عشاء؛ شش رکعت نماز بگذارد، در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" با هفت مرتبه آیة الکرسی؛ و صلوات فرستد پنجاه مرتبه،

↙ ملائکة بالا(به آسمانها) بروند؛ با عمل او؛ به مانند عمل صدیقین و شهداء و صالحین.

تذکر: در نقل مؤلفان انجام صلوات "بعد از نماز" ذکر شده، اما آنچه در متن حدیث و نقل شهید اول و کتب ناقلین متن اصلی است؛ صلوات فرستادن جزو محتویات هر رکعت؛ و به دنبال خواندن حمد و هفت آیت الکرسی توصیه شده است، فلذا انجام ۵۰ صلوات در هر رکعت بعد از تلاوت هفت آیت الکرسی می باشد.

❖ نمازهای شب دهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- بیست رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب دهم ماه مبارك رمضان؛ بیست رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" سی مرتبه،

- خداوند روزی او را توسعه دهد، و از فائزین (برندگان) باشد.

❖ نمازهای شب یازدهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- دو رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب یازدهم ماه مبارك رمضان؛ دو رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و بیست مرتبه سوره " إنا أعطيناك الكوثر"،
- در آنروز به گناهی آلوده نشود، و اگرچه شیطان تمام تلاشش صرف کند.

❖ نمازهای شب دوازدهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب دوازدهم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "إنا أنزلناه " سي مرتبه،
- خداوند به او ثواب شاکرین را عطا فرموده، و در روز قیامت از فائزین (برندگان) باشد.

❖ نمازهای شب سیزدهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از

نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

- دو رکعت: نماز ليالي بيض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: به این امت (اسلام) سه ماه (بهره مندی فضیلت) داده شده؛ که به هیچیك از امتها داده نشده است؛ رجب و شعبان و ماه رمضان، و سه شب (فضیلتش) داده شده که به کسی مانند آنها داده نشده است؛ شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم از هر ماه (قمری)، و به این امت سه سوره داده شده است؛ که به هیچیك از امتها داده نشده است؛ سوره های یاسین و "تبارك الملك" و "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ"، پس هر که بین این سه ویژگی جمع کند؛ پس جمع کرده است (برای خود) برترین آنچه به این امت داده شده است. عرض شد: چگونه بین این سه جمع کنیم؟ فرمود: نماز بگزارد در هر شب از لیالی بیض از این سه ماه، در شب سیزدهم دو رکعت؛ در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب و این سه سوره، و در شب چهاردهم چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب و این سه سوره، و در شب پانزدهم شش رکعت؛ در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب و این سه سوره، پس بدین نحو به فضیلت این سه ماه نائل می شود، و خداوند هر گناهی از او را می آمرزد بجز شرك.
- چهار رکعت: مولا علی علیه‌السلام فرمود: هر که در شب سیزدهم ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" بیست و پنج مرتبه مرتبه،
- روز قیامت بیاید بر صراط و مثل برق جهنده بگذرد.

❖ نمازهای شب چهاردهم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

شش رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب چهاردهم ماه مبارك رمضان؛ شش رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره " إذا زلزلت" سی مرتبه،

خداوند سکرات موت (جان کندن) و بازخواست منکر و نکیر را برای او سبك گرداند.

❖ نمازهای شب پانزدهم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

شش رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

صد رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب نیمه ماه مبارك رمضان؛ صد رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" صد مرتبه،

چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب نیمه ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در دو رکعت اول بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" صد مرتبه، و در دو رکعت دوم سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" پنجاه مرتبه،

خداوند (بخاطر این دو نماز صد رکعت+چهار رکعت) همه گناهانش را؛ در کمتر از چشم بر هم زدنی؛ بیامرزد، اگرچه به تعداد (حباب) کف روي آب دریاها؛ و دانه ماسه های زمین؛ و عدد ستارگان آسمان؛ و برگ درختان باشد، با آنچه بیشتر از این نزد خداوند برای اوست.

❖ نمازهای شب شانزدهم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

دوازده رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب شانزدهم ماه مبارك رمضان؛ دوازده رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "ألهیکم التکاثر" دوازده مرتبه،

از قبر خود بیرون بیاید؛ در حالیکه سیراب است (و مانند اکثر اهل محشر تشنه نیست)؛ و او ندا می دهد به "شهادة أن لا إله إلا الله" تا اینکه بر عرصه قیامت وارد شود، پس فرمان داده می شود به بردن او به بهشت؛ بدون محاسبه اعمال.

❖ نمازهای شب هفدهم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب هفدهم ماه مبارك رمضان؛ دو رکعت نماز بگذارد؛ در رکعت اول بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یکمرتبه،

وبجای سوره بقدری که برای او میسر شود از تلاوت سور قرآنی، و در رکعت دوم سوره "فاتحة الكتاب" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" صد مرتبه، و بگوید "لا اله الا الله" صد مرتبه،

↙ خداوند به او ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد را عطا فرماید.

تذکر: در نقل مؤلفان انجام تهلیل "بعد از نماز" ذکر شده، اما آنچه در متن حدیث و نقل شهید اول و کتب ناقلین متن اصلی است؛ تهلیل فرستادن جزو محتویات رکعت دوم؛ و به دنبال خواندن صدبار سوره توحید توصیه شده است، فلذا انجام ۱۰۰ بار تهلیل در رکعت دوم بعد از تلاوت صدبار سوره توحید می باشد.

❖ نمازهای شب هجدهم ماه مبارك رمضان:

↙ دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

↙ ۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

↙ چهار رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب هجدهم ماه مبارك رمضان؛ چهار رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره " إنا أعطيناك الكوثر" بیست و پنج مرتبه،

↙ بیرون نرود از دنیا تا اینکه ملك الموت او را بشارت دهد که خداوند عزّ وجلّ از او خشمگین نبوده؛ و از او راضی است.

❖ نمازهای شب نوزدهم ماه مبارك رمضان:

↙ دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۱۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. و ۱۰۰ رکعت آن بعد از آنها، شرح آن قبلا بیان شد.

پنجاه رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان؛ پنجاه رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "إذا زلزلت" پنجاه مرتبه،

خداوند عزّ وجلّ را ملاقات کند مانند کسی که صد حج و صد عمره گذارده، و خداوند از او سایر اعمالش را قبول فرماید.

دو رکعت: نمازهای شبهای قدر (۱۹،۲۱،۲۳) مبارك رمضان: در هر رکعت ، بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید قرائت و پس از سلام نماز، هفتاد مرتبه ذکر می شود: استغفر الله و اتوب الیه.

❖ نمازهای شب بیستم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیستم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و هر سوره ای که بخواهد،

خداوند همه گناهانش (از گذشته و آینده) را بیامرزد.

۴۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۱۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نمازهای شب بیست و یکم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۱۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. و ۱۰۰ رکعت آن بعد از آنها، شرح آن قبلا بیان شد.
- دو رکعت: نمازهای شبهای قدر (۱۹،۲۱،۲۳) مبارك رمضان: در هر رکعت ، بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید قرائت و پس از سلام نماز، هفتاد مرتبه ذکر می شود: استغفر الله و اتوب الیه.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و یکم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد (بدون تعیین جزئیات)،
  - دربهای هفت آسمان برای او گشوده شود، و دعای او مستجاب گردد ، با آنچه بیشتر از این نزد خداوند برای اوست.

نمازهای شب بیست و دوم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و دوم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد (بدون تعیین جزئیات)،
  - همه دربهای هشتگانه بهشت برای او گشوده شود؛ تا از هر کدام که بخواهد وارد شود.

❖ نمازهای شب بیست و سوم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۱۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. و ۱۰۰ رکعت آن بعد از آنها، شرح آن قبلا بیان شد.
- دو رکعت: نمازهای شبهای قدر (۱۹،۲۱،۲۳) مبارك رمضان: در هر رکعت ، بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید قرائت و پس از سلام نماز، هفتاد مرتبه ذکر می شود: استغفر الله و اتوب الیه.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و سوم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد (بدون تعیین جزئیات)،
  - دربهای هفت آسمان برای او گشوده شود، و دعای او مستجاب گردد ، با آنچه بیشتر از این نزد خداوند برای اوست.

❖ نمازهای شب بیست و چهارم ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و چهارم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد و در قرائت نماز هر سوره ای که بخواهد بخواند،
  - برای او باشد از ثواب مانند آنکه حج و عمره گذارده است.

❖ **نمازهای شب بیست و پنجم ماه مبارك رمضان:**

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و پنجم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" ده مرتبه،

↙ خداوند برای او ثواب عابدین را بنویسد.

❖ **نمازهای شب بیست و ششم ماه مبارك رمضان:**

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- هشت رکعت: مولا علی علیه السلام فرمود: هر که در شب بیست و ششم ماه مبارك رمضان؛ هشت رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" صد مرتبه،

↙ دربهای هفت آسمان برای او گشوده شود، و دعای او مستجاب گردد ، با آنچه بیشتر از این نزد خداوند برای اوست.

❖ **نمازهای شب بیست و هفتم ماه مبارك رمضان:**

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

خداوند او و والدینش را بیامرزد.

❖ نمازهای شب بیست و هشتم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

شش رکعت: مولا علی علیه‌السلام فرمود: هر که در شب بیست و هشتم ماه مبارك رمضان؛ شش رکعت نماز بگذارد با سوره "فاتحة الكتاب" یکمرتبه، و ده مرتبه آیت الکرسی، و ده مرتبه سوره " إنا أعطيناك الكوثر" و ده مرتبه سوره "قل هو الله احد" و بر پیامبر و آل او صلی‌الله‌علیه‌وآله صلوات فرستد،

خداوند او را بیامرزد.

❖ نمازهای شب بیست و نهم ماه مبارك رمضان:

دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.

۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: مولا علی علیه‌السلام فرمود: هر که در شب بیست و نهم ماه مبارك رمضان؛ دو رکعت نماز بگذارد؛ با سوره "فاتحة الكتاب" یکمرتبه، و و سوره "قل هو الله احد" بیست مرتبه،

او جزو رحمت شدگان الهی بمیرد، و نامه اعمال او در اعلا علیین بالا ببرند.

❖ نمازهای شب آخر ماه مبارك رمضان:

- دو رکعت: در همه شبهای ماه مبارك رمضان: شرح آن قبلا بیان شد.
- ۳۰ رکعت: از صلاة قیام (هزار رکعت نوافل ماه رمضان)، ۸ رکعت آن بعد از نافله مغرب، و ۲۲ رکعت آن بعد از نافله عشاء. شرح آن قبلا بیان شد.
- دوازده رکعت: مولا علی علیه‌السلام فرمود: هر که در شب آخر ماه مبارك رمضان؛ دوازده رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" را یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" را بیست مرتبه، و صد مرتبه صلوات فرستد، ↙ خداوند سرانجام او را با رحمت ختم فرماید.

تذکر: در نقل برخی مؤلفان انجام صلوات "بعد از نماز" ذکر شده، اما آنچه در متن حدیث و نقل شهید اول و کتب ناقلین متن اصلی است؛ صلوات فرستادن جزو محتویات هر رکعت؛ و به دنبال خواندن بیست سوره توحید توصیه شده است، فلذا انجام ۱۰۰ بار صلوات در هر رکعت بعد از تلاوت بیست سوره توحید می باشد.

- ده رکعت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که در آخرین شب ماه مبارك رمضان؛ ده رکعت نماز بگذارد؛ در هر رکعت بخواند سوره فَاتِحَةَ الْکِتَابِ یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" ده مرتبه، و در رکوع و سجود نماز ده مرتبه بگوید: **سبحان الله و الحمدلله و لا إله إلّا الله و الله اکبر**، و در هر دو رکعتی، تشهد و سلام دهد. وقتی از تمام ده رکعت فارغ شد، هزار مرتبه "**أستغفرالله**" بگوید، و چون از اسغفار فارغ شد؛ سجده کند و بگوید در سجودش: * یا حيّ یا قیّوم * یا ذالجلال و الإکرام * یا رحمان الدّنیا و الآخرة و رحیمهما * یا أرحم الرّاحمین * یا إله الأوّلین و الآخرین * إغفر لنا ذنوبنا * و تقبّل منّا صلوتنا و صیامنا و قیامنا *

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ همانا جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد از اسرافیل علیه السلام از پروردگارش (تبارك و تعالی) که: نمازگزار؛ سر از سجود برندارد تا اینکه خداوند او را آمرزیده؛ و اگرچه گناه کرده باشد؛ هفتاد گناه کرده باشد، هر گناه عظیمتر گناه همه بندگان، و خداوند می پذیرد اعمال همه مردمانی که اهل محل او هستند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل علیه السلام گفت: ای جبرئیل؛ آیا خداوند ماه رمضان را از او می پذیرد بطور خاص؛ و از مردمان شهرش بطور عموم؟ پس جبرئیل علیه السلام گفت: آری؛ سوگند به آنکه تو را به پیامبری مبعوث فرمود، این بخاطر کرامت و گرامی بودن این بنده نزد خداوند و عظمت منزلت او نزد خداوند است. خداوند از او و آنها؛ نمازشان و روزه شان و شب زنده داریشان را قبول می فرماید، و گناهانشان را می آمرزد، و دعاهایشان را مستجاب می فرماید. سوگند به آنکه مرا بحق مبعوث فرمود: همانا آنکه این نماز را بگذارد و این استغفار را بنماید، خداوند از او نماز و روزه و شب زنده داریش را قبول می فرماید، و گناهانشان را می آمرزد، و دعاهایشان را مستجاب می فرماید. چونکه خداوند (تبارك و تعالی) در کتابش می گوید: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾، و می گوید: ﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ، ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ﴾، و گفت: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾، می گوید: ﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾، و می گوید: ﴿وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این (نماز) هدیه ای مخصوص برای من و برای امتم از مردان و زنان است؛ و خداوند عزّ وجلّ آنرا عطا نفرموده است به احدی از آنانکه قبل از من بودند، از پیامبران و غیر ایشان.

نمازهای ماه شوال

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه شوال:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نمازهای شب اول یا شب عید فطر:

بعد از نماز مغرب و نافله آن؛ دو رکعت نماز بجا آورد، در رکعت اول؛ بعد از سوره حمد؛ هزار مرتبه سوره توحید (و آنکه نتواند صد مرتبه)، و در رکعت دوم یکمرتبه سوره توحید بخواند، و بعد از سلام سر به سجده گذارد، و صد مرتبه بگوید: * أتوب إلى الله * پس بگوید: * يا ذا المنّ و الجود * يا ذا المنّ و الطول * يا مصطفي محمّد * صلى الله عليه و آله * و افعل بي ... * و حاجات خود را بطلبد. و بعد از نماز این دعا را نیز بخواند:

* يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ * يا رَحْمانُ يا اللّٰهُ * يا رَحيمُ يا اللّٰهُ * يا مَلِكُ يا اللّٰهُ * يا قُدُّوسُ يا اللّٰهُ * يا سَلامُ يا اللّٰهُ * يا مؤْمِنُ يا اللّٰهُ * يا مُهَيْمِنُ يا اللّٰهُ * يا عَزيزُ يا اللّٰهُ * يا جَبّارُ يا اللّٰهُ * يا مُتَكَبِّرُ يا اللّٰهُ * يا خالِقُ يا اللّٰهُ * يا بارِئُ يا اللّٰهُ * يا مُصَوِّرُ يا اللّٰهُ * يا عالِمُ يا اللّٰهُ * يا عَظيمُ يا اللّٰهُ * يا عَليمُ يا اللّٰهُ * يا كَريمُ يا اللّٰهُ * يا حَليمُ يا اللّٰهُ * يا حَكيمُ يا اللّٰهُ * يا سَميعُ يا

اللهُ * يا بَصيرُ يا اللهُ * يا قَريبُ يا اللهُ * يا مُجيبُ يـا اللهُ * يـا
جَوادُ يا اللهُ * يا ماجِدُ يا اللهُ * يا مَلِيُّ يا اللهُ * يا وَفِيُّ يـا اللهُ *
يا مَوْلى يا اللهُ * يا قاضي يا اللهُ * يا سَريعُ يا اللهُ * يا شَديدُ يـا
اللهُ * يا رَؤوفُ يا اللهُ * يا رَقيبُ يا اللهُ * يا مَجيدُ يـا اللهُ * يـا
حَفيظُ يا اللهُ * يا مُحيطُ يا اللهُ * يا سَيِّدَ السّاداتِ يـا اللهُ * يـا
أوَّلُ يا اللهُ * يا آخِرُ يا اللهُ * يا ظاهِرُ يا اللهُ * يا باطِنُ يا اللهُ *
يا فاخِرُ يا اللهُ * يا قاهِرُ يا اللهُ * يا رَبّاهُ يا اللهُ * يا رَبّاهُ يـا اللهُ
* يا رَبّاهُ يا اللهُ * يا وَدُودُ يا اللهُ * يا نُورُ يا اللهُ * يا رافِعُ يا اللهُ
* يا مانِعُ يا اللهُ * يا دافِعُ يا اللهُ * يا فاتِحُ يا اللهُ * يا نَفّـاحُ يـا
اللهُ * يا جَليلُ يا اللهُ * يا جَميلُ يا اللهُ * يا شَهيدُ يـا اللهُ * يـا
شاهِدُ يا اللهُ * يا مُغيثُ يا اللهُ * يا حَبيبُ يا اللهُ * يا فاطِرُ يـا
اللهُ * يا مُطَهِّرُ يا اللهُ * يا مَلِكُ يا اللهُ * يا مُقْتَدِرُ يـا اللهُ * يـا
قابِضُ يا اللهُ * يا باسِطُ يا اللهُ * يا مُحْيِيُ يا اللهُ * يا مُميتُ يا اللهُ
* يا باعِثُ يا اللهُ * يا وارِثُ يـا اللهُ * يـا مُعطـي يـا اللهُ * يـا
مُفْضِلُ يا اللهُ * يا مُنْعِمُ يا اللهُ * يا حَقُّ يا اللهُ * يا مُبينُ يا اللهُ
* يا طَيِّبُ يا اللهُ * يا مُحْسِنُ يا اللهُ * يا مُجْمِلُ يا اللهُ * يا مُبْدِئُ
يا اللهُ * يا مُعيدُ يا اللهُ * يا بارِئُ يا اللهُ * يا بَديعُ يـا اللهُ * يـا
هادي يا اللهُ * يا كافي يا اللهُ * يا شافي يا اللهُ * يا عَلِيُّ يا اللهُ *

يا عَظيمُ يا اللّٰهُ * يا حَنّانُ يا اللّٰهُ * يا مَنّانُ يا اللّٰهُ * يا ذَا الْطَّوْلِ يا اللّٰهُ * يا مُتَعالي يا اللّٰهُ * يا عَدْلُ يا اللّٰهُ * يـا ذَا الْمَعـارِجِ يـا اللّٰهُ * يا صادِقُ يا اللّٰهُ * يا صَدُوقُ يا اللّٰهُ * يا دَيّانُ يا اللّٰهُ * يـا باقي يا اللّٰهُ * يا واقي يا اللّٰهُ * يا ذَا الْجَلالِ يا اللّٰهُ * يا ذَا الإكْرامِ يا اللّٰهُ * يا مَحْمُودُ يا اللّٰهُ * يا مَعْبُودُ يا اللّٰهُ * يا صانِعُ يا اللّٰهُ * يا مُعينُ يا اللّٰهُ * يا مُكَوِّنُ يا اللّٰهُ * يا فَعّالُ يا اللّٰهُ * يا لَطيفُ يـا اللّٰهُ * يا غَفُورُ يا اللّٰهُ * يا شَكُورُ يا اللّٰهُ * يا نُـورُ يـا اللّٰهُ * يـا قَديرُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّاهُ يا اللّٰهُ * يا رَبّـاهُ * أسْـئلُكَ أنْ تُـصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضاكَ * وَ تَعْفُوَ عَنّي بِحِلْمِكَ * وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ * وَ مِنْ حَيْثُ أحْتَسِبُ * وَ مِنْ حَيْثُ لا أحْتَسِبُ * فَإنّي عَبْدُكَ * لَيْسَ لي أحَدٌ سِواكَ * وَ لا أحَدٌ أسْئَلُهُ غَيْرُكَ * يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ * ما شاءَ اللّٰهُ * لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ * آنگاه سجده کند و در سجده بگويـد: يا اللّٰهُ يـا اللّٰهُ يا اللّٰهُ * يا رَبُّ رَبُّ رَبُّ * يا مُنْزِلَ الْبَرَكاتِ * بِكَ تُـنْزَلُ كُلُّ حاجَة * أسْـئلُكَ بِكُـلِّ اسْـم في مَخْـزُونِ الْغَيْـبِ عِنْـدَكَ * وَ الأسْماءِ الْمَشْهُورةِ عِنْدَكَ * الْمَكْتُوبَةِ عَلى سُرادِقِ عَرْشِكَ * أنْ

تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ أنْ تَقْبَلَ مِنّي شَهْرَ رَمَضانَ وَ تَكْتُبَني مِنَ الْوافِدينَ إلى بَيْتِكَ الْحَرامِ * وَ تَصْفَحَ لي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ * وَ تَسْتَخْرِجَ لي يا رَبِّ كُنُوزَكَ يا رَحْمانُ *

حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام، اين دو ركعت را با اين كيفيت بجا آورده، سپس سر از سجده بر مي داشت؛ و مي فرمود: بحق آن خداوندی كه جانم بدست قدرت اوست؛ هر كه اين نماز را بگزارد، هر حاجت از خدا بطلبد؛ البته عطا كند و اگر به عدد ريگهای بيابان گناه داشته باشد، خداوند بيامرزد.

چهارده ركعت (۷×۲) نماز، در هر ركعت سوره حمد و آيت الكرسي و ۳ بار توحيد بخواند، خداوند برای هر ركعت ثواب عبادت ۴۰ سال و عبادت همه آنانكه در اين ماه (رمضان) روزه گرفته و نماز خوانده را به او عطا بفرمايد، و برای اين عمل فضيلت عظيم ديگری هم بيان شده است.

شش ركعت (۳×۲) نماز كند در هر ركعت حمد يك بار و توحيد پنج مرتبه خداوند شفاعت او را درباره خاندانش قبول كند ولو همه آنها از اهل آتش باشند.

ده ركعت (۵×۲) نماز در هر ركعت حمد يكبار و توحيد ۱۰ بار، و بجای تسبيح ركوع و سجود ۱۰ بار بگويد: * سُبْحانَ اللهِ وَ الحَمْدُ للهِ وَ لَا إلهَ إلّا اللهُ وَ اللهُ أكْبَرُ * بعد از فراغت از ۱۰ ركعت، هزار بار استغفار كند: * أسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أتُوبُ إلَيْهِ * بعد از استغفار به سجده برود و در سجودش بگويد: * يا حَيّ يا قَيُّومُ * يا ذا الجَلالِ وَ الإكْرامِ * يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَ الآخرَةِ وَ رَحِيمَهُما * يا أرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يا إلهَ الأوَّلِينَ وَ

الآخِرِينَ * إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي * وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَلاتِي وَ قِيامِي *

سر از سجده بر ندارد مگر اینکه خداوند او را آمرزیده؛ و از گناهانش بگذرد، و روزه اش را قبول کند. [شمارة ثبت: (١٥٣٤) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه ذی قعده

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه ذی قعده:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نماز روز یکشنبه ماه ذي قعده:

سؤال: با توجه به اينكه در ماه ذي قعده هستيم؛ مي خواستم يك تذكري به بنده بدهيد؛ تا بيشتر از بركات معنوي اين ماه بهرمند بشوم.

جواب: خودم و شما را به سه رهنمود از كلام خازنان وحي عليهم السلام تذكر مي دهم، اميدوارم كه از بركات حضرت وجه الله همه ما با عافيت كامل و به نحو اكمل از بركات اين ماه شريف فيض ببريم، ان شاء الله:

١- اول ماه ذي قعده شروع ايام ميقات حضرت موسى كليم الله عليه السلام است، كه تا دهم ذي حجه؛ اين اربعين كامل مي شود، ولذاست كه همواره اين هنگام؛ موسم توشه چيني اهل معرفت و اولياى الهي بوده است.

٢- اين ماه هنگام استجابت دعا؛ بويژه براى دفع دشمن حق و رفع شدايد؛ بسيار مناسب مي باشد.

٣- جناب سيد بن طاووس نمازى با فضيلت بسيار روايت كرده، و شرح آن چنين است: حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله روز يكشنبه در ماه ذى القعده بيرون آمد و گفت: اى مردم، كداميك از شماست كه مى خواهد توبه كند؟ گفتند: يا رسول

الله؛ همه ما می خواهیم توبه کنیم، پس حضرتش فرمود: غسل کنید و وضو بگیرید، و چهار رکعت نماز گزارید، و در هر رکعت؛ بخوانید سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ یکمرتبه، و سوره "قل هو الله احد" سه مرتبه، و معوذتین (فلق+ناس) یك مرتبه، پس (از این چهار رکعت نماز) استغفار کنید هفتاد مرتبه، و استغفار را ختم کنید به "لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ" سپس بگویید: * يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ * اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي؛ وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلا أَنْتَ *

آنگاه حضرت پیامبر ﷺ فرمود: هیچ بنده ای از امت من نیست که این عمل را بجای آورد؛ مگر اینکه از آسمان ندا داده شود، ای بنده خداوند، عمل خود را از سر بگیر، همانا توبه‌ات مقبول و گناهت آمرزیده است، و ندا دهد منادی دیگری: ای بنده؛ خصمای تو (طلبکاران و ناراضیان از تو) در روز قیامت از تو راضی شوند، و فرشته دیگری ندا دهد: ای بنده؛ تو بر حالت ایمان از دنیا بروی و دین از تو گرفته نشود، و قبرت گشاده شود، و در آن روشنایی برقرار شود، و منادی دیگری ندا دهد: و والدینت از تو راضی گردند اگر از تو خشمگین باشند، و مغفرت شامل حال والدین تو و ذریه ات گردد، و تو در وسعت رزق خواهی بود؛ در دنیا و آخرت. و جبرئیل علیه السلام ندا دهد: منم آنکه می آید همراه ملك الموت؛ تا با تو (در وقت مردن) مدارا کند، و اثر جان دادن بر تو خدشه ای نیاورد، و همانا روح از جسد تو به روانی و آهستگی بیرون شود.

پس گفتند: یا رسول الله؛ اگر بنده ای این عمل در غیر این ماه بجای آورد؟ پس حضرت پیامبر ﷺ فرمود: مثل همانکه توصیف کردم (یعنی این عمل همان آثار و نتایج را در ماههای دیگر نیز دارد)، سپس حضرت رسول الله ﷺ

فرمودند: اين دستور العمل را جبرئيل به من آموخت؛ در وقتي كه مرا به معـراج برد. (در نشر قبلی اين دستورالعمل؛ به خلاصه و نقل علماء اكتفا شد، و در نـشر فعلی متن كامل حديث نقل گرديد).

⇦ برای اطلاع بيشتر از اعمال و برنامه هـای ايـن مـاه؛ مي توانيـد بـه كتـاب شريف اقبال الأعمال سيد بن طـاووس مراجعـه نماييـد. [شـمارة ثبت: (١٢٧٧) منبع: المسائل الهمدانية]

نمازهای ماه ذي حجه

❖ نماز روز يكشنبه ماه:

⇚ نماز مخصوص توبه و فضائل بسيار؛ كه شرح آن در نمازهـای مـاه ذی قعـده آورده شده است.

❖ نمازهای شب يا روز اول ذی حجه:

⇚ انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ كه شرح آن قبلا بيان شد.

❖ نمازهای شبهای دهه اول:

⇚ خواندن دو ركعت نماز مابين مغرب و عشاء در تمام شبهای اول تا دهـم، در هر ركعت؛ بعد از سوره حمد يك مرتبه سوره توحيد؛ و سپس اين آيه را بخواند:

﴿وَ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، وَ أَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ، فَـتَمّ مِيقَـاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَـوْمِي، وَ أَصْلِحْ، وَ لَا تَتّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾

⇙ هر كه چنين كند با ثواب حاجيان شريك خواهد بود.

❖ **نمازهای روز اول ذی حجه:**

گزاردن نماز حضرت فاطمه عليها السلام چهار رکعت (۲×۲)، در هر رکعت؛ بعد از سوره حمد ۵۰ مرتبه سوره توحید، بعد از نماز؛ تسبیحات فاطمیه (۳٤ الله اکبر ۳۳ سبحان الله ۳۳ الحمدلله)، و بعد از آن؛ این دعا را بخواند: * سبحان الله ذی العزّ الشّامخ المنیف * سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم * سبحان ذی المُلك الفاخر القدیم * سبحان من یری أثر النّملة في الصّفا * سبحان من یری وَقْع الطّیر في الهواء * سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره *

گزاردن دو رکعت نماز در نیم ساعت قبل زوال، در هر رکعت؛ بعد از سوره حمد، آیت الکرسي ۱۰ بار، و سوره توحید ۱۰ بار، و سوره قدر ۱۰ بار.

❖ **نمازهای روز نهم ذی حجه یا عرفه:**

گزاردن نماز انبیاء و اوصیای الهی عليهم السلام (در عرفات)؛ ۱۰۰ رکعت (پنجاه دو رکعتی) در هر رکعت سوره توحید، و نماز را به آیت الکرسي ختم نماید.

گزاردن چهار رکعت: نماز امیرالمؤمنین عليه السلام (هر رکعت حمد و پنجاه توحید).

گزاردن ۱۲ رکعت (٦×۲) نماز قبل از ظهر و شروع اعمال مخصوص عرفه، در هر رکعت؛ بعد از سوره حمد، آیت الکرسي و سوره توحید یکبار بخواند، بعد از اتمام نماز؛ بقدری که برایش میسر است قرآن تلاوت کند، و به سجده رود و دستهایش را بالا ببرد، و بگوید: * سبحان من لبس العزّ و فاز به * سبحان من تعطّف بالحلم و تکرّم به * سبحان من أحصی کلّ

شيئ و علم به * سبحان من لا ينبغي أن يُسَبَّحَ سواه * سبحان ذي العزّ و القدرة * سبحان العظيم الأعظم * أسئلك يا ربّ بمعاقد العزّ من عرشك * و باسمك العظيم * و أسئلك بالمستجاب من دعاءك * و بنور وجهك أن تصلّي على محمّد و آل محمّد * و دعا كند براى آنچه مى خواهد.

گزاردن دو ركعت نماز؛ زير آسمان؛ و قبل از ظهر و شروع اعمال مخصوص عرفه، بعد از نماز اعتراف به تفاصيل و اجمال گناهان و تقصيرات و طلب مغفرت، حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: به آنچه وقوف كنندگان در عرفات مي رسند؛ نائل مى شود، وگناهان گذشته و آينده اش آمرزيده شود.

گزاردن دو ركعت نماز بعد از نماز عصر و قبل از شروع اعمال مخصوص عرفه، در ركعت اول بعد از سوره حمد، سوره جحد (كافرون)، و در ركعت دوم بعد از سوره حمد، سوره توحيد، و بعد از نماز اعتراف به تفاصيل و اجمال گناهان و تقصيرات و طلب مغفرت.

❖ نمازهای هجدهم ذي حجه:

شرح نمازهای شب و روز ۱۸ ذيحجه، بخاطر اهميت مناسبت آن؛ بطور مستقل؛ قبلا در فصل "نماز عيدُ اللهِ الأكبر (بزرگترين عيد الهى)" ذكر شد.

❖ نمازهای روز بيست و چهارم ذى حجه:

حضرت امام كاظم عليه السلام فرموده اند: براى شكرگزاري نعمت بزرگ الهى؛ آشكار شدن فضيلت اهل بيت عليهم السلام در واقعه مباهله و نزول آيه شريفه ﴿تَعَالَوْاْ

نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءكُمْ وَنِسَاءنَا وَنِسَاءكُمْ وَأَنفُسَنَا وأَنفُسَكُمْ﴾ در این روز روزه گرفته و غسل کند و تمیزترین و نیکوترین لباسهایش را بپوشد و بقدری که تمکن دارد خود را معطر کند، و در خانه نمانده و از خانه بیرون بیاید، و به زیارت بارگاه ولي از اولياي الهی رفته و زیارت کند و یا به جای خلوت یا کوه بلند یا دامنه سبز و خرمی برود، وقتی به محل ادای حق عنایت الهی و دعا و درخواست حاجت از خداوند (بوسیله حضرات ایشان) رسید؛ ساعتی نماز بگزارد هر قدر که بخواهد؛ دو رکعتي؛ دو رکعتی؛ با قرائت (هر سوره) و (هر مقدار) تسبیح (رکوع و سجود)، آنگاه که تشهد گزارد و سلام داد؛ بعد هر دو رکعتی هفتاد بار استغفار کند، سپس چون از نماز فارغ شد، بایستد و دستها به دعا بلند کند و با نگاهی به محل سجده و گوشه چشمی به آسمان نظر کرده و بگوید:

* الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ * الْحَمْدُ لِلّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ* الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ* الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ * وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ * ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ * الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي مَا كُنْتُ بِهِ جاهِلًا * وَ لَوْ لَا تَعْرِيفُكَ (تَعْرِيفُهُ) إِيَّايَ لَكُنْتُ (هَالِكًا) مِنَ الْهَالِكِينَ * إِذْ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ (إِذْ قَالَ وَ قَوْلُهُ) الْحَقُّ: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى * فَبَيَّنْتَ (فَبَيَّنَ) لِي الْقَرَابَةَ * وَ قُلْتَ (فَقَالَ سُبْحَانَهُ) إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * فَبَيَّنْتَ (فَبَيَّنَ)

لِي الْبَيْتَ بَعْدَ الْقَرَابَةِ * ثُمَّ بِتَفَضُّلِكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ أَرَدْتَ مَعْرِفَتَهُمْ بِالْأَهْلِ * فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكاذِبِينَ * فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَ لَكَ الْمَنُّ * حَيْثُ هَدَيْتَنِي وَ أَرْشَدْتَنِي * حَتَّى لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْأَهْلُ وَ الْبَيْتُ وَ الْقَرَابَةُ * فَعَرَّفْتَنِي نِسَاءَهُمْ وَ أَوْلَادَهُمْ وَ رِجَالَهُمُ * ثُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ (قَالَ تَعَالَى) مُبَيِّنًا عَنِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا (أَمَرَنَا) بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِمْ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ * فَأَوْضَحْتَ عَنْهُمْ وَ أَبَنْتَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ (فَأَوْضَحَ عَنْهُمْ وَ أَبَانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ) * اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذَلِكَ الْمَقَامِ الَّذِي لَا يَكُونُ أَعْظَمَ فَضْلًا مِنْهُ (مِنْهُ فَضْلًا) لِلْمُؤْمِنِينَ * وَ لَا أَكْثَرَ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِيفِكَ إِيَّاهُمْ شَأْنَهُ (رَحْمَةً بِمَعْرِفَتِكَ إِيَّاهُمْ) * وَ إِبَانَتِكَ فَضْلَ أَهْلِهِ الَّذِينَ بِهِمْ أَدْحَضْتَ بَاطِلَ أَعْدَائِكَ؛ وَ ثَبَّتَّ بِهِمْ قَوَاعِدَ دِينِكَ * فَلَوْلَا (وَ لَوْلَا) هَذَا الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي أَنْقَذْتَنَا بِهِ * وَ دَلَلْتَنَا عَلَى اتِّبَاعِ الْمُحِقِّينَ (الْمُحِقِّقِينَ) مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ عِتْرَتِهِ الصَّادِقِينَ عَنْكَ *

الَّذِينَ عَصَمْتَهُمْ مِنْ لَغْوِ الْمَقَالِ وَ مَدَانِسِ الْأَفْعَالِ * لَخُصِمَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَ ظَهَرَتْ كَلِمَةُ أَهْلِ الْإِلْحَادِ وَ فِعْلُ أُولِي الْعِنَادِ * فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى نَعْمَائِكَ وَ أَيَادِيكَ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * الَّذِينَ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ * وَ عَقَدْتَ فِي رِقَابِنَا وَلَايَتَهُمْ * وَ أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِمْ * وَ شَرَّفْتَنَا بِاتِّبَاعِ آثَارِهِمْ * وَ ثَبَّتَنَا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ الَّذِي عَرَّفُونَاهُ * فَأَعِنَّا عَلَى الْأَخْذِ بِمَا بَصَّرُونَاهُ * وَ اجْزِ مُحَمَّدًا عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ * بِمَا نَصَحَ لِخَلْقِكَ * وَ بَذَلَ وُسْعَهُ فِي إِبْلَاغِ رِسَالَتِكَ * وَ أَخْطَرَ بِنَفْسِهِ فِي إِقَامَةِ دِينِكَ * وَ صَلِّ عَلَى أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ؛ وَ الْهَادِي إِلَى دِينِهِ؛ وَ الْقَيِّمِ بِسُنَّتِهِ؛ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ أَبْنَائِهِ الصَّادِقِينَ * الَّذِينَ وَصَلْتَ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ * وَ أَدْخِلْنَا بِشَفَاعَتِهِمْ (فِي شَفَاعَتِهِمِ) دَارَ كَرَامَتِكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ وَ الْعَبَاءِ يَوْمَ الْمُبَاهَلَةِ، اجْعَلْهُمْ شُفَعَاءَنَا * أَسْئَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَ الْيَوْمِ الْمَشْهُودِ * أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَتُوبَ عَلَيَّ * إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ (أُشْهِدُكَ) أَنَّ أَرْوَاحَهُمْ وَ طِينَتَهُمْ وَاحِدَةٌ * وَ هِيَ الشَّجَرَةُ الَّتِي طَابَ أَصْلُهَا وَ أَغْصَانُهَا وَ أَوْرَاقُهَا * اللَّهُمَّ فَارْحَمْنَا بِحَقِّهِمْ وَ

أَجِرْنَا مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِوِلَايَتِهِمْ * وَ أَوْرِدْنَا مَوَارِدَ الْأَمْنِ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِحُبِّهِمْ * وَ إِقْرَارِنَا بِفَضْلِهِمْ وَ اتِّبَاعِنَا آثَارَهُمْ وَ اهْتِدَائِنَا بِهُدَاهُمْ * وَ اعْتِقَادِنَا مَا عَرَّفُونَاهُ مِنْ تَوْحِيدِكَ * وَ وَقَّفُونَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيمِ شَأْنِكَ * وَ تَقْدِيسِ أَسْمَائِكَ، وَ شُكْرِ آلَائِكَ * وَ نَفْيِ الصِّفَاتِ أَنْ تَحُلَّكَ؛ وَ الْعِلْمِ أَنْ يُحِيطَ بِكَ؛ وَ الْوَهْمِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ * فَإِنَّكَ أَقَمْتَهُمْ حُجَجاً عَلَى خَلْقِكَ * وَ دَلَائِلَ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَ مَا يُسْتَدَلُّ بِوَحْدَانِيَّتِكَ * وَ هُدَاةً تُنَبِّهُ عَنْ أَمْرِكَ * وَ تَهْدِي إِلَى دِينِكَ * وَ تُوضِحُ مَا أَشْكَلَ عَلَى عِبَادِكَ * وَ بَابًا لِلْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُكَ (لِلْمُعْجِزَاتِ بِعِلْمِكَ الَّذِي يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُهُمْ) * وَ بِهَا تَبِينُ حُجَّتُكَ * وَ تَدْعُو إِلَى تَعْظِيمِ السَّفِيرِ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ * وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ * وَ اخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ * وَ اصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ * وَ أَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ تَأْوِيلِكَ * وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ أقمتهم من بَيْنَ خَلْقِكَ * وَ نَقَلْتَهُمْ مِنْ عِبَادِك * فَجَعَلْتَهُمِ مُطَهَّرِينَ أُصُولًا وَ فُرُوعًا وَ مَنْبَتًا * رَحْمَةً بِخَلْقِكَ؛ وَ لُطْفًا بِعِبَادِكَ؛ وَ حَنَانًا عَلَى بَرِيَّتِكَ * وَ عِلْمًا بِمَا تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمَائِرُ أُمَنَائِكَ * وَ مَا

يَكُونُ مِنْ شَأْنِ صَفْوَتِكَ * وَ طَهَّرْتَهُمْ فِي مَنْشَئِهِمْ وَ مُبْتَدَئِهِمْ * وَ حَرَسْتَهُمْ مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ إِلَيْهِمْ * وَ أَرَيْتَهُمْ بُرْهَانًا عَلَى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ * فَاسْتَجَابُوا لِأَمْرِكَ * وَ شَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ * وَ مَلَأُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ * وَ عَمَرُوا قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ * وَ جَزَّؤُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ * وَ أَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ عَنْكَ * فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِنَ لِإِرَادَتِكَ * وَ عُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ * وَ أَلْسِنَتَهُمْ تَرَاجِمَةً لِسُنَّتِكَ * ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ؛ حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَ الْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ * فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ * وَ أَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ (عليهم) كِتَابَكَ * وَ أَمَرْتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ (بهما) * وَ الرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَ الِاسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ * اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَ بِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ * الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ لَنَا دَلِيلًا وَ عَلَمًا * وَ أَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ * اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ * فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ: فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ بِهِمْ وَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمْ * الْمُنْتَظِرِينَ لِأَيَّامِهِمْ * النَّاظِرِينَ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ * وَ لَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا * وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

الْوَهَّابُ * آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَخِيهِ وَ صِنْوِهِ * أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَ قِبْلَةِ الْعَارِفِينَ * وَ عَلَمِ الْمُهْتَدِينَ * وَ ثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ * الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ * وَ بَاهَلَ اللهُ بِهِمُ الْمُبَاهِلِينَ * فَقَالَ وَ هُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ؛ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ؛ فَقُلْ تَعالَوْا؛ نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ؛ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكاذِبِينَ * ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمَخْصُوصُ بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمَ الْإِخَاءِ * وَ الْمُوثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ الطَّوِيِّ * وَ مَنْ شَكَرَ اللهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى * وَ مَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ * وَ أَقَرَّ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدُوهُ * مَوْلَى الْأَنَامِ وَ مُكَسِّرُ الْأَصْنَامِ * وَ مَنْ لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ * صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ وَ عَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ؛ وَ الْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ * مَا طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ؛ وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ *

و (اگر بتواند) در هر موضع دعا (اللّٰهُمَّ...) دو رکعت نماز کند، سپس در آن محل بماند تا زوال ظهر؛ بلکه تا بعد از عصر و هنگام زرد شدن نور خورشید، و هر کدام میسر شود خوب است.

نیم ساعت قبل زوال، نماز شکرانه بگزارد؛ برای آشکار شدن فضیلت حضرت مولاعلي عليه السلام در تصدّق انگشتر به سائل در حین رکوع، و نزول آیه

شريفه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَن يَتَوَلَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾، دو ركعت نماز؛ در هر ركعت بعد از سوره حمد؛ سوره توحيد را ۱۰ بار، و آيت الكرسي (تا... هم فيها خالدون) را ۱۰ بار، و سوره قدر را ده بار می خواند.

✔ انجام اين نماز نزد خداوند ثواب صدهزار حج و صد هزار عمره را داشته؛ و هيچ حاجت دنيوی يا اخروی نخواهد مگر اينكه برآورده شود، هر چه باشد آن حاجت، ان شاء الله. [شمارة ثبت: (۱۵۳۵) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه محرم الحرام

❖ نماز روز يكشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسيار؛ كه شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ نمازهای شب يا روز اول ماه محرم:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ كه شرح آن قبلا بيان شد.

❖ نمازهای شب اول ماه محرم:

نمازي از حضرت پيامبر ﷺ روايت شده، كه در شب اول ماه محرم گزارده مي شود؛ و آن صد ركعت (۲×۵۰) است، در هر ركعت سوره حمد و سوره توحيد؛ و بعد از هر تشهد سلام دهد، و صبحش را روزه بيرد. آنكه به اين عمل موفق شود؛ از كساني است كه خير در تمام سال بر او مداومت و استمرار داشته، و همواره تا سال بعد از فتنه محفوظ بماند، و اگر قبل از رسيدن سال بعد؛ اجل او در رسد؛ به بهشت برود. إن شاء الله تعالى.

همچنين از نمازهای در شب اول ماه محرم از حضرت رسول الله ﷺ نقل شده؛ كه دو ركعت است؛ در ركعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره انعام را بخواند،

و در رکعت دوّم بعد از سوره حمد، سوره یاسین را بخواند.

- از نمازهای دیگر شب اول ماه محرم از حضرت رسول الله ﷺ روایت شده دو رکعت است؛ که در هر رکعت بعد از سوره حمد ۱۱ بار سوره توحید بخواند. مانند عمل قبلي؛ آنکه به این نماز موفق شود؛ از کساني است که خیر در تمام سال بر او مداومت و استمرار داشته، و همواره تا سال بعد از فتنه محفوظ بماند، و اگر قبل از رسیدن سال بعد؛ اجل او در رسد؛ به بهشت برود. إن شاء الله تعالی. این عمل برای آن کسي که نتواند عمل قبلي را بجاي آورد مناسب است.

❖ نمازهای شب دهم محرم یا عاشوراء:

- آخر شب چهار رکعت هر رکعت فاتحه و ۱۰ کرسي و ۱۰ بار توحید و ۱۰ بار فلق و ۱۰ بار ناس، بعد نماز ۱۰۰ بار توحید.
- صد رکعت (۵۰×۲) هر رکعت حمد و سه توحید بعد نماز ۱۰۰ یا ۷۰ بار سبحان الله، و الحمد لله، و لا إله إلّا الله، و الله اکبر، و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلّي العظیم، و أستغفر الله، و صلّی الله علی محمّد و آل محمّد.
- جهار رکعت هر رکعت فاتحه و ۵۰ توحید، بعد از نماز؛ ، بقدري که بتواند؛ نام خداوند را بسیار یاد کند (الله الله الله...) و بسیار صلوات (اللّٰهُمَّ صل علی محمد و آل محمد) بفرستد، و بسیار لعن (اللّٰهُمَّ العن اعداء آل محمد و قتلتهم) کند.
- ده رکعت بگزارد؛ در هر رکعت سوره حمد یکبار و سوره توحید صد بار.

❖ نماز روز دهم ماه محرم = عاشوراء:

- نماز حج حسیني علیه السلام در کربلاء که ضمن دستورالعملي است در روز عاشورا

مشتمل بر سعي (مانند سعي صفا و مروه در حج) كه اين سعي بين مصلاى زائر تا محل تمثل منظره مقتل حسيني عليه السلام انجام مي شود، اين عمل را حضرت امام صادق عليه السلام (به عنوان بهترين عمل روز عاشوراء) به خواص اصحاب اسرار خويش تعليم فرمودند، كه در اينجا براى شرح نماز مخصوص آن؛ مرورى بر روش انجام عمل مى نمائيم، خلاصه روش اين عمل چنين است:

١- با امساك از خوراك و آب با حالتي محزون لباس باكي ببوشد و دكمه هاى آنرا باز گذارده و ذراعين (ساعدهاى دست) و ساقين (ساقهاي با) را برهنه كند و در محلي كه كسي او را نبيند در هنگام بالا آمدن آفتاب جهار ركعت نماز گزارد، در ركعت اول سورة حمد و (قل يا ايها الكافرون)، و در ركعت دوم سورة حمد و (قل هو الله أحد)، و در ركعت سوم سورة حمد و سورة احزاب، و در ركعت چهارم سورة حمد و سورة منافقون. بين هر دو ركعت تشهد بخواند و سلام دهد.

٢- بعد از نماز؛ رو به سمت مشهد حضرت ابي عبدالله الحسين عليه السلام نموده، و بيش روي خود و در فاصله جند ده متري مصلاى خود؛ مقتل حضرت عليه السلام را تمثل و تصور نمايد، و ذهن و حواس و دل و همه جميع جوارحش را از غير آن منظر (مقتل) فارغ و خالي نمايد، و تمام حواس و عقل و فكر و ذهن را مجتمع در اين مشاهده حال حضرتش در مقتل بنمايد،

٣- سپس در اين حال؛ قاتل حضرت را هزار بار لعن نمايد (اللّٰهُمَّ العن قتلة الحسين) يا (اللّٰهُمَّ العن قاتل الحسين).

٤- سپس سعي نمايد هفت بار (مانند سعي بين صفا و مروه و با حالت شتاب) از محلي كه نماز گزارده تا محل تمثل مقتل (در فاصله جند ده متري خود در سمت

قبله) و در هر شوط از سعي؛ با حالت حزن و غمزدگي و مانند مصيبت ديده و با تاسف؛ هفت بار بگويد: إنا لله وإنا إليه راجعون رضًا بقضاء الله و تسليما لأمره.

٥- و وقتي از سعي فارغ شد، در محل نمازش بايستد و هفتاد بار بگويد: اللّٰهُمَّ عذب الذين حاربوا ...

٦- بعد از اينها بگويد: اللّٰهُمَّ فرج .....

٧- سپس قنوت بجاي آورد و در آن دعاي مخصوص آنرا بگويد: (اللّٰهُمَّ إن الامة خالفت الأئمة وكفروا بالكلمة.....وأخرجني مما أخرجتهم منه).

٨- سپس روي خود را بر زمين گذار و در خاك (كربلا) بمالد و بگويد: يا من يحكم بما يشاء ... إنك على كل شئ قدير. (= متن كامل دعاهاي اين عمل در مستقل حج حسيني عليه السلام و نيز كتاب زيارت از مناسك ديدارحق آمده است).

٩- آنگاه سر را به سوي آسمان كند، (و در اينجا اين عمل پايان مي پذيرد).

١٠- آنگاه حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: بس بدان كه اين عمل افضل است از حج و عمره؛ و به هر كه اين نماز را و (عمل بدين شرح) را بجاي آورد؛ و به اين دعا دعاكند؛ خداوند ده كرامت به او عطا مي فرمايد؛ برخي از آنهاست: حفظ از بد مردن، حفظ از كمك به دشمنان تا وقت مردن، حفظ از ناخوشيها، حفظ از ناداري و فقر، حفظ از جنون، حفظ از جذام، ايمني فرزندانش تا چهار پشت و نسل او در موارد فوق، عدم سلطه شيطان و حزب او بر او.

نماز مخصوص زيارت عاشوراي ناحيه مقدسه كه بهترين زيارات در عاشورای حسيني عليه السلام بوده، و مشتمل بر مقتل خواني امام زمان عليه السلام است، متن اين زيارت را در كتاب مستقل و نيز كتاب زيارت از مناسك ديدارحق ضمن

شرح این عمل آورده ایم، در اینجا ضمن مرور بر روش انجام عمل به شرح نماز مخصوص آن اکتفا می کنیم:

پس از تمام شدن زیارت ، رو به قبله کند و دو رکعت نماز بجای آورد، به این ترتیب که در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره انبیاء، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد سوره حشر را بخواند، و آنگاه در قنوت نماز دعايي را بگوید (لاإِلهَ إِلَّا اللهُ الْحَليمُ الْكَريمُ ... وَقِنا عَذابَ النّارِ).

پس از تمام شدن قنوت، رکوع و سجود و تشهّد و سلام نماز را انجام دهد، پس چون تسبیح حضرت فاطمه زهراء عليها السلام را خواند، دو طرف صورت را بر خاک بگذار و چهل مرتبه تسبیحات اربعه را بگوید، و پس از تمام شدن تسبیحات، دعا کند و از خدا بخواه که تو را از گناهان نگهدارد؛ و از عذاب خود نجات دهد؛ و ببخشد؛ و توفیق عمل نیک به او کرامت فرماید و اعمال او را قبول نماید.

سپس اگر در مشهد حسيني عليه السلام یا یکي از مشاهد معصومین عليهم السلام دیگر است، خود را به ضریح بچسباند و ببوسد و بگوید: زادَ اللهُ فی شَرَفِكُمْ ، وَالسّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.

(= متن کامل دعاي قنوت را در کتاب مستقل زیارت عاشورای ناحیه مقدسه و نیز کتاب زیارت از مناسك دیدارحق ضمن شرح کامل این عمل آورده ایم).

[شمارة ثبت: (١٥٣٦) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه صفر

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

❁ نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهـای مـاه ذی قعـده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه صفر:

❁ انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نماز روز سوم ماه صفر:

❁ دو رکعت است، در رکعت اول بعد از سورة حمد؛ سورة فتح، و در رکعـت دوم بعد از سورة حمد؛ سورة توحید بخواند، بعد از سلام نمـاز؛ صـدبار صـلوات بـر پیامبر و خاندان او ﷺ بفرسـتد (اللّٰهُمَّ صـلّ علی النـبيّ و آله)، و صـدبار خاندان ابوسفیان را لعن کنـد (اللّٰهُمَّ العن آل أبي سفيان) کنـد، و صـدبار استغفار نماید، و آنگاه حاجت بخواهد. [شمارة ثبت: (١٥٣٧) منبع: جامع المسائل]

❖ نمازهای آخرین چهارشبه ماه صفر:

جزو اعمال سفارش شده در تعالیم مکتب وحی؛ بـرای دفـع نحوسـات و آفتهـای این روز؛ دو نماز می باشد که شرح آن چنین است:

❁ (١) چهار رکعت نماز با یك سلام بگزارد، در هر رکعت پس از تـلاوت سـورة حمد؛ سور کوثر را ١٧ بار و سورة توحید را پنج بار و سوره های معـوذتین (فلـق + ناس) را یکبار بخواند، و بعد از پایان رکعت چهارم و سلام نماز؛ خـدای را بـا این دعا بخواند:

* اللّٰهُمَّ يا شديدَ القُوَى و يا شـديدَ المِحـال * يـا عزيـز * ذَلَّ لِعِزَّتِكَ جميعُ خَلقِك * فَاكْفِني شَرَّ جميعِ خَلقِك * يا مُحسن يـا مُجْمِل يا مُتَفَضِّلْ * يا مُنْعِمُ يا مُكْرِمُ يا مُتُكَرِّم * يا كافي يا وافي * يا حافظُ يا حفيظ * يا من بِيَدِهِ مَقَاديرُ كُلِّ شَيْئ * إِلَيْكَ أَلْجَأُ وَ بِكَ أَلُـوذُ و عليكَ أَتَوَكَّلُ * فَاحْرُسْني بِحُرّاسِ حِفْظِك (بِحَراسَتِكَ و حِفْظِك) * و حُلْ بَيْني و بَين مَن نَاواني * أَدْرَأُ بكَ في نَحْرِهِ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ * فَاكْفِني يا ربّ * بِلا إلٰه إلّا أنت * برحمتك يا أرحم الرّاحمين * و صَلِّ اللّٰهُمَّ على محمّد و آله الطّاهرين *

(۴) مستحب است دو رکعت نماز بگزارد: در رکعت اول بعـد از سـورة حمـد آیه های شریفة ۲۷ و ۲۶ سورة آل عمران (قل اللّٰهُمَّ مالك الملك ... بغير حساب) را بخواند، دررکعت دوم بعد از سورة حمد آیه شریفة آخر سورة کهـف (قـل انمـا أنا بشر...أحدا)، پس از سلام نماز؛ خدای را به این دعا بخواند:

* اللّٰهُمَّ اصْرِف عَنّي بليّتَهُ و شُؤْمَهُ * و ارزقْني رَحْمَتَهُ و بَرَكَتَهُ * و اجْـنُبْني ممّا أَخافُ نُحوساتَهُ و كُرُباتَـهُ * بفـضلِكَ يَـا دافـعَ الشُّرورِ * يا مالكَ يومِ النُّشور * برحمتِكَ يا أرحـم الـرّاحمين *

[شمارة ثبت: (۱۵۲۲) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه ربیع الأول

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

❧ نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهـای مـاه ذی قعـده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه ربیع الأول:

❧ انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نماز روز دوازدهم ربیع الأوّل:

❧ دو رکعت است، در رکعت اول بعد از سوره حمد، سه بار سوره کافـرون، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد؛ سه بار سوره توحید خوانده می‌شود.

❖ نماز روز هفدهم ربیع الأوّل:

❧ در وقت ارتفاع آفتاب (چاشت) دو رکعت نماز بگزارد، در هـر رکعـت؛ بعـد از سوره حمد؛ سوره قدر ۱۰ بار؛ و سـوره توحیـد ۱۰ بـار، بعـد از نمـاز بنـشیند در مصلاي خود و این دعا را بخواند:

* اللّٰهُمَّ أَنْتَ حَيٌّ لا تَمُوتُ * وَ أَنْتَ خَالِقٌ لا تُغْلَبُ * وَ بَصِيرٌ لا تَرْتَابُ * وَ سَمِيعٌ لا تَشُكُّ * وَ صَادِقٌ لا تَكْذِبُ * وَ غَالِبٌ لا تُغْلَبُ * وَ أَبَدِيٌّ لا تَنْفَدُ * وَ قَرِيبٌ لا تَبْعُدُ * و قادر لا تُضاد * وَ غَافِرٌ لا تَظْلِمُ * وَ صَمَدٌ لا تُطْعَمُ * وَ قَيُّومٌ لا تَنَامُ * مُجِيبٌ لا تَسْأَمُ * وَ جَبَّارٌ لا تُظْلَمْ (لا تُقْهَرُ) * وَ عَظِيمٌ لا تُرَامُ * وَ عَالِمٌ لا تُعَلَّمُ * وَ قَوِيٌّ لا تَضْعُفُ * وَ وليّ لا تُخَالَف * وَ عَلِيٌّ لا تُوصَفُ * وَ وَفِيٌّ لا تُخْلِفُ * وَ عَدْلٌ لا تَحِيفُ * وَ غَنِيٌّ لا تَفْتَقِرُ

* وَ حَلِيمٌ (حكيم) لا تَجُورُ * وَ مَنِيعٌ لا تُقْهَرُ * وَ مَعْرُوفٌ لا تُنْكَرُ * وَ وَكِيلٌ لا تُحْقَرُ * وَ قَدِيرٌ لا تُسْتَأْمَرُ * وَ فَرْدٌ لا تَسْتَشِيرُ * وَ وَهَّابٌ لا تَمَلُّ * وَ سَرِيعٌ لا تَذْهَلُ * وَ جَوَادٌ لا تَبْخَلُ * وَ عَزِيزٌ لا تَذِلُّ * وَ حَافِظٌ لا تَغْفُلُ * وَ قَائِمٌ لا تزول * وَ مهيب لا تخفى * وَ مُحْتَجِبٌ لا تُرَى * وَ دَائِمٌ لا تَفْنَى * وَ بَاقٍ لا تَبْلَى * وَ وَاحِدٌ لا تُشَبَّهُ * وَ مُقْتَدِرٌ لا تُنَازَعُ * يا كريم يا كريم يا كريم * الجوّاد المُكرِم * يا قدير المجيب المتعال، الجليل المتجلّل * يا سلام المؤمن المهيمن، العزيز الوهّاب، الجبّار المتجبّر * يا طاهر الطّهر المتطهّر * يا قدير القادر المقتدر * يا عزيز المعزّ المعتزّ * سبحانك إنّي كنت من الظّالمين * اللّٰهُمَّ إني أسئلك بعلم الغيب عندك * و قدرتك على الخلق أجمعين * أن تحييني ما علمت الحياة خيرا لي * و أن تتوفّاني إذا كانت الوفاة خيرا لي * و أسئلك الخشية في الغيب و الشّهادة * و أسئلك اللّٰهُمَّ كلمة الحقّ في الغضب و الرّضا * و أسئلك نعيما لا ينفد * و أسئلك الرّضا بعد القضاء * و أسئلك برد العيش بعد الموت * و أسئلك لذّة النّظر إلى وجهك الكريم * آمين ربّ العالمين * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك بمنّك الكريم و فضلك العظيم * أن تغفر لي و ترحمني * يا لطيف ألطف لي في كل ما تحبّ و ترضى * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك فعل

الخيرات و ترك المنكرات و حبّ المساكين و مخالطة الصّالحين * و أن تغفر لي و ترحمني * و إذا أردت بقوم فتنة فتقيني غير مفتون * و أسئلك حبّك و حبّ من يحبّك و حبّ كل عمل يقرّبني إلى حبّك * اللّهُمَّ بحقّ محمّد صلى الله عليه وآله حبيبك * و بحقّ إبراهيم عليه السلام خليلك و صفيّك * و بحقّ موسى عليه السلام كليمك * و بحقّ عيسى عليه السلام روحك * و أسئلك بصحف إبراهيم عليه السلام * و توراة موسى عليه السلام * و إنجيل عيسى عليه السلام * و زبور داود عليه السلام * و فرقان محمّد صلى الله عليه وآله * و أسئلك بكلّ وحي أوحيته * و بحقّ كلّ قضاء قضيته * و بكلّ سائل أعطيته * و أسئلك بكلّ اسم أنزلته في كتابك * و أسئلك بأسمائك الّتي وضعتها على النّار فاستنارت * و أسئلك بأسمائك الّتي وضعتها على الليل فأظلم * و أسئلك بأسمائك الّتي وضعتها على النهار فأضاء * و أسئلك بأسمائك الّتي وضعتها على الأرض فاستقرّت * و أسئلك باسمك الأحد الصمد الذي ملأ أركان كلّ شيء * و أسئلك باسمك الطّهر الطّاهر المبارك الحيّ القيّوم لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ * و أسئلك بمعاقد العزّ من عرشك و مبلغ الرّحمة من كتابك * و بأسمائك العظام و جدّك الأعلى و كلماتك التّامات * أن ترزقنا حفظ القرآن و العمل به * و الطّاعة لك و العمل

الصّالح * و أن تثبّت ذلك في أسماعنا و أبصارنا * و أن تخلط ذلك بلحمي و دمي و مخّي و شحمي و عظامي * و أن تستعمل بذلك بدني و قوّتي * فإنّه لا يقوى على ذلك؛ إلّا أنت وحدك لا شريك لك * يا الله الواحد الربّ القدير * يا الله الخالق البارئ المصوّر * يا الله الباعث الوارث * يا الله الفتّاح العزيز العليم * يا الله الملك القادر المقتدر * اِغفر لي و ارحمني * إنّك أنت أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ إنّك قلت و قولك الحقّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ * فأسئلك باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فأوجبت له الجنة * و أسئلك باسمك الذي دعاك به شيث بن آدم عليهما السلام فجعلته وصيّ أبيه بعده * أن تستجيب دعاءنا و أن ترزقنا إنفاذ كلّ وصيّة لأحد عندنا * و أن نقدّم وصيّتنا أمامنا * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به إدريس عليه السلام؛ فرفعته مكانا عليّا * أن ترفعنا إلى أحبّ البقاع إليك* و تمنّ علينا بمرضاتك * و تدخلنا الجنّة برحمتك * و أسئلك باسمك الذي دعاك به نوح عليه السلام؛ فَنَجَّيْتَهُ من الغرق؛ و أهلكت القوم الظّالمين؛ أن تنجينا ممّا نحن فيه من البلاء * و أسئلك باسمك الذي دعاك به هود عليه السلام؛ فَنَجَّيْتَهُ من الرّيح العقيم * أن تنجّينا من بلاء الدّنيا و الآخرة و عذابهما * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به صالح عليه السلام فَنَجَّيْتَهُ

من خزي يومئذ * أن تنجّينا من خزي الدّنيا و الآخرة و عذابهما * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به لوط عليه السلام فَنَجَّيْتَهُ من المؤتفكة و المطر السوء * أن تنجّينا من مخازي الدّنيا و الآخرة * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به شعيب عليه السلام فَنَجَّيْتَهُ من عذاب يوم الظّلة * أن تنجّينا من العذاب إلى روحك و رحمتك * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به إبراهيم عليه السلام * فجعلت النّار عليه بردا و سلاما * أن تخلّصنا كما خلّصته، * و أن تجعل ما نحن فيه بردا و سلاما كما جعلتها عليه * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به إسماعيل عليه السلام عند العطش و أخرجت من زمزم الماء الرويّ * أن تجعل مخرجنا إلى خير؛ و أن ترزقنا المال الواسع برحمتك * و أسئلك باسمك الذي دعاك به يعقوب عليه السلام فرددت عليه بصره و ولده و قرة عينه * أن تخلّصنا و تجمع بيننا و بين أولادنا و أهالينا * و أسئلك باسمك الذي دعاك به يوسف عليه السلام فأخرجته من السّجن * أن تخرجنا من السّجن و تملّكنا نعمتك الّتي أنعمت بها علينا * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به الأسباط فتبت عليهم و جعلتهم أنبياء عليهم السلام * أن تتوب علينا و ترزقنا طاعتك و عبادتك و الخلاص ممّا نحن فيه * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به أيّوب عليه السلام إذ حلّ به البلاء فقال ربّ إنّي

مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فاستجبت له و كشفت عنه ضرّه و رددت أهله و مثلهم معهم رحمة منك و ذكرى للعابدين * اللّٰهُمَّ إنّي أقول كما قال: ربّ إنّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فاستجب لنا و ارحمنا و خلّصنا و ردّ علينا أهلنا و مالنا وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً منك و اجعلنا من العابدين لك * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به موسى و هارون عليهما السلام فقلت عزرت من قائل: قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما أن تستجيب دعاءنا و تنجّينا كما نجّيتهما * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به داود عليه السلام فغفرت ذنبه و تبت عليه * أن تغفر ذنبي و تتوب عليّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به سليمان عليه السلام فرددت عليه ملكه و أمكنته من عدوّه و سخّرت له الجنّ و الإنس و الطّير * أن تخلّصنا من عدوّنا و ترّد علينا نعمتك و تستخرج لنا من أيديهم حقّنا و تخلّصنا منهم * إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به الّذي عنده علم من الكتاب على عرش ملكة سبأ أن تحمل إليه فإذ هو مستقرّ عنده * أن تحمّلنا من عامنا هذا إلى بيتك الحرام حجّاجا و زوّارا لقبر نبيّك صلى الله عليه وآله * و أسئلك باسمك الذي دعاك به يونس بن متّى عليه السلام في الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ فاستجبت له و نَجَّيْتَهُ من بطن الحوت

و من الغمّ * و قلت عززت من قائل: وَ كَذلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ * فنشهد أنّا مؤمنون و نقول كما قال: لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فاستجب لي و نجّني من غمّ الدّنيا و الآخرة * كما ضمنت أن تنجي المؤمنين * و أسئلك باسمك الذي دعاك به زكريّا عليه السلام و قال: رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ * فاستجبت له، و وهبت له يحيى عليه السلام، و أصلحت له زوجه، و جعلتهم يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ، و يدعونك رغبا و رهبا و كانوا لك خاشعين * فإنّي أقول كما قال: رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ * فاستجب لي و أصلح لي شأني و جميع ما أنعمت به عليّ و خلّصني ممّا أنا فيه * و هب لي كرامة الدّنيا و الآخرة و أولادا صالحين يرثوني * و اجعلنا ممّن يدعوك رغبا و رهبا و من الخاشعين المطيعين * و أسئلك باسمك الذي دعاك به يحيى عليه السلام؛ فجعلته يرد القيامة؛ و لم يعمل معصية؛ و لم يهمّ بها * أن تعصمني من اقتراف المعاصي؛ حتّى نلقاك طاهرين؛ ليس لك قبلنا معصية * و أسئلك باسمك الذي دعتك به مريم عليها السلام * فنطق ولدها بحجّتها * أن توفّقنا و تخلّصنا بحجّتنا عندك؛ و على كلّ مسلم و مسلمة؛ حتّى تظهر حجّتنا على ظالمينا * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به عيسى ابن مريم عليه السلام * فأحيا به الموتى *

و أبرأ الأكمه و الأبرص * أن تخلّصنا و تبرّئنا من كلّ سوء و آفة و ألم * و تحيينا حياة طيّبة في الدّنيا و الآخرة * و أن ترزقنا العافية في أبداننا * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به الحواريون * فأعنتهم حتّى بلّغوا عن عيسى عليه السلام ما أمرهم به * و صرفت عنهم كيد الجبّارين و تولّيتهم * أن تخلّصنا و تجعلنا من الدّعاة إلى طاعتك * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به جرجيس عليه السلام * فرفعت عنه ألم العذاب * أن ترفع عنّا ألم العذاب في الدّنيا و الآخرة * و أن لا تبتلينا * و إن ابتليتنا فصبّرنا * و العافية أحبّ إلينا * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به الخضر عليه السلام حتّى أبقيته * أن تفرّج عنّا * و تنصرنا على من ظلمنا * و تردّنا إلى مأمنك * و أسئلك باسمك الّذي دعاك به حبيبك محمّد صلى الله عليه وآله فجعلته سيّد المرسلين * و أيّدته بعليّ عليه السلام سيّد الوصيّين * أن تصلّي عليهما و على ذريّتهما الطّاهرين * و أن تقيلني في هذا اليوم عثرتي * و تغفر لي ما سلف من ذنوبي و خطاياي * و لا تصرفني من مقامي هذا؛ إلّا بسعي مشكور، و ذنب مغفور، و عمل مقبول، و رحمة و مغفرة، و نعيم موصول بنعيم الآخرة * برحمتك يا حنّان يا منّان * يا ذا الجلال و الإكرام * إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم *

✍ اين دعاي جليلي است، داراى مضامين بسيار عالى و شامل همه اسماء بزرگ الهى است، كه به بركت آنها همه برگزيدگان الهى به مقامات عاليه رسيده، و به نور آنها مظهر آيات الهى شده؛ و با آن معجزات و قدرت الهى را ابراز نموده اند، اويس قرنى از حضرت مولا علي عليه‌السلام از حضرت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله اين دعا را روايت نموده، و اينكه حضرتش صلى‌الله‌عليه‌وآله خواص و آثار عجيبه اى براى آن بيان فرموده اند:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، لَوْ دُعِيَ بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ وَ الأَسْمَاءِ؛ عَلَى صَفَائِحِ الْحَدِيدِ لَذَابَتْ، وَ لَوْ دُعِيَ بِهَا عَلَى مَاءٍ جَارٍ لَسَكَنَ، وَ مَنْ بَلَغَ إِلَيْهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ؛ ثُمَّ دَعَا رَبَّهُ؛ أَطْعَمَهُ وَ سَقَاهُ، وَ لَوْ أَنَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَوْضِعٍ يُرِيدُهُ جَبَلٌ؛ لاتَّسَعَتْ لَهُ الْحِيَلُ حَتَّى يَسْلُكَهُ إِلَى الْمَوْضِعِ، وَ لَوْ دُعِيَ عَلَى مَجْنُونٍ لَأَفَاقَ، وَ لَوْ دُعِيَ عَلَى امْرَأَةٍ؛ قَدْ عَسُرَ عَلَيْهَا وَلَدُهَا؛ لَهَوَّنَ عَلَيْهَا وَلَدَهَا، وَ لَوْ دُعِيَ بِهَا وَ الْمَدِينَةُ تَحْتَرِقُ وَ فِيهَا مَنْزِلُهُ لَنَجَا؛ وَ لَمْ يَحْتَرِقْ مَنْزِلُهُ، وَ لَوْ دُعِيَ بِهَا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ لَيَالِي الْجُمُعَةِ؛ غَفَرَ اللهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ؛ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ لَوْ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ؛ ثُمَّ دَعَا بِهَا قَبْلَ أَنْ يَنْظُرَ السُّلْطَانُ إِلَيْهِ؛ لَخَلَّصَهُ اللهُ مِنْ شَرِّهِ، وَ لَوْ دَعَا بِهَا عِنْدَ مَنَامِهِ؛ بَعَثَ اللهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا؛ سَبْعَ مِائَةِ أَلْفِ مَلَكٍ مِنَ الرَّوْحَانِيِّينَ، وُجُوهُهُمْ أَحْسَنُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، يُسَبِّحُونَ لَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ يَدْعُونَ، وَ يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَمْحُونَ عَنْهُ السَّيِّئَاتِ، وَ يَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ، فَقَالَ سَلْمَانُ: يَا رَسُولَ اللهِ، أَيُعْطِي اللهُ بِهَذِهِ الأَسْمَاءِ؛ كُلَّ هَذَا الْخَيْرِ؟ فَقَالَ: لا تُخْبِرْ بِهِ النَّاسَ حَتَّى أُخْبِرَكَ بِأَعْظَمَ مِنْهَا، فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ يَدَعُوا الْعَمَلَ. كه خلاصه فرمايش حضرتش (بعد از سوگند) بيان استجابت انواع حوائج عظيمه است، و در آخر حديث آمده كه فرمود: هر كه بدين دعا خداوند را چهل شب جمعه بخواند؛ خداوند هر گناهى كه بين او و خداوند است را مى آمرزد، و اگر بر پادشاه جائرى وارد شود؛ و قبل از اينكه نگاه سلطان به او بيافتد؛ با اين مضامين دعا كرده باشد؛ خداوند او را

از شر آن سلطان رهايي می بخشد، و هر که به این اسماء نزد خواب دعا کند؛ خداوند به هر حرفی از آن هفتصد هزار از ملائکه روحانیین؛ که درخشش رویهاشان نیکوتر از خورشید و ماه است؛ را فرستاده، تا از طرف او و به حساب عمل او؛ تسبیح خداوند بگویند، و برای او استغفار و دعا کنند، و سیئات او را از نامه عملش محو کنند، و درجات او را بالا ببرند، سلمان (که در محضر بوده) می پرسد: یا رسول الله؛ آیا با دعا بوسیله این اسمای الهی؛ همه این خیرات و برکات (که فرمودید) را خداوند عطا می فرماید؟! حضرتش فرمود: کسي از مردم (عامی) را به آن خبر مده؛ تا تو را خبر دهم به خواص عظیم تر از اینها، می ترسم که مردم (جاهل؛ سوء برداشت نموده) عمل (طاعت و عبادت خداوند) را رها کرده؛ و به این کار اکتفا کنند. از این بیانات استفاده می شود که این دعا منوط به انجام اصل عمل و آن نماز یا تاریخ مزبور (۱۷ ربیع الأول) نمي باشد، و هر وقت (بویژه شبهای جمعه) می توان از آن مدد گرفت، خداوند توفیق بهره مندی کامل آنرا با رعایت آداب شایسته نصیب فرماید. نُسَخ این دعا کاستیهای فراون دارد؛ و در اینجا سعی شده تا نسخه صحیحتر و کاملتر ارائه شود. [شمارة ثبت: (۱۵۳۸) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه ربیع الآخر

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه ربیع الآخر:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

نمازهای ماه جمادی الأولی

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه جمادی الأولی:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

نماز ماه جمادی الأخری

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه جمادی الأخری:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ هر وقت از ماه جمادی الأخری:

در این ماه در هر وقت که خواهد؛ چهار رکعت نماز کند، در رکعت اول بعد از سوره حمد؛ یك مرتبه آیة الکرسی؛ و ۲۵ مرتبه سوره انا انزلناه بخواند، و در رکعت دوم؛ بعد از سوره حمد؛ یك مرتبه سوره تکاثر؛ و ۲۵ مرتبه سوره توحید بخواند، و در رکعت سوم بعد از سوره حمد؛ یك مرتبه سوره جحد؛ و ۲۵ مرتبه سوره فلق بخواند، و در رکعت چهارم بعد از سوره حمد؛ یك مرتبه سوره نصر؛ و بیست و پنج مرتبه سوره ناس بخواند، و بعد از سلام نماز؛ ۷۰ مرتبه تسبیحات اربعه (سبحان الله والحمد لله ولا اله إلا الله والله اکبر)؛

و ۷۰ مرتبه صلوات؛ و ۳ مرتبه "اللّٰهُمَّ اغفر للمؤمنين و المؤمنات" بگويد، پس سر به سجده گذارد و سه مرتبه بگويد:

* يا حيّ يا قيّوم * يا ذا الجلال و الإكرام * يا الله يا رحمان يا رحيم * يا أرحم الرّاحمين * سپس حاجت خود را بخواهد.

هر كه اين عمل را بجا آورد؛ خدا او را و مال و اهل و اولاد و دين و دنياى او را تا سال آينده حفظ كند اگر در آن سال بميرد، بر شهادت بميرد يعنى ثواب شهيدان داشته باشد. [شمارة ثبت: (۱۵۳۹) منبع: جامع المسائل]

نمازهای ماه رجب

توضيح مهم: يكي از نامهاى ماه رجب "الأصب" مي باشد، كه اشاره به فروريزش سيل آساى جوائز الهى در اين ماه مبارك است، نمونه اين جوائز و پاداشها؛ در فضائل اعمال اين ماه از بيان حضرت رسول الله ﷺ نقل شده است.

❖ نماز سلمان: ۳۰ ركعت در تمام ماه رجب = در سه زمان (۱و ۱۵ و ۳۰)، هر بار ۱۰ ركعت :

نماز تعليم نبوي ﷺ به جناب سلمان: ده ركعت در اول – ده ركعت در پانزدهم – ده ركعت در آخر (سي ام) ماه رجب = هر ركعت حمد و ۳ توحيد و ۳ كافرون، مجموعا سي ركعت (۱۰ × ۳) در كل ماه رجب، كه يك نماز ده ركعتي را در سه موقع از اين ماه؛ شب يا روز (اول، پانزدهم، آخر) رجب بجا می آورند، كه صورت نمازها در سه وقت يكي است و تنها تفاوت در دعاي بعد سلام نماز است. سلمان فارسي نقل كرده است: روز آخر جمادی الاخری (در وقتی كه پيش از آن هيچگاه در آن وقت به ديدن رسول الله ﷺ نرفته بودم) به ديدن حضرتش

رفتم. حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: سلمان تو از ما اهل بيت هستى. آيا مى خواهى براي تو حديث بگويم؟ گفتم : بلي، مى خواهم، پدر و مادرم فداى تو، اى رسول خدا، حضرت ﷺ فرمود: اى سلمان هر مرد مؤمن يا زن مؤمنى در اين ماه (رجب) سى ركعت نماز گزارد كه در هر ركعت فاتحه الكتاب را يك بار، قل هو الله احد را سه بار و قل يا ايها الكافرون را سه بار بخواند.

حتما خداوند متعال هر گناهى را كه در خردسالى يا بزرگسالى مرتكب شده، از نامه عمل او محو مي كند و مانند پاداش كسى كه تمام اين ماه را روزه گرفته به او عطا مى كند، و در نزد خداوند تا سال آينده؛ از نمازگزاران نوشته شده، و هر روز ثواب عمل شهيدى از شهداى جنگ بدر براى او به آسمان بالا برده مي شود، و در عوض هر روز كه در اين ماه روزه بگيرد، عبادت يک سال را در نامه عمل او بنويسند، و درجه اش را هزار درجه در بهشت بالا ببرند، و اگر تمام ماه را روزه بگيرد خداوند وي را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را براي او واجب سازد. اي سلمان، جبرئيل اين نماز را براي من آورد و گفت: اى محمد ﷺ؛ اين نماز علامتي است ميان شما و منافقان ، زيرا كه منافقان اين نماز را نمي خوانند.

پس سلمان گفت كه گفتم: يا رسول الله، مرا خبر ده كه اين سي ركعت نماز را چگونه و چه موقعي بخوانم؟ حضرت فرمود:

در اول آن (ماه رجب) ده ركعت مى خواني ، در هر ركعت فاتحه الكتاب را يك بار، قل هو الله احد را سه بار و قل يا ايها الكافرون را سه بار، و وقتي (بعد از هر دو ركعتى) سلام دادي، دست ها را به سوي آسمان بلند كن و بگو: * لا إلٰه إلَّا اللهُ * وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَ يُمِيتُ * وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَديرٌ * اللّهُمَّ لا مانِعَ لِما أعْطَيْتَ * وَ لا مُعْطِيَ لِما مَنَعْتَ * وَ لا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ * پس (با دست هايت) روي خود را مسح كن.

و در ميانه ماه (رجب) ده ركعت مى خواني ، در هر ركعت فاتحه الكتاب را يك بار، قل هو الله احد را سه بار و قل يا ايها الكافرون را سه بار، و وقتي (بعد از هر دو ركعتى) سلام دادي، بگو: * لا إلهَ إلَّا اللّهُ * وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَ يُمِيتُ * وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ * إلهاً واحِدًا أحَدًا فَرْدًا صَمَدًا * لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَدًا * پس (با دستهايت) روي خود را مسح كن.

و در آخر ماه (رجب)، ده ركعت مى خواني، در هر ركعت فاتحه الكتاب را يك بار، قل هو الله احد را سه بار و قل يا ايها الكافرون را سه بار، و وقتي (بعد از هر دو ركعتى) سلام دادي، بگو: * لا إلهَ إلَّا اللّهُ * وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَ يُمِيتُ * وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ * وَ صَلَّى اللّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ * وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ * پس (با دست هايت) روي خود را مسح كن و حاجتت را از خدا بخواه.

پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: همانا خداوند دعاي تو را مستجاب مي فرمايد، و بين تو و جهنم هفت خندق (كه هر خندق به عرض ميان زمين و آسمان است) فاصله مى اندازد، و براى هر ركعتي كه بجاي آوردي هزار هزار ركعت ثواب مى نويسد، و براى تو برائت از آتش جهنم و عبور از صراط را مى نويسد. سلمان مي گويد:

وقتي پيامبر ﷺ از حديث گفتن فارغ شد؛ به رو افتادم براى سجده؛ و گريه مي كردم از روي شكر براى خداوند تعالى؛ بخاطر اين حديث كه شنيدم.

توضيحات

(١)- در متن اصلي حديث نبوي تصريح نشده كه بين هر دو ركعت سلام داده شود. (٢)- دعاي بعد سلام نماز هم فقط يكبار در آخر نماز بيان شده است، كه اين حاكى از پيوسته بودن ركعات اين نماز (با تشهد در هر دو ركعت) و داشتن يك سلام در آخر آنهاست، و دعا هم يكبار در آخر ١٠ ركعت و بعد سلام خوانده مي شود، و اين گونه نمازهاي بيش از دو ركعتي كه پيوسته و با يك سلام خوانده مى شود؛ در ميان نمازهاى مستحبي متعددا وارده شده است، مثل نماز شب غدير، اما چون معمول نمازهاى مستحبي سلام بعد هر دو ركعت است؛ علماء در مقام نقل مضمون و ترجمه اين حديث؛ از خودشان تعبير كرده اند كه "در هر دو ركعت سلام داده و دعاء بعد هر دو ركعت خوانده شود" از اين رو ما واقعيت در متن اصل حديث را در اين تذكر بيان كرديم و برداشت علماء (دعا بعد هر دو ركعت) را در ميان پرانتز نقل نموديم. (٣)- همچنين در متن اصلي حديث؛ روز اول يا روز پانزدهم يا روز آخر تصريح نشده است، و همانطور كه در ترجمه بالا آورديم؛ در اول و در نيمه و در آخر ماه تعبير شده است، و تعبير "روز" مربوط به ناقلين و مترجمين است، فلذا اين نماز را نيز مي توان در شبهاى اول و نيمه و آخر ماه رجب بجاي آورد، و بهتر است اين سه وقت از نظر شب و روز مانند هم باشند. (٤)- اكثر نسخ و كتابهايي كه اين حديث را نقل كرده اند؛ حتى اقبال الأعمال سيد بن طاووس؛ آنرا ناقص نقل نموده اند، غالبا فقط صدر حديث را نقل؛ و بقيه را تلخيص و خاتمه حديث (حاوى بخشي از دستور العمل و فضيلت عمل) را نياورده اند، ما متن حديث را بطور كامل از كتاب مصباح المتهجد شيخ طوسي (به صورت ترجمه فارسي) آورده ايم.

❖ ٦٠ ركعت در تمام ماه رجب = هر شب ٢ ركعت:

پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كسي در ماه رجب شصت ركعت؛ در هر شب از آن دو ركعت؛ نماز كند، در هر ركعت سوره "فاتحة الكتاب" يك مرتبه؛ سوره "قل يا ايها الكافرون" سه مرتبه، و سوره "قل هو الله احد" يك مرتبه بخواند، و بعد از سلام دستها را بلند كند و بگويد:

* لا إلٰه إلّا اللهُ * وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَ يُمِيتُ * وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ * و إليه المصير * وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد و على آل محمّد * اللّٰهُمَّ صلّ على محمّد النّبيّ الأمّيّ و آله * سپس با دستهايش صورت خود را مسح كند.

خداوند دعاى او را مستجاب كرده؛ و ثواب شصت حج و شصت عمره به او عطا فرمايد.

❖ نماز دوم سلمان رضي الله عنه: در يك شب از ماه رجب؛ ده ركعت:

جناب سلمان رضي الله عنه روايت كرده كه پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كه در يك شب از شبهاى ماه رجب؛ ده ركعت نماز كند در هر ركعت سوره "فاتحة الكتاب" و سوره "قل يا ايها الكافرون" و سوره "قل هو الله احد" سه مرتبه بخواند،

توضيح: اين تعبير در حديث مي فهماند كه هر سه سوره سه مرتبه خوانده شود، اما اصحاب كتب آنرا در مقام توضيح و نقل مضمون يا ترجمه اينطور نوشته اند كه فاتحه و كافرون يكبار؛ اما توحيد سه بار؛ و اين خلاف ظاهر متن حديث است.

پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند تبارك و تعالى براى او بيامرزد هر گناهى را كه

كرده و آنچه از گناهانش كه در گذشته مرتكب شده؛ و براى او بخاطر هر ركعت؛ شصت سال عبادت در نامه عملش بنويسند، و خداوند او را بخاطر هر سوره كه تلاوت كرده؛ قصري از مروايد را در بهشت به او عطا فرمايد، و براى او از پاداش بنويسد مانند آنكه آن سال را روزه گرفته و نماز گزارده و حج و عمره بجا آورده و جهاد كرده، و تا سال آينده در هر روز حج و عمره اى بنويسد، و از نمازش فارغ نمي شود مگر كه خداوند او را بيامرزد. وقتى از نمازش فارغ شود؛ فرشته اى او را از زير عرش الهي ندا دهد كه: اي ولي الهي؛ عمل خود را از نو شروع كن، هر آينه خداوند تو را از آتش جهنم آزاد كرد، و خداوند او را از نماز گزارانى كه همه آن سال را به نماز گذرانده اند بنويسد، و اگر در اين سال بميرد شهيد از دنيا برود، و خداوند دعايش را مستجاب و حوايجش را برآورده فرمايد، و در قيامت نامه عملش را به دست راست او بدهد، و رويش را سفيد كند و بين او و جهنم هفت خندق فاصله بياندازد.

نكته: ظاهر روايت نشان مى دهد كه اين نماز مستقلي باشد؛ و بجز نماز معروف مروّي سلمان ﷺ در ماه رجب است، اما ممكن است كه وجود مشابهتهاي در كيفيت نماز و پرفضيلت بودن آن؛ سبب شود تا احتمال داده شود؛ كه اين روايت نقل جسته و گريخته اى از همان نماز معروف باشد؛ كه برخي موارد را دارد و برخي را ندارد، برخي از فضايل اين مكمل نقل قبلي باشد، اما در بيان زمان انجام آن؛ ناقص باشد و انجام در نيمه و آخر ماه را فاقد باشد.

صد مرتبه سوره توحيد در دو ركعت نماز در شب ماه رجب: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كه در شبى از ماه جب؛ سوره "قل هو الله احد" را در دو ركعت نماز بخواند.

↙ مانند این است که صد سال در راه خدا روزه گرفته باشد، و خداوند صد قصر (که هر کدام) در مجاورت پیامبری از پیامبران الهی است به او عطا می فرماید.

نکته: در حدیث دیگری برای کسي که در جمعه ماه رجب صد بار تلاوت سوره توحید کند این فضیلت نقل شده، که در روز قیامت نوري دارا خواهد بود که بدان راه به بهشت می برد. ازین رو با انجام نماز فوق در شب جمعه مي توان به هر دو فضیلت نائل گردید، ان شاء الله تعالی.

❖ در يك روز از ماه رجب:

۞ پیامبر ﷺ فرمود: هر که روزی از رجب را روزه بگیرد، و در آن روز؛ چهار رکعت نماز گزارد؛ که در رکعت اول؛ ۱۰۰ بار آیت الکرسي بخواند، و در رکعت دوم؛ ۲۰۰ بار سوره "قل هو الله احد" را بخواند

↙ نمی میرد تا اینکه جایگاهش از بهشت را ببیند. یا برای او دیده شود. [شمارة ثبت: (۱۵٤۰) منبع: جامع المسائل]

❖ نماز روز یکشنبه ماه:

۞ نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ در يك روز جمعه از ماه رجب:

۞ پیامبر ﷺ فرمود: هر که در روز جمعه ماه رجب؛ ما بین ظهر و عصر؛ چهار رکعت نماز کند، در هر رکعت سوره حمد را يك مرتبه؛ و آیة الکرسی را هفت مرتبه؛ و سوره "قل هو الله احد" را پنج مرتبه بخواند، سپس ده مرتبه بگوید: {أستغفر الله الّذي لا إله إلّا هو و أسئله التّوبة}.

خداوند براي او؛ از روزی که این نماز را مي گزارد؛ تا روزی که می میرد؛ هر روز هزار حسنه می نویسد، و به او برای هر آیه ای که قرائت کرده؛ به او شهری از یاقوت سرخ در بهشت، و به هر حرف قصری از در سفید در بهشت عطا فرماید، و حورالعین را به تزویج او درآورد، و از او راضي شود؛ رضایتی که بعد از آن خشمی نباشد، و او را از عابدین بنویسد، و خداوند سرانجام او را با سعادت و مغفرت قرین سازد، و به هر رکعتی که نماز گزارده؛ پنجاه هزار نماز برای او بنویسد، و او را به هزار تاج متوج فرماید، و در بهشت با صدیقین مَسکن گیرد، و از دنیا بیرون نشود تا اینکه جایگاهش از بهشت را ببیند.

نکته: همچنانکه ملاحظه شد؛ در متن حدیث؛ بعد ذکر سوره توحید آمده است که "سپس ده مرتبه بگوید: استغفر الله الذي لا اله الا هو و اسئله التوبة" در بیان مقصود از "سپس" دو احتمال وجود دارد:

۱- ذکر استغفار در هر رکعت بعد تلاوت سوره توحید است.

۲- مقصود از انجام آن؛ ذکر استغفار بعد از نماز است.

اگرچه از سیاق عبارت بنظر می رسد که مقصود از آن؛ انجام بعد از نماز است، چه اینکه در صورت مقصود بودن برای ذکر در هر رکعت؛ آنرا با "واو عطف" بیان مي فرمود، اما از آنجا که آنرا با "ثم" (سپس) بیان فرموده، یعني که پس از فراغت از رکعات نماز؛ استغفار را بجای آورد.

اما با همه اینها؛ از آنجا که آثار و برکات ارزشمند این عمل فراون بوده؛ و انجام احتیاط و رعایت هر دو وجه بسیار آسان است، فلذا ضمن انجام استغفار در هر رکعت؛ آنرا پس از نماز هم بجا می توان آورد.

❖ پنجشنبه اول ماه رجب؛ بعد از مغرب:

نماز ليلة الرغائب

سؤال: عمل معروف (نماز) ليلة الرغائب چگونه انجام مي شود؟ با توجه به اينكه معروف است كه ليلة الرغائب شب جمعه اول ماه رجب است، براى امسال ١٤٣٢ كه روز جمعه اول ماه است و بنجشنبه ٢٩ ماه جمادى الأخرى است، تكليف جيست؟

جواب:

١- آنچه معروف شده است : ليلة الرغائب يعنى شب جمعه اول رجب، در واقع متن حديث شريف نبوده، و يك تعبير مسامحه اى و نقل غير دقيق ناقلين از حديث مستند ليلة الرغائب است، ولذا اين برداشت شايع در برخي سالها منجر به اشتباه مي شود.

٢- حديث مفصل مستند نماز ليلة الرغائب، اگر با دقت مطالعه شود به وضوح معلوم است كه محور ليلة الرغائب جمعه اول رجب و شب آن نيست، بلكه محور ليلة الرغائب؛ پنجشنبه اول رجب و شب به دنبال آن است، اما اين اصل متن حديث شريف؛ تبديل به برداشت غير دقيق شده به اسم: شب جمعه اول رجب.

بعد در مواقعي كه جمعه اول ماه است؛ متحير شده اند چه بگويند؟ و آمده اند چند نظر اختراع كرده اند: آيا روزه ساقط است؟ آيا كل عمل ساقط است؟ آيا احتياط بين اين هفته و هفته بعد شود؟

٣- همه اين نظريات بدون مستند؛ بلكه بر خلاف صريح حديث مستند ليلة الرغائب است، و صحيح همان است كه در متن حديث مستند ليلة الرغائب آمده است: پنجشنبه اول ماه رجب محور ليلة الرغائب است، آنرا روزه گرفته؛ و بين نماز فريضه عشاء و نافله عشاء نماز خاصي را بجاي مي آورند.

٤- متن حديث مستند ليلة الرغائب: العلامة المجلسي، بحار الأنوار، ج ٩٥، ص٣٩٥ ح٢٥. (باب) (عمل خصوص ليلة الرغائب زائدا على اعمال مطلق ليالي شهر رجب)، أقول: قد روى العلامة رحمه الله في إجازته الكبيرة عن الحسن بن الدربي، عن الحاج صالح مسعود بن محمد وأبي الفضل الرازي المجاور بمشهد مولانا أمير المؤمنين عليه السلام قرأها عليه في محرم سنة ثلاث وسبعين وخمسمائة عن الشيخ علي بن عبد الجليل الرازي عن شرف الدين الحسن بن علي، عن سديد الدين علي بن الحسن عن عبد الرحمن بن أحمد النيسابوري، عن الحسين بن علي، عن الحاج مسموسم عن أبي الفتح نورخان (بن رجاء بن) عبد الواحد الأصفهاني، عن عبد الواحد بن راشد الشيرازي، عن أبي الحسن الهمداني عن علي بن محمد بن سعيد البصري، عن أبيه، عن خلف بن عبد الله الصنعاني، عن حميد الطوسي، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما معنى قولك: رجب شهر الله؟ قال: أنه مخصوص بالمغفرة، فيه تحقن الدماء، وفيه تاب الله على أوليائه، وفيه أنقذهم من نزاعه، ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من صامه كله؛ استوجب على الله ثلاثة أشياء: مغفرة لجميع ما سلف من ذنوبه، وعصمة فيما يبقى من عمره، وأمانا من العطش يوم الفزع الأكبر. فقام شيخ ضعيف فقال: يا رسول الله صلى الله عليه وآله إني عاجز عن صيامه كله، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: صم أول يوم منه، فان الحسنة بعشر أمثالها وأوسط يوم منه وآخر يوم منه، فإنك تعطى ثواب صيامه كله، ولكن لا تغفلوا عن ليلة أول خميس منه، فإنها ليلة تسميها الملائكة ليلة الرغائب، وذلك أنه إذا مضى ثلث الليل؛ لم يبق ملك في السماوات والأرض إلا ويجتمعون في الكعبة وحواليها؛ ويطلع الله عليهم اطلاعة، فيقول لهم: يا ملائكتي اسئلوني ما شئتم، فيقولون: ربنا حاجاتنا إليك أن تغفر لصوام رجب، فيقول الله عز وجل قد فعلت ذلك. ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من أحد يصوم يوم الخميس أول خميس من

رجب، ثم يصلي ما بين العشائين والعتمة، اثنا عشر ركعة؛ يفصل بين كل ركعتين بتسليم، يقرء في كل ركعة فاتحة الكتاب مرة واحدة؛ وإنا أنزلناه في ليلة القدر ثلاث مرات؛ و قل هو الله أحد اثنا عشر مرة، فإذا فرغ من صلاته صلى عليّ سبعين مرة، ويقول: "اللّٰهُمَّ صل على محمد وعلى آله" ثم يسجد ويقول في سجوده سبعين مرة "رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم إنك أنت العلي الأعظم" ثم يسجد سجدة أخرى فيقول فيها ما قال في الأولى، ثم يسئل الله حاجته في سجوده، فإنها تقضى. قال رسول الله ﷺ: والذي نفسي بيده؛ لا يصلي عبد أو أمة هذه الصلاة؛ إلا غفر الله له جميع ذنوبه، ولو كان ذنوبه مثل زبد البحر؛ و عدد الرمل و وزان الجبال و عدد ورق الأشجار، و يُشفَّع يوم القيامة في سبعمائة من أهل بيته؛ ممن قد استوجب النار، فإذا كان أول ليلة في قبره؛ بعث الله إليه ثواب هذه الصلاة في أحسن صورة؛ فيجيئه بوجه طلق ولسان ذلق؛ فيقول: يا حبيبي أبشر؛ فقد نجوت من كل سوء، فيقول: من أنت؟ فوالله ما رأيت وجها أحسن من وجهك، ولا سمعت كلاما أحسن من كلامك، و لا شممت رائحة أطيب من رائحتك، فيقول: يا حبيبي؛ أنا ثواب تلك الصلاة التي صليتها في ليلة كذا من شهر كذا في سنة كذا، جئتك هذه الليلة لأقضي حقك و أونس وحدتك، و أرفع وحشتك، فإذا نفخ في الصور ظلّلتُ في عرصة القيمة على رأسك، فأبشر فلن تعدم الخير أبدا.

٥- نتيجه: امسال ١٤٣٢، براى نائل شدن به فضيلت ليلة الرغائب؛ چون ماه رجب از روز جمعه شروع می شود، و در اين هفته روز پنجشنبه كه محور عمل است جزو ماه رجب نيست، فلذا اولين روز پنجشنبه كه هفتم ماه رجب (١٩ خرداد = ٩ ژوئن) است را روزه می گيرند، بعد از نماز مغرب و عشاء و قبل از نافله عشاء؛ اين عمل مخصوص را بجاي مي آورند، (١٢ ركعت = ٦×٢ ركعتی) در هر ركعت يكبار سوره فاتحه و سه بار سوره قدر و ١٢ بار سوره توحيد می

خوانند، و پس از سلام و فراغ از ۱۲ رکعت و همه نماز؛ ۷۰ بـار صـلوات {اللّٰهُمَّ صل على محمد و على آله} فرستاده، و سپس بـه سـجده رفتـه و در سـجده هفتاد بار می گوید: {رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم إنك أنـت العليّ الأعظم}، سپس سجده دیگری به همین نحو می گزارد، و در آن حاجت خود را از خداوند می خواهد.

التماس دعا خصوصا برای مضطرین از اهل ایمان در بحرین و عربستان و سـایر بلدان. والحمد لله رب العالمين. [شمارة ثبت: (١٣٦٧) منبع: المسائل الإنترنتية]

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه رجب:

- انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.
- بخش اول از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت): شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نمازهای شب اول ماه رجب:

- دو رکعت شب اول از نماز ٦٠ رکعت در کل ماه: شرح آن قبلا بیان شد.
- دو رکعت بعد از نماز فریضه عشاء: هر که در اولین شب ماه رجـب، بعـد از نماز عشاء دو رکعت نماز بخواند؛ در رکعت اول یک بار سوره فَاتِحَـة الْكِتَـابِ، و یک بار سوره انشراح، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ سـه بـار، و در رکعـت دوم ، سـوره فَاتِحَة الْكِتَابِ، و سوره انشراح، و سوره قُلْ هُـوَ اللهُ أَحَـدٌ و معـوّذتين را یـک بـار بخواند، سپس تشهد خوانده و سلام دهد، بعـد از نمـاز ۳۰ بـار "لااله الاّ الله" بگوید، و ۳۰ بار بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستد،

همانا گناهان گذشته او آمرزیده شود، و او را از (تاریکی) خطاهایش بیرون آورد (و بشود) مانند روزي که مادرش او را بدنیا آورد.

ده رکعت (۵×۲)؛ در هر رکعت یک بار سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۱۰۰ بار، و بعد از نماز ۷۰ بار این نحو استغفار کند:

* اللّٰهُمَّ إنّي أستغفرك لما تبت إليك منه؛ ثم عدت فيه * و أستغفرك لما أعطيتك من نفسي؛ ثم لم أف لك به * و أستغفرك لما أردت به وجهك الكريم؛ و خالطه ما ليس لك * و أستغفرك للذّنوب الّتي قوّيت عليها بنعمتك و سترك * و أستغفرك للذّنوب الّتي بارزتك بها دون خلقك * و أستغفرك لكلّ ذنب أذنبت؛ و لكلّ سوء عملت * و أستغفر الله الذي لا إله إلّا هو الحيّ القيّوم؛ ذو الجلال و الإكرام؛ غافر الذّنب؛ و قابل التّوب * اِستغفار من لا يملك لنفسه نفعا و لا ضرّا؛ و لا موتا و لا حياة و لا نشورا إلّا ما شاء الله *

و بعد از اتمام استغفار بگوید:

* سبحانك بما تعلم و لا أعلم * و سبحانك بما تبلّغه أحكامك و لا أبلّغه * و سبحانك بما أنت مستحقّه؛ و لا يبلغه الحيران من خلقك * و سبحانك بالتّسبيح الّذي يوجب عفوك و رضاك * و سبحانك بالتّسبيح الّذي لم تطّلع عليه أحدا من خلقك * و سبحانك بعلمك في خلقك كلّهم * و لو علّمتني أكثر من هذا لقلته * اللّٰهُمَّ لا خراب على ما عمّرت * و لا فقر

على ما أغنيت * و لا خوف على من أمّنت * و أنا بين يديك و أنت عالم بحاجتي * فاقضها يا أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ يا رافع السّماء في الهواء * و كابس الأرض على الماء * و منبت الخضرة بما لا يرى * صلّ على محمّد و على آل محمّد * و افعل بي ما أنت أهله * و لا تفعل بي ما أنا أهله * يا أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ إنّي عبدك و ابن عبدك؛ ناصيتي بيدك * ماض في حكمك؛ عدل في قضاؤك * أسئلك بكلّ إسم هو لك * سمّيت به نفسك * أو أنزلته في كتابك * أو علّمته أحدا من خلقك * أن تجعل القرآن ربيع قلبي؛ و جلاء حزني؛ و ذهاب همّي و غمّي * اللّٰهُمَّ رحمتك أرجو * يا الله يا رحمان يا رحيم * يا ذا الجلال و الإكرام * اللّٰهُمَّ خشعت الأصوات لك * و ضلّت الأحلام فيك * و ضاقت الأشياء دونك * و ملأ كل شيئ نورك * و وجل كل شيئ منك * و هرب كلّ شيئ إليك * و توكّل كلّ شيئ عليك * أنت الرّفيع في جلالك * و أنت البهيّ في جمالك * و أنت العظيم في قدرتك * و أنت الّذي لا يؤدك شيئ * و أنت العليّ العظيم * يا غافر زلّتي * و يا قاضي حاجتي * و يا مفرّج كربتي * و يا وليّ نعمتي * أعطني مسألتي * لا إله إلّا أنت * أصبحت و أمسيت على عهدك و وعدك ما استطعت * أعوذ

بك من سيّئات أعمالي * و أستغفرك من الذّنوب التي لا يغفرها غيرك * فاغفر لي و ارحمني برحمتك * يا أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ يا من هو في علوه دانٍ * و في دنوّه عال * و في إشراقه منير * و في سلطانه عزيز * ائتني برزق من عندك * و لا تجعل لأحد عليّ فيه منّة * و لا لك في الآخرة عليّ تبعة إنك أرحم الرّاحمين * اللّٰهُمَّ إنّي أعوذ بك من الحرق و الشّرق و الهدم و الرّدم * و أن أُقتل في سبيلك مدبرا أو أموت لديغا * اللّٰهُمَّ إنّي أسئلك بأنّك مَلِك؛ و أنّك على كلّ شيئ مقتدر * و ما تشاء من أمر يكون * أن تصلّي على محمّد وعلى آل محمّد * و أن تفرّج عنّي و تكشف ضرّي * و تبلّغني أمنيّتي * و تسهّل لي محنتي * و تيسرّ لي إرادتي * و توصلني إلى بغيتي سريعا عاجلا * و تجمع لي خير الدّنيا و الآخرة * برحمتك يا أرحم الرّاحمين *

و بعد از این دعا هزار بار لا إله إلا الله بگوید، و در هر شب از شبهای ماه رجب این هزار بار گفتن را ادامه دهد.

بیست رکعت (۱۰×۲) بعد از نماز مغرب: پیامبر ﷺ فرمود: هر که نماز مغرب أولین شب ماه رجب را بخواند، سپس نماز بگزارد بعد از آن؛ ۲۰ رکعت، در هر رکعت سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ را یک بار بخواند، و بعد از هر دو رکعت سلام دهد،

آیا می دانید ثواب آن چیست؟ حاضران گفتند: خداوند و فرستاده اوست که

می داند، پیامبر ﷺ فرمود: این نماز را روح الامین به من آموخت، آنگاه ذراعین دست خویش را برهنه کرد و فرمود: هرکه این نماز را بخواند به خدا قسم، خودش، اهلش، مالش، و فرزندانش حفظ خواهند شد، و از عذاب قبر رهایي یافته، و چون آذرخش جهنده؛ بر روی صراط عبور خواهد کرد، بدون حساب.

سي رکعت (۱۵×۲): مؤمن یا مؤمنه اي نیست که در شب اول ماه رجب، ۳۰ رکعت نماز گزارد، در هر رکعت این نماز؛ سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل یا ایها الکافرون" یک بار، و سوره "قل هو الله احد" سه بار بخواند.

مگر آنکه خداوند او را بیامرزد؛ تمامي گناهان صغیره و کبیره وي را، و خداوند از این وقت تا سال آینده او را در زمره نمازگزاران بنویسد، و از نفاق پاك خواهد بود.

❖ نمازهای روز اول ماه رجب:

بخش اول از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت) اگر در شب بجا نیاورده: شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت با یك سلام: پیامبر ﷺ فرمود: روز اول از رجب؛ چهار رکعت نماز گزارد با یك سلام، در رکعت اول سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل هو الله احد" ده بار، و در رکعت دوم سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل هو الله احد" ده بار، و سوره "قل یا ایها الکافرون" سه بار، و در رکعت سوم؛ سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل هو الله احد" ده بار، و سوره "الهیکم التکاثر" یک بار، و در رکعت چهارم؛ سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل هو الله احد" ۲۵ بار، و "آیت الکرسي" سه بار بخواند.

(نماز سوم سلمان ﷺ) ده رکعت: هر رکعت حمد و سه توحید: ایشان روایت

کرده که پیامبر ﷺ فرمود: ای سلمان؛ آیا از گنجهای شگفت به تو چیزی یاد دهم؟ گفتم: بلی یا رسول الله، فرمود: وقتی اولین روز از رجب بود؛ ده رکعت نماز می گزاری؛ در هر رکعت سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ را یک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ را سه بار بخواند،

خداوند همه گناهانت مي آمرزد؛ از روزی که قلم حساب و ثبت اعمال برایت فعال شده تا این شب، و تو را از فتنه قبر و عذاب روز قیامت محفوظ مي دارد، و از تو جذام و برص و ذات الجنب را دور بدارد.

❖ نماز شب دوم ماه رجب:

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب دوم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند، با سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ یکمرتبه، و سوره "قل یا ایها الکافرون" یکبار.

خداوند او را بیامرزد؛ تمامي گناهان صغیره و کبیره وي را، و خداوند از این وقت تا سال آینده او را در زمره نمازگزاران بنویسد، و از نفاق پاك خواهد بود.

❖ نماز شب سوم ماه رجب:

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب دوم ماه رجب ده رکعت نماز بگزارد، بخواند در هر رکعت سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ یکمرتبه، و سوره " اذاجاء نصرالله " پنج بار.

خداوند بنا می کند برای او قصری در بهشت، که عرض و طولش هفت مرتبه از دنیا (کره زمین) وسیع تر است، و منادی از آسمان ندا می کند، که بشارت دهید ولي الهي را به کرامت عظمی و همراهي و رفاقت پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین.

❖ نماز روز سوم ماه رجب:

چهار رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در روز سوم ماه رجب چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت؛ بعد از سوره فَاتِحَة؛ این آیات را بخواند: ﴿وَ إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ * لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ * إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ * وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ * وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِما يَنْفَعُ النَّاسَ * وَ ما أَنْزَلَ اللهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ * فَأَحْيا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها * وَ بَثَّ فِيها مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ * وَ تَصْرِيفِ الرِّياحِ * وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ * لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْدادًا * يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ * وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلهِ * وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ إِذْ يَرَوْنَ الْعَذابَ؛ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلهِ جَمِيعًا؛ وَ أَنَّ اللهَ شَدِيدُ الْعَذابِ﴾،

خداوند از اجر و پاداش؛ آنچنان به او عطا کند؛ که یارای توصیفش برای توصیف کنندگان نباشد.

❖ نماز شب چهارم ماه رجب:

صد رکعت (۵۰×۲): پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب چهارم ماه رجب صد رکعت نماز بگزارد، (پنجاه نماز دو رکعتی) در رکعت اول؛ با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل أعوذ برب الفلق" یکبار، و در رکعت دوم؛ سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل أعوذ برب الناس" یك مرتبه، و همنیطور بقیه رکعات را،

نازل مي شود از هر آساني فرشته اى؛ كه تا قيامت مشغول به نوشتن ثواب اين نماز براى او مي شوند، و او روز قيامت در حالي وارد محشر مي شود كه چهره اش همچون ماه بدر (كامل) مي درخشد، و نامه عملش را به دست راست او مى دهد، و از او به آساني حسابرسي مي كنند.

❖ نماز شب پنجم ماه رجب:

شش ركعت: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كه در شب پنجم ماه رجب شش ركعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" يک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ را ۲۵ بار،

خداوند به او عطا مى كند ثواب چهل پيغمبر و چهل صدّيق و چهل شهيد، و مى گذرد بر صراط مثل آذرخش درخشنده؛ بر يك اسبى از نور.

❖ نماز شب ششم ماه رجب:

دو ركعت: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كه در شب ششم ماه رجب دو ركعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" يک بار، و آيت الكرسى را هفت بار،

منادى از آسمان ندا مى دهد: اى بنده خدا؛ تو بحق و براستي ولي الهي هستي (حقا حقا)، و براى توست براى هر حرفى كه در اين نماز خواندى، شفاعتى از مسلمانان، و براى توست هفتاد هزار حسنه است، كه هر حسنه اى در نزد خدا برتر از كوههايي است كه در دنيا است.

❖ نماز شب هفتم ماه رجب:

چهار ركعت: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر كه در شب هفتم ماه رجب چهار ركعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" يک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ را سه بار، و سوره "قل أعوذ برب الفلق" و سوره "قل أعوذ برب الناس"، و بعد از فراغ از نماز

صلوات بر پيامبر ﷺ بفرستد، و باقيات الصالحات يعنى تسبيحات اربعة {سبحان الله و الحمد لله و لا اله الله والله اكبر} را ده بار بگويد.

خداوند زير سايه عرش خود؛ بر او سايه مي افكند، و به او ثواب كسي كه ماه رمضان را روزه بگيرد عطا مي كند، و ملائكه تا وقتي كه از اين نماز فارغ مي شود براي او استغفار مي كنند، و بر او جان دادن و فشار قبر آسان كند، و از دنيا بيرون نرود تا اينكه جايگاهش را در بهشت ببيند، و خداوند او را از فزع اكبر (در قيامت) در امان مي دارد.

❖ نماز شب هشتم ماه رجب:

بيست ركعت: پيامبر ﷺ فرمود: هر كه در شب هشتم ماه رجب بيست ركعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" يک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ و سوره "قل يا ايها الكافرون" و سوره الفلق و سوره الناس هر يك سه مرتبه بخواند.

خداوند به او عطا كند ثواب شاكرين و صابرين را، و نام او را بالا ببرد در ميان صديقين، و براى او باشد؛ به هر حرف از آن؛ اجر هر صديق و شهيد، و مانند كسي است كه قرآن را در ماه رمضان ختم كرده باشد، و هنگامی كه از قبر خارج شود؛ هفتاد فرشته از او استقبال می كنند و بهشت را به او بشارت می دهند، و او را به سوی بهشت بدرقه می كنند.

❖ نماز شب نهم ماه رجب:

دو ركعت: پيامبر ﷺ فرمود: هر كه در شب نهم ماه رجب دو ركعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" يک بار، و سوره "الهيكم التكاثر" پنج بار،

از جايش بر نمي خيزد؛ مگر آنكه خدا او را بيامرزد، و عطا كند به او ثواب صد حج و صد عمره، و هزار هزار رحمت بر او نازل كند، و او را ايمن كند از آتش، و اگر تا هشتاد روز بعد؛ بميرد؛ شهيد از دنيا برود.

❖ نماز شب دهم ماه رجب:

دوازده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب دهم ماه رجب؛ بعد از نماز مغرب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ سه بار،

خداوند براي او قصري بنا مي كند برفراز "عامودي" از ياقوت سرخ، حاضران پرسيدند: يا رسول الله؛ "عامود" چيست؟ بزرگي آن به مانند مابين مغرب تا مشرق است، و در هر ستون هفتصد غرفه است كه وسيع تر از دنيا (كره زمين) قرار دارد، و همه غرفه ها از طلا ونقره وياقوت و زبرجد است، و در اين قصر خانه هايي است به تعداد ستارگان آسمان، و در آن چيزهايي است كه هيچ بشري توان توصيفش را ندارد.

توضيح: در اهميت دهم ماه رجب؛ سيدابن طاووس نقل كرده در حديثي از پيامبر ﷺ كه فرمود: ماههای حرام ماههای خداست، و در روز دهم از هر كدام ويژگی مهمی وجود دارد، روز دهم از محرم؛ عاشوراست، روز دهم از رجب؛ روز محو و اثبات (تقديرات الهي) ﴿يمحو الله ما يشاء و يثبت﴾ است، و روز دهم از ذي قعده؛ روز نگاه خداوند به بنده اش از روی رحمت است، و روز دهم از ذي حجه؛ يوم النحر (روز قربان كردن) است.

❖ نماز شب يازدهم ماه رجب:

دوازده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب يازدهم ماه رجب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و آیت الکرسی دوازده مرتبه،

عطا كند خداوند تعالى به او ثواب آنكه تورات و انجيل و زبور و قرآن و هر كتابي كه خدا بر پيامبرانش فرستاده؛ را خوانده باشد، و منادی از عرش ندا كند خداوند گناهان تو را بخشيد عمل خود را از سر بگير.

❖ نماز شب دوازدهم ماه رجب:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب دوازدهم ماه رجب؛ دو رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و آیات ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَ مَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَ كُتُبِهِۦ وَ رُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَ أَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَ عَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَ ٱعۡفُ عَنَّا وَ ٱغۡفِرۡ لَنَا وَ ٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ را ده بار (در قرائت نماز بعد سوره حمد بخواند)،

خداي تعالى به او عطا كند ثواب آمران به معروف و ناهيان از منكر را، وثواب آزاد كردن هفتاد بنده از فرزندان اسماعيل عليه السلام را، و خداوند عطا می كند او را هفتاد رحمت.

❖ نماز شب سیزدهم ماه رجب:

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب سیزدهم ماه رجب؛ ده رکعت نماز بگزارد (پنج دو رکعتی)، در رکعت اول سوره "الحمد" یک بار، و سوره "والعادیات" یک بار، و در رکعت دوم سوره "الحمد" یک بار، و سوره "الهیکم التکاثر" یک بار، و بقیه نمازهای دو رکعتی به همین نحو باشد،

خداوند گناهانش را بیامرزد، و اگر عاق والدین بوده باشد راضی می شود خداوند سبحان از او، و در قبر منکر و نکیر نزدیکش نشده و نمی ترسانند او را، و می گذرد بر روی صراط مثل آذرخش جهنده، و نامه عملش را به دست راستش می دهد، و سنگین می شود (کفه حسنات اعمالش در) میزان اعمال الهی، و عطا کرده می شود، و در جنت فردوس هزار شهر به او داده می شود.

دو رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نمازهای شب چهاردهم ماه رجب:

چهار رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

سی رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب چهاردهم ماه رجب؛ سی رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یک مرتبه، و آیه آخر سوره "الکهف" ﴿قُل إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثلُكُم يوحي إِلَيَّ؛ أَنَّما إِلٰهُكُم إِلٰهٌ واحِد، فَمَن كانَ يَرجوا لِقاءَ رَبِّه؛ فَليَعمَل عَمَلًا صالِحًا، وَ لا يُشرِك بِعِبادَةِ رَبِّه أَحَدًا﴾،

قسم به آنکه جانم به دست اوست؛ اگر گناهان او بیشتر از ستاره های آسمان باشد؛ بیرون نمی آید از نمازش؛ مگر اینکه او (از گناهانش) پاک و پاکیزه باشد، و (فضیلتي دارد) مانند آنکه خوانده باشد هر کتابی را که خداوند تعالی نازل کرده است.

❖ نمازهای شب پانزدهم ماه رجب:

بخش دوم از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت): شرح آن قبلا بیان شد.

شش رکعت: نماز ليالي بيض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

دوازده رکعت: حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: در شب نیمه ماه رجب دوازده رکعت نماز می گزاری؛ هر دو رکعتي سلام می دهی، در هر رکعتی سوره ام الکتاب را چهار بار؛ و سوره اخلاص را چهار بار؛ و سوره الفلق را چهار بار؛ و سوره الناس را چهار بار؛ و آيت الكرسي را چهار بار؛ و سوره "انا انزلناه في ليلة القدر" را چهار بار می خوانی؛ و بعد از تشهد و سلام و فراغ از همه رکعات؛ چهار بار می گويي: * اَللّٰه اَللّٰه ربّي * لا أشرك به شيئا * ما شاء الله * لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * سپس دعا می کنی به آنچه می خواهی.

دوازده رکعت: حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: در شب نیمه ماه رجب دوازده رکعت نماز می گزاری؛ هر دو رکعتي سلام می دهی، در هر رکعتی حمد و سوره ای را می خوانی، و بعد از تشهد و سلام و فراغ از همه رکعات؛ هر کدام از سوره های حمد و معوذتین و اخلاص و آيت الكرسي را چهار بار؛ و بعد از آن " سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اكبر" را چهار بار می خوانی؛ سپس می گويي: * اَللّٰه اَللّٰه ربّي * لا أشرك به شيئا * ما شاء الله * لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم *

سی رکعت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که در شب پانزدهم ماه رجب؛ سی رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده مرتبه،

از نمازش بیرون نشود تا اینکه ثواب هفتاد شهید به او داده شود، و روز قیامت بیاید در حالیکه نور او روشن می کند اهل محشر را تا مسافتي ما بین مکه و مدینة، و خداوند به او برائت از آتش و برائت از نفاق عطا کرده؛ و عذاب قبر را از او بردارد. (و در روایت دیگری برای همین نماز چنین فضیلتي بیان شده) خداوند او را از آتش آزاد کند، و برای هر رکعتی عبادت چهل شهید را برای او بنویسد، و برای هر آیه که تلاوت کرده دوازده نور به او عطا کند، و برای هر بار که سوره توحید می خواند دوازده شهر از مشک وعنبر بسازد، و خداوند پاداش نماز گزاران و روزه داران مرد و زن در آن ماه را برای او بنویسد، و اگر میان آنسال و سال آینده بمیرد شهید از دنیا رفته و از فتنه قبر محفوظ باشد.

❖ نمازهای روز پانزدهم ماه رجب:

بخش دوم از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت) اگر در شب بجا نیاورده: شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: از حضرت مولا علي عليه السلام نقل شده که: در روز نیمه رجب چهار رکعت نماز خواند، و پس از سلام دستهایش را گشوده و چنین دعا کرد:

* اَللَّهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ * وَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ * أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ * وَ أَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي * وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّا * وَ لَوْ لا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ * وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي * وَ لَوْ لا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ * يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا * وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا * يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَ الرِّفْعَةِ *

فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ * وَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ * فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ * أَسْئَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ * وَ أَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ * فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ * فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * (و سپس دعا کند).

و دیگران را بدان توصیه و فرمود: سوگند به آنکه دانه را شکافت (برای روییدن)؛ و کعبه را برپا کرد، و مخلوقات را آفرید؛ این دعا نزد کسي از اهل زمین نباشد و به آن دعا نکند هر صاحب غمی؛ مگر اینکه حقّ تعالی او را از اندوه و غم او ببرد.

پنجاه رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در نیمه ماه رجب؛ روز پانزدهم پنجاه رکعت نماز بگزارد، بخواند در هر رکعت سوره فَاتِحَة الْكِتَابِ یکمرتبه، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ را یکبار، و سوره "قل أعوذ برب الفلق" یکبار، و سوره "قل أعوذ برب الناس" یکبار،

از گناهانش بیرون رود مانند روزی که مادرش او را زاده، و در قبر عذاب نشود، و از او تنگی قبر و تاریکي قبر برداشته شود، و از قبرش برخیزد در حالیکه چهره اش مي درخشد، و از قبرش با شهداء محشور شود، و همراه انبیاي الهي داخل بهشت شود.

❖ نماز شب شانزدهم ماه رجب:

سی رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب شانزدهم ماه رجب؛ سي رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ؛ ده بار،

از نمازش بیرون نشود تا اینکه ثواب هفتاد شهید به او داده شود، و روز قیامت بیاید در حالیکه نور او روشن می کند اهل محشر را تا مسافتي ما بین مکه و مدینة، و خداوند به او برائت از آتش و برائت از نفاق عطا کرده؛ و عذاب قبر را از او بردارد.

❖ نماز شب هفدهم ماه رجب:

سی رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب هفدهم ماه رجب؛ سي رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار،

از نمازش بیرون نشود تا اینکه ثواب هفتاد شهید به او داده شود، و روز قیامت بیاید در حالیکه نور او روشن می کند اهل محشر را تا مسافتي ما بین مکه و مدینة، و خداوند به او برائت از آتش و برائت از نفاق عطا کرده؛ و عذاب قبر را از او بردارد.

❖ نماز شب هجدهم ماه رجب:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب هجدهم ماه رجب؛ دو رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" و فلق و ناس هر کدام ده بار،

وقتی از نماز فارغ شود؛ خداوند به فرشتگانش می گوید: اگر گناهان این شخص از گناهان باج گیرها هم بیشتر باشد؛ هر آینه اورا آمرزیدم با این نماز؛ و خداوند میان او و آتش جهنم، شش خندق قرار می دهد؛ که فاصله میان هر خندق، مثل فاصله میان آسمان و زمین است.

❖ نماز شب نوزدهم ماه رجب:

چهار رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب نوزدهم ماه رجب؛ چهار رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و آیت الکرسي پانزده مرتبه، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده مرتبه،

خداوند به او عطا می کند از ثواب به مانند آنچه که به موسی علیه السلام عطا کرده، و برای او باشد بخاطر هر حرف ثواب یک شهید؛ و خداوند ملائکه را با سه بشارت به سوي او می فرستد: اول آنکه او را در محشر رسوا نکند، دوم آنکه را محاسبه اعمال نمي کند، سوم آنکه او را بدون حساب داخل بهشت ببرند، و هنگامی که در پیشگاه خداوند بایستد، خداوند بر او سلام کند، و به او می گوید: ای بنده من نترس و محزون نباش؛ همانا من از تو راضی هستم؛ و بهشت برای تو مباح است.

❖ نماز شب بیستم ماه رجب:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیستم ماه رجب؛ دو رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "انا انزلناه في ليلة القدر" پنج مرتبه،

خداوند ثواب ابراهیم و موسی و یحیي و عیسی علیهم السلام را به او عطا مي کند، و هر که این نماز را بخواند آسیبي از جن و انس به او نمي رسد، و خداوند با نظر رحمتش به او مي نگرد.

❖ نماز شب بیست و یکم ماه رجب:

شش رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیست و یکم ماه رجب؛ شش رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره الکوثر ده بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده مرتبه،

خداوند به فرشتگان کرام الکاتبین فرمان می دهد که تا یک سال برای او گناهی ننویسند، و برای او تا سال بگذرد حسنات بنویسند، و قسم به آنکه جانم به دست اوست ومرا به حق به پیامبری برانگیخت؛ کسی که مرا دوست بدارد و خداوند را دوست بدارد؛ خداوند به او نزد فرشتگان مباهات می کند و می فرماید: او را آمرزیدم، پس این نماز را بگزارد، و اگر از ایستاده خواندن عاجز باشد؛ پس نشسته بخواند.

❖ نماز شب بیست و دوم ماه رجب:

هشت رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب بیست و دوم ماه رجب؛ هشت رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قل یا ایها الکافرون" هفت مرتبه، پس وقتي از (همه رکعات) نماز فارغ شود؛ ده مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد؛ و ده مرتبه از خداوند عزوجل آمرزش بخواهد (استغفرالله)،

اگر این عمل را بجا آورد از دنیا بیرون نمي رود تا اینکه جاي خود را در بهشت ببیند و مردن او بر دین اسلام باشد و برای او ثواب هفتاد پیامبر علیهم السلام باشد.

❖ نماز شب بیست و سوم ماه رجب:

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب بیست و سوم ماه رجب؛ دو رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "و الضحی" پنج مرتبه،

خداوند بخاطر هر حرفي که خوانده؛ به تعداد هر مرد و هر زن کافر؛ درجه اي در بهشت به او عطا مي کند، و ثواب هفتاد حج؛ و ثواب آنکه تشییع هزار جنازه کرده؛ و ثواب آنکه عیادت هزار مریض نموده، و ثواب آنکه هزار حاجت از مسلمان برآورده را به او عطا مي کند.

❖ نماز شب بیست و چهارم ماه رجب:

❁ چهل رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیست و چهارم ماه رجب؛ چهل رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و آیه ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ یکبار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یک بار،

↙ خداي تعالى بنويسد از براي او هزار حسنه، و محو كند از او هزار بدى، و هزار درجه او را بالا برد، و نازل مي كند از آسمان هزار ملك؛ كه دستهاشان به دعا بلند است؛ بر او صلوات مي فرستند، و خداوند سلامتي در دنيا و آخرت را روزي او مي كند، ومانند كسى است كه شب قدر را درك كرده باشد.

❖ نماز شب بیست و پنجم ماه رجب:

❁ بیست رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیست و پنجم ماه رجب؛ بین نماز مغرب و عشاء؛ بیست رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و

آیه ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ یکبار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یک بار،

- خداوند تعالی برای او حفظ کند جان و خانواده و دین و مال و دنیا و آخرت او را، و از جاي نماز خود بر نخیزد تا اینکه خدا او را بیامرزد.

❖ نماز شب بیست و ششم ماه رجب:

- دوازده رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب بیست و ششم ماه رجب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" چهل بار (در روایتی چهار بار)،
- ملائکه با او مصافحه کنند، و کسي که ملائکه با او مصافحه کنند؛ ایمن شود از ماندن بر صراط و حساب و میزان، و مي فرستد خداوند هفتاد فرشته را که براي او استغفار کنند و ثواب آن را براي او مي نویسند، و براي صاحب استغفار (نمازگزار) تهلیل مي گویند، و هر زمان که از جایش حرکتی کند ملائکه مي گویند: اللهُمَّ اغفِر لِهذَا العَبد (خدایا این بنده را بیامرز)، و این برنامه تا صبح ادامه داشته باشد.

❖ نماز شب بیست و هفتم ماه رجب:

دوازده رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب بیست و هفتم ماه رجب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "سبح اسم ربك" ده بار، و "إنا أنزلناه في ليلة القدر" ده بار، و چون از نمازش (همه رکعات) فارغ شود، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و صد مرتبه استغفار کند خدای تعالی را،

بنویسد خداي تعالی براي او ثواب عبادت ملائکه را.

دوازده رکعت: امام کاظم علیه السلام فرمود: نماز بگزار در شب بیست و هفتم ماه رجب؛ هر وقتی از شب که خواستی؛ دوازده رکعت، در هر رکعت می خوانی (هر يك از) سوره "الحمد" و معوذتین و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" چهار بار، وقتي از نماز فارغ شدی و تو هنوز در جایت نشسته ای؛ چهار مرتبه بگو: * لا إله إلّا الله * و الله اكبر * الحمد لله * و سبحان الله * و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * سپس دعا کن به هر چه بخواهی.

دوازده رکعت: امام جواد علیه السلام فرمود: همانا در ماه رجب شبي است؛ که برای مردم بهتر است از هرچه بر آن خورشید تابیده؛ و آن شب بیست و هفتم از این ماه است؛ و آن شبي است که رسول الله صلی الله علیه و آله به پیامبری رسیده است، و برای عامل از شیعیان ما اجر شصت سال عبادت است، پرسیده شد: و آن عمل چیست؟ فرمود: وقتی نماز عشاء را گزاردی و به بستر رفتی پس برخیز هر ساعتی که خواستی از شب قبل از زوال (نیمه) شب یا بعد آن، دوازده رکعت نماز بگزارد، (بعد سوره حمد) با دوازده سوره از سوره های مفصل (یاسین تا حمد) هر کدام برایش سبکتر است، و بعد از فراغت از هر دو رکعتی؛ بعد از

سلام بنشيند؛ و سوره حمد را هفت بار، و سوره توحيد را هفت بار، و معوذتين را هفت بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" را هفت بار، و سوره "قل يا أيها الكافرون" را هفت بار، و سوره "انا أنزلناه" را هفت بار، و آيت الكرسى را هفت بار، و بعد از آن (همه ركعات و تلاوتها) بگويد:

* اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ في الْمُلْكِ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ * وَ كَبِّرْهُ تَكْبيرًا * اَللّهُمَّ اِنّي أَسئَلُكَ بِمَعاقِدِ عِزِّكَ عَلَى أَرْكانِ عَرْشِكَ * وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ * وَ بِاسْمِكَ الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ * وَ ذِكْرِكَ الأَعْلَى الأَعْلَى الأَعْلَى * وَ بِكَلِماتِكَ التّامّاتِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمّد وَ آلِهِ * وَ أَنْ تَفْعَلَ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ * سپس دعا كن به هر چه بخواهى،

↙ پس همانا دعا نمى كنى براى چيزى الا اينكه اجابت شوى، تا اينكه دعا درباره خواسته گناه يا قطع رحم يا هلاك گروه مؤمنى نكرده باشى.

❖ نماز روز بيست و هفتم ماه رجب:

دوازده ركعت: از حضرت امام صادق عليه السلام و حضرت امام جواد عليه السلام و نيز ناحيه مقدسه حضرت صاحب الأمر عليه السلام اين نماز وارد شده است، و در صدر روز و هنگام بالا آمدن آفتاب (چاشت) گذارده مى شود، شش دو ركعتي؛ (بعد سوره حمد) با دوازده سوره از سوره هاى مفصل (ياسين تا حمد) هر كدام برايش آسانتر است (در هر ركعت يك سوره)، و بين هر دو ركعتي اين دعا بخواند:

* اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ في

الْمُلْكِ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيرًا * يا عُدَّتي في مُدَّتي * يا صاحِبي في شِدَّتي * يا وَليّي في نِعْمَتي * يا غِياثي في رَغْبَتي * يا مُجيبي (نَجاحي) في حاجَتي * يا حافِظي في غَيْبَتي * يا كَالِئي (كافِيَّ) في وَحْدَتي * يا أُنْسي في وَحْشَتي * أَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي * فَلَكَ الْحَمْدُ * و أَنْتَ الْمُقيلُ عَثْرَتي * فَلَكَ الْحَمْدُ * وَ أَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتي * فَلَكَ الْحَمْدُ * صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد * وَ اسْتُرْ عَوْرَتي * وَ آمِنْ رَوْعَتي * وَ أَقِلْني عَثْرَتي * وَ اصْفَحْ عَنْ جُرْمي * وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتي * في أَصْحابِ الْجَنَّةِ * وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذي كانُوا يُوَعَدُونَ *

و بعد از فارغ شدن از همه رکعات نماز؛ و بعد از سلام آخر بنشیند؛ و سوره حمد و سوره توحید و معوذتین و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" و سوره "قل یا أیها الکافرون" و سوره "انا أنزلناه" و آیت الکرسی را هفت بار بخواند، و بعد از آنها نیز هفت بار بگوید:

* لا إلٰه إلّا الله * و الله اکبر * الحمد لله * و سبحان الله * و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم * و هفت مرتبه بگوید: * * اَللّٰه اَللّٰه ربّي * لا أشرك به شيئا * و هفت مرتبه بگوید: * لا أشرك بربّي أحدا * و در نقلی نیز وارد شده که همه این موارد را چهار بار بگوید، اما هفت بار ترجیح دارد، و نسخه "اربع" تصحیف چه بسا "سبع" است.

❖ نماز شب بیست و هشتم ماه رجب:

دوازده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیست و هشتم ماه رجب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "سبح اسم ربك الأعلى" ده بار، و "إنا أنزلناه في ليلة القدر" ده بار، و چون از نمازش (همه رکعات) فارغ شود، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ بفرستد، و صد مرتبه استغفار کند خدای تعالی را،

بنویسد خداي تعالى براي او ثواب عبادت ملائکه را.

❖ نماز شب بیست و نهم ماه رجب:

دوازده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب بیست و نهم ماه رجب؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "سبح اسم ربك" ده بار، و "إنا أنزلناه في ليلة القدر" ده بار، و چون از نمازش (همه رکعات) فارغ شود، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ بفرستد و صد مرتبه استغفار کند خدای تعالی را،

بنویسد خداي تعالى براي او ثواب عبادت ملائکه را.

❖ نماز شب آخر ماه رجب:

بخش سوم از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت): شرح آن قبلا بیان شد.

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که در شب سی ام ماه رجب؛ ده رکعت نماز بگزارد، با سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار،

خداوند به او در جنت فردوس، هفت شهر عطا می کند، و در حالی از قبرش بیرون می آید که صورتش چون ماه شب چهارده می درخشد، و برصراط به مانند آذرخش جهنده عبور می کند، و از آتش نجات می یابد، و الحمد لله ربِّ العالمین.

❖ **نماز روز آخر ماه رجب:**

بخش سوم از نماز معروف سلمان ﷺ (ده رکعت) اگر در شب بجا نیاورده: شرح آن قبلا بیان شد.

نمازهای ماه شعبان

❖ **نماز روز یکشنبه ماه:**

نماز مخصوص توبه و فضائل بسیار؛ که شرح آن در نمازهای ماه ذی قعده آورده شده است.

❖ **نماز پنجشنبه های ماه شعبان،**

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: در هر روز پنجشنبه از ماه شعبان آسمانها را زینت می کنند، پس ملائکة می گویند: ای خدای ما بیامرز روزه دار این روز را ؛و دعایشان را مستجاب کن، پس هر که در این روز دو رکعت نماز گذارد؛ که در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" صد بار، وقتی سلام نماز داد؛ صدبار صلوات بر پیامبر و خاندانش ﷺ بفرستد،

خداوند برآورده برای او هر حاجتی را که دارد از امور دین و دنیایش؛ و هر که در این ماه یك روز را روزه بدارد؛ خداوند بدن او را بر آتش جهنم حرام کند.

❖ **نماز سه شب آغاز (۱،۲،۳) ماه شعبان:**

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که سه روز اول (۱،۲،۳) ماه شعبان را روزه بگیرد؛ و شبهای آنرا به عبادت قیام کند، و دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یازده بار،

خداوند از او بردارد؛ شر اهل آسمانها؛ و شر اهل زمینها؛ و شر ابلیس و لشکریانش؛ و شر هر سلطان ستمگری را، و از آنها حفظ شود، سوگند به

آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ همانا خداوند بیامرزد برای او هفتاد هزار گناه از کبائر را؛ که میان او خداوند عزّ وجلّ فاصله انداخته؛ و خداوند عذاب قبر و جان کندن و سختیهای آنرا از او دور کند.

❖ نمازهای شب یا روز اول ماه شعبان:

انجام نمازهای مربوط به اول هر ماه قمری؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

❖ نمازهای شب اول ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب اول ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" سی بار، وقتی سلام نماز داد؛ بگوید: اللّٰهُمَّ هذا عهدی عندك إلی یوم القیامة،

از شر ابلیس و لشکریانش حفظ شود، و خداوند به او ثواب صدیقین را عطا فرماید.

دو رکعت: نماز سه شب آغاز (۱،۲،۳) ماه شعبان؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

دوازده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب اول ماه شعبان؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده بار،

خداوند عطا می فرماید به او ثواب دوازده هزار شهید، و برای او بنویسد ثواب عبادت دوازده سال، و بیرون شود از آلودگی گناهانش، مثل روزی که از مادر متولد شده است، و خداوند به تعداد هر آیه ای که در قرآن است؛ قصری در بهشت به او عطا فرماید.

صد رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب اول ماه شعبان؛ صد رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره های "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" و "معوذتین"هر کدام یک بار، پس وقتی از نماز فارغ شد؛ پنجاه مرتبه سوره "فاتحة الکتاب" را تلاوت کند.

سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ او اگر روزه بگیرد؛ و این نماز بگزارد، همانا خداوند دور کند از او شر اهل آسمان؛ و شر اهل زمین؛ و شر شیاطین و شر سلاطین را؛ و بیامرزد برای او هفتاد هزار گناه کبیره را؛ و از او عذاب قبر را بردارد؛ و اینکه منکر و نکیر او را نترساند، و از قبرش بیرون بیاید در حالی که رویش همچون ماه شب بدر باشد، و بر صراط بگذرد مثل برق، و نامه عمل او به دست راستش داده شود.

❖ نماز شب دوم ماه شعبان:

دو رکعت: نماز سه شب آغاز (۱،۲،۳) ماه شعبان؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

پنجاه رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۲ ماه شعبان؛ پنجاه رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره های "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" و "معوذتین"هر کدام یک بار،

خداوند تعالی به کرام الکاتبین امر می کند که برای بنده من بدی ننویسید؛ تا اینکه یکسال بر او بگذرد، و خداوند در عبادت اهل آسمان و زمین؛ نصیبی برای او قرار می دهد، سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ بیداری و قیام به عبادت این شب را؛ پرهیز نمی کند مگر آنکه شقي یا منافق یا فاجر است، و فضیلتهای بسیاری برای نماز این شب ذکر فرمود.

❖ نماز شب سوم ماه شعبان:

دو رکعت: نماز سه شب آغاز (۱،۲،۳) ماه شعبان؛ که شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۳ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" بیست و پنج بار، پس وقتی از نماز فارغ شد؛ پنجاه مرتبه سوره "فاتحة الکتاب" را تلاوت کند.

خداوند در روز قیامت همه دربهای هشتگانه بهشت را برای او بگشاید، و هفت درب جهنم را به روی او ببندد، و او را هزار حله بهشتي و هزار تاج بپوشاند.

❖ نماز شب چهارم ماه شعبان:

چهل رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ٤ ماه شعبان؛ چهل رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" بیست و پنج بار،

خداوند بنویسد برای او؛ به هر رکعتی؛ ثواب هزار هزار سال عبادت، و برای او بنا می کند (در بهشت)؛ به ازای هر سوره؛ هزار هزار شهر، و به او عطا می فرماید ثواب هزار هزار شهید.

❖ نماز شب پنجم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ٥ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانصد بار، پس وقتی سلام داد؛ هفتاد بار صلوات بر پیامبر و خاندانش صلی الله علیه و آله بفرستد،

خداوند برآورده سازد برای او هزار حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت او را، و به تعداد ستارگان آسمان؛ به او شهر در بهشت عطا می فرماید.

❖ نماز شب ششم ماه شعبان:

چهار رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ٦ ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پنجاه بار،

خداوند قبض روح او کند او را بر حالت سعادتمندی، و قبرش را وسیع قرار دهد، و از قبرش بیرون بیاید در حالی که رویش همچون ماه شب بدر باشد، و او می گوید: أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا رسول الله.

❖ نماز شب هفتم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۷ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در رکعت اول سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" صد بار، در رکعت دوم سوره "الحمد" یک بار، و آیت الکرسی صد بار،

هر مؤمن و مؤمنه ای که این نماز بگزارد؛ خداوند دعائش را مستجاب فرموده، و حاجتهایش را برآورده سازد، و هر روز برایش ثواب شهید بنویسد، و بر او هیچ گناه و خطائی نباشد.

❖ نماز شب هشتم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۸ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در رکعت اول بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و پنج مرتبه آیه (آخر سوره بقره) ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ،

كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ، لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ، وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا، لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ، رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا، رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا، أَنتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده بار، و در ركعت دوم بخواند سوره "فاتحة الكتاب" يک بار، و آيه (آخر سوره كهف) ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ، أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ، فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ؛ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ يک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده بار،

پس اگر گناهانش بيشتر از تعداد (حباب) كف روي آب درياها باشد؛ خداوند او را از دنيا بيرون نمى برد؛ مگر پاك، و مانند آن كسى باشد كه تورات و انجيل و زبور و فرقان را تلاوت كرده است.

❖ نماز شب نهم ماه شعبان:

چهار ركعت: پيامبر ﷺ فرمود: هر كه شب ۹ ماه شعبان؛ چهار ركعت نماز بگزارد، در هر ركعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" يک بار، و سوره "إذا جاء نصر الله" ده بار،

خداوند حرام می کند جسد او را بر آتش جهنم، و به او عطا می کند به هر آیه؛ ثواب دوازده شهید از شهدای بدر و ثواب علماء را.

❖ نماز شب دهم ماه شعبان:

چهار رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۱۰ ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و آیت الکرسی یک بار، و سوره "إنا أعطيناك الكوثر" سه بار،

خداوند به ملائکه اش می فرماید: بنویسید برای او؛ صد هزار حسنه، و بالا ببرید برای او صد هزار درجه، و باز کنید برای او صد هزار درب، و نبندید آنها را برای او تا ابد الأبد، و او و والدین و همسایگانش آمرزیده شوند.

❖ نماز شب یازدهم ماه شعبان:

هشت رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۱۱ ماه شعبان؛ هشت رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ يا أيها الكافرون" ده بار،

سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ نمی گزارد این نماز را مگر مؤمنی که ایمانش کامل باشد، و خداوند عطا کند او را؛ به هر رکعتی، گلزاری از گلزارهای بهشت.

❖ نماز شب دوازدهم ماه شعبان:

دوازده رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۱۲ ماه شعبان؛ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "ألهاكم التكاثر" ده بار،

خداوند بیامرزد برای او گناهان چهل سال را، و بالابرد برای او چهل درجه، و استغفار کند برای او چهل هزار ملك، و برای اوست ثواب آنکه شب قدر را درك کرده باشد.

❖ نماز شب سیزدهم ماه شعبان:

دو رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۱۳ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "والتین والزیتون" یک بار،

مانند آنکه دویست نفر اسیر از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده، و بیرون شود از آلودگی گناهانش، مثل روزی که از مادر متولد شده است، و خداوند به او برائت و مصونیت از آتش جهنم را عطا فرماید، و در قیامت و بهشت؛ حضرت محمد (رسول الله) ﷺ و حضرت ابراهیم (خلیل الله) علیه السلام را همراهی کند.

❖ نمازهای شب چهاردهم ماه شعبان:

چهار رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۱٤ ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "والعصر" پنج بار،

خداوند برای او بنویسد؛ ثواب نمازگزاران از زمان آدم علیه السلام تا وقت انجام این نماز، و برانگیخته و زنده شدن او؛ در حالی که صورتش از خورشید و ماه نورانی تر است، و آمرزیده شود برای او.

❖ **نمازهای شب نیمه ماه شعبان:**

شش رکعت: نماز لیالي بیض (شبهای۱۳،۱٤،۱۵) ماههای رمضان و رجب و شعبان: شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: امام رضا علیه السلام فرمود: که نماز واجب و وظیفه ای در این شب نیست، اما اگر دوست داشتی از روی داوطلبی نمازی در این شب بخوانی؛ پس بر تو باد به نماز جعفر بن أبی طالب علیهما السلام، شرح آن قبلا بیان شد.

چهار رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۱۵ ماه شعبان؛ بین مغرب و عشاء؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یازده بار (ده بار)، پس وقتی از نماز فارغ شد؛ بگوید: {یا ربّ اِغفرلنا} ده بار، {یا ربّ اِرحمنا} ده بار، و {یا ربّ تب علینا} ده بار، و بخواند سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" را بیست و یک بار، و سپس ده بار بگوید: * سبحان الّذي يحيي الموتى و يميت الأحياء * و هو على كلّ شيئ قدير *

خداوند مستجاب سازد برای او دعایش را، و برآورده سازد حاجتهای دنیا و آخرت او را، و خداوند نامه عمل او را به دست راستش دهد. و در حفظ الهی باشد تا سال آینده.

چهار رکعت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در شب نیمه ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" صد بار (و در دستور دیگری ۲۵۰ بار)، پس وقتی از نماز فارغ شد؛ این دعا بخواند:

* اَللّهُمَّ إِنّي إِلَيْكَ فَقيرٌ * وَ مِنْ عَذابِكَ خائِفٌ وَ بِكَ مُسْتَجيرٌ * اَللّهُمَّ لا تُبَدِّلْ إِسْمي * وَ لا تُغَيِّرْ جِسْمي * وَ لا تُجْهِدْ بَلائي * وَ لا تُشْمِتْ بي أَعْدائي * اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ * وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ * وَ أَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ سَخَطِكَ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ * لا إلٰه إلّا أنت؛ جَلَّ ثَنَاؤُكَ * و لا أُحصي مدحتك و لا الثّناء عليك * أَنْتَ كَما أَثْنَيْتَ عَلى نَفْسِكَ * وَ فَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ فيك * ربّ أنت صلّ على محمّد و آل محمّد، و افعل بي... * سپس دعا کند به آنچه دوست می دارد که برآورده می شود ان شاء الله.

توضیح: در دستور العمل دیگری شبیه آن؛ چهار رکعت نماز با هزار سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" وارد شده است، که قبل از نافله شب خوانده می شود، که در هر رکعت می خواند سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ۲۵۰ بار، و نیز در دستور العمل دیگری سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ۵۰ بار، که می تواند بر حسب توفیق و تیسر حال به یکي از این روشها اکتفا نماید؛ و می تواند هر کدام را مستقلا بجا آورد، دعاي بعد از نماز در هر سه روش یکی است.

دو رکعت: امام صادق از محمّد باقر علیهما السلام نقل نمود که او فرمود: شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر، و حق تعالی تفضل (بخشش بي حساب) خود را در این شب به بندگان عطا می نماید، و به مَنّ و کرم خود گناهان را از برای ایشان می آمرزد، پس بکوشید در این شب؛ در تقرب و نزدیك شدن هرچه

بیشتر به خداوند، که این شبی است که حق تعالی به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده است؛ که در آن سائلی را از درگاه خود ردّ نکند، تا اینکه معصیتی را از خدا نخواسته باشد، و این شب همان شبی است که خداوند آنرا برای ما اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است؛ به ازای شب قدر که از برای پیامبرما صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داده است، پس بکوشید در این شب در دعاء؛ و ثناء کردن بر خداوند.

پس بدرستی که هر که در این شب؛ خداوند تعالی را تسبیح (سبحان الله) بگوید صد مرتبه، و حمد کند (الحمد لله) صد مرتبه، و تکبیر (الله اکبر) بگوید صد مرتبه، و تهلیل (لا اله الّا الله) بگوید صد مرتبه، خداوند بیامرزد برای او آنچه گذشته است از گناهان را، و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد، آنچه را که درخواست نموده و آنچه را خود بداند و او درخواست نموده است.

راوی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: بهترین دعاها در این شب کدام است؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: وقتی نماز عشاء (و نافله اش) را گزاردی؛ پس دو رکعت نماز بگزار؛ در رکعت اول بخوان سوره "الحمد" و سوره "الجحد" که آن سوره "قل یا ایّها الکافرون" است، و در رکعت دوم بخوان سوره "الحمد" و سوره "التوحید" که آن سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" است، پس وقتی تو سلام نماز را دادی بگو: "سبحان الله" سی و سه مرتبه، و "الحمد لله" سی و سه مرتبه، و "الله اکبر" سی و چهار مرتبه، سپس بگو:

* یا مَنْ إِلَیْهِ یَلْجَأُ العِبادُ فِي المُهِمَّاتِ * وَ إِلَیْهِ یَفْزَعُ الخَلْقُ فِي المُلِمَّاتِ * یا عالِمَ الجَهْرِ وَ الخَفِیَّاتِ * یا مَنْ لا تَخْفی عَلَیْهِ خَواطِرُ الأَوْهامِ وَ تَصرُّفُ الخَطَراتِ * یا رَبَّ الخَلائِقِ وَ البَرِیَّاتِ * یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الأَرْضِینَ وَ السَّماواتِ * أَنْتَ اللهُ لا إِلهَ

إِلّا أَنْتَ * أَمُتُّ إِلَيْكَ بِلا إِلهَ إِلّا أَنْتَ * فَيا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ * اجْعَلْنِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ * وَ سَمِعْتَ دُعائَهُ فَأَجَبْتَهُ * وَ عَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ * وَ تَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ خَطِيئَتِهِ وَ عَظِيمِ جَرِيرَتِهِ * فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي * وَ لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي * اَللّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ * وَ احْطُطْ خَطايَايَ بِحِلْمِكَ وَ عَفْوِكَ * وَ تَغَمَّدْنِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ بِسابِغِ كَرامَتِكَ * وَ اجْعَلْنِي فِيها مِنْ أَوْلِيائِكَ * الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ * وَ اخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ * وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَ صَفْوَتَكَ * اللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعِدَ جَدُّهُ * وَ تَوَفَّرَ مِنَ الخَيْراتِ حَظُّهُ * وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَ فازَ فَغَنِمَ * وَ اكْفِنِي شَرَّ ما أَسْلَفْتُ * وَ اعْصِمْنِي مِنَ الإِزْدِيادِ فِي مَعْصِيَتِكَ * وَ حَبِّبْ إِلَيَّ طاعَتَكَ؛ وَ ما يُقَرِّبُنِي مِنْكَ؛ وَ يُزْلِفُنِي عِنْدَكَ * سَيِّدِي، إِلَيْكَ يَلْجَأُ الهارِبُ * وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ * وَ عَلى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ المُسْتَقِيلُ التَّائِبُ * أَدَّبْتَ عِبادَكَ بِالتَّكَرُّمِ؛ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ الأَكْرَمِينَ * وَ أَمَرْتَ بِالعَفْوِ عِبادَكَ * وَ أَنْتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ * اللّهُمَّ فَلا تَحْرِمْنِي ما رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ * وَ لا تُؤْيِسْنِي مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ * وَ لا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ لأَهْلِ

طاعَتِكَ * وَ اجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ * رَبِّ، إِنْ لَم أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذلِكَ؛ فَأَنْتَ أَهْلُ الكَرَمِ وَ العَفْوِ وَ المَغْفِرَةِ * وَ جُدْ عَلَيَّ بِما أَنْتَ أَهْلُهُ لا بِما أَسْتَحِقُّهُ * فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ * وَ تَحَقَّقَ رَجائِي لَكَ * وَ عَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ * فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ أَكْرَمُ الأَكْرَمِينَ * اللّهُمَّ وَ اخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قسمِكَ * وَ أَعوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ * وَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الخُلُقَ؛ وَ يَحْبِسُ عَنِّيَ الخَلْقَ؛ وَ يُضيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ؛ حَتّى أَقُومَ بصالِحِ رِضاكَ * وَ أَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطائِكَ وَ أَسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمائِكَ * فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ * وَ تَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ * وَ اسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ؛ وَ بِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ * فَجُدْ بِما سَئَلْتُكَ * وَ أَنِلْ ما التَمَسْتُ مِنْكَ * أَسْئَلُكَ بِكَ، لا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ *

سپس سجده می کنی و می گوئی: * يا رَبِّ يا رَبِّ، بیست مرتبه * يا اَللّٰهُ، هفت مرتبه * يا رَبَّ مُحَمَّدٍ، هفت مرتبه * لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ، ده مرتبه، * ما شَاءَ اللّٰهُ، ده مرتبه * لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ، ده مرتبه * بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، هفت مرتبه * سپس صلوات بر پیامبر و آل او صلی الله علیه و آله بفرست، هر قدر که برایت میسر شد * و حاجت خود را از خداوند بطلب.

و به خداوند سوگند! اگر به عدد قطرات باران حاجت بطلبی، خداوند (عزّ وجلّ) تو را به آنها می رساند؛ به کرم و فضل خود.

ده رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب نیمه شعبان فرمود: که حبیب من جبرئیل علیه السلام در این شب من نازل شد و گفت: یا محمد؛ امت خود را وادار که در شب نیمه شعبان یکي از ایشان ده رکعت نماز کند، (هر دو رکعت به یك سلام) و در هر رکعت؛ بعد از سوره حمد؛ ده مرتبه سوره "قل هو الله احد" بخواند، سپس به سجده رود و در سجده بگوید:

* أَصْبَحْتُ إِلَيْكَ فَقِيراً خَائِفاً مُسْتَجِيراً * فَلَا تُبَدِّلِ اسْمِي * وَ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي * وَ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي * وَ اغْفِرْ لِي *

آنگاه سربردارد و دوباره به سجده دوم رفته و در سجده بگوید: * اللّهمّ لَكَ سَجَدَ (سَجَدَ لَكَ) سَوَادِي وَ خيَالِي و بياضى * وَ آمَنَ بِكَ فُؤَادِي * هَذِهِ يَداي وَ مَا جَنَيْتُ بِهَا عَلَى نَفْسِي * يَا عَظِيمُ تُرْجى لِكُلِّ عَظِيمٍ * اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ (ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ) * فانّه لا يغفر الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إلا الرَّبُ الْعَظِيمَ (فانّه لا يغفره غيرك يا عظيم) *

مجددا سربرداشته و باز به سجده رفته و در سجده بگوید: * أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ * وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ * وَ أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ * لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ * أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ * وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ *

باز سربردارد و برای چهارمین بار به سجده رفته و در سجده بگوید: * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ (أَضاءَتْ) لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ * وَ انْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُماتُ (قَشَعَتْ بِهِ الظُّلُماتُ) * وَ صَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ * أَنْ يَحِلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ * أَوْ يَنْزِلَ عَلَيَّ سَخَطُكَ * أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ * وَ مِنْ فُجْأَةِ نَقِمَتِكَ * وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ * وَ مِنْ جَمِيعِ سَخَطِكَ * لَكَ الْعُتْبَى فِيمَا اسْتَطَعْتُ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ *

سپس روي در خاك مالد و بگويد: * أُعَفِّرُ (عَفَّرْتُ) وَجْهِي فِي التُّرَابِ لِسَيِّدِي * وَ حُقَّ لَهُ أَنْ يُسْجَدَ * وَ حَقٌّ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَهُ * وَ حُقَّ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ * سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ * وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ * اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيّا نَقِيّا * وَ مِنَ الشِّرْكِ بَرِيئا لَا كَافِرًا وَ لَا شَقِيًّا *

پس هر كه اين عمل را بجا آورد حق تعالى ۷۲ هزار گناه را از او محو كند، و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنويسد، و ۷۰ هزار گناه را از والدينش محو كند.

صد ركعت: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: در شب نيمه شعبان در خواب بودم، جبرئيل عليه السلام بر من نازل شد و گفت: يا محمد؛ آيا در اين شب به خواب مى روى؟! گفتم: اى جبرئيل عليه السلام مگر اين چه شبى است؟! گفت: اين شب نيمه شعبان است، برخيز اى محمد صلى الله عليه وآله. پس مرا برخيزانيد و به قبرستان بقيع برد و سپس گفت:

سر به سوی آسمان بلند کن، به درستی که این شبی است که درهای آسمان در این شب گشوده می شوند، و درب رضوان و درب مغفرت و درب فضل و درب توبه و درب نعمت و درب جود و درب احسان الهی، و حق تعالی در این شب آزاد می کند (از بندگان خود از جهنم) به عدد موها و پشمهای چهارپایان (روی زمین). و در آن ارزاق را از سال تا سال تقسیم می کند، و نازل می کند آنچه در تمام سال حادث می شود، ای محمد! هر که احیا کند این شب را به تسبیح و تهلیل و تکبیر و دعا و نماز و تلاوت و طاعت و استغفار، بهشت برای او منزل و جای استراحت باشد و خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد. ای محمّد! هر که در این شب صد رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار، (هر دو رکعت به یك سلام)؛ و چون از نماز فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره "فاتحة الكتاب" بخواند و صد مرتبه تسبیح (سبحان الله) بگوید،

خداوند صد گناه کبیره هلاك کننده موجب آتش او را بیامرزد، و به عدد هر سوره و تسبیحی که خوانده؛ قصری در بهشت به او عطا می کند، و شفاعت او را درباره صد نفر از خانواده و خویشان او قبول کند، و او را در ثواب شهیدان شریك گرداند، و ثواب روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را به او عطا کند؛ بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم بشود.

پس ای محمّد این شب را احیا کن، و فرمان بده امتت را به احیای این شب و تقرب به خداوند تعالی بوسیله عمل در این شب، پس همانا این شب شب شریفی است، و هر آینه من چون آمدم به نزد تو نبود در آسمان فرشته ای مگر اینکه پای خود را صاف کرده و در این شب در محضر خداوند به عبادت مشغول بودند، برخی ایستاده به عبادت، برخی راکع، برخی ساجد، و بعضی

مشغول به دعا بودند و بعضی به تکبیر و بعضی به تسبیح و بعضی بـه اسـتغفار. یا محمّد! بدرستی که حق تعالی در این شب نظـر می افکنـد، پـس می آمـرزد هـر مؤمنی را که به نماز ایستاده باشد، یا نشسته مـشغول تـسبیح باشـد، یـا راکـع و ساجد یا ذاکر و مشغول یاد خدا باشد. و این شبی اسـت کـه دعا نـمی کنـد دعا کننده ای الا اینکه دعایش مستجاب می شود، و نیست سائل (درخواست کننده) از خدا مگر اینکه خواسته اش به او داده می شود، و نیست اسـتغفار کننـده ای مگر اینکه آمرزیده می شود، و هر که توبـه کنـد توبـه اش پذیرفتـه می شـود، و محروم کسی است که از خیر این شب محروم باشد.

صد رکعت: امیرالمؤمنین مولاعلي علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل فرمـود: هـر کـه در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه سوره "قـل هـو الله احـد" (یعنی: در هر رکعت بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره توحید بخواند)،

نمیرد دل او روزی که دلها از ترس مرده باشند، و نمیرد تا آنکه صـد فرشـته را ببیند که او را از عذاب الهی ایمن گردانند، سی نفـر ایـشان او را بـه بهـشت بشارت دهند، و سی نفر آنها که در دنیـا او را از شرّ شـیطان نـگاه می داشـتند، و سی نفر آنها باشند که در ساعات شب و روز، بـرای او اسـتغفار می کردنـد و ده نفر که او را دفع شرّ دشمنان او می کردند.

سه نماز (دو رکعت - چهار رکعت - صد رکعت) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هـر کـه شب نیمه ماه شعبان؛ طهارت بورزد و خوب تطهیر کند (نظافـت و غـسل)، و دو لباس (پائین تنه و بالا تنه) تمیز بپوشد، سپس به مصلایش برود و نمـاز عـشاء و نافله اش را بگزارد.

آنگاه دو رکعت نماز بگزارد، در رکعـت اول بخوانـد سـوره "الحمـد" و آیـات اول

سوره بقره: ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ * الٓمٓ * ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ * ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ * وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ * أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾، و آیت الکرسی، و آیات آخر سوره بقره: ﴿لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ * آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ، كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ، لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ، وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا، لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ، رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا، رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا، أَنتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

سپس در رکعت دوم بخواند سوره "الحمد"، و بعد از آن سوره "قل أعوذ برب الناس" هفت بار، و سوره "قل أعوذ برب الفلق" هفت بار، و سوره قُلْ هُوَ اللهُ

أَحَدٌ؛ را هفت بار، آنگاه بعد از سلام نماز، و فراغ از آن؛
نماز دومی بگزارد، چهار رکعت، در رکعت اول بخواند سوره "الحمد" و سوره یاسین، و در رکعت دوم بخواند سوره "الحمد" و سوره "حم الدخان"، و در رکعت سوم بخواند سوره "الحمد" و سوره "ألم السجده"، و در رکعت چهارم بخواند سوره "الحمد" و سوره "تبارك الملك"، سپس بعداز سلام نماز، و فراغ از آن؛
نماز سومی بگزارد، صد رکعت؛ در هر رکعت بخواند سوره "الحمد" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار،
خداوند برای او سه حاجت برآورد، یا بزودی در دنیا، و یا در آخرت، و اگر بخواهد که مرا همان شب رؤیت کند؛ مرا رؤیت خواهد کرد. همچنین درباره فضائل این صد رکعت فرموده اند: هر که این نماز را در این شب بگذارد؛ خداوند به او هفتاد نظر کند، که در هر نگاهی هفتاد حاجت او برآورد؛ که ساده ترینش آمرزش او باشد (که خود حاجت مهمی است)، حتی اگر او شخص شقي باشد و سعادتمندی از خداوند بخواهد؛ خداوند او را سعادتمند کند، ﴿يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ و اگر والدینش از اهل آتش جهنم باشند، و او برایشان دعا کند؛ خداوند آنها را از آتش بیرون آورد؛ بشرط آنکه به خداوند شرك نورزیده باشند، و هر که این نماز را بگذارد، خداوند برآورد هر چه بخواهد و برای او آماده کند در بهشت آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشي نشنیده است.
چهار رکعت: برای کسی که در نیمه شعبان حاضر در مشهد حسینی علیه السلام است: در قرائت هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" پنجاه بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پنجاه بار، و در رکوع، و پس از سربرداشتن از رکوع؛ و در سجود اول و دوم، و بین دو سجده، در هر موضع سوره "فاتحة الكتاب" ده بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار، بخواند، و پس از سلام نماز این دعا بخواند:

* اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لآدَمَ وَ حَوَّاءَ * إِذْ قالا: رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا؛ وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا؛ لَنَكُونَنَّ مِنَ الخاسِرِينَ * وَ ناداكَ نُوحٌ؛ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الكَرْبِ العَظِيمِ * وَ أَطْفَأْتَ نارَ نَمْرودَ عَنْ خَلِيلِكَ إِبْراهِيمَ؛ فَجَعَلْتَها بَرْدًا وَ سَلامًا * وَ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لأَيُّوبَ إِذْ نادى: مَسَّنِي الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَ آتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَ ذِكْرى لأُولِي الأَلْبابِ * وَ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي النُّونِ؛ حِينَ ناداكَ فِي الظُّلُماتِ؛ أَنْ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الغَمِّ * وَ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسى وَ هارُون دَعْوَتَهُما؛ حِينَ قُلْتَ: قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما، وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ و قَوْمَهُ * وَ غَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ؛ وَ تُبْتَ عَلَيْهِ؛ رَحْمَةً مِنْكَ وَ ذِكْرى * وَ فَدَيْتَ إِسْماعِيلَ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ؛ بَعْدَ ما أَسْلَمَ وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ؛ فَنادَيْتَهُ بِالفَرَجِ وَ الرَّوحِ * وَ أَنْتَ الَّذِي ناداكَ زَكَريا نِداءً خَفِيًا، فَقالَ: ربِّ إِنِّي وَهَنَ العَظْمُ مِنِّي؛ وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا، وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعائِكَ رَبِّي شَقِيًّا، وَ قُلْتَ: يَدْعُونَنا رَغَبًا وَ رَهَبًا؛ وَ كانُوا لَنا خاشِعِينَ * وَ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لِتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ *

فَلا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنِ الدَّاعِينَ لَكَ وَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ * وَ اسْتَجِبْ لِي كَما اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ * فَطَهِّرْنِي بِتَطْهِيرِكَ * وَ تَقَبَّلْ صَلاتِي وَ دُعائِي بِقَبُولٍ حَسَنٍ * وَ طَيِّبْ بَقِيَّةَ حَياتِي * وَ طَيِّبْ وَفاتِي * وَ اخْلُفْنِي فِيمَنْ أَخْلُفُ * وَ احْفَظْنِي يا رَبِّ بِدُعائِي * وَ اجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً * تَحُوطُها بِحِياطَتِكَ بِكُلِّ ماحُطْتَ بِهِ ذُرِّيَّةَ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَ أَهْلِ طاعَتِكَ * بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ * وَ لِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِكَ مُجِيبٌ * وَ مِنْ كُلِّ سائِلٍ قَرِيبٌ * أَسْئَلُكَ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ الحَيُّ القَيُّومُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ * وَ بِكُلِّ اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمائَكَ وَ فَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ * وَ أَرْسَيْتَ بِهِ الجِبالَ وَ أَجْرَيْتَ بِهِ الماءَ * وَ سَخَّرْتَ بِهِ السَّحابَ وَ الشَّمْسَ وَ القَمَرَ وَ النُّجُومَ وَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ * وَ خَلَقْتَ الخَلائِقَ كُلَّها * أَسْئَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ العَظِيمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ فَأَضائَتْ بِهِ الظُّلُماتُ * إِلّا صَلَّيْتَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ كَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعاشِي وَ مَعادِي * وَ أَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ * وَ لَمْ تَكِلْنِي إِلى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ * وَ أَصْلَحْتَ أَمْرِي وَ أَمرَ عِيالِي وَ كَفَيْتَنِي هَمَّهُمْ * وَ أَغْنَيْتَنِي وَ إِيَّاهُمْ مِنْ كَنْزِكَ وَ خَزائِنِكَ وَ سَعَةِ

فَضْلِكَ الَّذِي لا يَنْفَدُ أَبَدًا * وَ أَثْبِتْ فِي قَلْبِي يَنابِيعَ الحِكْمَةِ * الَّتِي تَنْفَعُنِي بِها وَ تَنْفَعُ بِها مَنِ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبادِكَ * وَ اجْعَلْ لِي مِنَ المُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمانِ إِمامًا * كَما جَعَلْتَ إِبْراهِيمَ الخَلِيلَ إِمامًا * فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الفائِزُونَ وَ يَتُوبُ التَّائِبُونَ وَ يَعْبُدُكَ العابِدُونَ * وَ بِتَسْدِيدِكَ يَصْلُحُ الصّالِحُونَ المُحْسِنُونَ المُخْبِتُونَ؛ العابِدُونَ لَكَ؛ الخائِفُونَ مِنْكَ * وَ بِإِرْشادِكَ نَجا النَّاجُونَ مِنْ نارِكَ، وَ أَشْفَقَ مِنْها المُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ بِخُذْلانِكَ خَسِرَ المُبْطِلُونَ وَ هَلَكَ الظّالِمُونَ وَ غَفَلَ الغافِلُونَ * اللّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْواها؛ فَأَنْتَ وَلِيُّها وَ مَوْلاها؛ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها * اللّهُمَّ بَيِّنْ لَها هُداها؛ وَ أَلْهِمْها تَقْواها * وَ بَشِّرْها بِرَحْمَتِكَ حِينَ تَتَوَفّاها، وَ نَزِّلْها مِنَ الجِنانِ عُلْياها * وَطَيِّبْ وَفاتَها وَ مَحْياها * وَ أَكْرِمْ مُنْقَلَبَها وَ مَثْواها؛ وَ مُسْتَقَرَّها وَ مَأْواها * فَأَنْتَ وَلِيُّها وَ مَوْلاها * اللّهُمَّ اسمع و استجب برحمتك * و منزلة محمّد، و عليّ، و فاطمة، و الحسن، و الحسين، و عليّ بن الحسين، و محمّد بن عليّ، و جعفر بن محمّد، و موسى بن جعفر، و عليّ بن موسى، و محمّد بن عليّ، و عليّ بن محمّد، و الحسن بن عليّ، و الحجّة القائم (صلوات الله عليه و عليهم) عندك، و بمنزلتهم لديك * يا أرحم الرّاحمين *

توضیح: این نماز به عنوان نماز امام حسین علیه‌السلام نیز شناخته می شود، و جزو اعمال مستحبه روز جمعه نیز می باشد، و بجز مشهد شریفش؛ در همه ایام و مناسبات حسینی علیه‌السلام و هر مناسبتی که مؤمن بخواهد هدیه ای به حضرتش بفرستد؛ بجای آورده می شود.

❖ نماز شب شانزدهم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که شب ۱۶ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و آیت الکرسی یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده بار،

خداوند تعالی به من فرمود: هر که دو رکعت نماز را بگزارد، به او اجر می دهم مثل آنچه تو را بخاطر نبوتت عطا کردم، و برای او هزار قصر در بهشت ساخته می شود.

❖ نماز شب هفدهم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که شب ۱۷ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ۷۱ بار، و چون از نماز فارغ شد، هفتاد مرتبه استغفار کند.

پس او هنوز از جایش برنخواسته تا اینکه خداوند او را می آمرزد، و بر او خطا و گناهی ننویسد.

❖ نماز شب هجدهم ماه شعبان:

ده رکعت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که شب ۱۸ ماه شعبان؛ ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پنج بار،

خداوند برآورده سازد برای او همه حاجتهایی را که در آن شب می خواهد، و حتی اگر او را خداوند شقی آفریده باشد؛ به برکت این نماز او را سعادتمند قرار می دهد، و اگر در آن سال اجلش فرا رسد؛ شهید از دنیا می رود.

❖ نماز شب نوزدهم ماه شعبان:

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۱۹ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و پنج بار آیه ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاء، وَ تَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاء، وَ تُعِزُّ مَن تَشَاء، وَ تُذِلُّ مَن تَشَاء، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىَ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ تُخْرِجُ الْمَيَّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ تَرْزُقُ مَن تَشَاء بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾،

خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد، و قبول می کند از او هر نمازی را که بعد از آن بخواند، و اگر والدین او در آتش باشند؛ ثواب این دو رکعت؛ آنها را از آتش جهنم بیرون می آورد.

❖ نماز شب بیستم ماه شعبان:

چهار رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۲۰ ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "إذا جاء نصر الله و الفتح" پانزده بار،

سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ بیرون نمی رود از دنیا؛ تا اینکه مرا در خواب ببیند، و ببیند جایگاه خود را در بهشت، و با ملائکة

حاملان وحی که از برگزیدگان فرشتگان هستند محشور می شود.

❖ نماز شب بیست و یکم ماه شعبان:

🕮 هشت رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۱ ماه شعبان؛ هشت رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یک بار، و معوذتین (ناس و فلق) یک بار،

🗹 خداوند برای او به عدد ستارگان آسمان حسنات بنویسد، و به همین عدد از سیئات او محو کند، و به همین عدد؛ درجات او را بالا ببرد.

❖ نماز شب بیست و دوم ماه شعبان:

🕮 دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۲ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قل یا أیها الکافرون" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" پانزده بار،

🗹 خداوند نام او را در میان نامهای صدیقین بنویسد، و روزه قیامت در جمع انبیاي مرسلین وارد محشر شود، و او در ستر و پوشش الهی است.

❖ نماز شب بیست و سوم ماه شعبان:

🕮 سی رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۳ ماه شعبان؛ سی رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "إذا زلزلت الأرض" یک بار،

🗹 خداوند غل و غش را از دل او بَرکَنَد، و او از کسانی خواهد بود که خداوند سینه او را برای اسلام گشاده فرموده، و او روز قیامت از قبر برانگیخته مي شود در حالی که چهره اش همچون ماه بدر (کامل) مي درخشد، و حدیث طولاني از فضائل آن نقل شده است.

❖ **نماز شب بیست و چهارم ماه شعبان:**

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۴ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "إذا جاء نصر الله و الفتح" ده بار،

خداوند او را اکرام فرماید با آزادی از آتش جهنم، و با نجات از عذاب (آخرت) و عذاب قبر، و با حساب آسان و مختصر، و زیارت و دیدار حضرات آدم و نوح و انبیاء الهی علیهم السلام، و با شفاعت.

❖ **نماز شب بیست و پنجم ماه شعبان:**

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۵ ماه شعبان؛ ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و سوره "أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ" یک بار،

خداوند ثواب آمرین به معروف و ناهیان از منکر؛ و ثواب هفتاد پیغمبر علیهم السلام را به او عطا فرماید.

❖ **نماز شب بیست و ششم ماه شعبان:**

ده رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۶ ماه شعبان؛ ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الکتاب" یک بار، و ده مرتبه آیه ﴿آمَنَ الرَّسُولُ .....فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾،

خداوند او را از آفات دنیا و آخرت عافیت و ایمنی بخشد، و به او در روز قیامت ، شش نور عطا می کند.

❖ **نماز شب بیست و هفتم ماه شعبان:**

دو رکعت: پیامبر ﷺ فرمود: هر که شب ۲۷ ماه شعبان؛ دو رکعت نماز

بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "سبح اسم ربك الأعلى" ده بار،

خداوند برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و از نامه عمل او هزار هزار سیئه و بدی محو سازد، و مرتبه او را هزار هزار درجه بالا ببرد، و او تاجگذاری فرماید به تاجی از نور.

❖ نماز شب بیست و هشتم ماه شعبان:

چهار رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۲۸ ماه شعبان؛ چهار رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" یک بار، و معوذتین (ناس و فلق) یک بار،

خداوند او را روز قیامت از قبر زنده کند در حالی که چهره اش همچون ماه بدر (کامل) مي درخشد، و نگرانیهای هولناك قیام را از دور سازد.

❖ نماز شب بیست و نهم ماه شعبان:

ده رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب ۲۹ ماه شعبان؛ ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت بخواند سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُر" ده بار، و معوذتین (ناس و فلق) ده بار، و سوره "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" ده بار،

خداوند به او ثواب سخت کوشان در عبادت و طاعت الهی را عطا فرماید، و کفه حسنات میزان اعمال او را سنگین نماید، و حسابرسي او سبك انجام شود، و می گذرد بر روی صراط مثل برق جهنده. [شمارة ثبت: (١٥٤١) منبع: جامع المسائل]

نمازهای پایان سال قمری (آخر ماه شعبان)

❖ نماز شب آخر سال قمری:

دو رکعت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شب آخر ماه شعبان؛ دو رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت سوره "فاتحة الكتاب" یک بار، و سوره "سبح اسم ربك الأعلى" ده بار، پس وقتی از نمازش فارغ شد؛ صد بار صلوات بر پیامبر و خاندانش صلی الله علیه و آله بفرستد،

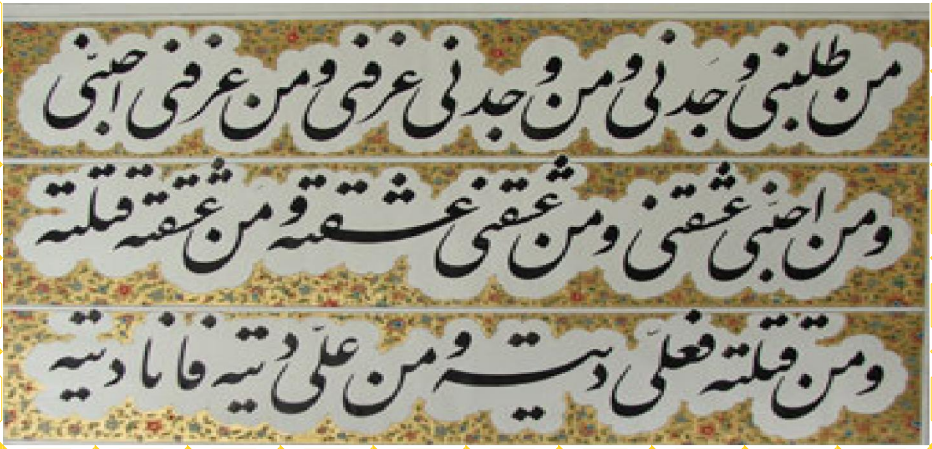
پس سوگند به آنکه مرا بحق به پیامبری مبعوث فرمود؛ به درستی که خداوند برای او بالا ببرد؛ هزار هزار شهر در "جنة النعيم"، و اگر جمع شوند اهل آسمانها و زمین؛ که ثوابهای او را شمارش کنند؛ نتوانند، و برآورده سازد برای او هزار حاجت.

❖ نماز روز آخر سال قمری:

❖ در روز آخر سال قمري دو رکعت نماز گزارد، در هر رکعت سوره فاتحة الكتاب و ده بار سوره توحید و ده مرتبه آیت الکرسي تلاوت کند، و پس از نماز؛ خداي را با این دعا بخواند: * بسم الله الرّحمن الرّحيم * و صلّى الله على محمّد و آل محمّد * اللّهُمَّ إنّك عفوّ؛ تحبّ العفو؛ فاعفو عنّي * و أستغفرك اللّهُمَّ؛ فاغفر لي ما عَمِلْتُ في هذِهِ السَّنَةِ * مِنْ عَمَل نَهَيْتَني عَنْهُ (× ما فعلته في هذِهِ السَّنَةِ ممّا نهيتني عنه) وَ لَمْ تَرْضَهُ؛ و تجرّأت عليه * وَ نَسيتُهُ وَ لَمْ تَنْسَهُ * وَ دَعَوْتَنى إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائي عَلَيْكَ * اَللهُمَّ فَإِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لذلك كلّه (× أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ) * فَاغْفِر لي يا غفور * اللّهُمَّ إنّي

أعلم قدرتك على عقوبتي * و أعلم دعوتك لي إلى التّوبة؛ من بعد جرأتي على معصيتك؛ فتقبّل توبتي * و أسئلك اللّهُمَّ يا كريم يا توّاب يا ذا الجلال و الإكرام * أن تتقبّل منّي و لا تقطع رجائي منك * اللّهُمَّ وَ ما عَمِلْتُ في هذه السّنة مِنْ عَمَلٍ صالح يُقَرِّبُني إِلَيْكَ؛ و وعدتني أن تعطيني عليه الثّواب؛ فتقبّله منّي (× فَاقْبَلْهُ مِنّي) بفضلك و سعة رحمتك * و لا تخيّب دعائي وَ لا تَقْطَعْ رَجائي مِنْكَ يا كَريمُ * و صلّى الله على محمّد و آله الطّاهرين * و اين دعا را سه مرتبه بخواند.

پس چون از اين مناجات با خداي فارغ شود؛ شيطان بگويد: واى بر من، هرچه در اين سال (براى بازداشتن او از راه خدا) خودم را خسته نمودم، او (همه تلاشهاي مرا) در ساعتي؛ به گفتن اين كلمات خراب و تباه كرد، و اين سال قمري گذشته شهادت دهد (براى اين بنده خدا) كه سال خود را ختم به خير نمود. [شمارة ثبت: (١٥٤٢) منبع: جامع المسائل]



نمازهای مستحبی

سؤال: در بعضی از نمازهای وارده در أیّام و لیالی خاصّ؛ سور خاصّی برای قرائت بعد از حمد مشخّص شده، وگاهی باید مکرّر خوانده شوند، آیا می توان این نمازها را نیز به صورت نمازهای معمولی خواند؟

جواب: همچنانکه نخواندن کلّ نماز منعی ندارد، تخفیف در اجزاء آنها نیز مانعی ندارد، اما فضیلت و آثار مخصوصه آن نمازها مرهون کیفیّت مخصوصه آنها همراه با قبول مولا علیه السلام می باشد. [شمارة ثبت: (۸۹۸) منبع: المسائل القمّیّة]

سؤال: آيا مي توان يك نماز مستحبي را براى چند نيّت مختلف خواند؟

جواب: خواندن يك نماز به نيابت استحبابي از چند نفر مانعى ندارد، ولى خواندن يك نماز به جاى چند عنوان نماز؛ درست نيست، اما اگر نماز نافله يوميه را در وقتي كه نماز مستحبي مخصوصي وارد شده به اين صورت بخواند؛ اشكالي نداشته؛ و ضمن توفيق اداي نافله به ثواب آن نماز مخصوص نيز نائل شده است، مانند اينكه نافله مغرب را بعد از نماز فريضه مغرب؛ به نيت اداي نافله مغرب اما به صورت نماز غفيله بخواند. [شمارة ثبت: (۱۰۷۸) منبع: المسائل المغربيّة]

سؤال: برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام شش رکعت می خوانیم، آیا دو رکعت برای خود آن حضرت علیه السلام؟ دو رکعت برای حضرت نوح علیه السلام؟ و دو رکعت برای حضرت آدم علیه السلام؟ یا برای زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله چهار رکعت می خوانیم دلیل آن چیست؟ این فکر در ذهن بنده آمد که دو رکعت برای آن حضرت صلی الله علیه و آله است؟ و دو رکعت برای حضرت فاطمه علیها السلام است؟

جواب: در نماز زيارات معصومين عليهم السلام از دو ركعت تا دوازده ركعت وارد شده است، كه به قدر فرصت و معرفت بجا آورده مي شود، و در احاديث شريفه؛ بر حسب مخاطب آن حديث؛ و شرايط شخص راوي؛ معصوم عليه السلام توصيه متناسب او را نموده اند، آن روايت كه توصيه شش ركعت براى زيارت سه نفر را نقل نموده است، بر اساس حداقل نماز زيارت است، و توصيه چهار ركعتي توصيه كمي بالاتر است، و شش ركعت نماز براى زيارت شخص حضرت مولا على عليه السلام و اهداء به محضر ايشان وارد شده است. و چهار ركعت نماز زيارت خود رسول الله صلى الله عليه وآله و براى اهداء به محضر ايشان است، و نماز زيارت حضرت فاطمه عليها السلام جداگانه بجا آورده می شود، در زيارت مشهد منور علوى عليه السلام بعد از انجام شش ركعت نماز زيارت حضرت مولاعلى عليه السلام؛ چهار ركعت ديگر هم خوانده می شود؛ كه دو ركعت آن بجهت زيارت حضرت آدم عليه السلام و دو ركعت آن بجهت زيارت حضرت نوح عليه السلام می باشد. [شمارة ثبت: (١٤٠١) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: وقتي كه زيارت امام حسين، عليه السلام مي خوانيم مثلاً در شبهاي قدر، آيا بايد كه نماز زيارت را هم بخوانيم يا نه؟ آيا انجام دادن آن مستحب است يا نه؟ آيا خواندن آن زيارت فضيلت دارد هر جايي كه باشيم يا فقط وقتي كه در كربلا هستيم؟ آيا وقتي كه در حرم امام رضا عليه السلام هستيم فرق مي كند با وقتي كه در خانه ما هستيم؟

جواب: نماز زيارت بخشي از اين عمل است، و همچون خود زيارت مستحب است؛ عليه السلام و بايدى ندارد، اما از آنجا كه زيارت يك ديدار است، و هر ديداري بسته به ادب و معرفت زائر؛ مقرون به هديه اي است، و نماز زيارت هديه به محضر امام عليه السلام در عمل زيارت و ديدار حضرتش می باشد، و اكتفا به زيارت؛ به

همان مقدار اجر محدود است، و زيارت در مشهد حسيني عليه السلام براى كسي كه تمكن دارد افضل است، و بحكم آنست زيارت حضرتش در ساير مشاهد، و انجام زيارت در مشاهد؛ قابل قياس نيست با زيارت در منزل؛ ولو در بلد مشاهد باشد، و هر كه معذور باشد از حضور در مشاهد؛ از زيارت حضرتش در هر مكان خود را محروم نكند. [شمارة ثبت: (١٥١٨) منبع: المسائل الرومية]

سؤال: نماز زيارت حضرت صاحب الأمر عليه السلام چند ركعت است؟

جواب: نماز زيارت به منزله هديه زائر براى امام مورد زيارت است، و از دو ركعت تا ١٢ ركعت بجا آورده مى شود، اما آنچه در زيارات حضرت صاحب العصر و الزمان عليه السلام وارد شده؛ همه ١٢ ركعتى است، مانند زيارت در حرم شريف مهدوى عليه السلام و سرداب مقدس و زيارت آل ياسين و زيارت خاتميه (السّلامُ عَلى الحَقِّ الجَدِيدِ...) و زيارت مهدوية (السلام عليك يا خليفة الله...) وفقنا الله لحق معرفته و طاعته و رضايته و لقائه و زيارته و نصرته. آمين ربّ العالمين. [شمارة ثبت: (١٥٢٧) منبع: المسائل اليمانية]

سؤال: آيا براى ارسال رقعه استغاثه به ناحيه مقدسه؛ نمازى بايد خوانده شود؟ و نحوه خاصى دارد؟

جواب: در دستور العمل جامع رقعه استغاثه؛ تأكيد بر گزاردن نماز عشاء با تعقيبات؛ و نيز نافله عشاء با سوره واقعه و توحيد، و انجام نافله شب در هر ركعت ٥٠ بار سوره توحيد، و قبل از ارسال رقعه هم دو ركعت نماز سفارش شده است، براى اطلاع از شرح اين موارد؛ و اطلاع از ساير آداب اين عمل شريف به رساله "رقعه استغاثه" (كه حاوى همه توصيه ها و نسخه هاى آن مى باشد) مراجعه شود. [شمارة ثبت: (١٥٣١) منبع: المسائل الإنترنتية]

معرفی برخی از آثار دار المعارف الإلهیة

- ترتيب نزول سور قرآن كريم، عبد الله علوي فاطمي، از كلام خازنان وحي عليهم السلام، به زبان عربي و فارسي، نشر ١٤١٩ هجري قمري.
- المصحف النفيس على ترتيب النزول، تحقيق عبد الله العلوي الفاطمي، تدوين پژوهشكده علوم كلام وحي بنياد حيات اعلى، به زبان عربي، نشر ١٤١٢ هجري قمري.
- مصحف خزنة الوحي والتنزيل، مرتبا سوره على ترتيب النزول، تحقيق و تدوين عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، نشر ١٤١٨ هجري قمري.
- مصحف التجويد على ترتيب النزول، تحقيق عبد الله العلوي الفاطمي، تدوين پژوهشكده علوم كلام وحي، به زبان عربي، نشر ١٤١٨ هجري قمري.
- كتاب راهنماى ادعيه و سجدات و تذكرات آيات تلاوت قرآن كريم، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤١٨ هجري قمري.
- مصحف الذاكرين، همراه با يادآوري ادعيه و سجدات و تذكرات آيات تلاوت قرآن كريم، عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي، تدوين ١٤١٨ هجري قمري منتشر نشده است.
- موسوعة القرآت القرآنية المروية عن محمّد وآله خير البرية صلى الله عليه وآله، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي الفاطمي، تدوين سال ١٤٠٥ الى ١٤١٥ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.
- مصاحف القراآت القرآنية، مصاحف جامع قرائتها و روايتهاي صحابه و تابعين و نيز سبعة و عشرة، نسبت هر روايت و قرائت با قرائت آسماني، مقاطع صحيح هر قرائت موافق مصحف با قرائت خازنان وحي عليهم السلام، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي الفاطمي، سال ١٤٠٥ الى ١٤١٥ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.
- آموزش كلام خواني، (ضرورت فراگيري، اشتباهات رايج، روش صحيح، متن و برنامه آموزشي، معارف تلاوت، علوم تلاوت، فنون تلاوت)، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، انتشار ١٢ جزء، تا سال ١٤٣٥ هجري قمري.

واژگان شناسي كلام وحي از بيان خازنان وحي عليهم السلام، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي و عربي، تدريس از سال ١٤١٦ هجري قمري، منتشر نشده است.

فهم كتاب صامت از بيان قرآن ناطق، (تفسير كلام وحي از بيان خازنان وحي عليهم السلام)، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي و عربي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٢ هجري قمري، منتشر نشده است.

علم مكث در تلاوت بر اساس كلام خازنان وحي عليهم السلام، عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.

اختيار المصحف الشريف على معاني التنزيل، كتاب معرفة المهدي القائم بأمر الله عليه السلام، به زبان عربي و فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري، كتاب معرفة الله، كتاب معرفة وجه الله، كتاب معرفة حبيب الله صلى الله عليه وآله، كتاب معرفة أنبياء الله عليهم السلام، كتاب معرفة أوصياء الله عليهم السلام، كتاب معرفة عليّ وليّ الله عليه السلام، كتاب معرفة الأئمة حجج الله عليهم السلام، كتاب معرفة ملائكة الله عليهم السلام، كتاب معرفة وحي الله، كتاب معرفة أحكام الله، كتاب معرفة الدعوة الى الله، كتاب البشارات والأنس بالله، كتاب الإنذارات والخشية من الله، كتاب معرفة أولياء الله، كتاب معرفة الأضداد و أعداء الله، كتاب المناجات والدعاء في كلام الله، كتاب معرفة الأذكار في كلام الله، كتاب علاج الحوائج بكلام الله، تحقيق و تدوين عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي و فارسي، منتشر نشده است.

شرح مصحف معاني؛ كتاب مهدي عليه السلام همراه با اشاراتي از بيان خازنان وحي عليهم السلام، در بيان ارتباط آيات كلام وحي با ابواب مختلف معرفت مهدوي عليه السلام، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، انتشار ١٠ جزء از ١٢ جزء در سال ١٤٣٣، دو جزء منتشر نشده است.

ابواب معرفت مهدوي عليه السلام در كلام وحي از بيان خازنان وحي عليهم السلام، جلد سوره فاتحة الكتاب، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري.

تحقيق و شرح مباحث قرآني، عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.

معرفت لغت نوراني وحي و زبان عربي محمدي صلى الله عليه وآله، عبد الله علوي فاطمي، تدريس به

زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، نشر عربي خلاصه سال ١٤٢٤ هجري قمري.

- علم تجويد قرائت قرآن بر اساس لغت عربي محمدي ﷺ (فصيح)، به زبان عربي و فارسي، عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- قراآت قرآني بر اساس لغت عربي محمدي ﷺ (فصيح)، به زبان عربي، عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- معجم لغة الوحي النورانية والعربية المحمدية ﷺ، به زبان عربي، عبد الله العلوي الفاطمي، تحقيق و تدوين سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- شرح قطر الندى (علم النحو على اللغة العربية المحمدية ﷺ)، به زبان عربي، عبد الله العلوي الفاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، نشر عربي سال ١٤٢٤ هجري قمري.
- اوضح المسالك (علم النحو على اللغة العربية المحمدية ﷺ)، به زبان عربي، عبدالله العلوي الفاطمي، تدريس به فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- التصريف (علم الصرف على اللغة العربية المحمدية ﷺ)، به زبان عربي، عبد الله العلوي الفاطمي، تدريس به فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- شرح التصريف (علم الصرف على اللغة العربية المحمدية ﷺ)، به زبان عربي، عبد الله العلوي الفاطمي، تدريس به فارسي از سال ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- جامع المباحث العالية في علم الصرف على اللغة النورانية (العربية المحمدية ﷺ)، به زبان عربي، عبدالله العلوي الفاطمي، تدريس به فارسي از ١٤٢٠ هجري قمري، منتشرنشده است.
- آيات الولاية الكبرى، به زبان عربي، عبد الله العلوي الفاطمي، تدريس به فارسي از سال ١٤١٥ هجري قمري، منتشر نشده است.
- شرح الهداية الكبرى (السيد الخصيبي)، به زبان عربي، تحقيق و تأليف عبدالله العلوي الفاطمي، تحقيق و تدوين سال ١٤١٠ تا ١٤١٥ هجري قمري، منتشر نشده است.

- معرفت الهي (معرفت عملي)، نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤١٧ هجري قمري، منتشر نشده است.
- معرفت الهي (معرفت ظاهره وجه الله، انبياء و اوصياء الهي عليهم السلام)، نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤١٧ هجري قمري، منتشر نشده است.
- معرفت الهي (معرفت باطنه وجه الله)، نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدريس به زبان فارسي از سال ١٤١٨ هجري قمري، منتشر نشده است.
- ولادت نامه حضرت مولا صاحب الأمر عليه السلام، تحقيق و تدوين عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣١ هجري قمري.
- جامي از سبوي معرفت مهدوي عليه السلام، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٢٨ هجري قمري.
- الفتح العلويّ في معرفة العليّ والعلويّ، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي الفاطمي، تدوين سال ١٤١٩ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.
- تجلي حق از كعبه وجلوه مولا در قبله، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٢٩ هجري قمري.
- مناسك عيد اكبر الهي و جشنواره ولايت، ابلاغ جهاني حضرت نبوت و رسالت صلى الله عليه وآله بر وصايت و خلافت حضرت ولايت و امامت عليه السلام نوشته عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٢٩ هجري قمري.
- مناسك عيد كبير الهي و جشنواره برائت، نوشته عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٢٩ هجري قمري.
- المنافقين و اغتيال النبي صلى الله عليه وآله (وقايع ترور بيامبر صلى الله عليه وآله)، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي الفاطمي، سال ١٤١٥ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.
- موسوعة الكلام المقدس (كلام الوحي و كلام خزنة الوحي والتنزيل)، عبد الله العلوي الفاطمي، تحقيق و تدوين سال ١٤٠٠ تا ١٤٣٠ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.

- مسانيد أصحاب الأسرار للأئمة الأطهار عليهم السلام، كتاب سلمان، كتاب مقداد، .....كتاب مفضل، ..... كتاب السفراء الأربعة عليهم السلام، تحقيق و تدوين عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤٠١ الى ١٤٢٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- القواعد النفيسة في فقه الأحاديث الشريفة، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤١٢ هجري قمري، منتشر نشده است.
- رشحات المواهب و المنن؛ في كلمات الإمام الحسن عليه السلام، تحقيق و تأليف عبد الله العلوي فاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤٠٠ هجري قمري، منتشر نشده است.
- ميقات طور حضرت موسى كليم الله عليه السلام، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٢٩ هجري قمري.
- كتاب منهج التوجه، عبد الله العلوي الفاطمي، تدوين سال ١٤١٩ هجري قمري، به زبان عربي، منتشر نشده است.
- توجه به حق تعالى از راه ناحيه مقدسه بوسيله زيارت آل ياسين كاملة، تحقيق و تدوين عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر اول سال ١٤١٩ نشر چهارم سال ١٤٣٢ هجري قمري، به زبان عربي (التوجه الى الله تعالى بالناحية المقدسة بوسيلة زيارة آل ياسين الكاملة) اقتباس من كتاب منهج التوجه، نشر سال ١٤٢٣ هجري قمري، ترجمه به زبان فرانسه: امة الله علوي، نشر سال ١٤٢٣ هجري قمري.
- زيارت خاصه رضويه عليه السلام، اقتباس از كتاب آداب حضور مقام ولايت كبرى عليه السلام، تحقيق و تدوين عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٢٠ هجري قمري، به زبان عربي (الزيارة الرضوية الخاصة عليه السلام، اقتباس من كتاب آداب حضرة الولاية الكبرى عليه السلام) نشر سال ١٤٢٠ هجري قمري، ترجمه به زبان فرانسه: امة الله العلوي، نشر سال ١٤٢٠ هجري قمري.
- زيارت جامعه صغيره؛ امين الله كامله، همراه با آداب حضور مقام ولايت كبرى عليه السلام، تحقيق و تدوين عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٢٤ هجري قمري، به زبان عربي، (الزيارة الجامعة الصغيرة؛ أمين الله الكاملة) مع آداب حضرة الولاية الكبرى عليه السلام، نشر ١٤٢٤ هجري قمري، ترجمه به زبان فرانسه: امة الله العلوي، نشر سال ١٤٢٤ هجري قمري.

- زيارت جامعه كبيره كامله، همراه با آداب حضور مقام ولايت كبرى عليه السلام، تحقيق و تدوين عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، منتشر نشده است، به زبان عربي، (الزيارة الجامعة الكبيرة الكاملة) مع آداب حضرة الولاية الكبرى عليه السلام، نشر ١٤٢٥ هجري قمري، ترجمه به زبان فرانسه: امة الله العلوي، نشر سال ١٤٢٥ هجري قمري.
- زيارت كامله حضرت زهراء عليها السلام، به همراه آداب و تقويم ايام الله فاطمية عليها السلام، و مشاهد نوراني حضرت فاطمه عليها السلام، تحقيق عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري.
- زيارت عاشوراء كامله، اقتباس از آئين حج حسيني عليه السلام، تحقيق عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٠ هجري قمري.
- زيارت عاشوراء تامه، اقتباس از آئين حج حسيني عليه السلام، تحقيق عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٢ هجري قمري.
- نسخه كامله از زيارت عاشوراء ناحيه مقدسه، اقتباس از آئين حج حسيني عليه السلام، نوشته عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، تحقيق ١٤٢٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- مناسك عاشوراي حسيني عليه السلام، تحقيق و تأليف عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، تحقيق ١٤٢٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- مقتل جامع حسيني عليه السلام، تحقيق و تأليف عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق ١٤٢٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- آئين حج حسيني عليه السلام، تحقيق و تأليف عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، تحقيق ١٤٢٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- الدراسات الفقهية، كتاب الطهارة، كتاب الصلاة، كتاب الحج، كتاب الصوم، كتاب الخمس، كتاب الزكاة، كتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، كتاب الدفاع والجهاد، كتاب القضاء، كتاب الشهادات، كتاب الحسبة، كتاب القصاص، كتاب الديات. عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي وفارسي، تدوين از سال ١٤٠٥ تا ١٤١٢ هجري قمري، منتشر نشده است.

- جامع البحوث الأصولية، عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين از سال ١٤٠٥ تا ١٤١٢ هجري قمري، منتشرنشده است.
- تاريخ تعاطي الأصول الفقهية بين المذاهب الإسلامية، عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤١٥ هجري قمري، منتشر نشده است.
- مبادي أصول الفقه وجذورها، عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤١٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- الأصول الفقهية الخالصة والدخيلة، عبدالله العلوي الفاطمي، به زبان عربي، تدوين سال ١٤١٢ هجري قمري، منتشر نشده است.
- منهج العبودية (آئين بندگي)، در شرح مستندات احكام و آداب آئين الهي، عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق ١٤٠٤ هجري قمري، منتشر نشده است.
- جامع المسائل، در بيان احكام و آداب آئين الهي، عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق ١٤٠٥، نشر اول سال١٤١٥ نشر دوم ١٤٢٥ نشر سوم ١٤٣٥ هجري قمري.
- پاسخ برگزيده، در بيان احكام و آداب آئين الهي، عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق ١٤٠٥ نشر اول سال١٤١٥ نشر دوم ١٤٢٥ نشر سوم ١٤٣٥ هجري قمري.
- صلاة جامعة، نوشته عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤١٧ هجري قمري.
- مناسك ديدار حق، جزء هفتم از كتاب پاسخ برگزيده، در بيان احكام و آداب حج و زيارت مشاهد انبياء و اوصياء الهي عليهم السلام، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، تحقيق ١٤٠٥، نشر اول سال١٤١٥ نشر دوم ١٤٢٥ نشر سوم (در سه جلد كتاب توجه، كتاب زيارت، كتاب حج و عمره) سال ١٤٣٥ هجري قمري.
- متن نماز، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر اوّل سال ١٤١٥ نشر دوّم سال ١٤٣٥ هجري قمري.
- تعقيبات نماز، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر اوّل سال ١٤١٥ نشر دوّم سال ١٤٣٥ هجري قمري.

ادعیه و اذکار و سور و آیات در تعقیبات نماز و برنامه های روزمره عبادی، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٥ هجري قمري.

تلاوت در نماز، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٥ هجري قمري.

آئین نماز، جزء سوم از کتاب پاسخ برگزیده، در بیان احکام و آداب و اذکار نماز، عبد الله علوي فاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق ١٤٠٥ نشر اول سال١٤١٥ نشر دوم ١٤٢٥ نشر سوم ١٤٣٥ هجري قمري.

نیایش برتر (نماز جناب جعفر عليه السلام)، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٥ هجري قمري.

دستور العمل جامع نماز امام زمان عليه السلام، عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٥ هجري قمري.

غياث الأولياء في التوسل بحديث الكساء، آثار و برکات توسل به حدیث قدسي کساء، به زبان فارسي، تحقيق و تدوين پژوهشکده علوم معرفت الهي بنياد حيات اعلى، شروع نشر ١٤٣٣، تجديد نشر هر هفته، و آخرين نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

بارقة السماء في شرح حوادث واقعة الكساء، مشتمل بر رقيقه دقيقه در اتحاد واقعه حديث كساء در روايت ام سلمه و حضرت فاطمة عليها السلام، عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر اوّل١٤٣٣، نشر دوّم ١٤٣٥ هجري قمري.

انوار السماء في اسرار حديث الكساء، شرح فارسي منظوم (ترجيع ١٢ بند) حديث قدسي كساء، سروده علامه شهيد سيد اسماعيل بلخي رحمه الله، تحقيق و تصحيح و تدوين پژوهشكده علوم معرفت الهي بنياد حيات اعلى، نشر ١٤٣٣ هجري قمري.

رقعه استغاثه، نامه به حضرت مولا صاحب الأمر عليه السلام، انواع رقعه استغاثه با شرح اعمال و آداب قبل و حين نوشتن و هنگام ارسال، آداب و اعمال كامله رقعه جامعه، برکات رقعه استغاثه به ناحيه مقدسه، عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

ذوالفقار شناسي، ارزش شناسي و ويژگي شناسي ذوالفقار، شمشير و شمشيرزني ملل

جهان، انواع شمشيرهاي جهان در سبكهاى گوناگون شمشيرزنى؛ به زبان فارسي، نشر جزء اوّل ١٤٣٥ هجري قمري.

آيين آغاز و انجام سال قمري، تحقيق و تدوين عبد الله علوي فاطمي، به زبان فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري.

معالم الولاية والبرائة، معالم حرم الله، معالم حرم حبيب الله ﷺ، معالم بين الحرمين، معالم ماسوى الحرمين، معالم الحسين عليه السلام، معالم بلاد العراق، معالم بلاد الشام، معالم بلاد ايران، تحقيق و تدوين عبد الله العلوي الفاطمي، به زبان عربي و فارسي، تحقيق از سال ١٤٠٠ تا ١٤١٠ هجري قمري، منتشر نشده است.

تقويم الهي، هنگام ولايت و برائت، عبدالله علوي فاطمي، به زبان فارسي، تحقيق ١٤١٣، منتشر نشده است.

تقويم اوقات دهگانه شرعي، براى شهرهاي هشت بهشت و بلاد انبياء و اوصياء الهي عليهم السلام و سرزمينهاى مسلمان و ساير نقاط جهان، استخراج و تدوين پژوهشكده علوم تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر از سال ١٤١٨ به بعد، براى هر شهر تقويم مستقل، و نشر به زبانهاى فارسي عربي انگليسي و فرانسه از سال١٤٣٣، راه اندازى سامانه منجم اولاين تقويم اوقات شرعي ١٤٣٢ هجري قمري.

سالنامه تقويم رصدي قمري، تعيين هلال هر روز از ماه قمري به صورت مصور، استخراج و تدوين پژوهشكده علوم تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبان فارسي از سال ١٤٢٨، و زبان انگليسي از سال ١٤٣٤ هجري قمري به بعد.

تنجيم ساعت كواكب، نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدوين مباني: پژوهشكده علوم تقويم و نجوم و تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر سال ١٤٣٥ هجري قمري.

سالنامه ساعات كواكب، تقويم شمسي دائمي اوقات كواكب در ساعات شبانه روز به افق هر محل، استخراج پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبانهاي فارسي، انگليسي و فرانسوي از سال١٤٣٣، راه اندازى سامانه منجم اولاين تقويم ساعات كواكب ١٤٣٢ هجري قمري.

تقويم فشرده قمري، تعيين آغاز ماههاى قمري، ليالي بيض، ايام تحت الشعاع، محاق، يوم محذور، ايام كسوف، ليالي خسوف، و جدول مجالس ديني، پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبان فارسي از سال ١٤٢٦ و به زبان عربي (التقويم القمري البسيط) از سال ١٤٣١، نشر به زبان انگليسي و فرانسه از سال ١٤٣٣، و راه اندازى سامانه سه زبانه (فارسي، انگليسي، فرانسه) منجم اولاين تقويم فشرده قمرى ١٤٣٢ هجري قمري.

تقويم نجومي شرعي، تعيين آغاز هر ماه قمري، و ايام بيض، تحت الشعاع، محاق، و ايام محذور و قمر در برج عقرب (رصدي)، خسوف و كسوف، و تواريخ هنگام ولايت و برائت و ايام مجالس ديني، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر از سال ١٤٣١ به بعد، و نشر به زبان انگليسي و فرانسه از سال ١٤٣٣ هجري قمري.

تقويم نجومي همگاني، تقويم قمري شمسي اسلامي هجري ميلادي محمدي ﷺ و مسيحي عليه‌السلام و ذوالقرنين و تاريخ آفرينش آدم عليه‌السلام و عصر صاحب الأمر عليه‌السلام، و جداول وضعيت خورشيد و ماه در منازل و بروج نجمي و فلكي، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبان فارسي از سال ١٤٢٧ و نشر به زبان عربي (التقويم الفلكي العام) از سال ١٤٣٠ به بعد، و نشر به زبان انگليسي و فرانسه از سال ١٤٣٣، راه اندازى سامانه سه زبانه (فارسي، انگليسي، فرانسه) منجم اولاين تقويم همگاني ١٤٣٣ هجري قمري.

راهنماي طب نجومي يا تنجيم طبي، راهنماى اطباء و منجمان كهن و اسلامي در حوزه تشخيص طبّي و مديريت درمان و بكارگيرى دانش نجوم و تنجيم براى بهداشت و سلامتى تن و روان، به زبان فارسي، نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدوين مباني: پژوهشكده علوم طب جامع و پژوهشكده علوم نجوم و تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

سالنامه تقويم نجومي طبي، راهنماي نجومي سلامتي، چگونگي بكارگيري دانش نجوم براى بهداشت و سلامت تن و روان، به زبان فارسي، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر از سال ١٤٢٩ هجري قمري به بعد.

روزنامه گاه شناسي يا تقويم نجومي جامع، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر حدود ٣٠٠٠ شماره از ١٤٢٨ هجري قمري به بعد.

سالنامه تقويم نجومي تخصصي، به زبان فارسي، (التقويم الفلكي الإحترافي) به زبان عربي، تقاويم هفتگانه قمري و شمسي و جداول وضعيت كواكب و نجوم و نقاط فلكي در بروج فلكي و نجمي و منازل و استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبان فارسي، از سال ١٤٢٨ به بعد، و به زبان عربي از سال ١٤٣٠ به بعد، راه اندازى سامانه منجم اولاين تقويم تخصصي ١٤٣٥ هجري قمري.

سالنامه اختيارات نجومي، به زبان فارسي، (الإختيارات الفلكية) به زبان عربي، بيان اوقات مسعود و محذور براى هفتاد موضوع در ايام ماههاى قمري و شمسي و نقص سعادت و مناحس قمر و كواكب، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر از سال ١٤٣١ هجري قمري به بعد.

وقايع فلكي خاص، وقايع خسوف و كسوف، تدبير آثار فلكي خسوف و كسوف با هدايت تعاليم مكتب وحي، نوروزنامه، آغاز سال ختايي و چيني، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر از سال ١٤٢٦ هجري قمري به بعد.

منجم تقويم جهاني جامع، سامانه منجم اولاين؛ شرح و محاسبه تواريخ براى هر زمان در گذشته و آينده بر اساس تواريخ: هجري قمري، ميلادي محمدي ﷺ و آفرينش آدم عليه‌السلام و عصر حضرت صاحب الأمر عليه‌السلام، هجري شمسي ايران و افغانستان، بروج شمسي اسلامي، ماههاي فرسي باستاني، ميلادي مسيحي و جولياني، ذوالقرنين (رومي)، عبري، تقويم هند، مايان (سرخپوستان آمريكا)، تقويمISO-8601، روز جوليان، روز جوليان تبديل شده، يونيكس، Excel؛ استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٢ هجري قمري.

سالنامه سعادتنامه، بيان خجسته ترين اوقات عاري از مناحس قمر و كواكب و فاقد نقص سعادت و واجد كمالات اختيارات، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر از سال ١٤٣٥ هجري قمري.

رساله اوقات دعاي مستجاب، و هنگام و شرائط فلكي استجابت انواع حوائج و اوقات

ناقض دعاء، بيان مباني علمي و احكام آن از تعاليم مكتب وحي و دانش نجوم كهن و اسلامي؛ نوشته عبد الله علوي فاطمي، تدوين: پژوهشكده علوم كلام خازنان وحي و استخراج تقويم: پژوهشكده علوم نجوم و تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

سالنامه تقويم ستاره حاجت ياب (كف الخضيب)، هنگام رسيدن ستاره حاجت ياب (كف الخضيب) در صورت فلكي دعاء به وسط السماء، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر از سال ١٤٣٥، راه اندازی سامانه منجم اولاين تقويم ستاره حاجت ياب (ساعت كف الخضيب) ١٤٣٥ هجري قمري.

سامانه منجم اونلاين تعيين قبله با تصاوير ماهواره اي و روش مثلثات كروي، به ٨ زبان (عربي فارسی تركی اردو آلبانی اسپانيايي فرانسه انگليسي)، تحقيق و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر ١٤٣٣ هجري قمري.

روشهاي تعيين قبله، بررسي دقت قبله بناهاي اسلامي، تحقيق و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

رساله شرف شمس، توصيف نقش اسم اعظم، زمان قويترين ساعت، دلالات و اختيارات، راز تأثير و آداب، تحقيق عبد الله علوي فاطمي، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر از سال ١٤٣١، كاملترين نسخه نشر ١٤٣٥ هجري قمري.

رساله باران نيسان، تبيين آسمانی و فرازميني بودن باران؛ از تعاليم مكتب وحی و جديدترين يافته های علمی (بايكوت شده)؛ و ارزش حياتی و معنوی آب نيسان، تحقيق عبد الله علوي فاطمي، تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر اول سال ١٤٣١ نشر سوم ١٤٣٥ هجري قمري.

راه آسمان، دروسي در علوم تقويم نجوم تنجيم كهن و اسلامي، تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، تاكنون ٤٠٠ جزء تحقيق و برنامه ريزی شده، اما نشر عمومی؛ تنها ٧٠ جزء آن؛ از سال ١٤٢٧ هجري قمري به بعد منتشر شده است.

- سالنامه آغازنامه ماه قمري، بررسي وضعيت رؤيت هلال و آغاز هر ماه قمري، استخراج و تدوين پژوهشكده تقويم نجوم تنجيم بنياد حيات اعلى، نشر به زبان فارسي از سال ١٤٢٨ به بعد، و نشر به زبان انگليسي و فرانسه از سال ١٤٣٥ هجري قمري.

- گنجينه طب كهن و اسلامي، (مباني، تشخيص، معالجات، تجربيات) تحقيق و تدوين عبد الله علوي فاطمي، از سال ١٤٠٢ به بعد، به زبان عربي و فارسي، منتشر نشده است.

- آموزش پاكزيستي، روشها و ابزار طيب و اصول پاكزيستي، طيبات غذا و دارو و پوشاك، تهيه و نشر پژوهشكده علوم پاكزيستي بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر از ١٤٢٦ هجري قمري.

- بيني پاك، آناتومي مجاري بيني و سينوسها و بهداشت و درمان جامع، تحقيق و تدوين پژوهشكده علوم طب جامع بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٣ هجري قمري.

- مائده سلامت و فرآورده هاي حكيمانه غذايي، آموزش تهيه و ساخت، تدوين و نشر پژوهشكده علوم طب جامع بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر از ١٤٣٣ هجري قمري.

- دروس كاربردي علوم طب جامع، تحقيق و نشر پژوهشكده علوم طب جامع بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، آموزش و نشر از سال ١٤١٨ هجري قمري.

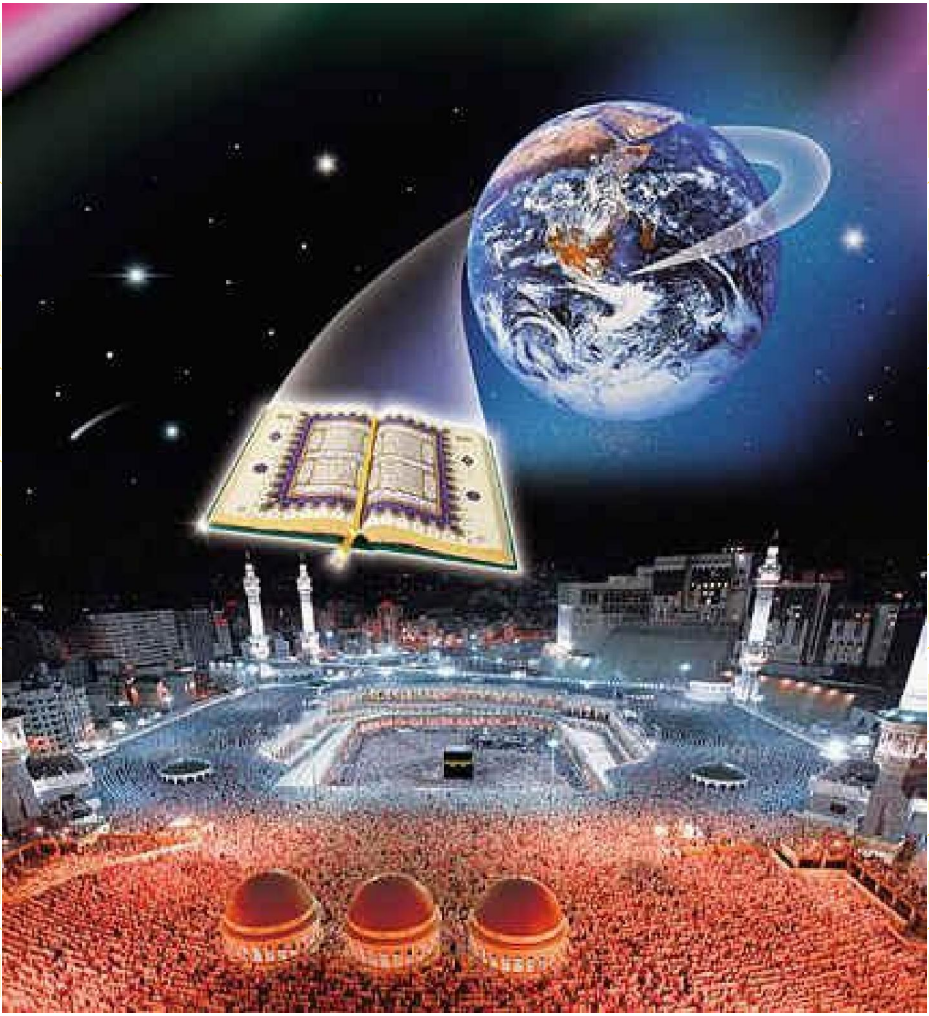
- دائرة المعارف داروشناسي طب كهن و اسلامى، تحقيق و نشر پژوهشكده علوم طب جامع بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، تحقيق از سال ١٤١٨ نشر تدريجي اونلاين از ١٤٣٤ هجري قمري.

- دائرة المعارف درمان شناسي طب كهن و اسلامى، تحقيق و نشر پژوهشكده علوم طب جامع بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، تحقيق از سال ١٤١٨ نشر تدريجي اونلاين از ١٤٣٥ هجري قمري.

- آموزش قبل از پنج (سالگي)، آموزش روش تعليم به جنين و نوزاد و شيرخوار و كودكان تا پنج ساله، تهيه: پژوهشكده علوم آموزش برتر، تدوين و ارائه: آموزشكده علوم آموزش برتر، بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري.

زبان نوزاد، آشنايي با پيامها و درخواستهاي نوزادان شيرخواره، واژگان كليدي زبان مخصوص كودكان شيرخواره، تهيه: پژوهشكده علوم آموزش برتر، تدوين و ارائه: آموزشكده علوم آموزش برتر؛ بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣١ هجري قمري.

آشنايي با عمارت برتر (اعلى)، معرفي اهداف، روشها، برنامه ها و اصول عمارت برتر، تهيه و تدوين پژوهشكده علوم عمارت برتر بنياد حيات اعلى، به زبان فارسي، نشر ١٤٣٢ هجري قمري.



پژوهشکده ها و آموزشکده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تنجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیستی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی با نیروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهيّة

تحقیق ۱۴۰۵ نشر اول ۱۴۱۵ نشر دوم ۱۴۲۵ نشر سوم ۱۴۳۵

نسخه: محرم الحرام ۱۴۳۶

www.Aelaa.net

Aelaa.net@gmail.com

و الحمد لله ربّ العالمين